

باسمه تعالی

**نقش الگوهای جنگ در تعدیل
فرومایگی اخلاقی
(برخی از) دانشجویان**

مرتضی منطقی

فروردین ماه ۱۳۹۸

فهرست عناوین:

مقدمه

۱- تأملی دوباره در ماهیت و مفهوم جوانی

۲- از اعتلای اخلاقی تا فرومایگی اخلاقی دانشجویان

۱-۲- تأملی در تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه بعد از انقلاب

۱-۱-۲- شکل‌گیری اقتدارگرایی سیاسی و دینی اولیه از آغاز انقلاب در جامعه

۲-۱-۲- پدیدآیی مقاومت فرهنگی در جامعه

۲-۱-۳- گسترش و تعمیق اقتدارگرایی فرهنگی-اجتماعی در جامعه

۲-۱-۳-۱- تداوم اقتدارگرایی سیاسی

۲-۱-۳-۲- تداوم اقتدارگرایی دینی

۲-۱-۳-۳- گسترش اقتدارگرایی فرهنگی-اجتماعی (عدم پذیرش آزادی، نگاه تکلیفی به مردم، طرح ضرورت کنترل مردم،

برخورد مداخله‌گرایانه در زندگی خصوصی مردم، نگاه تحقیرآمیز به مردم، نگاه تهدیدآمیز به مردم، تحمیل مردم، اعمال

برخوردهای تنبیهی با مردم)

۲-۱-۴- کاهش سرمایه اجتماعی در دوران پساجامی

۲-۱-۴-۱- افزایش مشکلات اقتصادی

۲-۱-۴-۲- افزایش آسیب‌های اجتماعی

۲-۱-۴-۳- افزایش مشکلات فرهنگی

۲-۱-۴-۴- افزایش مشکلات عقیدتی

۲-۱-۴-۵- افزایش مشکلات قضایی

۲-۱-۴-۶- افزایش آسیب‌های زیست محیطی

۲-۱-۴-۷- افزایش مشکلات روانی

۲-۱-۵- کاهش سرمایه اجتماعی

۲-۲- فرومایگی اخلاقی و کژاندیشی (برخی از) دانشجویان در چهل سالگی انقلاب

۲-۲-۱- در ابعاد زیستی

۲-۲-۲- در ابعاد روانی

۲-۲-۳- در ابعاد فرهنگی-اجتماعی

۲-۲-۴- در ابعاد عقیدتی

۲-۲-۵- در ابعاد اقتصادی

۲-۲-۶- در ابعاد سیاسی

۳- در جست و جوی راهکاری برای ارتقای اخلاقی دانشجویان

۳-۱- بررسی مفهوم مراقبه در متون اخلاقی

۳-۲- محاسبه و مراقبه معمول رزمندگان

۳-۲-۱- ارزیابی مستمر اعمال و رفتارهای خویش

۳-۲-۲- مراقبت در احوالات خویش

۳-۲-۳- مراقبه اجتماعی

۳-۲-۴- پنهان نگه داشتن تأمل‌های درونی، خودسازی و عبادت خویش

۳-۲-۵- مخفی نگه داشتن کمک‌های خیرخواهانه خویش

۳-۲-۶- پنهان نگه داشتن مدارج مادی و معنوی خویش

۳-۲-۷- تلاش برای ناشناخته ماندن

۳-۲-۸- پرهیز از مطرح شدن در برابر دیگران

۳-۲-۹- پرهیز از راحت طلبی و لذّایذ دنیوی

۳-۲-۱۰- تحمیل سختی و ریاضت به نفس

۳-۲-۱۱- تحقیر و تخفیف نفس خویش

۳-۲-۱۲- حلالیت طلبی جهت خطاهای خویش

۳-۲-۱۳- تنبیه خود جهت خطاهای انجام شده

۳-۳- مراقبه جمعی

۳-۴- مراقبه متعالی

۳-۵- مراقبه پس از مرگ

۳-۶- مراقبه جمعی پس از مرگ

۴- تأملی دوباره

برخی از مآخذ

مقدمه

اثر حاضر دارای دو فراز هست. در فراز نخست پس از بررسی تحول مفهوم جوانی، تلاش شده است تا با زیر بنا قرار دادن آموزه دینی «الناس علی دین ملوکهم» (مردم طبق سیره رهبرانشان عمل می کنند)^۱، هم‌زمان با بررسی تحول‌های اجتماعی، تحول‌های اخلاقی دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد.

در فراز دوم کتاب، کوشیده شده است تا با استعانت از ادبیات جنگ و آثار بازمانده از رزمندگان ایران در جنگ ۸ ساله، افق جدیدی فراوی دانشجویان ترسیم گردد تا دانشجویان در عین مواجهه با جلوه‌های متعددی از فرومایگی اخلاقی که در فضای واقعی و مجازی وجود دارند، به این مسأله وقوف پیدا کنند که به جز جلوه‌های اخیر، افق‌های اخلاقی دیگری نیز وجود دارد که آنان می‌توانند با استناد و اتکا به آن‌ها، راه دیگری را برای زیست اخلاقی خویش انتخاب کنند.

^۱ - عبارت «الناس علی دین ملوکهم» به صورت «الناس بامرائهم اشیه منهم بآبائهم» هم آمده است. سایت گنجینه پاسخ‌ها (Islam quest net) در همین ارتباط می‌نویسد:

«آیا حدیث الناس علی دین ملوکهم درست است؟»

این متن در منابع روایی وجود دارد، اما این که این بیان حدیث منقول از معصوم باشد یا ضرب المثل، چندان روشن نیست. به نظر می‌رسد این سخن ضرب المثل بوده که به جهت کثرت استعمال در محاورات به حدیث معروف شده است. چنان که در کشف الغمه آمده است: «كما ورد فی الحدیث و المثل».

به هر حال این سخن بیانگر یک واقعیت اجتماعی است و آن این که معمولاً اقشار پایین دست جامعه - غیر از دانشمندان و عالمان - به دلیل جهل و ناآشنایی با دین و مسایل دینی تأثیرپذیری بیشتری نسبت به عالمان و نخبگان دارند و آن هم می‌تواند به جهت ابزارهایی باشد که در اختیار حاکمان و پادشاهان قرار دارد. حاکمان با ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌های عمومی که در اختیار دارند، آنچه را خود می‌پسندند و به نفع حکومت و قدرت آن‌ها است، به عنوان باوری صحیح به مردم تحویل می‌دهند و مردم هم عموماً نگاهشان به آنان است و رفتار و کردار خویش را بر اساس همان باورهای تحمیل شده تنظیم می‌کنند.

قرآن کریم نیز به این مسأله اشاره دارد، آن جا که می‌فرماید: «و(در قیامت)، همه آن‌ها در برابر خدا ظاهر می‌شوند در این هنگام، ضعفا (دنباله‌روان نادان) به مستکبران (و رهبران گمراه) می‌گویند: «ما پیروان شما بودیم! آیا (اکنون که به خاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده‌ایم،) شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟».

«به خاطر بیاور هنگامی را که در آتش دوزخ با هم محاجّه می‌کنند، ضعیفان به مستکبران می‌گویند: «ما پیرو شما بودیم، آیا شما (امروز) سهمی از آتش را بجای ما بپذیرا می‌شوید».

منظور از «ضعفا» کسانی هستند که آگاهی و دانش کافی و استقلال فکری نداشتند، چشم و گوش بسته به دنبال سردمداران کفر حرکت می‌کردند؛ یعنی پیروان نادانی که با تقلید کورکورانه، خود را به وادی ضلالت افکندند.

بنابر این، این سخن - چه حدیث باشد و چه مثل - از جهت محتوا با آموزه‌های قرآن منطبق بوده و هیچ دلالتی بر جبر هم ندارد؛

چراکه آنان با اختیار خود به جهت جهل و نادانی از حاکمان خود پیروی کرده‌اند».

در فراز نخست کتاب، با بررسی تاریخی مفهوم جوانی، خاطرنشان گردیده است که در درجه نخست، جوانی در طول تاریخ بشر، دوره‌ای بحرانی و پرتنش دیده شده است و در درجه بعد، به دلیل تحولات عصر حاضر، با گسترش یافتن و تمدید دوره جوانی، بر عمق مسایل و مشکلات آن افزوده شده است.

در ادامه، با تأکید بر این که دوره جوانی، دوره‌ای حساس و پرتلاطم است، خاطرنشان شده است که در صورت بسترسازی برای شکوفایی خیرخواهی درونی جوان، وی در جهت رشد و اعتلای جامعه خویش به حرکت درآمده، ضمن ساختن جامعه-اش، به ساختن و اعتلای خویش خواهد پرداخت، اما در صورتی که بستر مساعد برای شکوفایی جوان فراهم نباشد و وی در برخورد با واقعیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و اقتصادی جامعه، دچار تلخ‌کامی، یأس و سرخوردگی گردد، انرژی گسترده وی هرز رفته، جوان ممکن است به سادگی به هنجارشکنی و مقابله با آنچه آن را برحق نمی‌داند، برسد.

این اثر برای بررسی تحول‌های اخلاقی دانشجویان با زیربنای قراردادن آموزه دینی «الناس علی دین ملوکهم» (مردم طبق سیره رهبران‌شان عمل می‌کنند)، کوشیده است تا تحول‌های اخلاقی دانشجویان را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. از این رو تحول‌های اخلاقی دانشجویان به مثابه رونمای تحول‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی و سیاسی جامعه در نظر گرفته شده است و هم‌زمان با بررسی تحول‌های اجتماعی جامعه، تلاش شده است تحول اخلاقی دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد. بررسی رفتارشناسی جوان ایرانی از آغاز انقلاب دلالت بر آن دارد که اگر چه در آغاز انقلاب رهبران انقلاب با بهاء دادن به جوانان و باز کردن عرصه برای بروز استعدادها، خلاقیت‌ها و خیرخواهی‌های درونی جوانان، در عمل اسباب رشد، شکوفایی و اعتلای ارزشی جوانان را پدید آوردند، اما در گذر زمان، عرصه‌های اجتماعی به تدریج به روی جوانان بسته شده، جوانان با رصد تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و اقتصادی جامعه، تلخ‌کام شده، روندهای جاری را منطبق بر عواطف پر شرّ و شور و اندیشه انقلابی خویش نمی‌یابند. از این رو جوانان با بسته دیدن نسبی عرصه‌های تعالی و درخشش، بعضاً مسیر هنجارشکنی را پیشه خویش کرده، کوشیده‌اند تا ناکامی نسبی خویش را با تخالف‌ورزی‌های مختلف تشفی ببخشند. عناوینی که در این قسمت مورد بحث قرار گرفته و درصدد ارایه ترسیمی از تحول‌های اجتماعی جامعه بوده‌اند، به قرار زیر است:

شکل‌گیری تدریجی اقتدارگرایی سیاسی و دینی از آغاز انقلاب در جامعه، پدیدآیی مقاومت فرهنگی در جامعه، گسترش و تعمیق اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی در جامعه (تداوم اقتدارگرایی سیاسی، تداوم اقتدارگرایی دینی و گسترش اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی - عدم پذیرش آزادی، نگاه تکلیفی به مردم، طرح ضرورت کنترل مردم، برخورد مداخله‌گرایانه در زندگی خصوصی مردم، نگاه تحقیرآمیز به مردم، تحمیق مردم، نگاه تهدیدآمیز به مردم، اعمال برخوردهای تنبیهی با مردم-)، کاهش سرمایه اجتماعی در دوران پساخاتمی (افزایش مشکلات اقتصادی، افزایش آسیب‌های اجتماعی، افزایش مشکلات فرهنگی، افزایش مشکلات عقیدتی، افزایش مشکلات قضایی، افزایش آسیب‌های زیست محیطی و افزایش مشکلات روانی)، تحقق فرومایگی اخلاقی اقشاری از دانشجویان هم‌زمان با کاهش شدید سرمایه اجتماعی در چهل سالگی انقلاب.

در ادامه، ضمن اذعان به یک‌دست نبودن جامعه دانشجویی و تأکید بر وجود دانشجویانی خلاق، پویا و مهذب، کوشش شده است تا با نگاهی آسیب‌شناختی، جلوه‌هایی از فرومایگی اخلاقی اقشاری از دانشجویان، با بررسی آسیب‌های اجتماعی زیر مورد بحث قرار گیرد:

در ابعاد زیستی (افزایش کاربری زنان از وسایل آرایشی، گسترش کاربری مردان از وسایل آرایشی، افزایش میزان جراحی - های زیبایی در زنان، افزایش کاربری از پیرسینک، عمده شدن بدن در جنس مؤنث و مذکر، استقبال مردان از جراحی زیبایی، پرهیز از بارداری برای جلوگیری از بهم خوردن فیزیک بدنی، تلاطم جنسی - کاربری از ادبیات هرزه‌نگار، سرخوردگی جنسی، افزایش روابط فرازنشویی، ازدواج سفید، روابط ضربداری - ازدواج صورتی -، عشق دایره‌ای، سکس وحشی، هم - جنس گرایی، عشق بیمارگون، کاربری از فیلم‌های هرزه‌نگار با هدف آموزشی، زندگی تخیلی، همسفریاب - پایه یاب -، پدیده بی، دزدی دوست پسر یکدیگر -)؛

در ابعاد روانی (احساس بدشکلی بدنی، افسردگی فیس‌بوکی - اینستاگرامی -، عشق با کاربری از کرش فایندر، گسترش مصرف ماری جوانا، کاهش سن مصرف مواد مخدر، اعتیاد به فناوری‌ها، مخدر دیجیتال، کاهش سن مصرف الکل، افزایش پرخاشگری درونی، تهدید بهداشت روانی کاربران فضای مجازی)؛

در ابعاد اجتماعی - فرهنگی (کم رنگ شدن فرهنگ ملی، به تمسخر گرفتن فرهنگ ملی، به تمسخر گرفتن جنس مخالف و موافق، اعتقاد به گسست نسلی، پناه بردن به فضای مجازی، افسردگی اجتماعی، بریدگی از هویت تاریخی، هویت زودبسته - شده، هویت سردرگم، شکل‌گیری هویت شبکه‌ای، تحقق هویت اشتراکی، ایجاد هویت کاذب، شکل‌گیری هویت پنهان، شکل‌گیری هویت دوپاره شده، هویت فرهنگی معارض، تحقق هویت سرمست یا ژن خوب، استقبال از فرهنگ جهانی، جابه - جایی مراجع ارزشی جوانان، دفاع از فرهنگ لذت‌مدار، تحول روابط دختر و پسر، تخریب فرهنگی، تحول‌های ارزشی جامعه زنان - مسأله مالکیت بدن، استقبال از ورزش‌های رزمی، خشن شدن بزهکاری زنان، اخذ ارزش‌ها از جهان مدرن -، بحران الگوگیری نوجوانان و جوانان، الگوگیری از هنرپیشه‌های روز غرب، الگوگیری از شاخ‌های اینستاگرامی، استقبال از لمپنیسم اجتماعی، کنار نهادن رودربایستی‌ها، کم رنگ شدن شرم و حیا و عفاف، سوق یافتن به سمت ابتذال شخصیتی، رکیک شدن نسبی محاوره دانشجویان، پرخاشگری الکترونیکی، استقبال از ادبیات هرزه‌نگار، استقبال از سرگرمی‌های غیرمتعارف، هیجان جویی مرضی، قرار گرفتن در گرداب لایک، به نمایش نهادن خود در مسابقات مدلینگ، خرید و فروش لایک، هک کردن اطلاعات دیگران، تقلب، خرید و فروش تحقیق، پایان نامه و مقاله؛ دور زدن موانع اجتماعی)؛

در ابعاد عقیدتی (تحولات قرائت دینی دانشجویان، برخورد خرافی با دین، کاهش ابعاد پیامدی و مناسکی دین، تأکید بر ریاکاری موجود در جامعه و دین، تأکید بر تبعیض‌های جنسیتی اسلام، تلاش در جهت خرافی نشان دادن دین، به سخره گرفتن مذهب، زیر سوال بردن چهره رحمانی دین، گرایش به جابه‌جایی مرجعیت عقلی به جای مرجعیت دینی، جابه‌جایی اخلاق دینی با اخلاق اجتماعی، تفسیرهای جدید دینی، پذیرش تنها خدا، شیطان‌پرستی، پذیرش خداگونه شدن آدمی، پذیرش نظریه دین به مثابه افیون توده‌ها، جایگزینی عرفان‌های نوظهور به جای دین، معیار قرار دادن ارزش‌های اومانستی - مانند دفاع از هم‌جنس گرایی -، تحولات پوشش دانشجویان، تغییر دین برای مهاجر، گرایش به پوچ گرایی)؛

در ابعاد اقتصادی (تلاش برای کسب پول به هر طریق ممکن، فحشای مجازی - شارژ کشیدن -، احساس سیری ناپذیری در کسب پول، کاربری اقتصادی از فضای مجازی، تلاش برای مدل شدن، استقبال از شوگر ددی و شوگر مامی، استقبال از شرط‌بندی - قمار -)؛

و در ابعاد سیاسی (کاهش شدید سرمایه اجتماعی، مقابله نسبی با اقتدارگرایی مسوولان در فضای اجتماعی جامعه -مقاومت فرهنگی-، مقابله جدی با اقتدارگرایی مسوولان در فضای اجتماعی جامعه -مقابله خصمانه-، مقابله با اقتدارگرایی مسوولان در فضای مجازی -توهین به مسوولان، به سخره گرفتن مسوولان-).

پس از ارایه توصیفی از جلوه‌های تنزل و انحطاط اخلاقی افشاری از دانشجویان در ابعاد زیستی، روانی، فرهنگی -اجتماعی، عقیدتی، اقتصادی، سیاسی، در فراز دوم کتاب کوشیده شده است تا با تمسک به ذخایر باقی مانده از جنگ ۸ ساله، با اتکا به عرفان سرخی که بدنه جنگ در طول جنگ ۸ ساله پدید آوردند، با طرح مفاهیم «مراقبه»، «مراقبه متعالی»، «مراقبه جمعی»، «مراقبه پس از مرگ» و «مراقبه جمعی پس از مرگ» برخی از رزمندگان، این امکان برای دانشجویان پدید آید که اخلاقیات تنها آنچه آنان در سطح جامعه خودشان و مسوولان می‌بینند، نیستند و افق‌های والاتری هم برای الگوبرداری و زیست اخلاقی آنان وجود دارد.

۱- تأملی دوباره در ماهیت و مفهوم جوانی

نگارنده گاهی از اوقات، در جریان طرح مسأله جوانی و جوان برای دانشجویان، مضمون پیامی دال بر این مسأله را برای آنها می‌خواند که بیان می‌دارد: «اگر اجازه دهیم نسل جوان به رفتارهای عنان گسیخته خود ادامه دهد، تمدن ما بر باد خواهد رفت» و بعد از دانشجویان می‌پرسد، به نظر شما این متن متعلق به چند سال پیش است؟ برخی می‌گویند: متعلق به ۵ سال پیش است، بعضی از ۱۰ سال و برخی از ۱۵ سال پیش یاد می‌کنند. اما واقع امر این است که متن اخیر متعلق به ۵۵۰۰ سال پیش است و ترجمه یکی از سنگ نوشته‌هایی است که از تمدن قدیم سومر در شهر اور به دست آمده است (لاور، ۹، ترجمه امامی، ۱۳۷۳). اگر در طول تاریخ گام برداشته، به جلو بیاییم، ملاحظه می‌شود که مشابه عبارات پیش گفته، عیناً روی پاپیروس‌های مصری‌ها منعکس شده است (شرفی، ۱۳۷۲)، و باز اگر کمی جلوتر بیاییم، با نظریه پردازان یونان قدیم مواجه می‌شویم. افلاطون برای جلوگیری از شراب‌خواری جوانان بیان می‌داشت، نباید بگذاریم که آتش بر آتش ریخته شود. یعنی افلاطون جوان را اصلاً آتش می‌بیند. ارسطو نیز بیان می‌داشت که جوان آماده است که تن خود را به دست غرایزش بسپرد (پاول، ۹، ترجمه یاسایی، ۱۳۶۸).

در دیدگاه‌های اسلامی، با وجود تأکیدهای بسیاری که بر روی مسأله عواطف و رقت قلب جوان شده است، مشاهده می‌گردد که احادیث مزبور از «مستی» و «جنون» جوان نیز یاد می‌کنند (منطقی، ۱۳۷۲).

استانلی هال، پدر روان‌شناسی نوجوانی و جوانی، از جوانی با عنوان دوره‌ای پر از طوفان و تنش یاد می‌کند. نظریه اخیر مبنای بسیاری از نظریه‌پردازی‌های موجود در زمینه نوجوانی و جوانی را فراهم آورد و تنها نظریه‌ای که در برابر نظریه طوفان و تنش^۳ مطرح شد، نظریه مارگریت مید^۴ بود. مید پس از مطالعاتی که در قبیله ساموآ به عمل آورد، بیان داشت جوانی در ساموآ، با بحران و تنش توأم نیست. ولی مطالعات انسان‌شناس دیگری به نام دریک فریمن^۵ نظریه اخیر مید را زیر سوال برد، زیرا فریمن که شخصاً در ساموآ تحقیق کرده بود، بیان داشت، حرف مید شاید در قبیله تائو که در آنجا بسر برده است، صادق باشد، اما در دیگر نقاط ساموآ، جوانی با بحران، ناکامی و تنش توأم است. بنابراین نظریه طوفان و تنش در تبیین جوانی و جوانان، همچنان با استحکام باقی ماند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جوانی از گذشته تاریخ با بحران توأم بوده است و این طور نیست که بحران جوانی، طی دهه‌های اخیر مطرح شده باشد.

نکته دیگری که باید بر آن تأکید داشت، تعمیق بحران جوانی در عصر حاضر است. به این معنا که اگر در یک بررسی تطبیقی، مفهوم جوانی در جوامع پیشین و جوامع معاصر مورد بررسی قرار گیرد، ملاحظه می‌شود که تا یکی دو قرن پیش، با تحقق بلوغ زیستی، بلوغ اقتصادی نیز به شکل هم‌زمان رخ می‌داد و جوان با رفتن سر مزرعه یا دامداریش، به بلوغ اقتصادی می‌رسید، بنابراین می‌توانست معیشت خود را تأمین کرده، تشکیل خانواده دهد. با تحقق شرایط اخیر، ملاحظه می‌گردد که جوان از بند مشکلات زیستی (جنسی) خودش به میزان بسیار زیادی رهایی می‌یابد. به علاوه، جوانان در جوامع گذشته، به

¹⁻ Paul, H. M. et al.

²⁻ Hall, S.

³⁻ Storm and stress

⁴⁻ Mead, M.

⁵⁻ Freeman, D.

شکل جدی با مسأله اوقات فراغت خود مواجه نبودند، زیرا زندگی دشوار و غیرماشینی آنان، فرصتی برای پرداختن به فراغت را برای آنان باقی نمی گذاشت. با ملاحظه آرای مارکس ملاحظه می شود که وی بیش از یک قرن پیش، از ۱۷-۱۶ ساعت کار کارگران در معادن زغال سنگ و مانند آن یاد می کند، یعنی انسان در یکی دو قرن پیش برای گذران زندگی مجبور به انجام کارهای طاقت فرسایی بود که شاید فرصتی برای وی باقی نمی گذاشت که به امور دلخواه خود بپردازد، به همین ترتیب جوانی که سرکار می رفت، از هویت مطلوب یک بزرگسال برخوردار می شد. زیرا جوان دنبال تعریف ارزش مندی از خودش هست، و جامعه زمانی که دست فردی در جیب خودش باشد، او را به مثابه یک فرد بزرگسال می پذیرد. بنابراین جوان با رفتن سر کار، هویت مطلوب و مورد نظر خویش را نیز به دست می آورد.

بنابراین در یک جمع بندی اجمالی می توان بیان داشت، جوان یکی دو قرن پیش، در سن ۱۴-۱۳ سالگی جوانیش به پایان می رسید، چرا که وارد بازار کار می شد و بلافاصله به سبب قدرت اقتصادی که به دست می آورد، در درجه نخست، مشکل زیستی (جنسی) خودش را حل می کرد و در درجه بعد، در جریان کار طاقت فرسایش، اوقات آزاد و اوقات فراغتی نداشت که بدان بپردازد و سرانجام با مستقل شدن به لحاظ اقتصادی، از سوی جامعه به عنوان یک فرد بزرگسال در جامعه شناخته می شد. اما اگر جوانی در عصر حاضر مورد بررسی قرار گیرد، ملاحظه می شود که بین بلوغ زیستی و بلوغ اقتصادی، شکاف وسیعی رخ داده است، به این معنا که از سویی، بلوغ زیستی زودتر رخ داده، از سوی دیگر بلوغ اقتصادی، یکی دو دهه به تأخیر انجامیده است. جوانان امروز در قیاس با جوانان دهه های پیشین، به علت بهبود تغذیه و بهداشت و افزایش تحریک های محیطی (مانند مطالعه یا دیدن محتوای هرزه نگار)، زودتر به بلوغ جنسی خود می رسد. یکی از محققان غربی خاطرنشان می سازد، در سال ۱۸۸۸ دختر غربی در سن ۱۴/۸ سالگی بالغ می شد، اما در سال ۱۹۸۸ وی در ۱۲/۵ سالگی بالغ می شده است، یعنی در هر دهه، حدود سه ماه از سن بلوغ وی کاسته شده است. از سوی دیگر بلوغ اقتصادی جوان نیز با تأخیر مواجه است. یعنی یک جوان دیگر نمی تواند با پرداختن به حرفه های ساده ای مانند کشاورزی یا دامداری در اشکال ساده، به تأمین معیشت خود نایل آید، بلکه باید تخصص و حرفه ای بیاموزد که همین مسأله بلوغ اقتصادی وی را با تأخیر روبرو می سازد.

شکاف ایجاد شده بین بلوغ زیستی و بلوغ اقتصادی جوان، حاوی سه تبعه زیستی، روانی و اجتماعی برای جوان است. به عبارت دیگر، اگر مثلی را با سه رأس در نظر بگیریم، مشکلات زیستی (جنسی) یک رأس آن و مشکلات روانی (فراغتی) و اجتماعی (هویتی) رأس های دیگر آن را تشکیل می دهند و باید برای برخورد بهینه با معضله هایی که در اثر فاصله ایجاد شده بین بلوغ زیستی و بلوغ اقتصادی پدید آمده است، همه کشورهای جهان در اندیشه برخورد بهینه با تحولات اخیر جوانی باشند.

بنابراین با توجه به آن که بسیاری از روان شناسان و جامعه شناسان، پایان دوره جوانی را در گرو ورود جوان به عرصه کار دانسته اند، به علت آن که در گذشته فاصله بین بلوغ زیستی و بلوغ اقتصادی افراد، بسیار کوتاه بود، شاید جوانی دوره ای ۶ ماهه بیشتر نبود (و از همین رو است که در مفاخر ادبی ایران، مفهوم جوانی بسیار کم رنگ است)، اما در عصر حاضر، به دلیل شکافی که بین بلوغ زیستی و بلوغ اقتصادی جوانان رخ داده است، دوره جوانی دوره ای بسیار طولانی تر بوده، با مسایل و مشکلات عمیق تری توأم هست. به این معنا که با نگاهی به تعریف جوانی که از سوی سازمان های رسمی ارایه شده است،

مشخص می‌شود که سازمان‌های مزبور جوانی را یک مقطع ده تا بیست ساله دیده‌اند (همان‌گونه که سازمان ملی جوانان در ایران، مقطع سنی ۱۴-۲۹ سال را دوره جوانی معرفی می‌کرد).

۲- از اعتلای اخلاقی تا فرومایگی اخلاقی دانشجویان

جوانان در طول تاریخ همواره به عنوان قشری آرمان‌خواه، تحول‌گرا و تحول‌آفرین مطرح بوده‌اند.

نگاهی به صدر اسلام حکایت از آن دارد که پیامبر مکرم اسلام، صلوات الله علیه، در تبیین پیروزی نهضت خویش بیان می‌داشت، پیرها نشسته بودند و جوانان به یاری من شتافتند. مشابه همین اعتقاد در بیانات بسیاری از رهبران اجتماعی و سیاسی جوامع مختلف ملاحظه می‌شود. به عنوان مثال، سردمداران مکتب فرانکفورت پس از آن که ملاحظه کردند، پیش‌بینی مارکس مبنی بر این که جامعه سرمایه‌داری که متشکل از سه قشر سرمایه‌دار، متوسط و کارگر هست، با تحلیل رفتن قشر متوسط در اقشار سرمایه‌دار یا کارگر، در عمل به جامعه‌ای دو قطبی بدل شده و در پی این امر انقلاب مارکسیستی در جامعه پدیدار خواهد شد، در عمل محقق نشد و برعکس، به جای تحلیل رفتن قشر متوسط در اقشار کارگر یا سرمایه‌دار، بر حجم آن افزوده شد، سردمداران مکتب فرانکفورت که خود را مارکسیست‌های شکست خورده احساس می‌کردند، در پرسش از این که حالا دیگر چه کسی در جامعه انقلاب خواهد کرد، جوانان پاک طینت را جایگزین کارگرانی کردند که به زعم آن‌ها سر در آخور سرمایه‌داری فرو برده و به همین سبب نقش انقلابی‌گری خویش را از دست داده بودند.

با بررسی فضای اجتماعی جوانان در آغاز انقلاب اسلامی، مشخص می‌شود که سردمداران انقلاب، عرصه گسترده‌ای را جهت به فعلیت رساندن خیرخواهی درونی جوانان در دستور کار خود قرار داده بودند. به این معنا که جوانان در عمل می‌دیدند، انقلاب اسلامی موفق به واژگون کردن نظام دیکتاتور شاه شده است. از سوی دیگر، نظام جدید، بلافاصله مظلومانه از سویی مورد هجمه گروه‌های محارب و از سوی دیگر مورد تعرض رژیم بعثی عراق قرار گرفت. هم‌زمان جوانان نه تنها با ایجاد نهاد جهادسازندگی، از این امکان برخوردار شدند که پیام عمران و آبادی انقلاب را به اقصاء نقاط کشور ببرند، بلکه با جایگزین شدن به جای مدیران رژیم قبل و برعهده گرفتن مسوولیت‌های بزرگ در جنگ، در عمل به تحقق خیرخواهی درونی و انقلابی‌گری خویش پرداختند.

شعار جمهوری اسلامی مبنی بر نه شرقی نه غربی، واقعه مهم دیگری بود که جوانان انقلابی را دلگرم کرده، به آنان وعده ایجاد جامعه‌ای مستقل و مبتنی بر عدل و قسط و داد را می‌داد. به همین ترتیب اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان مسلمان، از سوی رهبر انقلاب با دیده تأیید نگریسته شد و کار آنان انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب نخست نامیده شد.

بررسی سال‌های اولیه انقلاب حکایت از آن دارد که از همان سال‌های نخست انقلاب برخی از مسوولان با توجه به گروه‌های محارب، ضد انقلاب و واپس مانده‌های رژیم شاهنشاهی، در جریان برخورد با آن‌ها، رفته رفته از میزان آزادی عمل شهروندان در جامعه انقلابی کاستند و جامعه را به تدریج به سمت امنیتی شدن بیش از پیش سوق دادند. به همین ترتیب رهبران انقلاب به جای تقویت بنیان‌های اقتصادی-اجتماعی جامعه و گسترش فرهنگ مدنی و دموکراسی در سطح جامعه، بیشتر توجه خود را معطوف به بیرون از مرزهای کشور کردند و کوشیدند تا با کمک به نهضت‌های انقلابی جهان، حکومت‌های مرتجع را سرنگون کرده، نفوذ معنوی خویش را در این کشورها گسترش دهند. بنابراین مردم باز با این مسأله مواجه شدند که خواست آنان در تعیین استراتژی‌های کلان جامعه مورد توجه رهبران جامعه نیست.

مضاف بر آن چه از آن یاد شد، جوانان از همان سال‌های نخست انقلاب خود را با به چالش گرفته شدن رهبری انقلاب از سوی برخی از روحانیون و شخصیت‌های اجتماعی، مواجه دیدند که بعد کاریزماتیک وی را درهم می‌شکست. با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و خاموش شدن شعله‌های جنگ، جوانان بیش از پیش خود را با فروکش کردن آرمان‌های انقلابی مواجه دیدند، به این معنا که نهاد پویای جهادسازندگی با ادغام در وزارت کشاورزی به توقف و رکود کشیده شد. بروز درگیری‌های متعدد در سطح مسوولان، حذف رقبا، گسترش رانت‌خواری‌ها از سویی و ضعف مفرط کارهای فرهنگی در سطح جامعه، محدود شدن آزادی اندیشه و بیان و به بازی گرفته نشدن جوانان در سطح جامعه از سوی دیگر، حاوی پیام‌های ناامید کننده‌ای برای جوانانی بود که که روحیات آنان با انقلابی‌گری ملازمه داشت.

جوانان در ادامه روندهای پیش‌گفته، خود را با واقعیات تلخ‌تری مواجه دیدند. به این معنا که همان جوانانی که در دوران جنگ حداقل امکانات ممکن خط مقدم جبهه‌ها را پر کرده و حفظ می‌کردند یا پیام عمران و آبادی انقلاب را به اقصاء نقاط کشور می‌بردند، رفته رفته با این مسأله مواجه شدند که رسانه‌ها از آنان به عنوان یک مشکل یاد می‌کنند و مسوولان بعضاً شعار حل مشکلات جوانان را می‌دهند.

در ادامه روندی که از آن یاد شد، هم‌زمان با تقسیم پست‌ها و بسته‌تر شدن فضای اجتماعی جامعه، جوانان احساس کردند که آنان در روابط اجتماعی، همچون اوایل انقلاب به بازی گرفته نمی‌شوند. بنابراین جوانانی که هر یک از آنان می‌توانستند در صورت به کارگیری در سطح جامعه، همچون آغاز انقلاب، تحول‌آفرین ظاهر شوند، با بسته دیدن فضا، از تحقق اقدام‌های انقلابی در سطح جامعه فاصله گرفتند و در هاله انزوای اجتماعی خویش کوشیدند تا با سرگرم ساختن خویش، پاسخی به انرژی بی‌پایان خود بدهند، اما مشکل جدید آن بود که ایران که در سال‌های نخست انقلاب به عنوان دومین کشور جوان جهان مطرح بود، امکانات لازم برای صرف وقت بهینه جوانان در امور فراغتی، تفریحی، هنری، ادبی و مانند آن‌ها را فراهم نیاورده بود. بنابراین جوانان در گرداب بی‌برنامگی مسوولان، در عمل به خودشان احواله داده شدند و سازمان ملی جوانان (که بعدها در وزارت ورزش ادغام شد)، به معاونت جوانان خود بودجه‌ای معادل ساخت یک جاده روستایی ۱۵-۱۶ کیلومتری را تخصیص داده بود که این امر به معنای پاک کردن صورت مسأله جوانان در جامعه و تنها نهادن آنان در مشکلات فرارویشان بود.

اگرچه با وجود شرایط اخیر، برخی از جوانان با اتکا به سرمایه‌های مادی و معنوی خود و خانواده‌شان، راه تعالی خویش را در جامعه ادامه دادند، اما اقشار قابل توجه دیگری از جوانان در فراز و فرودهای بی‌مهری اولیای امور به جوانان، خود را به دست سلبریتی‌های داخلی و خارجی، نشریات زرد، فضای مجازی و مانند آن سپردند.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان اظهار داشت، همان‌گونه که در حدیث شریف وارد شده است که مردم به سیره رهبران‌شان عمل می‌کنند، جوانان با ملاحظه خط‌مشی‌های مغشوش و سردرگم رهبران‌شان، سردرگمی را پیشه خویش کرده و رفته رفته با فاصله گرفتن از اخلاق پویا و انقلابی سال‌های نخست انقلاب، اخلاقی روزمره، باری به هر جهت و قشری را پیشه خود کردند و با دیدن ناملایماتی که آنان را هدف قرار داده بود یا به انحطاط نسبی اخلاقی رسیدند و یا ضمن یافتن دیدی انتقادی به مسوولان جامعه، دست به مقابله نسبی و بعدها مقابله جدی‌تر با مسوولان زدند.

در ادامه، پس از ارایه گزارشی اجمالی از روند تحول‌های اجتماعی جامعه، تحولات اخلاق دانشجویان مبتنی بر همین موارد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲-۱- تأملی در تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه بعد از انقلاب

برای تبیین تحولات اخلاقی دانشجویان، توجه به تحولات اجتماعی پس از انقلاب ضرورت دارد. از این رو در این قسمت، پس از ارایه یک بحث اجمالی در ارتباط با تحولات دینی، سیاسی و فرهنگی- اجتماعی از آغاز انقلاب تا به حال، در ادامه تحولات اخلاقی دانشجویان، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

در این قسمت نخست با یک بررسی تاریخی و کلان‌نگر، روند تحولات دینی، سیاسی و فرهنگی- اجتماعی جامعه ایران پس از انقلاب مورد توجه قرار خواهد گرفت. در این بحث خاطرنشان خواهد گردید، اگر چه در آغاز انقلاب سرمایه اجتماعی جامعه به دلایل رهبری کاریزماتیک امام خمینی، عرضه اسلام فقهاتی توأم با عرفان امام خمینی، جو انقلابی جامعه، مشاهده عملی شکل‌گیری نهادی همچون جهادسازندگی که پیام آبادانی و رفاه انقلاب را به اقصاء نقاط کشور می‌برد و مانند آن‌ها، بسیار بالا بود، اما در گذر زمان از میزان این سرمایه اجتماعی بالا کاسته شد. به این معنا که با وقوع انقلاب، اقتدارگرایی دینی و سیاسی در کلان نظام مشاهده می‌شود که این اقتدارگرایی معطوف به افراد و در نهایت گروه‌های نسبتاً مخالف یا مخالف بود، اما در گذر زمان اقتدارگرایی اخیر گسترش یافت و عرصه‌های آن به اقتدارگرایی فرهنگی و اجتماعی نیز رسید. در حالت اخیر برخلاف حالت قبل، به طور عمده مردم در معرض اقتدارگرایی فرهنگی و اجتماعی مسوولان نظام واقع شدند. در ادامه انقلاب، با روی کار آمدن جریان اصلاح‌طلبی، آقای خاتمی کوشید تا با اقتدارگرایی‌های اخیر برخورد کرده، اسلام را فارغ از اقتدارگرایی‌های دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نشان دهد، اما وی در مواجهه با دولت پنهان و اقشار سنتی و متحجر، موفق به تثبیت گفتمان خویش در جامعه نشد.

در گذر زمان با قوت گرفتن بیش از پیش دولت پنهان، اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی این دولت متوجه آحاد مردم جامعه می‌گردد. به این معنا که کسانی که شاید اموال شاه و درباریان را حق خود آنان دانسته با مصادره آن‌ها مخالف بودند یا هر ضرب آهنگی را حرام می‌دانستند و به شکل عمیقی اعتقاد دارند که مردم همچون سفها بوده، علما بسان قیم آنان می‌باشند و هیچ اعتقادی به نافذ بودن آرای عامه مردم در پیشبرد امور جامعه ندارند، عرصه را برای ارایه نظریات خویش و اعمال قدرت خویش در جامعه فراهم دیدند.

با روی کار آمدن احمدی‌نژاد برای ۸ سال، اقتدارگرایی دینی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه، ضمن تداوم یافتن، شدت گرفت که این امر از سویی با کاهش قابل توجه سرمایه اجتماعی و از سوی دیگر با مقابله نسبی مردم با اقتدارگرایی‌های اخیر توأم بود. به این معنا که شهروندان در برخورد با شرایط اجتماعی پیش گفته، برخی از سر ناچاری سکوت را پیشه خود کرده، اما برخی در اعتراض به شرایط پیش آمده، مهاجرت و خروج از کشور را در دستور کار خود قرار دادند، اما قشر قابل توجهی از مردم، دست به مقاومت نسبی در برابر خط‌مشی‌های اخیر زدند. مقاومت اخیر که می‌توان از آن با عنوان مقاومت فرهنگی یاد کرد به این صورت در جامعه محقق شد که مردم با توجه به هزینه بالای مخالفت‌های دینی و سیاسی، در عمل در پوشش رفتارهای فرهنگی و اجتماعی، دست به مخالفت عینی و عملی با خط‌مشی‌های ارایه شده مسوولان نظام زدند.

در این میان اگر بحث را معطوف به جوانان و دانشجویان کنیم، جوانان به دلیل شور انقلابی که از آن برخوردارند (نظریه مکتب فرانکفورت)، سن نفی و انکاری که به تجربه آن می‌پردازند و در صورت مواجهه با نفی، به انکار خویش ادامه می‌دهند (نظریه هانری والن) و خودپیروی که بدان علاقه می‌ورزند (نظریه پیازه) و نظریه ناکامی-پرخاشگری دانشمندان دانشگاه ییل، در برابر خط‌مشی‌های فرهنگی-اجتماعی تا سیاسی-اقتصادی و عقیدتی، به ارایه نقطه نظرهای خویش پرداختند.

جوانان در عرصه سیاسی یا دست به ترک کشور زده و یا با به چالش گرفتن نسبی خط‌مشی‌های مسوولان نظام در عرصه فضای مجازی، چالش‌گری سیاسی خود را به نمایش نهادند.

جوانان در عرصه‌های فرهنگی-اجتماعی نیز با به چالش گرفتن سبک زندگی پیشنهادی مسوولان در مواردی مانند روابط دختر و پسر، حجاب، بی‌قیدی اجتماعی، رفاه‌طلبی، لذت‌گرایی، اخذ ارزش‌های جهان مدرن و نظایر آن، در عمل دست به نفی خط‌مشی‌های پیشنهادی مسوولان جامعه زدند.

در مسایل عقیدتی نیز جوانان در تخالف‌جویی با قرائت دینی مرسوم در نظام، با زیر سوال بردن شیوه آموزش دین با ارباب افراد، دست به نقد مواردی نظیر خرافه‌گرایی، تحریف‌های دینی، برخورد ابزاری با دین، تحلیل رفتن دین در ابعاد فقهی، کم‌توجهی به بطن دین و مانند آن‌ها، دست به ارایه مختصات قرائت دینی خویش زدند.

در ادامه پس از بررسی مشروح‌تر عناوینی که از آن‌ها یاد شد، راهکارهای مداخله‌گرایانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱-۱- شکل‌گیری اقتدارگرایی سیاسی و دینی اولیه از آغاز انقلاب

با وقوع انقلاب، مردم ایران خود را با افق‌های جدیدی مواجه دیدند. رهبری کاریزماتیک امام خمینی از سویی و اسلام وی که در عین فقاقت، در برگیرنده ابعاد عرفانی نیز بود، در کنار فضای پرشور انقلاب، نفی ارزش‌های جامعه پیشین و استقبال از ارزش‌های انسانی جدید، برخی از دلایل خوش‌بینی اولیه مردم جامعه بودند. آنان به عیان می‌دیدند که کشور با نفی خط شرقی و غربی حاکم بر جهان آن زمان، راه مستقلى را پیش گرفته است و جوانان این کشور با راه‌اندازی جهادسازندگی، پیام عمران، آبادانی و رفاه انقلاب را به اقصاء نقاط کشور می‌برند. جوانان دیگری در دانشگاه‌ها، به دنبال تحقق انقلابی در فرهنگ دانشگاهی و جامعه خویش بودند و تحمیل جنگ به ایران از سوی قدرت‌های حاکم بر جهان، بر حقانیت انقلاب می‌افزود. شرایط پیش‌گفته، اعتماد و سرمایه اجتماعی گسترده‌ای را با خود به همراه آورد که جلوه‌ای از این اعتماد بالا، آرای ۹۸/۲٪ به جمهوری اسلامی پیشنهادی امام خمینی و پذیرش حجاب اسلامی از سوی اقشار وسیعی از زنان جامعه بود. به شکل مشابهی وقتی که میرحسین موسوی نخست‌وزیر وقت ایران، اعلان داشت، برای بازسازی پالایشگاه آبادان به بودجه‌ای معادل تهیه یک بار برنج کوپنی مردم ایران نیاز است، مردم با انصراف از گرفتن کوپن برنج خویش، در عمل هزینه بازسازی پالایشگاه آبادان را فراهم آوردند (شرق، ۱۳۹۳/۲/۸).

در جامعه ایران مردم شاهد آن بودند، همان‌گونه که امام پیش از انقلاب بیان داشته بود، حتی مارکسیست‌ها هم می‌توانند در جامعه اسلامی حرف‌های خودشان را بزنند، مردم با مشاهده بحث‌های آزادی که بین افراد حوزوی و دانشگاهی با رهبران

گروه‌های مارکسیستی در سیمای جمهوری اسلامی صورت می‌پذیرفت، به تحقیق بیانات امام خمینی در مورد آینده جامعه با دیده مثبتی می‌نگریستند.

اما با وجود خوش‌بینی‌های اخیر، برخی از رفتارهای اقتدارگرایانه سیاسی و دینی و به میزان اندکی رفتارهای اقتدارگرایانه فرهنگی و اجتماعی، نگرانی‌هایی را برای مردم رقم می‌زد.

رفتارهای اخیر عمدتاً دارای دو منشاء بودند که از این موارد می‌توان با عنوان «دولت پنهان» و «رهبری و اطرافیان رهبری» یاد کرد.

امام خمینی از پیش از انقلاب روایت می‌کرد که جمعی از روحانیون پیش از پیروزی انقلاب در پاریس به دیدار ایشان رفته، پیشنهاد کردند، در صورتی که ایشان حکومت اسلامی را می‌پذیرد، از ایشان حمایت به عمل بیاورند، اما امام خمینی آرای آنان را نپذیرفت، اما این افراد که بعضاً احساس دین‌داری کرده، رفتار خود را منطبق با اصل دین می‌دانند، پس از انقلاب از فعالیت‌های خویش دست نکشیدند و قربت الی الله در صدد اعمال نظرات خویش در جمهوری اسلامی بر آمده، به تعبیری دولت پنهانی را پدید آوردند که معجری آرا و افکار (الهی) آنان باشد. بالطبع وقتی افرادی، حتی اموال شاه و درباریان را حق خود آنان بدانند و با مصادره آن‌ها مخالف باشد و هر ضرب آهنگی را حرام بدانند و معتقد باشد به زنان نباید سواد آموخت (شرق، ۱۳۹۳/۳/۱۹) و یا اعتقاد داشته باشند، بی‌حجابی از مال مردم خواری بدتر است (شرق، ۱۳۹۵/۳/۱۹)، قرائت دینی این جماعت با قرائت رهبری که قایل به مصادره اموال نامشروع شاه و درباریان بود، یا طبق آموزه‌های صریح دینی، ربا را از بی‌حجابی خطرناک‌تر می‌دانست، متفاوت خواهد بود و انقلاب در ادامه، همواره از سوی دولت پنهان (که احتمالاً تلاش‌های خویش را به قصد قربت انجام داده، در تحقیق آن‌ها به شدت مُصر هستند)، شاهد ارایه نظراتی خواهد بود که ۱۸۰ درجه با نظرات دولت رسمی متفاوت خواهد بود و سردرگمی ناشی از این امر به هرز رفتن نیروهای انقلاب خواهد انجامید.

البته در این میان نباید از پیروان خرافه‌گرای جماعت اخیر نیز نادیده گذشت. به بیان حجت‌الاسلام سروش محلاتی، زمانی مرجع مطلقى مانند آیت الله بروجردی، رؤسای هیأت‌های مختلف را نزد خود جمع کرد و به آنان گفت: شما این کار و آن کار را در عاشورا انجام ندهید، اما مخاطبان ایشان گفتند، ما در ۳۶۵ روز سال مقلد شما هستیم، اما تنها در روز عاشورا مقلد شما نیستیم (شرق، ۱۳۹۴/۱۱/۶). به بیان دیگر، تعارض قرائت‌های موجود در نظام اسلامی و ایجاد اختلال‌های شدید در روند پیشبرد هر برنامه‌ای در این نظام، ذاتی آن است. به عنوان مثال، مسأله لباس شخصی‌ها یا گروه‌های موسوم به خودسر که به سادگی دست به بهم ریختن سخنرانی‌ها، اجتماعات یا کنسرت‌ها می‌زنند، (شرق، ۱۳۹۳/۴/۱۵)، بعد از گذشت نزدیک به چهار دهه از انقلاب، حل نشده باقی مانده است. قدرت افراد و گروه‌های اخیر چنان است که به خود اجازه می‌دهند وزیری را کتک بزنند، به سمت رئیس قوه مقننه کشور کفش و مهر پرتاب کنند (۱۳۹۱/۱۲/۲۲، خبرگزاری فارس) و یا به نواده امام خمینی ناسزا بگویند و سخنرانی وی را در حرم امام (شرق، ۱۳۹۴/۱۰/۵). یا دانشگاه (شرق، ۱۳۹۳/۲/۱۶) بهم بزنند و مانع پخش فیلم‌های مجوزدار بشوند (شرق، ۱۳۹۲/۶/۲۴).

در فراز دیگری با وجود آن که بسیاری از اندیشمندان جامعه بر ضرورت پرداختن پلیس به کار اصلی خودش تأکید دارند (شرق، ۱۳۹۲/۷/۱۸) و یا ریاست جمهوری به صراحت بیان می‌دارد، وظیفه پلیس اجرای قانون است، نه اسلام (شرق،

۱۳۹۴/۲/۶)، و مشکل بدحجابی با ون حل نمی‌شود (شرق، ۱۳۹۳/۶/۱۷)، مسوولان نیروی انتظامی به صراحت اعلان می‌دارند، آنان به وظیفه شرعی خود که ممانعت از ورود خانم‌ها به استادیوم‌ها و مقابله با کنسرت‌ها است، عمل می‌کنند (شرق، ۱۳۹۴/۳/۲۴). اما همین نیرو که در برابر رئیس جمهور کشور کرنش ندارد، وقتی در برابر لباس شخصی‌ها قرار می‌گیرد، در برابر آنان دست به سینه می‌ایستد تا آنان دست به تسخیر و تخریب سفارت‌های انگلیس و عربستان بزنند (شرق، ۱۳۹۴/۱۰/۲۴) یا فرزند فیلسوف انقلاب را (در شیراز) به قصد کشت مورد هجمه قرار دهند (شرق، ۱۳۹۴/۱۰/۲۴) و البته بعداً بدون آن که حتی یک ضربه شلاق برای آن‌ها در نظر گرفته شود، از سوی قوه قضائیه آزاد گردند.

گذشته از دولت پنهان و اختلال‌هایی که این دولت با اقتدارگرایی‌های خاص خود در روند پیشبرد اهداف دولت‌های رسمی جمهوری اسلامی پدید می‌آورد، مسأله رهبری و خاصه اطرافیان وی نیز در پدیدآیی اقتدارگرایی‌های سیاسی، دینی و فرهنگی- اجتماعی مؤثر بوده‌اند. به عنوان نمونه، در درگیری‌های میان بنی‌صدر و روحانیون اطراف رهبری در آغاز انقلاب، امام با پا در میانی کردن، طی جلسه مشترکی هر دو طرف دعوا را موظف به سکوت و عدم تعرض به طرف مقابل کرد. اما یک ماه از این جلسه مشترک نگذشته، برخی از آقایان روحانیون، حمله به بنی‌صدر را مجدداً شروع کرده، وقتی در مورد قول و قرارهای که نزد امام گذاشته بودند، مورد پرسش قرار می‌گیرند، با بیان این که «خودم امام را درستش می‌کنم»، کار نادرست خویش را توجیه می‌کند. در حالی که اگر طرف روحانی نیز به قول و قرار خویش متعهد می‌ماند، شاید بنی‌صدر مجبور به اتخاذ مواضع خصمانه‌تر و در نهایت اتحاد با مجاهدین خلق و فرار از کشور نمی‌شد.

نمونه دیگری از اطرافیان رهبری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، به این معنا که با وجود آن که بزرگ‌ترین پیروزی‌های ایران در جریان عملیات‌های مشترک سپاه و ارتش پدید آمده بود، مسوولان سپاه پس از فتح خرمشهر برای آن که افتخار پیروزی در جنگ را منحصر به خود کنند (همان‌گونه که بعدها، کوشیدند، دست به مصادره سرمایه‌های معنوی رزمی- مهندسی جنگ جهادسازندگی بزنند)، ساز جدایی از ارتش را می‌زنند و عملیات خویش را از ارتش جدا می‌کنند و این در حالی بود که شهید صیاد شیرازی در خاطرات خود گزارش می‌دهد، امام راحل به مسوولان سپاه تأکید کرده بود، بدون کسب نظر صیاد شیرازی دست به اقدامی نزنند.

حجت الاسلام پروازی، معاون فرهنگی لشکر حضرت رسول در خاطرات خود بیان می‌دارد تا زمانی که شهید همت به شهادت نرسیده بود، وی هر دو گروه نیروهای چپ و راست را پذیرفته و از آنان در پیشبرد امور لشکر سود می‌جست، اما پس از شهادت همت، با جایگزین شدن محمد کوثری به جای وی، کوثری با پیشنهاد بازگشت حجت الاسلام پروازی برای ادامه درس خواندن در قم، محترمانه عذر وی را و در ادامه دیگر نیروهای چپ لشکر را می‌خواهد (شرق، ۱۳۹۵/۱۱/۱۵).

برخی از مسوولان سپاه نیز با وجود اقدام‌های درخشان شهید محمد بروجردی (که حتی کاندید مسوولیت سپاه بود، اما با کنار کشیدن وی، محسن رضایی که آرای کمی‌تر از وی داشت، مسوول سپاه شد). به صرف آن که قبل از انقلاب با مجاهدین انقلاب اسلامی حشر و نشر داشته است، از مسوولیت فرماندهی سپاه کردستان کنار گذاشته شد و کارش به جایی رسید که به عنوان یک نیروی ساده با ماشین نیروها را جا به جا می‌کرد و در همین ایام نیز بدون آن که کمترین پستی در سپاه داشته باشد،

به شهادت می‌رسد. به شکل مشابه مسوولان سپاه با این استدلال که چمران مرید بازرگان بود، عکس وی را از مجموعه شهادتی که به نمایش نهاده بودند، کنار می‌گذارند.

در فراز دیگری با آن که امام خمینی در جلسه مشورتی با مسوولان سپاه و چند نفر از روحانیون ارشد کشور، با وجود مخالفت شخصی با ادامه جنگ، نظر مسوولان سپاه را در ورود به عراق می‌پذیرد، اما به آنان حکم می‌کند که آنان نباید به مناطق مسکونی عراق وارد شوند (شرق، ۱۳۹۴/۴/۲)، اما برخلاف وعده مسوولان، آنان با ورود به شهر حلبچه، اسباب شیمیایی شدن آن را توسط صدام فراهم می‌آورند.

در نوار منتشر شده از آیت الله منتظری مبنی بر اعتراض به اعدام زندانیان سازمان مجاهدین، این نکته نیز مطرح گردیده است، برخی پس از به دست اعدام سپرده شدن قریب به ۴۰۰۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق، در صدد بودند با دستور مشابهی، نیروهای چپ را نیز به دست اعدام بسپارند تا به زعم خودشان از دست آنان نیز راحت شوند.

گذشته از اطرافیان رهبری، خود رهبری نیز در مواردی در اقتدار تسری یافته به جامعه ذی‌نقش بود. دستور اعدام مجاهدین خلق زندانی پس از عملیات مرصاد، سبب شد حتی فردی که اظهار می‌داشت وی نو مسلمان است و حتی برای دفاع از جمهوری اسلامی به جنگ برود، اما روی میدان مین رفتن برای جمهوری اسلامی را نپذیرفته بود، وی از سوی قضات سر موضع (!) تشخیص داده شده، به دست اعدام سپرده شود.

در موارد دیگری مانند حصر آیت الله قمی یا حصر آیت الله صادق روحانی (به جرم این که نسبت به کفایت آیت الله منتظری تردید داشت و آن را نپذیرفته بود) (شرق، ۱۳۹۵/۱/۲۵) یا حصر شریعتمداری، رهبری ذی‌نقش بود.

آنچه از آن در مورد امام خمینی مطرح شد، به نوعی در مورد آیت الله خامنه‌ای نیز تکرار گردیده است. به عنوان مثال، با وجود آن که ایشان در سال ۱۳۸۲ از ضرورت راه اندازی کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه‌ها یاد کرده بود و با وجود آن که ایشان اهانت کردن به مقدسات شیعه و سنی را خط قرمز نظام معرفی کرده بود (سخنرانی رهبری در اردیبهشت ۱۳۸۸ در جمع مردم سقر) و یا نسبت به تحمل مخالف تأکید جدی کرده بود (شرق، ۱۳۹۵/۲/۴)، با این همه مشاهده می‌شود که دفاتر نهاد نمایندگی ولایت فقیه در دانشگاه‌ها، پس از گذشت ۱۵ سال از دستور راه اندازی کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه‌ها، در عمل استنکاف می‌ورزند و مداحانی همچون منصور ارضی، حسین سازور و سعید حدادیان یا نسبت به مقدسات اهل سنت اهانت می‌کنند (شرق، ۱۳۹۵/۳/۲۳) یا فحاشی کردن و منتسب کردن فحاشی خود به فحاشی (!) امام حسین، علیه‌السلام، (شرق، ۱۳۹۵/۶/۲۵) و دفاع تمام قد انصار حزب الله از بیانات این فرد فحاش (شرق، ۱۳۹۵/۷/۳۸)، به کار خود ادامه می‌دهند.

البته موارد دیگری مانند تلاش در نفوذ در کشورهای منطقه، حمایت جدی از احمدی‌نژاد و بیان این که پس از انقلاب مشروطیت، دولت احمدی‌نژاد انقلابی‌ترین دولت ایران بوده است، حصر آقایان میرحسین موسوی و کروبی و نظایر آن‌ها، از مواردی هستند که رهبری باید پاسخ‌گوی آن‌ها باشد.

همان‌گونه که از آن یاد شد، در آغاز انقلاب، اقتدارگرایی سیاسی و دینی توسط دولت پنهان و رهبری و خاصه اطرافیان وی، پدیدار شد و جامعه در عمل شاهد حذف برخی از افراد نظیر بنی‌صدر، آیت الله منتظری، آیت الله قمی، آیت الله صادق روحانی یا گروه‌هایی مانند نهضت آزادی و خلق مسلمان بود و یا در سپاه، حذف نیروهای چپ در دستور کار قرار گرفت.

هم‌زمان با اقتدارگرایی سیاسی و دینی آغاز انقلاب، اقتدارگرایی فرهنگی- اجتماعی نیز به شکل کم رنگی در جامعه رخ نمود، به عنوان نمونه، نیروهای بسیجی به خود اجازه می‌دادند در گشت‌های شبانه خویش، حتی داشبورد ماشین‌ها را برای یافتن نوار احتمالی موسیقی بگردند. علایی (۱۳۷۳) در کتاب ستاره زهیر گزارش می‌دهد، در جبهه وی شاهد بوده است، تبلیغات لشکر نام کسانی که نماز شب را به جا نمی‌آوردند، روز بعد اعلان می‌کرد.

ندادن صبحانه به دانشجو معلمانی که در برخی از مراکز آموزش و پرورش مشغول تحصیل بودند و در نماز صبح خواب مانده بودند، یا ندادن شام به کسانی که در مراسم دعای کمیل شرکت نکرده بودند، از دیگر رفتارهایی بود که از اولیای آموزش و پرورش در همین زمان سر می‌زد.

تلاش برای کشیدن پرده یا دیوار در کلاس‌های دانشگاه برای تفکیک دختران و پسران از یکدیگر (شرق، ۱۳۹۳/۶/۱۷)، تلاش برای حذف مراسم چهارشنبه سوری یا نوروز باستانی و جایگزینی دهه فجر به جای نوروز، نفی ویدیو، رفتارهای بعضاً زننده‌ای که در گزینش‌ها سر می‌زد (نظیر پرسش از یک جانباز قطع نخاع جنگ مبنی بر این که وی چگونه با همسرش رابطه برقرار می‌کند)، یا اسلحه کشیدن به روی زن بی‌حجاب در خیابان یا فحاشی امثال حاج بخشی به زنان بدحجاب در معابر و خیابان‌ها و سردادن شعار یا روسری یا توسری در برابر افراد بدحجاب، از جمله مصادیقی بودند که به شکل کم رنگی مردم را می‌آزردند و خطر گسترش نوعی از اقتدارگرایی فرهنگی و اجتماعی را به ذهن آنان متبادر می‌کرد، اما در این میان مواردی مانند مقابله جدی امام با دیوار کشی در کلاس‌های دانشگاه یا اجازه ملاقات ندادن امام به مداحانی که ده سال از ایشان اجازه ملاقات می‌خواستند، اما امام هرگز به آن‌ها اجازه ملاقات نداد (شرق، ۱۳۹۴/۱۱/۶) یا مخالفت صریح امام با بسیجیانی که در مورد برخورد با افراد بی‌حجاب از امام پرسش کرده بودند و ایشان در پاسخ بیان داشته بود که شما حق برخورد با فرد بی‌حجاب را ندارید و در مورد امر حجاب باید با لطافت برخورد کرد (شرق، ۱۳۹۲/۵/۶) یا عدم تعرض مأموران حفاظت از بیت امام به زنان بی‌حجابی که از برابر بیت امام می‌گذشتند (شرق، ۱۳۹۳/۶/۱۷)، از نکات بارز و برجسته‌ای بودند که سبب می‌شد مردم، رفتارهای سخیف برخی از عناصر تحریک شده را در حد همان افراد تبیین کرده، این رفتارها را خواست مستقیم مسوولان ارشد نظام نداند.

پس از گذشت یک دهه از آغاز انقلاب، جنگ به اتمام می‌رسد و با به چالش گرفته شدن امام توسط برخی از روحانیون حوزوی، احساس تفرقه در روحانیت در مردم پدید آمده، اقتدار کاریزماتیک امام کمتر می‌شود، جهاد سازندگی با تمامی افتخار آفرینی‌های خودش پس از جنگ با ادغام شدن در وزارت کشاورزی، در عمل منحل می‌گردد و با تقلیل اندیشه انقلاب فرهنگی به تغییر عناوین و برخی از متون درسی دانشگاهی، دانشگاه‌های تعطیل شده کشور گشوده می‌شوند و شورا انقلابی مردم کاستی می‌گیرد.

پس از گذشت قریب دو دهه از انقلاب، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۲، با وجود حمایت‌های آشکار و پنهان مراکز قدرت از آقای ناطق نوری، با شگفتی هر چه تمام‌تر، آقای سیدمحمد خاتمی با شعارهایی مانند: به رسمیت شناختن مساوی حقوق شهروندان، آزادی مخالف سیاسی، آزادی بیان، مطبوعات مستقل، اهمیت یافتن نظام حزبی در جامعه، آزادی انتخابات، نافذ بودن نتایج حاصله از انتخابات در مدیریت کشور و تأسیس شوراهای اسلامی شهرها، به عنوان ریاست جمهوری

ایران انتخاب می‌گردد و به این ترتیب هم در سطح داخل و هم در سطح خارج تحول آفرین واقع شده، به مردم جامعه امید می‌بخشد.

خاتمی با مخالفت با اقتدارگرایی سیاسی، دینی، فرهنگی و اجتماعی، تأکید می‌ورزد که اگر گفت‌وگو دینی با آزادی بیان توأم نشود، همان‌گونه که بلوک شرق به سادگی فرو ریخت، جمهوری اسلامی بی‌دوام خواهد بود. به همین ترتیب خاتمی در برخوردی چند لایه با غرب، دست به رد و نفی یکپارچه غرب نزده، با طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها می‌کوشد تا ضمن آن که شناخت غرب نسبت به شرق را افزایش دهد، مشوق شناخت شرق نسبت به غرب نیز بشود تا هر دو دیار از موهبت‌ها و دستاوردهای مثبت دیگری بهره‌جویند. غرب با اتکا به شرق، خلاء معنویت خویش را پر کند و شرق با اتکا به غرب، کاربری خویش از دانش و فن‌آوری را عمق بخشد.

خاتمی در ارتباط با جوانان نیز با حساسیت خاصی برخورد کرده، در سخنرانی خود در اولین مجمع ملی جوانان، ضمن نفی نگرش‌های منفی موجود نسبت به جوانان، اظهار داشت:

«متعصبان (مخالفان اصلاحات)، جوانان را سوسول و دانشگاهیان را منحرف نامیدند... (اما) با پدیده جوانی چه می‌توان کرد؟»

برای پاسخ به این سوال، دو راه آزموده شده وجود دارد، رها کردن جوان و ولنگاری، خاصه در عرصه جنسی که این راه مشکلاتی را در همه جوامع در بردارد. در کشورهای پیشرفته، اصل آزادی جنسی، اصل پذیرفته شده‌ای است، اما در این جوامع، نوعی انضباط نیز وجود دارد که چون این جوامع با ثبات هستند و امکانات بیشتری دارند، می‌توانند بخشی از مشکلات ولنگاری را حل کنند.

راه دوم مواجهه با پدیده جوانی، راه سخت‌گیری و سرکوب کردن و مهار کردن آزادی‌ها و سد کردن همه خواهش‌های طبیعی جوان است.

اما راه سومی که فاقد تبعات دو راه حل پیشین است، تأمین نیازهای مشروع جامعه و جوان، سوق دادن جوان به سوی تولید و اشتغال و تأمین امنیت جوان در جامعه است» (شرق، ۱۳۸۳/۱/۱۹).

عبادی رئیس سازمان ملی جوانان در دوران اصلاحات، با نگرش مشابهی اظهار می‌دارد:

«اولین اقدامی که من انجام دادم، خارج کردن امور جوانان از حالت توصیه‌ای و نصیحتی به برنامه‌ریزی برای جوانان بود... . نگرش مسلط در برخورد با جوانان، نگرش تکلیفی و دستوری بوده، از جوانان درخواست می‌شده است که مانند معصومین، علیهم السلام، باشند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۶؛ شرق، ۱۳۸۳/۵/۲۱).

رئیس سازمان ملی جوانان، به شکل مشابهی، خاطرنشان می‌سازد برخی از افراد و نهادها فکر می‌کنند با روش‌های محدودیت و برخوردهای امنیتی یا قضایی می‌توانند در حوزه مسایل اجتماعی و خاصه جوانان، مسایل اجتماعی را حل کنند (شرق، ۱۳۸۳/۵/۲۱)، و به این ترتیب تأکید می‌ورزد که دید مبتنی بر ارباب و محدود سازی جوانان، برای جامعه جوان ایران، کارساز نیست.

رئیس سازمان ملی جوانان دوران اصلاحات، در سطحی فراتر از موارد پیش گفته، یادآور می‌گردد: برخی (از افراد) سازمان-های غیرمدنی را تبعیت از فرهنگ غرب می‌دانند (شرق، ۱۳۸۳/۵/۲۱)، از این رو سازمان جوانان به عنوان مجری برنامه‌ریزی برای جوانان در برخورد با نقطه نظرهای پیش گفته، با مانع جدیدی در جذب انبوهی از نیروهای جوان در سازمان‌های مدنی مواجه شده است.

به همین ترتیب، پس از برگزاری کنسرتی که از سوی سازمان ملی جوانان برای دختران و پسران جوان در استادیوم آزادی ترتیب داده شد، «۲۹ نفر از نمایندگان مجلس هفتم، طی تذکری کتبی، خواستار رسیدگی به وضع ناهنجار و مبتذل جشن سازمان ملی جوانان و ممانعت از الگو شدن احتمالی آن برای جوانان شدند» (شرق، ۱۳۸۳/۵/۲۸).

رهبر، امام جمعه اصفهان و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم، در مقاله‌ای که با عنوان «کشف حجاب با نام حجاب اسلامی» در نشریه پاسدار اسلام منتشر ساخت، در قسمتی از مقاله خویش می‌نویسد:

«ساده انگاری است آنچه امروز در سطح جامعه می‌گذرد و نوع پوشش زنان و دختران و آرایش‌های مشتری جمع کن را بدحجابی بنامیم ... هر چند سخن از کشف حجاب نیست، اما کشف حجاب عملاً به اجرا در آمده و در فضایی از بی تفاوتی و ترس، با سرعت رو به گسترش است ... راستی غیرت دینی کجاست؟ چرا ندایی به اعتراض از سینه‌ای برنمی‌خیزد و بی تفاوتی و سکون بر فضای کشور سایه افکن شده است ... و طراحان مد، لباس و شلوار کوتاه و لباس بدنی و چسبان که رقاصه‌های هالیوود از پوشیدنش شرم می‌کنند، تهیه می‌کنند (به نقل از شرق، ۱۳۸۳/۴/۲۵).

عباراتی مانند آرایش‌های مشتری جمع کن و لباس‌هایی که حتی رقاصه‌های هالیوود از پوشیدنش شرم می‌کنند، در متن مزبور، شدت تألم و تأسف عضو کمیسیون فرهنگی مجلس را از وضعیت حجاب در جامعه نشان داده، عبارات دیگری همچون راستی غیرت دینی کجاست؟ خط‌مشی مورد نظر در برخورد با افراد بدحجاب را ترسیم می‌کند.

در پی نشر مقالات و اعلامیه‌های پیش گفته، نشریات و سایت‌های خبری از اوج گیری برخورد با دختران و پسران خاطی در سطح جامعه خبر می‌دهند (سایت تکتاز، ۱۳۸۳/۵/۹، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۵/۱۱، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳/۵/۱۲، تکتاز، ۱۳۸۳/۵/۱۲ و ...).

هم‌زمان با برخورد با افراد بدحجاب در سطح جامعه، پیشنهاد طرح لباس ملی از سوی کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم (شرق، ۱۳۸۳/۶/۲۵)، مورد توجه قرار می‌گیرد.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، در مصاحبه‌ای آغاز تحقق بحث جدید حجاب را از مراکز دولتی، دانشگاه‌ها و مدارس خواستار شده (شرق، ۱۳۸۳/۷/۲۰)، در جای دیگری اظهار می‌دارد:

«من به شهامت می‌گویم که طرفدار جدایی، طرفدار جدایی دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه هستم» (سایت ابطحی، ۱۳۸۳/۶/۲۱).

بنابراین با وجود آن که امام خمینی در سال ۱۳۶۱ به صراحت مخالفت خویش را با دیوارکشی در کلاس‌های دانشگاه و تفکیک جنسیتی دانشجویان اعلان داشته بود، و طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۲ این طرح بنا به درخواست شورای عالی انقلاب

فرهنگی، چند صباچی در دانشگاه‌ها، اعمال شد، اما به علت ناکارآمدی، به میزان بسیار زیادی کنار نهاده شد، در موج جدید ایجاد شده، طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌های کشور، دوباره مطرح گردید.

یکی از مسوولان دانشگاه آزاد اسلامی، در ارتباط با اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه آزاد، بیان می‌دارد: «تفکیک جنسیتی در دانشگاه منجر به ایجاد فضایی سالم‌تر و محیطی مناسب جهت یادگیری دانشجویان خواهد بود». روزنامه شرق گزارش می‌دهد:

«یکی از مسوولان دانشگاه آزاد اظهار داشت: یکی از خطاهای استراتژیک پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این بود که مرعوب فضای حاکم فرهنگ غرب شدیم و دانشگاه‌ها را از لحاظ جنسیتی تفکیک نکردیم و الآن در جامعه اسلامی با معضل مواجه هستیم» (۱۳۸۳/۶/۱۶).

مقام مزبور بدون آن که حتی به یک پژوهش عملی در جهت تأیید طرح تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها استناد کند، در جریان مصاحبه‌اش اعلان می‌دارد:

«اگر طرح تفکیک جنسیتی اجرا شود، ۸۰٪ مشکلات اخلاقی و تحصیلی دانشگاه‌ها مرتفع می‌گردد(۱)».

برخوردهای اخیر با جوانان به بدحجابی و تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها محدود نشده، جشن‌ها، کنسرت‌ها، ورزش و تفریح در پارک‌ها و اماکن تفریحی و خلاصه هر آنچه که احتمال کمترین تخطی و هنجارشکنی در آن‌ها برود را در بر می‌گیرد. لغو نخستین کنسرت بانوان در زنجان که مجوز وزارت ارشاد را نیز کسب کرده بود، نمونه دیگری از برخورد با برگزاری مراسم مورد توجه جوانان است. سرپرست گروه کنسرت بانوان، در همین رابطه اظهار داشت: با وجود آن که در هیچ کجای شرع و قانون گفته نشده است که خانم جلوی خانم باید حجاب داشته باشد، با این حال همه هنرمندان لباس سنتی و با حجاب کامل پوشیده بودند تا جای حرف و حدیثی نباشد، اما با تجمع غیرقانونی اعتراض کنندگان به برگزاری کنسرت در محوطه فرهنگسرای امام خمینی زنجان، که از یک هفته قبل از برگزاری کنسرت، شروع به جمع‌آوری طومار علیه آن کرده بودند، برگزاری کنسرت بانوان لغو شد (شرق، ۱۳۸۳/۷/۱۳).

فرماندار شهر بم، در اقدام همانندی، مانع برگزاری جشن زندگی در بم (شرق، ۱۳۸۳/۶/۱۶) گردید. این جشن قرار بود با همیاری سازمان‌های مدنی و بدون کمک دولت (شرق، ۱۳۸۳/۶/۱۲) در بم اجرا شده، با اجرای برنامه‌های متنوعی مانند همایش خرما، همایش پرواز بادبادک‌ها، نشست ورزشکاران بازگشته از المپیک و فستیوال فیلم‌های زندگی (شرق، ۱۳۸۳/۶/۱۰)، در بین دو عید مذهبی، یعنی از تولد امام علی، علیه السلام، تا سالروز بعثت پیامبر اکرم، صلوات الله علیه، به مدت ۱۵ روز برگزار گردد تا در حد وسع و توان خویش، در بم زلزله زده، شادی را بپراکند.

ممنوعیت قلیان در سطح جامعه (شرق، ۱۳۸۳/۴/۲ و ۱۳۸۳/۴/۷)، هشدار نیروهای انتظامی به ورزش در بوستان‌ها (شرق، ۱۳۸۳/۵/۱۵) و ممانعت از ورود جوانان مجرد به اماکن تفریحی مانند شهربازی در تهران (شرق، ۱۳۸۳/۵/۱۴)، از دیگر محدودیت‌هایی بود که در موج جدید برخورد با جوانان ملاحظه می‌شد.

همچنین شهربازی تهران به بهانه ترافیک، در آستانه تعطیل قرار می‌گیرد - و در نهایت تعطیل می‌گردد- (۱۳۸۳/۵/۱۲).

هشدار فدراسیون فوتبال مبنی بر انجام بازی‌های لیگ برتر فوتبال بعد از افطار یا تعطیل بازی‌ها در ماه رمضان (شرق، ۱۳۸۳/۸/۱۰)، اعتراض مطبوعات جناح راست به جشن خانه سینما با طرح دلایلی مانند نبود هیچ مکانی برای اقامه نماز، بلند نفرستادن صلوات از سوی حضار شرکت کننده در جشن و... (شرق، ۱۳۸۳/۶/۲۵)، کنترل شدیدتر نظارت بر اماکن نیروهای انتظامی به مغازه‌های پوشاک و ممانعت از فروش برخی از البسه (شرق، ۱۳۸۳/۵/۱۴، تکتاز، ۱۳۸۳/۵/۹)، تهاجم به برخی از لباس فروشی‌ها در میدان ونک و ولی عصر (تکتاز، ۱۳۸۳/۵/۹)، درخواست برخی از نمایندگان مجلس برای اعمال نظارت دقیق‌تر بر آموزشگاه‌های آزاد هنری (شرق، ۱۳۸۳/۵/۲۰) از دیگر خط‌مشی‌های پیش گرفته شده، در سطح مسایل فرهنگی بود که در برابر اقدامات خاتمی و مسوول سازمان ملی جوانان وی در جامعه، بروز و نمود یافت.

هم‌زمان با مجلس هفتم و نیروی انتظامی، قوه قضائیه به اجرای علنی برخی از حدود در سطح جامعه پرداخته، محکومانی را که اغلب در سن جوانی هستند، در ملاء عام تعزیر کرده، به دست شلاق خوردن می‌سپارد (شرق، ۱۳۸۳/۶/۲۵).

اصلاحاتی که آقای خاتمی، در آغاز دور اول ریاست جمهوری خود از آن سخن می‌گفت، مترادف با به رسمیت شناختن مساوی حقوق شهروندان، آزادی مخالف سیاسی، آزادی بیان، مطبوعات مستقل، اهمیت یافتن نظام حزبی در جامعه، آزادی انتخابات، نافذ بودن نتایج حاصله از انتخابات در مدیریت کشور، تأسیس شوراهای اسلامی شهرها و مانند آن‌ها بود، اما پس از گذشت قریب به دو دوره از ریاست جمهوری آقای خاتمی و بروز رخدادهایی مانند ناامیدی افشاری از مردم از نافذ بودن رأی آن‌ها در انتخابات، تعطیلی پی در پی روزنامه‌ها، بحران‌های متعددی که متوجه جریان اصلاحات شد و نظایر آن‌ها، شهروندان را به سمت این نتیجه سوق می‌دهد که غالب خواسته‌های ریاست جمهور از اصلاحات سیاسی مورد نظرش، محقق نشدند.

آقای خاتمی، در برخی از سخنرانی‌های خویش از بینش‌های فاشیستی که در کنار بینش‌های لیبرالیستی، انقلاب اسلامی را تهدید می‌کنند، یاد می‌کرد. نمونه‌هایی از اظهارات رئیس جمهور در این رابطه، به شرح زیر بود:

«بسیاری از دعوایی که در جامعه ما وجود دارد، دعوای بین دین و بی‌دینی نیست، بلکه بین لیبرالیسم و فاشیسم است» (شرق، ۱۳۸۳/۱/۱۹).

«امروز فاجعه این است که احیاناً براساس مبانی فاشیسم از دین و انقلاب، برای بیرون کردن رقیب (از صحنه) استفاده شود» (یاس نو، ۱۳۸۲/۵/۱۴).

رئیس جمهور در سخنرانی که در جلسه مشترک دولت و مجلس داشت، با اشاره به لوایح دوگانه‌ای که با هدف افزایش اختیارات رئیس جمهور به مجلس ارایه کرده و در نهایت مورد تصویب قرار نگرفتند، بیان داشت:

«حتی در برخی از تربیون‌های مقدس و رسانه‌های رسمی، به صراحت گفته می‌شود، لوایح رئیس جمهور، توسط امریکا تهیه شده و از سوی مزدورانش در مملکت مطرح شده است» (یاس نو، ۱۳۸۲/۵/۱۴).

بالطبع زمانی که جوانی شاهد است از تربیون‌های نماز جمعه، رئیس جمهور کشور امریکایی خوانده شده، طرفداران وی مزدوران امریکا خوانده می‌شوند، نباید از وی انتظار دل بستن به راهکارهای سیاسی، جهت تغییر اوضاع و احوال جامعه را داشت.

فیلترینگ شدن سایت‌های خبری و سایت‌های اختصاصی احزاب (شرق، ۱۳۸۳/۶/۲۲، شرق، ۱۳۸۳/۶/۲۵)، پایبند به قانون اساسی و مدافع جمهوری اسلامی و بسته شدن فله‌ای روزنامه‌ها، به شکل مشابهی ضعف و ناتوانی مفرط احزاب و مطبوعات مستقل را در سطح جامعه به نمایش می‌گذارد.

سازمان خبرنگاران بدون مرز، بر اساس گزارشی که در بیستم اکتبر ۲۰۰۳ میلادی منتشر کرد، به رتبه‌بندی آزادی مطبوعات در ۱۶۶ کشور جهان پرداخت که کره شمالی، برمه، لائوس، چین، ایران، ویتنام، ترکمنستان و یونان، در رده‌های آخر جدول اخیر قرار داشتند (شرق، ۱۳۸۲/۸/۱).

عبادی، رئیس سازمان ملی جوانان، روحانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و محسنی، مدیر کل حراست وزارت فناوری، تحقیقات و آموزش عالی از کناره‌گیری سیاسی جوانان در جامعه، طی سال‌های اخیر، به شرح زیر یاد می‌کردند: «در خرداد سال ۱۳۷۶، فضای عمومی برای مشارکت جوانان گسترده بود، ولی پس از مدتی، وقتی که موانع مشارکت افزایش یافت، انگیزه اخیر کاهش یافت» (یاس نو، ۱۳۸۲/۶/۱۵).

«آمار و ارقام و نتیجه نظرسنجی‌های مختلف در دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که جز تعداد محدودی از دانشجویان، بقیه به تدریج به سمت سیاست‌گریزی و به سمت انزوا در حال حرکتند و این علامت خطر است، ما یک نظام ۲۵ ساله و جوان هستیم، چرا جوانان، اندیشمندان و دانشجویان به این سمت کشیده شده‌اند» (شرق، ۱۳۸۳/۶/۲۲).

«۵۰٪ دانشجویان کشور غیرسیاسی، ۴۰٪ سیاسی منفعل و تنها ۱۰٪ سیاسی فعال هستند» (شرق، ۱۳۸۳/۶/۲۱).

بنابراین جبهه دوم خرداد که با روی کار آمدن آقای خاتمی، انسجام و وحدت یافته بود، در اواخر دوران ریاست جمهوری وی، انسجام و وحدت پیشین خود را از دست داد و ایده اصلاح امور از درون نظام سیاسی، در میان نخبگان و اقشار اجتماعی به میزان زیادی رنگ باخت. جلایی پور در همین رابطه می‌نویسد:

«با توجه به عدم تحقق خواسته‌های سیاسی جنبش دوم خرداد، می‌توان به صراحت بیان داشت که جبهه دوم خرداد، در تحقق شعارهایی که وعده داده بود، شکست خورده است... و جبهه سیاسی دوم خرداد در عمل متفرق شده است» (یاس نو، ۱۳۸۲/۶/۱۰).

یاس نو در گزارش مشابهی از انتخابات شوراهای شهر در ۹ اسفند ۱۳۸۱ می‌نویسد:

«بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از طرفداران دوم خرداد که در انتخابات گذشته شرکت کرده بودند، در پای صندوق‌های رأی حاضر نشدند» (۱۳۸۲/۶/۱۰).

روزنامه شرق (۱۳۸۳/۵/۱۹) هم گزارش می‌دهد:

در یک نظرسنجی اینترنتی که مدت ۱۰ روز و در سطح ۱۱۵۱ نفر انجام گرفت، ۶٪ پاسخ‌گویان معتقد به موفق بودن اصلاحات و در برابر ۷۲٪ معتقد به شکست اصلاحات و اصلاح طلبان بوده‌اند. شکست اخیر از میزان سرمایه اجتماعی بالای انقلاب می‌کاهد.

منطقی (۱۳۸۳، الف)، با توجه به کاهش اعتماد و سرمایه عمومی جامعه، در پژوهش «از هویت ایدئولوژیک تا هویت متعارض»، از شکل‌گیری پدیده‌ای به نام «مقاومت فرهنگی» در جامعه یاد می‌کند. وی در همین رابطه می‌نویسد:

«پس از شکست نسبی اصلاحات، جوانان سرخورده از راهکارهای سیاسی، درصدد یافتن راهکارهای دیگری برای ابراز نظر و عقاید خویش برآمدند و در این مسیر، با انتخاب یک خط‌مشی فرهنگی متفاوت، سعی کردند تا در جامعه خویش اثرگذار واقع شوند. حرکت جدید جمعی جوانان حاوی نمودهایی مانند تحول در پوشش، آرایش، طنزها، شوخی‌ها، مطایبه‌ها، روابط دو جنس، شایعه افکنی‌ها و در یک کلام سبک زندگی متفاوتی بود که سبک زندگی اسلامی پیشنهادی مسوولان نظام را به چالش می‌گرفت».

منطقی (۱۳۸۲) در بررسی تحولی که در هویت دختران داشت، با تهیه پرسشنامه‌ای از بیانات رهبران انقلاب، ضمن ارایه این پرسشنامه به جوانان، از آن‌ها خواست تا اولاً میزان پذیرش خط‌مشی‌های ارایه شده در پرسشنامه خطاب به جوان‌ها و ثانیاً میزان تحقق عملی این خط‌مشی‌ها را در زندگی شخصی خودشان مشخص سازند.

نتایج به دست آمده دلالت بر آن داشت که ایدئولوژیک‌ترین خط‌مشی‌های ارایه شده از سوی رهبران انقلاب، از سوی جوانان، از نمراتی در حد ۶، ۷ و ۸ (در سیستم صفر تا بیست)، برخوردارند. به تعبیر دیگر، خط‌مشی‌های ارایه شده از سوی رهبران انقلاب که تحقق هویتی برتر و آرمانی را در جوان مدنظر قرار داده‌اند، از سوی جوان پذیرفته نشده‌اند و جوان با هویت القایی، کلیشه‌ای و یا دولتی پیش‌گفته، از در توافق در نیامده، راه تعارض و یا تعارض نسبی با آن را پیشه خویش کرده‌اند.

منطقی (۱۳۸۳، ب) در پژوهش گسترده‌ای که در سطح ۲۰۰۰ نفر از دختران و پسران نسل سوم و چهارم در استان‌های مختلف کشور انجام داد، به بررسی دیدگاه‌های آن‌ها در ارتباط با مسایل مهم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نظام پرداخت، وی در قسمتی از گزارش تحقیق که به بررسی دیدگاه جوانان درباره جناح‌های چپ و راست پرداخته بود، می‌نویسد:

«بررسی دیدگاه‌های جوانان پاسخ دهنده به سوال نگرش نسبت به جناح‌های چپ و راست (مانند دیگر سوال‌هایی که از مضمونی سیاسی برخوردار بودند)، بیانگر نکات مهمی در ارتباط با نسل سوم و چهارم است.

نکته اول آن که بسیاری از جوانان از در برخورد با موضوع اخیر (مانند هر موضوع سیاسی دیگری) به شدت احساس انزجار کرده، سعی می‌کردند از پاسخ‌گویی به آن‌ها استنکاف کنند. دو تن از همکاران پژوهش‌گر، گزارش می‌دادند، آن‌ها پس از آن که از دانش‌آموزان ۵ کلاس راهنمایی خواستند که در نمازخانه مدرسه حاضر شده، با آن‌ها راجع به مسایل مختلف فرهنگی - اجتماعی - سیاسی جوانان، گفت‌وگو داشته باشند، این دانش‌آموزان ۴ ساعت تمام در نمازخانه مدرسه نشسته، به سوال‌های مختلف فرهنگی - اجتماعی مصاحبه‌گران پاسخ دادند، اما همین که پرسشگران به سوال‌های سیاسی می‌رسیدند، با گفتن: آه! ضمن نشان دادن ناراحتی و کراهت درونی خویش از این سنخ از سوال‌ها، اصرار می‌کردند بدون آن که دست به اظهار نظر در این موارد بزنند، مصاحبه‌گران از پرسش سوال‌های سیاسی گذشته، به سوال‌های دیگر بپردازند.

همکار دیگری در گزارشی مشابه، خاطرنشان ساخته بود، همان جوانانی که ۳ ساعت درباره روابط دختر و پسر حرف زده بودند، با مواجه شدن با اولین سوال سیاسی، بلافاصله خواستار تغییر موضوع مصاحبه می‌شدند.

در موارد متعدد دیگری جوانان با دادن پاسخ‌هایی نظیر این که «ما که سرمان در سیاست نیست»، «ما هیچ کدام از این دو گروه را نمی‌شناسیم»، «من چیزی از جناح چپ و راست نمی‌دانم و آن‌ها را قبولشان هم ندارم»، «من به جناح چپ و راست اعتقادی ندارم، از هر دو جناح متنفرم» و مانند آن‌ها، کراهت درونی خویش به مسایل سیاسی و هر آنچه که رنگ و بویی از سیاست را داشت، نشان می‌دادند. بهترین تبیینی که از این مسأله می‌توان به دست داد، پرهزینه جلوه گر شدن کارهای سیاسی در داخل و برخوردهای نامناسب با احزاب و اقدام‌های سیاسی است که اگرچه شاید در کوتاه مدت، منویات طراحان این سناریو را در مرعوب کردن شهروندان محقق سازد، اما در بلند مدت تهدیدی برای کلیت نظام فراهم خواهد آورد.

نکته دومی که از نتایج اخیر قابل استفاده است، اولاً حجم قلیل نگرش‌های مثبت جوانان در ارتباط با جناح‌های چپ و راست و حجم کثیر نگرش‌های منفی در این رابطه و ثانیاً قلت طیف پاسخ‌های مثبت، در برابر کثرت و تنوع پاسخ‌های منفی پاسخ‌دهندگان می‌باشد.

نکته سوم حجم قابل توجه برخوردهای کلیشه‌ای و قالبی، تمسخرآمیز، تحقیرآمیز، احساسی و بعضاً مستهجن جوانان در پاسخ به سوال اخیر (و سایر سوال‌های سیاسی) است که شاید در این رابطه هم بتوان این گونه به تبیین مسأله پرداخت که تلاش برای ایجاد جامعه تک صدایی که مستلزم کنار نهادن منطق گفتمان است، در بلند مدت از سوی همان کسانی که در جریان یک دست سازی سیاسی جامعه، مورد تهاجم واقع شده‌اند، به کار گرفته شده، در برابر برخورد بی منطق برخی از مسوولان، جوانان نیز به شکلی بی منطق و تعمیم یافته با تمامی آن‌ها برخورد می‌کنند و همین مسأله سبب تعطیل اندیشه و گفتمان در جامعه می‌گردد، و در جامعه‌ای که به جای گفتمان، زدن برجسب حاکمیت پیدا کند، در درجه اول اهمیت، کلان نظام هست که آسیب خواهد خورد».

منطقی (۱۳۸۳، الف)، در پژوهش «از هویت ایدئولوژیک تا هویت متعارض» هم نتیجه می‌گیرد که تلاش نظام در تربیت ایدئولوژیک جوان انقلاب اسلامی، در عمل به ایجاد هویت متعارض در وی انجامیده است. وی در همین رابطه می‌نویسد:

«اگر چه نظام با هدف القای یک هویت ایدئولوژیک به جوانان، درصدد تربیت آرمانی جوانان برآمد، اما به سبب عدم شناخت مسوولان و اولیای امر جوانان از سویی و بسته نگری‌ها، برنامه‌ریزی‌های نسنجیده و مغشوش، بی‌برنامگی و فقدان سرمایه‌گذاری‌های لازم از سوی دیگر، کار جوانان به جایی انجامیده است که آن‌ها با پشت کردن به هویت آرمانی مدنظر نظام، هویتی متفاوت را برای خود برگزیده، و در پوشش این هویت که با دنیاگرایی، مد، زیبایی، لذت طلبی و بعضاً غرب گرایی ملازم است، درصدد گذران ایام خویشند، اما با روی کارآمدن مجلس هفتم، ملاحظه خط‌مشی‌های فرهنگی مجلس اخیر، حکایت از آن دارد که مجلس پیش گفته، بدون شناخت و تحلیل عمیق مسایل جوانان، به شکلی شتابزده و صوری، درصدد اجرای سناریوی شکست خورده پیشین نظام برآمده، می‌کوشد بدون ریشه‌یابی چگونگی تحول هویت جوان از هویتی نسبتاً ایدئولوژیک در آغاز انقلاب اسلامی به هویتی پرسشگر، نوگرا، دنیاگرا، لذت جو و بعضاً غرب گرای جوان در حال حاضر، با توسل به ارباب و تهدید، وی را به سمت و سوی پذیرش هویت خاضع، سر به زیر و تابع جوان که مورد نظر اولیای امر است، هدایت کند، در حالی که این امر، خاصه پس از شکست آرمان گرایی‌های نسل‌های اول و دوم انقلاب و مهم‌تر از آن، با توسل به ارباب و تهدید (که در تضاد با روحیه جوان است)، امکان‌پذیر نیست. بنابراین عرصه روابط اولیای امر با جوانان که در گریز

از هویت القایی و ایدئولوژیک نظام، به هویتی معمولی و یا حتی معارض، روی آورده‌اند، بدل به عرصه‌ای از تلاقی و نبرد با جوان‌ها شده است که نتیجه نبرد اخیر، چیزی جز شکست هر دو طرف نخواهد بود، به این معنا که اگر جوانان در برابر خط‌مشی‌های بسته نگر اولیای امر جوانان نیز نتوانند به مقاومت فرهنگی خویش در کوتاه مدت، ادامه دهند، مقاومت مزبور را به مقاومتی پنهان و قهرآمیز بدل خواهند کرد و در بلند مدت، نظام شاهد عصیانگری جوانانی خواهد شد که انتظار تربیت ایدئولوژیک آن‌ها را داشت، به عبارت دیگر، مسوولان نظام در نتیجه بسته‌نگری‌ها، ندانم‌کاری‌ها و برخوردهای بدون تحقیق و شتابزده با جوانان و تداوم همین امر، به جای شکل‌گیری هویت ایدئولوژیک، شاهد شکل‌گیری هویت متعارض در جوانانقلاب اسلامی خواهند شد.

منطقی (۱۳۸۳، الف)، با توجه به کاهش اعتماد و سرمایه عمومی جامعه، در پژوهش از هویت ایدئولوژیک تا هویت متعارض، از شکل‌گیری پدیده‌ای به نام «مقاومت فرهنگی» در جامعه یاد می‌کند. وی در همین رابطه می‌نویسد:

«پس از شکست نسبی اصلاحات، جوانان سرخورده از راهکارهای سیاسی، درصدد یافتن راهکارهای دیگری برای ابراز نظر و عقاید خویش برآمدند و در این مسیر، با انتخاب یک خط‌مشی فرهنگی متفاوت، سعی کردند تا در جامعه خویش اثرگذار واقع شوند. بررسی‌های گروه تحقیق نشان می‌داد، جوانان با استدلال‌هایی نظیر: «انگ‌های نظام اسلامی، خطرناک‌تر از انگ‌های نظام‌های دیگر است. در نظام اسلامی، انگ ملحد و کافر، ممکن است دودمان آدمی را برباد دهد»، «بلایی که سر آقاجری آوردند، برای من درس عبرت شده است تا حرف نزنم»، «می‌ترسیم حرف بزنیم، بشویم آقاجری دوم»، در عمل از پر هزینه بودن خط‌مشی‌ها و اتخاذ مواضع سیاسی سخن می‌گفتند، اما اتخاذ خط‌مشی فرهنگی، حتی خط‌مشی معارض با ارزش‌های نظام، از نظر آنان بسیار کم هزینه‌تر بود. به عنوان مثال، یکی از دخترهای مصاحبه شده در تحلیل هزینه‌های اندک رویکرد فرهنگی در جامعه، بیان می‌داشت: «تا به حال هیچ دختر یا زنی به دلیل بدحجابی، زندانی، محروم از حقوق اجتماعی یا اعدام نشده است».

از حرکت جدید جمعی جوانان می‌توان با عنوان مقاومت فرهنگی یاد کرد. مقاومت فرهنگی پدید آمده در سطح جامعه، حاوی نمودهایی مانند تحول در پوشش، آرایش، طنزها، شوخی‌ها، مطایبه‌ها، روابط دو جنس، شایعه افکنی‌ها و در یک کلام سبک زندگی متفاوتی است که سبک زندگی اسلامی پیشنهادی مسوولان نظام را به چالش می‌گیرد.

بررسی تحولات پوشش در جامعه ایران (خاصه در سطح دختران و زنان)، بیانگر تحولات شگرفی است که در سطح جوانان مشاهده می‌شود.

طنزها و شوخی‌ها، عرصه دیگری است که می‌تواند بیانگر رویکرد فرهنگی افراد باشد. به این معنا که زمانی که عرصه گفتمان در سطح جامعه بسته شود، مردم با روی آوردن به طنز، به بیان منویات درونی و ناگفته خویش اقدام خواهند کرد. همان‌گونه که عبید زاکانی در برخورد با سردمداران قدار جامعه خویش، به ارایه منظومه موش و گربه روی آورده، سردمداران خون ریز جامعه را در نقش گربه‌ای عابد و زاهد، اما در واقع خونریز، به مضحکه می‌کشد. به شکل مشابهی حافظ نیز در شعرهایش از عابدان و زاهدان ریاکار سخن می‌گوید و سر و انتس در کتاب دون کیشوت، با به استهزا گرفتن دون کیشوت داستان تخیلی خویش، استهزا و خنده بر دون کیشوت‌های حاکم بر جامعه‌اش را رقم می‌زند.

بررسی طنزهای رایج در بین جوانان حکایت از آن داد که از روحانیت گرفته تا بسیجی‌ها، سپاهی‌ها و از موافقان نظام و افراد مذهبی گرفته تا افراد چادری (که طبق برداشت‌های قالبی مردم، از طرفداران نظام به شمار می‌آیند)، موضوع شوخی و طنزپردازی اقشاری از جوانان قرار دارند.

بررسی‌های مقدماتی بیانگر آن است که میزان برخورد‌های طنزآمیز جوانان در برخورد با مسوولان نظام فزونی می‌گیرد. حجم شوخی‌ها و برخورد‌های مطایبه‌آمیز جوانان در ارتباط با روحانیت نیز از بالاترین حجم ممکن در مجموعه افراد پیش‌گفته برخوردار است.

به تمسخر گرفتن بسیج، سپاه و حتی طرفداران نظام، افراد مذهبی و چادری‌ها، از دیگر مواردی است که در سطح جوان‌ها قابل مشاهده بوده، لیست بلندبالایی از هر یک از موارد پیش‌گفته، می‌توان تهیه کرد. به استهزا گرفتن و تمسخر نمادهای مذهبی و غیرمذهبی، نمونه دیگری است که در مجموعه رویکرد فرهنگی جدید جوانان، قابل احصاء می‌باشد.

تغییر مضامین سرودها و نوحه‌های موجود در سطح جامعه، اقدام دیگری در راستای عناد ورزیدن با سمبل‌ها و نمادهای نظام به شمار می‌رود.

جوانان بدحجاب دیگری با استفاده از چفیه، کوله پشتی، شلوار و اورکت بسیجی یا به دست یا گردن انداختن تسبیح، در پاسخ به این سوال که با چه انگیزه‌ای از وسایل اخیر سود می‌برید، گاه به صراحت بیان می‌دارند که قصد آن‌ها شکستن قداست نمادهای نظام است.

با فقدان گفتمان در سطح جامعه، عرصه برای مواردی مانند شایعه و شایعه‌پردازی، دیوان‌نویسی و نظایر آن‌ها گشوده می‌گردد و اقدام‌های مزبور، به مثابه یکی از دیگر نمودهای بارز رویکرد فرهنگی جدید جوانان، خود را به رخ مسوولان می‌کشد. در برخی از موارد، جوانان با نفی رسم‌های سنتی و طرح اعتقادات خویش در زمینه‌هایی که بعضاً عرف جامعه با آن همخوانی چندانی ندارد، به نوعی رویکرد فرهنگی و سبک زندگی متفاوت خود با مسوولان را به نمایش می‌گذارند، در حال حاضر برگزاری مراسم عزاداری به صورتی متفاوت (مانند به دست گرفتن شمع توسط دخترها و پسرها به شکل مخلوط و دور هم چرخیدن)، برگزاری مراسم عزاداری بدون حضور روحانی یا روابط بسیار باز در مراسمی مانند گلاب‌گیری (کاشان) و مانند آن، جلوه‌های جدید و غیرقابل فهمی را در برابر مسوولان به نمایش می‌گذارند».

روزنامه شرق در گزارش نمونه‌ای از مراسم‌های یاد شده، در توصیف مراسم شام غریبان دختران و پسران شمال شهر تهران، در میدان محسنی می‌نویسد:

«این اولین سالی نبود که جوانان بالا شهرنشین در شام غریبان در میدان محسنی جمع می‌شدند، به همین خاطر نیروی انتظامی از قبل برنامه‌ریزی‌هایی کرده بود... اتوموبیل سواران اغلب جوانان زیر سی سال با لباس‌های مد روز بودند و صدای نوارهای پاپ عزاداری (کاست معروف کویتی پور با عنوان غریبانه و نظایر آن)، از شیشه‌های باز ماشین‌ها به گوش می‌رسید. دخترها که تعدادشان کمتر از پسرها هم نبود و خودشان بعضاً سوار ماشین‌های مستقلی بودند، اغلب آرایش‌های متناسب با عزاداری داشتند، اعم از لباس‌های سیاه شب، لاک سیاه و ... و بعضاً به شکل غیر حرفه‌ای چادر عربی به سر داشتند و در موارد اندکی

رو بوند زده بودند. روی آنتن برخی از ماشین‌ها روبان‌های سیاه بسته شده بود و از شیشه ماشین‌ها، اغلب می شد دید که آدم‌ها مشغول تجدید آرایش هستند.

چند نفری کنار خیابان شمع می فروختند و جوانان شمع‌ها را در کنار خیابان روی سکوهای جلوی مغازه‌ها روشن می کردند. چیزی حدود ۲۰۰۰ شمع در تمام طول بلوار روشن بود. به جز لباس‌های سیاه، این تنها نشانی بود که از آن آیین کهن عزاداری برای امام حسین، علیه السلام، در مراسم غیررسمی این جوانان می شد دید.

تجمع اصلی جوانان را در فاصله میان میدان محسنی و خیابان نفت، می شد ملاحظه کرد. جوانان در این فاصله جلوی ماشین‌هایی را که از میدان باز می گشتند، می گرفتند و آن‌ها را به بوق زدن وامی داشتند و گاهی تصنیف‌هایی هم می خواندند که تلفیقی از بعضی آهنگ‌های معمول جوانان امروزی با کلماتی تازه بود...» (شرق، ۱۳۸۲/۱۲/۱۴).

جوانان دیگری در جریان مصاحبه‌هایشان از روابط بازی که در سطح بسیاری از دختران و پسران جامعه پدید آمده است، یاد کرده، بیان داشته‌اند، دست دادن و روبوسی دختران با دوست پسرشان در خیابان‌ها، یا دست انداختن دخترها دور کمر دوست پسرشان در ملا عام و نظایر آن برای آنان به صورت امری جا افتاده درآمده است.

نگاهی به اظهارنظرهای جوانان در تبیین رفتارهای پیش گفته (از پوشش و آرایش گرفته تا طنزپردازی‌هایشان و از نفی نمادهای نظام گرفته تا شایعه‌پردازی‌ها، پیامک‌ها و رفتارهای مغایر با عرفشان)، دلالت بر رویکرد فرهنگی اقلی از جوانان، در برابر خط‌مشی‌های مسلط نظام دارد. دو نفر از همکاران نگارنده در گزارش خویش می نویسند:

«من در جریان مصاحبه‌هایی که با جوانان داشتم، شاهد دختران و پسرانی بودم که از وضعیت‌های بسیار ناجوری برخوردار بودند، اما عقاید پاک و زلالی داشتند، از این رو وقتی من تعارض روحیات و ظواهر آن‌ها را از آنان جویا می شدم، در پاسخ به من می گفتند: چون مسوولان با ما لج می کنند، ما می خواهیم به این ترتیب نشان بدهیم که ما هم می توانیم لج کنیم».

«وقتی من علت انتخاب مانتوی پاسخ‌گو را که دارای رنگی تند بود، از وی پرسیدم، وی در پاسخ به من اظهار داشت: این مانتو با رنگ تندش، گویی علیه بزرگ‌ترهایی که داریم به ما زور می گویند، جیغ می کشد».

وقوع مقاومت فرهنگی در جامعه، تحول بزرگی بود که به کاهش قابل توجه سرمایه اجتماعی و احساس تقابل نسبی مردم با نظام (و یا حداقل با خط‌مشی‌های فرهنگی اجتماعی آن) را در اذهان مردم رقم می زند.

۲-۱-۳- گسترش و تعمیق اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی در دوران پسااصلاحات

بررسی دوران پساخاتمی بیانگر تداوم اقتدارگرایی سیاسی و دینی، جلوه‌گری بیش از پیش دولت پنهان و گسترش اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی در سطح جامعه است. در اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی برخلاف اقتدارگرایی سیاسی و دینی که به طور عمده شخصیت‌های سیاسی و یا دینی و یا گروه‌های سیاسی یا دینی را مورد هدف قرار می داد، مردم مورد توجه قرار گرفته با آنان برخورد می شود. برخوردهای اخیر را می توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد: عدم پذیرش آزادی، نگاه تکلیفی به مردم، طرح ضرورت کنترل مردم، برخورد مداخله‌گرایانه در زندگی خصوصی مردم، نگاه تحقیرآمیز به مردم، نگاه تهدیدآمیز به شهروندان و اعمال برخوردهای تنبیهی با مردم. در ادامه، عنوان‌های مطرح شده مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۲-۱-۳-۱-۲- تداوم اقتدارگرایی سیاسی

اقتدارگرایی سیاسی که از آغاز انقلاب به شکل نسبی مطرح شده، اما در دوران اصلاحات، افق‌هایی درباره پررنگ شدن نقش مردم در اثرگذاری در مسایل سیاسی- اجتماعی جامعه پدید آمد، تا حدودی کم رنگ‌تر جلوه‌گر شده بود، در دوران پساخاتمی، باز به شکل پررنگی تداوم یافت. حصر میرحسین موسوی و مهدی کروبی از سال ۱۳۸۸، رد صلاحیت‌های هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور دو دوره در ایران در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، ممنوع‌التصویر، ممنوع‌البیان و ممنوع‌الخروج شدن خاتمی، رئیس‌جمهور دو دوره در ایران (شرق، ۱۳۹۳/۱۲/۶)، رد صلاحیت احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور دو دوره در ایران در انتخابات سال ۱۳۹۶، بازنشستگی اجباری برخی از استادان دانشگاه‌ها که نسبت به نظام نقد داشتند (شرق، ۱۳۹۳/۵/۱۳)، ممنوعیت غیررسمی بحث درباره مسأله ولایت فقیه در حوزه‌های علمیه و عدم ابراز وجود سیاسی روشنفکرانی که نسبت به مقوله ولایت فقیه یا خود رهبری نقد داشته باشند یا مسکوت ماندن نقدهای ضمنی مردم نسبت به کمک‌های اقتصادی ایران به برخی از کشورها در اقصا نقاط جهان، از جلوه‌های بارز اقتدارگرایی سیاسی است که در دوران پساخاتمی قابل مشاهده است، البته در سطح نازل‌تری اعمال نظر دفاتر نهاد ولایت فقیه نسبت به ارتقای درجه علمی استادان دانشگاه‌ها یا پیغام‌های دفاتر نهاد به برخی از استادان نقاد درباره تعبات کارشان، ثبت مشخصات رایانه استادان در برخی از دانشگاه‌ها (مانند دانشگاه خوارزمی) برای مواردی نظیر رصد فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی سیاسی آنان، از دیگر نمودهای اقتدارگرایی سیاسی پیش گفته به شمار می‌روند.

ماحصل اقتدارگرایی سیاسی به انسان منفعلی می‌رسد که نیچه از آن به عنوان انسان کوچک یاد می‌کند. به این معنا که انسان منفعلی که برای آسیب نخوردن احتمالی خویش عزلت‌گزینی و گوشه‌گیری در جامعه را پیشه خود می‌کند، انسان مستقلی نیست که در صورت تهدید و به خطر افتادن کشور، وارد صحنه شده، از کیان آن دفاع کند.

۲-۱-۳-۲- تداوم اقتدارگرایی دینی

در دوران پساخاتمی، اقتدارگرایی دینی در دو شکل حمایت مفرط از خودی‌ها و نفی غیرخودی‌ها ملاحظه می‌گردد. به عنوان مثال، با وجود آن که بودجه آموزش عالی کشور ۱۲۰۰ میلیارد تومان است، تنها سهم بودجه ۸ نهاد حوزوی ۱۵۰۰ میلیارد تومان می‌باشد (شرق، ۱۳۹۳/۱۰/۸) و در حالی که بودجه کل حفاظت از زیست محیط کشور ۱۷۴ میلیارد تومان است و این سازمان به فرض برای خاموش کردن آتش سوزی جنگل‌ها بالغرد ندارد، ۲۰۰ میلیارد تومان به یک مرکز آموزشی خانم‌ها در قم، بودجه اختصاص پیدا می‌کند.

تخصیص بودجه‌های قابل توجه به مسایل فرهنگی (و احياناً فرهنگی- سیاسی) حوزه، مقوله مشابهی است که در ارقام بودجه کشور ملاحظه می‌شود. به این معنا که از ۵۹ مؤسسه که بودجه فرهنگی از دولت دریافت می‌دارند، عمده این مؤسسات، مؤسسات دینی هستند. به عنوان مثال، مؤسسه پرتو ثقلین در شرح وظایف خود بیان می‌دارد که وظیفه‌اش نشر آثار آیت الله مدرسی طباطبایی است. اما برخی از مؤسسات دیگر نظیر طرح زیارت، مشخص نیست که در کجا اجرا شده و یا محتوای آن چیست (شرق، ۱۳۹۵/۱/۲۹). به شکل مشابهی درخواست بودجه با نام فرهنگ اما برای ساخت شهرک المهدی که قرار است به طلاب اختصاص پیدا کند (شرق، ۱۳۹۵/۱۰/۱۸) از دیگر اقلام بودجه فرهنگی درخواستی از دولت است.

آقای احمدی نژاد هم در عمل بارها نشان داد که برداشت وی از فرهنگ، هیأت‌های مذهبی است، به عنوان مثال وی در سفرهای استانی به استان البرز، به نام بودجه فرهنگی، قریب به هشت میلیارد تومان به مساجد این استان کمک کرد. به شکل مشابهی شوراهای اسلامی شهرهای مختلف کار فرهنگی را بعضاً در اختصاص بودجه برای مسایل دینی دانسته، با صرف بودجه در مواردی نظیر سفره اشک (پرداخت کمک هزینه به هیأت‌های مذهبی در ایام محرم)، تصور می‌کنند رسالت فرهنگی خویش را انجام داده‌اند.

اقتدارگرایی سیاسی در حالت نفی غیر خودی‌ها، بیشتر به صورت حمله، برخورد و نفی دیگران ملاحظه می‌گردد، به عنوان مثال، برخی از مراجع تقلید غیرهمسو، مورد حمله قرار گرفته -نظیر تعطیل کردن کلاس آیت الله جوادی آملی-، یا بادرایش برخورد می‌گردد (شرق، ۱۳۹۳/۱۰/۷) و یا اهل تسنن حتی اجازه نمی‌یابند که یک مسجد اختصاصی برای خودشان در شهر تهران داشته باشند. جلوگیری از شرکت اقلیت دینی در انتخابات شوراهای اسلامی شهرها (شرق، ۱۳۹۶/۲/۲) نمونه دیگری از اقتدارگرایی اخیر به شمار می‌رود که با وجود اعتراض روشنفکران جامعه به این مسأله، دبیر شورای نگهبان به جدّ بر آن اصرار داشت و از آن دفاع می‌کرد.

۲-۱-۳- گسترش اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی

با پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق نظام اسلامی، اقتدارگرایی اولیه دینی و سیاسی در کلان نظام مشاهده می‌شود که به تدریج با پا به عرصه نهادن دولت پنهان (که کمترین اعتقادی به نافذ بودن آرای مردم در پیشبرد امور اجتماعی ندارد)، در معادلات قدرت، دولت پنهان به طرح نظریات خویش اقدام می‌کند. آرای اخیر در عین آن که حاوی برخی از اقتدارگرایی‌های سیاسی و دینی هست، حاوی اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی نیز هست و طی اقتدارگرایی اخیر، درصدد دیکته کردن نظرات خویش به مردم جامعه برآمده، در حد میسور در همین جهت اعمال قدرت می‌کند.

اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی اگرچه در دوران ریاست جمهوری خاتمی، با طرح اعتقادات وی مبنی بر پذیرش آزادی برای شهروندان تا حدودی کم رنگ بود، اما پس از دوران ریاست جمهوری وی، شدت گرفت و مردم و جوانان سیطره آن را بر زندگی روزمره خویش بیش از پیش احساس کردند.

اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی، نه تنها از آزادی، گفتمان و پذیرش آرای مردم و حتی دانشگاهیان سرباز می‌زند، بلکه دیدگاه تکلیفی به مردم (و جوانان) داشته، کنترل آنان را لازم می‌شمرد و برهمین مبنا، اجازه برخورد مداخله گرایانه در زندگی شخصی و خصوصی افراد به خود را می‌دهد.

نگاه تحقیرآمیز و تحمیق مردم و در سطحی فراتر، نگاه تهدیدآمیز به شهروندان و در نهایت متوسل شدن به اعمال برخوردهای تنبیهی در ارتباط با مردم به ظاهر خاطی، از دیگر جلوه‌های گسترش اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی در سطح جامعه می‌باشد، البته لازم به یادآوری است که با گسترش مقاومت فرهنگی و مقابله نسبی مردم با گسترش سیطره اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی حکومت (رسمی و بیشتر غیررسمی)، ممکن است بعضاً اهداف طراحی شده فرهنگی - اجتماعی مورد نظر،

حالت اجرایی و یا اجرایی تام و تمام پیدا نکنند، اما آنچه اینجا مدنظر هست، تشریح اندیشه‌ها و روش‌های مدنظر اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی موجود در نظام می‌باشد.

- عدم پذیرش آزادی

از آنجا که دولت پنهان دارای پیش فرض‌های متفاوتی راجع به آحاد افراد جامعه و مفاهیمی مانند آزادی، گفتمان، حق رأی، زنان و مانند آن‌ها است، بالطبع در برخی از موارد (خاصه در دیدگاه‌های اجتماعی فرهنگی) با دولت رسمی دچار تعارض و چالش می‌گردد. به عنوان مثال، وقتی در اوایل انقلاب شهید بهشتی متوجه شد جمعی از طلاب و افراد حوزوی بر این اعتقادند که حتی اگر شده، با شلاق افراد را باید به بهشت برد، در مخالفت با این امر وارد صحنه شد و طی سخنانی در مسجد اعظم قم به نفی این اندیشه پرداخت.

روزنامه اطلاعات در مورخه ۱۳۵۷/۱۲/۱۵، (شماره ۱۵۸۰۱، ص ۵) به درج اظهارات آیت الله بهشتی در همین رابطه به شرح زیر اقدام کرد:

«به طلاب و فضایی حوزه پیشنهاد می‌کنم که به مردم ایران فرصت بدهید تا آگاهانه و آزادانه خود را بر مبنای معیارهای اسلامی بسازند و این خودسازی را بر مردم ما تحمیل نکنید. آگاهی بدهید، زمینه‌سازی کنید برای رشد اسلام، ولی بر مردم هیچ چیز را تحمیل نکنید. انسان بالفطره خواهان آزادی است، می‌خواهد خودسازی داشته باشد، خودش، خودش را بسازد، اما برخلاف دستور قرآن مبدا مسلمان بودن و مسلمان زیستن را بخواهید بر مردم تحمیل کنید، که اگر تحمیل کردید، آن‌ها علیه این تحمیل تان طغیان خواهند کرد.

انسان عاشق آزادی است، می‌خواهد خودش به دست خود و با انتخاب خود، خود را بسازد، «اما شاکراً و اما کفوراً»؛ آن قدر تحمیل راه و عقیده بر انسان‌ها نامطلوب است که خدا به پیامبرش خطاب می‌کند: «افی انت تکره الناس حتی یکنوا مؤمنین» (یونس، ۹۹). ای پیغمبر! آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور کنی که آن‌ها مؤمن باشند؟ این که راه پیغمبر نیست.

توصیه من به طلاب عزیز و به فضایی ارجمند این است که منادی حق باشید، دعوت کننده به حق باشید، آمر به معروف و ناهی از منکر با رعایت تمام معیارهای اسلامی‌اش باشید، اما مجبور کننده مردم در راه اسلام نباشید، چون آن مسلمانی ارزش دارد که از درون انسان‌ها و عشق انسان‌ها بجوشد و بشکفتد. ندیدید مردم ما در این دوران پر ارزش انقلاب از خودشان چه خودجوشی و چه خود شکوفایی نشان دادند؟

بزرگ‌ترین اصل بعد از پیروزی یک انقلاب چیست؟ تداوم همان انقلاب است، همین طور که مردم ما با آزادی به راه اسلام آمدند و رهبری عالی اسلامی ما را آزادانه پذیرفتند، بگذارید در تداوم انقلاب هم مردم آزادانه راه خدا و راه اسلام، راه حق و راه خیر و صفا و راه صدق را انتخاب کنند و ادامه دهند، این است سفارشم به طلاب و فضایی عزیز»^۱.

^۱ - البته سخنان شهید بهشتی با این که روشن و مبرهن بود، اما برای بسیاری از هم‌کسوتان ایشان مفهوم نشد و بسیار گران آمد. برخی محافل و افراد تنگ نظر که همه چیز را از روزنه تنگ و تاریک خود می‌دیدند، نتوانستند معنای درست سخنان شهید بهشتی را دریابند یا منافع‌شان را در خطر دیدند، بنابراین شروع به فضا سازی کردند و گفتند بهشتی دین تازه‌ای آورده است و این حرف‌ها بدعت در دین است و شروع به اتهام زنی‌های عجیب

احمدی نژاد نیز در دوران صدارت خویش به عنوان یک نظریه پرداز، بیاناتی مانند: «مردم از شنیدن اسم دموکراسی حالت تهوع می گیرند» (۱۳۹۲/۵/۱۲) را بر زبان می آورد.

دکتر روحانی، ریاست جمهوری وقت ایران نیز پس از آن که باز با اندیشه شکستن بت آزادی^۱ (مصباح یزدی، شرق، ۱۳۹۳/۲/۲۰)^۲ و بردن مردم به بهشت، حتی با توسل به شلاق زدن مواجه شد، به مخالفت با این نظر پرداخت و در همین رابطه بیان داشت:

«این قدر در زندگی مردم مداخله نکنید ولو به خاطر دلسوزی، بگذاریم مردم خودشان راه بهشت را انتخاب کنند، نمی توان با زور و شلاق مردم را به بهشت برد. پیامبر (ص) شلاق در دست نداشت، پیامبر بشیر و نذیر بود و ما نیز باید بشیر و نذیر باشیم، همه باید کاری کنیم که آرامش در جامعه حاکم باشد» (شرق، ۱۳۹۳/۳/۳).

محمد مجتهد شبستری در یادداشتی که در ارتباط با اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی دولت پنهان دارد، با طرح چند شاهد مثال، به نقد اندیشه مزبور پرداخته، می نویسد:

«اگر واقعاً مسأله این است که مثلاً درباره پوشش و رفتار زنان در ملاء عام شریعت چه می گوید و مقتضای آن چیست، چرا مراجع و خطیبان دینی، کتاب تحقیقی بسیار سودمند ترکشوند را که چند سال قبل با عنوان «حجاب شرعی در عصر پیامبر» دست به دست می گشت «بایکوت کردند» و با سکوت از کنار آن گذشتند؟ چرا مدعی آن کتاب را که با استنادهای قابل توجه تاریخی، اثبات می کند در عصر پیامبر اسلام (ص) حجاب در معنای امروزی آن نه تنها وجود نداشت، بلکه به سبب زندگی بسیار ساده و ابتدایی آن مردم و فقر مفرط ممکن نبوده است، در محافل حوزوی خود آشکارا به بحث نگذاشتند؟ چرا از طرفداران مدعی آن کتاب دعوت نکردند، در حوزه علمیه قم در نشست های عمومی سخن بگویند و دلایل خود را توضیح دهند تا معلوم شود، واقعاً در باب حجاب چه حکمی را می توان به حساب شریعت گذاشت؟ آیا واجب نبود آنان که این همه برای حجاب در شکل و معنای کنونی آن سینه چاک می کنند، مدعی آن کتاب را که به مراتب مستدل تر از بسیاری از مباحث فقهی حوزه است، جدی بگیرند؟ آیا واجب نبود به جای منع چاپ آن کتاب، خود آنان به چاپ و نشر آن پردازند تا کمکی به فهم شریعت کرده باشند؟!»

- آیا این آقایان که مدعی اند بر حکومت واجب است با اِعمال خشونت درهای جهنم و بهشت را بسته و باز کند، حتی برای یک بار از خود پرسیده اند که در این ۳۵ سال گذشته، اِعمال مداوم خشونت برای بستن درهای جهنم و گشودن درهای بهشت عملاً چه نتیجه ای داده است و کدام مشکل را حل کرده است؟

و غریب به ایشان کردند. به طوری که حتی یک هفته قبل از شهادت ایشان، درب مدرسه فیضیه را به روی وی بستند تا مانع از سخنرانی و بدعت- گذاری های او بشوند! بهشتی در حالی روز هفتم تیر ۱۳۶۰ ترور فیزیکی شد و به شهادت رسید که قبل از آن، صدها بار توسط افراد متحجر و محافل تندرو، ترور شخصیتی شده بود.

^۱ - بت آزادی را باید با ایستادگی شکست. (شرق، ۱۳۹۳/۲/۲۰).

^۲ - در اصطلاح دین، بت ضد خداست. وقتی می گویند فلان شیء یا فلان شخص بت شده، منظور این است که آن شیء یا شخص در نظر انسان ها به جای خدا نشسته و مانع خداپرستی حقیقی گشته است. وقتی فردی از عالمان قرائت رسمی از دین می گوید، آزادی بت است، مقصودش این است که آزادی ضد خداست و مانع خداپرستی است و عالمان دین باید هرگونه بت پرستی را نفی کنند.

به شهادت آمار دقیقی که نشر آن‌ها ممنوع است، زیر پوسته ظواهر دینی جامعه ما که از هر طرف با فشار این آقایان صدای تکبیر و صلوات و روضه و نیز اشاعه خرافات در آن بلند است، چه فسادهای عمیق و گسترده‌ای از اعتیاد میلیونی به مواد مخدر و الکل گرفته تا بیماری‌های مقاربتی و فسادهای گوناگون جنسی و بیماری‌های مهلک اخلاقی و روانی و خشونت‌های چندی‌آور خانوادگی و طلاق‌های تصاعدی و جرایم و جنایات گوناگون و فسادهای اداری و رشوه خواری‌های همگانی و اختلاس‌ها و دزدیدن‌های بیت‌المال و... لانه کرده است؟ آیا هنگام آن نرسیده که آن‌ها به خطا و بی‌فایده بودن توصیه اعمال خشونت برای حفظ ایمان و اخلاق مردم که سال‌ها سنت سیئه آنان و حکومت ما بوده، اعتراف کنند و اگر واقعاً به فکر سعادت اخروی انسان‌ها هستند، به اقدامات درست و مؤثر دیگری بیندیشند؟ آیا مسولیت این همه فساد اخلاقی و عملی پنهان و پوشیده، در درجه اول بر عهده مراجع و مربیان دینی نیست؟ آیا غیر از این است که آن‌ها از انجام وظایف اصلی خود که اشاعه و ترویج فرهنگ دینی و اخلاقی سالم در جامعه و پاشیدن بذره‌های ایمان و جلب اعتماد مردم به دین و دین‌داری است، ناتوان بوده‌اند و امکانات بی‌شمار خود را صرف یک سلسله علوم که ناظر به واقعیات جامعه نیست و اقدامات سطحی و بسیاری اوقات بی‌فایده کرده‌اند؟!

- مرحوم آیت الله منتظری به عنوان یک فقیه مسلم، در اواخر عمرشان درباره حقوق بشر از آن نظر که بشر است و حقوق شهروندی پیروان مذاهب غیر رسمی و از جمله بهائیان کشور ما نظرهای فقهی راهگشایی مطرح کردند. این نظرهای فقهی بسیار مهم و جدید است. اگر آقایان غم و غصه شریعت را می‌خورند، چرا نظرهای فقهی یک فقیه مسلم را که به حل بسیاری از معضلات انسانی و سیاسی جامعه کمک می‌کند، بایکوت کردند و آن‌ها را در حوزه‌های درسی خود به بحث نگذاشتند؟ چرا از صاحب نظران گوناگون دعوت نکردند تا در جلسات عمومی حوزه، با همان میزان‌ها و معیارهای فقهی متداول و یا معیارهای جدید، آن نظرها را مورد نقض و ابرام قرار دهند و ببینند عاقبت به کجا می‌رسند؟ و آیا در این موارد از شریعت تفسیر دیگری نیز می‌توان داد یا نه؟ چرا هر وقت یک فتوای خشن داده می‌شود، از نظر آقایان تقریر و تحکیم شریعت به حساب می‌آید، اما وقتی فتوایی داده می‌شود که دشمنی میان انسان‌ها را کم می‌کند و گره‌های سیاسی جامعه را می‌گشاید، آن را بایکوت می‌کنند؟ چرا آنان قسم موکد خورده‌اند که هرگز وارد بحث حقوق بشر نشوند؟!

- رفتار بسیار خشن که امروز در حق فرقه‌های صوفیه و دراویش در جامعه ما اعمال می‌شود، چه مجوزی از سوی همان شریعت رسمی آقایان دارد که آن‌ها همگی در برابر آن سکوت کرده‌اند؟! و گاهی آتش بیار آن معرکه شده‌اند؟ اصرار برای به زندان بردن یک استاد دانشگاه که نتیجه تحقیق خود را درباره امامت منتشر ساخته بود و تعطیل روزنامه ناشر چه مجوزی از سوی شریعت داشت؟

- آیا معنای امر به معروف و نهی از منکر در قرآن مجید، واقعاً همان است که فقیهان گذشته برای تحکیم سلطه سیاسی خلفای اموی و عباسی برای آن فریضه قایل شدند و این آقایان هم همان معنا را دنبال می‌کنند؟ آیا در عصر پیامبر اسلام هم در کوچه‌ها یقه خانم‌ها را می‌چسپیدند که چرا چنین یا چنان پوشیده‌ای؟! آیا پیامبر اسلام هم «محتسب» راه انداخته بود؟! (وب سایت محمد مجتهد شبستری، ۲۲ اردیبهشت، ۱۳۹۳).

دکتر روحانی در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره به جریان‌ی که ده بار کوشیده است تا شبکه‌های اجتماعی را ببندد، اظهار می‌دارد که وی و دولتش در برابر این فشار مقاومت کرده است و گرنه دسترسی شهروندان به اطلاعات جهانی مسدود می‌شد (شرق، ۱۳۹۶/۲/۲۵).

عدم پذیرش آزادی به تبعات دیگری مانند: دیدگاه تکلیفی به مردم، کنترل مردم، مداخله در زندگی شخصی و خصوصی افراد، نگاه تحقیرآمیز به مردم، تحمیق مردم، نگاه تهدیدآمیز به شهروندان و در نهایت متوسل شدن به اعمال برخوردهای تنبیهی در ارتباط با مردم به ظاهر خاطمی می‌انجامد که در ادامه، از آن یاد خواهد شد.

- نگاه تکلیفی به مردم

نظام دینی برخلاف نظام‌های غیردینی، در عین آن که از مردم می‌خواهد تا به تکالیف معمول فردی و اجتماعی‌شان بپردازند، از آنان انتظار دارد تا ضمن پرهیز از تخطی، به شکلی آرمان‌گرایانه در جامعه ظاهر شده، در جهت تحقق آرمان‌های دینی بکوشند. البته آرمان‌گرایی امر مطلوبی است، اما تحقق آرمان‌گرایی وابسته به وجود بسترهای اولیه لازم در این جهت می‌باشد. به عنوان مثال، رسول خدا، صلوات الله علیه، در حدیث شریفی بیان می‌دارند، اگر نان نبود، ما نمی‌توانستیم عبادت کنیم. رهنمود اخیر بیانگر ضرورت پاسخ به هست افراد در مرتبه نخست و انتظار آرمان‌گرایی از آنان در مرتبه بعدی دارد، اما اگر هست افراد در جامعه محقق نشود و مثلاً آنان در بند نیازهای اولیه زندگیشان باشند، نباید انتظار برخوردهای آرمان‌گرایانه را از مردم داشت. دید تکلیفی که از آغاز انقلاب در مرحله نخست در ارتباط با جوانان مطرح شد و در منشور ملی سازمان جوانان دوران آقای هاشمی رفسنجانی درج گردید، از جوانان انتظار داشت تا در حد و شأن انبیای الهی عمل کنند که این مسأله به دلیل محدودیت امکانات جهت پاسخ به نیازهای روزمره و معمول جوانان در تحصیل، اشتغال، مسکن و تشکیل خانواده، شکست خورد.

تعطیلی پی در پی برنامه‌های مختلف تلویزیونی یا رادیویی یا تعطیلی سریالی برنامه‌های فرهنگی موجود در جامعه، نمودی از دید تکلیف‌گرایانه اخیر را به معرض دید می‌گذارند. به این معنا که مثلاً برنامه کوله پشتی فرزاد حسنی، به دلیل مصاحبه تند ایشان با آقای رادان که از مسوولان نیروی انتظامی بود، تعطیل شد. برنامه‌های مثلث و تا خورشید آقای رشیدپور نیز به دلیل صبیغه انتقادی‌شان به تعطیلی گرفتار آمدند. به شکل مشابهی برنامه رادیویی صبح جمعه با شما (شرق، ۱۳۹۴/۷/۲۳) و رادیویی شب (شرق، ۱۳۹۶/۱/۱۴) به دلیل نگاه نقادانه خود تعطیل شدند.

تعطیلی برنامه‌هایی که طرفداران قابل توجهی برای خود پیدا کرده‌اند، به صرف آن که انتقادی در آن‌ها مطرح شده است و یا اشتباهی در آن‌ها صورت پذیرفته است، بدون توجه به مخاطبان گسترده برنامه‌های اخیر، در شرایطی که برنامه‌های مشابهی وجود ندارد، موجبات ریزش مخاطبان صدا و سیما را فراهم آورده، آنان را متوجه فضای مجازی و رسانه‌های دیگر کشورهای جهان می‌سازد (همان‌گونه که رادیو شب پس از تعطیل شدن در رادیو، ادامه کار خود را در فضای مجازی پی گرفت - شرق، ۹۶/۱/۱۴-).

تعطیلی سریالی کنسرت‌هایی که قرار است در آن‌ها مفاهیمی از عرفان و ادب اسلامی خوانده شود با ایرادهایی نظیر امکان وقوع خطایی در آن‌ها، در شرایطی که امکانات ارضای هیجان‌جویی شهروندان در جامعه در حد و اندازه‌های حداقل فراهم

نشده است، نگاه تکلیف‌گرای دیگری است که موجب رودررویی مردم بلیط به دست با نیروهای انتظامی، دادستانی یا افراد خودسری که به تعطیلی کنسرت اقدام کرده‌اند را فراهم می‌آورند.

موارد دیگری نظیر دستور ناجا برای تفکیک جنسیتی کنسرت‌ها (شرق، ۱۳۹۳/۵/۱۴) یا اظهار نظر آقای علم‌الهدی امام جمعه مشهد، دال بر این که هیچ کنسرتی در مشهد نباید انجام شود و گسترش نظیر اخیر مبنی بر این که «من با برگزاری کنسرت در سراسر ایران مخالف هستم» (شرق، ۱۳۹۶/۱/۳۱) و تبعیت برخی از ائمه جماعات بعضی از شهرهای کشور از این ایده (شرق، ۱۳۹۶/۲/۲) و یا پیشنهاد فاطمه آباد، عضو شورای شهر تهران مبنی بر این که در پارک‌ها گورستان‌هایی (احتمالاً برای عبرت مردم) تعبیه گردد (شرق، ۱۳۹۳/۴/۴)، در شرایطی که مردم شادی و رضایت از زندگی اندکی را از خود گزارش می‌دهند، از دیگر مصادیق دید تکلیف‌گرایانه نسبت به مردم به شمار می‌روند.

- طرح ضرورت کنترل مردم

با طرح دید تکلیف‌گرا نسبت به مردم، ضرورت کنترل آنان نیز مطرح می‌گردد. اما همان‌گونه که از آن یاد شد، دید تکلیف‌گرا نسبت به مردم نیازمند ارضای هست آدم‌ها است تا آنان به بایدهای دید تکلیف‌گرا پاسخ مثبت بدهند، در جریان کنترل افراد نیز اولاً نمی‌توان اراده و انتخاب افراد را نادیده گرفت و ثانیاً برای ایجاد جامعه‌ای سالم، ضرورت دارد تا با فراهم آوردن امکانات لازم برای شهروندان، از آن‌ها درخواست داشت تا زندگی سالمی را پیشه خویش کنند.

اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی با نادیده گرفتن اراده و انتخاب افراد و همین‌طور تهیه بسترهای اولیه ارضای زیستی، روانی و اجتماعی افراد، درصدد هست تا به کنترل افراد همت گمارد و به تعبیری اگر هم شده، با شلاق مردم را به سمت و سوی بهشت ببرد. در حالی که بچه تصور کردن انسان‌های بالغ جامعه خطا است، مضاف این که امکانات مورد نیاز آنان برایشان فراهم نشده و تدارک دیده نشده باشد.

دکتر روحانی در یکی از سخنرانی‌های خود با اشاره به جریانی که تلاش داشت فضای امنیتی را بر دانشگاه‌های کشور حاکم سازد، اظهار می‌دارد که وی و دولتش در برابر این تصمیم ایستادگی کرده است (شرق، ۱۳۹۶/۲/۲۵).

گشت ارشاد، تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها و ادارات، نفی کاربری از فن‌آوری‌های ارتباطی جدید، مقابله با تفریحات مردم و نفی و انکار آموزش و کاربری از موسیقی، از جمله مصادیق کنترل مردم در اندیشه اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی به شمار می‌آید.

تدارک گشت ارشاد برای با حجاب کردن افراد بدحجاب و در امتداد همین اقدام، آغاز به کار ۷۰۰۰ پلیس نامحسوس در تهران (در حالی که در سراسر ایران ۲۷۰۰ محیط‌بان حافظ محیط زیست وجود دارند-شرق، ۱۳۹۵/۱/۳۱-)، برای رصد خطای مردم و برخورد با آنان، اندیشیده شده است.

اصرار وافر بر تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها و ادارات، نمود دیگری از کنترل مردم می‌باشد. صاحبان این اندیشه تصور می‌کنند با جداسازی بیش از پیش دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌ها از سویی و جداسازی کارمندان مرد و زن از سوی دیگر می‌توانند روابط نامتعارف دو جنس را کنترل کنند. به عنوان مثال سردار کاظمینی فرمانده سپاه تهران بیان می‌دارد: باید در تمام سازمان‌ها و نهادها تفکیک جنسیتی رخ بدهد (شرق، ۱۳۹۳/۵/۱۵).

نهی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید و تلاش بر مختل کردن کاربری از آن‌ها با پارازیت‌های ضد ماهواره یا فیلتر کردن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی یا تلفن همراه، مصداق دیگری در جهت کنترل مردم به شمار می‌رود.

مقابله با ماهواره، تصویب فیلتر کردن سایت‌ها یا شبکه‌های اجتماعی مختلف از جمله مواردی هستند که با اراده و انتخاب انسان‌های بالغ متعارض است. اگرچه دیدگاه دینی موافق ارایه کنترل شده انواع اطلاعات به کودکان و نوجوانان است، اما در بزرگسالی افراد باید آنان به خودپروی و قوه تمیز و تشخیصی رسیده باشند که رأساً دست به انتخاب بزنند، نه آن که با ننگ داشتن آنان در مرحله دیگر پیروی تلاش بر هدایت آنان همچون کودکان داشت. بیان آیت الله وحید خراسانی مبنی بر این که استفاده از ماهواره با رعایت جهات شرعی اشکالی ندارد، دلالت بر دید اخیر دارد، حال آن که تقاضای نیروی انتظامی دال بر این که ۳۰ شبکه اجتماعی باید فیلتر شوند، دلالت بر دید مبتنی بر کنترل مردم دارد.

گزارش‌های پی در پی نشریات دال بر تصویب فیلتر کردن یک شبکه اجتماعی (شرق، ۱۳۹۲/۱۰/۱۸ و ۱۳۹۳/۲/۱۰) یا فرصت یک ماهه دستگاه قضا برای فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی مختلف (۱۳۹۳/۶/۳۰)، از دیگر مصادیق کنترل مردم جهت آسیب نخوردن از فضای مجازی می‌باشد، حال آن که به نظر می‌رسد به جای هزینه کردن روی فیلترینگ سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، با بسترسازی فرهنگی لازم بتوان مردم را در جهت تمیز و تشخیص سره از ناسره یاری رساند.

آنچه از آن یاد شد، در عرصه‌های تفریحی (نظیر تعطیل کردن شهربازی اوین) و موسیقی (مانند تعطیل کردن کلاس‌های آموزش موسیقی در فرهنگسرا)، -شرق، ۱۳۹۴/۱/۱۸- و یا لغو برگزاری کنسرت در شهرهای مختلف ایران) نیز قابل مشاهده است.

کنترل‌های اخیر، در نگاه علمی جامعه‌پذیری مبتنی بر زور یا متابعت خوانده می‌شوند و بررسی‌های علمی نشان می‌دهند که واداشتن مردم با زور و اجبار به امری، اگرچه به سبب ترس مردم ممکن است تا حدودی مورد پذیرش واقع شود، اما این پذیرش، پذیرشی سطحی و صوری بیشتر نخواهد بود، حال آن که جامعه‌پذیری مبتنی بر درونی‌سازی که در جریان آن امور مورد نظر با عاطفه و منطق به مردم عرضه می‌گردند، به شکل عمیق‌تری در اذهان افراد جایگزین می‌گردند. بالطبع اگر در جریان جامعه‌پذیری مبتنی بر زور، از روش‌های خشونت‌زا استفاده شود، شدت نفرت درونی افراد از این روش‌های برخورد،

^{۱-} شهربازی تهران یا شهربازی اوین در اواخر دهه ۱۳۴۰ در قالب شرکتی به نام «لونا پارک» و در زمینی به وسعت ۳۷ هزار مترمربع فعالیت خود را آغاز کرد. پس از انقلاب این مرکز تفریحی مصادره و برای اداره در اختیار بنیاد شهید انقلاب اسلامی قرار گرفت. این مجموعه که در انتهای خیابان سئول و در کنار بزرگراه شهید چمران قرار داشت، سال‌ها به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مجموعه تفریحی تهران به شمار می‌رفت. در سال ۱۳۸۴ حدود دو میلیون شهروند تهرانی از این مرکز تفریحی استفاده کردند. در سال ۱۳۸۵ این مجموعه به شهرداری واگذار گردید و به طور دائمی تعطیل شد.

زمزمه‌های تخریب این شهربازی به منظور تکمیل شبکه بزرگراهی و احداث پل اوین -در که از سال ۸۲ آغاز شد تا این که در سال ۸۳ که معاون خدمات شهری شهردار وقت خبر خداحافظی شهربازی با تهرانی‌ها را داد و سرانجام در ۲۱ فروردین سال ۱۳۸۵ طی توافقات انجام گرفته بین شهرداری تهران و بنیاد شهید انقلاب اسلامی این مجموعه در قبال پرداخت ۲۳ میلیارد تومان به شهرداری تهران واگذار و برای همیشه تعطیل شد. تمامی ابزار و وسایل بازی این مجموعه به شهربازی قم منتقل شد.

تاکنون هیچ مرکز تفریحی به آن وسعت و امکانات و درجه اهمیت از منظر ایجاد اشتغال و چرخه اقتصادی، ساخته و جایگزین نشده است (دانشنامه ویکی پدیا).

بیشتر و گریز افراد از آن شدیدتر خواهد بود. به عنوان نمونه، وقتی سردار جعفری بیان می‌دارد که سپاه به دنبال امر به معروف و نهی از منکر است (شرق، ۱۳۹۵/۶/۲۸) و فرزند فیلسوف انقلاب و نماینده مجلس کشور را که برای سخنرانی به شیراز رفته است، افراد بسیجی و سپاهی به قصد کشت مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند، تبعات امر به معروف و نهی از منکر مورد نظر برعکس نتیجه خواهد داد.

- برخورد مداخله گرایانه در زندگی خصوصی مردم

اقتدارگرایی فرهنگی - اجتماعی به نگاه تکلیفی به مردم و کنترل آنان در جامعه اکتفا نکرده، برای تحقق بخشیدن به اندیشه‌های اقتدارگرایانه خویش درصدد ورود در زندگی خصوصی مردم نیز برمی‌آید تا به زعم خویش حتی اگر با شلاق هم شده، مردم را به بهشت (توهمی خودش) ببرد.

سایت فرارو، استدلال سردار اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده وقت نیروی انتظامی در مورد عملیات راپل که طی آن نیروی انتظامی با عملیات هوایی اقدام به جمع‌آوری دیش‌های ماهواره‌ای مردم تهران کردند را به شرح زیر نقل می‌کند:

«طی سال‌های گذشته نیروهای پلیس در اجرای مأموریت خود و با انجام طرح‌هایی چندمرحله‌ای، اقدام به جمع‌آوری دیش‌های ماهواره از پشت‌بام خانه‌ها کرده‌اند. در یکی از خبرسازترین مراحل این گونه طرح‌ها، نیروهای پلیس در سال ۹۰ با اجرای عملیات «راپل» از طریق هوایی بر بام یا بالکن مجتمع‌های مسکونی فرود آمده و «دیش»های ماهواره را جمع‌آوری کردند. سردار اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی خردادماه سال گذشته در واکنشی به انتقادات از این گونه اقدامات «ناجا» طی سخنانی در همایش سراسری مسوولان و رابطین «انصار حزب‌الله» کشور گفت: «برخی به نیروی انتظامی معترض بودند که چرا اقدام به جمع‌آوری ماهواره‌ها می‌کنید؛ چرا که اساساً فایده و اثری بر آن مترتب نیست. این در حالی است که دو پاسخ برای این افراد وجود دارد؛ اول این که در روز رستاخیز که این افراد مدعی شدند، چرا حکومت اسلامی خطای ما را مشاهده کرد و جلو ما را نگرفت، باری بر دوش ما نخواهد بود و حقی از ایشان بر گردن ما نیست. اما پاسخ دوم را آمار مستند بیان می‌کند که حکایت از اثربخشی روش نیروی انتظامی در عمل دارد» (شرق، ۱۳۹۳/۳/۳۱).

جلوه‌های مداخله در زندگی خصوصی مردم به مورد اخیر خلاصه نشده، موارد متعدد دیگری را دربر می‌گیرد. به عنوان مثال، اظهار نظر نماینده خبرگان رهبری خوزستان دال بر این که حد تعادل در داشتن فرزند، ۶ بچه است (شرق، ۱۳۹۲/۲/۱۳) و یا ممنوع الورد شدن کاندوم به ایران (شرق، ۱۳۹۴/۱۱/۳) پس از تشویق مسوولان به فرزندآوری بیشتر برای مقابله با منفی شدن رشد جمعیت و یا پیشنهاد مجازات ۵-۲ سال زندان برای افرادی که برای جلوگیری از باوری اقدام کرده‌اند (شرق، کلیات طرح پیشگیری از بارداری مجلس، ۱۳۹۳/۴/۴)، مصادیقی در همین جهت به شمار می‌روند. البته ممکن است برخی از اندیشه‌های افراطی اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی در عمل در جامعه پیاده نشوند که این مسأله به مقاومت مردم در برابر اندیشه‌های اخیر بازمی‌گردد، اما آنچه در این قسمت مهم هست، بازشناسی اندیشه حاکم بر اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی است که عامه مردم جامعه را به نام دین و دیانت هدف قرار داده است.

- نگاه تحقیرآمیز به مردم

امام خمینی در آغاز انقلاب اسلامی مردم را ولی نعمت مسوولان خواندند و نگاهی توأم با تکریم و کرامت انسانی به افراد داشتند، اما در گذر زمان با اثرگذاری دولت پنهان در جامعه، دید اخیر با دید تهدید دیدن هر آن که همسو با جهت دولت

پنهان و اسلام مورد نظر آنان نیست، تغییر کرد. به عنوان مثال، نشریه یالثارات در برخورد با خانم مولاوردی که اندیشه وی را منطبق با خواست خود نمی‌دید، می‌نویسد:

«روحانی هم پالگی همان بدتر از فاحشه معروفه در دنیا را می‌خواهد برگردن زنان ما مسلط کند به نام خانم معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده» (۱۳۹۴/۱۰/۷).

روحانی از اندیشه‌های تفکیک جنسیتی مردم حتی در پیاده‌روهای شهر چنین یاد می‌کند:

«اگر شما جوانان در خانه بنشینید، بدانید که در پیاده‌روهای ما هم دیوار خواهد بود. شما آن‌ها را نمی‌شناسید، من آن‌ها را می‌شناسم، آن‌ها روزی در جلسه‌ای تصمیم گرفتند در تهران و پیاده‌رو دیوار بکشند. آن‌ها می‌خواستند پیاده روی زنانه مردانه ایجاد کنند. همان طور که در محل کارشان بخش نامه تفکیک جنسیتی را صادر کردند» (شرق، ۱۳۹۶/۲/۱۹).

حجت الاسلام طائب نیز در یکی از سخنرانی‌های خویش پیشنهاد می‌کند که مطهری را باید پزشکی قانونی معاینه کند (شرق، ۱۳۹۳/۱۱/۲).

اما گذشته از مسوولان، مردم نیز در معرض تحقیر اخیر قرار دارند. به عنوان نمونه، آقای مصباح که در دوران شاه مبارزه با وی را حرام می‌دانست و در طول جنگ حمایتی از رزمندگان نداشت و در حال حاضر ۱۲ میلیارد تومان از پول مالیات مردم را از دولت برای مؤسسه خودش دریافت می‌دارد، اظهار می‌دارد: مردم شایسته رهبری مقام رهبری نیستند (شرق، ۱۳۹۳/۹/۱۶).

احمدی‌نژاد نیز طی اظهار نظری بیان می‌دارد: برخی قیافه روشنفکری می‌گیرند ولی به اندازه بزغاله هم از دنیا فهم و شعور ندارند (۱۳۹۲/۵/۱۲).

دکتر عارف در اظهار نظر متفاوتی در همین ارتباط بیان می‌دارد: وقتی مردم خس و خاشاک می‌شوند چه انتظاری از مردم دارید؟ باید به شیوه‌های منطقی مردم را قانع کرد و در انقلاب فرهنگی نمی‌شود مردم را با چماق قانع کرد (شرق، ۱۳۹۲/۲/۳).

- نگاه تهدیدآمیز به مردم

اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی پس از اعمال روش‌هایی مانند نگاه تکلیفی به مردم، تلاش در جهت کنترل کردن مردم، نگاه مداخله‌گرایانه در زندگی خصوصی مردم و نگاه تحقیرآمیز به شهروندان، با عمق و شدت بخشیدن به اندیشه‌های خویش، با نام اسلام دست به تهدید مردم می‌زند.

در یکی از طرح‌های ارایه شده در مجلس شورای اسلامی، مدیران ساختمان‌ها ملزم به ارایه گزارش افراد کاربر ماهواره در ساختمان خودشان به نیروهای انتظامی گردیده‌اند (شرق، ۱۳۹۳/۷/۲۴).

در طرح صیانت از حریم عفاف و حجاب، برخی از نمایندگان مجلس پیشنهاد کرده‌اند تا افراد بدحجاب جریمه نقدی شده و در پرونده خاصی که برای آنان تشکیل می‌شود، سوابق آنان درج شود (شرق، ۱۳۹۴/۶/۸).

جبهه پایداری، برخلاف حداد عادل که پیشنهاد دادن یارانه به افراد محجبه را مطرح کرده بود، پیشنهاد کسر حقوق کارمندان بدحجاب را مطرح می‌سازد (شرق، ۱۳۹۳/۷/۲۴). دادستان تهران نیز در برخوردی کلی، خواستار اقدامات فرهنگی و سرهنگی برای ارتقای حجاب در جامعه می‌گردد (شرق، ۱۳۹۵/۵/۲۳).

برخی از نمایندگان مجلس، در پیشنهاد دیگری پیشنهاد مجازات حبس برای کسانی که دست به عمل واز کتومی و توبکتومی می‌زنند را داده‌اند (شرق، ۱۳۹۳/۱/۲۷).

آقای علم الهدی نیز با تهدید مردم، بیان می‌دارد کسی که (در انتخابات) رأی ندهد، جهنمی است (شرق، ۱۳۹۲/۳/۱۷) و یا امام جماعت مسجد جمکران خاطر نشان می‌سازد، غیر مسجدی‌ها دچار فساد و تباهی می‌شوند (شرق، ۱۳۹۳/۲/۱۱).

ابراهیم نبوی در نامه‌ای که به احمدی‌نژاد در روزهای پایانی صدارتش نوشته است، خاطر نشان می‌سازد:

«وقتی نگذاشتی کسی انتقاد کند، وقتی چهارده روزنامه فقط به دستور دولت تو توقیف شد، مردم چه می‌توانستند بکنند جز این که در هر فرصتی به تو توهین کنند یا با الفاظی بد از تو حرف بزنند...»

فکر کردی وقتی هشتاد نفر استاد اقتصاد کشور می‌گویند که برنامه اقتصادی تو موجب افزایش تورم و نابودی کامل اقتصاد کشور می‌شود، بهترین راه این است که این استادان را بازنشسته و اخراج کنی و یک مشت آدم چاپلوس را پول و موقعیت بدهی که برایت کتاب بنویسند و تو را معجزه هزاره بخوانند و تحسینات کنند».

- تحمیق مردم

سردمداران دولت پنهان با پذیرش برتری خویش بر مردم عادی (که بعضاً ممکن است آن‌ها را در برابر خودشان - که خود را علما می‌نامند - سفها بنامند) و دولت رسمی، خود را مجاز می‌دانند که دست به تحمیق طرف مقابل بزنند. تهدید مردم دال بر این که اگر کسی رأی ندهد، جهنمی خواهد بود (شرق، ۱۳۹۲/۳/۱۷)، نمونه‌ای از این موارد است.

احمدی‌نژاد نیز در دوران صدارتش، در حالی که ایران را به سمت تحریم‌های پیاپی برده بود، خطاب به مردم گزارش می‌داد:

«سران کشورهای دنیا برای نزدیکی با کشور ما صف کشیده‌اند، مثل این پیرزن‌ها که در صف، زنبیل می‌گذارند» (۱۳۹۲/۵/۱۲).

ابراهیم نبوی در نامه‌ای که در پایان صدارت احمدی‌نژاد به او نوشت، از تحمیقی که او و یارانش در حق مردم روا می‌داشتند، چنین یاد کرد:

«ایران با جمعیت عظیم طبقه متوسط تحصیل کرده و ساختار اجتماعی و سابقه مدرنیت، امکان پس رفتن نداشت. اما تو فکر می‌کردی اگر خودت بگویی و خودت باور کنی و اطرافیان تأیید کنند، می‌توانی موفق شوی. سعی کردی یک فرقه دور خودت جمع کنی، از یک مشت دیوانه کم عقل و ساده لوح که یکی‌شان تو را پیامبر می‌دید، یکی‌شان تو را در هاله نور تصور می‌کرد، یکی‌شان قول می‌داد، ماه خرداد امام زمان می‌آید، یکی دنبال رمالی بود، یکی هم مثل فاطمه رجبی که تو را معجزه هزاره سوم می‌دانست. آدم بی‌سواد ساده لوح همین است. در ششمین سال یک هزاره، آدم اتفاقی را معجزه هزاره بداند، کمال ساده لوحی است. مردم جهان صبر می‌کنند و وقتی یک قرن یا هزاره تمام می‌شود، وقایع آن قرن یا هزاره را می‌گویند، تا به حال کسی در سال ۲۰۰۶ میلادی مهم‌ترین اتفاق سومین هزاره را پیش‌بینی نکرده بود...».

لازم به ذکر است که در کنار تحمیق، دعوت به خرافه و خرافه‌پردازی نیز وجه مشابهی است که بعضاً در رفتار اقتدارگرایان مشهود می‌باشد.

- اعمال بر خوردهای تنبیهی با مردم

اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی با مطالعات علمی سر و کار چندانی ندارد، زیرا در صورت برخورداری از تجربه دانش بشری، بسیاری از روش‌های مبتنی بر ارباب و تهدید خود را با روش‌های مداخله‌گرایانه و توأم با حفظ کرامت انسانی انسان‌ها عوض می‌کرد، از این رو اقتدارگرایی اخیر که مثلاً تصور می‌کند، ریشه مشکلات کشور در ساپورت‌پوشی است (علم الهدی، اعتماد ملی، ۱۳۹۳/۵/۱۸)، با اتخاذ برخوردهای تنبیهی، اوج مداخله فعال (و در عین حال غیر علمی و در بسیاری از موارد غیراسلامی) خویش را به معرض دید می‌گذارد.

ستاره‌دار کردن دانشجویان، تدارک گشت‌های محسوس و نامحسوس برای جلب افراد خاطی، جمع‌آوری دیش ماهواره‌ها، برخورد نیروی انتظامی با جوانان و مانند آن، از جمله مصادیق برخورد تنبیه‌آمیز اقتدارگرایی با مردم می‌باشد. در جریان ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، دانشجویان بسیاری ستاره‌دار شده، از ادامه تحصیل محروم شدند، حال آن که به نظر می‌رسد، اگر دانشجویی خاطی نیز باشد، برخورد توأم با رحمت اسلام، بیشتر از برخورد مبتنی بر قهر و غضب در هدایت وی در آغاز زندگی اجتماعی‌اش مؤثر خواهد آمد.

تدارک گشت‌های ارشاد و ۷۰۰۰ مأمور نامحسوس در سطح تهران، برخورد تنبیه‌آمیز دیگری است که در جامعه اعمال می‌گردد. افرادی که توسط گشت ارشاد جلب می‌شوند، غالباً مورد عکس برداری، تشکیل پرونده و اخذ تعهد واقع می‌گردند. جمع‌آوری دیش‌های ماهواره با جرثقیل بالابر (شرق، ۱۳۹۳/۳/۳۱) یا عملیات (هوایی) راپل (شرق، ۱۳۹۳/۳/۳۱) مصداق دیگری از برخوردهای تنبیه‌آمیز محسوب می‌گردد.

نیروی انتظامی اگرچه گاهی با جوانان هنجارشکن برخورد دارد و مثلاً با دختران و پسرانی که در پارک آب و آتش یا برخی از پارک‌های دیگر شهرهای کشور دست به آب بازی زده‌اند، برخورد داشته است، اما گاهی با بدعت‌گذاری‌های مثبت جوانان نیز برخورد داشته است. به عنوان نمونه، شرق گزارش می‌دهد، نیروی انتظامی با جوانانی که برای کمک به کودکان کار، دست به پاک کردن شیشه اتوموبیل‌ها در پارک وی زده بودند، برخورد کرده است (شرق، ۱۳۹۴/۱/۱۸). دزدی مجسمه‌های چند تنی از میادین بزرگ تهران یا پاک کردن بزرگ‌ترین نقاشی ایران در مشهد، از دیگر مصادیق برخورد تنبیه‌آمیز با هنرمندان جامعه به شمار می‌رود.

۲-۱-۴- کاهش سرمایه اجتماعی در دوران پساخاتمی

رابطه مبتنی بر اعتماد و پذیرش مردم نسبت به حاکمیت، نهادهای اجتماعی و مردم جامعه، سرمایه اجتماعی یک کشور محسوب می‌گردند. سرمایه اجتماعی بالای جامعه دلالت بر همسویی و وفاق افراد با کلان نظام، نهادهای آن و مردم اطراف و اکنافش دارد، بالطبع در شرایط اخیر پیشبرد بسیاری از اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نظام به خوبی محقق خواهد شد، اما در صورتی که سرمایه اجتماعی یک جامعه اندک باشد، عدم تفاهم و پذیرش مردم نسبت به حکومت، نهادهای حکومتی و دیگر شهروندان به صورت مانعی جدی برای پیشبرد اهداف مختلف نظام جلوه‌گر خواهد شد.

بررسی دوران بعد از اصلاح طلبی آقای خاتمی، دلالت بر آن دارد که سرمایه اجتماعی موجود در ایران به دلایل افزایش مشکلات اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی، مشکلات فرهنگی، مشکلات عقیدتی، مشکلات قضایی، آسیب‌های زیست محیطی

و افزایش مشکلات روانی مردم، نسبت به اوایل انقلاب و دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی کاهش یافته است تا حدی که دکتر غفاری (۱۳۹۴) در پژوهشی که در همین جهت با نظارت دکتر چلبی برای وزارت کشور در سال ۱۳۹۴ انجام داد، گزارش می‌دهد که نمره سرمایه اجتماعی در ارتباط با کلان نظام (دولت)، نهادهای نظام و شهروندان، در مقیاس صفر تا بیست، در هر سه مورد پیش گفته، زیر ده است (البته بعد از تحولات شدید نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ در جامعه که در عمل ثروت ریالی مردم را به نصف و یا یک سوم تقلیل داد، شاید بتوان گفت که نمره بالا نیز بیش از پیش تقلیل یافته است) که بالطبع این نتایج، پیامدهای نگران کننده‌ای را در پی دارند.

در ادامه با بررسی افزایش مشکلاتی که از آن‌ها یاد شد، کاهش سرمایه اجتماعی جامعه تبیین شده، سپس تحولات اخلاقی دانشجویان مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۲-۱-۴-۱- افزایش مشکلات اقتصادی

پس از آقای خاتمی، آقای احمدی‌نژاد به مدت ۸ سال رئیس جمهور ایران شد. آمارهای منتشر شده درباره درآمد نفتی ایران در مدت مزبور معادل ۸۰۰-۷۰۰ میلیارد دلار به علاوه ۱۰۰ میلیارد دلار ناشی از واگذاری اموال دولتی بود. اما گزارش مدونی از میزان سرمایه‌گذاری سرمایه اخیر در صنعت، کشاورزی و خدمات وجود ندارد.

هفت برابر شدن حجم نقدینگی در دولت آقای احمدی‌نژاد طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۳ (شرق، ۱۳۹۲/۹/۷)، افزایش واردات ۲۵ میلیارد دلاری دوران آقای خاتمی به ۶۵ میلیارد دلار در دوران آقای احمدی‌نژاد (۱۳۹۳/۳/۷)، تجربه تورم ۳۹٪ در دولت نهم و دهم، رشد منفی اقتصاد ایران در دوران احمدی‌نژاد (در سال ۱۳۹۱ میزان رشد منفی اقتصاد ایران به ۴/۵٪ رسید)، از سویی و از سوی دیگر نزول رتبه شفافیت مالی ایران در دوران اخیر به نحوی که شفافیت مالی ایران در ۱۶۷ کشور جهان رتبه ۱۳۱ را به دست آورد (شرق، ۱۳۹۵/۱۰/۵)، گم شدن دکل‌های نفتی خریداری شده یا کشتی‌های خریداری شده، افزایش رتبه فساد اقتصادی ایران در جهان به شکلی که در یک مقطع ۵ ساله از حکومت احمدی‌نژاد، رتبه جهانی ایران در فساد، ۸۰ رتبه به سمت فاسدترین کشورهای جهان تنزل یافت (۱۳۹۲/۱۰/۹)، وجود اسکله‌های غیر مجاز در کشور (شرق، ۱۳۹۳/۱۲/۹) و عقد قراردادهای نفتی که به تعبیر زنگنه، وزیر نفت، بیشتر از آن که به یک قرارداد شبیه باشند، به یک تفاهم نامه دوستانه شبیه هستند که چیزی در آن مشخص نیست (شرق، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰)، از مشخصه‌های اقتصادی دوران احمدی‌نژاد می‌باشد.

در دوران دولت نهم و دهم، روند اختلاس‌ها در جامعه فزونی می‌گیرد، به این ترتیب که اگر اختلاس فاضل خداداد در دهه ۷۰، ۱۲۳ میلیارد تومان بود، اختلاس شهرام جزایری در دهه ۸۰ فزونی گرفته، و در دهه ۹۰ رقم اختلاس بابک زنجانی به ۳۰۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. در همین مقطع زمانی معاون اول احمدی‌نژاد (که در عین حال دبیر ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی بود)، به جرم فساد مالی به زندان محکوم می‌شود و ایرانیان در پورشه سواری در خاورمیانه، رتبه اول را به دست می‌آورند (شرق، ۱۳۹۴/۳/۳).

از سوی دیگر نه تنها حاشیه‌نشینی در قیاس با آغاز انقلاب، رشدی ۱۷ برابری را نشان می‌دهد (شرق، ۱۳۹۳/۱۲/۱۶)، بلکه پدیده‌های جدیدی نظیر شکل‌گیری مادون طبقه (شرق، ۱۳۹۳/۵/۱۲) و پشت‌بام‌نشینی (شرق، ۱۳۹۳/۱۲/۱۹)، در جامعه بروز و

نمود می‌یابد و سرانجام در انتهای دوران ۸ ساله ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، آمار ۲۰ میلیون و ۶۰۰ هزار شغل آغاز حکومت وی، ثابت و دست نخورده باقی می‌ماند (شرق، ۱۳۹۶/۲/۹).

۲-۴-۱-۲- افزایش آسیب‌های اجتماعی

در دوران پساخاتمی، خاصه در دوران احمدی‌نژاد، آسیب‌های اجتماعی در جامعه فزونی چشمگیری یافتند. در این دوره نه تنها سازمان جوانان به عنوان متولی امور جوانان در وزارت ورزش ادغام شد و در عمل به معاونتی حاشیه‌ای در این وزارتخانه تقلیل یافت، بلکه بودجه سالانه آن نیز بنا به اظهار نظر دکتر گلزاری، مسوول وقت معاونت جوانان وزارت ورزش، به اندازه احداث ۱۵ کیلومتر یک جاده روستایی تقلیل یافت. هم‌زمان با به محاق رفتن جوانان و تهدید انگاری جوانان در دوران احمدی‌نژاد (شرق، ۱۳۹۲/۵/۶)، سازمان‌های مدنی نیز در جامعه دچار محاق شدند (شرق، ۱۳۹۲/۵/۶) و برخی از آسیب‌های اجتماعی نظیر هم جنس گرایی نفی شده و آسیب‌های دیگری مانند کودکان کار مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گرفتند (شرق، ۱۳۹۳/۳/۸).

افزایش خشونت در جامعه (شرق، ۱۳۹۱/۱۰/۲۸)، افزایش جلوه‌های خیانت در روابط اجتماعی (شرق، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹)، وجود ۱۱ میلیون حاشیه‌نشین در کشور (شرق، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹)، افزایش طلاق (شرق، ۱۳۹۳/۴/۱۴) و رسیدن آن به حد ۲۵٪ در جامعه (شرق، ۱۳۹۳/۱۰/۱۸)، رشد منفی ازدواج و کاهش ازدواج (شرق، ۱۳۹۳/۲/۳۰)، افزایش زنان مجرد و بیوه در جامعه (شرق، ۱۳۹۲/۸/۲۶)، افزایش زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرست (شرق، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹)، کاهش سن دختران فراری (شرق، ۱۳۹۳/۱۰/۹)، کاهش سن روسپیگری در جامعه (شرق، ۱۳۹۳/۴/۱۴)، یک میلیون بازدید از سایت‌های مستهجن -بنا بر آمار یکی از استادان دانشگاه تهران- (شرق، ۱۳۹۵/۷/۱۰)، تغییر الگوی ابتلا به ایدز از تزریقی به آمیزشی (شرق، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹)، قاچاق دختران به کشورهای حاشیه خلیج فارس (ایرنا، ۱۳۸۱/۱۱/۲۰ و شرق، ۱۳۹۲/۹/۱۶)، کاهش سن مصرف موادمخدر در جامعه (تا حدی که فرماندار کاشمر از کاهش سن مصرف موادمخدر در کاشمر به ۱۱ تا ۱۳ سال خبر می‌دهد) (شرق، ۱۳۹۳/۹/۱۱)، کاهش سن کاربری از وسایل آرایشی (و رسیدن آن به ۱۲ سال) (شرق، ۱۳۹۳/۷/۲۷)، افزایش خشونت علیه خویش (به این صورت که ۶۵٪ دختران و زنان زیر ۲۵ سال، چهره خود را نازیبا می‌پندارند) (شرق، ۱۳۹۳/۹/۵)، مصرف بیش از ۲۰۰ میلیون لیتر مشروبات الکلی در کشور (شرق، ۱۳۹۲/۴/۵) و سرانجام پدیدآیی آسیب‌های جدیدی نظیر زنان و دختران کارتون خواب (شرق، ۱۳۹۴/۶/۲)، وجود حدود ۵۰۰ زن کارتون خواب در جامعه (شرق، ۱۳۹۴/۷/۲۸)، گورخوابی (شرق، ۱۳۹۵/۱۰/۱۲)، ازدواج سفید (شرق، ۱۳۹۴/۲/۶)، ازدواج صورتی، عشق دایره‌ای، از جمله آسیب‌هایی بودند که در جامعه بروز و نمود یافته یا افزایش یافتند.

۲-۴-۱-۳- افزایش مشکلات فرهنگی

در دوران پساخاتمی، خاصه در دوران احمدی‌نژاد، مشکلات فرهنگی جامعه رو به افزایش گذاشت، مشکلاتی نظیر کاهش تیراز کتاب‌ها در جامعه، کاهش توجه به رسانه‌های خودی و افزایش توجه به رسانه‌های بیگانه و تلاش در دور زدن فیلترینگ ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی از نمودهای بارز مشکلات فرهنگی این دوران شمرده می‌شوند اما آنچه مهم‌تر از این مشکلات می‌باشد، گسترش دروغ و تقلب در جامعه می‌باشد که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهد شد.

کاهش تیراژ کتاب‌ها در جامعه ایران، مسأله قابل تأملی است. به این معنا که اگر زمانی در آغاز انقلاب در ایران که جمعیتی نصف جمعیت فعلی خودش داشت. تیراژ کتاب‌ها مقایسه شود، تیراژ کتاب‌های منتشره در آغاز انقلاب بیشتر از تیراژ کتاب‌های جامعه امروزی ایران است و در این میان نه تنها سقوط تیراژ کتاب‌ها به ۲۰۰۰، ۱۰۰۰ و حتی ۵۰۰ و ۱۵۰ نسخه رسیده است، بلکه تیراژ کتاب‌های منتشره در ایران از افغانستان نیز پایین‌تر آمده است (شرق، ۱۳۹۳/۱۲/۱۲).

قهر برخی از فرهیختگان هنری با نهادهای فرهنگی کشور (شرق، ۱۳۹۳/۴/۱۴) رخداد فرهنگی ناگواری است که طی سال‌های اخیر در جامعه ملاحظه می‌شود.

کاهش استقبال مردم از رسانه‌های داخلی (تا جایی که رئیس‌جمهور از رسانه ملی با عنوان رسانه میلی یاد می‌کند) و اعتراف مسوولان به این مسأله که جوانان اخبار بی.بی.سی را می‌پذیرند، اما اخبار داخلی را نمی‌پذیرند (شرق، ۱۳۹۳/۱۰/۸)، از سویی و افزایش توجه به رسانه‌های خارجی و خاصه فضای مجازی با وجود فیلترهایی که بعضاً بر سر کاربری از ماهواره، سایت‌های مختلف اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی وجود دارد از سوی دیگر، مشکل جدی است که مسوولان فرهنگی نظام را به شدت نگران کرده است. به این معنا که وزیر وقت ارشاد در سال ۹۲ گزارش از کاربری ۷۱٪ مردم از ماهواره می‌دهد و زمانی که شبکه اجتماعی وایبر مورد فیلتر قرار نگرفته بود، رتبه اول کاربران آن را مردم ایران تشکیل می‌دادند (شرق، ۱۳۹۳/۷/۸). اما همان‌گونه که از آن یاد شد، به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل فرهنگی جامعه، دروغ‌گویی مسوولان ارشد نظام بود که به شکل ویران‌گری در جامعه اثرگذار بود.

در آموزه‌های دینی وارد شده است که فردی نزد پیامبر خدا آمد و به ایشان گفت، من نماز نمی‌خوانم، دروغ می‌گویم و زنا هم می‌کنم. اگر بخواهم یکی از این کارها را کنار بگذارم، شما توصیه به کدام کار می‌کنید که حضرت در پاسخ بیان می‌دارند، دروغ نگو! به تعبیر دیگر شناخت دروغ از امر مذموم نماز نگذاشتن و زنا کردن نیز بیشتر است. از سوی دیگر، وقتی دروغ‌گویی از سوی مسوولان مطرح نظام صورت می‌پذیرد، از آنجا که باز در آموزه‌های دینی وارد شده است که مردم طبق سیره رهبران عمل می‌کنند، انتظار می‌رود عمل مذموم دروغ‌گویی به سادگی در سطح مردم تسری یابد. دانشنامه ویکی‌پدیا در مورد دروغ‌گویی احمدی‌نژاد درباره دیدن نور در دیدار با آیت الله جوادی آملی (۸۹/۹/۶) و نفی بعدی وی در این ارتباط می‌نویسد:

«احمدی‌نژاد پس از اولین دیدار از نیویورک و شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل و در سفر بعدی خود به قم، بر اساس فیلم‌ها و اخبار پخش شده در حضور جوادی آملی، سخن از هاله نوری می‌گفت که در مدت سخنرانی دور او را گرفته بود. ما به نیویورک که رفته بودیم، قبل از آن که برویم، خیلی جو سازی بود، تهدید کرده بودند که اگر بیای، دستگیرت می‌کنیم. گفتم: من می‌آیم. گفتند: پس امنیت را برقرار نمی‌کنیم. گفتم: پس حتماً آنجا خبری هست که مخالفت می‌کنند. من می‌آیم. خدمت آقا هم عرض کردم، همین را فرمودند، گفتند: حتماً باید این سفر انجام شود، خودشان آن قدر علیه ما تبلیغ کرده بودند که همه گوش‌ها و چشم‌ها را به سمت ما متوجه کرده بودند که این هیأت کی هست.

وقتی در خیابان‌ها راه می‌رفتیم، به هر ساختمانی می‌رفتیم، همه توجهات به سمت هیأت ایرانی بود، کأنه هیچ کس دیگری نبود. من روز آخری که سخنرانی کردم، تقریباً همه سران بودند. یکی از همان جمع به من گفت: «وقتی تو شروع کردی

«بسم الله» و «اللهم» را گفتم، من دیدم یک نوری آمد، تو را احاطه کرد و تو رفتی تو یک حصنی، یک حصاری. تا آخر؛ من خودم هم این رو احساس کردم که فضا یک دفعه عوض شد و همه حدود بیست و هفت، هشت دقیقه تمام، این سران مژه نزدند. این که می گم مژه نزدند، غلو نمی کنم، اغراق نیست. چون نگاه می کردم، همه سران مبهوت مانده بودند. انگار یک دستی همه آنان را گرفته بود، آنجا نشانده بود. چشم ها و گوش هایشان را باز کرده بود که ببینند از جمهوری اسلامی پیام چیست....

علی رغم این که از این جلسه فیلم برداری شد و فیلم آن در دسترس عموم قرار گرفت، احمدی نژاد و دفتر رئیس جمهور آن را تکذیب کرد و غلامحسین الهام، رئیس دفتر وی که خود نیز در جلسه حضور داشت، اعلام کرد که چنین چیزی نشنیده و هاله نور و مسایلی شبیه به این ساختگی و تروکاژ سینمایی است.

به دنبال انکار این موضوع توسط محمود احمدی نژاد در مناظره ریاست جمهوری با مهدی کروبی، دفتر جوادی آملی، سخنان کروبی در مناظره با احمدی نژاد در خصوص ادعای احمدی نژاد مبنی بر هاله نور را تأیید کرد. همچنین محمد تقی سبحانی نیز که از حاضران جلسه بود، این ماجرا را تأیید کرد.

این در حالی بود که برخی دیگر از مدافعان، مانند سایت رجانیوز، فیلم را ساختگی ندانسته و مدعی شدند که «چنین تجربیات معنوی و عرفانی ای در طول زندگی هر شخصی ممکن است روی دهد».

احمدی نژاد در مورد ایجاد فرصت های شغلی در دولت خودش گزارش می داد که وی ۷ میلیون فرصت شغلی برای جوانان ایجاد کرده است، اما دکتر نیلی گزارش می دهد که در دوره ۸ ساله دولت نهم و دهم، سالانه تنها ۱۴/۰۰۰ فرصت شغلی ایجاد شده است (شرق، ۱۳۹۲/۵/۵) و دکتر روحانی گزارش می دهد طبق آمارهای مرکز آمار ایران میزان فرصت های شغلی کشور در آغاز و پایان حکومت احمدی نژاد تغییر نکرد (شرق، ۱۳۹۶/۲/۹).

در موارد متعدد دیگری احمدی نژاد به مردم دروغ گفت. به عنوان مثال، در حالی که دولت وی برای پرداخت یارانه ۴۵/۵۰۰ تومانی به مردم مشکل داشت، اظهار می داشت، ما می خواهیم ۲۰۰/۰۰۰ تومان یارانه به مردم بدهیم، نمی گذارند (شرق، ۱۳۹۳/۳/۲۶) و یا می توان به تمام مردم قطعه زمینی داد تا برای خودشان باغچه ای درست کنند. به همین ترتیب در حالی که احمدی نژاد در سفر به نیویورک با ۱۲۰ نفر (همراه همسر، داماد و...) به امریکا می رود، حکومت خود را حکومت پاک دستان معرفی می کرد.

دروغ گویی های احمدی نژاد در داخل کشور خلاصه نشده، در خارج از کشور نیز ادامه یافت. به عنوان نمونه، وی در سفر به نیویورک، در پاسخ به خبرنگار امریکایی دال بر نحوه برخورد ایران با هم جنس گرایان بیان می دارد که ما اصلاً هم جنس گرا در کشور خودمان نداریم (۱۵/اکتبر/۲۰۱۲).

اعتراف رئیس دیوان عدالت اداری به این که احمدی نژاد به مردم دروغ می گفت (۱۳۹۲/۱۰/۷)، اعتراف دیر هنگامی است که ۴ ساله بعد از حصر میرحسین موسوی که در مناظره های ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، از دروغ گویی احمدی نژاد می گفت،

رخ می دهد.

بدعت نامبارک احمدی نژاد، بدعتی بود که در جامعه به ثمر نشست، به این معنا که به فرض یکی از کاندیدهای ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۶، اولاً بدون آن که یک سند علمی ارایه کند، جامعه را به ۴٪ مرفه و زالوصفت و ۹۶٪ افراد محروم تقسیم می‌کند، و در حالی برای اقشار محروم دل می‌سوزاند که مأموران شهرداری نه تنها بعضاً به دست فروشان، سیلی و کتک می‌زنند، بلکه موجبات مرگ یکی از آنان (علی چراغی) را در همین درگیری‌ها فراهم آورده‌اند. وی در حالی به نقد زالو صفتان جامعه می‌پردازد که خود اجازه ساخت مال‌های مدرن و برج‌های بلند مرتبه (حتی در کوچه ده متری) را صادر کرده است و در حالی از مسأله ریزگردها ابراز نگرانی می‌کند که خودش در مسأله آلودگی هوای تهران کار جدی‌ای انجام نداده است و در حالی که صنعت پتروشیمی، صنعتی به شدت سرمایه‌بر بوده، سهم کار انسانی در آن اندک است (ودولت روحانی با ارتقای ظرفیت یک میلیون آن به ۹ میلیون، نتوانسته است مشاغل گسترده‌ای ایجاد کند)، اظهار می‌دارد به ازای افزایش هر یک میلیون تن فراورده پتروشیمی، ۲۰۰/۰۰۰ نفر به شکل مستقیم و ۴۰۰/۰۰۰ نفر را به شکل غیرمستقیم سرکار خواهد فرستاد (شرق، ۱۳۹۶/۲/۹).

شیرعلی، پژوهش‌گر جنگ، در کانال تلگرامی خود در گزارش نمونه‌های مشابهی می‌نویسد:

«آمار رسمی بنیاد شهید جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۵، ایران ۴۱ هزار و ۵۰ شهید داشته است. سوال مهم این است که جمعیت تکان دهنده‌ی شهدای این سال در چه عملیات‌هایی شهید شده بودند؟

من براساس منابع مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، آمار شهدای این عملیات‌های کوچک و بزرگ را بررسی کردم:

- عملیات کربلای ۱، آزادی مهران: ۷۰ شهید،
- عملیات کربلای ۳، حمله به اسکله‌های البکر و الامیه: ۷۵ شهید،
- عملیات کربلای ۴، عملیات لو رفته و شکست خورده: ۹۸۵ شهید،
- عملیات کربلای ۵: ۷۶۵۱ شهید،
- مرحله‌ی اصلی حمله به شهرها (بمباران و موشکباران) در سال ۱۳۶۵ از ۱۹ دی تا سوم بهمن و هم‌زمان با عملیات کربلای ۵ بود که آمارش در این کتاب: ۱۹۱۸ شهید است.
- جمع تقریبی رقم شهدا در عملیات‌ها و اتفاقات مهم سال ۱۳۶۵ عدد ۱۰۶۹۹ شهید است. بین این تعداد و رقم ۴۱۰۵۰ شهید این سال یک خلاء سی هزار نفری وجود دارد».

«دیروز محسن رفیق‌دوست، وزیر سپاه در سال‌های جنگ (خبرگزاری ایسنا، ۱۵ بهمن ۱۳۹۷)، در مصاحبه‌ای درباره‌ی شهدای عملیات کربلای ۴ گفت: بیش از ۶۰ هزار نفر نیرو وارد جنگ شدند که حدود پنج الی شش هزار نفر از آن‌ها شهید و تعداد بیشتری نیز مجروح شدند.

۱۰ دی ۹۷ محسن رضایی در برنامه‌ی تلویزیونی حالا خورشید با قاطعیت تعداد شهدای این عملیات را کمتر از هزار نفر اعلام کرد و گفت اسامی آن‌ها در سپاه و بنیاد شهید موجود است.

با توجه به این که سردار کارگر از مقامات ستاد کل نیروهای مسلح رسماً اعلام کرده است: «هرکس دفاع مقدس را تحریف کند، مجرم شناخته می‌شود و برابر مقررات با فرد متخلف برخورد خواهد شد»، پس ایشان باید هرچه زودتر وارد این مقوله

شود و آمار دقیق شهدای این عملیات را اعلام کند و تکلیف وزیر سپاه و یا فرمانده کل سپاه در طی سال‌های جنگ را روشن کند که کدام یک از این دو، واقعیت را تحریف کرده‌اند!» همان‌گونه که از آن یاد شد، دروغ‌گویی مسوولان بلندپایه نظام، به سادگی مروج دروغ‌گویی و تقلب در سطح مردم جامعه می‌شود.

ورود ۳۷۳۱ نفر بدون آزمون در دوره‌های دکتری با هدف جذب بعدی آنان با عنوان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها که با عنوان بورسیه‌های غیر قانونی در جامعه مطرح شد (شرق، ۱۳۹۳/۵/۲ و ۱۳۹۴/۲/۳)، شکل‌گیری پدیده رزومه‌سازی و خرید و فروش رساله درسی و مقالات آی.اس.آی در جامعه، از تبعات و پیامدهای بارز دروغ‌گویی مسوولان در سطح جامعه به شمار می‌آیند.

۲-۱-۴-۴- افزایش مشکلات عقیدتی

مسأله افزایش، کاهش یا بدون تغییر ماندن دین‌داری جوانان، مقوله مهمی است که پژوهش مدونی در این ارتباط وجود نداشته، سایر پژوهش‌ها نیز به شکل مستقیم این مسأله را در ابعاد و وجوه مختلفش مورد بحث و بررسی قرار نداده‌اند. هر چند از برخی از پژوهش‌های اجرا شده، داده‌هایی مانند کاهش میزان نمازگزاردن جوانان در گذر زمان، قابل احصا است.

طالبی (۱۳۷۴)، در بررسی که در سطح ۱۸۴۵ دانشجویانجام داده است، یادآور می‌گردد که ۷۲/۷٪ از جمعیت مورد بررسی وی بیان داشته‌اند که همیشه نماز می‌خوانند. ایسپا (۱۳۸۰)، در بررسی که در سطح ۲۵۰ نفر از دانشجویان تهرانی داشته است، رقم ۷۶٪ موافق و خیلی موافق با ادای نماز یومیه را گزارش می‌کند. خراطیان خامنه (۱۳۸۲)، گزارش می‌دهد، ۷۵/۶٪ از دانشجویان دانشگاه تبریز، در بررسی وی موافقت خود را با نماز خواندن، اعلان داشته‌اند. مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی (۱۳۸۳)، در بررسی که در جمعیتی بالغ بر ۸۷۵ نفر دانشجویان داشته است، رقم ۶۵/۴٪ موافق با پابندی به دین را به دست آورده است. غیاثوند (۱۳۸۴)، در بررسی یک جمعیت ۱۲۴۵ نفری از دانشجویان، نتیجه گرفته است که ۶۶/۶٪ از آنان، خواندن نماز به شکل فرادا را مورد تأیید قرار داده‌اند. سرانجام خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۸)، در بررسی ملی که در سطح ۲۱۷۹ نفر دانشجویانجام داده است، نتیجه گرفته‌اند که ۵۸/۵٪ از جوانان همیشه یا اکثر اوقات نماز می‌خوانند.

بعضی از پژوهش‌های دیگر، نتیجه گرفته‌اند که با افزایش سن، از میزان انجام رفتارهای دینی جمعیت مورد بررسی، کاسته شده است. منطقی (۱۳۸۱، الف)، در بررسی تحولی که در زمینه شناسایی راهکارهای درونی سازی کردن ارزش‌های دینی در سطح دانش‌آموزان دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی داشته است، گزارش می‌دهد که میزان علائق دینی دانش‌آموزان از راهنمایی در قیاس با دبستان و از دبیرستان در قیاس با راهنمایی، در سطح هر دو گروه دختران و پسران کاهش یافته است. رحیمی‌نژاد و منصور (۱۳۸۰)، کاهش هویت دینی در بین دانشجویان کارشناسی طی سال اول تا چهارم را در پژوهش خویش مورد تأیید قرار داده‌اند. سفیری و غفوری (۱۳۸۸) نیز در بررسی میدانی که در سطح جوانان ۱۸-۲۵ ساله داشته‌اند، گزارش می‌دهند که با افزایش سن و تحصیلات، هویت دینی افراد کاهش می‌یابد.

گذشته از کاهش میزان دینداری جوانان، برخی از یافته‌های پژوهشی از تحولات کیفی دین‌داری جوانان یاد می‌کنند.

منطقی (۱۳۸۱ الف، ۱۳۹۲)، در ترسیم تحول دینی دانشجویان از مواردی نظیر: عدم استقبال از رویکرد دینی به مسایل، ترجیح رویکرد اجتماعی به دین به جای رویکرد فردی به دین، ترجیح رویکرد عرفانی به دین به جای رویکرد صوری و ظاهری به دین که در احکام خلاصه می‌شود، ترجیح مرجعیت علمی و هنری به مرجعیت دینی، تأویل گرایی در برابر تفسیر سنتی دین توسط بزرگسالان، استقبال از اخلاق اجتماعی و غیرآرمان‌گرا به جای اخلاق آرمان‌گرا، استقبال از رویکرد تحقیقاتی نسبت به دین، نفی تحمیل دین بر جوانان، کاهش ابعاد پیامدی و مناسکی، کاهش تعصب‌های دینی، به چالش گرفتن احکام جنسیتی اسلام، برخورد گزینشی با دین، در سطح دانش‌آموزان و دانشجویان یاد می‌کند.

توسلی و مرشدی (۱۳۸۵)، در بررسی دین‌داری دانشجویان، گزارش می‌کنند: باورهای دینی دانشجویان در حد بالا و پایبندی آنان به انجام دادن مناسک فردی دینی در حد متوسط به بالایی است، اما پایبندی آنان به انجام دادن اعمال جمعی دینی در حد کم ارزیابی می‌شود. همچنین گرایش به دین خصوصی، برخورد گزینشی با دین و گرایش به تکثرگرایی دینی رواج زیادی بین دانشجویان دارد. ذوالفقاری (۱۳۸۹) نیز از وجود قرائت‌های دینی مختلف در سطح دانشجویان یاد می‌کند.

۲-۱-۴-۵- افزایش مشکلات قضایی

بررسی‌های مقدماتی انجام شده حکایت از آن دارد که در گذر زمان مشکلات دستگاه قضا نیز رو به فزونی نهاده است. برخی از مهم‌ترین علل فزونی گرفتن مشکلات دستگاه قضایی، مواردی مانند پیچیده و دشوارتر شدن شرایط اقتصادی- اجتماعی جامعه، بروز بزه‌کاری‌های نوظهور، ناهماهنگی بین دستگاه‌های دولتی و ضعف‌های تخصصی دستگاه قضا می‌باشند.

افزایش فقر در جامعه، تعمیق شکاف طبقاتی، مشاهده تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش سرمایه اجتماعی و کم شدن همبستگی اجتماعی که در سال‌های اخیر در جامعه بروز و نمود یافته است، یکی از دلایل افزایش درگیری بین اقشار مختلف اجتماعی و کشیده شدن کار آنان به محاکم قضایی است.

افزایش چک‌های برگشتی، یکی از ساده‌ترین نمودهای افزایش مشکلات اقتصادی و در نتیجه قضایی جامعه است. اطلاعات موجود بیانگر آن هستند که در سال ۱۳۸۴ یک میلیون، در سال ۱۳۹۲، ۵ میلیون و در سال ۱۳۹۳، شش میلیون چک برگشتی در جامعه وجود داشته است (و این در حالی است که در برخی از کشورهای جهان با برگشت یک چک، حساب بانکی فرد بسته شده، حیات اقتصادی وی به این ترتیب به شدت در معرض تهدید قرار می‌گیرد) (شرق، ۱۳۹۴/۲/۹)، افزایش آمار پرونده‌های قضایی و تعداد زندانیان و کاهش سن ارتکاب به بزه (شرق، ۱۳۹۱/۱۲/۱۲)، از دیگر علایم فزونی گرفتن مشکلات قضایی در جامعه به شمار می‌آیند.

بروز بزه‌کاری‌های نوظهور، عامل مؤثر دیگری در افزایش مشکلات قضایی در جامعه است. با گسترش فضای مجازی و انتقال بسیاری از مراودات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی به این فضا، برخی از بزه‌کاری‌های جدید در بستر اخیر شکل گرفته و عارضه‌زا واقع شده‌اند. مواردی مانند جرایم رایانه‌ای، کلاهبرداری به وسیله تبلیغات گسترده در برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای یا اجتماعی (نظیر جلب اعتماد مردم و اخذ وجه از آنان برای مواردی مانند ایجاد امکان تحصیل، اشتغال و مهاجرت به اروپا و امریکا، انجام معاملات سودآور یا برنده شدن در مسابقات تخیلی) (شرق، ۱۳۹۴/۲/۲۹)، از جمله جرایم نوظهوری هستند که برخی از شهروندان را درگیر خود می‌کنند.

معاون فرهنگی قوه قضائیه در مصاحبه‌ای بیان می‌دارد که جامعه و قوه قضائیه دچار ایدز حقوقی شده‌اند:

«بنده اخیراً در اجلاسی که موضوع آن حقوق ارتباطات و رسانه بود، توضیح دادم که ما دچار ایدز حقوقی شده‌ایم. در توضیح ایدز حقوقی باید بگویم، موج رسانه‌های نوین با سرعت بالایی وارد کشور می‌شود، درحالی که حقوق‌دان‌ها در وضع قوانین مربوط به آن و به کاربردن این قوانین عقب می‌مانند. این باعث می‌شود کار حقوق که تأمین امنیت جامعه است و نظم و امنیت را باید تأمین کند، به‌درستی محقق نشود و حقوق عقب بماند؛ نتیجه این عقب‌ماندگی این است که امواج می‌آیند و آسیب خود را وارد می‌کنند. همین شما که اینجا نشسته‌اید و همه افرادی که موبایل‌های هوشمند دارند، همین حالا اگر گوشی‌هایتان را باز کنید، مصادیق مجرمانه در آن وجود دارد، تقریباً بی‌استثنا این مصادیق ناخواسته در گوشی‌های همه وجود دارد و من خودم را هم مستثناء نمی‌کنم؛ چرا که ناخواسته این مصادیق می‌آید. همین کافی است که سری به کانالی بزنید و اگر دانلود خودکار را خاموش نکرده باشید، اتوماتیک‌وار این مصادیق در گوشی شما ذخیره می‌شود، حتی اگر نگاه هم نکرده باشید؛ اما فیلم یا آن مصداق مجرمانه در موبایل شما وجود دارد. وقتی وضعیتی وجود دارد که مصادیق مجرمانه به شکل میلیاردها وجود دارند، حقوق‌دان‌ها باید با آن چه کار کنند؟ قوانین و قوه قضائیه باید چه کنند؟ با چند نفر و چطور برخورد کند؟ آیا اصلاً می‌شود و منطقی است با افرادی که ناخواسته مصادیق مجرمانه این‌چنینی دارند، برخورد کرد؟ آن‌هم با این حجم؟ این وضعیت خیلی بد است و باعث می‌شود سیستم ایمنی (قوانین) بدنه جامعه که کار خودش را انجام می‌داد و ایمنی ایجاد می‌کرد، از کار بیفتد و وقتی کارآیی خودش را از دست داد، می‌شود مثل ایدز. ایدز دقیقاً همین کار را با بدن می‌کند، یعنی سیستم ایمنی بدن را از کار می‌اندازد. ایدز حقوقی هم یعنی همین. ما دچار ایدز حقوقی شده‌ایم. یعنی طوری هستیم که در برابر امواج تسلیم می‌شویم و عقب می‌نشینیم. الان همه خودشان رسانه شده‌اند، تولید و توزیع پیام می‌کند. قبلاً از تکثر رسانه صحبت می‌کردیم، حالا دیگر این‌طور نیست و فراکثرت‌گرایی اتفاق افتاده است. خب، حالا این مسأله عوارضی دارد و یک حق‌پریشی یا حقوق‌پریشی را به ارمغان می‌آورد، یعنی دیگر معلوم نیست چه چیزی حق است و چه چیزی باطل و دوره حیرت را به‌وجود آورده است؛ نه حق را می‌شناسیم و نه حقوق را» (شرق، ۱۳۹۵/۳/۱۷).

برخی از ناهماهنگی‌های موجود بین نهادهای دولتی یا کوتاهی‌ها و قصورهای آن‌ها، از دیگر عوامل افزایش مشکلات قضایی جامعه به شمار می‌روند. معاون اول قوه قضائیه در مثالی در همین رابطه، بیان داشت:

«معاون اول قوه قضائیه افزود: «چندی پیش یکی از مسوولان جهاد کشاورزی می‌گفت، در یکی از شهرهای اطراف تهران ۱۰ هزار ساختمان غیرمجاز ساخته شده که باید به کمک قوه قضائیه آن‌ها را تخریب کنیم. اما سؤال ما این است که چرا این ساختمان‌ها ساخته شده‌اند؟ چرا یک دستگاه مجوزی می‌دهد و دستگاه دولتی دیگری می‌گوید ساخت‌وساز غیرقانونی بوده است؟» (شرق، ۱۳۹۴/۲/۲۱).

معوقات بانک‌ها و وجود ۵۷۵ بدهکار بزرگ بانکی (شرق، ۱۳۹۳/۲/۱۶)، فساد مالی تأمین اجتماعی (شرق، ۱۳۹۳/۱/۱۹) و فساد مالی صندوق رفاه دانشجویان (شرق، ۱۳۹۴/۲/۱۴)، موارد مشابهی در همین راستا به شمار می‌روند.

کم توجهی و بی توجهی مسوولان دستگاه قضا در زمینه استفاده از تجربیات کارآمد دستگاه‌های قضایی سایر کشورهای جهان سبب عقب ماندگی دستگاه قضا را فراهم کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی که در دیدار با مسوولان قضایی داشت، در همین رابطه به طرح برخی از تجربیات در این جهت اقدام کرد:

«مقام معظم رهبری افزایش تعداد زندانیان را واقعاً تأسف بار خواندند و افزودند: این مسأله از زوایای مختلف مالی، خانوادگی، اخلاقی و اجتماعی هزینه‌ساز است و باید با تمرکز بر راه‌حل‌های مختلف، برای علاج آن فکری جدی کرد». آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه ترویج فرهنگ صلح و سازش در جامعه و آسیب‌شناسی و تقویت شوراهای حل اختلاف را در افزایش نیافتن تعداد زندانیان، مؤثر خواندند و افزودند: «برای مقابله با تبعات منفی افزایش زندانیان مالی و زندانیان مواد مخدر نیز باید دنبال پیشنهادها و راه‌حل‌های تازه‌ای بود». ایشان با تأکید بر تلاش برای تسهیل ازدواج جوانان به برخی مشکلات دادگاه‌های خانواده، از جمله طلاق توافقی اشاره کردند و افزودند: «قضات محترم با کمک بزرگان خانواده‌ها، این گونه مسایل را تقلیل دهند». آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر ضرورت برنامه‌محوری در دستگاه قضایی گفتند: «تکیه کردن بر برنامه روشن و مدون، به حرکت دقیق در مسیر چشم‌انداز آینده کمک می‌کند و مانع از گرفتارشدن در کشمکش‌های روزمره می‌شود». مقام معظم رهبری در تبیین نکته دوم، یعنی تنقیح و اصلاح قوانین، افزودند: «قانون، راه پیشرفت کشور را هموار می‌کند و چنانچه برخی قوانین ایراد یا با یکدیگر تعارض دارند، باید آن‌ها را اصلاح کرد» (شرق، ۱۳۹۴/۴/۸).

تعلل در تخصصی‌تر شدن آیین دادرسی (نظیر دادرسی جداگانه کودکان و نوجوانان - شرق، ۱۳۹۴/۳/۱۷)، نمونه مشابهی در همین زمینه به شمار می‌رود.

مضاف بر آنچه از آن یاد شد، جهت‌گیری سیاسی دستگاه قضا، بر مشکلات داخلی و بیرونی آن می‌افزاید. به عنوان مثال، در نظرسنجی که رسانه ملی در یکی از برنامه‌های خود درباره قوه قضاییه داشت، ۸۹٪ پاسخ دهندگان از عملکرد قوه قضاییه ابراز نارضایتی کرده، اعتقاد داشتند که این قوه با دانه درشت‌ها با مماشات برخورد می‌کند (شرق، ۱۳۹۳/۴/۴). به همین ترتیب مرکز پژوهش‌های مجلس طی گزارشی خاطرنشان می‌سازد، قوه قضاییه کاری به دانه درشت‌ها ندارد (شرق، ۱۳۹۳/۱۲/۱۰). درخواست رهبری از برخورد با افراد فاسد داخل قوه قضاییه (شرق، ۱۳۹۴/۴/۱۲) نیز فراز قابل توجه دیگری در ارتباط با این قوه به شمار می‌رود.

۲-۱-۴-۶- افزایش آسیب‌های زیست محیطی

با روی کار آمدن دولت‌های قانون‌گریز نهم و دهم احمدی‌نژاد، قانون‌گریزی در سطح کشور به مثابه امری رایج درآمد. به یغما رفتن قسمت اعظمی از آب‌های زیرزمینی که طی میلیون‌ها سال در سفره‌های آبی زیرزمینی ایران جمع شده بودند (شرق، ۱۳۹۴/۳/۱۰)، نمونه‌ای از این قانون‌گریزی‌ها بود که تبعات زیست محیطی گسترده‌ای در پی داشت.

بحران آب (شرق، ۱۳۹۳/۱۱/۳۰)، از بین رفتن یک میلیون هکتار جنگل طی هر ۵ سال (شرق، ۱۳۹۶/۲/۷)، آتش سوزی جنگل‌ها (شرق، ۱۳۹۳/۵/۲۲) بنزین آلوده (شرق، ۱۳۹۳/۲/۱۱) که به سهم خود موجب سونامی سرطان و سقط جنین در جامعه شد، (شرق، ۱۳۹۲/۴/۱۱) تعطیلی‌های پی در پی ناشی از آلودگی هوا (شرق، ۱۳۹۱/۱۰/۱۶) که بنا به اظهار رییس شورای شهر

تهران، تلفات آن از زلزله نیز بیش تر است (شرق، ۱۳۹۱/۱۰/۲۷)، تغییر یافتن گونه‌های گیاهی پهن برگ تهران در اثر آلودگی هوا به گونه‌های برگ سوزنی (شرق، ۱۳۹۶/۲/۷)، قسمتی از مخاطراتی زیست محیطی است که جامعه با آن روبرو می‌باشد. ورودی سالانه ۳۰-۲۵ هزار پرونده کیفری و حقوقی برای رفع تصرف اراضی ملی در مراجع قضایی (شرق، ۱۳۹۱/۱۲/۱۷)، تصویر نگران کننده دیگری از زیست محیط ایران را به معرض دید می‌نهد. سقوط ۶۳ رتبه‌ای کیفیت محیط زیست ایران (شرق، ۱۳۹۱/۲/۲۱) و کاهش ۶۱ پله‌ای زیست محیط ایران طی یک دهه (شرق، ۱۳۹۲/۱۱/۶)، تأیید دیگری بر بحران زیست محیطی ایران از منظر مجامع زیست محیطی جهان می‌باشد.

۲-۱-۴-۷- افزایش مشکلات روانی

با وجود پیشرفت‌های فنی بشر، ازدیاد تولید محصولات کشاورزی، افزایش آرایه خدمات رفاهی، ارتقای استانداردهای بهداشتی و در پی آن افزایش میزان امید به زندگی، انسان‌های جوامع مختلف، کم و بیش اضطراب، افسردگی و دیگر اختلال‌های روانی را در خود گزارش کرده، به دلیل آلام روانی خویش در ابعاد مختلف زندگی شخصی و اجتماعی خود دچار مشکل شده، بعضاً کار آنان به تحت مداوا قرار گرفتن و بستری شدن در بیمارستان‌های روان پزشکی می‌رسد.

برخی از پژوهش‌گران علت بروز این رخدادها را ناگوار را با استناد به مواردی مانند: سیطره زندگی ماشینی در جامعه، احساس از دست دادن کنترل بر محیط، دسترسی نداشتن به امکانات مورد علاقه (خاصه در سطح جوانان)، مشکلات اقتصادی، نارضایتی‌های شغلی و بی‌کاری، مهاجرت، تورم، رکود، مشکلات فرهنگی اجتماعی نظیر بحران هویت، از خود بیگانگی، انتظارات غیر واقع‌گرایانه، ازدحام بی‌رویه شهرها، خشونت، وحشت، جاسوسی، ترور، مشکلات سیاسی، سرخوردگی سیاسی، بروز درگیری‌های سیاسی و نظامی در اقصاء نقاط جهان، تهدیدهای سیاسی موجود در جوامع مختلف، مشکلات زیست محیطی نظیر فزون‌ی گرفتن آلودگی‌های زیست محیطی، آلودگی‌های هوا، صوتی، آب‌ها، راه‌بندان‌های آزاردهنده، مشکلات خانوادگی نظیر کم‌رنگ شدن خانواده، نارضایتی خانوادگی، گسیختگی خانواده، طلاق، مشکلات روان‌شناختی نظیر احساس یأس، ناکامی، عقب افتادن از دیگران، اعتیاد، خودکشی و مانند آن تبیین کرده‌اند.

دکتر مصطفی معین، رئیس کرسی یونسکو در ایران، طی مصاحبه‌ای در زمینه افزایش اختلال‌های روانی و مشکلات جسمانی بیان می‌دارد:

«با وجود شیوع فزاینده اختلالات روان، نوعی بی‌توجهی یا غفلت در ارتباط با اهمیت سلامت روانی جامعه از سوی سیاست‌گذاران، دستگاه‌های اجرایی و حتی نخبگان علمی و اجتماعی وجود دارد که این امر، خسارت زیادی را به لحاظ تحمیل هزینه‌های بهداشتی، درمانی، اقتصادی، کاهش بهره‌وری و کیفیت زندگی و گسترش آسیب‌های اجتماعی به دنبال داشته است. افزایش فقر، رشد نابرابری‌ها و تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی که با روند جهانی شدن اقتصاد در کل دنیا افزایش یافته، گسترش شهرنشینی و اختلال در پیوندهای سنتی و خانوادگی به‌عنوان عوامل جهانی شیوع اختلالات روانی شناخته شده‌اند. همچنین ضعف یا تضعیف نهادهای مدنی (ان‌جی‌اوها)، کاهش سرمایه اجتماعی، تبعیض‌های جنسیتی، قومیتی و گسترش خشونت و بی‌اعتمادی به‌عنوان عوامل گسترش این قبیل بیماری‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه شناخته شده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد، رابطه مستقیمی بین بیماری‌ها و مسایل و مشکلات اجتماعی با نابرابری یا تبعیض وجود دارد. برای مثال،

نابرابری درآمدی در سطوح مختلف یک جامعه، آسیب‌پذیری آن جامعه را افزایش می‌دهد. در کشورهایی مانند ژاپن یا کشورهای اسکاندیناوی که نابرابری کمتر و عدالت اجتماعی بیشتری وجود دارد، آسیب‌های اجتماعی نیز کمتر است. حتی در آمریکا با این که سرانه درآمد افراد زیاد است، ولی به دلیل آن که تبعیض وجود دارد، آسیب‌های اجتماعی هم بیشتر است. از جمله شاخص‌های میزان سلامت یا بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، امید به زندگی، سواد و بی‌سوادی، جرم و جنایت و اختلالات روانی هستند. همچنین بین سرمایه اجتماعی با میزان سلامت جامعه یا آسیب‌های اجتماعی نیز رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. در کشورهایی که ساختار اجتماعی عادلانه‌تری وجود دارد و تبعیض کمتر است، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی نیز بیشتر است. در کشورهایی مثل سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند، ژاپن و آلمان، سرمایه اجتماعی بالاتر است و در معرض آسیب‌های اجتماعی کمتری نیز قرار دارند. پس با وجود این عوامل می‌توانیم بفهمیم که چرا بیماری‌های مزمن غیرواگیر و به‌ویژه اختلالات روانی در سطح جهانی و در کشور ما رو به افزایش گذاشته است» (۱۳۹۲/۱۲/۸).

دکتر مظاهری (دبیر انجمن روان‌پزشکان ایران) در مصاحبه با همشهری آن‌لاین، با تأکید این که اضطراب شایع‌ترین اختلال روانی در ایران و جهان است، بیان می‌دارد:

«با فرارسیدن قرن ۲۱ و سایه گستر شدن فضای مجازی در غالب نقاط جهان، انسان‌های جوامع مختلف هنوز از زیر بار قرن اضطراب و مشکلات عدیده و پیچیده آن بیرون نیامده بودند که در عمل با انقلاب الکترونیکی عصر ارتباطات و اطلاعات و انفجار اطلاعات مواجه شدند. ماهواره‌ها، اینترنت، تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی موبایل بنیان و تبلت، از جمله فناوری‌هایی هستند که امکان دسترسی بشر به انواع و اقسام اطلاعات مختلف را فراهم آورده‌اند و انسان‌هایی که پیش‌تر تنها اطرافیان محدود خویش را در روستا یا شهر تجربه می‌کردند، اینک در عمل با قرار گرفتن در فضای مجازی نه تنها خود را با همه عالم مقایسه می‌کنند (و بالطبع در این میان احساس عقب ماندگی شدیدتری می‌کنند)، بلکه با مشاهده انواع و اقسام امکاناتی که مردم جوامع دیگر از آن برخوردارند، احساس خسران می‌کنند. مضاف بر این، انسان‌هایی که با فضای مجازی آشنا شده و خود را تحت تأثیر انبوه اطلاعات تولید شده آن قرار می‌دهند، به ناگاه تحت تأثیر بمباران اطلاعاتی شدیدی قرار می‌گیرند که با ملاحظه اخبار رعب‌آور آن، جهان را پر خطرتر از انسان‌های پیشین یافته و ادراک می‌کنند. مجموعه موارد اخیر احساس ناامنی، ناکامی، عقب افتادگی و خسران را به بسیاری از کاربران فضای مجازی القا می‌کند (که شکل‌گیری مفهوم افسردگی فیس بوکی، مصداق بارزی از همین معنا به شمار می‌رود)».

سایت پزشکان ایران؛ در مقاله‌ای با عنوان: «افسردگی، بیماری قرن حاضر» دست به ترسیم افق‌های پیش روی قرن ۲۱ زده است. مقاله اخیر خاطر نشان می‌سازد:

«سازمان بهداشت جهانی پیش‌بینی کرده است که طی ۲۰ سال آینده، مردم بیش از هر مشکل سلامت دیگری دچار افسردگی خواهند شد».

مسئله دیگری که در افزایش اختلالات روانی مؤثر واقع می‌آیند، درمان‌های کاذب می‌باشد. به این معنا که بعضی از افراد برای گریز از تنیدگی، روش‌های کوتاه‌مدت و به ظاهر مؤثر، مانند پناه بردن به دخانیات، الکل و یا مواد مخدر را به کار

می‌گیرند. از آن جایی که این روش‌ها به‌طور موقت از فشار روانی می‌کاهند و در اولین دفعات مصرف، احساس نسبتاً خوبی در فرد ایجاد می‌کنند، وی به استفاده از آن‌ها ادامه می‌دهد و برای مدتی در سرخوشی ناشی از مصرف این مواد، غوطه‌ور می‌ماند، ولی رفته‌رفته متوجه می‌شود که نه تنها مشکل اولیه‌اش حل نشده، بلکه گرفتار معضل بزرگ‌تری شده است که پیامدهای مخرب‌تری دارد و در واقع از چاله به چاه می‌افتد.

به هر صورت گزارش وجود ۲۵٪ اختلال روانی در مردم ایران (۱۳۹۱/۱۲/۱۳)، امر مهمی است که نباید از آن ساده گذشت.

۲-۱-۵- کاهش سرمایه اجتماعی

با گسترش اقتدارگرایی سیاسی و دینی از سویی و خاصه تعمیق اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی که مردم را هدف قرار گرفته است، از سوی دیگر، احساسی از تلخ‌کامی شهروندان را فرا می‌گیرد. گریز از شرایط پیش آمده (به صورت مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی)، یکی از اولین گزینه‌هایی است که در این میان به اذهان شهروندان معترض خطور می‌کند. اما در آن دسته از افرادی که سناریوی مهاجرت امکان‌پذیر و شدنی نیست، مواردی مانند بی‌اعتمادی نسبت به مسوولان، سقوط شاخص‌های روان‌شناختی افراد و دست زدن به مقاومت فرهنگی (که به نوعی مقابله ورزیدن با نظام به شمار می‌آید)، ملاحظه می‌گردد. مجموع شرایط پیش گفته، به کاهش سرمایه اجتماعی جامعه خواهد انجامید.

افرادی که برایشان مهاجرت امکان‌پذیر باشد، در تعارض پیش آمده ممکن است دست به مهاجرت بزنند. خروج قسمت اعظم المپادی‌های ایران از کشور و یا خروج سالانه ۱۸۰-۱۵۰ هزار نفر (شرق، ۱۳۹۱/۱۰/۲۵) که معادل ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه است (شرق، ۱۳۹۳/۵/۳۰)، آمار مهاجران قانونی ایران است. اما برخی از شواهد میدانی حکایت از آن دارند که حتی افراد بدون تخصص و مهارت نیز که در زمره کارگران بدون مهارت یا کم مهارت قرار می‌گیرند، اندیشه خروج از کشور را دارند (و به عنوان نمونه، در هجوم آوارگان سوری به مرزهای اروپا در سال ۱۳۹۵، تعدادی از این افراد، ایرانیانی بودند که با استفاده از شرایط پیش آمده، دست به مهاجرت غیرقانونی از کشور زدند).

بی‌اعتمادی مردم به مسوولان، پیامد ناگوار دیگری است که دلالت بر کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی دارد. به عنوان نمونه، در جریان ثبت نام مجدد برای یارانه‌ها، با وجود آن که مسوولان رسمی و حتی برخی از مراجع تقلید به میدان آمده، از مردم خواستند، اگر نیازی به یارانه ندارند، از دریافت یارانه انصراف بدهند تا یارانه آنان صرف مصارفی مانند ارتقای بهداشت جامعه بشود، اما با این وجود مردم بی‌اعتماد به مسوولان، با این استدلال که اگر ما یارانه نگیریم، پولش توی جیب امثال خاوری و بابک زنجانی خواهد رفت، حاضر به انصراف دادن نشدند و به جز چند درصد ناچیز، بقیه مردم برای دریافت یارانه اقدام به عمل آوردند و حتی در این میان برای تثبیت اخذ یارانه خویش، به دروغ گفتن در برابر مسوولان متوسل شدند. به عنوان نمونه، ۲۱ میلیون خانوار و ۲۰ میلیون خانه در ایران وجود دارد، بنابراین میزان افرادی که مستاجر هستند، چیزی حدود ۵٪ در جامعه می‌باشد، اما ۶۰٪ از ثبت نام کنندگان دریافت یارانه، اظهار داشته بودند که آنان فاقد مسکن بوده، از مسکن استیجاری استفاده می‌کنند (شرق، ۱۳۹۳/۳/۱۰).

سقوط شاخص‌های روان‌شناختی که حکایت از شادابی مردم و جامعه دارد، پیامد ناگوار دیگری است که جامعه شاهد آن بود. رتبه ۱۰۱ ایران در میان ۱۴۲ کشور بررسی شده در زمینه شادی، بیانگر آن است که نمره شادی ایرانیان اندک و زیر حد

متوسط است (شرق، ۱۳۹۲/۱۰/۱۶). به همین ترتیب رتبه ۱۱۲ ایران در سطح ۱۵۴ کشور بررسی شده توسط سازمان ملل در زمینه رضایت از زندگی (شرق، ۱۳۹۳/۵/۴)، بیانگر رتبه نازل ایرانیان در زمینه رضایت از زندگی می‌باشد. بررسی جهانی میزان عصبانیت مردم در کشورهای مختلف جهان نیز نشان داد که مردم ایران و عراق، عصبانی‌ترین مردم جهان هستند (شرق، ۱۳۹۴/۶/۹).

مسئله مقاومت فرهنگی که پیش‌تر مطرح شد، بیانگر نوعی از مواجهه غیر مستقیم و غیر رویاروی مردم با مسوولان به شمار می‌رود. بررسی جلوه‌های مقاومت فرهنگی مردم در سطح جامعه حکایت از گسترش و تعمیق این مقوله در سطح مردم دارد. عرف شدن بدحجابی در جامعه، تلاش برای برداشتن روسری‌ها در فضاهای بیرون شهر یا در داخل اتوموبیل شخصی، به سخره گرفتن مسوولان و انبوه طنزها و مطایبه‌هایی که روحانیون را هدف تمسخر خود قرار داده‌اند، نمودهایی از مقاومت فرهنگی مردم در برابر مسوولان را به نمایش می‌گذارند.

وجود ۴۰ میلیون گوشی هوشمند در دست کاربران، این امکان را برای آنان پدید آورده است که اگرچه در فضای رسمی جامعه نمی‌توانند به راحتی اعلان نظر کنند، اما در فضای امن‌تری که توسط فن‌آوری‌های ارتباطی پیشرفته پدید آمده است، بسیاری از مردم دست به اظهار نظر و انجام رفتارهایی می‌زنند که شاید به هیچ وجه مورد نظر مسوولان امر نباشد. استفاده ۶۹٪ جوانان از فیلتر شکن (۱۳۹۳/۶/۱۸)، کاربری ۷۱٪ مردم جامعه از ماهواره (۱۳۹۲/۹/۲۷)، جا به جا شدن میلیونی کاربران یک شبکه اجتماعی فیلتر شده به شبکه اجتماعی دیگر (شرق، ۱۳۹۴/۱۱/۲۷)، عدم اتکا به اخبار داخلی و اتکا به اخبار رسانه‌هایی مانند بی.بی.سی (شرق، ۱۳۹۳/۱۰/۸) مصادیقی از مقاومت فرهنگی پیش‌گفته است که در کاربری افراد از فضای مجازی، به شکل عیان‌تری خود را می‌نمایاند.

دکتر آزاد ارمکی در مثالی در همین رابطه می‌نویسد: «در سال ۱۳۷۴ طی تحقیقی در تهران دریافتیم که یک‌درصد از مردم تهرانی ماهواره دارند و از آن استفاده می‌کنند در حالی که در سال ۱۳۹۲ این میزان به ۷۱ درصد رسیده است. یعنی طی ۱۷ سال، شمار استفاده‌کنندگان ماهواره از یک‌درصد به ۷۱ درصد رسیده است. این جهش آماری، به معنای «انفجار مصرف» ماهواره است. چه اتفاقی افتاده است؟ آیا مردم ایران بی‌فرهنگ شده‌اند؟ آیا مردم ایران از فرهنگ و اخلاق ایرانی گذر کرده‌اند یا این که وضعیت به گونه‌ای دیگر است و مردم بی‌دین و بی‌فرهنگ و ضد سنت نشده‌اند، بلکه مصرف انفجاری ماهواره به اموری دیگر برمی‌گردد...» (شرق، ۱۳۹۲/۹/۲۸).

منطقی (۱۳۹۳ الف) گزارش می‌دهد، وی در پژوهش خویش پس از آن که از دانشجویان کاربر فضای مجازی این پرسش را به عمل آورده بود که در صورت اصرار مسوولان به فیلتر کردن شبکه‌ها و سایت‌های مختلف، آنان چه واکنشی را پیش خواهند گرفت، به جز درصد خیلی از دانشجویان که از تبعیت خویش از دستورالعمل مسوولان یاد کرده بودند، اکثریت آنان اظهار داشته بودند که برخورد ملایم و حتی شدید با مسوولان و مقابله با آنان را در دستور کار خویش قرار خواهند داد.

دکتر غفاری در پژوهشی که برای وزارت کشور در سال ۱۳۹۴ در سطح استان‌های مختلف کشور انجام داد، کوشید تا میزان سرمایه اجتماعی را در سه بعد کلان‌نگر، حدواسط و خردنگر مورد سنجش قرار دهد، این پژوهشگر گزارش می‌دهد، نمرات مردم در هر سه زمینه به کلان نظام (یعنی دولت رسمی)، به نهادهای نظام و در سطح خرد (یعنی به دوستان، آشنایان و

دیگر مردم اطراف و اکنافشان)، زیر ۱۰ (در سیستم صفر تا بیست) قرار دارد. به بیان روشن‌تر، سرمایه اجتماعی گسترده و بالایی که نظام اسلامی در آغاز انقلاب از آن برخوردار بود و بسیاری از مردم با طیب خاطر به سمت پذیرش ارزش‌های نظام (نظیر حجاب اسلامی)، گام برداشتند، بعد از گذشته نزدیک به ۳۶ سال از انقلاب (از آغاز انقلاب تا زمان انجام پژوهش)، به طرز شگفت‌آوری سقوط کرده است که این نتیجه، اصلاً برای یک نظام انقلابی شایسته و پذیرفته نیست، زیرا بیانگر پیری زودرس آن می‌باشد.

۲-۲- فرومایگی اخلاقی و کژاندیشی (اقشاری از) دانشجویان در چهل سالگی انقلاب

جوانان زیادی وجود دارند که در جهاتی مثبت شکوفا شده و برای خود، خانواده و جامعه‌شان افتخارآفرین واقع شده‌اند، اما اگر در این قسمت، برای غور و تفحص بیشتر روی آسیب‌های اجتماعی جدیدی که در سطح دانشجویان مشاهده می‌گردد، تمرکز بحث روی ابعاد آسیب شناختی جوانان قرار گیرد، ملاحظه می‌گردد که آسیب‌های اجتماعی موجود در سطح دانشجویان، در درجه نخست اهمیت گسترده و در درجه بعدی اهمیت به میزان زیادی ناشناخته مانده است. آرمان امروز (۱۳۹۷/۹/۱۹) درباره اظهار نظر معاون اجرایی مجلس در باب آسیب‌های اجتماعی جامعه دارد، گزارش می‌دهد:

«علی‌افراشته، معاون اجرایی مجلس درباره وضعیت آسیب‌های اجتماعی بیان داشت: وضعیت آسیب‌های اجتماعی کشور به مرز بحران رسیده و این تاحدودی امنیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مجلس حتی در حوزه قانون‌گذاری هم به آسیب‌های اجتماعی توجه جدی نشده و علت هم این است که فهم درستی از این مسأله در کشور وجود ندارد. هر چند اکثر مشکلات اجتماعی انواعی تکراری در طول نسل‌های مختلف هستند، اما چنان که مشاهده می‌شود، برخی از این انواع در بعضی از نسل‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در حال حاضر اعتیاد، طلاق، خشونت‌های خانگی و اقدام به خودکشی بیشترین آسیب‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند».

اما بررسی اجمالی نگارنده در آسیب‌های اجتماعی که در سطح دانشجویان ملاحظه می‌گردند، حکایت از آن دارد که گسترده آسیب‌های اخیر بسیار زیاد و متنوع است و مسوولان اجرایی و فرهنگی جامعه غالباً شناخت لازم از این آسیب‌ها را ندارند. اگر آسیب‌های اجتماعی موجود در سطح دانشجویان، در طبقات کلی زیستی، روانی، اجتماعی- فرهنگی، عقیدتی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته شوند، در هر یک از مقولات اخیر، می‌توان به احصای آسیب‌های زیر پرداخت:

ابعاد زیستی:

افزایش کاربری زنان از وسایل آرایشی، گسترش کاربری مردان از وسایل آرایشی، افزایش کاربری از پیرسینک، افزایش میزان جراحی‌های زیبایی در زنان، عمده شدن بدن در جنس مؤنث و مذکر، استقبال مردان از جراحی زیبایی، پرهیز از بارداری برای جلوگیری از بهم خوردن فیزیک بدنی، سزارین انتخابی (الکتیو)، تلاطم جنسی (سرخوردگی جنسی، افزایش روابط فرازناشویی، ازدواج سفید، روابط ضربدری -ازدواج صورتی-، عشق دایره‌ای، سکس وحشی، هم‌جنس‌گرایی، عشق

بیمارگون، کاربری از فیلم‌های هرزه‌نگار با هدف آموزشی، زندگی تخیلی، همسفریاب - پایه یاب-، پدیده بی، دزدی دوست پسر یکدیگر).

ابعاد روانی:

احساس بدشکلی بدنی، افسردگی فیس‌بوکی (اینستاگرامی)، عشق با کاربری از کراش فایندر، گسترش مصرف ماری جوانا، کاهش سن مصرف مواد مخدر، اعتیاد به فناوری‌ها، مخدر دیجیتال، کاهش سن مصرف الکل، افزایش پرخاشگری درونی، تهدید بهداشت روانی کاربران فضای مجازی.

ابعاد اجتماعی - فرهنگی:

کم رنگ شدن فرهنگ ملی، به تمسخر گرفتن فرهنگ ملی، به تمسخر گرفتن جنس مخالف و موافق، اعتقاد به گسست نسلی، پناه بردن به فضای مجازی، افسردگی اجتماعی، بریدگی از هویت تاریخی، هویت زودبسته‌شده، هویت سردرگم، شکل‌گیری هویت شبکه‌ای، تحقق هویت اشتراکی، ایجاد هویت کاذب، شکل‌گیری هویت پنهان، شکل‌گیری هویت دوباره شده، هویت فرهنگی معارض، تحقق هویت سرمست یا ژن خوب، استقبال از فرهنگ جهانی، جابه‌جایی مراجع ارزشی جوانان، دفاع از فرهنگ لذت‌مدار، تحول روابط دختر و پسر، تخریب فرهنگی، تحول‌های ارزشی جامعه زنان -مسأله مالکیت بدن، استقبال از ورزش‌های رزمی، خشن شدن بزهکاری زنان، اخذ ارزش‌ها از جهان مدرن-، بحران الگوگیری نوجوانان و جوانان، الگوگیری از هنرپیشه‌های روز غرب، الگوگیری از شاخ‌های اینستاگرامی، استقبال از لمپنیسم اجتماعی، کنار نهادن رودبایستی‌ها، کم رنگ شدن شرم و حیا و عفاف، سوق یافتن به سمت ابتذال شخصیتی، رکیک شدن نسبی محاوره دانشجویان، پرخاشگری الکترونیکی، استقبال از ادبیات هرزه‌نگار، استقبال از سرگرمی‌های غیرمتعارف، هیجان‌جویی مرضی، قرار گرفتن در گرداب لایک، به نمایش نهادن خود در مسابقات مدلینگ، خرید و فروش لایک، هک کردن اطلاعات دیگران، تقلب، خرید و فروش تحقیق، پایان نامه و مقاله؛ دور زدن موانع اجتماعی.

ابعاد عقیدتی:

تحولات قرائت دینی دانشجویان، کاهش ابعاد پیامدی و مناسکی دین، برخورد خرافی با دین، تأکید بر ریاکاری موجود در جامعه و دین، تأکید بر تبعیض‌های جنسیتی اسلام، تلاش در جهت خرافی نشان دادن دین، به سخره گرفتن مذهب، زیر سوال بردن چهره رحمانی دین، گرایش به جابه‌جایی مرجعیت عقلی به جای مرجعیت دینی، جابه‌جایی اخلاق دینی با اخلاق اجتماعی، تفسیرهای جدید دینی، پذیرش تنها خدا، شیطان‌پرستی، پذیرش خداگونه شدن آدمی، پذیرش نظریه دین به مثابه افیون توده‌ها، جایگزینی عرفان‌های نوظهور به جای دین، معیار قرار دادن ارزش‌های اومانیستی (مانند دفاع از هم‌جنس گرایی)، تحولات پوشش دانشجویان، تغییر دین برای مهاجر، گرایش به پوچ گرایی.

ابعاد اقتصادی:

تلاش برای کسب پول به هر طریق ممکن، فحشای مجازی (شارژ کشیدن)، احساس سیری‌ناپذیری در کسب پول، کاربری اقتصادی از فضای مجازی، تلاش برای مدل شدن، استقبال از شوگر ددی و شوگر مامی، استقبال از شرط‌بندی (قمار).

ابعاد سیاسی:

کاهش شدید سرمایه اجتماعی، مقابله نسبی با اقتدارگرایی مسوولان در فضای اجتماعی جامعه (مقاومت فرهنگی)، مقابله جدی با اقتدارگرایی مسوولان در فضای اجتماعی جامعه (مقابله خصمانه)، مقابله با اقتدارگرایی مسوولان در فضای مجازی (توهین به مسوولان، به سخره گرفتن مسوولان).
در ادامه به توصیف اجمالی هر یک از آسیب‌های پیش گفته پرداخته خواهد شد.

۱- آسیب‌های اجتماعی با صبغه زیستی

در ابعاد زیستی، آسیب‌های اجتماعی زیادی در سطح نوجوانان و جوانان جامعه ملاحظه می‌گردد. عناوین برخی از این موارد به قرار زیر است: افزایش کاربری زنان از وسایل آرایشی، کاهش سن کاربری از وسایل آرایشی، گسترش کاربری مردان از وسایل آرایشی، افزایش میزان جراحی‌های زیبایی در زنان، افزایش کاربری از پیرسینگ، عمده شدن بدن در جنس مؤنث و مذکر، استقبال مردان از جراحی زیبایی، پرهیز از بارداری برای جلوگیری از بهم خوردن فیزیک بدنی، سزارین انتخابی (الکتیو)، کژرفتاری‌های جنسی (کاربری از ادبیات هرزه‌نگار، سرخوردگی جنسی، افزایش روابط فرازناشویی، ازدواج سفید، روابط ضربدري -ازدواج صورتی-، سکس وحشی -عشق دایره‌ای-، هم جنس گرایی، عشق بیمارگون، کاربری از فیلم‌های هرزه نگار با هدف آموزشی، زندگی تخیلی، همسفریاب -پایه یاب-، پدیده بی، دزدی دوست پسر یکدیگر، فاخته‌گری).
نگارنده به همراه دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری خویش در بررسی آسیب‌های زیستی نوجوانان و جوانان، به بازشناسی آسیب‌های زیستی زیر در دانشجویان رسیده است:

افزایش کاربری زنان از وسایل آرایشی، گسترش کاربری مردان از وسایل آرایشی، افزایش میزان جراحی‌های زیبایی در زنان، عمده شدن بدن در جنس مؤنث و مذکر، استقبال مردان از جراحی زیبایی، پرهیز از بارداری برای جلوگیری از بهم خوردن فیزیک بدنی، سزارین انتخابی (الکتیو)، تلاطم جنسی (سرخوردگی جنسی، افزایش روابط فرازناشویی، ازدواج سفید، روابط ضربدري -ازدواج صورتی-، عشق دایره‌ای، سکس وحشی، هم جنس گرایی، عشق بیمارگون، کاربری از فیلم‌های هرزه‌نگار با هدف آموزشی، زندگی تخیلی، همسفریاب -پایه یاب-، پدیده بی).

^۱ -در این اثر تلاش شده است تا آسیب‌های مطرح در سطح دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد و از مواردی که دلالت‌های صریحی دال بر وجود آن‌ها در سطح دانشجویان نداشت، خودداری گردیده است. به عنوان مثال، نگارنده و دانشجویان همکارش، در بررسی مسایل جوانان به پدیده دزدی دوست پسر یکدیگر بین مادران مطلقه و دختران آنان در سطح دانش‌آموزان رسیده‌اند. مصاحبه یکی از دانشجویان همکار با دانش‌آموزی از مدارس شمال شهر تهران در توصیف این پدیده به قرار زیر است:

«من قبلاً از شما شنیده بودم که برای دوستان تو مدرسه مهمه که مادرشون با کی در ارتباطه؟ مثلاً شخص مرتبط با مادرشون دوست دارن پولدار باشه و امکاناتی رو هم واسه اونا فراهم کنه و به مادرشون می‌گن یه آدم پولدار پیدا کن که برای ما هم پول خرج کنه. درسته؟
بله همین طوره!

- حالا می‌خواهم یکی از این دوست‌ها رو که گفتی با جزئیاتش بیشتر برام توضیح بدی.

مثلاً مینا... نه مینا رو بعداً می‌گم. مثلاً غزل تو مدرسه تعریف می‌کرد که دیروز مامانم خونه نبود، سامان اومد خونه.

- سامان کیه؟

توضیح اجمالی هر يك از آسیب‌های زیستی قابل مشاهده در سطح دانشجویان به قرار زیر است:

افزایش کاربری زنان از وسایل آرایشی

کاربری خانم‌ها از وسایل آرایشی از پیش امر معمولی بوده است که در حال حاضر از سویی با کاهش سن کاربری و از سوی دیگر با گسترش زیاد میزان مصرف وسایل مزبور توأم گردیده است. به این معنا که کاربری از وسایل آرایشی در حال حاضر به سن پیش دبستان رسیده است (و مثلاً دختران کوچک در جشن مهد کودکشان بعضاً با ظواهری آرایش کرده حضور می‌یابند - روزنامه خراسان، ۱۳۹۷/۹/۱۳). به همین ترتیب میزان مصرف اقشار مختلف اجتماعی از وسایل آرایشی خاصه دانشجویان افزایش یافته است. حسینی (۱۳۹۵) گزارش می‌دهد:

«آمار و اسناد مرتبط به مسأله آرایش و پوشش در ایران، گرایش چشم‌گیر و خیره کننده به پدیده تن‌آرایی و دال‌های بدنی را تأیید می‌کنند. برای نمونه، در موضوع مصرف لوازم آرایشی، آمار مصرف کنندگان روزانه اقلام آرایشی در ایران حداقل حدود ۱۵ میلیون نفر برآورد شده و از ایران به عنوان هفتمین مصرف کننده مواد آرایشی در دنیا یاد می‌شود.»

«فرانس پرس نیز گزارش می‌دهد: اگرچه زنان ایرانی در شرایط بعد از انقلاب و در زمان جنگ کمتر اجازه داشتند از محصول‌های آرایشی استفاده کنند، اما بر اساس آخرین برآوردهای انجام شده، ایرانی‌ها سالانه حدود دو میلیارد دلار محصول‌های آرایشی مصرف می‌کنند و این کشور ۷۴ میلیون نفری حدود ۲۹ درصد از بازار محصول‌های آرایشی خاورمیانه را در اختیار دارد. منطقه‌ای که در آن عربستان سعودی بزرگ‌ترین بازار محصول‌های آرایشی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر روزنامه ایندپندنت چاپ انگلستان نیز طی گزارشی ایران را هفتمین بازار بزرگ مصرف محصول‌های آرایشی در جهان توصیف کرد که سالانه ۱ / ۲ میلیارد دلار انواع محصول‌های این صنعت در آن فروخته می‌شود» (www.khabarnekartk).

مشاهدات روزمره در محیط دانشگاه دلالت بر آن دارد که اقشار قابل توجهی از دخترانی که در سال اول ورود به دانشگاه بدون آرایش در محیط دانشگاه حاضر می‌گردند، با افزایش سنوات تحصیلی‌شان، بیش از پیش از وسایل آرایشی سود برده و با ظاهر آرایش کرده در محیط کلاس‌ها و خوابگاه دانشگاه حضور می‌یابند.

گسترش کاربری مردان از وسایل آرایشی

سامان دوست پسر مامانشه، غزل با دوست پسر مامانش دوسته، ولی مامانه نمی‌دونه.

- آهان! پس سامان هم با غزل و هم با مامانش دوسته.

بله. البته از این سوژه‌ها زیاد هست (با لبخند تمسخرآمیزی ادامه می‌دهد) غزل با دوست پسرای مامانش خیلی دوسته. تو مدرسمون که مثلاً امیر دوست پسر غزله، بعد مامانش از اون آدم خوشش میاد و اونم باهاش دوست می‌شه، این جواری برعکسم دارن...».

همان‌گونه که از آن یاد شد، به دلیل عدم ملاحظه مقوله اخیر در سطح دانشجویان، از ذکر این مقوله و موارد مشابه در این اثر خودداری گردیده است.

هم‌زمان با افزایش کاربری زنان از وسایل آرایشی، مردان نیز به کاربری خود از وسایل آرایشی افزوده‌اند. سایت پارسینه در همین رابطه گزارش می‌دهد:

«طی سال‌های اخیر مردان هم به سمت مصرف لوازم آرایشی روی آورده‌اند و رونق بازار این محصولات را دو چندان کرده‌اند، به عنوان مثال، کرم دور چشم مردانه، ظرف مدت کوتاهی به یکی از محصولات پرفروش آرایشی در کشور مالزی تبدیل شد. امروزه رقابت برای هدف قرار دادن بازار محصولات مردانه، شکل جدی‌تری به خود گرفته است. به این معنا که تا همین اواخر محصولات‌های عرضه شده به اقلام معدودی مانند ریش‌تراش، اسپری خوشبوکننده، اودکلن، فوم اصلاح و نظایر آن محدود بود، اما اخیراً ده‌ها محصول جدید روانه بازار شده است. محصولات‌هایی نظیر ژل دور چشم، کرم‌های ضد چروک، رنگ مو، شفاف‌کننده‌ها، تونیک‌های ترمیم‌کننده پوست و در کنار این‌ها اختصاصی شدن محصولات‌های معمولی‌تری مانند شامپوی سر و شامپو بدن با هدف ترغیب مردان به استفاده از محصولات‌های اختصاصی آرایشی نیز صورت پذیرفته است».

مشاهدات انجام شده در محیط دانشگاه، حکایت از گسترش کاربری دانشجویان از وسایل آرایشی دارد.

افزایش میزان جراحی‌های زیبایی در زنان

اگرچه آمار رسمی و مدونی در مورد جراحی‌های زیبایی در ایران وجود ندارد، اما بر اساس آمارهای غیررسمی موجود سالانه ۳۶ هزار نفر خود را به دست جراحی زیبایی می‌سپرنند (بلالی، افشارکهن، ۱۳۸۹) و میزان استقبال از جراحی‌های زیبایی در ایران چنان بالا است که در جراحی زیبایی بینی، ایران رتبه اول جهانی را دارا می‌باشد (بلالی، افشارکهن، ۱۳۸۹؛ توسلی و مدیری، ۱۳۹۱)، به همین ترتیب کاشت نگین در قسمت‌های مختلف بدن در ایران رو به افزایش است (سایت خبری آفتاب، ۱۳۹۲/۱۲/۷).

گزارش انجمن بین‌المللی جراحی پلاستیک (ISAPS) که در ژوئن ۲۰۱۷ منتشر شده، نمایانگر آن است که ایران با «بیش از ۱۵۱ هزار عمل جراحی زیبایی» در سال ۱۳۹۶، رتبه بیستم را در میان تمام کشورهای دنیا به خود اختصاص داده است (ISAPS، 2017).

جراحی‌های زیبایی از جراحی زیبایی انگشتان دست و پا گرفته تا جراحی زیباسازی صدا و لایپلاستی (زیباسازی قسمت تناسلی زنان) گسترده است. تصاویر زیر بیانگر گستردگی جراحی‌های زیبایی در سطح جامعه هستند:

جراحی چال گونه چیست؟ - دکتر اکبری جراح و متخصص زیبایی

👉 /چال-گونه/doctorakbari.com

انواع روش های جراحی چال خنده چیست؟ چال گونه چگونه ایجاد می شود؟ هزینه، عوارض، بهبودی و نتایج

چال گونه و چال خنده هزینه و قیمت عمل - تزریق بوتاکس | تزریق ژل

👉 /چال-گونه/iranskincenter.com

ژانویه 2017 ... عمل چال گونه به صورت سریایی و در مدت 20 دقیقه انجام می‌گیرد. غالباً این عمل تحت بی‌حسی موضعی انجام 14 ... می‌شود، اما در صورت تقاضای فرد می‌توان از روش

ایجاد چال گونه هنگام خنده - کلینیک زیبایی دکتر داوود مقامی

👉 /ایجاد-چال-گونه-هنگام-خنده/beautyclinics.ir

... عمل جراحی ایجاد چال گونه یک روش درمانی سریع و بدون درد است که به صورت سریایی بر روی افراد متقاضی انجام می‌شود

روش ایجاد چال گونه بدون جراحی - نمناک

👉 p57859-چال-گونه/namnak.com

چال گونه و چگونه چال گونه داشته باشیم و روش ایجاد چال گونه و چال گونه بدون جراحی و چال گونه با ورزش و چال خنده بدون جراحی و چال لب بدون عمل در نمناک

...چال گونه چیست؟ هر آنچه باید در مورد عمل جراحی چال گونه و هزینه آن

👉 /dimple-surgery/gloriacenter.ir

چال گونه چیست؟ عمل جراحی چال گونه ، انواع چال های گونه ، آیا می توان بدون جراحی چال گونه ایجاد کرد؟ آیا شما داوطلب جراحی چال گونه هستید؟ عمل چال گونه چگونه انجام می شود؟

چال گونه با جراحی • کلینیک آریا

👉 /چال-گونه-با-جراحی/clinicaria.com

ژانویه 2018 ... همه ما در اطراف مان کسانی را می‌شناسیم که لیختن ملخی دارند و هنگام خندیدن روی لب شان چال می‌افتد و حتی 9 ... بارها پیش خود فکر کرده اید که این افراد

جراحی چال گونه در مصاحبه با دکتر محمد علی اکبری • دونفره

قیمت عمل جراحی چشم گربه ای چقدر است؟ - پی سی پارسی

html قیمت-عمل-جراحی-چشم-گربه-ای-چقدر-است-؟/53336 www.pcparsi.com

مارس 2016 ... بررسی ها نشان می‌دهد در بعضی مطلب‌های تهران جراحی چشم گربه‌ای با هزینه هنگفتی در حال انجام است. جالب 13 ... است که دکتر اصغر اسماعیلزاده، متخصص

... عمل جراحی کشیده کردن چشم با چشم گربه ای - دکتر اکبری جراح و

doctorakbari.com/عمل-جراحی-کشیده-کردن-چشم-با-چشم-گربه-ای/

جراحی چشم گربه ای برای گربه ای کردن و کشیدن گوشه چشم و سربالا کردن آن چگونه انجام می‌شود؟مزایا، هزینه و عوارض عمل چشم گربه ای

... هزینه جراحی چشم گربه ای - جراحی چشم - دکتر چشم | متخصص چشم | عمل

eye-surgery.ir/tag/هزینه-جراحی-چشم-گربه-ای/

آوریل 2018 ... هزینه های جراحی چشم، لیزیک، لازک، ناختک چشم، عمل آب مروارید همگی در ... جراحی چشم گربه ای ظاهر یک 29 ها یکی از عوامل اصلی زیبایی صورت انسان است

بچه پولدارهایی که چشمانشان را گربه ای عمل می کنند + تصاویر

www.yjc.ir/fa/news/5543813/بچه-پولدارهایی-که-چشمانشان-را-گربه-ای-عمل-می-کنند-تصاویر/

مارس 2016 ... می‌خواست تا قبل از عید نوروز چشم هایش را گربه ای عمل کنم. ... ممکن است روزی یکی از یر هزینه ترین عمل 22 های زیبایی به رایج ترین عمل ها تبدیل شود؟

Iran Face Lift | هزینه عمل جراحی

www.iranfacelift.net/www.iranfacelift.net%20-%20نفت%20-هیس%20-%20ایران

%20%20هزینه%20-%20اعمال%20-%20جراحی%20-%20یلاستیک%20ایران

دسامبر 2017 ... میانگین تقریبی هزینه اعمال جراحی پلاستیک در ایران بدون احتساب هزینه کلینیک و پروتز ... تر استین استخوان 20 برجسته کاسه چشم توام با عمل زیبایی یک فوقانی*** : هشت میلیون تومان ... گربه ای کردن چشمها: بیست میلیون تومان

پشت پرده جراحی چشم گربه‌ای - برترین ها

www.bartarinha.ir/fa/news/326683/پشت-پرده-جراحی-چشم-گربه‌ای/

آگوست 2016 ... حالا نوبت به عمل «چشم گربه‌ای» رسیده است؛ یک نوع جراحی که در آن چشم‌ها را با ... دلار هزینه داشته خود 31 را در جهان به «زن گربه‌ای» مشهور تبدیل کرده است

... جراحی چشم گربه ای (عمل زیبایی کشیده کردن چشم) - جراح پلاستیک و

raziclinic.ir/جراحی-چشم-گربه‌ای-عمل-زیبایی-کشیده-کردن/

جراحی چشم گربه ای برای گربه ای کردن و کشیدن گوشه چشم و سربالا کردن آن چگونه انجام می‌شود؟مزایا، مراحل، انواع و عوارض عمل چشم گربه ای چیست؟

با سلام جراحی گربه ای کردن چشم رو انجام میدید؟ - دکتر وقر دوست

www.dr-vahardoost.com/info/4731

Also try: [دانلود کلیپ عمل لابیپلاستی](#)

لابیپلاستی | عمل لابیپلاستی | جراحی لابیپلاستی

👉 www.drbahmanpour.com/لابیپلاستی

... در فیلم زیر توضیحاتی در مورد این عمل را می ... بعد با وجود این بیماری منتهی لابیپلاستی کرد ؟ 1.2

لابیپلاستی | جراحی زیبایی واژن | کلینیک تخصصی پزشکی زیبایی آذین

👉 clinicazin.com/لابیپلاستی

همچنین بهبود ظاهر واژن می تواند تأثیر مثبتی در رابطه جنسی داشته باشد ولی انجام عمل لابیپلاستی باعث افزایش یا کاهش میل جنسی نمی شود . بهترین کلینیک تخصصی زیبایی

عمل لابیپلاستی | کلینیک نی نی سایت

👉 www.niniste.com/clinic/question/56716/عمل

عمل لابیپلاستی خطرناک هست عوارض؟ ... سن ۲۳ شغل مدریس وضعیت تأهل متأهل. 1397/09/23 عمل لابیپلاستی

... من امروز لابیپلاستی انجام دادم | تبادل نظر نی نی

بیماری های زنان زایمان نازایی - لابیپلاستی

👉 doctorzanan.blogfa.com/tag/لابیپلاستی

و برش با قیچی های بسیار ظریف مختص جراحی CO2 جهت انجام برش جراحی در عمل لابیپلاستی امروزه دو روش برش با اشه لیزر ... های پلاستیک وجود دارد . انجام برش لیزری احتمال ایجاد عارضه سوختگی بافت حساس

لابیپلاستی - drlotfizad.com

👉 www.drloftizad.com/لابیپلاستی

غزال: سلام دکتر من دختر مجرد و در ترف ازدواج هستم لابیاهای بسیار بزرگی دارم از نظر شما لابیپلاستی با لیزر بهتره یا با 2: ... جراحی چون اصلا نمی خوام نامزد متوجه بشه من عمل کردم ممنون از وقتی که

همه چیز درباره عوارض لابیپلاستی و مراقبتهای پس از عمل

👉 www.drzakerin.com/Recovery-From-Labiaplasty-and-Its-Risks

... این عمل در کنار ... سلام وقت بخیر من ۲۰روز پیش لابیپلاستی لیژی انجام دادم واز اون موقع تا

عکس های عمل لابیپلاستی - کلینیک زیبایی آذین

👉 clinicazin.com/tag/عکس-های-عمل

برجیب ها: تجربه عمل لابیپلاستی، جراحی زیبایی واژن، عکس لابیای، عکس های عمل لابیپلاستی، فیلم عمل لابیای، لابیپلاستی، هزینه عمل لابیپلاستی در ایران، واژینوپلاستی، واژینوپلاستی چیست؟

میزان جراحی های به اصطلاح زیبایی که تحت عنوان گوش الاغی و چشم گربه ای در سطح جامعه صورت می پذیرند، چنان است که عباسی، رئیس انجمن علمی حقوق پزشکی ایران، اعلان می دارد: «جراحی های گوش الاغی و چشم گربه ای قابل تعقیب کیفری است».

مشاهدات صورت پذیرفته در محیط دانشگاه دلالت بر آن دارد که افشار قابل توجهی از دختران دانشجو از جراحی زیبایی استقبال کرده، خود را به دست تیغ جراح می سپرند.

کاربری از پیرسینگ

دانشنامه ویکی پدیا درباره پیرسینگ می نویسد:

«این گونه که از شواهد مشخص می شود، سوراخ کاری بدن (شامل سوراخ کاری گوش) در زمان قدیم (باستان) در سراسر اقوام دورتادور دنیا انجام می شده است. بدن های مومیایی شده که دارای سوراخ کاری بودند کشف شده اند. قدیمی ترین مومیایی که تاکنون پیدا شده اوتسی مرد یخی است که در یخرو در شمالشمال در کوه های آلپ اوتسال در نزدیکی هاوبسلاویوخ در مرز میان اتریش و ایتالیا یافت شده است. این مومیایی یک سوراخ کاری گوش به ضخامت ۷-۱۱ میلی متری داشته است. در کتاب پیدایش بایبل ابراهیم یک حلقه بینی و یک بازوبند به ربکا زن پسرش (اسحاق) داد. در سفر خروج سامری بت گوساله طلایی را از حلقه های ذوب شده ساخت. در سفر تثبیه سوراخ کاری گوش را به عنوان یک علامت بردگی بیان می کند. سوراخ کاری گوش از قرن ۱۶م در هند رایج بوده است.

سوراخ کاری هر دو گوش به مدت زیادی به وسیله مردها در کشورهایی که فرهنگ غربی ندارند، انجام می‌شده است. انواع دیگر سوراخ کاری بدن همانند سوراخ کاری گوش به صورت پیوسته وجود داشته‌است. برای مثال زن‌های هندی سوراخ کاری بینی را به صورت یک عمل عادی قرن‌هاست که انجام می‌دهند^۱. موارد زیر نمونه‌هایی از پیرسینگ‌های دختران جوان ایرانی است:

^۱ - اهم موارد سوراخ کاری بدن به قرار زیر است:

سوراخ کاری بالای لب (بوسه گاه) (برای مثال: روی صورت مردان جای رشد سیل (Monroe piercing))

سوراخ کاری پل بینی (قسمت بالای بینی - زیر نقطه اتصال ابروها (Bridge))

سوراخ کاری گونه (روی گونه قرار می‌گیرد (Cheek/Anti-Eyebrow))

سوراخ کاری غضروف گوش (این سوراخ کاری در بخش‌های غضروفی گوش کار می‌شود (Ear cartilage))

سوراخ کاری لاله گوش (این سوراخ کاری در نرمه گوش - لاله - کار می‌شود (Ear lobes))

سوراخ کاری ابرو (این سوراخ کاری در ابرو و معمولاً به صورت عمودی کار می‌شود (Eyebrow))

سوراخ کاری زبانه گوش (این سوراخ کاری در غضروفی که در شروع کانال گوش وجود دارد انجام می‌شود (Tragus))

سوراخ کاری لب (این سوراخ کاری بر روی لب یا در لب پایینی کار می‌شود (Lip / Labret))

سوراخ کاری سوراخ بینی (این سوراخ کاری روی بیرون بینی انجام می‌شود و حلقه از سوراخ آویز می‌شود (Nostril))

سوراخ کاری دیواره بینی (این سوراخ کاری در دیواره بین دو سوراخ بینی کار می‌شود و حلقه از میان دو سوراخ آویز می‌شود (Septum))

سوراخ کاری زبان (این سوراخ کاری در وسط زبان انجام می‌شود (Tongue))

سوراخ کاری غشای زیر زبان (این سوراخ کاری در اطراف ماهیچه زیر زبان انجام می‌شود (Frenulum))

سوراخ کاری نوک پستان زنان (این سوراخ کاری در نوک سینه زنان انجام می‌شود (Female Nipples))

سوراخ کاری نوک پستان مردان (این سوراخ کاری در نوک سینه مردان انجام می‌شود (Male Nipples))

سوراخ کاری ناف (این سوراخ کاری معمولاً در لبه بالای حلقه ناف کار می‌شود (Navel piercing))

سوراخ کاری گوشت بین انگشت‌ها (این سوراخ کاری در گوشت آزاد بین انگشتان کار می‌شود - مثلاً بین انگشت اشاره و شست - (Hand web))

سوراخ کاری سطوح (این سوراخ کاری بر روی سطوح صاف پوست بدن کار می‌شود (Surface))

سوراخ کاری سینه بند (این سوراخ کاری شامل تعدادی پیرسینگ سطحی پشت کمر است که شبیه دوخت پشت کمرست است (Corset))

سوراخ کاری مدیسون (این سوراخ کاری روی پوست سینه زیر گردن انجام می‌شود (Madison))

سوراخ کاری پشت گردن (این سوراخ کاری روی پوست پشت گردن کار می‌شود (Nape))

سوراخ کاری لگنی (این سوراخ کاری روی پوست، روی لگن کار می‌شود).

MTN Irancell 10:11 PM 52%

< maryam_piercing ...



368 posts

3,271 followers

7,478 following

Follow

Piercing Maryam
 انجام کلیه امور پیرسینگ و کاشت Body piercing & tattoo. نگین بدن برای بانوان و آقایون بوشهری بدون درد و خونریزی با لوازم یکبار مصرف و استریل و با بیحسی t.me/maryammm1915

SEE TRANSLATION

 ایجاد چال لب
 Men piercing
 لوگو
 ایجاد چال لب
 چ دست



Home Search Add Heart Profile

MTN Irancell 10:01 PM 55%

پیرسینگ در ایران

www.tanmimol.ir... تحقیق پیرس...

People also search for

کلینیک پیرسینگ بینی

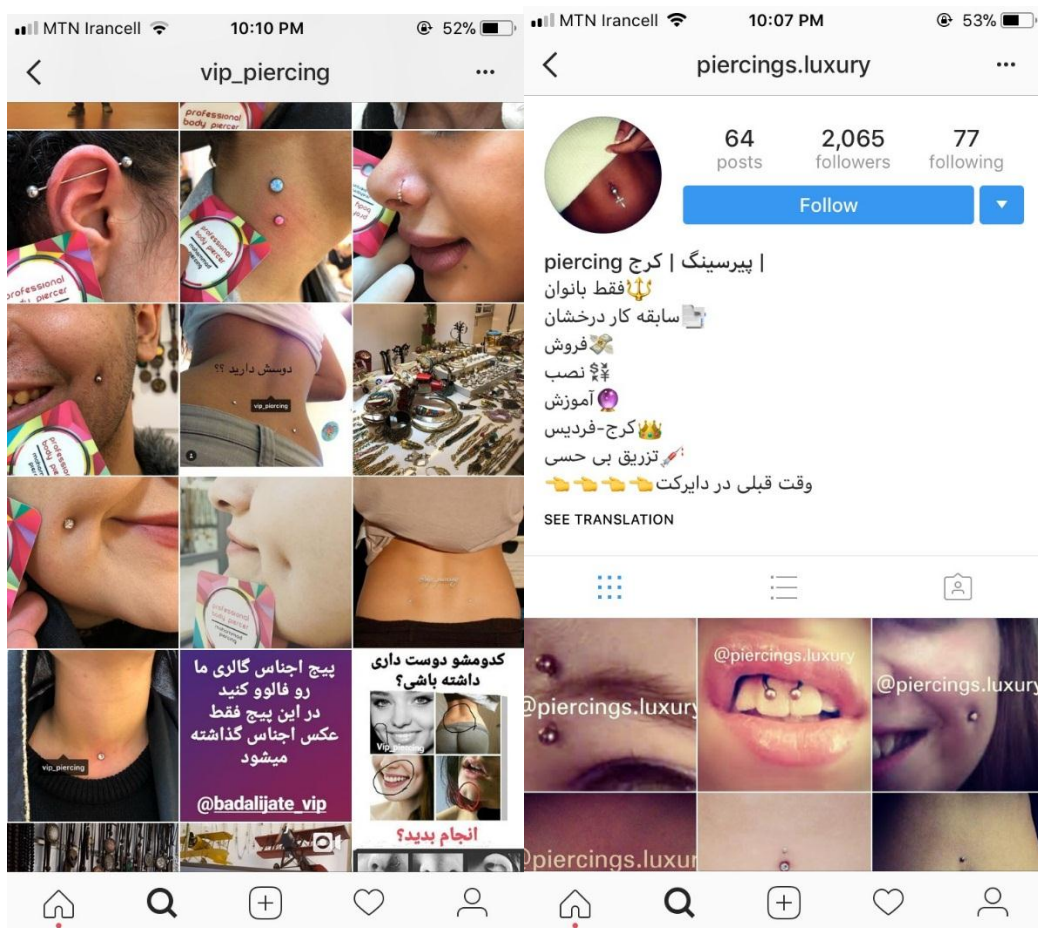
دکتر پیرسینگ ناف

پیرسینگ زیر لب

RELATED SEARCHES

- قیمت پیرسینگ لثه
- قیمت پیرسینگ لب
- پیرسینگ ابرو
- پیرسینگ ناحیه تناسلی
- پیرسینگ لب
- پیرسینگ لب
- پیرسینگ ناف
- فروش پیرسینگ لب

Next >

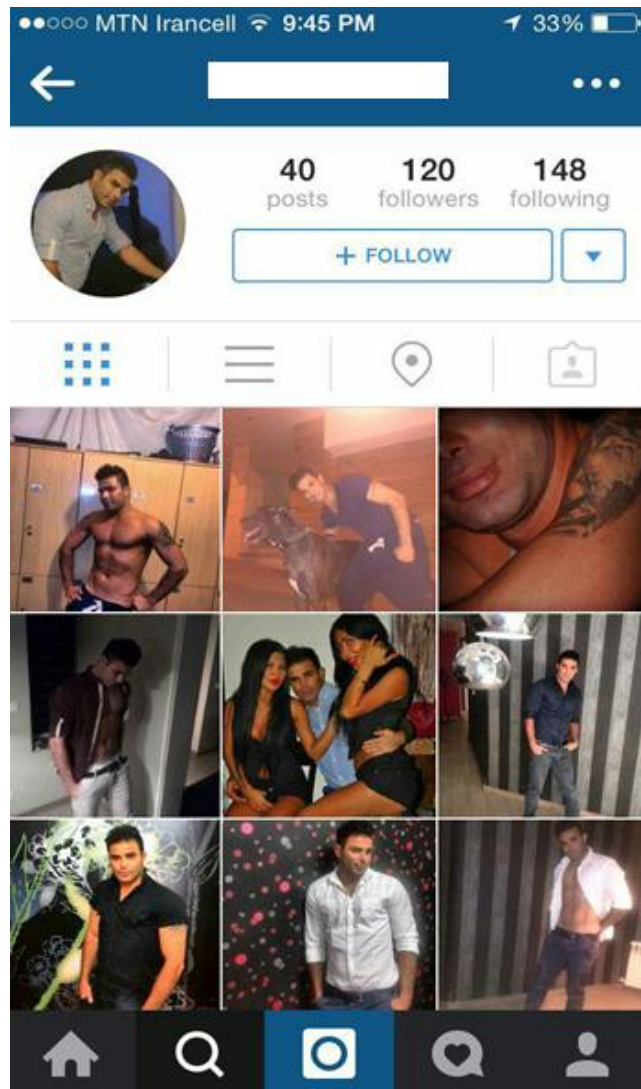


عمده شدن بدن در نزد جنس مؤنث و مذکر



اگر چه مقوله بدن از گذشته مورد توجه افراد، خاصه جنس مؤنث بوده است، ولی شواهد موجود دلالت بر عمده‌تر شدن توجه به بدن هر دو جنس دارد. به عبارت دیگر اهمیت فیزیک بدنی برای اقشاری از مردان نیز پررنگ شده و آنان هم در جهت یافتن بدنی متناسب‌تر به تلاش افتاده‌اند.

بررسی اجمالی پروفایل برخی از دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی حکایت از آن دارد که دانشجویان مزبور با به معرض نمایش نهادن جذابیت‌های زنانه خویش و یا بدن عضلانی مردانه خود، در عمل سعی در به نمایش کشیدن برتری خویش و جذب مخاطب و فالوورهای بیشتر و بیشتر را برای خودشان دارند.



استقبال مردان از جراحی زیبایی

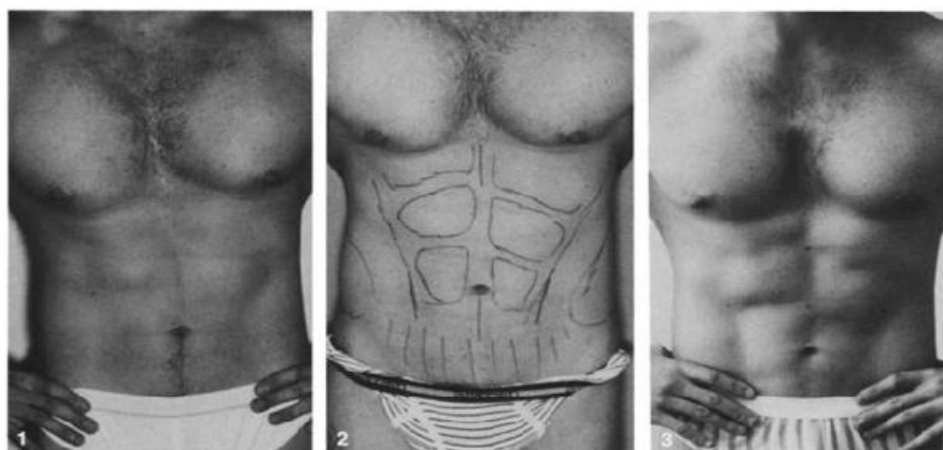
با عمده شدن بدن در نزد جنس مذکر، برخی از مردان می‌کوشند تا با توسل به جراحی‌های زیبایی به اندام مورد نظر خویش دست یابند.

سایت خبری آفتاب (۱۳۹۲/۱۲/۷)، در گزارشی در زمینه افزایش جراحی‌های زیبایی میان مردان می‌نویسد: «یک آسیب‌شناس اجتماعی و متخصص علوم رفتاری از ۱۰ برابر شدن آمار جراحی‌های زیبایی میان مردان در پنج سال اخیر خبر داد.

دکتر مجید ابهری در گفت‌وگو با مهر با بیان این مطلب افزود: تا به حال مرسوم بود، مردان بعد از تصادف یا به خاطر بیماری، بینی یا چهره خود را به دست جراحان می‌سپردند، اما با بالا گرفتن تب جراحی زیبایی در کشور و تبلیغات بدون ضابطه بعضی از مؤسسات، مردان نیز به مشتریان جراحی زیبایی پیوسته‌اند.

این آسیب‌شناس اجتماعی اظهار داشت: در پنج سال اخیر بر اساس اعلان مسوولان مربوطه جراحی زیبایی در بین مردان نسبت به دوره قبل، ۱۰ برابر بیشتر شده است. جراحی بینی، گونه، کشیدن پوست چهره برای زیبایی و جوانی، و جراحی فک، در ردیف جراحی‌های زیبایی مردان قرار دارد.

دکتر ابهری تأکید کرد: در برخی موارد نیز در بین بعضی از جوانان که قادر به پرداخت هزینه جراحی نیستند، این رفتار نادرست صورت می‌پذیرد که آنان با چسبانیدن چسب‌های جراحی به بینی و تظاهر به جراحی زیبایی در جامعه ظاهر می‌گردند». نمونه‌ای از جراحی‌های زیبایی مردان کاشت عضله جهت سیکس پک شدن شکم آنان است. جراحی زیبایی کاشت عضله سبب می‌شود مردان به جای آن که با پرداختن به ورزش‌های سخت و طاقت‌فرسا از شکمی به ظاهر عضلانی برخوردار شوند، با جراحی به این امر نایل آیند (که البته این جراحی صرفاً ظاهر را عضلانی کرده، اثری در نیروی بدنی فرد نخواهد داشت). تصویر زیر عملکرد جراحی در سیکس پک شدن مردان را به نمایش نهاده است:



پرهیز از بارداری برای جلوگیری از بهم خوردن فیزیک بدنی

اهمیت مقوله بدن کار را به آنجا رسانده است که بعضی از زنان جوان مایل به تن دادن به بارداری نیستند، زیرا تصور می‌کنند با بارداری و به دنیا آوردن فرزند، اندام آنان بهم خواهد خورد.

بررسی شواهد میدانی حکایت از آن دارند که اندیشه اخیر را می‌توان حتی در نزد کودکان پیش دبستانی هم ملاحظه کرد. اظهار نظرهای آنتا و دریای ۶ ساله در مصاحبه‌هایشان، مصادیق بارزی در همین جهت به شمار می‌روند:

«... راستی آنتا، باربی بچه هم داره؟

نه، بچه نداره!

– به نظرت چرا باربی بچه نداره؟

خب همش داره لباسای خوشگل می‌پوشه، خودشو خوشگل می‌کنه، مهمونی می‌ره، اگه بچه داشته باشه که دیگه وقت نمی‌کنه، مثل مامانم.

– مامانت وقت نداره خودش رو خوشگل کنه؟

چرا... ولی بعضی وقتا به خاطر من نمی ره مهمونی. می گه شیطونی می کنم. مگه این که خاله شیما بیاد خونه مون، پیشم بمونه. اون دفعه که خاله شیما اومده بود، بهش گفت می خوام برم آرایشگاه، ولی به خاطر آنیتا نمی تونم... خاله شیما هم گفت یه روز میاد پیشم می مونه.

- آنیتا تو فکر می کنی خوبه که باربی بچه نداره؟

آره... منم بزرگ شم، مٹ مامان شم، نمی خوام بچه داشته باشم!

- چرا؟

می خوام واسه خودم برم آرایشگاه، موهامو رنگ کنم، خوشگل بشم، با دوستانم برم بیرون کلی. اگه بچه داشته باشم که نمی شه، مٹ مامان که همش می گه، آنیتا این جور کن، آنیتا اون جور کن».

«- دریا خانم، السا و باربی توی کارتون خودشون بچه هم دارن؟

نه ندارن!

- اگه بچه داشته باشن، خوبه؟

نه، اگه باربی بچه بیاره، دیگه نمی تونه از این لباسای خوشگل بپوشه. تازه شاید موهامم کوتاه کنه!

- چرا؟

خب لباسای خوشگل همه شون مال لاغراست، بعد دیگه نمی تونه بپوشه. مثل خاله م که الان چاق شده! همش هم ناراحته. تازه موهاشو هم کوتاه کرده.

- خالات بچه داره؟

آره، از وقتی ساینه به دنیا اومده، موهاشو کوتاه کرده. من موهاشو خیلی دوست داشتم، بهش گفتم چرا کوتاه کردی موهاشو، گفت به خاطر این که ساینه رو به دنیا آوردم. الان همش ناراحته، می گه چاق شدم.

- فکر می کنی باربی هم به خاطر همین بچه نداره؟

آره دیگه، اگه بچه بیاره زشت می شه، دیگه باربی نمی شه».

سزارین انتخابی (الکتیو)

یکی از مدهای تازه در اقشار ثروتمند جامعه، دست کاری تاریخ زایمان است که البته این امر بسیار خطرناک بوده و می تواند باعث نقص و آسیب یا حتی منجر به مرگ نوزاد بشود. اقدام اخیر از طریق زایمان سزارین صورت می گیرد که در صورت تأخیر در زایمان، می تواند باعث مرده به دنیا آمدن، استنشاق مکنونیم تولید شده در رحم مادر، کمبود اکسیژن در رحم و ابتلا به اختلال های کمبود توجه یا بیش فعالی در آینده بشود. زایمان زودتر از موعد هم موجب اشکال در یادگیری کودک، برخی معلولیت های جدی و افزایش احتمال بستری شدن نوزاد در NICU می گردد.

از جمله دلایل تولد زود یا دیر میتوان به موارد زیر اشاره کرد :

۱- هماهنگ شدن تولد با تاریخ عروسی یا عقد خود،

۲- هماهنگ شدن با تاریخ تولد فرزند دیگر،

۳- هماهنگ شدن با تاریخ تولد خود والدین،

۴- تنظیم و رند کردن تاریخ تولد (مثل ۹۷/۷/۷).

گاهی مورد اخیر باعث شلوغی بیمارستان‌ها شده، به طوری که افراد متقاضی پشت در اتاق عمل صف می‌بندند. علت این امر اعتقاد برخی از اولیا دال بر این است که هفت عدد خوش‌شانسی است و وجود سه عدد هفت در تاریخ ۹۷/۷/۷ موجبات خوش‌شانسی آنان و فرزندشان را فراهم می‌آورد، به همین ترتیب برخی عدد ۱۳ را عدد شومی می‌دانند و تمایل به تولد فرزندشان در این تاریخ ندارند. حتی در مورد دیگری دیده شده است که به دلیل تقارن تاریخ تولد فرزندان دوقلوی فردی با یکی از اقوام که از نظر شخصیتی فرد شایسته و مورد قبولی نبود، فرد نخست تاریخ زایمان خود را حدود دو هفته جابه‌جا کرد تا بچه‌ها شبیه به او نشوند که این باعث آسیب جدی مغزی در یکی از نوزادان شد.

در این زمینه در مصاحبه‌ای که با یکی از افراد دست‌اندرکار بخش زنان و زایمان بیمارستان لاله صورت پذیرفت، وی اظهار داشت برخی از خانواده‌ها تاریخ‌هایی مانند ۹۵/۵/۵، ۹۶/۶/۶ و ۹۷/۷/۷ و یا تاریخ‌های هماهنگ با ازدواجشان را نشانه‌ی باکلاسی و شیک بودن دانسته و به آن افتخار می‌کنند. بر همین مبنا پیش‌بینی می‌شود ۹۹/۹/۹ شلوغ‌ترین روز بیمارستان‌ها و پرمتولدترین روز در ایران باشد!

کژرفتاری‌های جنسی

بررسی‌های میدانی انجام شده دلالت بر آن دارد که مواردی مانند: کاربری از ادبیات هرزه‌نگار، سرخوردگی‌های جنسی، افزایش روابط فرازناشویی، ازدواج سفید، روابط ضربدري (ازدواج صورتی)، عشق دایره‌ای، سکس وحشی، هم‌جنس‌گرایی، عشق بیمارگون، کاربری از فیلم‌های هرزه‌نگار با هدف آموزشی، زندگی تخیلی، همسفریاب (پایه یاب)، پدیده بی (پدیده بی‌غیرتی) از جمله کژرفتاری‌های جنسی هستند که در سطح دانشجویان، قابل ملاحظه هستند. در ادامه شواهدی از هر یک از موارد پیش‌گفته ارائه خواهند شد.^۱

کاربری از ادبیات هرزه‌نگار

هرزه‌نگاری تجسم و نمایش بی‌پرده از رفتار جنسی با هدف هیجان، تحریک یا ارضای جنسی است که در قالب‌های مختلف از جمله کتاب، مجله، کارت پستال، عکس، مجسمه‌سازی، رسم، نقاشی، پویانمایی، صدای ضبط شده، متن، فیلم، نوانما و بازی ویدیویی باشد. هرزه‌نگاری ادبی به متنی می‌گویند که در آن بر فعالیت‌های جنسی بسیار تأکید می‌شود به طوری که ممکن است به برانگیختگی هیجانات جنسی بیانجامد.

دی‌ویرگیلیو^۲ (اول دسامبر ۲۰۱۳) در مقاله خود گزارش می‌دهد:

^۱ -در این قسمت لازم به ذکر است که برخی از مصاحبه‌ها و بیانات خارج از عرف و به شدت هنجارشکن دانشجویان درج نشده است.

^۱- Pornography

^۳-DiVirgilio, A.

«به طور متوسط در هر ثانیه، ۲۸۲۵۸ نفر از کاربران اینترنت مضامین هرزه‌نگار را تماشا می‌کنند و بیش از ۳۵٪ از بارگیری‌های اینترنتی، حاوی مطالب پورنوگرافی است. به همین دلیل است که هرزه‌نگاری به کسب و کار پر سودی تبدیل شده است، به شکلی که در اینترنت بیش از ۲/۴ میلیون وب سایت اختصاص یافته به پورنوگرافی وجود دارد که حدود ۱۲ درصد کل اینترنت را شامل می‌شود و در هر ۳۹ دقیقه، یک ویدیو جدید پورنو در ایالات متحده ساخته می‌شود».

بررسی‌های انجام شده در محیط ایران بیانگر کاربری قابل توجه محتوای هرزه‌نگار توسط نوجوانان، جوانان و دیگر اقشار اجتماعی است.

معیدفر و گنجی (۱۳۸۸) و کوثری و خیر خواه (۱۳۸۷) در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازند، جوک‌های جنسی و محتوای جنسی در شمار پر تکرارترین پیامک‌های رد و بدل شده نوجوانان و جوانان شهر تهران قرار دارند. مطالعه منطقی (۱۳۹۳ ب) نیز دلالت بر آن دارد که محتوای هرزه‌نگار، بیشترین سهم را نسبت به سایر محتواها در گوشی تلفن همراه دانشجویان مورد بررسی وی داشته است.

فهرست پربازدیدترین مقالات ویکی‌پدیای فارسی در سال ۲۰۱۷ حکایت از آن دارد که سه مقاله اول این فهرست و ۲۷ مورد از ۸۰ عنوان مقاله پربازدید اول آن، به مضامین هرزه‌نگار اختصاص داشته است (ویکی پدیا، ۱۳۹۶).

مطالعه عاملی و رمضانی (۱۳۹۵) هم دلالت بر آن دارد که محتوای ۶۰٪ از بلوتوث‌های رد و بدل شده در محیط متروی شهر تهران دارای مضامین هرزه‌نگار بوده است.

مطالعه‌های سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) و بچرانلو و یاسینی (۱۳۹۱) نیز بیانگر آن است که در آگهی‌های تجاری پخش شده در تلویزیون ایران، چهره و اندام زنان مطرح در این تبلیغات، در حد ایده‌آل بوده و بعضاً با اغواگری‌های جنسی توأم هستند.

بیچرانلو (۱۳۹۵) در تحلیل محتوای کیفی‌ای که درباره سه سریال پربیننده پخش شده از شبکه‌های ماهواره‌ای جم و تری ای انجام داده است، از مواردی مانند «شخصیت نقش اول زن» و «تمرکز بر مدیریت بدن و ظاهرآرایی وی» به عنوان مهم‌ترین عوامل جذابیت سریال‌های مورد بررسی یاد کرده است. موارد اخیر به نوعی در پژوهش‌های نهادندی و رشکیانی (۱۳۹۰) و ودادی، پورحسین و کمالی (۱۳۹۳) منعکس گردیده است.

سرخوردگی‌های جنسی

شبکه بی‌بی‌سی نیوز (۱۲ جولای ۲۰۱۴)، در گزارشی با عنوان «دانشمندان مغز معتادان جنسی را بررسی می‌کنند»، به طرح یافته‌های اولین مطالعه انجام شده دانشمندان در ارتباط با مغز افراد معتاد به کاربری از ادبیات هرزه‌نگار می‌پردازد.

این گزارش خاطرنشان می‌سازد، دانشمندان شباهت‌های قابل توجهی بین مغز افراد وابسته به کاربری از ادبیات هرزه‌نگار و افراد معتاد به مواد مخدر یافته‌اند. نتایج پژوهش انجام شده که در نشریه پلوس وان^۱ منتشر شده است، نشان می‌دهد، اسکن مغز ۱۹

مرد مورد بررسی که کاربری مفرطی از محتوای هرزه‌نگار داشتند، در مناطق استریاتوم شکمی^۱، سینگوال قدامی پستی^۲ و آمیگدال^۳ فعالیتی بالاتر از حد معمول را نشان می‌دهد و این مناطق دقیقاً همان مناطقی هستند که در معتادان به مصرف مواد مخدر فعالیت بالاتری از خود نشان می‌دهند.

مضاف بر این، پائولا هال^۴ رئیس انجمن درمان وابستگی به هرزه‌نگاری، خاطرنشان می‌سازد، آنچه که من می‌بینم افزایش تعداد مردان جوانی است که نمی‌توانند حالت نعوظ خود را در روابط آمیزشی خود حفظ کنند، زیرا کاربری آنان از مضامین هرزه‌نگار، به اشتباه جنسی آنان در روابط واقعی آسیب زده است.

شبکه بی‌بی‌سی نیوز (۸ ژوئن ۲۰۱۴)، در گزارش دیگری با عنوان «پورنوگرافی با اندازه مغز چه ارتباطی دارد؟»، به طرح کژکاربری از ادبیات هرزه‌نگار پرداخته، می‌نویسد:

«پژوهشگران آلمانی به تازگی دریافته‌اند که تماشای پورنوگرافی با کوچک شدن قشر خاکستری مغز و تضعیف برخی ارتباطات مغزی همراه است.

یکی از فرضیه‌هایی که مؤسسه تکامل انسانی مکس پلانک و دانشکده روان‌پزشکی شریته آلمان به طور مشترک مطرح کردند، به آسیب بخش خاکستری مغز در اثر تماشای پورنوگرافی اشاره دارد؛ چون مغز مردانی که بیشتر پورن می‌بینند، کاملاً متفاوت با مغز معمولی است.

دکتر سیمونه کیون، مدیر این گروه تحقیقاتی می‌گوید: نتایج این تحقیق می‌تواند بیانگر این باشد که مصرف مرتب پورنوگرافی سیستم پاداش مغز را تنبل می‌کند. مغز این افراد هنگامی که در حال تماشای صحنه‌های سکسی محرک بودند، پیام پاداشی کمتری صادر کرده است تا تماشاگری که به شکل گاه‌گاهی از این فیلم‌ها کاربری دارد، به تعبیر دیگر، مصرف‌کنندگان هر روزه پورنوگرافی از تماشای این صحنه‌ها کمتر از یک تماشاگر معمولی لذت برده‌اند.

سیمونه کیون گفت: «از این رو ما تصور می‌کنیم کسانی که زیاد پورن می‌بینند، به محرک‌های بسیار قوی‌تر جنسی نیاز دارند تا به لذت طبیعی برسند». این امر می‌تواند دلیل نارضایتی از زندگی جنسی در بسیاری از زوج‌های متقاضی پورنوگرافی باشد. وی توضیح می‌دهد: «یک تحقیق تازه نشان می‌دهد، نوجوانان پسری که هر روز با موضوعات شهوانی سروکار دارند، علاقه بیشتری به انواع غیرقانونی پورنوگرافی و به کار بردن آن در زندگی روزمره خود نشان می‌دهند. برخی محققان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که مصرف روزمره پورنوگرافی میل به اجرای آنچه را که دیده می‌شود، بیشتر می‌کند».

این میل به تکرار خود به خودی، دقیقاً مشابه مکانیزم اعتیاد به مواد مخدر است، یعنی چون مصرف مواد مخدر، پس از مدتی، کارایی مغز در ایجاد حس لذت را کم می‌کند، فرد اعتیاد به محرک بیشتری پیدا می‌کند تا بتواند سیستم پاداش مغز را به همان اندازه قبل، فعال نگه دارد.

اوونز و همکاران (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی که با عنوان بررسی مروری اثرات کاربری از هرزه‌نگاری اینترنتی بر روی جوانان انجام داده‌اند، گزارش می‌دهند، پژوهش‌های انجام شده در زمینه کاربری مفرط از مضامین هرزه‌نگار، نه تنها بر عملکرد مغز

¹ -Ventral striatum

² -Dorsal anterior cingulate

³ -Amygdala

⁴ -Hall, P.

نوجوانان اثرات سوئی از خود بر جای می‌گذارد، بلکه تحول بدنی کاربران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین ترتیب استفاده از محتوای هرزه‌نگار روی نگرش‌های جنسی، باورها، رفتارها، پرخشگری جنسی کاربران و خودپنداره، تصویر بدنی و تحول اجتماعی نوجوانان کاربر، اثرات نامناسبی از خود بر جای می‌گذارد.

ستروثرز (۲۰۱۱) در مقاله خود خاطرنشان می‌سازد، وقتی گیرنده‌های دوپامین زیاد تحریک شوند، دیگر مغز مانند سابق پاسخ نداده، فرد در برابر تکرار اعمال قبلی خود که لذت‌بخش بودند، لذت کمتری را احساس می‌کند و برای دستیابی به لذت مورد نظر، سعی می‌کنند تا با فعالیت بیشتر، در عمل لذت مطلوب طبع خود را فراهم آورند، بنابراین یا از محرک‌های شدیدتری در مصرف محتوای هرزه‌نگار سود می‌برند و یا بر مدت کاربری خود از مضامین هرزه‌نگار می‌افزایند (و این فرایند، مشابه همان فرایندی است که در افراد معتاد مشاهده می‌شود که پس از گذشت مدتی از مصرف ماده مخدر، مصرف همان میزان ماده مخدر، لذت قبلی را برای آنان در پی نخواهد داشت و آنان مجبور هستند برای دستیابی به لذت قبلی، بر میزان مصرف ماده مخدر خود بیفزایند).

مغز پس از ادراک محرک‌های دال بر رابطه جنسی، پس از افزایش هورمون تستوسترون و انتقال دهنده عصبی دوپامین، بر میزان ترشح نوراپی نفرین می‌افزاید. نوراپی نفرین نقش مهمی در ارتقای تحریک جنسی داشته، بدن را برای فعالیت جنسی آماده می‌سازد. علاوه بر این، نوراپی نفرین مسیر رانندگی جنسی را برای مغز یادآوری کرده، به ذخیره‌سازی خاطرات این رویداد کمک می‌کند. از این رو جای تعجب نیست، افرادی که نمی‌دانند دیروز چه صبحانه‌ای خورده‌اند، اولین تصویر جنسی را که به فرض ۲۰ سال پیش در یک نشریه دیده‌اند، هنوز هم به یاد دارند، زیرا در حالت اخیر، نوراپی نفرین به ذخیره خاطره جنسی ۲۰ سال پیش در مغز پرداخته است.

به هر صورت، ماحصل نهایی رابطه جنسی، اُرگاسم است، حالت اخیر در روابط واقعی انسان‌ها، ضمن تعمیق روابط دو جنس در گیر در رابطه، برای آنان با لذت باهم بودن و در کنار هم بودن توأم است و به نوعی آمیزش جسم با جسم، به آمیزش روح با روح آنان می‌انجامد و در حالت اخیر انسان‌ها از افق‌های وسیع‌تری به جهان هستی می‌نگرند، در حالی که فردی که در جریان کاربری از محتوای هرزه‌نگار به اُرگاسم می‌رسد، چیزی جز ناکامی و حسرت را در خود نمی‌یابد.

بررسی‌های انجام شده در محیط ایران نیز همسویی زیادی با آنچه از آن یاد شد دارد. ملک احمدی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خویش خاطرنشان می‌سازند، کاربری از ادبیات هرزه‌نگار موجب خسران‌های زیادی است. یکی از این خسران‌ها از منظر مخاطبان، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی است، زیرا کاربران ادبیات هرزه‌نگار در غالب موارد تکرار موارد غیرمتعارف دیده شده را از طرف مقابل خود می‌خواهند که این مسأله بعضاً اسباب اختلاف آنان را فراهم می‌آورد. به همین ترتیب فردی که کاربر محتوای هرزه‌نگار است، با کاربری بی‌پای از ادبیات مزبور، با بالا رفتن آستانه لذت خویش مواجه می‌گردد که همین مسأله سبب می‌گردد، وی در ارتباط با همسرش نیز غالباً احساس کامیابی نداشته باشد.

برخی از سریال‌های ماهواره‌ای که به زبان فارسی برای مخاطبان ایرانی پخش می‌شوند، مروج روابط فرازنشویی هستند. فکوهی (۱۳۹۵) در توصیف کلی سریال‌های ماهواره‌ای به اصطلاح خانوادگی که مردم ایران را هدف قرار داده‌اند، می‌نویسد: «مهم‌ترین ویژگی تمام این سریال‌ها که موجب گردید به سرعت تمام رقبای خود را از میدان به در کنند، سرایت پلکشی و کثافت به همه چیز بود، تا جایی که برای یافتن «آدم‌های خوب در سریال» باید ذره‌بین به دست در این سریال‌ها گشت. جوانان، زنان و مردان و حتی کودکان در این سریال‌ها همه فاسد و کثیف هستند... و اگر هم آدم خوبی هم در میان آنان بیابیم، وی به معنی واقعی کلمه آدمی کودن و ابله است که اگر بد نشده، نه به دلایل اخلاقی، بلکه از سر حماقت یا بدشانسی او بوده است».



در دومین نشست از سلسله نشست‌های تحکیم خانواده و سازمان‌های مردم‌نهاد با عنوان روابط فرازنشویی، علل و پیامدها و نقش شبکه‌های مجازی در بحران خانواده، که به همت سازمان مردم‌نهاد خانواده سلامت بنیان برگزار شد، روان‌شناس موسسه مزبور درباره شیوع روابط فرازنشویی گزارش داد، از هر ۵ مراجعی که برای مشاوره به من مراجعه می‌کنند، حدود ۳ نفر درگیر روابط فرازنشویی هستند و اگرچه در گذشته، آغازگر این روابط مردان بوده‌اند، اما الآن در بسیاری از موارد زنان آغازگر هستند. این روابط می‌تواند باعث طلاق شده، طلاق نیز به سهم خود باعث تشدید رفتارهای اخیر می‌گردد (سایت پایگاه اطلاع‌رسانی تنظیم خانواده).

۶

ازدواج سفید

دانشنامه ویکی پدیا در توصیف ازدواج سفید می نویسد:

«اصطلاح ازدواج سفید دو کاربرد متفاوت نو و کهن دارد: کاربرد نوی ازدواج سفید، نمونه فارسی زبان آن است که در آن «ازدواج سفید» (و گاهی ازدواج سپید) برای توصیف زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی به کار می رود که نباید با نکاح عرفی اشتباه گرفته شود. در ایران دو تعریف متفاوت از این زندگی مشترک وجود دارد:

۱- در ایران گروهی می گویند مقصود از ازدواج سفید آن است که زوجین بدون عقد نکاح اقدام به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک می کنند. اما منابع فارسی زبان آلمان زندگی مشترک بدون ازدواج یا ازدواج سفید را پیش زمینه ای برای بسیاری از ازدواج های رسمی مطرح می کنند. همچنین ازدواج های ادیان دیگر بدون عقد نکاح اسلامی است یا نکاح عرفی اسلامی بدون ثبت دولتی انجام می شود.

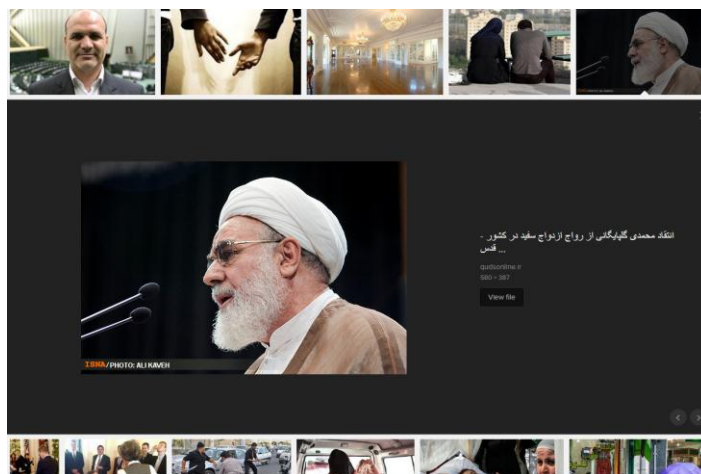
۲- همچنین گروه دیگر در ایران ازدواج سفید را معادل زندگی مشترک بدون ازدواج یا هم باشی تعریف می کنند. البته نه تعریف گسترده تر آن که به معنی هم زیستی است، بلکه تعریف محدود به زندگی مشترک زناشویی بدون ازدواج که طرفین همدیگر را همسر و متعهد به یکدیگر نمی دانند.

کاربرد کهن تر ازدواج سفید در زبان فرانسه و انگلیسی به معنی ازدواج بدون وصال یا ثبت شده و قانونی اما به دلایل مختلف حتماً همراه با رابطه جنسی است.



ماهنامه زنان امروز، مجله ای که با ۱۶ سال فعالیت در سال ۱۳۸۶ توقیف شده بود و پس از ۷ سال توقیف در خرداد ۱۳۹۳ فعالیتش را از سر گرفته بود، در ۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ به دلیل ترویج ازدواج سفید طبق بند ۲ از ماده ۶ قانون مطبوعات با عنوان «اشاعه فحشا و منکرات و انتشار مطالب خلاف عفت عمومی» و «اخلال به مبانی و احکام اسلام» توقیف شد. وزارت ارشاد نیز از این توقیف حمایت کرد.

منتقدان، زندگی مشترک بدون ازدواج را باعث کاهش آمار ازدواج رسمی و «سست شدن نظام ارزشی» می دانند.



سیاوش شهریور، مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران در اواسط تابستان سال ۱۳۹۳ از طرح «اعتلای خانواده پایدار» در دستور کار دولت برای مقابله با ازدواج سفید خبر داده بود.

اما با وجود نهی مسوولان رسمی، با نگاهی به شبکه‌های اجتماعی موارد زیادی در همین زمینه ملاحظه می‌گردد. نمونه‌ای از این تبلیغات در سایت سرج ۲۴ به شرح زیر آمده است:

«من ۳۸ ساله و مجرد هستم و به صورت مستقل در منطقه پونک تهران زندگی می‌کنم. دنبال یه دوست با اخلاق و فهمیده هستم که علاوه بر این که بتونیم با هم دوست و همراه باشیم، اگه به توافق رسیدیم، همخونه هم بشیم. لطفاً خودتون رو معرفی کنید و از شرایطتون بگید».

ازدواج سفید علاوه بر دانشجویان معمول، غالباً در سطح دانشجویانی ملاحظه می‌گردد که به فرض دختر دانشجوی دانشگاه آزاد، هزینه لازم برای اسکان در شهر دانشگاهی خود را ندارد و با توسل به ازدواج سفید در عمل می‌کوشد تا بخشی از هزینه‌های اسکان، خورد و خوراک و تحصیل خود را بر عهده طرف مقابل خود در ازدواج سفید بگذارد.

روابط ضربدري (ازدواج صورتی)

دانشنامه ویکی پدیا در توصیف روابط ضربدري می‌نویسد:

«سکس ضربدري نوعی ارتباط جنسی بین دو یا چند زوج جنسی است. این رابطه می‌تواند بخشی از یک مهمانی خصوصی باشد یا در خلال تجمع‌های گروهی یا کلوب‌های مخصوص سکس ضربدري صورت پذیرد. ترتیب ملاقات هم می‌تواند از طریق مجلات، اینترنت یا معرفی دوستان داده شود. پیشینه تاریخی ثبت شده این نوع ارتباط به دوران رم باستان بازمی‌گردد که در آن مناسکی با نام اورگی یا ارتباط جنسی گروهی بین زوجین انجام می‌شده است. اما این نوع رابطه از دهه ۱۹۶۰ با به وجود آمدن انقلاب جنسی و پیدایش روش‌های پیشگیری از بارداری وارد مرحله جدید و مطمئن‌تری شد».

رابطه اخیر الزاماً بین دو گروه زوج که دست به تعویض همسرانشان در رابطه می‌زنند، نبوده، می‌تواند در سطح دوست دختر و پسرهای دانشجویی با هم باشد.

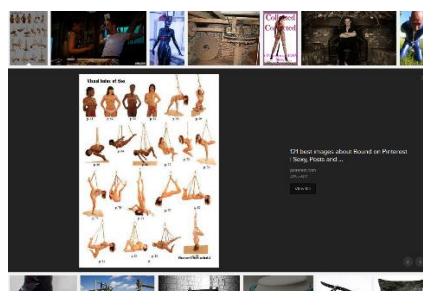
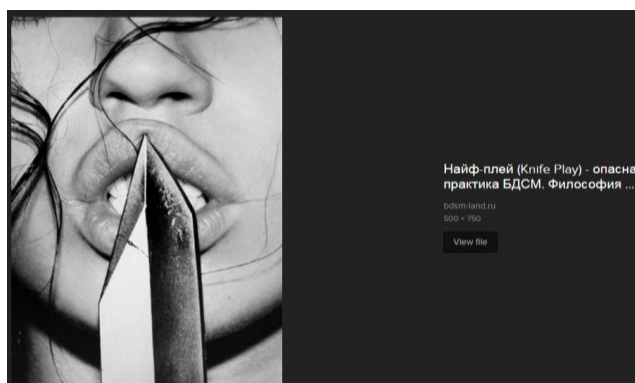


عشق دایره‌ای

طبق پژوهش یکی از دانشجویان نگارنده، عشق دایره‌ای شامل دوستی همزمان یک دختر دانشجوی با سه دوست پسر است که روابط وی با آنها نیز به صورت هم‌زمان صورت می‌پذیرد.

سکس وحشی

سکس وحشی یا سخت بیانگر رابطه جنسی توأم با اذیت و آزار سخت طرف مقابل است. این سکس که باید آن را از تمایلات مرضی مازوشیسم و مازوخیسم متفاوت دانست، در سطح افراد به ظاهر سالم رخ می‌دهد. تصاویر زیر گویای قسمتی از این مساله هستند:



م

در تصویر زیر سن کم فرد متقاضی سکس سخت از سویی و مدت تجارب وی در این زمینه، بسیار تأمل برانگیز است:



هم جنس گرایی

دانشنامه ویکی پدیا درباره همجنس گرایی می نویسد:

«همجنس گرایی یکی از گرایش های جنسی است که ویژگی آن تمایل زیبایی شناختی، عشق رمانتیک، کشش عاطفی و تمایل جنسی فردی است که تنها متوجه جنس همگون با خود او است. همجنس گرایی همراه با دو گرایش دیگر جنس گرایی و دوجنس گرایی، سه گرایش اصلی جنسی را تشکیل می دهند. به فردی که به جنس دیگر گرایش داشته باشد «دگرجنس گرا» و به افرادی که هم به جنس دیگر و هم به افراد همجنس با خود تمایل دارند، «دوجنس گرا» می گویند.

رفتار همجنس گرایانه به برقراری رابطه جنسی با فردی همجنس اطلاق می شود. همجنس گرا به افرادی گفته می شود که ترجیح می دهند، مدّتی طولانی به فعالیت جنسی با افراد همجنس خود بپردازند. امروزه برای اشاره به افراد همجنس گرای مرد از گی و برای همجنس گرایان زن معمولاً واژه لزبین یا لُز استفاده می شود.

در دوران هخامنشیان و ساسانیان مجازات رابطه با همجنس، اعدام بوده است، اما برخی پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که در ایران قبل از ظهور زرتشت اجتماعات همجنس گرایانه وجود داشته است. هرودت نیز شاهدبازی هخامنشیان را گزارش کرده است؛ وجود روابط همجنس گرایانه مردانه در زمان اشکانیان و ساسانیان نیز دیده شده است.

لواط یکی از گناهانی است که در دوره ساسانی تلقی می شده است. قوانین و مواردی که به آن ها اشاره شده، نشانگر این بوده که این عمل در جامعه رخ می داده است. کتاب مینوی خرد می گوید موجودات اهریمنی به شیوه زیر آفریده شده اند: «و

اهریمن بدکار دیوان و دروغان دیگر فرزندان اهریمنی را از عمل لواط با خود به وجود آوردند». بنابراین نخستین نکته این است که لواط وسیله‌ای بود تا اهریمن بتواند موجودات اهریمنی دیگر و بیشتری به جهان بیاورد، و دوم آن که اهریمن موجودی لواط کار پنداشته می‌شد. در کتاب وی دیوداد گفته می‌شود اگر مردان ناخواسته در لواط فاعل یا مفعول واقع شوند، مجازات آن‌ها شلاق و اگر خواسته این کار را بکنند، مجازاتشان اعدام است. در کتاب ارداویرافنامه، که یکی از تخیلی‌ترین کتاب باقی‌مانده پهلوی است، به مجازات‌های همجنس‌بازان و لواط کاران اشاره شده است. ویراز در سفر خود به دوزخ مردی را می‌بیند که کیفرش این بود که مارهایی به مخرج او وارد و از دهانش خارج می‌شوند. فرشتگان درباره علتش می‌گویند: «این روح مرد پستی است که در گیتی مرتکب لواط شده است». در فصل دیگری درباره مجازات لواط با زنان سخن گفته شده که سبک‌تر بوده است. لازم به گفتن نیست که حکم «سزاوار مرگ» (مرگ ارزان) بی‌درنگ در مورد این گونه افراد اجرا می‌شد. اصطلاح همجنس‌گرایی در واژه‌شناسی اسلامی وجود ندارد، ولی نزدیک‌ترین واژه به آن عبارت «لواط» است که اعمال جنسی میان دو مرد است که برگرفته از نام قوم لوط است.

لواط از جانب پیامبر اسلام و تمامی امامان شیعه نهی شده و از عواقب اخروی آن به شدت یاد شده است. مجازات‌های دنیوی سنگینی نیز برای لواط و دیگر کنش‌های همجنس‌خواهانه در نظر گرفته شده است. در فقه شیعه و قوانین ایران، لواط کیفر اعدام دارد، تفخیز و قراردادن آلت تناسلی بین دو کفل مجازات حدی ۱۰۰ ضربه تازیانه و در بار سوم یا چهارم اعدام، بوسیدن پسران از روی شهوت و خوابیدن عریان دو مرد یا دو زن در زیر پوشش مشترک، بدون وجود ضرورت، مجازات تعزیری دارد. مساحقه به معنی آلت‌مالی دو زن نیز مستحق مجازات حدی یک صد ضربه شلاق و در نوبت چهارم مستوجب اعدام است.

در مذهب شافعی فتاوایی از برخی فقها آمده که بر اساس آن لواط با غلام مملوک حد ندارد و مخالفینشان نیز آن را به حلال بودن لواط تعبیر کرده‌اند. همچنین مشهور است مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکی، لواط را جایز دانسته، هرچند در المؤطای مالک چنین چیزی وجود ندارد و مالکیان نیز آن را قبول ندارند.

مرتضی راوندی در کتاب *تاریخ اجتماعی ایران* در این مورد نوشته است: «شاهدبازی حرام است و همه پیران و زاهدان کنند. وقتی فقهای اربعه با این اوضاع روبرو می‌شدند ناچار بودند فتوایی بدهند که نه سیخ بسوزد نه کباب. لذا برخی غلام غیرمملوک را منع و غلام مملوک را تجویز کرده‌اند.

در دوره صفویه، با همجنس‌گرایی و روابط همجنس‌گرایانه در مکان‌های زیادی همچون دیرها، کاروان‌سراها، حمام‌ها و پادگان‌های نظامی برخوردی صورت نمی‌گرفته است. رفتارهای همجنس‌گرایانه در دوران صفویان به رسمیت شناخته می‌شد چنان که حتی در بین برخی شاهان صفوی و نیز بسیاری از امرای مملوکی چنین علاقه‌مندی مشاهده شده است. رابطه آنان در حدی بود که یار همجنس آنان همیشه در کنارشان حضور داشته و اطرافیان او را به این امر می‌شناختند. این شاهان و امیران هم‌زمان به اقامه نماز جمعه و ادای واجبات دین اسلام و مسایل سیاسی می‌پرداختند. همچنین در این دوره اماکنی تحت عنوان امرد خانه برای فعالیت روسپیان مذکر وجود داشته است. رسمیت این اماکن به حدی بوده که دولت نه تنها مانع فعالیت آن‌ها نمی‌شده، بلکه از آن‌ها مالیات هم دریافت می‌کرده است. یکی از اماکن اسکان روسپیان مرد قهوه‌خانه‌ها بوده است. در این باره

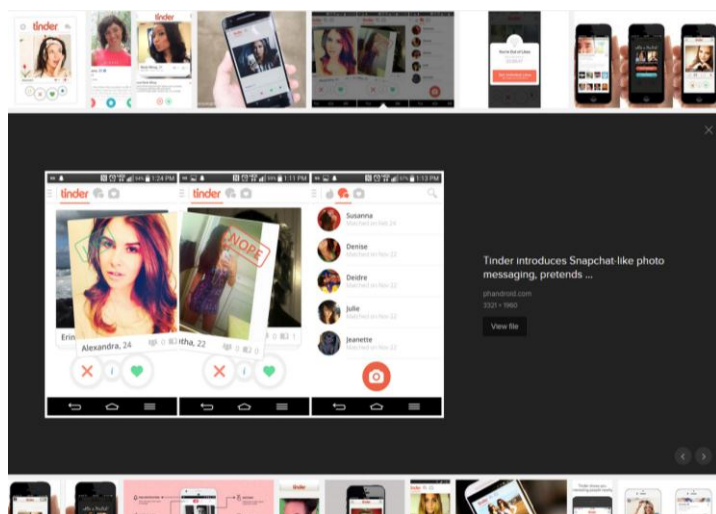
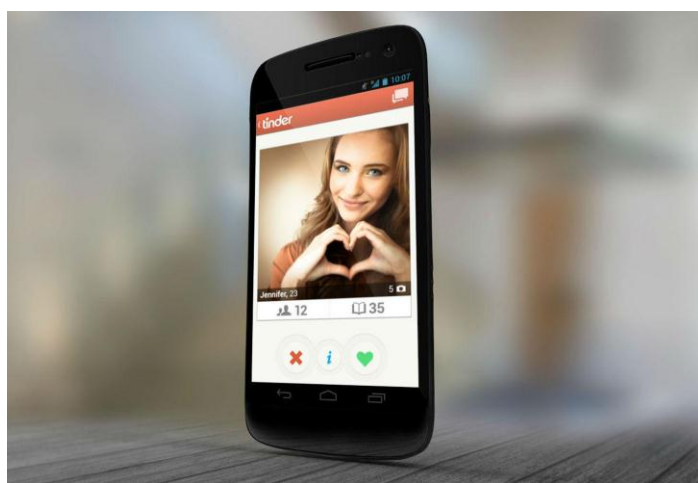
در سفرنامه شاردان چنین آمده: «من در تبریز و ایروان قهوه‌خانه‌های بزرگی دیدم که پر از پسرانی بود که خویشتن را به‌مانند زنان روسپی عرضه می‌داشتند و حتی شاه عباس دوم طفلی زیبا را به قهوه‌چی سپرد و پسر بر اثر تجاوزی که به او شد، به قهوه‌چی حمله برد و او را زخمی کرد، ولی شاه به جای تنبیه متجاوز قهوه‌چی، دستور داد شکم بچه را پاره کردند.

محسن کدیور، نواندیش دینی، همجنس‌گرایی را در اسلام رد می‌کند. اکبر گنجی همجنس‌گرایی را طبیعی دانسته و دیدگاه محسن کدیور را نقد کرده‌است. عبدالکریم سروش، دیگر نواندیش دینی، می‌گوید: حق‌خواهی همجنس‌گرایان، مسأله جدیدی است که او هنوز قادر نشده سخن قاطعی در باب آن بگوید.

در سال‌های اخیر جنبش طرفداران همجنس‌گرایی در غرب تا حد قابل ملاحظه‌ای گسترش یافته است. در حال حاضر هلند و بلژیک تمامی حقوق ازدواج را برای زوج‌های همجنس‌گرا قایلند. در سال ۲۰۰۳ دادگاه کانادا در سه استان ازدواج افراد همجنس‌گرا را قانونی اعلام کرد. علاوه بر این در فرانسه، آلمان، فنلاند، سوئد، نروژ، دانمارک، ایسلند و بعضی از ایالات آمریکا از جمله ورمونت، ماساچوست و نیویورک ازدواج همجنس‌گرایان قانونی است که حاصل آن برخورداری این زوج‌ها از حمایت و مسوولیت‌های ازدواج‌های معمولی بوده‌است.

تصاویر زیر متعلق به برخی از سایت‌های هم جنس‌گرایی مردان و زنان است که بعضی از دانشجویان ایرانی از آن‌ها سود می‌برند. سایت‌های زیر با ارایه مشخصات سنی، جنسی، مکانی، نقش فرد در رابطه هم‌جنس‌گرایانه (رول) و نظایر آن، اطلاعات اولیه برای برقراری رابطه بین افراد هم‌جنس‌گرا را برای آنان فراهم می‌آورند.





متن زیر قسمتی از مصاحبه روی خطی است که با یکی از دانشجویان هم جنس گرا صورت پذیرفته است:

«... خوب اولش چه جوری با یک نفر آشنا می شی؟

بین تو همون بخش guys بر اساس نزدیکی به location الانت آدم های مختلف رو میاره.

- آهان یعنی چون اون‌ها هم لوکیشن گوشیشون روشنه، این جواری آدم‌هایی که تو یه منطقه هستن رو به وصل می‌کنه؟

آره، از این لحاظ خیلی خوبه که راحت می‌تونن آدم‌هایی پیدا کنن که گرایش جنسی تو رو دارن.

- فقط بر اساس فاصله هم دیگه رو پیدا می‌کنن؟

خوب می‌تونن ویژگی‌های مختلف رو انتخاب کنن برا خودت که اون‌ها رو بیاره.

- می‌شه توضیح بدی؟

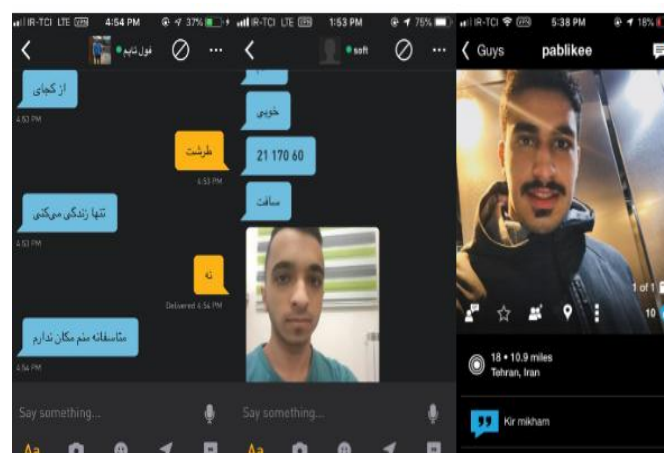
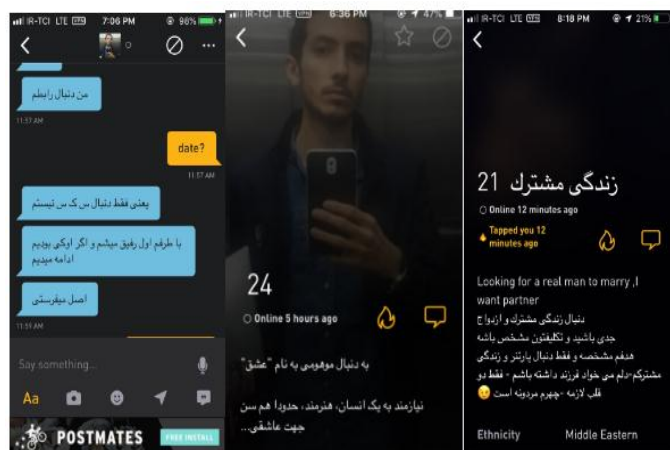
بین اول از همه که منظوره role اون آدم هست که تو پروفایلش مینویسه که top, bottom یا فرقی براش نداره.

خودتم قبلش role خودتو مشخص کردی، این جواری دیگه خیالت از این قضایا راحت تره. بعدش مثلاً چیزی که برای خودم

مهمه، سن طرف که من ترجیح می‌دم همسن خودم باشه، می‌تونن سنشم مشخص کنن که توی چه بازه‌ای باشه، گزینه‌های

دیگه‌ای هم مثل قد و وزن و اینا رو هم داره...».

تصاویر زیر بیانگر نمونه‌هایی از برقراری روابط بین جوانان هم جنس گرا است:



عشق بیمارگون

استرنبرگ در مدل سه وجهی که درباره عشق ارایه کرده است، از سه عامل هیجانی (عاطفی)، انگیزشی (جذابیت جسمانی) و شناختی (احساس تعهد نسبت به یکدیگر) در شکل‌گیری یک عشق سخن به میان می‌آورد. از نظر این نظریه‌پرداز، در صورتی که در یک عشق، هر سه بعد مزبور وجود داشته باشند، از آن عشق می‌توان با عنوان عشق کامل یاد کرد، اما گاهی ممکن است از سه عامل مزبور، تنها دو یا یک عامل در عشق افراد، حضور داشته باشد که در این صورت شقوق دیگر عشق از نظر استرنبرگ پدید می‌آیند. در حالتی که تنها بعد انگیزشی (جذابیت جسمانی) حضور داشته باشد، استرنبرگ از این عشق با عنوان عشق شیفگی یاد می‌کند. در این عشق یک زن و مرد، تنها و تنها برای ترضیه خاطر جسمانی به یکدیگر نزدیک شده، پس از ترضیه خاطر، از یکدیگر جدا می‌شوند.

با بررسی عشق شیفگی در محیط ایران این نتیجه حاصل می‌آید که عشق مزبور در محیط ایران حداقل در اقشاری از جوانان، به شکل نسبتاً متفاوتی تحقق یافته است، به این معنا که اگر تصور شود، استرنبرگ عشق شیفگی یا عشق تنها را برای افرادی معمولی در نظر گرفته است، در محیط ایران که بعضاً جوانان با نوعی از بحران هویت مواجه هستند، عشق شیفگی، فقط عرصه‌ای برای لذت جسمانی دیده نشده، عرصه‌ای است که هم‌زمان با ترضیه خاطر جسمانی، عرصه تخلیه ناکامی‌ها و نامرادی‌های جوان قرار می‌گیرد، به تعبیر دیگر جوانی که در جامعه از هویت و اقتدارطلبی که در پی آن است، برخوردار نشده است، در این عرصه سعی می‌کند اقتدارطلبی از دست رفته خویش را بازیابد.

منطقی (۱۳۸۳) در توصیف ویژگی‌ها و مختصات «عشق شیفگی» که در شرایط اخیر شایسته نام «عشق بیمارگون» است، می‌نویسد:

«عشق شیفگی را در دو حالت مختلف می‌توان در نظر گرفت. عشق شیفگی در سطح انسان‌های معمولی و عشق شیفگی در سطح انسان‌های بحران‌زده و بی‌هویت، در حالت اخیر عشق شیفگی ضمن آن که عرصه‌ای جهت ترضیه خاطر جسمانی افراد قرار می‌گیرد، از کارکرد مهم‌تری برخوردار می‌شود که آن استفاده از سازوکار (مکانیسم) جابه‌جاسازی در تخلیه هیجانی فرد به شمار می‌رود.

در عشق بیمارگون در کنار ویژگی‌هایی مانند «شکل‌گیری عشق بیمارگون بر مبنای ویژگی‌های صرفاً احساسی» و «ترضیه خاطر جسمانی»، از خصوصیات دیگری نظیر «فقدان صمیمیت»، «تمایل به تجربه افراد متعددی از جنس مخالف»، «تنوع‌طلبی در رابطه جنسی»، «رقابت‌جویی»، «سوداگری»، «حاکمیت فریب»، «سوءاستفاده‌های مالی»، «مثبت دیدن عواقب عشق بیمارگون»، عشق بیمارگون به مثابه «اعتبار اجتماعی پسرها» و «تأییدی بر جذابیت دخترها» برخوردار است. اما افزون بر ویژگی‌های مزبور، عشق اخیر نه تنها «به مثابه یک نیاز روانی» جلوه‌گر شده، گاه جوانان نداشتن دوست جنس مخالف را معادل با نهایت شکست و خسران می‌دانند، این عشق «عرصه‌ای برای تخلیه روانی»، «گریز از واقعیات» و «هیجان‌جویی مرضی» افراد است.

گاهی جوانان برای اثبات هویت و اقتدارطلبی که در جامعه آن را به دست نیاورده‌اند، در عرصه عشق بیمارگون سعی در اثبات کفایت و اقتدارطلبی خود کرده، گاه با برقراری ۱۵ رابطه در طول هفته، با احساس اقتدارطلبی جنسی خویش، به ترضیه خاطری هر چند نسبی، دست می‌یابند.

جوانان دیگری ضمن ترضیه خاطر جسمانی خویش، با نفی، انکار و تحقیر شریک جنسی خود، سعی در تخلیه روانی خویش می‌کنند. به عنوان نمونه، جوانانی که در ازای دادن یک ساندویچ و سرپناه به دختری فراری، پس از آن که خود و ۱۵-۱۰ دوستی که خبر کرده‌اند، از دختر فراری مورد نظر، بهره‌کشی جنسی کردند، با بیرون کردن وی در زیر باران و یا ساعت ۳ نیمه شب از خانه، به تمسخر و استهزای وی پرداخته، به این ترتیب سعی در التیام بخشیدن نسبی به روح دردمند خود می‌کنند.

کاربری از فیلم‌های هرزه‌نگار با هدف آموزشی

برخی از بررسی‌های انجام شده دلالت بر آن دارد که دختران دانشجوی مجرد، در آستانه ازدواج و یا متأهل، در غیاب آموزش‌های جنسی لازم در جامعه، به عنوان کسب اطلاعات لازم به سمت و سوی کاربری از ادبیات هرزه‌نگار کشیده شده‌اند و در ادامه مضامین این فیلم‌ها را به عنوان معیاری برای روابط جسمانی خود در خانواده در نظر گرفته‌اند. مصاحبه‌هایی انجام شده زیر، متعلق به سه دانشجوی مجرد، در آستانه ازدواج و متأهل است:

«مصاحبه زیر با سوگل صورت پذیرفته است، سوگل فردی میانه رو هست که در عین داشتن اعتقادات دینی می‌خواهد همراه با تحولات جامعه حرکت کند. روابط خانوادگی سوگل بسیار خوب است.

- تو و دوستان اطلاعات رابطه جنسی رو از کجا یاد گرفتید؟

بیشتر از اینترنت، بعد فیلم‌ها و سریال‌ها.

- کدوم برات جالب‌تر بوده؟

من گاهی یه قسمت کوتاه از فیلم‌های سکسی توی یوتوب می‌بینم.

- دوستان چطور؟

بله، اونا هم دارن. اتفاقاً بهم هم می‌دیم!

- دوست‌هایی که گفتی رابطه دارن، از کجا اطلاعات جنسی رو یاد گرفتن؟

فیلم دیگه، اتفاقاً خیلی هاشون می‌گفتن اوایل خیلی خنگ بودن و می‌ترسیدن، اما وقتی چندتا فیلم دیدن، خیلی بهتر شدن

تو رابطه و دوست پسراشون بیشتر راضی بودن.

- یعنی چی بیشتر راضی بودن؟

خوب آدم وحشی‌تر می‌شه و روش هم باز می‌شه.

- پس به نظرت دیدن فیلم سکسی خوبه؟

نمی‌دونم، اما مگه جای دیگه‌ای هست که بخوایم اطلاعات به دست بیاریم؟»

«مصاحبه با سمیرا دانشجوی ارشد، ۲۵ ساله

- سمیرا جان الآن که در شرف ازدواجی، اطلاعاتی در مورد رابطه جنسی داری؟

دست رو دلم نزار که خونه!

- چرا؟

هیچی نمی‌دونم، عین احمقا نشستم، فیلمای سکسی رو نگاه کردم.

- چی شد رفتی اون فیلم‌ها رو دیدی؟

چه کار کنم، فقط در حد یه سری مطالب تو اینترنت خونده بودم و کلاً دنبال این مسایل نبودم و الان پسرا و دخترا خیلی تو این مسایل مهارت دارن و فکر کنم به خاطر دیدن این فیلماست. من نمی‌خوام احمق به نظر بیام تو رابطمون». «مصاحبه با بهشته، وی چهار سال است که ازدواج کرده است. بهشته دارای تحصیلات کارشناس ارشد مهندسی کشاورزی است.

- بهشته جان تو از رابطه‌ی جنسیت راضی هستی؟

تا حدودی، اما ضربه‌ای که اول رابطه خوردم هنوز باهامونه!

- ترس از رابطه با شوهرت؟

آره، اونقد اطلاعاتم محدود بود، شش ماه طول کشید تا بتونم یه رابطه داشته باشم، اونم با ترس و لرز.

- چه کار کردی تا درست شد؟

رفتم مشاوره و دکتر زنان هم رفتم. یه کم دارو دادند، اما بیشتر برای من فکر کنم از لحاظ روانی بود. فیلم‌های سکسی می‌بینم، بهتر شدم، خیلی بهتر شدم.
- از چه لحاظ؟

تمایلم به مهدی بیشتر شده، وقتی نمی‌تونستم باهاش باشم، خیلی خودمو می‌خوردم، الان که رابطه داریم، حال مهدی بهتر شده.

- باهم فیلم می‌بینید؟

نه، اصلاً بهش نگفتم، خودم تنهایی می‌بینم».

زندگی تخیلی (چت داستانی)

چت داستانی، مرادیه‌ای است که بین دو فرد شروع شده، ممکن است چندین ماه به درازا بینجامد. دختران مذهبی‌تر، در جریان چت داستانی خود تنها وارد بحث‌های عاطفی می‌شوند و مثلاً نقش همسر فرد متقابل را در زندگی روزمره ایفا می‌کنند، اما افراد بدون قید، به سادگی از آغاز وارد مضامین جنسی شده، به چت خودشان در همین راستا ادامه می‌دهند. تصاویر زیر نمونه‌هایی از موارد پیش گفته به شمار می‌آیند:

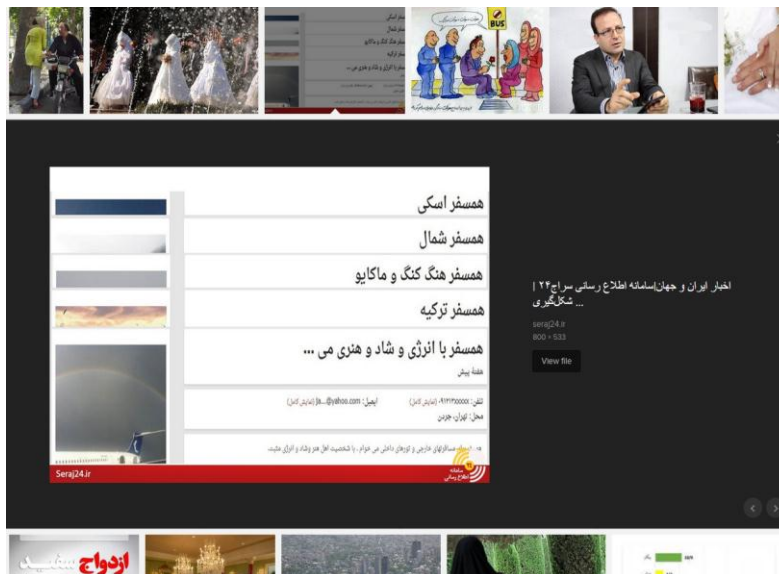
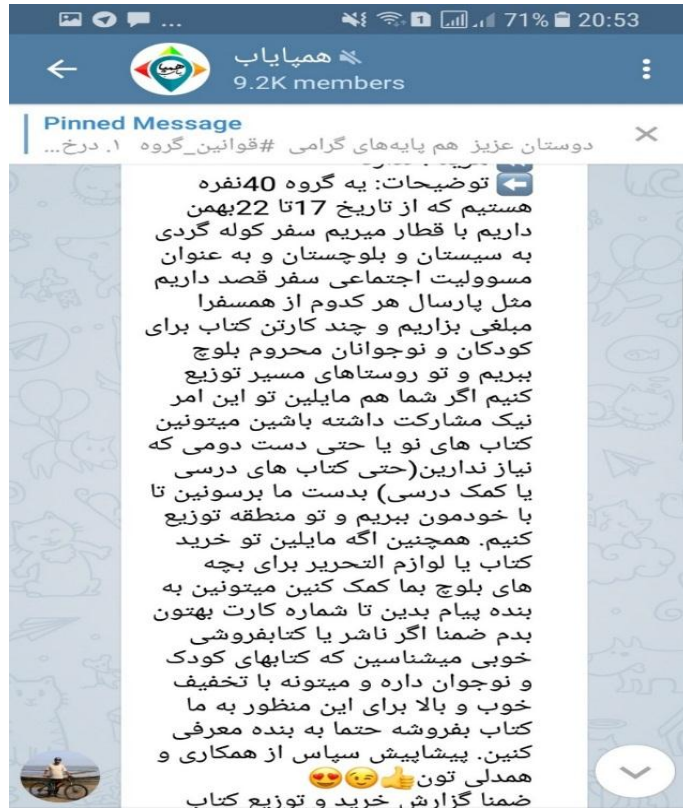






همسفریاب (پایه یاب)

همسفریاب یا هم پایاب در ابتدا هدف یافتن همراه برای سفر و احیاناً خدمات رسانی به اقشار محروم در حین سفر را داشت، اما در گذر زمان همسفریابی به شکل پرداخت هزینه های مالی سفر توسط همسفر مرد و ارایه برخی از خدمات از سوی همسفر زن نیز درآمده است.





Transferring data from safargardi.com

با عرض پوزش، بخش همسفریابی، بنا به دستور دبیرخانه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، از تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۹۶ غیرفعال می‌باشد و هیچ آگهی جدیدی مورد تأیید قرار نخواهد گرفت. لذا از ثبت درخواست جدید خودداری نمایید. با احترام

لطفا قبل از استفاده از این بخش، قوانین را مطالعه نمایید:

آگهی هایی که خارج از عرف جامعه باشد مورد تأیید قرار نخواهند گرفت.
درج آگهی برای بافتن جنس مخالف ممنوع بوده و آگهی تأیید نخواهد شد.
اطلاعات تماس را به درستی وارد نمایید تا در ارتباط با مخاطبات دچار مشکل نشوید.
برای حصول نتیجه بهتر، در قسمت توضیحات، اطلاعات ضروری سفر را بنویسید.
برای حصول نتیجه بهتر، حداقل یک هفته قبل از تاریخ سفر، اقدام به ثبت آگهی نمایید.
شما میتوانید به راحتی پس از ثبت نام در سایت، آگهی خود را ثبت نمایید.

هفتصد سفر

هفتصد سفر

All Regions
 Safe Search: Moderate
 All Sizes
 All Types
 All Layouts
 All Colors






Forwarded Message
 From: همسفر باب

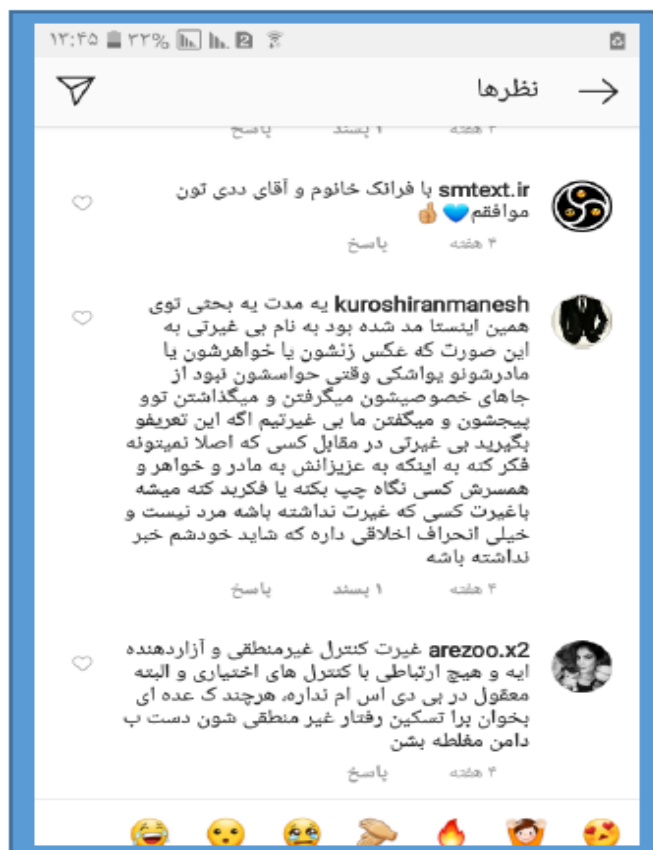
دنبال همسفر
 نام: پاران سن: ۲۵
 میبدا: تهران
 مقصد: کوشی آداسی ترکیه
 تاریخ سفر: اواخر مرداد ماه (تاریخ دقیق با هماهنگی همسفر)
 زمان سفر: حدود یک هفته
 وسیله نقلیه: هوایی
 هزینه تقریبی: کلیه هزینه ها توسط همسفر آقا پرداخت شود.
 مشخصات همسفر آقا: اهل سفر (با رعایت موازین شرعی)
 سبائی دی تلگرام:
 برای پیدا کردن همسفر، سفرهای داخلی و خارجی خود به ما پیوندید.
<https://t.me/poinchat>

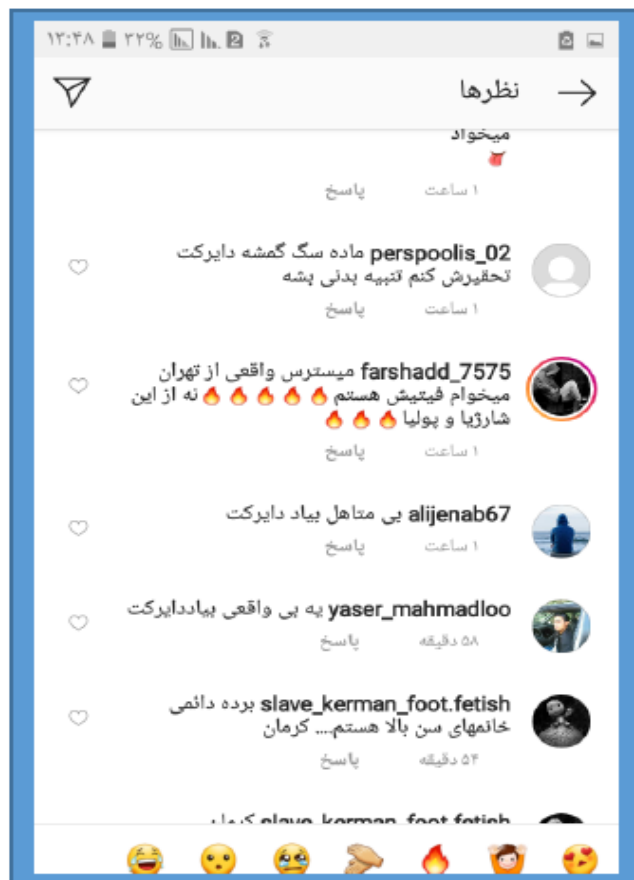
Forwarded Message
 From: همسفر باب

دنبال همسفر
 نام: سجاد سن: 35
 میبدا: تهران - زنجان
 مقصد: باکو آذربایجان
 تاریخ سفر: مرداد ماه (تاریخ دقیق با هماهنگی همسفر)
 زمان سفر: چهار روز
 وسیله نقلیه: زمینی
 هزینه تقریبی: کلیه هزینه ها توسط این جانب پرداخت خواهد شد.
 مشخصات همسفر با همسفران: خانم اهل سفر
 سبائی دی تلگرام:
 برای پیدا کردن همسفر، سفرهای داخلی و خارجی خود به ما پیوندید.
<https://t.me/poinchat>

- ابروین های همسفر باب با رعایت موازین شرعی
 Gooya News
 news.gooya.com
 641 + 690
 View file

در جریان تحول‌های اجتماعی، با وجود تداوم ایدای جنسی دیگران، سوءاستفاده جنسی از محارم نیز در دستور کار بعضی از افراد قرار گرفته است و برخی از جوانان با تهیه مخفیانه عکس و فیلم از محارمشان، دست به مبادله آن‌ها در فضای مجازی با افراد مشابه خودشان می‌زنند. از این پدیده با عنوان «پدیده بی» یا «پدیده بی‌غیرتی» یاد می‌گردد. تصاویر زیر شواهدی از پدیده بی را به نمایش نهاده‌اند.







یہاں آئیے اور غیرت کو مرنے دیں ...
wisgoon.com



ای-ایڈیٹرز #کوار # Images about
pictime.com



رنگ مجیدہ - منیب ملک و کارکنان
mohajabeh.mihanblog.com



TANINEYAST - سیدہ خیر
semiromkhabar.ir



مشت ہے اسی لیے کہ نہیں ...
wisgoon.com



یہ وہی وہی ہے ہنس رہی ...
wisgoon.com



پیشہ کشہ # Images about #
instagweb.com



Wisgoon - ویسگون - فلوویش
wisgoon.com



غیرت و حجاب
lenzor.com



یہ کہ تو را دوست داشته باشد نیست به تو
clobb.com



on L... بی-غیرتی # Images about #
webata one



0... ساری بی-غیرت # Images about #
imgumweb.com



مشت داشته باشد نیست به تو # غیرت ...
hammihan.com



بی-غیرتی # Images about #
goistan24.com



... زیناب حرم (zeynab_takhti@) ...
mysstalk.com



این رنگی | بانک محتوای تبلیغ مجازی
web.balagh.ir



Hash Tags - Desk... بی-غیرت
deskgram.org



چراغ-داران را از جلو گریز نیست
instagub.com

۲- آسیب‌های اجتماعی با صبغه روانی

در ابعاد روانی، آسیب‌های اجتماعی زیادی در سطح نوجوانان و جوانان جامعه ملاحظه می‌گردد. عناوین برخی از این موارد به قرار زیر است: احساس بدشکلی بدنی، افسردگی فیس‌بوکی (اینستاگرامی)، عشق با کاربری از کراش فایندر، گسترش مصرف ماری جوانا، کاهش سن مصرف مواد مخدر، اعتیاد به فناوری‌ها، مخدر دیجیتال، کاهش سن مصرف الکل، افزایش پرخاشگری درونی، تهدید بهداشت روانی کاربران فضای مجازی.

نگارنده به همراه دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری خویش در بررسی آسیب‌های روانی نوجوانان و جوانان، به بازشناسی آسیب‌های زیر در دانشجویان رسیده است: احساس بدشکلی بدنی، افسردگی فیس‌بوکی (اینستاگرامی)، عشق با کاربری از کراش فایندر، گسترش مصرف ماری جوانا، کاهش سن مصرف مواد مخدر، اعتیاد به فناوری‌ها، مخدر دیجیتال، کاهش سن مصرف الکل، افزایش پرخاشگری درونی، تهدید بهداشت روانی کاربران فضای مجازی. توضیح اجمالی هر یک از آسیب‌های روانی قابل مشاهده در سطح دانشجویان به قرار زیر است:

احساس بدشکلی بدنی



با گسترش و سیطره یافتن فضای مجازی، سن ابتلاء به اختلال‌های روانی کاهش یافته است، به این معنا که اگر در گذشته، افراد پس از بزرگ شدن و وارد شدن به جامعه متوجه می‌شدند که افرادی زیباتر، جذاب‌تر، مرفه‌تر و متشخص‌تر از آنان وجود دارند و فرد در آن هنگام، پس از مقایسه جذابیت، رفاه، امکانات و نظایر آن‌ها، بین خود و دیگران، به دلیل فاصله‌ای که بین خود و دیگران می‌یافت، افسرده شده یا اضطراب‌گریبان وی را می‌گرفت و یا با مقایسه خود و دیگران، آنان را جذاب‌تر از خویش می‌پسندید و احساس بدشکلی بدنی در ذهن وی شکل می‌گرفت، در حال حاضر، از آنجا که در رهگذر پیشرفت فناوری‌ها، جهان کنونی به یک دهکده جهانی تبدیل شده است و هر فردی در آن می‌تواند به سادگی با اقصاء نقاط جهان رابطه

برقرار کند، بنابراین اگر فردی پیشتر خود را فقط با جمع بچه محل‌ها یا هم کلاسی‌های خودش مقایسه می‌کرد و بعد راجع به جذابیت یا عدم جذابیت فیزیکی خود نتیجه گرفته و قضاوت می‌کرد یا اگر فردی با مقایسه خود با دیگر افرادی که به لحاظ اقتصادی اجتماعی هم سطح وی بودند، احساس خسران و عقب ماندگی در رفاه و امکانات زندگی را نمی‌کرد، در حال حاضر هر شخصی با این امکان روبروست که خودش را با انبوهی از افراد در زمینه‌های مختلف فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی مقایسه کند و بلافاصله در برابر انبوه گزینه‌های مطرحی که فراروی خویش می‌بیند، خود را عقب‌تر از بسیاری از آن‌ها بباید.

بنابراین با تحولی که فضای جهانی شده و فضای مجازی برای بشر معاصر پدید آورده‌اند، انسان‌ها به دلیل گسترش یافتن بی‌حد گزینه‌های فراروی‌شان، ممکن است به سادگی قانع شوند که آنان به لحاظ جذابیت بدنی یا امکانات رفاهی و اقتصادی یا شرایط اجتماعی پایین‌تری نسبت به دیگرانی که در فضای اجتماعی آنان را می‌بیند، قرار دارند (هر چند برخی از افراد در این میان جذابیت یا امکانات اقتصادی توهمی خود را با فتوشاپ به دیگران القا کرده و منتقل می‌کنند). اختلال بدشکلی بدنی نیز نمونه‌ای از اختلال‌هایی است که با کاهش سن اختلال مواجه است، زیرا فردی که در گذشته خود را با تعداد محدودی از بچه‌های محل و یا هم کلاسی‌های خودش مقایسه می‌کرد، در عمل در فضای مجازی به جایی می‌رسد که خودش را با میلیون‌ها فرد روبرو می‌بیند که بسیاری از آنان نیز از وی جذاب‌تر و زیباتر هستند. نگارنده در عمل با دانشجویانی برخورد داشته است که احساس بدشکلی بدنی گریبان آن‌ها را گرفته بود تا جایی که برای راحت شدن از رنج این مسأله، کم و بیش به خودکشی نیز می‌اندیشیدند.

افسردگی فیس‌بوکی (اینستاگرامی)



در تعریف افسردگی گفته شده است که افسردگی حالت روانی ناخوشی است که با دلزدگی، یأس و خستگی پذیری مشخص می‌گردد و غالباً با یک اضطراب کم و بیش شدید همراه است (منصور، دادستان، راد، ۱۳۶۵).

بررسی‌های میدانی انجام شده در زمینه اثرات روانی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، حکایت از آن دارد که کاربری از فضای مجازی حداقل از دو طریق کاربران خود را با افسردگی مواجه ساخته یا بستر اولیه جهت افسردگی آنان را فراهم می‌آورند.

در حالت نخست، کاربران در جریان کاربری از فضای مجازی، در عمل با استانداردهای مختلفی مواجه می‌شوند که آنان را سرخورده می‌سازند. به عنوان مثال، کاربر در برخورد با الگوهای مورد علاقه‌اش، درمی‌یابد که آن‌ها در اوجی از رفاه، تجملات، امکانات، ثروت و یا زیبایی و جذابیت بدنی قرار دارند، اما وی با مقایسه زندگی و امکانات خویش با آنچه الگوهای مورد علاقه‌اش به طرح آن می‌پردازند یا با مقایسه موهای مشکی و چشم‌های میشی خود که متفاوت از استانداردهای تبلیغ شده الگوهای مورد علاقه وی (یعنی موهای طلایی و چشم‌های آبی) هستند، به دلیل عدم دستیابی به استانداردهای اقتصادی و زیباشناختی مطرح شده از سوی الگوهای مورد علاقه خودش، بلافاصله احساسی از غم، اندوه، یأس و نارزنده دیدن خویش وجودش را فرا می‌گیرد که علایم اخیر، از جمله نشانه‌های مستقیم افسردگی به شمار می‌روند.

در حالت بعد، کاربران ممکن است با مقایسه امکانات مالی و رفاهی خودشان یا زیبایی و جذابیت خودشان با امکاناتی که دوستانشان در تصاویر خود در شبکه‌های اجتماعی به معرض دید می‌گذارند، دریابند که آنان فاقد امکاناتی مشابه هستند و به سمت یأس و اندوه سوق یابند.

از آنجا که حکایت پیش گفته در هر شبکه اجتماعی ممکن است رخ بدهد، بنابراین می‌توان عنوان افسردگی فیس بوکی را که در ابتدا برای ترسیم سوق یافتن کاربران فیس بوک به افسردگی مطرح گردید، برای سایر شبکه‌های اجتماعی (نظیر اینستاگرام) نیز مطرح ساخت.



عشق با کاربری از کراش فایندر

«کراش زدن» یا «کراش داشتن» یکی از جدیدترین واژگان مرسوم در روابط اجتماعی جوانان و شبکه‌های اجتماعی است. کراش زدن را شاید بتوان معادل «خاطرخواه بودن» در زبان فارسی دانست. کراش در زبان انگلیسی به صورت احساسی از عشق و تحسین نسبت به یک فرد، غالباً کسی که می‌دانید نمی‌توانید با او رابطه داشته باشید، تعریف شده است. البته به نظر می‌رسد، با پیشرفت امکانات ارتباطی و ابداع سازوکارهای جدید در شبکه‌های مجازی، امکان تحقق چنین رابطه‌ای، چندان هم منتفی ^۱

نباشد. کراش یاب‌ها کانال‌هایی در شبکه‌های اجتماعی مجازی (اغلب در تلگرام) هستند که مدیران آن‌ها پیام‌های اظهار علاقهٔ اعضا به افراد دیگر از جنس مخالف را منتشر می‌کنند و در صورت حضور و تمایل فرد مورد نظر - که به صورت طنزآمیز «مکروش» نامیده می‌شود- ارتباط دو نفر را برقرار می‌سازند.

کراش یاب‌ها عموماً برای گروه‌ها و موقعیت‌های نسبتاً بزرگ اجتماعی، مانند دانشگاه‌ها و محله‌ها ساخته می‌شوند. ناشناس ماندن هویت واقعی افراد به وسیلهٔ اسامی مستعاری که خودشان را با آن معرفی می‌کنند تضمین می‌شود.

افراد، از هر دو جنسیت، پیام‌های اظهار علاقه‌شان به فردی که معمولاً هویت وی نیز برای سایرین، یا دست کم برای بسیاری از آن‌ها، آشکار نمی‌شود را با ذکر چند نشانه از او، به منظور انتشار در کانال، برای مدیر ارسال می‌کنند. در صورتی که فرد فرستندهٔ پیام مایل باشد نزد مدیر کانال هم ناشناس بماند، از سرویس‌های پیام ناشناس برای ارسال پیام استفاده می‌کند. مدیر کراش یاب، پس از دریافت پیام، آن را در کانال منتشر می‌کند. سپس، مخاطب پیام یا سایر کسانی که از طریق نشانه‌ها وی را شناخته‌اند، در صورت عضویت و حضور در کانال کراش یاب، به تبادل پیام عمومی، از طریق ارسال آن به مدیر خواهند پرداخت. در صورت درخواست طرفین، مدیر کراش یاب امکان ارتباط خصوصی بین ایشان را برقرار می‌سازد.

فرایند انتشار پیام و گفت‌وگوهای عمومی و خصوصی به گونه‌ای است که امکان پوشیده ماندن هویت واقعی هریک از افراد، در صورت تمایل آن‌ها، در تمامی مراحل وجود دارد. مدیر کانال نیز، معمولاً بر ناشناس باقی ماندن خود تأکید دارد. در کراش یاب‌ها، معمولاً از افراد درخواست می‌شود به منظور سهولت دسترسی پذیری، ابتدا یا انتهای تمامی پیام‌های ارسالی خود را، به یک نام مستعار ثابت اختصاص دهند. همچنین در بسیاری از کراش یاب‌های دانشگاهی، افراد علاوه بر نام مستعار عنوان رشتهٔ تحصیلی خود را نیز در ابتدا یا انتهای پیام ذکر می‌کنند.

در زیر نمونه‌هایی از پیام‌های دانشجویان دانشگاه خوارزمی درج شده است:

«کراش یاب خوارزمی، - ۱۳۰۲، ۱۸ - ۲۳:۲۸ -

همون پسر کچلی که قدش بلنده معمولاً تو دانشکده ادبیات توو کافه کتابه، فککنم ارشد میخونه، امروزم کافه کتاب بود، کاپشن بژ تنش بود، سه تا رفیقیم هر ستامونم روش کراش داریم، حق انتخاب با خودشه خودمون یه جوری بلخره باهم کنار میایم.

خواهرای_ابراهام-لینکلن

خووووب

@khucrushfinder

ادمین: فقط وقتی تموم شد ما رو وارد قرعه کشی نکنید».

«کراش یاب خوارزمی، - ۱۳۰۲، ۱۸ - ۱۹:۴۷ -

من رو همه پنج تا دختر خوشجل جیگر طلای عمران ۹۴ کراش دارم ♥♥♥♥♥♥♥ دلبونشون بلم

سادات جون

#عمران:

@khucrushfinder

ادمین: چه جوری ممکنه؟»

«کراش یاب خوارزمی، - ۱۸,۰۲,۱۲,۵۰:۰۰ -

جویای یک نفر کراش جذاب و قدبلند... بانمک و قدبلند... باغیرت و قدبلند... متشخص و قدبلند... بادرک و فهم بالا و

قدبلند... بافرهنگ و قدبلند... هستم»

نامبرده ترجیحا دهه شصتی و قدبلند باشه مرسی

#ارشد هستم».

«کراش یاب خوارزمی، - ۱۸,۰۲,۰۵,۳۷:۲۳ -

اینهمه کراش مکروش داریم

قوی باشید برید تو چشاش زل بزنین بگین میخامت^[2]

#دختره_بھاری

زمین_شناسی

@khucrushfinder

ادمین: کار سخته».

گسترش مصرف ماری جوانا

دولت کانادا در اکتبر ۲۰۱۸ قانونی تصویب کرد که بر مبنای آن مصرف ماری جوانا آزاد اعلان شد. با آزاد شدن مصرف ماری جوانا که طبق برخی از شواهد، دارای برخی از فواید زیستی نظیر کاهش اضطراب و افسردگی و ضد سرطان بودن هست، مردم زیادی از کانادا از این مسأله استقبال کردند و جلوی فروشگاه‌های فروش ماری جوانا صف کشیدند. انعکاس رخداد اخیر در ایران به این شکل بود که برخی از دانشجویان به استناد فوایدی که بر مبنای آن مصرف ماری جوانا در کانادا آزاد اعلان گردید، به استقبال آن رفته، مصرف آن را در دستور کار خود قرار دادند، مصاحبه زیر، قسمتی از گفت‌وگوی یکی از دانشجویان نگارنده، با جمعی از مصرف کنندگان ماری جوانا است (لازم به ذکر است که به دلیل گران بودن نسبی ماری جوانا، دانشجویان دنگی پول روی هم می‌گذارند و به تهیه و مصرف مشترک آن می‌پردازند).

«حمید: گل (ماری جوانا) که می‌کشی مغزت خالی می‌شه. دیگه به چیزی فکر نمی‌کنی.

- به چیزی فکر نمی‌کنی؟

به بدبختی و این گ... ی که توش زندگی می‌کنیم. به آینده‌ای که نداریم.

- فکر نمی‌کردم دخترا هم گل‌باز باشن!

مریم: مگه ما املیم؟ گل آدمو سر حال می‌کنه. اشتها رو هم می‌بره بالا. ضررم نداره. ضد سرطان هم هست. وقتی گل کلی

حال می‌ده، ما هم می‌کشیم. نمی‌شه همه چی واسه شما پسرا باشه که!

امیر: داداش از دنیا عقبی‌ها.

حمید: کانادا آزادش کرده، اون وقت این آخوندا حلامش کردن! تازه حرامم نه حلام! (اشاره به بیان آیت الله مکارم شیرازی) بیا یه عکس بهت نشون بدم ببینی، توی کانادا صف کشیدن واسه گل خریدن.

مریم: اگه ماری جوانا بد بود، کانادا آزادش نمی کرد، می کرد؟ اونا بیشتر نگران مردم شون هستن یا این آخوندا که با دیدن قوزک پای دختر ۳ ساله تحریک می شن؟ حالم از شون بهم می خوره!

امیر: ببین داداش بیا یه پک بزن، ببین خوشت میاد یا نه؟ اگه ضرر داشت که این همه آدم نمی کشیدن. گل بزن تا از دنیا گل نخوری.

- یعنی شما چون کانادا آزادش کرده، دارید می کشید؟

مریم: من اوایل می ترسیدم بکشم. اما دیدم توی کانادا آزاد شده، گفتم پس چرا نکشم؟

امیر: من دو سالی می شه که می کشم از قبل کانادا و این حرفا، اما یه کمی عذاب وجدان داشتم که دارم گل می کشم، اما اون صفی که ایستادن واسه گل خریدن رو وقتی دیدم، دیگه خیالم راحت شد.

- نمی ترسی کسی بفهمه؟ مخصوصاً شما دخترا؟

الهه: مگه داریم زنا می کنیم؟ حمید این دوستت مشکوک می زنه!

مریم: ببین الان گل مٹ مشروب. کشیدنش کلاس داره. کسی نمی گه چرا گل می کشی. می گن چرا نمی کشی؟

- می تونم یه سوال پرسم؟ کسی رو می شناسید که با شنیدن این خبر، کلاً شروع به کشیدن کنه؟

مریم: خواهرم وقتی شنید وسوسه شد که بکشه. یکی دو بارم کشید. اما دیگه نکشید.

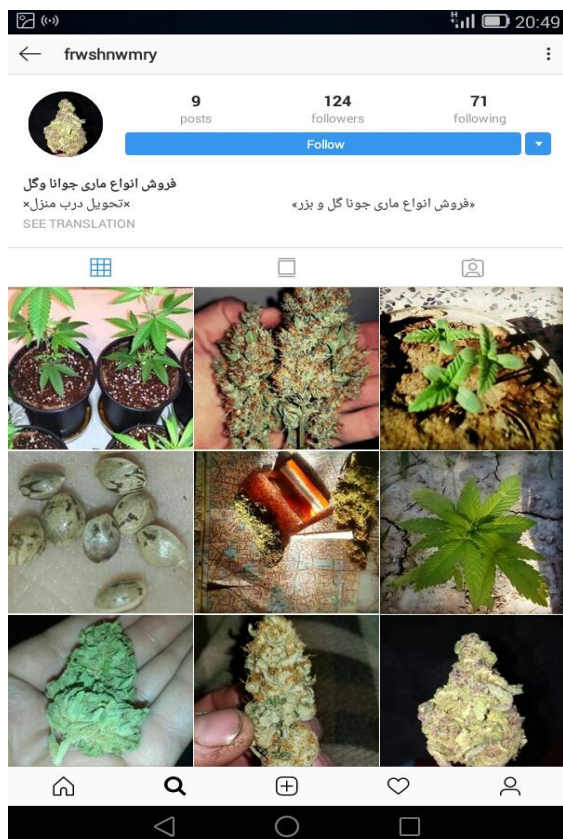
امیر: من خودم یکی دو نفر رو می شناسم که اونا واسه همین شروع به کشیدن کردن. من بهشون گفتم یعنی کلاً چشمتون به دهن خارجی هاست؟ این همه من می گفتم خوبه بکشید نمی کشیدن!

حمید: الان اگه نخوای عقب باشی، باید گل بکشی. وقتی کانادایی ها می کشن، ما هم می کشیم».

تصاویر زیر شامل نمونه هایی از استندهای دانشجویان مصاحبه شونده هستند:







کاهش سن مصرف مواد مخدر

سن مصرف مواد مخدر در ایران کاهش قابل توجهی را نشان می دهد:

کاهش سن مصرف مواد مخدر به 11 سال



یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به کاهش سن مصرف مواد مخدر به ۱۱ سال از نبود آموزش های پیشگیرانه در مدارس انتقاد کرد.

حسن لطفی در گفت و گو با «خانه ملت» نسبت به کاهش سن مصرف مواد مخدر به ۱۱ سال و افزایش تمایل دانش آموزان به مصرف هشدار داد و گفت: متأسفانه تاکنون راهکارهای مسئولان برای جلوگیری از گرایش نوجوانان و جوانان به سمت مصرف مواد مخدر کارآمد نبوده و کاهش سن مصرف مواد مخدر نیز نشانه عدم موفقیت سیاست های مبارزه با مواد مخدر است.

نماینده مردم رزن در مجلس شورای اسلامی با یادآوری افزایش میل به مصرف مواد دخانی و مخدر در میان دانش آموزان افزود: متأسفانه ارائه آموزش های پیشگیرانه در تمامی مقاطع تحصیلی به دانش آموزان که می تواند عاملی موثر در پیشگیری از گرایش دانش آموزان به سمت مصرف مواد مخدر باشد، مغفول مانده است.

گذشته از مصرف مواد مخدر برای لذت و فراموشی تلخ‌کامی‌هایی که فرد را در بر گرفته است، یکی از دیگر عوامل افزایش مصرف مواد مخدر در دانشجویان، مصرف مواد مزبور برای ارتقای عملکرد حافظه در ایام امتحانات دانشجویان است. به گزارش معاون کل وزارت بهداشت (سایت خبری تحلیلی عصر ایران ۱۳۹۷/۳/۱۱)، مصرف قرص ریتالین در ایام امتحانات دانشجویان ۵۰٪ افزایش می‌یابد.

وزارت بهداشت: رتبه پنجم مصرف «ریتالین» در دانشجویان ایرانی

ریتالین داروی محرکی از خانواده مواد آفتمانی و نام ژنریک این دارو متیل‌فنیدیت است. باید توجه کرد که ریتالین در درمان بیماری بیش‌فعالی و کم‌توجهی کودکان و نوجوانان بکار می‌رود و دارویی است که توسط نوجوانان و جوانان بویژه محصلین و دانشجویان در شب‌های امتحان و به‌طور عمده جهت بهبود تمرکز و کاهش خواب‌مورد استفاده قرار می‌گیرد.



معاون کل وزارت بهداشت با اشاره به عوارض مصرف خودسرانه ریتالین، گفت: مطالعات در داخل کشور نشان می‌دهد مصرف ریتالین در برخی دانشجویان بعد از الکل، مواد خانواده حشیش، تریاک و ترامادول رتبه پنجم را به خود اختصاص می‌دهد.

ایسنا نوشت: ایرج حریرچی با اشاره به افزایش مصرف قرص ریتالین در میان برخی دانش‌آموزان و دانشجویان با آغاز فصل امتحانات، گفت: ریتالین داروی محرکی از خانواده مواد آفتمانی و نام ژنریک این دارو متیل‌فنیدیت است. باید توجه کرد که ریتالین در درمان بیماری بیش‌فعالی و کم‌توجهی کودکان و نوجوانان بکار می‌رود و دارویی است که توسط نوجوانان و جوانان بویژه محصلین و دانشجویان در شب‌های امتحان و به‌طور عمده جهت بهبود تمرکز و کاهش خواب‌مورد استفاده قرار می‌گیرد.

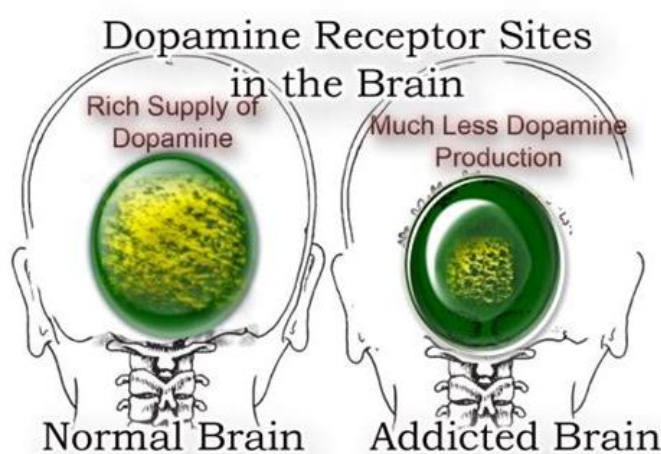
وی با بیان اینکه گزارشاتی وجود دارد که نشان می‌دهد، فروش این دارو در زمان برگزاری امتحانات تا ۵۰ درصد افزایش می‌یابد، افزود: یکی از علل شیوع قابل توجه مصرف این دارو عدم اطلاع از عوارض جانبی

اعتیاد به فناوری‌ها

در گذشته اعتیاد تنها به وابستگی دارویی، مانند وابستگی به الکل و داروهای روان‌گردان، اطلاق می‌شد، اما بررسی‌های بعدی نشان داد که برخی از رفتارها، به دلیل تکرار شونده‌گی و سواس گونه‌ای که می‌یابند، از الگوی مشابه وابستگی دارویی، تبعیت می‌کنند. از این رو، به تدریج اعتیاد رفتاری به معنای اعتیاد به رفتارهایی مانند: قمار، خرید کردن، تماشای تلویزیون، ورزش کردن، کارکردن و برخی از موارد مشابه، به شکلی هم‌عرض اعتیاد به مواد، مطرح گردید.



بررسی‌های انجام شده، دلالت بر آن دارد که زیربنای فیزیولوژیک یک‌سانی، بین اعتیادهای دارویی و اعتیادهای رفتاری وجود دارد. به این معنا که در اعتیاد به مواد، با مصرف ماده الکلی یا روان‌گردان، میزان ترشحات دوپامین^۱ و نوراپی‌نفرین^۲ در مغز فزونی می‌گیرد. افزایش ترشح هورمون‌های پیش‌گفته، به احساس لذت در موجود می‌انجامد. به شکل مشابهی تکرار رفتارهایی همچون قماربازی، ورزش، اعمال جنسی، خرید، غرق شدن در فناوری‌ها، اسباب ترشح دوپامین و نوراپی‌نفرین را در مغز فراهم می‌آورد. بنابراین لذت‌طلبی انسان‌ها، سبب می‌شود، آن‌ها بیش از پیش، به سوی رفتارهای اخیر رو بیاورند. اما در ادامه، همان محرک‌های پیشین، همان میزان از ترشح دوپامین را در پی ندارند، از این رو کاربران فناوری‌ها مجبور می‌شوند برای کسب لذت پیشین بر میزان کاربری خود از فناوری بیفزایند و این همان چرخه‌ای است که در اعتیاد به مواد مخدر ملاحظه می‌گردد. تصویر زیر ترشح کمتر دوپامین در افراد وابسته به فناوری‌ها را نشان می‌دهد:



مختاری (۱۳۹۶/۹/۱۹) در مقاله اینترنتی «تغییر شیمیایی در مغز با اعتیاد به گوشی هوشمند» گزارش می‌دهد:

«دانشمندان دریافته‌اند که اعتیاد به گوشی هوشمند و اینترنت، باعث تغییر شیمیایی در مغز می‌شود.

یک مطالعه ارایه شده در نشست ۲۰۱۷ انجمن رادیولوژی آمریکای شمالی نشان داد، جوانانی که معتاد به استفاده از گوشی هوشمند خود هستند، نوعی عدم تعادل در مغز خود نشان می‌دهند.

این مطالعه توسط گروهی از محققان دانشگاه ستول کرهی جنوبی به رهبری پروفسور هونگ سوک سئو، بخش نورورادیولوژی انجام شده است. آن‌ها طیف‌سنجی رزونانس مغناطیسی (MRS) را به منظور بررسی ترکیب شیمیایی نوجوانانی استفاده کردند که اعتیاد آن‌ها به اینترنت و گوشی هوشمند تشخیص داده شده بود.

اگرچه در آغاز، انتخاب فرد در زمینه انجام رفتاری مانند سروکار داشتن با فناوری‌های ارتباطی جدید، کاملاً ملحوظ است، اما به دلیل ترشح‌های هورمونی مغز، احساس مطلوبی در مغز پدید می‌آید که فرد آن را به عنوان یک احساس خوب و لذت-بخش تجربه می‌کند، بنابراین لذت حاصل، وی را وادار می‌دارد که به تکرار آن رفتار، دست بزند و بدین ترتیب رفته رفته، فرد به جای دست زدن به انتخاب‌های آزادانه پیشین خود، به چرخه استفاده از الگوهای تکانشی وارد شده، از عکس‌العمل‌های ارادی

^۱ -Dopamine

^۲ -Norepinephrine

خویش دور می‌گردد. به این ترتیب می‌توان بیان داشت، مغز فرد معتاد، وی را مجبور می‌سازد تا به تکرار رفتار مورد نظر دست بزند (منطقی، ۱۳۸۶).



نگارنده در موارد متعددی شاهد آن بوده است که وقتی برای استراحت چند دقیقه به دانشجویان وقت می‌دهد، اکثریت قریب به اتفاق آنان با بیرون آوردن گوشی‌هایشان سرگرم آن می‌گردند. به همین ترتیب برخی از دانشجویان برای کاربری از فناوری‌ها، برای آن بیشتر از وقتی که برای درس خواند خود صرف می‌کنند، وقت می‌گذارند.

مخدر دیجیتال

مخدرهای دیجیتال یا مخدرهای شنیداری به معنای استفاده از موسیقی‌ای است که از ضربان‌های دوگوشی، ضربان‌های تک شدتی یا ضربان‌های تک آوایی استفاده می‌کند تا اثری مانند اثرات مخدرهای معروف مثل ماری‌جوانا، کوکائین، اکستازی یا سیلدنافیل بگذارد. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که دو صدا یا موج صوتی به صورت هم‌زمان و فقط با اندکی تفاوت در فرکانس‌هایشان تولید و پخش شوند. بدون داشتن هدفون، اندک اختلاف میان فرکانس‌های دو موج توسط شنونده، یک موجی که به تدریج در حال ضعیف شدن است، تصور می‌شود، ولی با داشتن هدفون شنونده هر یک از امواج را به صورت واضح و جداگانه در هر یک از گوش‌های خود می‌شنود و به محض این که مغز انسان هر یک از فرکانس‌های صوتی را تحلیل کرد، متوجه تفاوت این فرکانس‌ها می‌شود، ولی برای شخص شنونده این تفاوت مانند یک ریتم خاص آهنگ، درون ذهنش است. مغز انسان این ریتم آهنگ‌گون را به صورت پالس‌های الکتریکی جهت تحلیل درمی‌آورد.

یکی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی نگارنده در پژوهشی که در همین ارتباط داشت، می‌نویسد:

«هدف کلی مواد مخدر دیجیتالی این است که پالس‌های الکتریکی تولیدی در مغز انسان را کنترل کند و این پالس‌های الکتریکی را با پالس‌های الکتریکی محرک مغز یکی سازد تا درواقع بتوان از طریق امواج صوتی، تأثیری همانند تأثیر مواد مخدر واقعی درون مغز تولید کرد. به این هماهنگ‌سازی بین پالس‌های تولیدی در مغز انسان و متعاقب آن پدیدار شدن تأثیرات مخدرگون در بدن، پاسخ پیروفرکانسی می‌گویند.

آهنگ‌هایی اخیر گذشته از اعتیادآور بودن، دارای برخی از اثرات روان‌شناختی هم هستند.

ما هر روز در اطرافمان نوجوانانی و جوانانی را می‌بینیم که هدفون به گوش مشغول گوش دادن به موسیقی هستند، حتی با نگاهی اجمالی به سایت‌های معروفی مثل دیجی کالا، تهران ملودی، بامیلو، ایران هدفون و دیگر سایت‌ها متوجه انواع و اقسام هدفون‌ها با رنگ‌ها و شکل‌های مختلف می‌شویم که می‌تواند نشانه‌ای دال بر نقش مهم موسیقی در زندگی نوجوانان و جوانان امروزی باشد. هم چنین با ظهور سبک‌ها و نرم افزارهای جدید آهنگ‌سازی، صنعت موسیقی دستخوش دگرگونی‌های عظیمی شده که از جنبه‌های مختلفی از جمله تأثیرات روان‌شناختی این سبک‌های جدید، قابل بررسی است.

یکی از جنبه‌های مهم و قابل بررسی این آهنگ‌های جدید موسوم به مخدرهای دیجیتال، ایجاد احساس خشم و اضطراب در شنونده است. من برای آشنایی با محتوای این آهنگ‌ها، یکی از آن‌ها را در لپ تاپم اجرا کردم، چیزی نگذشت که احساس تشویش و عصبی بودن کردم و آهنگ را قطع کردم و همین تجربه باعث شد بیشتر مطمئن شوم که بایستی اثرات روان‌شناختی این مخدرهای دیجیتال را بررسی کرد و صرف رد شدن اعتیادآور بودن آن‌ها از سوی برخی از کارشناسان، نمی‌توان پژوهش درباره آن‌ها را کنار گذاشت. من در حین جست‌وجوی بیشتر درباره مخدرهای دیجیتال، تجربیات و خاطرات شنونده‌های این آهنگ‌ها را بررسی کردم. در یکی از این خاطرات، شنونده به خاطر کنجکاوی آهنگ دروازه جهنم^۱ را دانلود کرده و در همان شرایط گفته شده، چراغ خاموش-گوش دادن به وسیله هدفون-دراز کشیدن به بالا، آهنگ را اجرا کرده بود و تجربه لحظه به لحظه خودش را در این خاطره ثبت کرده بود. نکته‌ای که نظر من را جلب کرد این بود که شنونده همان احساس من را داشت، عصبی بودن و نگرانی. بخش انتهایی این خاطره به قرار زیر است:

تجربه ای که نمی‌خواهم تکرار شود

حالا و بعد از 16 ساعت از این تجربه من از لحاظ جسمی حالم خوب است و همه رنگ‌ها طبیعی است اما از لحاظ ذهنی هنوز احساس می‌کنم کمی عصبی و نگران هستم. متوجه شدم این یک داروی تفریحی نیست و انگار برای مدتی احساس نبودن می‌کنید و هیچ وقت نمی‌توانید آن را فراموش کنید. الان هیچ چیز تغییر نکرده است، تنها چیزی که عوض شده این است که من دیگر چنین صدمه ای به خودم نمی‌زنم.

^۱ Gate of Hades شنندگان این آهنگ ادعا می‌کنند، این ترسناک‌ترین تجربه آنان در زندگی بوده است، تجربه اخیر چیزی شبیه به خارج شدن روح از بدن و توام با توهم بینایی و شنوایی قوی هست.

این آهنگ‌ها به راحتی در سایت های مختلف ایرانی و خارجی قابل دانلود است و حتی نیاز به فیلترشکن هم ندارد. با توجه به تعداد بازدید کنندگان می توان فهمید که طرفداران زیادی هم دارند».



شرایط استفاده رو که می دونید : اتاق تاریک یا چشم بند . هدفون های بزرگ ضد نویز . درجه صدای تقریباً بالا. درازکشیده رو به بالا .



مخدر صوتی توهم زا با امواج آلفا ۴۲۰ هرتز شرایط استفاده برای تاثیر گذاری : ۱-چشم بند استفاده کنید ۲-هدفون بزرگ ضد نویز استفاده کنید تا از ورود صداهای اطراف به گوش شما جلوگیری کنه ۳-با صدای نسبتن بلند گوش کنید .



DIGITAL DRUGS - Binaural beats -

WARNING High Intensity

1.4M views



7.1K



1.5K



Share



Download



Save



Binaural Beats PRO

32K subscribers

SUBSCRIBE

کاهش سن مصرف الکل

همشهری آن لاین (۱۳۹۶/۶/۵) از مصرف ۱۸ درصدی الکل توسط نوجوانان و جوانان کشور گزارش می دهد:

آمار مصرف الکل در میان جوانان کشور

همشهری آنلاین: دکتر مصطفی حمدیه، متخصص اعصاب و روان با بیان، مصرف الکل میان ۱۸ درصد از جوانان و نوجوانان کشور گفت ۴ درصد این افراد معتاد به الکل هستند.



به گزارش ایسنا، وی با اشاره به نتایج یک تحقیق با موضوع مصرف موادمخدر و الکل در بین جوانان گفت: این تحقیق در میان ۸۰۰۰ دختر و پسر تهرانی در رده سنی ۱۵ تا ۳۵ سال تهرانی صورت گرفت و پرسشنامه‌ها نیز در اماکن مختلف همچون ورزشگاه‌ها، دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها دانشجویی که جمعیت آماری حضور داشتند به صورت تصادفی توزیع شد و آنان به سوالات پاسخ دادند.

این متخصص اعصاب و روان کشور بیان کرد: نتایج تحقیق بسیار نگران کننده بود مثلاً مصرف الکل در بین جوانان و نوجوانان ۱۸ درصد بود و ۴ درصد آنان به الکل وابستگی داشتند، همچنین میزان مصرف سیگار، حشیش و مواد محرک مخدر در بین آنان دارای درصد بالایی بود.

افزایش پرخاشگری درونی

دکتر مصطفی معین، رییس کرسی یونسکو در ایران، طی مصاحبه‌ای در زمینه افزایش اختلال‌های روانی و مشکلات جسمانی افراد در جامعه گزارش می‌دهد:

«... افزایش فقر، رشد نابرابری‌ها و تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی که با روند جهانی شدن اقتصاد در کل دنیا افزایش یافته، گسترش شهرنشینی و اختلال در پیوندهای سنتی و خانوادگی به عنوان عوامل جهانی شیوع اختلالات روانی شناخته شده‌اند. همچنین ضعف یا تضعیف نهادهای مدنی، کاهش سرمایه اجتماعی، تبعیض‌های جنسیتی، قومیتی و گسترش خشونت و بی‌اعتمادی به عنوان عوامل گسترش این قبیل بیماری‌ها به ویژه در کشورهای در حال توسعه شناخته شده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد، رابطه مستقیمی بین بیماری‌ها و مسایل و مشکلات اجتماعی با نابرابری یا تبعیض وجود دارد. برای مثال، نابرابری درآمدی در سطوح مختلف یک جامعه، آسیب‌پذیری آن جامعه را افزایش می‌دهد. در کشورهایی مانند ژاپن یا کشورهای اسکاندیناوی که نابرابری کمتر و عدالت اجتماعی بیشتری وجود دارد، آسیب‌های اجتماعی نیز کمتر است.

همچنین بین سرمایه اجتماعی با میزان سلامت جامعه یا آسیب‌های اجتماعی نیز رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. در کشورهای که ساختار اجتماعی عادلانه‌تری وجود دارد و تبعیض کمتر است، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی نیز بیشتر است. در کشورهایی مثل سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند، ژاپن و آلمان، سرمایه اجتماعی بالاتر است و در معرض آسیب‌های اجتماعی کمتری نیز قرار دارند. پس با وجود این عوامل می‌توانیم بفهمیم که چرا بیماری‌های مزمن‌گیر و به‌ویژه اختلالات روانی در سطح جهانی و در کشور ما رو به افزایش گذاشته است» (شرق، ۱۳۹۲/۱۲/۸).

از آنجا که جوانان از سویی کمتر از اقشار بزرگ‌سال به تثبیت موقعیت اقتصادی و اجتماعی خویش رسیده‌اند و از سوی دیگر از سطح تحصیلات بیشتری نسبت به اقشار بزرگ‌سال جامعه برخوردار هستند، در مواجهه با رکود اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، بیشتر از بزرگ‌سالان در معرض آسیب دیدگی هستند.

برخی از شواهد موجود، به تأیید آسیب‌های بیشتر قشر جوان می‌پردازند. به عنوان مثال، ابهری در گزارش پژوهشی خویش خاطرنشان می‌سازد که میزان طلاق عاطفی افراد تحصیل کرده، سه برابر دیگر افراد جامعه است. ایسنا (۱۳۹۴/۳/۶) در همین رابطه خاطرنشان می‌سازد:

«طلاق عاطفی به سردی رابطه میان زن و شوهر گفته می‌شود که در این رابطه، ضعف ارتباط عاطفی زن و شوهر منجر به سردی تمامی روابطی که یک زوج می‌توانند با هم داشته باشند، مانند رابطه روحی، جسمی، عاطفی و حتی گفتاری می‌گردد. وجود این مشکل در یک رابطه، باعث بی‌مهری و کم شدن انرژی مثبت در خانواده می‌شود. زوجها در بیگانگی دنیای یکدیگر گم شده‌اند و فقط برای هم حکم یک هم‌خانه که به هم عادت کرده‌اند را دارند. درک نکردن صحیح از رفتار و گفتار یکدیگر، نداشتن شناخت کافی از روحیات طرف مقابل و عاقبت بی‌علاقگی و سردی نسبت به شریک زندگی خود همه و همه دست به دست هم می‌دهد تا یک طلاق عاطفی را در زندگی زوجها به وجود آورد.

دکتر مجید ابهری، در همین راستا در گفت‌وگو با ایسنا، با تأکید بر این که طلاق عاطفی در بین تحصیل کرده‌ها سه برابر خانواده‌های عادی است، گفت: جدایی عاطفی میان زن و شوهر به شکل زندگی در یک خانه بدون هیچ ارتباطی به غیر از مکالمات ضروری، طلاق عاطفی نامیده می‌شود.

این متخصص علوم رفتاری تصریح کرد: در این نوع از جدایی تنها مسایل فرهنگی یا خانوادگی، وجود فرزندان و شرایط اجتماعی مانع طلاق می‌شود و زوجین به اجبار در کنار هم زندگی می‌کنند و یکی از عوارض این نوع زندگی ایجاد روابط فراخانوادگی و فرازنشویی است.

وی یادآور شد: ۷۰ درصد از موارد طلاق عاطفی به صورت روابط فراخانوادگی و فرازنشویی ادامه می‌یابد که خطر جدی برای پاکی خانواده و صداقت اجتماعی دارد و ۳۰ درصد از موارد به جدایی و طلاق تن می‌دهند».

تهدید بهداشت روانی کاربران فضای مجازی

مقوله فضای مجازی در محیط ایران با بدفهمی مواجه شده و برخی از مسوولانی که ایدئولوژیک می‌اندیشند، به صرف وجود برخی از ابعاد منفی در فضای مجازی، دست به نفی نسبی آن زده‌اند، حال آن که نمی‌توان علم را در زندان اسیر کرد و تمهیدات

مسوولان دال بر فیلترینگ فضای مجازی چندان وافی به مقصود نیست و باید در این میان طبق قاعده فقهی دفع افسد به فاسد، با بسترسازی فرهنگی لازم، کاربری از فضای مجازی را به سمت و سوی کاربری مثبت سوق داد.

عاملی و حسنی (۱۳۹۱)، با اشاره به اقدام‌های سلبی و ایجابی کشور در مواجهه با فضای مجازی می‌نویسند:

«در بخش مطالعات سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران در برابر آسیب‌های فضای مجازی، می‌توان از دو دسته سیاست‌ها و برنامه‌های ایجابی و سیاست‌های سلبی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی کشور در قبال آسیب‌ها نام برد. سیاست‌های سلبی را می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌هایی معطوف به حذف، کنترل و نظارت دانست و سیاست‌های ایجابی فرهنگی و اجتماعی جوامع را برنامه‌ها و سیاست‌هایی معطوف به تولید محتوا، مدیریت محتوا، برنامه دیجیتال سازی اطلاعات آنالوگ و دسترس پذیر ساختن اطلاعات و محتوا در شبکه اینترنت دانست ...»

اقدام‌های انجام گرفته در ایران در ارتباط با فضای مجازی عمدتاً اقدام‌هایی سلبی - تقابلی و بازدارنده بوده است. از جمله این موارد می‌توان به راه‌اندازی پلیس فتا (پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات) اشاره کرد که هدف آن مبارزه با جرایم رایانه‌ای است. به علاوه می‌توان از مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع رسانه رایانه‌ای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۰ یاد کرد که طی آن واحدهای ارایه‌کننده خدمات اینترنتی و اطلاع‌رسانی صرفاً از فعالیت و اعمال متعددی شامل نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی، انتشار اسناد و مطالب طبقه‌بندی شده، تجاوز به حریم خصوصی اشخاص و همانند آن‌ها منع شده‌اند. اما شاید بتوان مهم‌ترین اقدام صورت گرفته برای تدوین قوانین برای تنظیم روابط و تعاملات فضای مجازی ایران را قانون جرایم رایانه‌ای دانست که در سال ۱۳۸۸ به تصویب نهایی رسیده و ابلاغ شده است. این قانون شامل سه بخش و ۵۶ ماده است. بخش یک شامل جرایم و مجازات‌ها، بخش دوم آیین دادرسی و بخش سوم به سایر مقررات اختصاص دارد. در فصل‌های مختلف این قانون به جرایمی همانند دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز و جاسوسی رایانه‌ای، جعل رایانه‌ای و تخریب و اخلاف در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و هتک حیثیت و نشر اکاذیب پرداخته شده است.»

اشتباه بزرگ مسوولان فرهنگی - اجتماعی جامعه سبب شده است که با فرصت سوزی، امکان بسترسازی فرهنگی در جهت کاربری بهینه از فضای مجازی از دست برود و نوجوانان و جوانانی که از سویی به دلیل محدودیت‌های تفریحی، فراغتی و از سوی دیگر به سبب مقاومت فرهنگی متوجه فضای مجازی گردیده‌اند، بدون تدابیر امنیتی لازم با فضای مجازی برخورد کنند که در غالب موارد از این فضا آسیب می‌بینند.

۳- آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی

در ابعاد اجتماعی-فرهنگی، آسیب‌های متنوعی در سطح نوجوانان و جوانان جامعه ملاحظه می‌گردد. عناوین برخی از این موارد به قرار زیر است:

کم رنگ شدن فرهنگ ملی، به تمسخر گرفتن فرهنگ ملی، به تمسخر گرفتن جنس مخالف و موافق، اعتقاد به گسست نسلی، پناه بردن به فضای مجازی، افسردگی اجتماعی، بریدگی از هویت تاریخی، هویت زودبسته‌شده، هویت سردرگم، شکل‌گیری

هویت شبکه‌ای، تحقق هویت اشتراکی، ایجاد هویت کاذب، شکل‌گیری هویت پنهان، شکل‌گیری هویت دوباره شده، هویت فرهنگی معارض، تحقق هویت سرمست یا ژن خوب، استقبال از فرهنگ جهانی، جابه‌جایی مراجع ارزشی جوانان، دفاع از فرهنگ لذت‌مدار، تحول روابط دختر و پسر، تخریب فرهنگی، تحول‌های ارزشی جامعه زنان -مسأله مالکیت بدن، استقبال از ورزش‌های رزمی، خشن شدن بزهکاری زنان، اخذ ارزش‌ها از جهان مدرن-، بحران الگوگیری نوجوانان و جوانان، الگوگیری از هنرپیشه‌های روز غرب، الگوگیری از شاخ‌های اینستاگرامی، استقبال از لمپنیسم اجتماعی، کنار نهادن رودربایستی‌ها، کم رنگ شدن شرم و حیا و عفاف، سوق یافتن به سمت ابتذال شخصیتی، رکیک شدن نسبی محاوره دانشجویان، پرخاشگری الکترونیکی، استقبال از ادبیات هرزه‌نگار، استقبال از سرگرمی‌های غیرمتعارف، هیجان‌جویی مرضی، قرار گرفتن در گرداب لایک، به نمایش نهادن خود در مسابقات مدلینگ، خرید و فروش لایک، هک کردن اطلاعات دیگران، تقلب، خرید و فروش تحقیق، پایان نامه و مقاله؛ دور زدن موانع اجتماعی.

نگارنده به همراه دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری خویش در بررسی آسیب‌های اجتماعی- فرهنگی نوجوانان و جوانان، به بازشناسی غالب آسیب‌های پیش‌گفته در دانشجویان رسیده است. توضیح اجمالی هر یک از آسیب‌های اجتماعی- فرهنگی قابل مشاهده در سطح دانشجویان به قرار زیر است.

کم رنگ شدن فرهنگ ملی

فرهنگ ایرانی فرهنگی آمیخته با ابعاد دینی و ابعاد ملی است، اما متأسفانه از آغاز انقلاب در پردازش فرهنگ ایرانی، ابعاد دینی به شکل پررنگی مورد توجه قرار گرفت و در برابر ابعاد ملی فرهنگی این کشور، مورد بی‌توجهی عامدانه قرار گرفت، به عنوان مثال، انبوهی از سنت‌های اسلامی نظیر جمع شیرخوارگان حسینی و مانند آن در سطح جامعه مطرح شد، حال آن که موارد مشابه از فرهنگی ملی نظیر روز مهرورزی، جشن آبریزگان و مانند آن، امکانی برای طرح نیافتند. از سوی دیگر ضعف عمومی مسوولان فرهنگی جامعه در پردازش اسلامی متعادل به انجام نرسید و با وجود تأکید اولیای دین در این که در حزن ما محزون و در شادی ما شاد باشید، این مهم محقق نشد و جوانان در برخورد با اسلامی که دایم به حزن دعوت می‌کرد، رو به گزینه‌های دیگری آوردند که استقبال از مراسم شاد و پر هیجان خارجی نظیر جشن ولنتاین، از مصادیق مهم این اقدام است که در عمل به کم رنگ شدن و تضعیف فرهنگی ملی می‌انجامد.

جشن والتاین

رویدادی محلی که جشنی جهانی شد

شماره ۱۳۸۶

ghadarkhan@sharhnewsapp.com

تکستان گرهامی بر آیین پیام عشقی خود را همزمان با روز ولنتاین در روز ۱۴ فروردین سال ۱۳۸۶ اعلام کرد. پس جشن روز ولنتاین به چه مناسبتی منتهی خواهد شد؟ به آنجا که مثلاً بهانه محبت می‌گردد یا آنجا که در جستجوی تعریف ساده دوستی هستند؟ کدام آنجا که این روز را جشن می‌گیرند عقیده دارند این روز به دخترها و پسرهای جوان عشق دارد. عده‌ای هم معتقدند ولنتاین مناسبتی به تعریف عشق است که در روزهای دیگر نمی‌تواند تعریف شود. ولنتاین در اصل یک روز برای بزرگداشت عشق است. در این روز با دادن یک هدیه شاد، حرف فر و خنده‌ها، عشق‌ها را یک سال دوران بمان می‌کنند. جشن روز ۱۴ فروردین ۱۳۸۶ هم فرصتی برای ابراز احساسات و علاقه به دیگری است. شاید ولنتاین فقط یک بهانه است. عینا برای هر جشنی که جستجوی یک حرف چندین ساله باشد هم برای هر نفری که در روزهای ولنتاین به کسی هدیه می‌دهد. اما چرا ولنتاین به جشن عشق نامیده می‌شود؟ در اصل ولنتاین نامی است که به خاطر بار عاطفی و احساسی خود داشته است. ولنتاین در اصل نامی است که به خاطر بار عاطفی و احساسی خود داشته است. ولنتاین در اصل نامی است که به خاطر بار عاطفی و احساسی خود داشته است.



به تمسخر گرفتن فرهنگ ملی

من تازه فهمیدم چرا حافظ و سعدی عاشق خدا میشدن



با بررسی خط‌مشی‌های فرهنگی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی جامعه مشخص می‌شود که مسوولان ارشد نظام با تأیید کلی خط‌مشی‌های اخیر در داخل، دست به نفی کلی خط‌مشی‌های فرهنگی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی غرب می‌زنند. در حالی که نه خط‌مشی‌های اخیر مسوولان در داخل بدون عیب و ایراد است و نه تجربیات بشری غرب به تمامه بد و قابل نفی هستند. افراط و تفریط اخیر در کنار احساس سرخوردگی‌های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی جامعه، کار را به جایی می‌رساند که برخی از دانشجویان با دست زدن به مسخره کردن فرهنگ خودی، در عمل می‌کوشند تا پرخاشگری درونی و سرکوفته خود را تخلیه کنند.

به تمسخر گرفتن جنس مخالف و موافق

اگر چه به تمسخر گرفتن یک جنس از سوی جنس دیگر، امر شایعی بوده است که از گذشته استمرار داشته است، اما بررسی‌های میدانی انجام شده گروه پژوهش دلالت بر آن دارد که جوک‌های جنسیتی علیه زنان، بعضاً توسط برخی از کاربران جنس مؤنث عیناً مورد استفاده قرار گرفته و اسباب خنده آنان را فراهم می‌آورد. نمونه‌ای از این دست جوک‌های جنسیتی ضد زن که توسط زنان جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، به قرار زیر است:

«مورد داشتیم دختره رفته تو صف نونوایی، شاطر بهش گفته کسی جلوتر از شما هست؟»

دختره گفته نه! من بچه اولم، ولی الآن می‌خوام درسو ادامه بدم!

می‌گن شاطره رو خودش کنجد پاشیده و پریده تو تنور!..»

«دختره رفته رأی بده.

تو قسمت اسم نامزد نوشته: ندارم.

انتخابات کنسل شد....»

یه پناالتی بهم برا استقلال گرفتن.»

«یه پسره برا نامزدش سشوار کادو می‌گیره. بهش می‌گه حدس بزن برات چی گرفتم؟؟!»

دختره می گه یه راهنمایی بکن!؟

پسره می گه یه وسیله آرایشی برقیه!

دختره می گه برق لبه!!!!

می گن پسره رفته تو غار، سرپرستی سه تا بچه خفاش یتیم رو به عهده گرفته».

«یکی مسیح زده: دیگه بهم اس نده، دارم شوهر می کنم.

گفتم باشه، ولی شما؟

می گه نسترنم، اینم شماره جدیدمه!».

مسئله به تمسخر گرفتن یک جنس توسط خودش، دلالت بر آن دارد که با وجود باز شدن بسیاری از عرصه های اجتماعی برای زنان جامعه و ظهور پررنگ آنان در دانشگاه ها و سازمان های مردم نهاد و خیریه، باز هم اقشاری از زنان هستند که دست دوم بودن جنس مؤنث را پذیرفته و حاضر به کنار نهادن این برداشت و تحریف تاریخی نیستند.

اعتقاد به گسست نسلی



افرادی که در مقطع زمانی خاصی به دنیا می آیند، تحت تأثیر حوادث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نسبتاً یکسانی قرار می گیرند، از این رو روان شناسی و جامعه شناسی نسل ها طی دهه های اخیر از اهمیت خاصی برخوردار شده است. در جامعه شناسی نسل ها، به طور معمول عمر هر نسل ۳۰ سال در نظر گرفته می شود، اما بسته به تحولات اجتماعی، مدت مزبور ممکن است به ۱۵ یا حتی ۱۰ سال تقلیل یابد.

اگر مسئله روان شناسی نسل ها در ایران مورد توجه قرار گیرد، می توان گفت که نسل اول انقلاب، با شرکت در انقلاب، تجربه مشترک و عمیقی به دست آوردند که روحیات خاصی را برای آن ها رقم می زد. نسل دوم انقلاب، نسلی بودند که اگرچه فاقد تجربه پدید آوردن انقلاب بودند، اما به سبب حضور در میادین جبهه و جنگ به شکل عمیقی با آرمان های انقلاب امتزاج یافتند. اگر نسل بعدی را متشکل از افرادی بدانیم که نه تنها تجربیات حماسی پرشور و احساسی شرکت در انقلاب و جنگ ۸ ساله را نداشته اند، بلکه با ویژگی های جدیدی همچون دهکده واحد جهانی، انفجار اطلاعاتی و مانند آن سروکار یافته اند، از

این رو به دلیل ملاحظات پیش گفته، روان‌شناسی (و جامعه‌شناسی) نسل جدید، با روان‌شناسی (و جامعه‌شناسی) نسل اول و دوم که از روحيات تقريباً مشابهی برخوردارند، متفاوت از یکدیگر است.

منطقی (۱۳۸۳ ب) در پژوهشی که با عنوان «روان‌شناسی نسل سوم انقلاب» در سطح قریب به ۲۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان سراسر ایران انجام داد، دید نسل جدید را در ارتباط با خودش و در ارتباط با نسل‌های پیشینش مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که اگرچه نسل جدید، نسل اول و دوم را انسان‌هایی مقید، باایمان، غیرتمند، شهادت-طلب، دوستدار وطن، سخت‌کوش، مقاوم، صبور، آرمان‌گرا، امیدوار به آینده، هدفمند، ساده زیست، عدالت‌خواه و علاقه‌مند به خانواده ترسیم می‌کند، اما در عین حال این نسل را با بهره‌هوشی کمتر تصویر کرده، معتقد است، نسلی سستی و دورمانده از جهان روز است، جزمیت‌گرا است، خود را به دست رهبران‌شان سپرده‌اند و مورد سوءاستفاده واقع شده‌اند، دل به شعارهای آرمان‌گرایانه خود بسته‌اند و تن به پذیرش واقعیت‌ها نمی‌دهند و با این اوضاع و احوال، در حقانیت خویش مصرند و نسل جدید را به علت تردیدی که در آرمان‌ها و اهداف آن‌ها دارد، زیر سوال برده، با تنگ نظری با آن‌ها برخورد می‌کند.

بررسی یافته‌های حاصل از توصیف نسل جدید توسط خودشان حکایت از آن دارد که این نسل خود را باهوش‌تر، نوآورتر و خلاق‌تر از نسل پیشین می‌داند، به سبب دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی و منابع اطلاعاتی لازم، شناخت دقیق‌تری از جهان حاضر دارد. نسل جدید با به چالش گرفتن آرمان‌گرایی‌های غیرواقع‌نگر نسل اول و دوم، از سویی واقع‌نگری و از سوی دیگر هنجارشکنی و هنجارآفرینی خویش را به منصفه ظهور می‌گذارد و می‌کوشد تا با اتکا به خلاقیت، نوآوری و هنجارآفرینی‌های جدیدش، در جهت پیشرفت جامعه‌اش گام بردارد. نسل جدید علاوه بر ویژگی‌های مثبت پیش گفته، خود را با مشکلات و موانع زیادی نیز روبرو می‌بیند. این نسل به سبب تقید دینی کمتری که دارد، از سوی نسل‌های پیشین با تردید نگریده می‌شود، مضاف بر این، نسل جدید اولاً به سبب قطع ارتباط نسبی با تاریخ فرهنگی ایران و ثانیاً به علت تیره دیدن آینده (به لحاظ عدم دست‌یابی به شغل مناسب، تأمین مسکن و تشکیل زندگی مشترک)، به نوعی احساس بی‌هویتی، سردرگمی، پریشانی، افسردگی و اضطراب خاطر را می‌کند.

نسل جدید با وجود هیجان‌جو بودن، شاد و پرانرژی بودن، به دلیل تربیت متفاوتی که با نسل پیشین خود دارد، در برابر مشکلات کمتر مقاوم است، این نسل با توجه به فروریزی آرمان‌شهر نسل اول و دوم و شکست اصلاحات، با دید نقادانه خویش، رویکرد دینی نسل پیشین را با رویکرد علمی و تجربه‌گرایی که در محیط‌های آموزشی خویش با آن‌ها روبرو است، عوض کرده، می‌کوشد تا به جای ظاهر شدن در نقش یک انسان انقلابی و عقیدتی، در نقش یک انسان عادی ظاهر شده، در جهت رفاه خود و جامعه‌اش گام بردارد. از این رو موج اتهام‌های نسل پیشین در قبال وی شدت گرفته، وی را به تحت تأثیر غرب بودن و بیگانه پرستی متهم می‌کنند.



گسست نسلی پدید آمده بین نسل‌های انقلاب و جنگ، ضرورت مطالعه و واکاوی عمیق گسست پدید آمده را الزامی می‌کند، اما اقدام خاصی در این جهت در سطح مسوولان جامعه مشاهده نمی‌گردد.

پناه بردن به فضای مجازی

منطقی (۱۳۸۳ ج) در کتاب «رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب» از پناه جستن اقشاری از جوانان به فضای مجازی یاد کرده است. وی در همین زمینه می‌نویسد:

«ارتباط با جهان مجازی برای جوان، گریزگاهی برای فرار از واقعیات به شمار می‌آید. زمانی که واقعیات تلخ اجتماعی (مانند مشکلات عدیده اقتصادی، بی‌کاری، مشکلات اجتماعی، سرخوردگی‌های سیاسی و مانند آن‌ها) عرصه را بر جوان تنگ می‌کنند، جوان برای فرار از این واقعیات ناخوشایند، پناه بردن به جهانی رؤیایی را پیشه خود می‌کند تا در پناه آن قدری آسوده، از فشار واقعیات آزار دهنده‌ای که در اطراف و اکناف خود می‌بیند، تا حدی بکاهد.

بررسی گذران فراغت نسل جدید بیانگر آن است که نسل حاضر با پناه بردن به فضای مجازی اینترنت، چت کردن، وب نوشت‌ها، سایت‌ها و کانال‌های نامناسب اینترنتی و ماهواره‌ای به نوعی درصدد گریز به فضاهای مجازی هست، همان‌گونه که مصرف قرص‌های اکستازی، سوءمصرف مواد، الکلیسم و مانند آن‌ها، در عمل امکان گریز جوانان به فضای مجازی را فراهم می‌آورند.

در بررسی استقبال بیش از حد جوانان نسل جدید از اینترنت و امکاناتی که این وسیله فناوری در اختیار آنان می‌گذارد، می‌توان بیان داشت، برخی از جوانان به صراحت در مصاحبه‌های خود یادآور می‌گردند که استقبال گسترده آن‌ها از فناوری‌های اطلاعاتی، به سبب سرخوردگی آن‌ها از جهان خارج و تلاش برای یافتن عرصه‌ای برای گریز و فراموش کردن واقعیات تلخ جامعه است. یکی از جوانان در این باره چنین توضیح می‌دهد:

زمانی که بزرگ‌ترها ما را در جامعه محدود می‌کنند، ما با پناه بردن به چت کردن و دنیایی که اینترنت به ما نشان می‌دهد، محدودیت‌ها و محرومیت‌های خودمان را کاهش می‌دهیم.

چت کردن، استفاده از سایت‌های نامناسب، تصاویر برهنه و تهیه و ارسال ویروس‌های رایانه‌ای برای دیگران، در صدر استفاده جوانان از امکانات پیشرفته ارتباطی قرار دارند.

یکی از دلایل مهم استقبال جوان‌ها از چت کردن، امنیت بالای آن است که با عوض کردن شناسه، فرد مورد نظر بدون گذاشتن کمترین ردپایی قادر به قطع ارتباط می‌شود.

دلیل دیگر استقبال از چت کردن، امکان عمل‌های وسیع آن است که جوانان با اتکا به این امکان در عمل موفق به دور زدن برخی از موانع اجتماعی موجود در اطراف و اکنافشان (نظیر چت تصویری که در جریان آن ممکن است طرفین در برابر دوربین رایانه دست به انجام خیلی از کارها بزنند) می‌شوند.

استفاده از سایت‌های برهنه مجانی و تصاویر برهنه و مستهجن، قسمت دیگری از استفاده جوانان از رایانه را تشکیل می‌دهد. نگارنده با بررسی سایت‌های مورد استفاده دانشجویان یکی از دانشگاه‌های کشور، متوجه شد که حجم قابل ملاحظه‌ای از اطلاعات دریافتی دانشجویان در سایت دانشگاه، اخذ اطلاعات از سایت‌های مبتذل و استفاده از تصاویر برهنه آن‌ها است.

```
GET http://www.big-heavy-tits.com/free-nude-sex-pictures-  
big-tits-celebs.gif - NONE/- image/gif  
http://hestia.sextrail.trakkerd.net/0/9005/1/4/1/32/480000/800/0/  
? - DIRECT/66.181.171.73-  
GET http://www.free-softcore-sex-pictures.com/ -  
DIRECT/64.255.11.23 text/html  
GET http://www.free-softcore-sex-  
pictures.com/addtofavorites.gif - DIRECT/64.255.11.23  
image/gif  
GET http://www.free-softcore-sex-pictures.com/free-softcore-  
sex-pictures.html - DIRECT/64.255.11.23 text/html  
GET http://banners.babylon-x.com/bansm1.gif -  
DIRECT/216.130.197.236 image/gif  
http://hestia.sextrail.trakkerd.net/0/9005/1/4/1/32/480000/800/0/  
? - DIRECT/66.181.171.73-  
GET http://www.hardcore-group-sex-  
photos.com/group_sex_pictures/ - DIRECT/209.217.135.177  
text/html  
http://www.hardcore-group-sex-photos.com/spacer.gif -  
DIRECT/209.217.135.177 image/gif  
GET group-sex-photos.com/group-sex_04.jpg -  
DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg  
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-  
sex_02.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg  
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-  
sex_03.gif - DIRECT/209.217.135.177 image/gif  
GET http://www.google.com/search? - DIRECT/216.239.37.101  
text/html  
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-  
sex_07.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg  
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-  
sex_05.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg  
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-  
sex_08.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg  
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-  
sex_09.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg  
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-  
sex_11.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg  
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-  
sex_10.gif - DIRECT/209.217.135.177 image/gif  
GET http://www.hardcore-group-sex-  
photos.com/group_sex_pictures/BFD3A5A1.jpg -  
DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg
```

[Home](#) | [Friends](#) | [Messages](#) | [Communities](#) | [Search](#) | [News](#) | [Help](#) | [Logout](#)

age	
18-25	58.5%
26-30	17.9%
31-35	7.14%
36-40	3.01%
41-50	2.4%
50+	1.08%
interested in	
friends	93.11%
activity partners	32.54%
business networking	34.83%
dating	17.96%
relationship status	
no answer	19.22%
single	54.74%
married	12.24%
committed	16.21%
open marriage	0.33%
open relationship	1.86%

country	
Brazil	62.91%
United States details	12.08%
Iran	7.31%
India	2.79%
Pakistan	2.48%
Estonia	1.37%
Canada	1.34%
United Kingdom	1.27%
Japan	1.16%
Germany	0.74%

the statistics are updated daily

in affiliation with Google

[About orkut](#) | [Privacy](#) | [Terms](#) | [Contact us](#)

افسردگی اجتماعی

منطقی (۱۳۸۳) در کتاب رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب، با طرح مفهوم «افسردگی اجتماعی»، به طرح نوعی از افسردگی دست زده است که برخلاف افسردگی در بعد فردیش که می‌تواند متأثر از ابعاد ژنتیک یا محیطی باشد،

صرفاً متأثر از ابعاد محیطی است و در نتیجه برخورد جوان با مشکلات، تضادها، تعارض‌ها و بن‌بست‌های حل نشده فرهنگی-اجتماعی و سیاسی-اقتصادی جامعه، عارض وی می‌گردد و به دلیل عمق تأثیر عوامل اجتماعی در این افسردگی، شایسته نام‌گذاری افسردگی اجتماعی به نظر می‌رسد. این پژوهشگر در توصیف علایم افسردگی اجتماعی می‌نویسد:

«در مورد ناامیدی و افسردگی در شکل فردی و بریده از مسایل اجتماعی، تاکنون بحث‌های بسیاری شده است و کتاب‌های مرجع مختلف روان‌شناسی و روان‌پزشکی در مورد علایم آن بحث‌های دقیقی را ارائه کرده‌اند. اما درباره افسردگی اجتماعی به عنوان واکنش یک قشر از جامعه، تا به حال بحثی به میان نیامده است. از ملاحظه شواهدی مانند: عدم تمایل جوان به ایفای نقش اجتماعی و سیاسی خودش، از دست دادن تحرک، نشاط و سرزندگی، عدم استقبال از مشارکت و فعالیت‌های سازنده اجتماعی، خودداری از ابراز انتقاد در تمامی حوزه‌های اجتماعی ذی‌نفع، رخوت و سستی در انجام کلیه امور حتی در تحصیل و کسب معاش، بی‌برنامگی و گذران اوقات به بطالت، بدبینی به آینده، نداشتن شور و انگیزه پیشرفت، ابداع و ابتکار، کنار نهادن خلاقیت‌ها، با دیده تردید نگرستن به نوآوری‌ها، احساس در جبر قرار داشتن، تیره و تار دیدن آینده، پناه بردن به فضاهای مجازی، احساس ناتوانی در برخورد با آینده مبهم، احساس ندامت و پشیمانی از به دنیا آمدن، احساس ناکامی از محدود شدن آزادی‌های سیاسی-اجتماعی، احساس تلخ‌کامی از تضاد طبقاتی شدید در جامعه، احساس ناتوانی مفرط از تأثیرگذاری در جریان‌های سیاسی-اجتماعی موجود، احساس به بازی گرفته نشدن، احساس خسران، از دست دادن نسبی اعتماد به نفس، سپردن خود به دست تقدیر، تقلیل گرایش‌های جمع‌گرا و فزونی گرفتن گرایش‌های فردگرایانه، عدم رغبت به انجام تفریحات سالم اجتماعی، عدم استقبال از شادی و نشاط، تمایل به خودسانسوری، دست زدن به اعتراض‌های منفعل (در لباس پوشیدن، ادبیات و مانند آن‌ها)، پوچ‌گرایی، غرب‌گرایی افراطی، تحقیر ملیت خویش، احساس بدبینی به تاریخ گذشته کشور و تحقیر دیگران، می‌توان به فرض افسردگی نسبی قشر جوان دست یافت. علاوه بر این نارضایتی شدید استادان دانشگاه و اولیای مدارس از فعالیت‌های علمی اندک جوانان، هشدار آنان نسبت به رخوت، سکون و سستی نسل جوان و بی‌تحرکی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی وی، نگرانی اولیا از عصیان و سرکشی فرزندان، بی‌انگیزه بودن آن‌ها، اندیشه‌های خودکشی، تمایل به مرگ جوانان، بی‌توجهی به ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی و همین‌طور ابراز شگفتی اولیای تربیتی جوانان در جامعه از فقدان شور، شوق و خودجوشی در جوانان، گرایش آنان به سمت الگوهای نامناسب، پیشی گرفتن آن‌ها از یکدیگر در پیروی از مسأله دارترین الگوهای ممکن، تجربه راه‌های غیر مشروع و بزه کارانه و پناه بردن به انحرافات، دلایل دیگری در جهت شکل‌گیری نسلی افسرده در سطح جوانان به شمار می‌آیند».

در مجموعه عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که به افسردگی اجتماعی جوانان می‌انجامد، عوامل اقتصادی و فرهنگی از نقش بارزی در شکل دادن به افسردگی اجتماعی برخوردارند. به عنوان نمونه، نگارنده نیک به یاد دارد که وقتی جوانی به وی می‌گفت، برای ما جوان‌ها خودکشی به مثابه عروسی است، وقتی بیانات وی را زیر سوال برد، جوان مورد نظر با استدلال در این که وی فراوی خودش با بن‌بست یافتن شغل مواجهه است، بیان می‌داشت، با اوضاع و احوال بی‌کاری، نبود امکان ازدواج و تشکیل خانواده از سویی و نگاه سنگین و ملالت بار پدر از سوی دیگر سبب شده‌اند که وی خودکشی را برای خودش به مثابه عروسی ببیند. به همین ترتیب دانشجوی دیگری بیان می‌داشت، وی پس از اخذ دیپلم، تنها کارهای موقت پیدا

می‌کرد، اما در نزد خودش تصور کرده بود با ارتقای مدرکش، ممکن است راحت‌تر کاری دایمی پیدا کند. او پس از چند سال رد شدن در کنکور، در نهایت در دانشگاه آزاد پذیرفته شده بود و پس از قرض و قوله برای پرداخت شهریه، به انتهای دوره لیسانس خود رسیده بود، ولی باز هم می‌دید، نه تنها به عنوان یک دختر فرصت ازدواج را از دست داده است، بلکه با وجود رفتن زیر بار انبوهی قرض، باز هم با وجود مدرک بالاتر، قادر به یافتن کار نیست.

در موارد اخیر دورنمای تیره و تار اقتصادی جامعه اسباب دلسردی و افسردگی جوان را فراهم می‌آورد. در موارد دیگری قرائت حزن‌آمیز از اسلام و بی‌توجهی (و شاید عناد) مسوولان با تسری یافتن شادی اجتماعی در جامعه، افسردگی اجتماعی را در پی خواهند داشت.

اظهارات وزیر آموزش و پرورش در همین رابطه، گویای تفکر بسته و جزم‌اندیشی است که وی را به دلیل گام برداشتن در مسیر شادی دانش‌آموزان، مورد توبیخ قرار داده است:

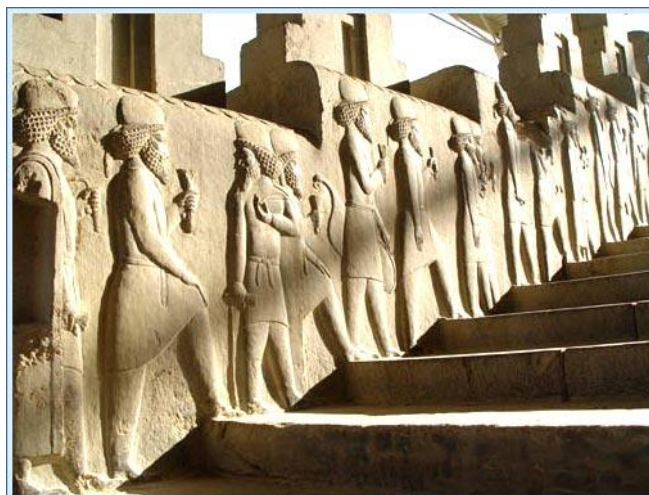
«وزیر آموزش و پرورش گفت: به خاطر پخش فوتبال در مدارس کشور رسماً توبیخ شدم.

محمد بطحایی با اشاره به این مطلب به ایسنا اظهار کرد: به مدارس اعلام کردم که اگر امکاناتی دارند اجازه دهند تا دانش‌آموزان مسابقه فوتبال پرسپولیس - کاشیما را تماشا کنند، البته هیچ اجباری در این باره نکردم. همین دستور یک موج شادی در مدارس به وجود آورد که خودم هم فکرش را نمی‌کردم.

وی با اشاره به این که فکر می‌کردم همکارانم به خاطر نبود تجهیزات اعتراض کنند، اظهار داشت: تصورم این بود برخی از همکاران بگویند ما ویدئو پروژکتور نداریم و فکر می‌کردم فقط برخی از مدارس این دستور را اجرایی کنند اما دیدم و در خبرها خواندم معلم ما در دورترین روستا که برق نداشت، موبایلش را گذاشت که بچه‌ها از موبایل بازی را ببینند. باورتان می‌شود برای همین موضوع مرا توبیخ کردند.

وی تأکید کرد: آن زمان که توبیخ شدم، خنده‌ام گرفته بود، اما باور کنید توبیخ رسمی شدم و به من گفتند که تو مگر چه کاره‌ای که اعلام کردی در مدرسه تلویزیون بگذارند و فوتبال پخش کنند» (ایران، ۱۹/۹/۱۳۹۷).

بریدگی از هویت تاریخی



هویت در معنای فردی خود به معنای «من کیستم» و در معنای جمعی‌اش به معنای «ما کیستیم»، هست.

در پرسش از سوال ما کیستیم، ریشه‌های تاریخی جامعه، قسمت مهمی از پاسخ سوال اخیر را تشکیل می‌دهد.

نگارنده نیک به یاد دارد که وقتی جمعی از دانشجویانش را به مدت یک هفته برای بازدید از اصفهان و شیراز به این دو شهر برد، هنگام بازگشت از سفر، از آنان پرسید که جمع‌بندی شما نسبت به سفری که داشتید چه بود؟ برخی از دانشجویان در پاسخ به سوال نگارنده بیان داشتند، ما فکر می‌کردیم که ملت مزخرفی بیشتر نیستیم، اما همین که شاهد عظمت گذشتگان خودمان شدیم، از حالا به بعد با غرور و افتخار به آینده نگاه می‌کنیم.

منطقی (۱۳۹۶) در مقاله «نقش الگوهای جهادی در تعمیق ریشه‌های هویتی جوانان» می‌نویسد:

بررسی‌های اولیه انجام شده دلالت بر وجود اختلال در روند هویت‌یابی بهینه و مطلوب نوجوان و جوان ایرانی دارد و در حالی که الگوهای هویت بخش خارجی در اشکال بسیار جذاب، فراگیر و گسترده ای مطرح می‌گردند، الگوهای هویت بخش داخلی برای نوجوانان و جوانان به شکل نامناسبی مطرح می‌گردند.

برخی از پژوهش‌های جامعه‌شناختی انجام گرفته دال بر آن است که تشتت فرهنگی جامعه به بحران هویت جامعه می‌انجامد. به این معنا که ضعف فرهنگی و ناتوانی یک جامعه در سامان دادن به مبادلات فرهنگی پویا با دیگر فرهنگ‌ها، این جوامع را در موضعی انفعالی قرار داده، سبب می‌شود جوامع مزبور در غالب مواقع به شکل یک‌طرفه، دیدگاه‌های فرهنگی جوامع دیگر را بپذیرند که این مسئله بحران فرهنگی و بحران هویت آن‌ها را در برخواهد داشت. از این رو نگارنده ضمن طرح مفهوم جدید «هویت تاریخی» در عرصه نظریات هویت، کوشید تا با انجام پژوهش لازم، به بررسی صحت و سقم مفهوم هویت تاریخی بپردازد.

نگارنده در راستای بررسی تجربی مفهوم هویت تاریخی، کوشید تا با استخراج و معرفی برخی از الگوهای مطرح نشده جنگ، در عمل توانایی این الگوها در زمینه مؤثر واقع آمدن در جریان هویت‌بخشی جوان ایرانی را مورد بررسی قرار دهد. از این رو پژوهش‌گر پس از انجام قریب به ۸۰ مصاحبه با سرداران جهادسازندگی در دوران جنگ، خلاقیت‌های آنان را احصا کرد و طی برنامه‌ای این خلاقیت‌ها را برای ۱۱۰ نفر از دانشجویان به صورت تصویری به نمایش درآورد.

نتایج حاصل از بررسی مضامین ارایه شده توسط دانشجویان، حکایت از اثرگذاری این الگوهای خلاق در سطح افراد مخاطب بود. از سوی دیگر، نتایج اخیر در جریان کمی کردن داده‌های کیفی و محاسبه مربع کای در سطح آن‌ها، مؤید تفاوت آماری معنادار اظهار نظر دانشجویان در قبل و بعد از آشنایی آنان با دستاوردهای جهادگران سازمان جهادسازندگی بود.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، در صورت طرح مناسب الگوهای جنگ (و الگوهای ارزشمند تاریخ این مرز و بوم)، این امید می‌رود که موارد مزبور در روند هویت‌یابی جوانان مؤثر واقع آیند و به سهم خود با اثرگذاری در جریان هویت‌یابی جوان ایرانی، آنان را در روند کسب هویتی ارزشمند یاری رسانند.



هویت زود بسته شده

با وقوع انقلاب اسلامی، جوانان ایرانی از سویی تحت تأثیر رهبری کاریزماتیک امام و فضای پر شور انقلاب که با نفی ارزش‌های جامعه پیشین، از جامعه‌ای با ارزش‌های متفاوت سخن می‌گفت، و از سوی دیگر تحت تأثیر آرمان‌گرایی ذاتی خود و گشوده شدن عرصه‌های جدید برای تحقق عینی نועدوستی و خیرخواهی درونی خویش در عرصه‌های دانشگاه‌ها (انقلاب فرهنگی)، جهاد سازندگی و جنگ، تحقق هویت مورد علاقه خویش را با آنچه رهبران انقلاب از آن یاد می‌کردند، یکی می‌دیدند، و از این رو، از هویتی که رهبران انقلاب برای وی تعریف می‌کردند، استقبال به عمل آوردند. هویتی که در لسان جیمز مارسیا (نظریه پرداز هویت)، از آن با عنوان «هویت زود بسته شده» یاد می‌شود.

البته در گذر زمان هویت اخیر در بسیاری از جوانان رنگ باخت و آنان به سمت و سوی اخذ هویتی دیگر روی آوردند، اما افرادی که در روند تحول خویش، تعریف ابعاد هویتی خود را از دیگران اخذ می‌کنند (نظیر جوانان بسیجی که تعریف هویتی خود را از این ارگان نظامی اخذ می‌کنند)، ممکن است در ادامه بدون تأمل و تدبیر لازم با خط دادن یک فرد به ظاهر موثق، دست به اشغال سفارت خانه کشورهای دیگر زده، با به آتش کشیدن آن‌ها، احساس کنند ایفاگر وظیفه مقدسی هستند.

هویت سردرگم

پس از گذشت قریب یک دهه از پیروزی انقلاب، جوانان با مشاهده مخالفت‌هایی که برخی از روحانیون و سیاست‌مداران با رهبری کاریزماتیک امام داشتند، مشاهده اختلاف‌های عمیق و زیاد روحانیون حوزه‌های علمیه با یکدیگر، تعطیل شدن نهاد جهاد سازندگی (با ادغام آن در وزارت کشاورزی)، خاتمه جنگ و بسته شدن عرصه حضور جوانان در پست‌های کلیدی نظام، در عمل وارد دومین عرصه تحول هویتی خویش شدند که از آن می‌توان با عنوان «هویت سردرگم» یاد کرد.

البته لازم به ذکر است که پس از جنگ بحث جوانان مورد توجه نسبی اولیای امور جامعه قرار گرفت و نخست «شورای عالی جوانان» در سال ۱۳۷۱ شکل گرفت و سپس شورای اخیر به «مرکز ملی جوانان» در سال ۱۳۷۶ و در نهایت «سازمان ملی

جوانان» در سال ۱۳۷۹ تغییر یافت (این سازمان در سال ۱۳۹۰ در دوران احمدی‌نژاد در وزارت ورزش ادغام شده، استقلال خود را از دست داد).

بررسی کلی سازمان ملی جوانان، دلالت بر آن دارد که شورای اخیر بیشتر از آن که به شناخت مسایل جوانان همت گمارد، تحت تأثیر دید تکلیف‌گرا به جوانان (منطقی، ۱۳۸۱ ب، شهابی ۱۳۸۲)، تلاش داشت تا بدون توجه به واقعیت‌های جوانی (که طبق آموزه‌های دینی جوانی دوره‌ای از مستی و دوره‌ای از جنون است)، انتظاراتی متعالی از جوانان را مطرح سازد و از آنان می‌خواست تا در حد و شأن اولیای دینی عمل کنند و البته رفتار جوانانی که بر این منوال عمل نمی‌کردند، همان‌گونه که در کتاب مشهور تربیتی نسل جوان سازمان ملی جوانان (دبیرخانه سازمان ملی جوانان، ۱۳۷۳) آمده بود، بر مبنای نظریه تهاجم فرهنگی تبیین می‌شد و این دسته از جوانان به مثابه قربانیان تهاجم فرهنگی غرب نگریسته می‌شدند و با آنان برخورد می‌شد. سازمان ملی جوانان در فراز دیگری از اقداماتش، بدون آن که در مورد مسأله کاریابی، ازدواج، مسکن و تحصیل جوانان، دست به ارایه طریقی بزند، با نوشتن شعارهایی نظیر «با جیغ اعتیاد را فراری دهید» در روی در و دیوار خیابان‌ها، به اقدام‌های شعاری خویش ادامه می‌داد.

آسیب بزرگ سازمان ملی جوانان که به زعم برخی از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس وقت، صرفاً به ارایه یک‌سری آمار و ارقام می‌پرداخت (نوروز، ۱۳۸۰/۷/۲۸)، اطمینان خاطر کاذبی بود که این سازمان به مسوولان نظام می‌داد. لازم به ذکر است که نتایج یکی از نظرسنجی‌های سازمان ملی جوانان که در سال ۱۳۸۲ منتشر شد، حکایت از دید منفی حدوداً پنجاه درصدی جمعیت جوان پاسخ‌دهنده به قوه قضائیه، نیروی انتظامی، مجلس، شورای نگهبان، مجمع مصلحت نظام و رسانه‌های داخلی داشت، ولی این یافته‌ها هرگز عمده نشدند و مسوولان سازمان ملی جوانان، دادن اطمینان خاطر کاذب به مسوولان ارشد نظام را ادامه دادند.

مضاف بر این، با وجود آن که سازمان ملی جوانان در جریان ترجمه برخی از متون مربوط به جوانان، دست به ترجمه برخی از آثار منتشره در مورد جوانان شوروی سابق زد، تجربیات مطرح شده در این متون با ارزش، مورد توجه مسوولان سازمان ملی جوانان و بالطبع مسوولان کلیدی نظام قرار نگرفتند.

^۱ - نظام شوروی سابق، به دلیل ایدئولوژیک بودن، با نظام ایران در برخورد با جوان‌ها مشابهت‌های بسیاری داشت، به این معنا که در نظام شوروی سابق نیز تربیت آرمانی جوانان در دستور کار دولت مردان قرار گرفت و آنان با رویکرد تکلیفی از جوانان خواستند تا ویژگی‌های حزبی یک مارکسیست تام و تمام را بیابند، اما در برخورد با جوانانی که نسبت به خط‌مشی ارایه شده تخطی و تخالف می‌ورزیدند، رفتار آنان با عنوان تهاجم فرهنگی غرب و توطئه برای براندازی نظام تبیین می‌شد. خط‌مشی‌های پیشنهادی سردمداران به جوانان شوروی سابق در آغاز بسیار سخت‌گیرانه بود، به این معنا که دانش‌آموزان و دانشجویان زیر ۱۸ سال، باید لباس فرم می‌پوشیدند و بعد از ساعت ۸ شب حق بیرون ماندن از خانه را نداشتند، مگر آن که با اولیایان بیرون می‌آمدند. اگر موی سر و ریش جوانان بلند بود، مو و ریش آن‌ها زده می‌شد، اگر دختران موهایشان را به گونه‌ای شهوت‌انگیز بر شانه‌هایشان می‌ریختند، موهای آن‌ها را جوانان حزبی قیچی می‌زدند و اگر دامنه‌شان کوتاه بود، روی پای آنان مهر می‌زدند، موسیقی جاز نفی شده، موزیسین‌های غربی از شوروی اخراج شدند، رقص‌خانه‌ها بسته شد و نوشید و دکا (نوشیدنی ملی شوروی‌ها)، ممنوع اعلان شد. اما با گذشت مدتی، سردمداران شوروی سابق با ملاحظه مقاومت جوانان، از شدت سخت‌گیری‌هایشان نسبت به جوانان کاستند و بارها، دیسکوها، مدارس آموزش رقص و نظایر آن‌ها در شوروی سابق بازگشایی

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶، آقای خاتمی در برابر کاندیدی که به شکل رسمی و غیررسمی از سوی اقشار قابل تأملی از مسوولان عالیرتبه نظام حمایت می‌گردید، با واکنش منفی جوانان مواجه شد و جوانان با رأی دادن به رقیب جوان‌پسند وی، کوشیدند تا بار دیگر به این ترتیب صدای خود را به گوش مسوولان نظام برسانند. با روی کار آمدن آقای خاتمی، بسیاری از جوانان تصور کردند گفتمان پیشنهادی رئیس‌جمهور، عرصه مناسبی برای اندیشه و اظهارنظرهای سیاسی آنان خواهد شد.

اصلاحاتی که خاتمی در آغاز دور اول ریاست جمهوری خود از آن سخن می‌گفت، مترادف با به رسمیت شناختن مساوی حقوق شهروندان، آزادی مخالف سیاسی، آزادی بیان، مطبوعات مستقل، اهمیت یافتن نظام حزبی در جامعه، آزادی انتخابات، نافذ بودن نتایج حاصله از انتخابات در مدیریت کشور، تأسیس شوراهای اسلامی شهرها و مانند آن‌ها بود. خاتمی در ارتباط با جوانان با حساسیت خاصی برخورد کرده، در سخنرانی خود در اولین مجمع ملی جوانان، ضمن نفی نگرش‌های منفی موجود نسبت به جوانان، اظهار داشت:

«متعصبان (مخالفان اصلاحات)، جوانان را سوسول و دانشگاہیان را منحرف نامیدند... اما با پدیده جوانی چه می‌توان کرد؟ برای پاسخ به این سوال، دو راه آزموده شده وجود دارد، رها کردن جوان و ولنگاری، خاصه در عرصه جنسی که این راه مشکلاتی را در همه جوامع در بردارد. در کشورهای پیشرفته، اصل آزادی جنسی، اصل پذیرفته شده‌ای است، اما در این جوامع، نوعی انضباط نیز وجود دارد که چون این جوامع با ثبات هستند و امکانات بیشتری دارند، می‌توانند بخشی از مشکلات ولنگاری را حل کنند.

راه دوم مواجهه با پدیده جوانی، راه سخت‌گیری و سرکوب کردن و مهار کردن آزادی‌ها و سد کردن همه خواہش‌های طبیعی جوان است.

اما راه سومی که فاقد تبعات دو راه حل پیشین است، تأمین نیازهای مشروع جامعه و جوان، سوق دادن جوان به سوی تولید و اشتغال و تأمین امنیت جوان در جامعه است» (شرق، ۱۳۸۳/۱/۱۹).

عبادی رئیس سازمان ملی جوانان در دوران اصلاحات، با نگاهی مشابه، از کنار نهادن دید تکلیفی به جوانان یاد کرده، تحلیل مبتنی بر تهاجم فرهنگی را که به منکوب شدن جوانان می‌پرداخت، کنار می‌گذارد. وی در مصاحبه با شرق (۱۳۸۳/۵/۲۱)، بیان می‌دارد:

شد و از کتاب‌ها و فیلم‌های ممنوعه، رفع توقیف به عمل آمد. دادن وام کارآفرینی به جوانان در دستور کار قرار گرفت، خدمات روان‌شناسی و مشاوره به آنان ارایه گردید، جوانان اجازه سرمایه‌گذاری یافتند، جین پوشی آزاد شد... اما تمامی اقدامات پیش‌گفته برای مهار جوانانی که نسبت به نظام کمونیستی اعتماد و اعتقاد خود را از دست داده بودند، راهگشا واقع نشد و میخائیل گورباچف، آخرین رئیس‌جمهور شوروی سابق، در توصیف نقش جوانان در فروپاشی شوروی سابق بیان داشت: جوانان مانند گروهی هستند که برخلاف مسیری که جامعه آن‌ها طی می‌کند، در جهت مخالف آن در حرکت هستند.

«اولین اقدامی که من انجام دادم، خارج کردن امور جوانان از حالت توصیه‌ای و نصیحتی به برنامه‌ریزی برای جوانان بود... . برخی از افراد و نهادها فکر می‌کنند با روش‌های محدودیت و برخوردهای امنیتی یا قضایی می‌توانند در حوزه مسایل اجتماعی و خاصه جوانان، مسایل اجتماعی را حل کنند» (شرق، ۱۳۸۳/۵/۲۱).

اما پس از گذشت قریب به دو دوره از ریاست جمهوری خاتمی، و بروز رخدادهایی مانند ناامیدی اقشاری از مردم از نافذ بودن رأی آن‌ها در انتخابات، تعطیلی پی در پی روزنامه‌ها، بحران‌های متعددی که متوجه اصلاحات شد. ظهور جدی تر «لباس شخصی‌ها» و «افرادی که از مصونیتی آهنین» در سطح نظام برخورددار بودند و نظایر آن‌ها، اقشاری از شهروندان را به سمت این نتیجه سوق داد که غالب خواسته‌های ریاست جمهور از اصلاحات سیاسی مورد نظرش، محقق نشدند.

آقای خاتمی، رئیس جمهور، در برخی از سخنرانی‌های خویش از بینش‌های فاشیستی که در کنار بینش‌های لیبرالیستی، انقلاب اسلامی را تهدید می‌کنند (یاس نو، ۱۳۸۲/۵/۱۴، شرق، ۱۳۸۳/۱/۱۹)، یاد می‌کرد.

خاتمی در سخنرانی که در جلسه مشترک دولت و مجلس داشت، با اشاره به لوایح دوگانه‌ای که با هدف افزایش اختیارات رئیس جمهور به مجلس ارایه کرده و در نهایت مورد تصویب قرار نگرفتند، بیان داشت:

«حتی در برخی از تربیون‌های مقدس و رسانه‌های رسمی، به صراحت گفته می‌شود، لوایح رئیس جمهور، توسط امریکا تهیه شده و از سوی مزدورانش در مملکت مطرح شده است» (یاس نو، ۱۳۸۲/۵/۱۴).

بالطبع زمانی که جوانی شاهد است از تربیون‌های نماز جمعه، رئیس جمهور کشور امریکایی خوانده شده، طرفداران وی مزدوران امریکا خوانده می‌شوند، نباید از وی انتظار دل بستن به راهکارهای سیاسی، جهت تغییر اوضاع و احوال جامعه را داشت.

نگارنده در همین دوران، در نگاهی متفاوت از سازمان ملی جوانان، طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۵ چهار جلد کتاب با عنوان «راز گل سرخ» برای مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد تهیه کرد و طی آن نسبت به روند تحول ارزشی جوانان هشدار داد و در جلد چهارم این مجموعه، قریب به ۴۰۰ صفحه در مورد «چه باید کرد»، مباحث قابل تأملی را برای چگونگی برخورد با مسایل جوانان ارایه کرد، اما این کتاب‌ها که نشری محدود داشتند، هیچ‌گاه مورد توجه هیچ‌یک از مسوولان واقع شدند. به هر صورت جوانان در این دوران با مشاهده عدم موفقیت جریان اصلاح طلبی و مواردی مانند جمع شدن فله‌ای روزنامه‌ها، تبدیل دانشگاه‌ها به محیطی خاموش و توقف کرسی‌های آزاد اندیشی در دانشگاه‌ها (که از سوی رهبری در سال ۱۳۸۲ مطرح شد) خود را با فضای ناامید کننده‌ای مواجه دیدند، اما در برابر گسترش فضای مجازی در عمل امکاناتی در اختیار جوانان قرار می‌داد که در آن بتوانند آرا و عقاید خود را مطرح سازند.

شکل‌گیری هویت شبکه‌ای

بحث هویت و بحران هویت در روان‌شناسی معاصر، به اریکسون باز می‌گردد. وی در جریان ترسیم پنجمین پله از نردبان تحولی که طی نظریه خویش پیشنهاد می‌کند، از مرحله هویت‌یابی نوجوانان و جوانان در برابر پراکندگی هویت آنان یاد می‌کند. به نظر اریکسون نوجوانان و جوانان در مقطع ۱۸-۱۲ سالگی از عمر خویش، در برابر بسیاری از پرسش‌های اساسی قرار می‌گیرند

که باید پاسخی درخور بدان‌ها ارایه کنند و پاسخ مناسب و مقتضی به اقتضائات درونی فرد، بحران موجود در دوره را حل کرده، فرد به مرحله تحولی بعد می‌رسد، اما عدم حل مناسب و مقتضی نیازهای درونی فرد، موجبات سرگشتگی هویتی وی را فراهم خواهد کرد (سانتروک^۱، ۲۰۰۸ الف).

اریکسون طی آثاری که در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۷۵ منتشر ساخت، در تبیین چگونگی شکل‌گیری هویت، هم‌زمان با عوامل روانی مؤثر در شکل‌گیری هویتی فرد، به عوامل تاریخی و اجتماعی نیز توجه کرده به آن‌ها اشاره می‌کند. وی در تبیین نقش عوامل تاریخی در جریان هویت‌یابی افراد بیان می‌دارد:

شکل‌گیری هویت در جوامع ماقبل صنعتی، خیلی ساده صورت می‌پذیرفت، اما جوامع با ورود به دوره صنعتی، از ویژگی‌های مهم و متفاوتی برخوردار شده‌اند که گستردگی امکان عمل و میزان انتخاب‌های افراد در این جوامع از ویژگی‌های بارز این دست از جوامع به شمار می‌رود. بنابراین افرادی که در جوامع جدید زندگی می‌کنند، برخلاف کسانی که به دلیل محدودیت انتخاب‌هایشان، روند ساده‌ای را در جریان هویت‌یابی خویش طی می‌کردند، به دلیل فزونی گرفتن شقوق فرارویشان برای انتخاب، در عمل مسیر هویت‌یابی را با پیچ و خم‌های بیشتری طی می‌کنند (شافر^۲، ۱۹۹۶).

از سوی دیگر اریکسون با اشاره به عامل جامعه، خاطرنشان می‌سازد، سرگشتگی هویتی، اساساً بحثی است که باید آن را در جوامع دموکراتیک جست‌وجو کرد و در جوامعی که زیر سیطره دیکتاتوری به سر می‌برند، جوانان از فرصتی که به تأمل و تأنی در ابعاد هویتی خویش بپردازند، بی‌بهره می‌مانند. وی به عنوان شاهد مثال، با اشاره به نظام هیتلری تأکید می‌ورزد، در دوره نازی‌ها در آلمان، هویت مطلوب طبع نوجوانان و جوانان به انحای گوناگون از سوی مراجع رسمی قدرت بدان‌ها القا می‌شد و آنان در عمل حقی در انتخاب ابعاد هویتی خویش نداشتند (سانتروک^۱، ۲۰۰۸ الف).

جیمز مارسیا با الهام از نظریه اریکسون در مورد هویت و بحران هویت، طی سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۰ کوشید تا تصویر روشن و عملیاتی‌تری از هویت را به دست بدهد. وی با استفاده از مفاهیم اکتشاف و تعهد که اریکسون در نظریه خویش از آن یاد کرده بود، به طرح چهار حالت هویتی هویت محقق، هویت در راه تحقق، هویت زود بسته شده و هویت معشوش دست زد. افرادی که دارای هویت محقق هستند، به اکتشاف لازم دست یافته، نسبت به پاسخ سوال‌های یافته شده خویش متعهد هم هستند، کسانی که دارای هویت نامحقق یا در راه تحقق هستند، افرادی هستند که با وجود اکتشاف و دست‌یابی به پاسخ سوال‌هایشان، هنوز تعهد لازم را در برابر یافته‌هایشان از خود به معرض دید نگذارده‌اند. افرادی که از هویت زود بسته شده‌ای برخوردارند، فاقد اکتشاف، اما به آنچه فراروی آن‌ها رقم خورده است، متعهد می‌باشند و سرانجام افرادی که از هویتی معشوش برخوردارند، کسانی هستند که هم به اکتشاف و هم به تعهد نسبت به اعمال و رفتارهایشان، نرسیده‌اند (سانتروک^۱، ۲۰۰۸ ب).

پس از ارایه مدل مارسیا در تبیین حالات مختلف هویتی، مدل اخیر توسط برخی از پژوهشگران به چالش گرفته شد، به این معنا که در مرتبه نخست برخی از پژوهش‌ها، نتایج مورد انتظار مدل مارسیا را نشان نمی‌دادند. به عنوان نمونه، برخلاف انتظار نظری مدل مارسیا از وضعیت ضعیف تحصیلی افرادی که از هویتی معشوش برخوردارند، چنین رابطه‌ای در پژوهش‌های انجام

^۱ -Santrock, J. W.

^۱ -Shaffer, D. R.

شده تأیید نمی‌شد (برزونسکی^۱؛ ۱۹۸۵) و در مرتبه بعد، بعضی از نظریه‌پردازان مانند بلاسی و گلودیس مدل مارسیا را مدلی ایستا دانسته، معتقد بودند این مدل به فرایند تعامل فرد و جامعه و شکل‌گیری هویت‌یابی فرد، امعان نظر کافی نداشته است.

برزونسکی و آدامز^۲ در سال ۱۹۹۹ با ارایه یک مدل فرایندی از چگونگی شکل‌گیری هویت، کوشیدند تا نقص مدل ارایه شده توسط مارسیا را مرتفع سازند (آدامز، برزونسکی و کیتینگ^۳؛ ۲۰۰۶).

برزونسکی در نگاه فرایندی که به هویت دارد، بیان می‌کند، افراد با استفاده از فرایندهای اجتماعی - شناختی مختلفی که برای حل مسایل شخصی و تصمیم‌گیری‌های خودشان به کار می‌برند، رفته رفته به هویت خود می‌دهند (پیتمن^۴ و همکاران، ۲۰۰۹). او سه جهت‌گیری شناختی مشخص را که سبک‌های هویت نام دارند، شرح می‌دهد. سبک‌های اخیر که تعیین‌کننده-های مهم هویت افراد می‌باشند، شامل سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم اجتنابی می‌باشند.

سبک هویت اطلاعاتی توسط نوجوانانی به کار می‌رود که قبل از تصمیم‌گیری و ایجاد برخی تعهدات برای خودشان، یک سری اطلاعات را در مورد خودشان جست‌وجو کرده و مورد ارزیابی قرار می‌دهند و از این طریق به ایجاد هویت مطلوب طبع خویش می‌پردازند.

سبک هویت هنجاری ویژگی بارز نوجوانانی است که هنگام مواجهه با مسایل مربوط به هویت، به توصیه‌ها و انتظارات دیگران مهم، نظیر والدین و افراد بانفوذ، تکیه می‌کنند و سبک هویت سردرگم - اجتنابی، بیانگر افرادی است که اساساً سعی می‌کنند از تعارضات فردی و مسایل مربوط به هویت، اجتناب کنند. این افراد تا زمانی که موقعیت، اتخاذ اقدام‌هایی را ایجاب نکند، تصمیم‌گیری خودشان را به تأخیر می‌اندازند و به طور مستمر رفتارها و دیدگاه‌های خودشان را با توجه به مقتضیات اجتماعی زمان حال تنظیم می‌کنند.

برزونسکی و همکاران (۱۹۹۰) در بررسی که بین سبک‌های هویتی پیشنهادی مارسیا و سبک‌های هویتی پیشنهادی برزونسکی انجام داده‌اند، گزارش می‌دهند که سبک هویتی اطلاعاتی برزونسکی با سبک هویتی محقق و در راه تحقق مارسیا، سبک هویتی هنجاری برزونسکی با سبک هویتی زود بسته شده مارسیا و سبک هویتی مغشوش اجتنابی برزونسکی با سبک هویتی مغشوش مارسیا، همبستگی قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهند.

بررسی‌های میدانی انجام شده دلالت بر آن دارند که علاوه بر هویت‌های مطرح شده از سوی مارسیا و برزونسکی، هویت-های دیگری نیز قابل مشاهده و احصاء هستند. یکی از این هویت‌ها، هویت شبکه‌ای است.

در گذشته‌ای نه چندان دور، شبکه اجتماعی فرد، افرادی آشنا بودند که وی با آنان در مدرسه، محله و یا محیط‌های ورزشی و مانند آن‌ها آشنا شده و با آنان برخوردی رویاروی داشت، اما با گسترش فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، امکان جدیدی برای کاربران پدید آمد که می‌توانستند بدون آن که با فردی آشنایی رود در و پیشین داشته باشند، دست به مبادله اطلاعات بزنند. منطقی (۱۳۹۳ ج) در همین ارتباط می‌نویسد:

¹ -Berzonsky, M. D.

² -Adams, G. R.

³ -Keating, L.

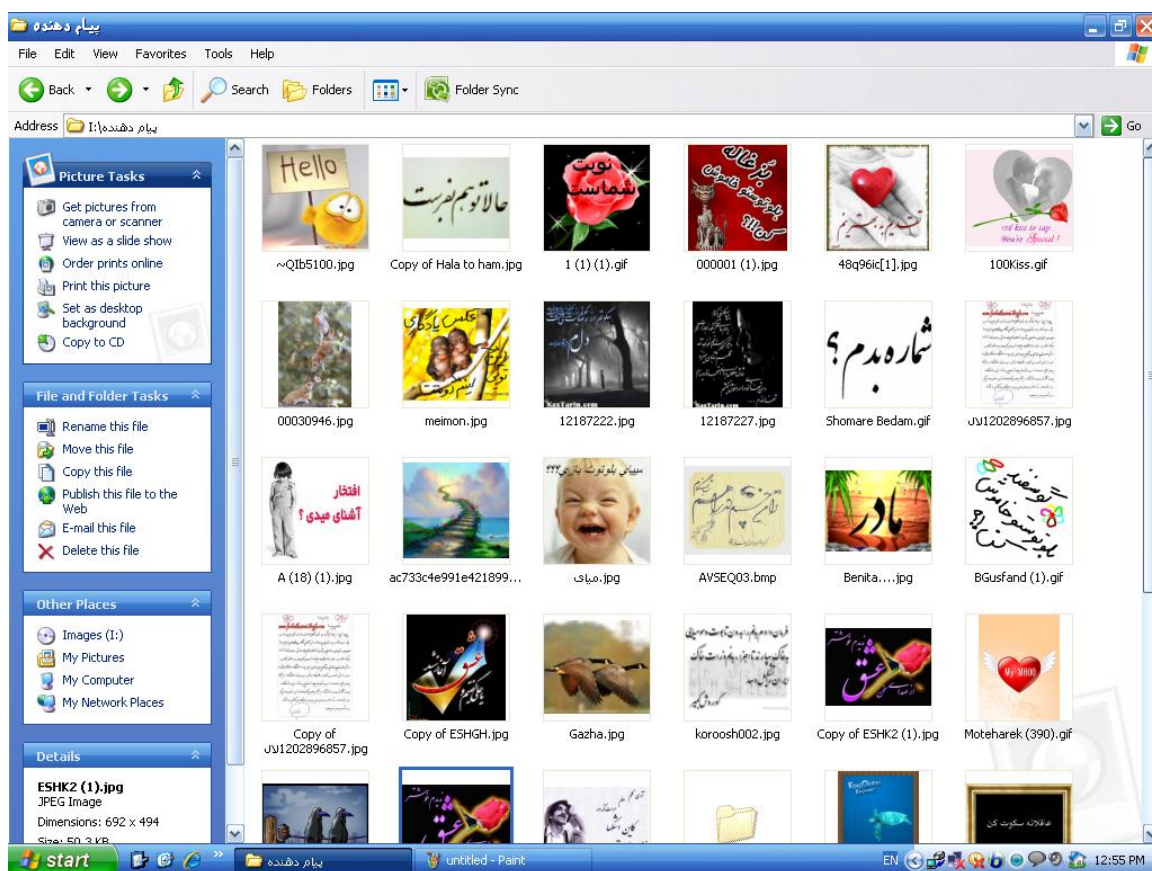
⁴ -Pittman, J. F.

«ویلی، با بیان این که کاربران تلفن همراه، عکسها (و کلیپ‌هایی) را که تهیه کرده‌اند، برای یکدیگر ارسال می‌دارند، از شبکه اجتماعی جدیدی در بین کاربران تلفن همراه یاد می‌کند که نقطه عطف جدیدی در ارتباطات به شمار می‌آید.

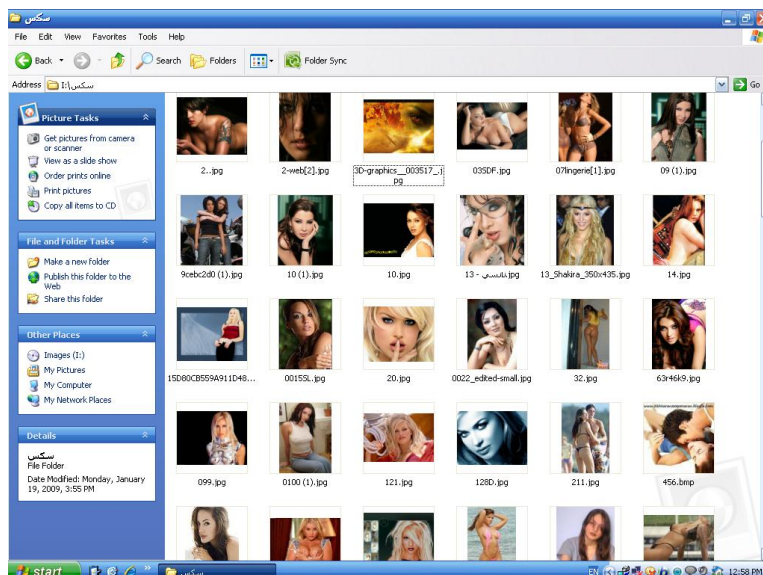
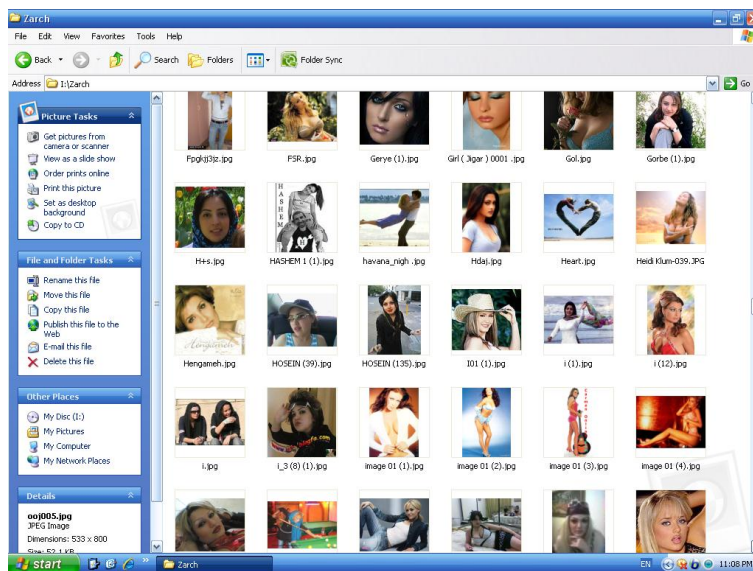
اگرچه بعضی از کاربران تلفن همراه، از دوستانشان می‌خواهند تا پیامک‌ها، تصاویر و کلیپ‌های جدید را برای آنان ارسال دارند، اما برخی از کاربران دیگر، بدون آن که ارتباط چندانی با افراد خاصی داشته باشند، با پیام نهادن در اتاق‌های گپ اینترنتی یا وب نوشت‌ها، از دیگران می‌خواهند تا مثلاً پیامک‌های جدیدی را که دریافت داشته‌اند، به شماره آنان ارسال دارند.»

تصاویر زیر که از گالری عکس برخی از دانشجویان تهیه شده است، از شکل‌گیری شبکه اجتماعی جدیدی حکایت دارد که در محیط‌های شلوغ (نظیر مترو) پدید آمده و شکل گرفته است:

ایجاد شبکه‌های جدید اجتماعی در جامعه (مترو)



نمونه‌هایی (عفیانه) از تصاویر ردوبدل شده در مترو



تحقق هویت اشتراکی

برخی از شواهد میدانی و مطالعات انجام شده، حکایت از آن دارند که با افزایش کاربری نوجوانان و جوانان از فناوری‌های ارتباطی جدید، از میزان ارتباط آنان با اولیا کاسته می‌گردد.

بیران و اخوان طباطبایی (۱۳۹۰)، در پژوهشی که در سطح ۲۸۵ دختر دبیرستانی در شهر تهران داشتند، در عمل به این نتیجه رسیدند که با افزایش میزان کاربری دانش‌آموزان دبیرستانی از تلفن همراه، از میزان روابط عاطفی آنان با خانواده‌شان کاسته می‌شود و تفاوت معناداری بین دو متغیر پیش گفته، وجود دارد.

از سوی دیگر به تبع کاهش ارتباط نوجوانان و جوانان با خانواده، ارتباط آنان با همدیگر فزونی گرفته است، تا حدی که گاهی نوجوانان و جوانان چنان عمیق درهم تنیده می‌شوند که همه رازهای درونی‌شان را برای یکدیگر مطرح می‌کنند و مثلاً گاهی دوستان به خودشان اجازه می‌دهند که تلفن همراه خود را با تمامی اطلاعات آن، با هم عوض کنند، یا در غیاب دوستان، به جای وی به پیامک نامزد یا دوست پسر او پاسخ دهند.

اظهارنظرهای زیر که در جریان مصاحبه با برخی از کاربران تلفن همراه به دست آمده است، بیانگر جوهی از هویت اشتراکی است که برخی از نوجوانان و جوانان ایرانی آن را از خود به منصفه ظهور گذارده‌اند:

«من و دوستانم برای تفریح و تنوع، گوشی‌های خودمان را با همه اطلاعات این باکس، گالری عکس و کلیپ‌هایش با هم عوض می‌کنیم».

«من در مترو در کنار چند دختر نشسته بودم، ظاهراً یکی از آن دخترها نامزد کرده بود و چند روزی بود که طبق گفته خودش، با او حرفش شده بود و با همدیگر حرف نمی‌زدند. دوستان او نیز به زور گوشی او را گرفتند و شروع به ارسال پیامک‌های عاشقانه به نامزد دوستان کردند. از طرف دیگر نامزد آن دختر نیز با دیدن پیامک‌های عاشقانه، پاسخ‌های متلک باری برای او می‌فرستاد، و با وجود آن که دختر می‌گفت، من نامزدم را می‌شناسم، با این حرف‌ها کار بدتر می‌شود، ولی دوستانش همچنان به کارشان ادامه دادند. بعد از پیاده شدن دوستان آن دختر از قطار، او با نگرانی به من که تا آن لحظه شاهد کارشان بودم، نگاه کرد و گفت، حالا باید چه کار کنم و جواب نامزدم را چه بدهم».

«وقتی دوست ما برای آشپزی به آشپزخانه خوابگاه رفته بود، دوست پسرش پیامکی برای او فرستاد و ما هم به عنوان هم خوابگاهی او، پاسخ دوست پسر دوستان را دادیم».

ایجاد هویت کاذب

آدلر در نظریه روانی اجتماعی خویش، دست به طرح مفاهیم حقارت، برتری جویی و چند مفهوم دیگر می‌زند. از منظر آدلر، انسان با حقارت به دنیا می‌آید و این حقارت ممکن است منشأ بدنی یا روانی داشته باشد. احساس حقارت آدمی، وی را بر آن می‌دارد تا جهت رفع احساس حقارتی که در خود احساس می‌کند، دست به برتری جویی بزند و راه کمال، تعالی و پیشرفت را پیشه خویش کند.

برخی از افرادی که از هویت مطلوب طبع و محقق‌ی برخوردار نبوده، از هویتی سردرگم و مغشوش برخوردارند، ممکن است بکوشند تا با توسل به دستاویزهای بیرونی، به نوعی برای خودشان هویتی را که از آن بی‌بهره‌اند، خلق کنند تا به نوعی طمانینه درونی‌ای را که فاقد آن هستند، برای خود رقم بزنند. از این رو، سهل‌الوصول‌ترین راه ممکن برای تحقق خواست اخیر، تمسک به ظواهری مانند: استفاده از البسه گرانبها، وسایل گران‌قیمت و نظایر آن‌ها، می‌باشد. در این میان تلفن همراه مستمسک برخی از جوانان قرار گرفته، برای کسانی که از هویت مطلوب طبعی برخوردار نیستند، هویتی هر چند کاذب به همراه

می‌آورد.

«اگر قیمت گوشی ما پایین باشد، دوستانمان ما را مسخره می‌کنند، برای همین من که نمی‌خواهم دوستانم من را مسخره کنند، گوشی خودم را عوض می‌کنم».

«در حال حاضر موبایل یک کلاس است و اگر موبایل آدم سطح پایین باشد، بی‌کلاسی او را می‌رساند».

«من معتاد به گوشی عوض کردن شدم».

«همکلاسی‌های من، دایم گوشیشون رو عوض می‌کنند، من هم برای این که پیش اون‌ها کم نیارم، گوشیم رو عوض می‌کنم».

«چون همه دوستانم گوشی باز هستند و گوشی بازی می‌کنند، اگر من گوشی بازی نکنم، از اون‌ها عقب می‌مونم!»

«من برای پوز زنی، گوشی موبایلم را دایم عوض می‌کنم».

«من وقتی می‌بینم کسی گوشی مدل بالاتری نسبت به من دارد، احساس حقارت می‌کنم و دوست دارم با عوض کردن گوشی خودم، احساس حقارتی که گریبان من را گرفته است، از بین ببرم».

شکل‌گیری هویت پنهان

در اواخر دهه سوم انقلاب، احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری ایران انتخاب شد. در دوران احمدی‌نژاد سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۹۰ در وزارت ورزش ادغام شد و جایگاه ضعیف آن، ضعیف‌تر از گذشته شد، به نحوی که گلزاری مسوول وقت معاونت جوانان وزارت ورزش بیان می‌داشت، بودجه سالانه معاونت جوانان در حد احداث یک جاده ۱۷-۱۶ کیلومتری روستایی است و این در حالی بود که گلزاری طبق پژوهش‌هایی شخصی خودش در همان زمان اعلان داشت ۸۰٪ دختران مدرسه‌ای دوست جنس مخالف دارند و روابط برخی از آنان به وضعیت نامشروع رسیده است.

در فضای پیش‌گفته، جوانان با اتکا به فضای مجازی، در عمل هویت سرگردان خود را به هویت پنهان تغییر دادند. منطقی و دین‌پرور (۱۳۹۱) در مقاله «شکل‌گیری هویت پنهان در کاربران فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، گزارش می‌کند که جوانان با استفاده از امکانات فضای مجازی، در عمل از هویت دومی استقبال کرده‌اند و هویت آنان در جهان واقع و فضای مجازی غالباً متفاوت از هم است.

نگارنده در سال ۱۳۹۳ هم در کتاب «بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای تلفن همراه در سطح نوجوانان و جوانان ایرانی»، (منتشر نشده) خاطرنشان ساخت، هم‌زمان با تضعیف اثرگذاری خانواده و نهادهای آموزشی در جریان جامعه‌پذیری جوانان، آنان با اثرپذیری از فضای مجازی، هویت‌های جدیدی مانند «هویت شبکه‌ای»، «هویت اشتراکی» و «هویت کاذب» را از خود به معرض دید گذاشته‌اند.

منطقی (۱۳۹۵) در مقاله تحول‌های هویتی جوان ایرانی پس از انقلاب، از کاهش سریع سن پیشه کردن هویت پنهان در سطح کاربران فضای مجازی که به سطح دانش‌آموزان دختر و پسر ایرانی دبستانی رسیده است، خبر می‌دهد. وی در این مقاله می‌نویسد:

«پس از شکل‌گیری هویت‌های زود بسته شده و سردرگم در دهه‌های اول و دوم انقلاب، شکل‌گیری «هویت پنهان» به عنوان سومین تحول عمده در جریان تحولات هویتی جوانان ایرانی پس از انقلاب مشاهده می‌شود.

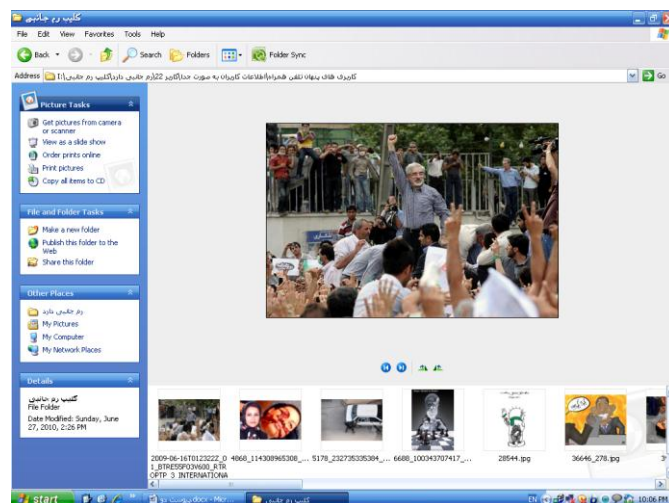
جوانان در این مرحله از سویی خود را با تضعیف روابط خانوادگی، ضعف مفروضات نهادهای فرهنگی جامعه، نهادهای فرهنگی آموزش و پرورش و نهادهای فرهنگی دانشگاه‌های کشور مواجه می‌دیدند و از سوی دیگر جذابیت‌های عرصه فضای مجازی (که در آن برخلاف روابط عمودی بزرگسالان با جوانان در جامعه، روابطی افقی برقرار است و بزرگسالان نیز در آن در سطح پایین‌تری از جوانان قرار می‌گیرند)، روبرو می‌بینند.

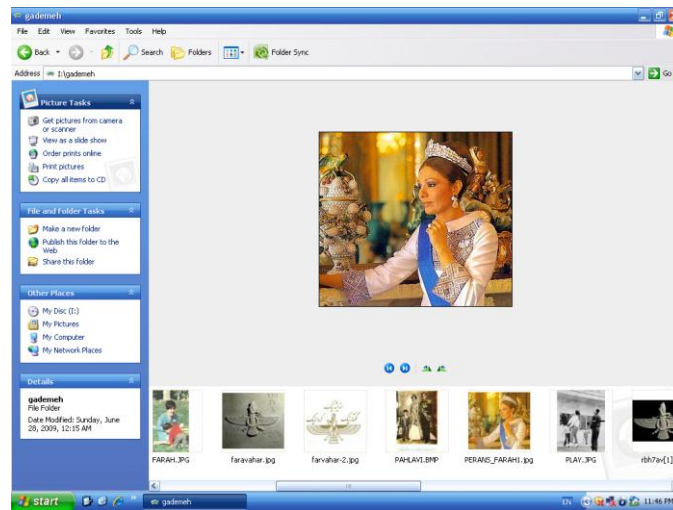
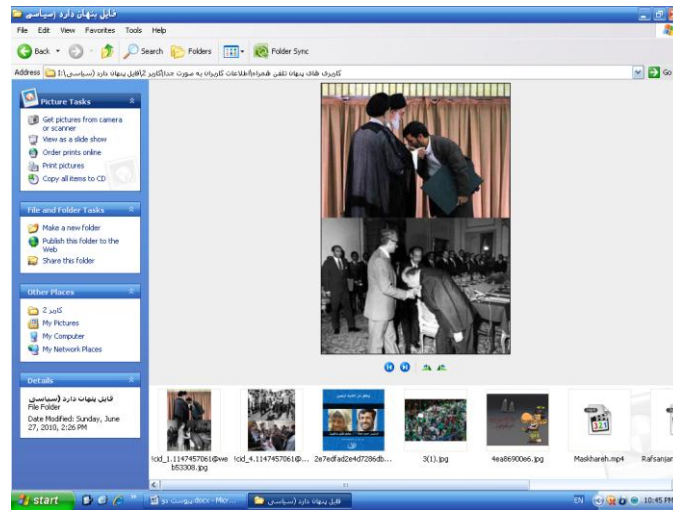
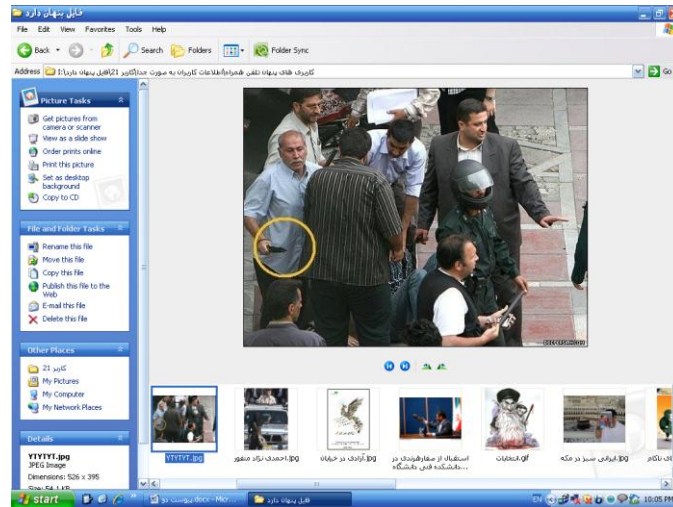
مضاف بر آنچه از آن یاد شد. از منظر جوانان هزینه اقدام‌های سیاسی (نظیر سخنرانی دکتر آقاجری که از سوی برخی از روحانیون برای آن تقاضای اعدام شد) در جامعه بسیار سنگین می‌نماید، از این رو جوانان با بسته دیدن نسبی عرصه سیاسی جامعه به روی خود، درصدد برمی‌آیند تا بیان سیاسی خویش را در شکل فرهنگی که بسیار کم هزینه‌تر است، بیان کنند.

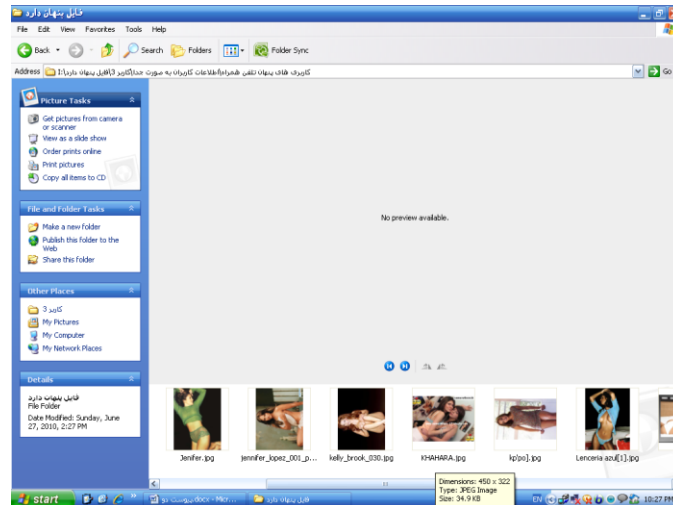
در یک بررسی تحلیلی مقدماتی که توسط گروه پژوهش در سطح دانش‌آموزان دبیرستانی، دانشجویان کارشناسی و دانشجویان کارشناسی ارشد پسر در دسترس، صورت پذیرفت، از آنان چهار مورد داشتن رم جانی، برخورداری از فایل‌های پنهان، تغییر دادن تصویر زمینه تلفن همراه و داشتن سیم کارت جانی، مورد پرسش قرار گرفت.

بررسی مقایسه‌ای نتایج حاصل از سه گروه دانش‌آموزان دبیرستانی، دانشجویان کارشناسی و دانشجویان کارشناسی ارشد، بیانگر آن است که به جز یک استثناء، استفاده دانش‌آموزان در زمینه استفاده از رم جانی، فایل‌های پنهان، تغییر زمینه تصویر گوشی همراه و سیم کارت جانی، بیشتر از دانشجویان کارشناسی و دانشجویان کارشناسی بیشتر از دانشجویان کارشناسی ارشد است. تنها استثنای موجود در ارقام پیش‌گفته، استفاده بیشتر دانشجویان تحصیلات تکمیلی از رم جانی است که علت آن، استفاده دانشجویان مزبور از نرم افزارهای علمی مختلف و ضرورت ضبط و ثبت نتایج یافته‌های آنان بوده است.

تصاویر زیر نمونه‌هایی از محتویات رم جانی برخی از جوانان کاربر تلفن همراه است که البته با محتویات رم اصلی آنان تفاوتی قابل تأمل دارند.







شکل‌گیری هویت دوپاره شده

منطقی (۱۳۹۵) در مقاله «تحول‌های هویتی جوان ایرانی پس از انقلاب» می‌نویسد:

«پس از شکل‌گیری هویت‌های زود بسته شده، سردرگم و پنهان در دهه‌های اول تا سوم انقلاب، شکل‌گیری «هویت دوپاره

شده» به عنوان چهارمین تحول عمده در جریان تحولات هویتی جوانان ایرانی پس از انقلاب مشاهده می‌شود.

در چهارمین مرحله تحولی در تحولات هویتی جوانان که می‌توان از آن با عنوان تحقق «هویت دوپاره»، «دوزیست» یا

«هویت دو وجهی» یاد کرد، جوانان با ملاحظه فروکش کردن جوّ انقلابی جامعه، افزایش نرخ بی‌کاری جوانان (خاصه جوانان

دانشگاهی) در جامعه، افزایش فشارهای اقتصادی به خودشان و پاسخ نیافتن هیجان‌جویی آنان در جامعه، در عمل هویتی دوپاره

و دوزیست را از خود به معرض دید می‌گذارند، به این معنا که آنان ضمن رفتار به صورت معمول در جامعه، در فضای مجازی

به نوعی با به نمایش نهادن عصیان‌گری خویش، خود متفاوتی را از خویش به معرض دید می‌گذارند (و مثلاً همان دختر

دانشجوی محجبه، در فضای فیس بوک به صورت بی‌حجاب ظاهر می‌گردد).

منطقی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی نگرش دانشجویان به کاربری از فناوری‌های ارتباطی فیس بوک، شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه و ماهواره» به گزارش استنکاف و مقابله دانشجویان با مواضع یک طرفه مسوولان فرهنگی در قبال فیلتر کردن فناوری‌های ارتباطی پیشرفته می‌پردازد.

بررسی شواهد گردآمده از سطح جوانان حکایت از آن دارد که هویت دوپاره یا دوزیست اخیر در گذر زمان به هویتی دو وجهی می‌انجامد، به این معنا که جوانان از سویی بر لذت‌گرایی خویش صحنه نهاده و از سوی دیگر رعایت اخلاق اجتماعی را سرلوحه امور خود قرار می‌دهند که این دو وجهی بودن با هویت ایدئولوژیک مطلوب طبع رهبران انقلاب که از جوانان انتظار عملکردی یک بُعدی و کاملاً اخلاقی و انقلابی را دارند، متفاوت است.

نمونه‌های زیر مصادیقی از هویت دوپاره شده در سطح جوانان را به معرض دید می‌نهد:

«- مارال جون شما چرا عکس‌هایی رو که در پروفایلتون در فضاهای مجازی می‌گذارید با حجاب بیرونتون خیلی هماهنگی نداره؟

چون بیرون مجبورم که این حجاب رو داشته باشم، اما عکس پروفایلم دیگه به کسی ارتباطی نداره.

- درسته که ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که حتماً باید حجاب داشته باشیم، ولی گاهی اوقات شما رو با چادر هم دیدم! چادر که دیگه اجبار جامعه نیست!

من چادر رو به خاطر کارم سر می‌کنم. در واقع موقعیت شغلی‌ام ایجاب می‌کنه.

- اما بالاخره در اون مکانی که شما کار می‌کنید، شماره‌ی تلفنتون رو به همکارهاتون یا مدیریتی که شما رو مجبور به پوشش چادر کرده، دادید و اگر هر کدوم از افراد اداره شما عضو این برنامه‌ها باشن، عکست رو می‌بینن؟! نه، من اصلاً این شمارمو به همکارام ندادم. در واقع شماره‌ای که من باهاش وارد این برنامه‌ها شدم با شماره‌ای که به اداره و همکارهام دادم، متفاوته. البته به چند تا از همکارهای صمیمی‌ام دادم که اون‌ها خودشون هم مثل من هستن و مشکلی از این جهت ندارن.

۳. برخی از خانمها در دانشگاه و محل زندگی به صورت محجبه و در شبکه‌های اجتماعی به صورت غیر محجبه ظاهر می‌شوند، با ذکر مثالی از این افراد، دلایل آنان را در رفتارهای دوگانه اخیر مورد بحث قرار دهید.

این افراد دارای هویت دوگانه، دو باره می‌یاد و وجهی هستند. که به دلیل محدودیت در جامعه، صنف فرهنگ‌آموزی

و پروتکل دانشگاه‌ها، کمبود امکانات تفریحی در جامعه، اجباری بودن حجاب در جامعه، دچار این هویت شده‌اند.

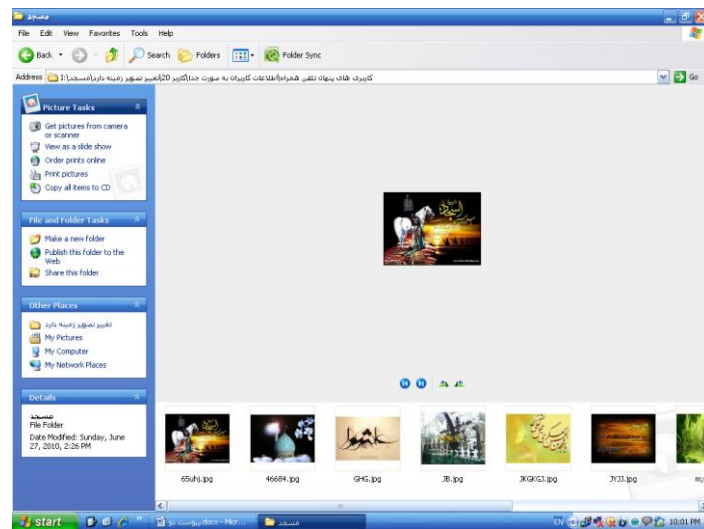
مثال: اکثر دوستان خودم وقتی خودم دارای این هویت هستم و آزادی خود را در شبکه‌های مجازی بروز می‌دهم.

تصاویر زیر نیز تصاویر صفحه پردازشگر تلفن همراه دو دانشجو در موقعیت‌های مختلف هست:

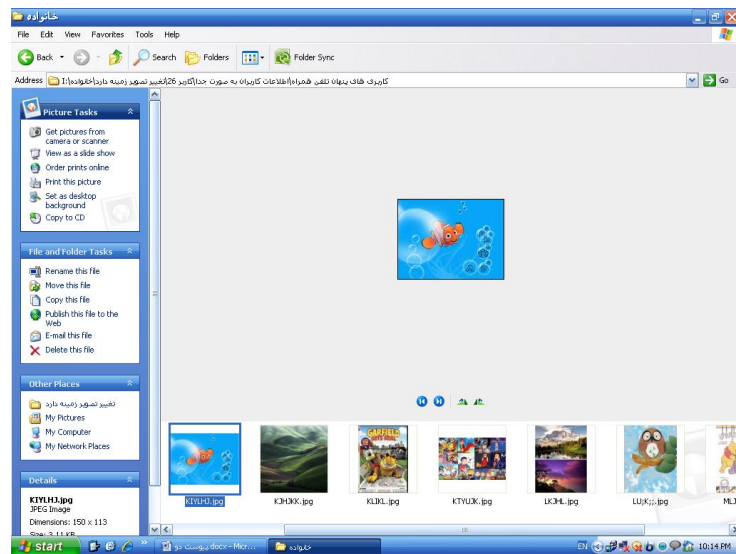
کاربر اول، تصویر صفحه پردازشگر تلفن همراه در بسیج



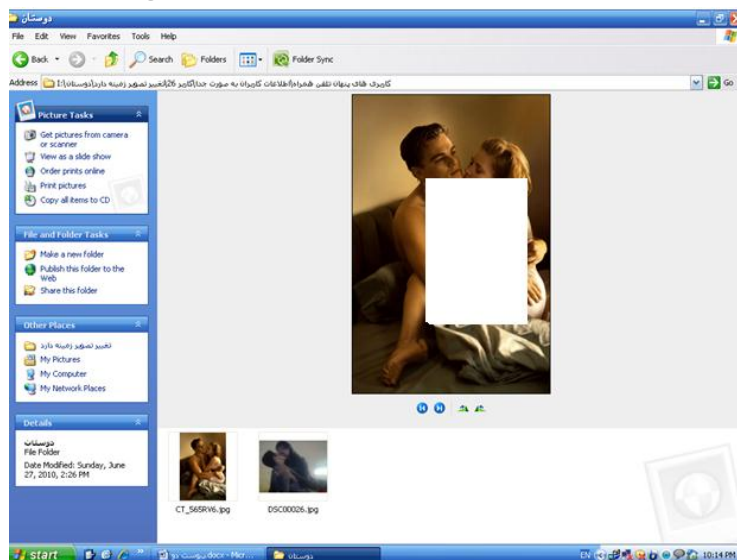
کاربر اول، تصویر صفحه پردازشگر تلفن همراه در مسجد



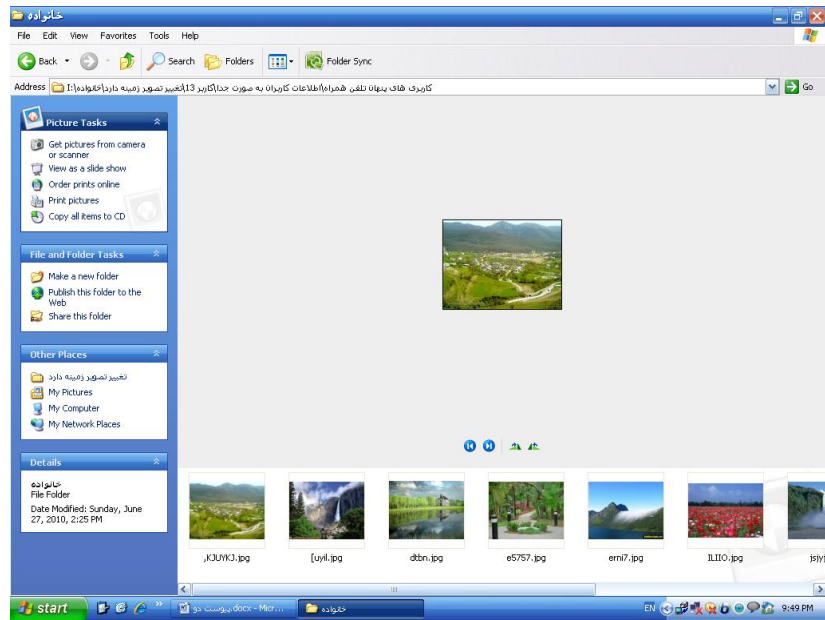
کاربر اول، تصویر صفحه پردازشگر تلفن همراه در خانواده



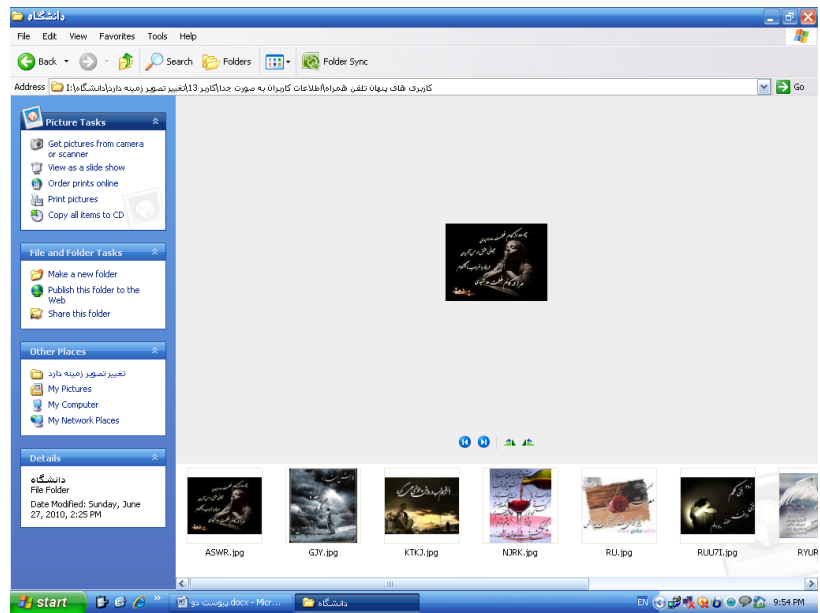
کاربر اول، تصویر صفحه پردازشگر تلفن همراه در جمع دوستان



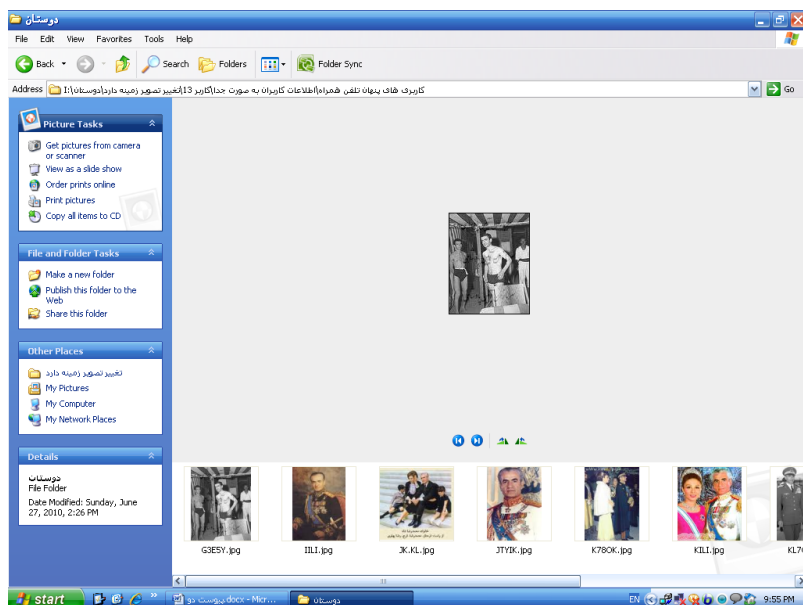
کاربر دوم، تصویر صفحه پردازشگر تلفن همراه در خانواده



کاربر دوم، تصویر صفحه پردازشگر تلفن همراه در دانشگاه



کاربر دوم، تصویر صفحه پردازشگر تلفن همراه در جمع دوستان



هویت معارض فرهنگی

از آخرین مرحله تحولی از تحولات هویتی جوانان می توان با عنوان «هویت معارض فرهنگی» یاد کرد. بررسی شواهد گردآمده از سطح نوجوانان و جوانان حکایت از آن دارد که هویت دوپاره یا دوزیست، در حال حاضر در حال تبدیل به هویت دیگری است که می توان از آن با عنوان «هویت معارض فرهنگی» یاد کرد.

نوجوانان و جوانان با ملاحظه مواردی مانند: نگاه منفی اولیای امور فرهنگی جامعه به فناوری های ارتباطی پیشرفته، لغو پی در پی کنسرت هایی که در آن ها قرار است از حافظ و مولوی خوانده شود، رو به کاستی نهادن اخلاق اجتماعی، اعتماد اجتماعی و کلاً سرمایه اجتماعی، فرونی گرفتن اختلاس ها و رانت خواری ها، لاینحل ماندن پارازیت های ماهواره ای که سلامت مردم را در جامعه تهدید می کند و موارد دیگری از این دست، به تدریج هویت دوپاره خویش را به کنار نهاده، به سمت هویت وحدت یافته ای سوق یافته و می یابند که وجه تعارض آمیز فرهنگی آن در قیاس با وجه سیاسی آن (که در جامعه حاضر متضمن هزینه های بسیار سنگینی است)، از وجه بارزتری برخوردار می باشد، زیرا فاقد هزینه های سنگین موضع گیری های سیاسی است.

آغاز بروز هویت معارض فرهنگی را شاید بتوان از مرگ مرتضی پاشایی به بعد در نظر گرفت، به این معنا که جوانان با وقوع مرگ مرتضی پاشایی، زمانی که شاهد برخورد بی تفاوت رسانه های دولتی در این جهت شدند، با بسیج خویش در فضای مجازی، دست به واکنشی پر شکوه و قابل تأمل از خود در مراسم تشییع جنازه پاشایی زده، بعضاً تصویر پرو فایل خویش در شبکه های اجتماعی را به تصویر وی آراسته یا سیاه کردند. به شکل مشابهی وقوع پدیده های دیگری مانند «ازدواج سفید» در جامعه و به سخره گرفتن مسوولان در فضای مجازی، از بروز هویت معارض فرهنگی در سطح جوانان خبر می دهد. به تعبیر دیگر بعد از گذشت چهل سال از وقوع انقلاب اسلامی، هویت زود بسته شده نخستین جوانان پس از رسیدن به نوعی از سردرگمی پهنه هویتی پنهان بدل شده، در ادامه نیمه پنهان هویت آنان، بارزتر گردیده، هویتی دوپاره را در آنان به معرض دید نهاده است و در حال حاضر شاهد بروز جوانه های هویت وحدت یافته و معارض به لحاظ فرهنگی در سطح جوانان هستیم.

هویت معارض فرهنگی هویتی است که خود را در تعارض با مسوولان نظام احساس می‌کند، ولی به سبب ترسی که از تبعات برخورد مستقیم با مسوولان نظام دارد، در نهایت برخوردی غیرمستقیم و عمدتاً فرهنگی با آنان را پیش می‌گیرد، زیرا به زعم بسیاری از جوانان هزینه برخوردهای فرهنگی در جامعه معاصر ایران، بسیار کمتر از برخوردهای مستقیم و اتخاذ مواضع سیاسی است.

نگارنده در پژوهشی با عنوان «بحران هویت دختران» که در سال ۱۳۸۲ به انجام رساند، با ارایه بیانات رهبران انقلاب طی پرسشنامه‌ای به جوانان، از آنان خواست تا میزان موافقت خود را به لحاظ نظری و عملی با موارد ارایه شده مشخص کنند که نتایج این پژوهش نشان داد، نمرات داده شده به پیشنهادات رهبران برای جوانان، ارقام بسیار پایینی است.

نگارنده در پژوهش دیگری با عنوان «روانشناسی نسل سوم» که در سطح ۵۰ شهر کشور اجرا شد و در سال ۱۳۸۳ به پایان رسید، در عمل نشان داد، جوانان در دورانی که هویت سردرگم، وجه غالبی یافته بود، رفته رفته به سمت قرائت متفاوتی میل می‌کنند و قرائت آنان در زمینه‌های دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، قرائتی متفاوت از نسل بزرگسال جامعه است.

نگارنده در کتاب «از هویت ایدئولوژیک تا هویت متعارض» (که حتی اجازه نشر محدود را هم نیافت) و در سال ۱۳۸۳ به تهیه آن مبادرت ورزید، از شکل‌گیری پدیده مقاومت فرهنگی در جامعه خبر داده، تغییر بیان سیاسی جوانان به بیان فرهنگی را مورد تأکید قرار داد.

پژوهش اخیر به مسوولان هشدار می‌داد، به نظر می‌رسد، بسیاری از جوانان به جای آن که هویت القایی اولیای امور را بپذیرند، در مواجهه با محدودیت‌ها اجتماعی و محدودیت‌هایی که متوجه آنان است، سر از هویت معارض در خواهند آورد. در اثر فوق تأکید شده است، زمانی که جوانان تربیون سیاسی را از دست بدهند، گوشه‌ای ساکت ننشسته، اعتراض خود را به شیوه‌های دیگر، از جمله مقاومت فرهنگی نشان خواهند داد. به این معنا که جوانان با هزینه یافتن اظهارنظرهای سیاسی (نظیر بحث حکم اعدام دکتر آقاچری در برابر نقدی که به روحانیت کرده بود) به جای اظهارنظرهای سیاسی، با پوشش، آرایش، تکه کلام‌ها، رفتارها و مانند آن‌ها، دیدگاه خود را به صورت فرهنگی مطرح می‌سازند. به تعبیر یکی از این پاسخ‌دهندگان پژوهش، هیچ‌گاه زنی به دلیل برداشتن روسری‌اش در جامعه، اعدام نشده است، بنابراین در صورت تعطیل شدن اظهارنظرهای سیاسی، اظهارنظرهای جوانان در چارچوب فرهنگی می‌تواند با هزینه بسیار کمتری مطرح شود.

نگارنده در سال ۱۳۸۳ با تهیه کتاب «رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب» (که بلافاصله بعد از نشر، ممنوع شد)، در عمل با اتکا به نظریه ناکامی - پرخاشگری اظهار داشت، با ادامه روند فعلی، جوانان ممکن است در برابر بسیاری از خواست‌های مسوولان مقاومت کرده، دست به نفی و انکار آن‌ها بزنند.

نظریه ناکامی - پرخاشگری که توسط دانشمندان دانشگاه ییل امریکا ارایه شد، دلالت بر آن دارد که با بروز ناکامی در فرد، باید انتظار پرخاشگری وی را داشت. البته باید به خاطر داشت که پرخاشگری می‌تواند حالت پرخاشگری پنهان یا آشکار را داشته باشد.

در پرخاشگری پنهان، خود فرد هدف پرخاش قرار گرفته، یأس، انزوا، اعتیاد، الکلیسم و حتی خودکشی، جلوه‌های این نوع از پرخاشگری را به معرض دید می‌گذارند.

اگر تبعات ناکامی را در سطح روان‌شناختی مورد بررسی قرار دهیم، مواردی همچون یأس، انزوا، اعتیاد، الکلیسم و حتی خودکشی، جلوه‌های بارز پرخاشگری منفعل و پنهان افراد به شمار می‌روند. البته الزاماً پرخاشگری پنهان، همواره به صورت پنهان باقی نمانده، ممکن است شکل پرخاشگری آشکار را به خود بگیرد.

پرخاشگری فعال مترادف با متوجه شدن پرخاش فرد به بیرون از خودش است. در حالت اخیر، اشیا و افرادی که در معرض پرخاشگری فرد قرار گرفته‌اند، شکسته و تخریب شده یا با زخم زبان، بدگویی، ناسزا، ضرب و شتم و حتی کشته شدن، مورد آسیب قرار می‌گیرند.

در مورد نظریه ناکامی - پرخاشگری باید توجه داشت که این نظریه عمدتاً سنخ روان‌شناختی داشته، مبتنی بر داده‌های روان‌شناختی شکل گرفته است و برای تعمیم آن به جامعه، باید دقت نظرهای زیادی را لحاظ کرد.

در تعمیم نظریه ناکامی - پرخاشگری به سطح جامعه، با توجه به شواهد اجتماعی، مشاهده می‌شود که به دلیل تهدید سیاسی که در پرخاشگری اجتماعی که مضمون سیاسی و ضد نظام پیدا می‌کند، وجود دارد، پرخاشگری اخیر در نزد بسیاری از افراد با تردید و تأمل روبرو می‌گردد. مضاف بر این، برخی از شواهد اجتماعی نظیر مهاجرت گسترده جوانان نخبه از کشور یا گسترش قابل تأمل روابط نامناسب بین دو جنس - حتی از قبل از بلوغ - دلالت بر آن دارند که در چارچوب نظریه ناکامی - پرخاشگری نمی‌توان رفتارهای اخیر را تبیین کرد. بنابراین به نظر می‌رسد تبدیل مدل، روان‌شناختی ناکامی - پرخاشگری، در سطح اجتماعی به مدل ناکامی - بی‌خیالی - پرخاشگری، چارچوب تبیینی مناسب‌تری را به دست بدهد. در مدل اخیر بی‌خیالی و پرخاشگری در دو سطح فعال و منفعل دیده می‌شود.

پرخاشگری فعال نظیر مدل روان‌شناختی، معادل تعارض فرهنگی شدید یا تعارض سیاسی با کلان نظام بوده و پرخاشگری منفعل به درهم شکستگی و پرخاش فرد به خود و گروه اجتماعی یا جامعه وی برمی‌گردد (نظیر این که ما مسلمان‌ها چقدر بدبخت هستیم).

عامل بی‌خیالی را نیز می‌توان در دو سطح فعال و منفعل دید. فرد در جریان بی‌خیالی فعال، دست به مهاجرت می‌زند. به این معنا که این افراد در مواجهه با مشکلات عدیده اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - عقیدتی موجود در محیط، بدون احساس علقه چندانی به میراث تاریخی و فرهنگی کشورش، و بدون توجه به علایق عاطفی که با اولیا و اطرافیانش دارد، برای بیرون بردن خود از مهلکه‌ای که فراروی خود احساس می‌کند، متوسل به مهاجرت (حتی مهاجرت غیرقانونی که در جریان آن ممکن است، افراد مهاجر در قایق‌های تویوبی در دریای مدیترانه غرق شوند) می‌شود.

اما در بی‌خیالی منفعل، فرد به دلایل عاطفی یا علقه‌های مشابه، و یا به دلیل فراهم نبودن امکان مهاجرت برای وی، دست به مهاجرت نزده، اما در برابر مشکلات متعدد اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - عقیدتی که وی را به نوعی از پوچ‌گرایی اجتماعی سوق می‌دهد، بی‌خیالی تام و تمام را پیشه خود خواهد کرد. در حالت اخیر، بیشترین احتمال ممکن در درجه نخست پناه بردن افراد به یک زندگی غریزی و در درجه بعدی اهمیت پناه بردن به یک زندگی مبتنی بر فراموش کاری است. در حالت نخست نوجوان یا جوان، در کشاکش برقراری روابط نامشروع و روابط متنوع از این حیث، تن خود را به دست غرایز می‌سپرد و در

حالت بعد جوان با مصرف مواد مخدر یا نوشیدنی‌های الکلی، ممکن است به نوعی دست به فراموشی دنیای اطراف خویش بزنند.

تحول ازدواج سفید به ازدواج صورتی و شکل‌گیری عشق دایره‌ای، افزایش گزینه‌هایی نظیر سوشال فرند، جاست فرند، داداشی و مانند آن به مقوله بوی فرندی که پیشترها به تنهایی برای افراد لایابالی وجود داشت، ایجاد گروه تلگرامی دانش‌آموزان دختر یک کلاس که در آن تجربیات جسمانی خود را برای دوستانشان مطرح می‌کنند، رد و بدل شدن ساده تصاویر برهنه دختران دانش‌آموز در فضای مجازی (که گاهی در برابر یک عبارت دمت گرم پسر مقابل صورت می‌پذیرد) و نظایر آن، شواهدی از بی‌خیالی منفی و درغلتیدن به یک زندگی غریزی را در جامعه به دست می‌دهد. به همین ترتیب افزایش میزان مصرف الکل و سوء مصرف مواد، شواهدی از بی‌خیالی منفی و درغلتیدن به وادی فراموش جهان و مافیها را در برخی از جوانان به دست می‌دهد. نکته اخیر به تبیین گسترش میزان روابط نامشروع و تحولات آن و افزایش میزان مصرف الکل و مواد مخدر در سطح جامعه می‌پردازد.

پرخاشگری فعال، در حال حاضر به صورت پرخاشگری فرهنگی در سطح فضای مجازی قابل رویت است. اما به نظر می‌رسد در شرایط بحرانی، پرخاشگری اخیر به پرخاشگری سیاسی بدل شود.

تحقق هویت سرمست یا ژن خوب

با تحقق انقلاب، مسوولان نظام پیشین در عمل جای خود را به مسوولان جدیدی دادند. فرزندان این افراد تازه به دوران رسیده در برخی از موارد سرمست از موقعیت پدر و امکانات و رانت‌هایی که وی از آن‌ها برخوردار است، بدون هرگونه تلاش و کوششی، به صرف اعتبار پدر در صدد بهره‌جویی از موقعیت پدر خود برآمدند که این اقدام نادرست، غالباً با نهدی و انکار اولیا مواجه نشد. از این رو آقا زاده‌ها بدون آن که متحمل کمترین تلاشی در جامعه شده باشند، با پشت سر گذاشتن افرادی که در شرایط مساوی، از ویژگی‌های قابل توجه و ارزشمندی نسبت به آنان برخوردار بودند، سرمست از شرایط پیش آمده، دست به رانت خواری زدند تا جایی که گاه بعضی از همین آقا زاده‌ها بیان می‌داشتند: «اگر مثل ما پول دارید، خوش بگذرانید و اگر پول ندارید، بروید بمیرید».

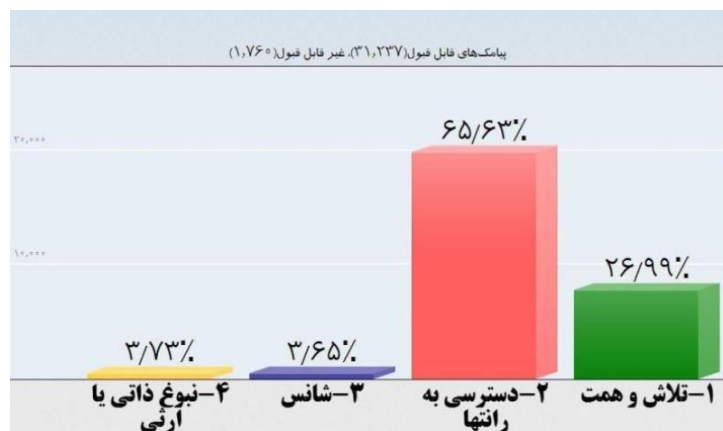
برخی آقا زاده‌هایی که خود را دارای ژن خوب دانسته و بهره‌وری از امکانات مختلف را حق خود می‌دانستند، به رقم زدن هویتی رسیدند که می‌توان از آن با عنوان هویت سرمست یاد کرد.



برخی از جوانانی که به سبب موقعیت مادی و اجتماعی پدران‌شان، امکانات گسترده‌ای در دسترس خود می‌بینند، هویتی سرمست یافته، دنیا را زیر سیطره خویش می‌بینند.

تلاش برای تأکید آن که این افراد تافته جدا بافته‌ای هستند و به همین ترتیب بی‌احترامی به دیگر اقشار اجتماعی از ویژگی‌های اولیه این دست از جوان‌ها به شمار می‌روند.

تصویر زیر نمایشگر نتیجه پژوهشی مقدماتی در زمینه پیشرفت افراد در جامعه است:



انعکاس هویت سرمست در فضای مجازی را می‌توان در مواردی مانند صفحه بچه پولدارها، شبکه‌های اجتماعی خاص آنان و یا نشر کلیپ‌های حاوی مضامین اخیر ملاحظه کرد.

خبرگزاری ایسنا در گزارشی درباره شبکه اجتماعی لوکسا پلاس می‌نویسد:

«پس از موجی که صفحه «بچه پولدارها» در شبکه‌های مجازی به راه انداخت، بار دیگر نوبت به طراحی نرم افزاری ویژه برای قشر ثروتمند و مرفه جامعه رسید. نام این شبکه اجتماعی «لوکسا پلاس» است. این شبکه اجتماعی اپلیکشنی برای قشر مرفه

است که می‌خواهد ضمن ایجاد ارتباط بین این افراد خدمات وی.آی.پی خاص خود را به آنان ارایه کند و محفلی خصوصی برای میلیونرها باشد.

یکی از تفاوت‌هایی که این شبکه اجتماعی دارد، پرداخت رقم چشم‌گیری برای عضویت در این نرم افزار است و افرادی که می‌خواهند از خدمات این شبکه اجتماعی استفاده کنند، باید یک میلیون و هفتاد هزار تومان هزینه ثبت نام بدهند. افراد در «لوکسا پلاس» فقط می‌توانند هر ۲۴ ساعت یک بار پست ارسال کنند و راه برداشتن این محدودیت هم این است که افراد پولدار بیشتری به اپلیکیشن دعوت شوند که به ازای دعوت هر نفر، یک ساعت از محدودیت زمانی پست‌ها کم می‌شود.

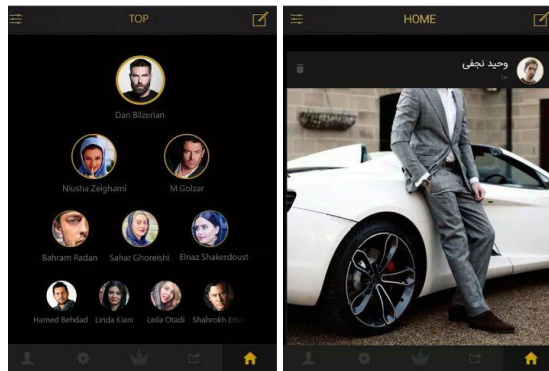
اعضای میلیونر این شبکه اجتماعی جدول رده‌بندی مخصوص به خود را هم دارند. کاربرانی که بیشترین لایک را دریافت کرده و افراد بیشتری را به اپلیکیشن دعوت کرده‌اند، دارای موقعیت بالاتری در جدول هستند. دکتر ابهری در مورد این شبکه اجتماعی بیان می‌دارد:

دنبال‌کننده‌های شبکه‌هایی همچون «لوکسا» با گذاشتن عکس‌های لوازم و اقلام مصرفی خود از جمله خودرو، ساعت‌های مارکدار، کفش و گوشی تلفن همراه، سعی می‌کنند فالوورها و لایک بیشتری دریافت کنند و برخی از فرزندان خانواده‌های پولدار که دغدغه‌ای جز نمایش خود و ملزوماتشان ندارند، در این فضا به جنگ با ساده‌زیستی رفته‌اند و تلاش گسترده‌ای در زمینه رقابت‌های ناسالم ایجاد کرده‌اند. همچنین بسیاری از افرادی که از این شبکه‌ها پیروی می‌کنند، اسب، سگ و گربه خود را با اعلام قیمت در معرض تماشا قرار می‌دهند و خدماتی نیز مانند معرفی ماساژور در منزل و آرایشگر برای خود و حیواناتشان درخواست می‌کنند».

تصاویر زیر به معرفی شبکه لوکسا پلاس می‌پردازند:

Discover Luxury Vibes

READ MORE



2.1 ★★★★★
99



mehdi bageri

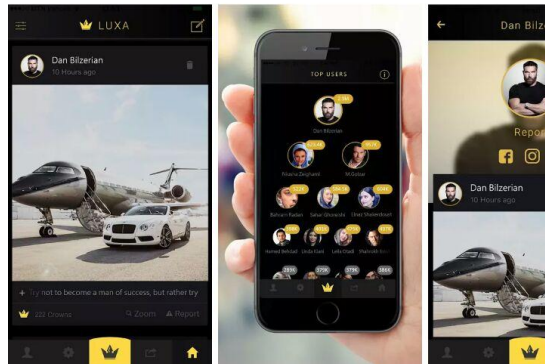
★★★★★ 05/10/2017

حالا اون بچه مایه هایی ک پولو دادین بگین ببینیم بعد
این ک میری تو برنامه چی میشه دو تومن بدب واسه
این ک ثابت کنی پولداری احمقانهست



Discover Luxury Vibes

READ MORE



2.1  99 



mehdi bageri

★★★★★ 05/10/2017



حالا اون بچه مایه هایی ک پولو دادین بگین ببینیم بعد
این ک میری تو برنامه چی میشه دو تومن پدب واسه
این ک ثابت کنی پولداری احمقانهست



آفتاب یزد (۱۳۹۷/۱۰/۱۸) در گزارش ماجرای کتک خوردن یک دختر تهرانی که برای دیدار با یک آقا زاده سیرجانی به این شهر رفته بود و در ادامه، از وی کتک خورده و این صحنه‌ها به شکل زنده در فضای مجازی پخش شده بود، می‌نویسد:

«فضای مجازی خیلی وقت است که پر شده از کلیپ‌هایی خشونت‌آمیز، کلیپ‌هایی که در آن حیوان آزاری‌های مختلف صورت می‌گیرد، کارتن خواب‌ها را آتش می‌زنند یا برای هم رجز می‌خوانند و دعوا می‌کنند! روز گذشته نیز کلیپی در فضای مجازی منتشر شد که در آن پسری در سیرجان، اقدام به ضرب و شتم یک دختر می‌کرد. کلیپی که باز نشر زیادی داشت و با واکنش‌های بسیاری نیز همراه بود، اما این همه ماجرا نیست! شاید خیلی‌ها فکر کنند که فضای مجازی دلیل اصلی چنین رفتارهای خشونت‌آمیزی است، اما کارشناسان بر این باورند که خشونت از دل جامعه به فضای مجازی منتقل می‌شود، نه این که از فضای مجازی به جامعه منتقل شود! در واقع اگر امروز فضای مجازی وجود نداشت، این جوان که خشونت در رفتار او پدیدار می‌کند، مسلماً ابزار دیگری برای ابراز آن پیدا می‌کرد و تنها اتفاقی که می‌افتاد این بود که هیچ کس از حجم خشونت انباشته شده در این جوان، آگاهی نمی‌یافت و چه بسا بعدها دست به کارهای خطرناک‌تری می‌زد و افراد بیشتری را قربانی خشم درونی خود می‌کرد!».

استقبال از فرهنگ جهانی

پدیده جهانی شدن، نخست در حوزه اقتصاد مطرح و با توسعه جهانی بازارهای اقتصادی همراه شد، اما بلافاصله با تأثیرپذیری از انقلاب رایانه‌ای و فناوری‌های پیشرفته ارتباطی، عرصه آن به حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی و سیاسی نیز تسری یافت.

با وقوع پدیده جهانی شدن، بالطبع از تأثیر نهادهای جامعه‌پذیر کننده داخلی کاسته شده، بر اهمیت نهادهای جامعه‌پذیر کننده خارجی که پیشتر چندان به حساب نمی‌آمدند، به تدریج افزوده خواهد شد و نهادهای اخیر در شکل بخشیدن به افکار، احساسات و عواطف جوانان از اهمیت و نقش بسزایی برخوردار می‌گردند.

جهانی شدن از منظرهای مختلف تعریف شده است. برخی آن را مترادف «رنگ باختن زمان و مکان دیده، جهانی شدن را درهم فشردن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل» (رابرتسون، ۱۳۸۰؟، ترجمه پولادی، ۱۳۸۰) تعریف کرده‌اند. بعضی از جهانی شدن با عنوان «عرصه‌ای که دیگر آنجایی وجود ندارد و هر چه هست، همینجا است» یاد کرده‌اند و برخی از منظری انتقادی‌تر، «جهانی شدن را مترادف غربی شدن گرفته و مسلط شدن ارزش‌های غربی خاصه آمریکایی دانسته‌اند» (لاتوش، ۱۳۷۹؟، ترجمه رضایی، ۱۳۷۹).

گیدنز جهانی شدن را بسیار پیچیده‌تر و غیر متمرکزتر از آن می‌داند که بتوان ادعای کنترل بر آن داشت (گیدنز، ۱۳۷۹؟، ترجمه سعیدی و حاجی عبدالوهاب، ۱۳۷۹) و سریع القلم (۱۳۸۰) «این پدیده را امری اجتناب ناپذیر، و نه یک انتخاب برمی‌شمرد»، اما در عین حال غالب نظریه‌پردازان بر این امر وفاق دارند که جهانی شدن، در عین حال که هویت‌سازی سنتی را مخدوش و مختل می‌سازد، امکانات و بسترهای جدیدی برای بازسازی هویت فراهم می‌آورد. از این رو فرایند جهانی شدن صرفاً بحران-آفرین نیست، بلکه ابزارهای کارآمدی را برای گذر از بحران عرضه می‌کند. مسأله اخیر سبب می‌شود که برخی از نظریه‌پردازان در بحث پیامدهای جهانی شدن، آن را موجد «آزادی و اضطراب» و «فرصت و خطر» بدانند و از دیالکتیک جهانی شدن سخن

به میان بیاورند (گل محمدی، ۱۳۸۰) و برخی از مسأله اخیر به عنوان «مهم‌ترین، ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین مسأله فکری، فرهنگی و فلسفی که کلیه متفکران و صاحبان اندیشه باید بدان بپردازند» (عبدالکریمی، ۱۳۸۰)، یاد می‌کنند.

مقاله «جهانی شدن و بحران هویت»، ضمن توصیف تبعات جهانی شدن که با از دست رفتن مفاهیم زمان، مکان، فضا و نسبی شدن فرهنگ، تکثرگرایی و تسامح توأم است، در بررسی تحولات هویتی افراد، از هر دو بعد خطرآفرین و فرصت آفرین جهانی شدن، به شرح زیر یاد می‌کند:

«فرایند جهانی شدن با دگرگون ساختن شرایط و چارچوب سنتی هویت سازی و تضعیف و تخریب عوامل و منابع سنتی هویت، هویت سازی را در جهان کنونی دشوار و مسأله ساز کرده است.

فرایند جهانی سازی با برهم زدن رابطه مکان و فضا، کار ویژه هویت سازی مکان را مختل ساخته است. انسان‌شناسان همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که مکان، محل و سرزمین برای مردم بسیار اهمیت دارد، چرا که آنان از توانایی هویت سازی بسیار بالایی برخوردارند. به بیان دیگر، مکان و فضا از آن رو برای افراد و گروه‌های مختلف مهم هستند که عناصر و اجزای اصلی هویت را تأمین می‌کنند.

مکان، دنیایی نسبتاً کوچک، با ثبات و آشنا را برای افراد و گروه‌های انسانی فراهم می‌سازد و به سبب ثباتش، با تأمین نیاز به تداوم داشتن و پایدار بودن، منبع مهمی در فراهم آوردن هویت به شمار می‌آید.

در گذشته، مرزهای سرزمینی عینی، مشخص و معین بود، از سوی دیگر فضای اجتماعی نیز مرزهایی کم و بیش نفوذ ناپذیر داشت و میزان همبستگی و انسجام اجتماعی هم بسیار بالا بود. در واقع جوامع سنتی، دنیاهایی کوچک و منسجم بودند که تمام عوامل و منابع هویت بخش به واسطه مکان، کار ویژه هویت سازی را به خوبی انجام می‌دادند. اما در عصر حاضر، سرزمین زدایی و محل زدایی، از پیامدهای مهم جهانی شدن هستند که رابطه طبیعی فرهنگ و هویت با قلمروهای جغرافیایی را از بین می‌برند. در فرایند جهانی شدن، زمان هم که یکی دیگر از عوامل هویت ساز به شمار می‌رود، دچار تحولات عمده‌ای شده است.

هویت بر تداوم استوار است و تداوم هم در چارچوب زمان معنا می‌یابد، حتی اگر تداوم به معنای منطقی آن باشد، زمان مکان مند، زمان خطی بود که فرد، همراه با دیگر اعضای جامعه، گذشت آن را آگاهانه و مشترک تجربه می‌کرد. در چنین شرایطی انسان‌ها به آسانی می‌توانستند گذشته خود را بازشناسی کرده، آن را با حال پیوند زنند تا به نوعی احساس تداوم و ثبات فردی و جمعی در طول زمان دست یابند.

ولی در فرآیند تجدد و جهانی شدن، همان گونه که فضا نابود می‌شود، زمان نیز تداوم را از بین می‌برد. تحت تأثیر این فرایند، زمان چنان فشرده می‌شود که دیگر نمی‌تواند در خدمت هویت‌هایی خاص قرار گیرد.

این فشردگی و تحول پدیدارشناسانه، زمان را از مقوله‌ای خطی و کرونولوژیک به حال بی پایان تبدیل می‌کند. جهان در چارچوب یک فضای صاف و نامتمایز فشرده می‌شود و نوعی دنیای لحظه‌ای پدید می‌آید. پیوند میان یک گذشته مشترک و یک حال مشترک از بین می‌رود و نظم سنتی مبتنی بر مکان‌های انحصاری و تداوم‌های معنابخش و هویت ساز نابود می‌شود.

فرهنگ نیز تحت تأثیر فرایند جهانی شدن، در بحرانی جدی گرفتار آمده است.

در گذشته فرهنگ نه تنها مرزهای شفاف و پایداری را ایجاد می‌کرد، بلکه در عرضه کردن نظام‌های معنایی منسجم و آرامش بخش هم توانا بود. بنابراین انسان‌هایی که در دنیای شکل یافته با فرهنگی معین قرار می‌گرفتند، خود به خود و منفعلانه وارث هویت و نظام معنایی آماده و از پیش موجود می‌شدند و هرگونه زمینه بحران هویت از بین می‌رفت. از سوی دیگر مرزهای واحدهای کوچک اجتماعی، غالباً با مرزهای فرهنگی انطباق داشتند و یکدیگر را تقویت می‌کردند. بدین ترتیب نیروی بازدارنده و محدود کننده مکان، فرهنگ را نیز در دایره تنگ خود محصور می‌ساخت و با پیوند زدن آن به یک واحد اجتماعی معین، دنیایی کوچک و نسبتاً بسته را پدید می‌آورد که مرزهای آن تقریباً نفوذناپذیر بود. به علاوه، از آن جا که در گذشته فرهنگ‌های بدیل و رقیبی وجود نداشت و دگرگونی‌های فرهنگی نیز بسیار ناچیز بود، نیاز هویتی انسان‌ها به مراجع ثابت و مطلق به خوبی تأمین می‌شد، اما در عصر جهانی شدن، دنیایی بدون مرز پدید می‌آید و اجزا و عناصر فرهنگ‌های مختلف، به صورتی گریزناپذیر با هم برخورد کرده، در کنار هم قرار می‌گیرند. دنیای نسبتاً بسته ادیان خاص، بیش از پیش، به روی سایر ادیان باز می‌شود. آداب و سنن و الگوهای مختلف زندگی، به واسطه فناوری‌های پیشرفته ارتباطی و حمل و نقل، اقصی نقاط جهان را در می‌نوردند. قومیت‌های متفاوت هم در نتیجه مهاجرت‌ها، مسافرت‌ها و ارتباطات با واسطه، در نواحی مختلف جهان پراکنده می‌شوند. بنابراین ثبات و خلوص فرهنگی کم و بیش از بین می‌رود و نوسان، سیالیت و اختلاط جایگزین آن می‌شود و بدین ترتیب مطلق‌گرایی فرهنگی به شدت متزلزل می‌گردد.

بنابراین با توجه به تحولاتی که با توجه به مسأله جهانی شدن برای جوامع پیش می‌آید، از آنجا که هویت‌یابی سنتی دستخوش تزلزل شده است، نوعی از بحران هویت و معنا، در جوامع و انسان‌ها پدید می‌آید و احساس موقتی و متغیر بودن، بر ذهن آدمی سایه انداخته، امنیت و آرامش ناشی از وحدت و تداوم داشتن رخت برمی‌بندد. از سوی دیگر از آنجا که منابع و گزینه‌های هویتی که در چنین شرایط عرضه می‌شوند، نه تنها متعدد و متنوع هستند، بلکه گاهی در تعارض با یکدیگر نیز قرار گرفته، هویت افراد را هرچه بیشتر به نسبی بودن نزدیک می‌سازند... اما امروزه اهالی منزوی‌ترین و دورافتاده‌ترین واحدهای اجتماعی جهان نیز با منابع فراوان و گوناگون هویت، آشنا هستند. این افزایش منابع هویت در واقع به معنای تولید انوعی از مکان‌ها و موقعیت‌های جدید هویت‌سازی است که هر فردی کم و بیش می‌تواند با بهره‌گیری از آن‌ها، خویش را بازسازی کند.

فرایند جهانی شدن نه تنها منابع هویت، بلکه امکانات هویت‌سازی را نیز افزایش می‌دهد و آزادی عمل فرد را هم در این عرصه به شکل چشم‌گیری بالا می‌برد. فرد در جوامع سنتی معمولاً به صورتی منفعلانه هویت می‌یافت و ناخودآگاه و خود به خود، میراث دار هویتی می‌شد که در طول زندگی چندین نسل حفظ شده بود. این انفعال تا حدود زیادی از محدود و اندک بودن منابع هویت ناشی می‌شد. در چنین شرایطی «تولید روایت‌های بدیل از خویش‌شن بسیار ناچیز بود و نوگرایی و بدعت با واکنش منفی مواجه می‌شد» (گل محمدی، ۱۳۸۰).

منتظر قائم (۱۳۸۰)، ضمن تأکید جبری بودن فرایند جهانی شدن، سایه گستر شدن تکثرگرایی در جامعه و تحولات بنیادی رابطه حکومت و شهروندان، از قدرت پیدا کردن مخاطبان در برابر رسانه‌ها سخن گفته، یادآور می‌گردد: رفته رفته بسیاری از مخاطبان توان آن را می‌یابند که شخصاً تصمیم بگیرند چه محتوایی را مصرف کنند.

به شکل مشابهی آلبرو خاطر نشان می‌سازد که فرایند جهانی شدن با گسترش و افزایش دادن روابط اجتماعی، خود هویت-سازی را رایج ساخته است (گل محمدی، ۱۳۸۰).

مضاف بر اثرات فضای مجازی که جهانی شدن فرهنگ را به جوامع مختلف دیکته می‌کند، باید از افزایش سفرهای خارجی ایرانیان در جهان نیز به عنوان عامل مهم دیگری که جهانی شدن فرهنگ را در شهروندان ایرانی دامن می‌زند، یاد کرد. به این معنا که افرادی که پیوسته در حال حرکت و نقل مکان فیزیکی هستند، اغلب در خودشناسی خود نیز در حال حرکت و تغییراند. این بدان معنا است که سفرهای دور و جابه‌جایی‌های مکانی دوره‌ای، یکی از سازوکارهای کلیدی تحولات دوران مدرن به شمار می‌روند. در واقع، بخش قابل توجهی از تغییرات فردی و اجتماعی رخ داده در دوران معاصر، به نحوی بی‌واسطه یا باواسطه از ارتباطات میان فرهنگی رخ داده در فرایند مسافرت‌ها متأثر بوده است.

گزارش سالانه اتحادیه هتلداران ترکیه که اخیراً منتشر شده است، آمار گردشگران ایرانی ترکیه در سال ۲۰۱۷ را بیش از ۲/۶۵ میلیون نفر شمارش کرده است (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۶). بعد از ترکیه نیز، دوی و آذربایجان مقاصد محبوب دیگری هستند که مطابق با آمار معاونت توسعه گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، بیشترین سهم از جمعیت ۹ میلیونی گردشگران تفریحی مقیم ایران را به خود اختصاص داده‌اند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶).

به اعتقاد برخی از متفکران، اگرچه جهانی شدن در عرصه فرهنگ، به امریکایی شدن جهان می‌انجامد، اما همین مسأله فرایند معکوسی در زمینه هویت‌یابی اقوام مختلف ایجاد کرده، هویت‌های محلی و ملی با هدف مقابله با امریکایی شدن جهان، تحریک شده، گسترش می‌یابند. به عبارت دیگر جهانی شدن در عین تضعیف قومیت‌گرایی و منطقه‌گرایی، به نوعی در تقویت آن نیز مؤثر واقع می‌آید.



در ایران به سبب آن که جوانان به میزان زیادی نسبت به خط‌مشی‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی - سیاسی مسوولان نظام نقد دارند و نقد آن‌ها غالباً گوش شنوایی پیدا نمی‌کند، اقشاری از جوانان که رهاورد انقلاب اسلامی را برای خود فقر معیشتی، نبود کار، بحران سیاسی و اقتصادی و سردرگمی‌های فرهنگی می‌دانند، به جای سود بردن از فرصتی که مقوله جهانی شدن در اختیار آنان قرار داده است تا با طرح ویژگی‌های فرهنگی جامعه خویش، فرهنگ خود را در دید جهانیان به نمایش بگذارند، بیشتر جذب جلوه‌های پر زرق و برق فرهنگ امریکایی شده‌اند که فقر، فقدان امنیت و نبود شادی در آن کمتر از فرهنگ

خودی به چشم می‌خورد و بنابراین در مواجهه با جهانی شدن فرهنگ، بیشتر از آن که مدافع فرهنگ انسانی و خدامدار خویش باشند، در اثر محرومیت‌های زیادی که خود را با آن‌ها مواجهه می‌بینند، فرهنگ انسان‌مدار غرب را که فرهنگ جهانی را پوشش می‌دهد، مورد توجه خود قرار دهند.

جابه‌جایی مراجع ارزشی جوانان

در جهان واقع اقشار مختلفی وجود دارند، اما در یک طبقه‌بندی بسیار کلی می‌توان این اقشار را به چهره‌های اثرگذار سنتی (مانند افراد شاخص فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی)، چهره‌های ورزشی - هنری مطرح در جامعه و افراد معمولی تقسیم‌بندی کرد.

با بروز، نمود و گسترش فضای مجازی در غرب، طبقات پیش‌گفته عیناً در فضای مجازی حاضر شدند و بالطبع به همان صورتی که در فضای واقعی اثرگذار واقع می‌شدند، در فضای مجازی نیز اثرگذار واقع شدند، اما به سبب دید مبتنی بر نفی و انکار مسوولان ایرانی نسبت به فضای مجازی، چنین امری در محیط ایران به وقوع نپیوسته است و چهره‌های شاخص سنتی مانند دانشمندان، ادبا، سیاست‌مداران و مانند آن‌ها در فضای مجازی حضور پیدا نکرده‌اند.

نگارنده در یک جمع دانشگاهی شاهد آن بود که یکی از استادان دانشگاه بیان می‌داشت، زمانی که وی می‌خواست وارد فضای مجازی شده، به دلالت جوان‌ها بپردازد، همکاران دانشگاهی وی بیان می‌داشتند: «دست از این قرتی بازی‌ها بردار». با عدم حضور چهره‌های شاخص سنتی در فضای مجازی، در کنار چهره‌های ورزشی و هنری که مانند جهان واقع، در فضای مجازی نیز حضور یافته‌اند، افراد معمولی یا اینفلوئنسرها در فضای مجازی نقشی پررنگ‌تر یافته‌اند و در این فضا مؤثر واقع آمده‌اند.

در شبکه اجتماعی اینستاگرام، در حال حاضر ۸۵ مورد از ۱۰۰ صفحه فارسی پرطرفدار (بالای یک میلیون عضو)، متعلق به سلبریتی‌ها و ستارگان هنری یا ورزشی جوان، خوش‌چهره و خوش‌اندام است (آسنت وی، ۱۳۹۷)، و چهره‌های مشهور سیاسی، اجتماعی، دینی، علمی، ادبی، تاریخی و... هیچ جایگاهی در میان فهرست صفحات پرطرفدار شبکه اجتماعی اینستاگرام ندارند. در این میان، «مهناز افشار، رامبد جوان، بهنوش بختیاری، الناز شاکردوست، سحر قریشی» هر کدام با بیش از شش میلیون نفر عضو دارای بیشترین بازدید در شبکه اینستاگرام هستند. بعد از این افراد نیز، «ترانه علیدوستی، بهنوش طباطبایی، محمدرضا گلزار»، هر کدام با بیش از پنج میلیون نفر عضو، در رتبه‌های بعدی صفحات پربازدید شبکه اینستاگرام قرار دارند. و سرانجام «گلشیفته فراهانی، امیر تلو، بهرام رادان، رضا عطاران، علی دایی، ابی، یاس، علی کریمی، شهاب حسینی، مهرآه شریفی‌نیا و شادمهر عقیلی»، هر یک با بیش از سه میلیون نفر عضو، صاحب رتبه‌های بعدی صفحات فارسی زبان میلیونی در شبکه اینستاگرام هستند (همان).

تصاویر زیر مؤید مباحث پیش‌گفته هستند:

پر طرفدارترین پیج های اینستاگرام ایران

کدام برند ها بهترین عملکرد را داشته و بیشترین مشارکت را جذب کرده اند؟

موفق های اینستاگرام را بشناسید

استت رنگ، بخش رتبه بندی است وی، امکان **مقایسه برندهای مشهور در اینستاگرام** را از دیدگاه های مختلف فراهم آورده است. شما می توانید برند ها را براساس میزان جذب مخاطبان، لایک، کامنت و درصد مشارکت به راحتی مقایسه کنید. همچنین تجزیه و تحلیل های دقیق تر را در صفحات مخصوص به هر یک از برندها ببینید.

برند	دسته بندی	دنبال کننده ها	درصد مشارکت	تعداد پست ها
۱	میکران	mahnaz_afshar	۱.۹۴%	۴۲۴
۲	میکران	rambodjavan1	۲.۱۴%	۲,۳۸۰
۳	میکران	behnoosh_bakhtiar	۰.۶۰%	۱,۹۶۰
۴	میکران	elnazshakerdoost	۲.۱۳%	۷۷۴
۵	خدمات آنلاین	radiojavan	۱.۰۱%	۸,۱۰۶
۶	میکران	saharghoreyshiofficialpage	۱.۳۵%	۲۲
۷	میکران	rezagolzar	۲.۳۰%	۱,۳۰۵
۸	میکران	golfarahani	۲.۸۹%	۴۴۸

۹	میکران	behnoushtabatabai	۱.۶۲%	۳۶۷
۱۰	میکران	taraneh_alidoosti	۲.۴۱%	۲۶۰
۱۱	خودنگار	armintwoafm	۲.۳۳%	۵۴۴
۱۲	میکران	bahramradan	۱.۲۲%	۱,۱۸۲
۱۳	میکران	parvizparastoei	۲.۸۵%	۱,۶۱۳
۱۴	خودنگار	amirtataloo	۰.۵۳%	۱۸,۴۴۹
۱۵	خودنگار	ebi	۳.۴۲%	۱,۲۹۳
۱۶	فولپایست	aliiiiiikarimiA	۸.۱۴%	۲۲۸
۱۷	فولپایست	alidaei	۹.۴۹%	۹۰
۱۸	خودنگار	realshadmehr	۵.۴۲%	۶۳۸
۱۹	خودنگار	yastunes	۲.۸۱%	۳۰۰
۲۰	خودنگار	tohi	۳.۰۵%	۸۳۲

چ ها

برترین ها

یک روز پیش

یک هفته پیش

ست ها

برترین ها

یک روز پیش

چ ها

برترین ها

یک روز پیش

یک هفته پیش

ست ها

برترین ها

یک روز پیش

با توجه به آن که نتایج یک پایان نامه دانشگاهی، از الگوپذیری و تأثیرپذیری دانش آموزان تهرانی از سلبریتی‌ها در موضوع‌هایی چون ژست، هنجارهای رفتاری و ظاهری، برند، فراغت و مصرف فرهنگی حکایت دارد (حق پناه، ۱۳۹۵)، می‌توان نتیجه گرفت با حذف چهره‌های سنتی اثرگذار فضای واقعی در فضای مجازی، در عمل جای آن‌ها را چهره‌های هنری-ورزشی و عادی پر کرده‌اند که عمدتاً با اتکا به ظواهر صوری خویش در سطح جامعه مطرح شده‌اند، نه به دلیل ارزش‌های علمی و فرهنگی که چهره‌های سنتی فضای واقعی از آن برخوردار بودند.

دفاع از فرهنگ لذت‌مدار

فرهنگ اومانیستی یا انسان‌مدار، با قرار دادن انسان در مرکز هستی، در عمل تحقق لذات وی را هدف خویش قرار داده است، در حالی که فرهنگ الهی با قرار دادن خدا در مرکز هستی، ارزش‌های الهی را به عنوان غایت رشد و تعالی انسان‌ها مطرح ساخته است.

با سیطره فضای مجازی که موطن آن فرهنگی انسان‌گرا است، باید انتظار داشت که ارزش‌های مبتنی بر لذات انسانی این فرهنگ، در کاربران آن اثرگذار واقع شده، آنان را به سمت لذت‌گرایی‌های جسمانی سوق دهد.



سیطره فرهنگ انسان‌مدار از سویی و سرخوردگی‌های اقتصادی-اجتماعی مردم در فضای جمهوری اسلامی از سوی دیگر سبب شده است که جوانان بسیاری با غیرواقعی‌ارزیابی کردن آنچه مسوولان جمهوری اسلامی از آن دم می‌زنند، بیش از پیش به سمت و سوی ارزش‌های لذت‌گرایانه و فرهنگ لذت‌مدار سوق یابند.

بررسی گروه‌هایی که دانشجویان گروه‌های مختلف درسی به تشکیل آن اقدام کرده‌اند، نمایانگر آن است که دانشجویان مزبور در کنار مبادلات درسی خویش، با گذاشتن استیکرهایی از دانشمندان و افراد مشهور که متن‌های غیراخلاقی دارند یا با گذاشتن فیلم‌ها و عکس‌هایی درباره‌ی بی‌بندوباری افراد معروف جامعه در عمل می‌کوشند تا به نوعی از استقبال خویش از فرهنگ لذت‌مدار دفاع کنند.

تحول روابط دختر و پسر در جامعه

بررسی روابط دختران و پسران نوجوان و جوان با یکدیگر در دهه چهارم انقلاب دلالت بر آن دارد که روابط اخیر رنگ و بوی متفاوتی از گذشته یافته، ضمن گسترش و تعمیق روابط، به نوعی تنوع نیز رسیده است. به این معنا که در کنار عبارت «دوست دختر و پسر»، عبارات دیگری مانند «داداشی»، «سوشال فرند» یا «دوست اجتماعی»، «جاست فرند» و «سکس فرند» نیز مطرح شده‌اند.

در یک بررسی میدانی که توسط گروه پژوهش در سطح دانشجویان دختر صورت پذیرفت، دانشجویان مزبور تفاوت عبارات داداشی، سوشال فرند یا دوست اجتماعی، جاست فرند، دوست دختر و پسر و سکس فرند را به شرح زیر بیان داشتند.

داداشی

برخی از دانشجویان اظهار می‌داشتند عبارت داداشی، عبارتی برای شروع رابطه با جنس مخالف در سطح دختران مدرسه ای و دبیرستانی هست. یکی از مصاحبه شوندگان در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«به نظرم داداشی توی دخترای دبیرستانی بیشتره. یعنی میان با پسرای بزرگ‌تر از خودشون دوست می‌شن. بعد خب پسرهام شاید اصلاً این دختر واسش مهم نباشه. فقط جزء کسانی باشه که باهاشون وقت می‌گذرونه. دخترای دبیرستانی هم چون هم بچه ان و هم احساس و هم عقلشون خوب رشد نکرده می‌بینن نه می‌تونن دوست دختر این پسر باشن، و نه دلشون میاد ازش جدا شن. واسه همین اسمش رو می‌ذارن داداشی».

اما برخی از دانشجویان بیان می‌داشتند، عبارت داداشی در عین آن که بیانگر شروع روابط دختر و پسر در سطح برخی از نوجوانان هست، به نوعی تأکید دختران بر این نکته است که دوست پسرشان را تنها به صورت یک برادر تصور می‌کنند، و وی نباید انتظار خاصی مانند روابط جسمانی و عاشقانه را با او داشته باشد. این تمهید سبب می‌شود دختر مورد نظر با پسران دیگر روابط دلخواه خودش را شکل بدهد.

دوست اجتماعی یا سوشال فرند

روابطی که با عنوان دوست اجتماعی تعریف می‌شوند، برخلاف روابط دوست دختر و پسر که می‌تواند عاشقانه بوده و با هدف ازدواج صورت پذیرد، فاقد وجه عاشقانه و انتظار به انجام رسیدن به صورت ازدواج هستند.

روابط دوست اجتماعی در سطح محیط دانشگاه و موارد مشابه پدید آمده، برخی معتقدند این دوستی‌ها تنها باید در حد فضایی باشد که فرد در آن قرار دارد و نباید به بیرون از فضای دانشگاه یا محل مورد نظر کشیده شود. اظهار نظرهای زیر، متعلق به دو دختر دانشجوی در ارتباط با دوست اجتماعی است:

«خب دوست واسه همینه که به هم کمک کنیم دیگه، حالا ممکنه که مثلاً به پیام قشنگی اگه باشه واسه هم بفرستیم. یا به پیام خبری باشه یا به آهنگ قشنگی باشه هم واسه هم می‌فرستیم».

«دوستی اجتماعی من در حد همینه که خب از طرفم کمک می‌گیرم یا اگه به کمک احتیاج داشته باشه، حتماً کمکش می‌کنم، یعنی تنها زمانی که به مشکلی برخورد کنم، بهشون پیام می‌دم، اونا هم همین طور».

البته لازم به یادآوری است که در سطح دختران دهه ۷۰، باز بودن بیشتری نسبت به دختران دهه ۶۰ نسبت به روابط عاطفی و جسمانی دو جنس وجود دارد و دختران دهه ۷۰ قایل به برخی از موارد جسمانی در روابط خود به عنوان دوست اجتماعی هستند.

عبارت دوست اجتماعی در عمل سبب می‌شود دختران و پسران با افراد متعددی از جنس مخالف رابطه برقرار کنند و روابط اجتماعی خویش را نیز عاری از روابط عاطفی معرفی کنند.

در این میان، مفهوم دوست اجتماعی مستمسک برخی از پسران شده، پس از سوءاستفاده آنان از دوست دخترشان، با بیان این که من از همان ابتدا به تو گفتم که ما با هم دوست هستیم و عاشق هم نیستیم، یعنی من همان طور که گریه را دوست دارم، تو را دوست دارم، بنابراین در روابطی که داشته‌ایم، هر دو لذت برده‌ایم و دیگر تو نباید انتظار خاص اضافه‌ای مانند تبدیل رابطه دوستی به روابط عاطفی و ازدواج را از من داشته باشی. در هر صورت دوست اجتماعی از منظر بسیاری از دختران رابطه‌ای امن‌تر از روابط بوی فرند و گرل فرند است.

جاست فرند

تعاریف ارایه شده در زمینه جاست فرند، از دامنه نوسان بیشتری تا تعبیر دیگر روابط دوستی دختران و پسران برخوردار است، به این معنا که برخی آن را در سطحی بالاتر از دوست اجتماعی دیده و برخی آن را پایین‌تر از سطح روابط دوست اجتماعی دیده‌اند.

افرادی که جاست فرند را در سطحی بالاتر از دوست اجتماعی تعریف کرده‌اند، بر این نکته تأکید می‌ورزند که جاست فرند در بستر دوست اجتماعی شکل گرفته، روابط صمیمی و عمیق‌تری را برای دختر و پسر در گیر در رابطه ایجاد می‌کند، اما کسانی که سطح روابط جاست فرند را پایین‌تر از دوست اجتماعی تعریف می‌کردند، روابط مبتنی بر جاست فرند را روابطی دقیقاً شبیه دو هم جنس می‌دانستند که ضمن داشتن حس مثبت به یکدیگر به هم انرژی مثبت داده و در مواقع ضروری به کمک هم می‌شتابند.

دوست دختر و پسر

روابط دوست دختر و پسر از دید مصاحبه‌شوندگان، روابطی تعریف می‌شود که در آن روابط عاطفی، تعهد، اعتماد و صداقت در حد بالایی وجود دارد و این روابط می‌تواند به ازدواج بینجامد. هر چند دختران دهه ۷۰، هدف ازدواج را در روابط دوست دختر و پسر، کم رنگ‌تر از دختران دهه ۶۰ می‌بینند و برخلاف دختران دهه ۶۰ که شکل‌گیری روابط دوست دختر و پسر را در صورتی می‌پذیرند که به ازدواج منجر شود، دختران دهه ۷۰ در قید این الزام نیستند. بالطبع دختران دهه ۶۰ و ۷۰ در ایجاد روابط جسمانی بین دوست دختر و پسر نظرات متفاوتی داشته، دختران دهه ۷۰، راحت‌تر به این روابط رضایت می‌دهند و در

مجموع درصد روابط جسمانی دختران دهه ۶۰ و ۷۰، تفاوت معناداری را نسبت به هم در رابطه دوستی دختر و پسر نشان می‌دهد.

سکس فرند

همان‌گونه که از عنوان سکس فرند پیداست، افرادی که دنبال تشفی التهاب‌های درونی خویش هستند و بعضاً معتقدند که مالکیت بدن آنان تا قبل از ازدواج (و در برخی از موارد حتی پس از ازدواج) متعلق به خود آنان است، از روابط اخیر استقبال می‌کنند.

تخریب فرهنگی

یکی از تهدیدهای فرهنگی- اجتماعی- سیاسی موجود در جامعه ایران، پخش پیامک‌ها، عکس‌ها و کلیپ‌های تخریبی و ضدفرهنگی در فضای مجازی است.

مالینفسکی بیان می‌دارد، هنجارهای جامعه قبل از آن که به شکل عینی در جامعه شکسته شوند، در ذهن افراد شکسته می‌شوند و به نظر می‌رسد افراد و جریان‌هایی عامدانه و غیرعامدانه درصدد هستند تا با شکستن قبح برخی از مسایل فرهنگی- اجتماعی- سیاسی در جامعه، در عمل آن‌ها را به شکل ذهنی در اذهان کاربران بشکنند تا شکستن بعدی آن‌ها در سطح جامعه سهل‌تر صورت پذیرد.

پیامک‌ها، عکس‌ها و کلیپ‌های تخریبی را می‌توان در مقوله‌های قومیتی، سیاسی، فرهنگی (تخریب شخصیت‌ها) و جنسی (هرزه‌نگار) تقسیم کرد.

پیامک‌های قومیتی پیامک‌هایی مبتنی بر طنزی هستند که به صراحت با نام بردن از قومیت‌های مختلف ایران، درصدد تمسخر و به مضحکه گرفتن آن‌ها برمی‌آیند و در ضمن بسیاری از هنجارهای عرفی و اخلاقی جامعه را نیز می‌شکنند.

اگر چه در کشورهای خارجی نیز نیاز به خنده، با ارسال پیامک‌های طنزآمیز صورت می‌پذیرد، اما در جوک‌های کشورهای غربی مفهوم مبهم «شوت لند»- به معنای سرزمین افراد نادان- مطرح می‌شود که در عمل اهانتی به هیچ یک از اقوام آن کشور به عمل نمی‌آید، این معنا در ایران نیز می‌تواند با به کارگیری معادل‌های مانند: خنگول، غضنفر، قل مراد، گل مراد، یارو، یکی، طرف و نظایر آن صورت بپذیرد، اما متأسفانه این عمل جز در پیامک‌های محدودی از کاربران مقید، در کاربران فناوری‌های ارتباطی جدید صورت نمی‌پذیرد.

منطقه (۱۳۹۳ ج) گزارش می‌کند:

«در بررسی که توسط گروه پژوهش به عمل آمد، ۱۰۰۰ جوک اینترنتی قومیتی مورد بررسی قرار گرفتند، نتایج حاصل از این بررسی به شرح زیر بود:

بررسی‌های اولیه نگارنده و همکارانش، دلالت بر آن دارد که قریب به ۷۶٪ از جمعیت دانشجویی مورد بررسی، پیامک‌های قومیتی را روی گوشی خود داشته، قریب به ۲۰٪ پیامک‌های آن‌ها نیز حول و حوش پیامک‌های قومیتی است. در جریان این

پیامک‌ها اقوام ترک و لر به «سفاهت»، رشتی به «بی‌حمیتی»، قزوینی به «هم‌جنس‌گرایی»، اصفهانی به «خست» و نظایر آن‌ها، منتسب می‌شوند.

در یک بررسی مقدماتی که در سطح ۱۰۰ نفر توسط گروه پژوهش به عمل آمد، مشخص شد که ۴۳٪ پاسخ دهندگان، جوک‌های قومیتی را مبتنی بر واقعیت نمی‌دانند، ۳۰٪ تا حدودی و ۲۷٪ کاملاً این جوک‌ها را مبتنی بر واقعیت می‌دانند. به همین ترتیب پاسخ دهندگانی که خودشان از قومیت‌های مختلف به حساب می‌آمدند، در پاسخ به این سوال که آنان در برخورد با جوک‌های قومیتی که در مورد خود آنان ساخته شده است، چه واکنشی از خود نشان می‌دهند، تقریباً در یک سوم موارد خندیدن، در یک سوم بعد، خنده و تأسف هم‌زمان و در یک سوم باقی‌مانده احساس ناراحت شدن را گزارش کرده‌اند. به تعبیر دیگر تخریب پنهان پیامک‌ها، عکس‌ها و کلیپ‌های ردوبدل شده بین کاربران چنان مضمهر و پوشیده است که حتی افراد یک قومیت، در مواجهه با مضامینی که آنان را به بی‌عفتی، خست، نفهی و مانند آن‌ها متهم می‌سازد، ممکن است واکنش شادی از خود در این زمینه نشان بدهند.

برخی از پیامک‌ها، عکس‌ها و کلیپ‌های ردوبدل شده، تخریب شخصیت‌های مطرح ایرانی را مدنظر قرار داده‌اند و با ارایه انبوهی از پیامک‌های مبتنی بر مزاح‌های توأم با ارزش‌های مبتذل، در عمل درصدد تخریب چهره‌های ارزشمند جامعه برمی‌آیند. نمونه‌هایی از پیامک‌هایی که در مورد دکتر شریعتی تهیه و در سطح جامعه منتشر شده است، در زیر آمده است. ملاحظه ساختار این پیامک‌ها، دلالت بر آن دارد که پیامک‌های مزبور از منشاء واحدی سرچشمه گرفته‌اند.

- ولش کن می‌رم پشت درخت! علی شریعتی پس از مواجه شدن با کرایه ۱۰۰ تومنی توالت عمومی.

- به خدا دختر خالمه! شریعتی در مقابل گشت ارشاد.

- وقتی کسی در جمع چیزی به تو گفت، چیزی به او نگو، اما در خفا مادرش را ...! دکتر شریعتی.

- آقا به خدا من نبودم، دوستم بود! دکتر شریعتی در حال دزدیدن چاقاله بادام.

- فتوشاپه! دکتر پس از دیدن عکس مادرش با مرد غریبه.

- حاج آقا برسونیمت! دکتر پس از تیکه انداختن به آخوند محله.

- یک ساعت بده! دکتر شریعتی در جمعه بازار.

- منفی ۱۸! فریزر دکتر شریعتی.

- خوب شد من ایرانی نیستم و گرنه مثل دکتر شریعتی دهنم سرویس می‌شد. شکسپیر.

- فشن کن! دکتر شریعتی در آرایشگاه.

- آخ جون! دکتر شریعتی در هتل تایلند.

- خوشگل خانوم، ابرو کمون! دکتر شریعتی در حال آواز خواندن.

- علی دیگه شبا جلوی خونمون ویراژ نده! دوست دختر شریعتی.

- یاشاسین تراختور! جمله‌ای از شریعتی برای کتک نخوردن از ترک‌ها.

- برداشتن قدم‌های بزرگ موجب پارگی خشتک می‌شود! دکتر شریعتی.

- آقا تورو خدا ولم کن! دکتر شریعتی در قزوین.
- بسم الله، بسم الله، بسم الله! دکتر شریعتی در تاریکی شب.
- ترجیح می‌دم ملیتم را عوض کنم! دکتر پس از باخت ایران به ازبکستان.
- همه چیز از فیس بوک شروع شد! دکتر شریعتی در مستند شوک.
- آقا بیا تو صف، حق ملت رو ضایع نکن! دکتر شریعتی در صف روغن جامد ۳۵۰۰۰ تومانی.
- فقط مایع داری! دکتر شریعتی به دنبال روغن جامد.
- مهم نیست که قشنگ نیستی، قشنگه که مهم نیستی! دکتر شریعتی خطاب به نامزدش.
- بهتره هیچی نگم، شما آدم بشو نیستی! دکتر شریعتی.
- یزید مادر تو! نوشته پشت ماشین دکتر شریعتی در محرم.
- کله کچل من را ببینید و عبرت بگیرید! شریعتی در حال تبلیغ شامپو صحت.
- کوس شعر نگو! واکنش مدرس نسبت به حرف‌های شریعتی.
- علی اگر تو دکتر بودی، ما درمانگاه نمی‌رفتیم! مادر زن دکتر شریعتی.
- کار هر کس نیست با زن زیستن، مرد خر می‌خواهد و زن خفن! شریعتی در آستانه طلاق.
- پاشو بیا وسط! دکتر شریعتی در عروسی برادرش.
- توپ، تانک، فشفشه، داور دقت کن! دکتر شریعتی در استادیوم.
- نه زنگ بزن، نه اس بده، علی شک کرده! خواهر شریعتی خطاب به دوست پسرش.
- بلوتوث بفرست بیاد! شریعتی در مترو.
- تف توی این اینترنت ایران! دکتر شریعتی پس از موفق نشدن در اتصال به اینترنت.
- آبخش او مد! دکتر شریعتی در حال دویدن به سوی توالت.
- افتخار می‌کنم یک عمر ازش آویزون بودم! تخم‌های دکتر شریعتی.
- با دوست دختر خود ازدواج کنید، وگرنه مجبور می‌شوید با دوست دختر دیگران ازدواج کنید! دکتر شریعتی.
- ساکت شو می‌خوام عکستو بگیرم! تنها لحظه‌ای که دکتر شریعتی ساکت بوده.
- طوری نکنید که طوری شود که مردم فکر کنند طوری شده! شریعتی در دوران ریاست جمهوری.
- خوب شد دستشویی رفتم ها! دکتر شریعتی در ترافیک همت.
- من اندازه قلمش بودم، اما آن را از من بیشتر دوست داشت! چیز دکتر شریعتی.
- لطفاً با من تماس بگیرید! فامیل اصفهانی دکتر شریعتی.
- می‌خواهی کسی فراموش نکنه، ازش پول قرض بگیر! نصیحت شریعتی به بچه‌ها!
- تموم شدی کاش بیشتر می‌آوردی! شریعتی پس از تمام شدن تخمه‌هایش در سینما.
- داش گرمی چنده! شریعتی در حال خرید مواد.

- قبل از این که زن بگیرید، دست پختش را امتحان کنید! شریعتی در حال شستشوی معده.
- آتیش داری! دکتر شریعتی در حال سیگار کشیدن.
- تخم داره! دکتر شریعتی در حال انگور خریدن.
- یا ابوالفضل! شریعتی پس از خریدن همشهری ۳۰۰ تومنی.
- شاید این جمعه بیاید، شاید ...! از جملات سرکاری دکتر شریعتی.
- این که چیزی نیست، ما برای انقلاب جونمون رو هم می‌دیم! دکتر شریعتی در حال ختنه شدن.
- سلطان غم = پدر و سلطان جوک = شریعتی.
- کجا رو باید امضا کنم! علی شریعتی در حال امضای قرارداد با بارسلونا.
- خوشگلا باید برقصند، خوشگلا باید برقصن! زنگ گوشی شریعتی.
- این همه اس.ام.اس و جوک، یه فاتحه برام بخونید! دکتر شریعتی.
- کجا باید پیام! دکتر شریعتی هنگام قرار گذاشتن با دوست دخترش.
- امشب بیا شعر بگیریم، بعد شلوار تو بیوش برو! واکنش شریعتی به پروین اعتصامی.
- ورزش نکردم، ولی ورزشکاران را چرا! جمله عجیب دکتر شریعتی.
- وای چقدر قشنگه، می‌دی عمو نیگا کنه! شریعتی هنگام سرقت انگشتر کودکان.
- در عجبم چرا جمعه به شنبه نزدیک است، ولی شنبه به جمعه نه! سوال فلسفی دکتر شریعتی.
- یه هفته بمیر، اگر بد بود، برگرد! شریعتی در حال گول زدن جنتی.
- هیچ چیز مانند سبیل نمی‌تواند شما دختران را از شر نامحرمان باز دارد، حتی حجاب! دکتر شریعتی در حال نقد کردن کتاب حجاب استاد مطهری.
- آخیش! شریعتی در زمان خروج گاز از معده.
- دیگه جلو خونمون تک چرخ زن، مامانم شک کرده! دوست دختر شریعتی.
- اگه پسری بهت گفت دوست دارم، یا راست می‌گه یا راست کرده! جمله‌ای حشری از شریعتی.
- از نوشتن که خسته می‌شد، با ما بازی می‌کرد! تخم‌های شریعتی.
- نمی‌توانم به همه خوبی کنم، اما می‌توانم همه را به خوبی بکنم! شریعتی.
- قد قد قد! مرغ دکتر شریعتی
- زینگ گک گک! تلفن خانه شریعتی.
- پاداش زحمات من! دکتر شریعتی هنگام انتقال به تیمارستان.
- باید فامیلیم رو عوض کنم! شریعتی پس از انتشار جوک‌هایش.
- بچه‌ها فرار کنید! شریعتی بعد از زدن زنگ چند خانه.
- به به احسن! پدر شریعتی بعد از دیدن کارنامه او.

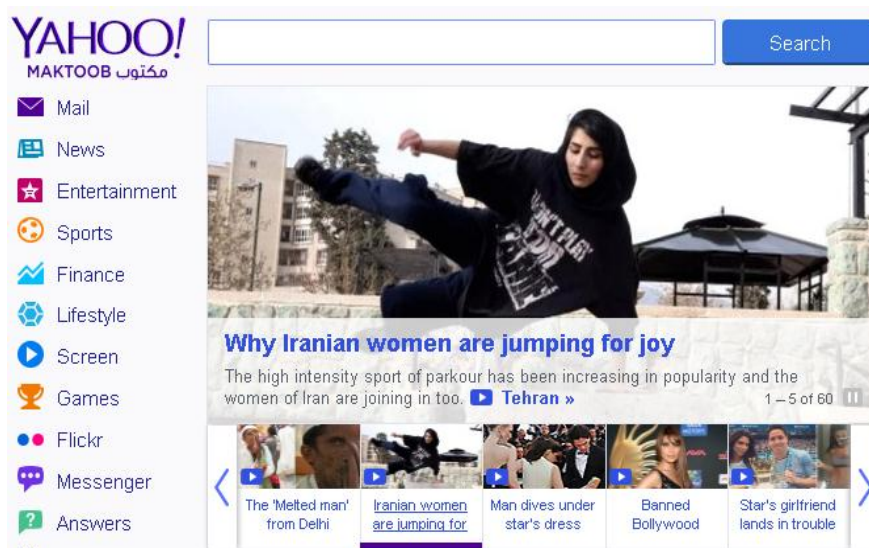
- مادر کسی که از فردا بیاد مدرسه! شریعتی ۱۰ روز قبل از عید.
 - آگه من رأی بیارم، ریاضی می‌شه فارسی! شریعتی در انتخابات دانش آموزی.
 - غش کرد! دکتر شریعتی در مغازه پسته فروشی.
 - اونو بگذار توی مشمای مشکي! شریعتی در حال خرید پسته.
 - فتوشاپه! شریعتی پس از دیدن پسته در خانه همسایه.
 - دو کیلو بریز! شریعتی در حال خرید سیب زمینی.
 - یک، دو، سه! شریعتی در حال آزمایش میکروفن.
 - ذارت، ذارت! شریعتی در مستراح.
 - دارو چند! دکتر شریعتی در ناصر خسرو.
 - بزن به فرعی! دکتر شریعتی هنگام آموزش رانندگی.
 - دیگه چت نمی‌کنم! دکتر شریعتی پس از دو ترم مشروط شدن.
 - گوساله دروازه اون ور یه! شریعتی هنگام دیدن مسابقه فوتبال.
 - این خر فروشی است! کاغذ پشت ماشین شریعتی.
 - علی جان یه سر بیا خونمون، کارت دارم! دوست قزوینی شریعتی.
 - از این دنیا چی می‌خوای! شریعتی خطاب به جنتی.
 - شما برید، من بر نمی‌گردم! شریعتی خطاب به دوستانش در فرودگاه تایلند.
- افرادی که با پیامک‌های اخیر برخورد می‌کنند، بر مبنای مدل شرطی شدن کلاسیک، به دلیل مترادف دیدن دکتر شریعتی با رفتارهای احمقانه، مبتذل، شهوی و نابهنجار، در عمل خود دکتر شریعتی را فردی مبتذل یافته، تمایلی به استقبال از آثار وی در آینده نخواهند داشت. مشابه آنچه در مورد دکتر شریعتی در جامعه مطرح می‌باشد، در مورد آیت الله جنتی و برخی از افراد دیگر مطرح شده است که البته در برخی از این موارد با استقبال نسبی کاربرانی که نقد سیاسی خود را به دلیل داشتن هزینه‌های سیاسی، در خلال طنزهای خویش بیان می‌کنند، همراه بوده است، به تعبیر دیگر این افراد در برخورد با این دست از مضامین، تشویق شده، شخصاً به تهیه موارد مشابه اقدام و نسبت به نشر آن اقدام می‌ورزند.

تحولات ارزشی جامعه زنان

پس از انقلاب، امکان عمل‌های گسترده‌تری در اختیار جامعه زنان قرار گرفت و زنان در شرایط جدید، در هر دو بعد فزاینده و فرودهای اجتماعی ورود پیدا کرده و نقش آفرین واقع شدند. به عنوان مثال، اختصاص مرکز ثقل دانشگاه‌ها به زنان و برتری بلامنازع زنان در حضور در سازمان‌های خیریه و مدنی، از جمله درخشش‌های زنان در جامعه معاصر است، همان‌گونه که مواردی مانند سوق یافتن بزه کاری زنان به سمت خشونت‌های مردانه (نظیر کیف قاپی زنان) از فرودهایی است که جامعه زنان طی یکی دو دهه اخیر، به تجربه آن پرداخته است.

در شرایط اخیر، جامعه زنان برخی از تحول‌های ارزشی را نیز به خود دیده است که مواردی مانند: هنجارشکنی، مسأله مالکیت بدن، استقبال از ورزش‌های رزمی، خشن شدن بزه‌کاری زنان، اخذ ارزش‌ها از جهان مدرن، از این دسته موارد به شمار می‌آیند که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

تحول‌های ارزشی جامعه زنان (هنجارشکنی)



دانشنامه ویکی پدیا در تعریف هنجار می‌نویسد:

«هنجار در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی به یک الگوی رفتاری گفته می‌شود که روابط و کنش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند، اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند و در صورتی که شخصی آن را رعایت نکند، جامعه او را مجازات می‌کند. در ضمن باید گفت که هنجار با قانون کنترل می‌شود، در حالی که این حکم در مورد ارزش‌ها صدق نمی‌کند.

هنجارهای درونی، هنجارهایی هستند که در صورت عدم رعایت آن‌ها، مجازات رسمی و مشخصی وجود ندارد. هنجارهای بیرونی، هنجارهایی هستند که برای اعضای یک جامعه از پیش تعیین گشته است. ترس از مجازات و میل درونی، اعضای جامعه را به پیروی از هنجار ترغیب می‌کند. اگر هنجارها در جامعه‌ای ثابت نداشته باشند، یا با برخی نظم‌های دیگر اجتماعی در تضاد و تعارض باشند، افراد جامعه کمتر از هنجارها پیروی خواهند کرد. هنجارها در جوامع مختلف، ممکن است متفاوت یا حتی متضاد باشند. بی‌هنجاری باعث از بین رفتن استحکام نظام اجتماعی می‌شود. انواع دیگر قاعده‌مندی‌های نظام اجتماعی، عادت‌ها و رسم‌ها هستند».

البته درباره هنجارها باید یادآور شد که برخی از هنجارها در گذر زمان تغییر می‌یابند. به عنوان مثال، اگر چه عید نوروز از زمان‌های گذشته تغییر و تحول چندانی به خود ندیده است، اما روابط اجتماعی و پوشش زنان در جامعه تغییرهای زیادی به خود دیده است. اما در هر صورت هر جامعه‌ای هنجارهایی خاص برای خود دارد که به بیان قواعد رفتاری افراد در شرایط مختلف می‌پردازد. به عنوان نمونه، در جامعه معاصر ایران در ارتباط با جامعه زنان، پوشیده بودن نسبی مو و بدن، رفتار مؤدبانه و مأخوذ به‌پنجیا، حفظ حریم از نامحرم و پرهیز از خشونت و پرخاشگری، از جمله هنجارهایی هستند که جامعه از زنان انتظار دارد، اما بررسی میدانی رفتارهای دختران جوان جامعه حکایت از آن دارد که برخی از هنجارهای مورد انتظار جامعه از زنان،

از سوی دختران جوان شکسته می‌شوند، به عنوان مثال، می‌توان در خیابان‌ها شاهد دخترانی بود که روسری‌هایشان را روی شانه‌هایشان انداخته‌اند یا در حالی که دستشان در دست یا روی گردن و یا دور کمر دوست پسرشان است، در حال راه رفتن هستند.

هنجارشکنی‌های اخیر را می‌توان از سویی نشأت گرفته از تضادورزی با مسوولان فرهنگی – اجتماعی جامعه و از سوی دیگر متأثر از فضای مجازی دانست.

تحول‌های ارزشی جامعه زنان (مسأله مالکیت بدن)

حق مالکیت بدن زنان و ابترگی تنانه

آزاده دواجی 4 فوریه، 2012 38 دیدگاه‌ها



تن زنان به عنوان یکی از موضوعات چالش برانگیز و مورد مناقشه، از دیرباز در جنبش‌های فمینیستی مورد بحث بوده است. گرچه مسئله مالکیت بر تن، به عنوان حق طبیعی زنان در کشورهای غربی تا حدودی مرز بحران خود را پشت سر گذاشته است و جریان‌های مختلف فمینیسم مواضع متفاوتی اتخاذ کرده‌اند اما تن زنان و اراده‌ی معطوف به مالکیت بر بدن آنان در غرب سیر متفاوتی را با کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای اسلامی طی کرده است. با این حال شرایط تحقق مالکیت بر تن زنان که عموماً از طریق باورهای دینی تقویت شده است (و البته نقش باورهای سنتی را نباید در آن نادیده گرفت)، باعث شده که بخش وسیعی از مباحث مربوط به تن زنان در کشورهای اسلامی به صورت موضوعی مناقشه آمیز و تنش آفرین باقی بماند. می‌توان گفت که مسئله مالکیت بر بدن زنان و همینطور

تقویت باورهای سنتی تحت عنوان‌هایی همچون ناموس، شریعت، تعصب، حیثیت و غیره بر پیچیدگی این حق تملک افزوده است. اما این تنها راه شناخت بغرنجی‌های حق مالکیت بر تن زنان نیست، چرا که قوانین دست و پاگیر و نابرابر که در حوزه‌های مختلف حقوقی و شرعی و همینطور در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی که در جامعه اجرا می‌شود، مهر دیگری بر تأیید پیچیدگی و فشارهایی است که بر این حق مالکیت، آوار می‌شود. اکثر آموزه‌های اسلام سیاسی در تلاشند تا تن زنان را از حوزه‌ی فردی و خصوصی، بیرون برده و به آن موضوعیتی اجتماعی و سیاسی و حتا بُعدی ملی ببخشند و به آن مفهومی فرای حوزه‌ی خصوصی بدهند. موضوعیت بخشیدن آبروی ملی هم به تن زنان، به نوبه خود، حق مالکیت و آزادی بدن زنان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.



برخی از دختران جامعه با رد این نظر که بدن آنها باید متعلق به همسر آینده‌شان باشد و بهره‌گیری از آن باید در کانون خانواده محدود شود، استدلال می‌کنند آنان مالک بدن خویش هستند، از این رو تا قبل از ازدواج و متعهد شدن به همسرشان، می‌توانند هر طور که مایل بودند، از بدنشان بهره ببرند (و مثلاً در صورت تمایل بدنشان را در اختیار دوست جنس مخالفشان قرار دهند)، البته افراد دیگری هم در این میان هستند که حتی بعد از تأهل نیز مالکیت بدنشان را متعلق به خودشان می‌دانند و خود را آزاد می‌دانند که حتی با وجود قید تأهل، بدن خود را در اختیار فردی به غیر از همسرشان نیز بگذارند. مصاحبه زیر متعلق به یکی از همین زنان جوان است:

«... کلاً سعید همه چی رو می‌دونه، یعنی دیده، پرینت خط منو گرفته، خودش تو خونه مچ منو با کسی گرفته، چیزی وجود نداره که سکرت باشه، در واقع من خودم رو به اون متعهد نمی‌دونم، یه ساله که من به نظر خودم مجردم و حق هر کاری رو دارم. چون یه ساله ازش خواستم منو طلاق بده، اونم هی دست دست کرده، باعث شد کار به اینجاها برسه».

تحول‌های ارزشی جامعه زنان (استقبال از ورزش‌های رزمی)

یکی از دیگر تحول‌های ارزشی که در جامعه زنان به نظر می‌رسد، استقبال آنان از ورزش‌های رزمی است. احساس خطر در جامعه و باز بودن عرصه پیشرفت‌های زنان در عرصه ورزش‌های رزمی در سطح ملی و بین‌المللی^۱ (به دلیل امکان محجبه بودن در آنها) از مهم‌ترین دلایلی است که در این رابطه از سوی دختران جوانی که به ورزش‌های رزمی روی آورده‌اند، مطرح می‌گردد.

^۱ - به عنوان مثال، شبنم شاه‌رخی، یکی از زنان ایرانی است که دارای مدال نقره جهانی در رشته ورزشی کیک بوکسینگ سازمان «ایسکا» در کشور پرتغال و همچنین در سال ۲۰۱۵ موفق به کسب مدال نقره در مسابقات جهانی هنرهای رزمی ترکیبی در کشور اسپانیا گردیده است.

{KICK BOXIN}

سلطان مبارزات رزمی و رینگ‌ک‌1

دختران کیک بوکسینگ کار

وقتی مقابل دو قهرمان کیک بوکس دختران ایران می‌نشینید متوجه می‌شوید آنها خیلی راحت از ضربه‌های مرگبار به سر و صورت حریف صحبت می‌کنند.

نگران از فرم افتادن چهره‌شان نیستند و حتی برای شروع فعالیت‌شان در رشته‌های سنگین‌تر مانند موی‌تای و کشتی کج لحظه‌شماری می‌کنند؛ جایی که دیگر ضربه‌ها هیچ کنترلی ندارند. باید بزنی تا نخوری. شیوا داوودی فر و حدیثه نوحی دو طلایی ایران در مسابقات جهانی گرجستان بودند؛ مسابقاتی که اولین اعزام تیم کیک بوکسینگ دختران به شمار می‌رفت اما با درخشش خیره‌کننده آنها همراه بود. آن‌هم در شرایطی که دختران فایتر ایرانی هیچ وقت مربی کیک بوکسینگ نداشتند. این دو فایتر را در دفتر فدراسیون ورزش‌های رزمی ملاقات کردیم؛ جایی که در دفتر رئیس فدراسیون با کنترل از راه دور باز می‌شد. البته برای انتخاب این دو مهربانی روابط عمومی فدراسیون هم شامل حالمان شد که برای معرفی ملی پوشان، کارمند فدراسیون و خواهر رئیس فدراسیون را ترجیح داد.

- کلاه محافظ تان مثل کلاهخود جنگجویان زاپنی است.
- شیوا! باید باقی محافظ‌ها را هم ببینید. ما کاملاً زره پوش روی رینگ می‌رویم.
- می‌دانم که امکان آسیب دیدگی در رشته شما خیلی بالا است.
- شیوا! چون در کیک بوکسینگ ما با تمام قدرت ضربه می‌زنیم. اینجا مثل کاراته ضربات کنترل شده نیست.
- این جور ورزش‌ها با روحیه دختران تضاد ندارد؟
- شیوا! بستگی به روحیه آن دختر دارد اما من می‌گویم با این شرایطی که جامعه ما دارد، تمام دختران باید هنر

رزمی داشته باشند.

- که در خیابان درگیر شوند؟
- شیوا! من تا الان هیچ وقت پیش نیامده از تکنیک استفاده کنم و می‌دانم این کار را هم نمی‌کنم، اما همین که می‌دانم می‌توانم از پس مزاحمان بریایم به من اعتماد به نفس می‌دهد.
- حدیثه! چرا وقتی کسی مزاحم‌ات می‌شود و می‌توانی او را بزنی، نباید بزنی؟
- پس تو موافق کتک کاری هستی. تا حالا کسی را هم زده‌ای؟
- حدیثه! بله، یک بار در مترو ترمینال جنوب یک نفر مزاحم شد و یک مسیر طولانی را تعقیب می‌کرد. هر چقدر سعی کردم سریع‌تر بروم فایده نداشت و او همچنان می‌آمد. در حالی که به شدت عصبانی شده بودم و کم‌کم کنترلم را از دست می‌دادم ناگهان از پشت سرم گفت: «خانم شما دو و میدانی کار می‌کنید؟» دیگر حساسی عصبانی شدم و با مشت به سرش کوبیدم.

تحول‌های ارزشی جامعه زنان (خشن شدن بزه‌کاری زنان)

جرم یا بزه هرگونه رفتار یا ترک رفتاری است که قانون را نقض می‌کند و برای آن در قانون، مجازات مشخصی تعیین شده است.

بررسی تطبیقی جرایم مردان و زنان دلالت بر آن دارد که اولاً زنان کمتر از مردان دچار جرم می‌شوند و ثانیاً زنان در جرایم با برنامه‌ریزی و مردان در جرایم بدون برنامه‌ریزی نسبت به یکدیگر برتری دارند. یکی از دلایلی که برای زیادتر بودن جرایم برنامه‌ریزی شده زنان وجود دارد، کمتر بودن خشونت در جرایم برنامه‌ریزی شده نسبت به جرایم بدون برنامه‌ریزی است. بررسی ادبیات پژوهشی موجود در بزه‌کاری زنان حکایت از آن دارد که مواردی مانند فحشا، سقط جنین، بچه‌کشی، خشونت ضدکودکان، سرقت از مغازه‌ها، جیب‌بری، فریب‌کاری و جادوگری از اهم جرایم زنان شمرده می‌شوند، اما بررسی‌های میدانی دلالت بر آن دارد که جرایم جدیدی مانند تصدی گروهی از بزه‌کاران و یا جرایم خشونت باری نظیر کیف‌قاپی (با موتور)، اسیدپاشی و دیگرکُشی، از موارد جدیدی هستند که در جریان بزه‌کاری زنان قابل مشاهده هستند. سعید مدنی در مصاحبه‌ای که با آرمان امروز (۱۳۹۷/۹/۱۹) دارد، از خشن شدن جرایم زنان به شرح زیر یاد کرده است: «- در حال حاضر اعتیاد، طلاق، خشونت‌های خانگی، اقدام به خودکشی بیشترین آسیب‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در این زمینه توضیح می‌دهید؟

بله. ما برخی از مشکلات اجتماعی ۴۰ سال قبل را داریم که حالا ابعاد پیچیده‌تری پیدا کرده‌اند. این ابعاد پیچیده، اثرات منفی مسایل و مشکلات اجتماعی را بیشتر و بیشتر کرده است. برای مثال سال‌ها پیش صحبت از اعتیاد در دبیرستان‌ها یک مسأله فانتزی بود، اما مطالعات نشان می‌دهد که اعتیاد به سطح دانش‌آموزان هم رسیده است. وقتی که می‌گوییم سن تن‌فروشی پایین آمده است، یک وجه این تغییر، الگوی مشکلات اجتماعی و شایع شدن اعتیاد در میان زنان است. این در حالی است که اعتیاد در جامعه ایران یک مشکل مردانه بوده است. امروز به طور مشخص درصدی از معتادان ایرانی را زنان تشکیل می‌دهند. عجیب‌تر از آن افزایش سهم زنان در وقوع قتل است. امروز سهم زنانی که به اتهام قتل زندانی شده‌اند، افزایش پیدا کرده که اساساً پدیده جدیدی است».

تحول‌های ارزشی جامعه زنان (اخذ ارزش‌ها از جهان مدرن)



با عملکرد ناموفق جمهوری اسلامی در تحقق رفاه و عدالت اجتماعی، اقشار قابل توجهی از مردم جامعه، خاصه جوانان، نسبت به دین و به دنبال آن ارزش های خدامدار دینی کم توجه شده اند و برای سامان دادن به نظام ارزشی راهنمای خویش در زندگی فردی و اجتماعی شان، با استقبال از نظام ارزشی انسان مدار غرب، از ارزش های مدرن غربی تبعیت می کنند.

مصاحبه زیر که با مرضیه ۲۵ ساله دانشجوی کارشناسی انجام شده است، مصداق بارزی از جابه جایی ارزش های دینی با ارزش های انسان مدار غرب را به معرض دید می گذارد:

«- تو هم جنس گرایی رو قبول داری؟

آره، به نظر من دوست داشتن دو تا آدم هیچ ربطی نداره که اینا هم جنس هم باشن یا غیر هم جنس.

- خوب زندگی با یه هم جنس یه جوریه با طبیعت آدم جور در نیما.

اگه با طبیعت آدم جور در نمی اومد، این همه روان شناس و جامعه شناس تو آمریکا تأییدش نمی کردن.

- تو الان چه جوری می گی این خوبه؟

من نمی گم خوبه، من می گم این تمایل طبیعی هر آدمیه که می تونه هم به هم جنسش داشته باشه، هم به غیر هم جنسش و ما تو جایگاهی نیستیم که در مورد احساس دیگران، یعنی شخصی ترین مسایل زندگی دیگران تصمیم بگیریم. اصلاً ایران تنها کشوری که در مورد پوشش، نحوه لباس پوشیدن، ازدواج، تمایلات و شخصی ترین مسایل زندگی زن ها تصمیم می گیره. من نمی گم خوبه یا بده، خوبه برای خودشون خوبه، بده برای خودشون بده، ولی ما تو جایگاهی نیستیم که در موردش تصمیم

بگیریم که بگیم این کار رو بکنید، این کار رو نکنید. شاید ما اون آدم همجنس گرا رو اگه مجبورش کنیم که با غیرهمجنس ازدواج کنه، ممکنه یه ازدواج غیرموفقی داشته باشه».

بحران الگویابی

کودکان، نوجوانان، جوانان و همه اقشار اجتماعی در روند شکل گیری شخصیتی خویش، نیازمند الگو هستند و الگوها بسان فانوس های دریایی که راهنمای کشتی ها هستند، راهنمای کشتی وجودی انسان ها هستند. بنابراین اولیا، اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی جامعه باید توجه ویژه ای به مسأله الگوپردازی داشته، الگوهای مختلف علمی، ورزشی، اخلاقی، اجتماعی، عقیدتی و مانند آن ها را فرا روی اقشار مختلف (خاصه کودکان، نوجوانان و جوانان) مطرح کنند، زیرا انتخاب یک الگو توسط یک کودک، نوجوان یا جوان، سبب می شود، وی چگونه شدن خویش را بر مبنای معیارهای ارزشی که در الگوی خویش می بیند، رقم بزند.

قرآن در تحلیل بت پرستی (که توسط مستکبران جامعه ابداع و دامن زده شد) و جامعه توحیدی اولیه را به سمت کفر و شرک برد، بر استفاده آنان از اسوه ها تأکید خاصی دارد. در آیه شریفه ۲۳ از سوره نوح، خداوند می فرماید:

«البتة پرستش ودا، سواع، یغوث، یعوق و نسرا را ترک نکنید».

تفسیر مجمع البیان (طبرسی، ۹، ترجمه محمد رازی، ۱۳۶۵)، ذیل این آیه شریفه می نویسد:

«ابن عباس و قتاده گویند: این نام ها، نام بت هایی بود که قوم نوح، علیه السلام، آن ها را می پرستیدند. سپس بعد از آنان، عرب آن ها را عبادت کردند».

مؤلف در ادامه بحث مزبور، در تحلیل ریشه بت پرستی در عالم، می نویسد:

«محمد بن کعب گوید: این ها نام های مردم صالح و شایسته ای بود که بین آدم و نوح، علیهما السلام، بودند. پس بعد از ایشان قومی زندگی کردند که روش آن ها را در عبادت اتخاذ کرده بودند. پس شیطان به ایشان گفت: اگر تصویر آن ها را بکشید و در مقابل خود قرار دهید، شما را تشویق و نشاط بیشتر در عبادت دهند.

پس آن ها تمثال و تصویر آنان را کشیده و خرسند بودند تا بعد از ایشان که مردم دیگر آمدند: شیطان به آن ها گفت: مردمی که قبل از شما بودند، این ها را می پرستیدند، پس آن ها فریب خوردند و عبادت کردن آن ها را و این بود ریشه و اساس بت پرستی».

با ملاحظه آرای دکتر علی شریعتی، مشخص می شود که تفسیر وی از به انحراف رفتن جامعه از توحید به سمت شرک، دقیقاً مشابه تفسیری است که طبرسی در تفسیر «مجمع البیان» به طرح آن پرداخته است.

دکتر شریعتی در کتاب های «علی حقیقتی بر گونه اساطیر» و «علی علیه السلام» -از مجموعه آثار- از تأکید فرهنگ های یونانی، هندی و مانند آن بر اسوه ها یاد می کند. دکتر شریعتی در تحلیل رب النوع ها متذکر می شود که «انسان همواره احساس می کرده است که از پدیده های طبیعت و موجودات برتر بوده، حتی از آنچه که هست نیز متعالی تر است. انسان با نگاهی که به اطراف خویش می انداخته، همه کسانی را که در اطرافش بوده اند، ناقص می دیده است و همین احساس کمبود او را متوجه

ماورا الطبیعه - که جهانی بی نقص و کاستی است - می کرده است و ستایش رب النوع‌ها از همین جا آغاز می‌شود که نیاز انسان به الهام دهندگان فضیلت‌ها سبب می‌شده است، وی فضایی را به رب النوع‌های ساخته و پرداخته خویش نسبت دهد و سپس به این انسان‌های کامل مهر بورزد و رفته رفته مهرورزی او به رب النوع‌ها به پرستش آن‌ها توسط وی منجر شود».

دکتر شریعتی در تحلیل مذاهب بودایی که به طرح خدا یا انسان کامل (نظیر رب النوع‌های یونانی) نمی‌پردازند، می‌نویسد: «یکی از خصوصیات و برجستگی‌های مذاهب سامی این است که انسان در این مذاهب چشم انتظار شخصیت‌های برجسته‌ای است که بیایند و او را نجات دهند، اما در مذاهب هندی مسأله برعکس است. دعوت این مذاهب این است که منتظر بیرون نباشید، راه نجات آن است که در خود فرو رفته، خود را بکاوید و با ریاضت و خودسازی، به جایی برسید که شایسته نجات شوید. اما در همین مذهبی که به انسان می‌گویند منتظر کسی نباش، تو نیازمند منجی نیستی و به انسان کاملی که از وی تقلید کنی و او را بستایی نیازی نداری، می‌بینیم که بیشتر از مذاهب ما شخصیت پرستی پدیدار شده است، چرا که هر بودایی در نمازش، مجسمه‌ای از بودا را فرا روی خویش قرار می‌دهد».

مسأله الگو و تقلید یا همانندسازی با وی، از مقوله‌های مهم روان‌شناسی معاصر به شمار آمده، مکاتب روان‌شناسی زیادی درباره آن نظریه پردازی کرده‌اند.

بررسی پردازش الگوها در تبلیغات رسانه‌های داخلی حکایت از آن دارد که عمده الگوهای پردازش شده برای کودکان، نوجوانان و جوانان، الگوهای مذهبی (اثمه و بزرگان دینی و افراد انقلابی مذهبی) هستند و پردازش الگوهای اخلاقی، علمی، حرفه‌ای و مانند آن‌ها به محاق سپرده شده‌اند. مضاف بر این الگوهای مذهبی طرح شده برای نوجوانان و جوانان نیز غالباً الگوهای هستند که هیچ نقص و کاستی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود و از این رو مخاطبان که واجد ترکیبی از خوبی‌ها و بدی‌ها هستند، در برخورد با این الگوها احساس نزدیکی نکرده، به راحتی حاضر به الگوبرداری از آن‌ها نمی‌شوند.

منطقی (۱۳۹۶) در زمینه چگونگی طرح الگوهای جنگ که به تعبیری اوج الگوپردازی‌های نظام به شمار می‌روند، از ویژگی‌های زیر در روند طرح الگوهای جنگ ۸ ساله یاد کرده است:

«- طرح محدود و ضعیف الگوها،

- نادیده گرفتن برخی از الگوها،

- نگاه یک بعدی در پردازش الگوها،

- نگاه یک بعدی در پردازش شخصیتی الگوها،

- نگاه تک جنسیتی و مردسالارانه در طرح الگوهای جنگ،

- طرح الگوها بدون توجه به نیاز مخاطبان،

- پردازش اغراق آمیز الگوها،

- طرح الگوهای فردی و غفلت از طرح الگوهای سازمانی.

عنوان طرح محدود و ضعیف الگوها، به این مسأله اشاره دارد که اکثریت قریب به اتفاق الگوهای جنگ، به صورت محدود و غالباً با تبلیغات غیرهم پوش مطرح می‌گردند. به عنوان مثال، تهیه فیلمی از یک سردار جنگ، پخش یک بار مصاحبه با همسر

وی در رسانه ملی و در نهایت نامیدن یک اتوبان یا خیابان به نام وی، نهایت اقدامی است که در حال حاضر در سطح جامعه در ارتباط با چگونگی طرح الگوهای بزرگ و پر تلوئی جنگ ملاحظه می گردد. در حالی که الگوهای اخیر می توانند از رسانه-های مختلف (رادیو، تلویزیون، نشریات، سایت های اینترنتی)، نشر کتاب ها و مجلات، برگزاری همایش در مورد آنان، طرح خانواده آن ها، رونمایی از تندیس آنان، آوردن تصاویر آن ها روی البسه و نظایر آن، مطرح گردند.

عنوان نادیده گرفته شدن برخی از الگوها ناظر بر این معنا است که از مجموعه عظیم الگوهای درخشانی که در جریان دفاع از کیان کشور درخشش گرفتند، تعداد اندکی از آنان مورد توجه قرار گرفته و به شکل محدودی مطرح گردیده اند، عدم توجه به افراد پیش گفته، گاهی سیاسی و گاهی از سر غفلت و بی برنامه گی بوده است. به عنوان مثال، ممکن است بخشی نگری سبب شود، سرداران جهاد سازندگی عرصه ای برای مطرح شدن در جامعه پیدا نکنند، در حالی که شناخت سردارانی مانند طرحچی، رضوی، ساجدی و نظایر آنان، به میزان قابل توجهی در جوانان تأثیر گذار واقع می گردند.

نگاه یک بعدی در پردازش الگوها، به این نکته اشاره دارد که اگرچه افراد و سازمان های مختلفی در جنگ ذی سهم بودند، اما از بین مجموعه افراد و سازمان های مزبور، تنها یک یا دو سازمان و افراد آنان و آن هم افرادی که عمدتاً صبغه نظامی داشته اند، به عنوان الگوها و سمبل های جنگ مطرح می گردند، در حالی که در دوران جنگ اولاً هم زنان و هم مردان در جنگ ذی نقش بودند و ثانیاً افراد مؤثر در جنگ از پزشک و مهندس و دیگر متخصصان گرفته تا افراد نظامی و از همسران و مادران رزمندگان گرفته تا اقشار عادی جامعه که گاهی به اندازه سه تخم مرغ به جبهه یاری می رساندند، گسترده بودند و خلاصه کردن آن ها تنها در فرماندهان نظامی جنگ یا یک ارگان، درست نیست.

عنوان نگاه یک بعدی در پردازش شخصیتی الگوها به این مسأله اشاره دارد که اگر چه الگوهای مطرح شده برای جامعه و جوانان، حاوی ابعاد مختلف نظامی، فرماندهی، روابط اجتماعی، روابط عاطفی و خانوادگی و نظایر آن بودند، در جریان طرح الگوها تنها به بعد دینی و نظامی آنان توجه شده است و از سایر ابعاد زیبای وجودی آنان مانند رابطه آن ها با همسرشان و یا نگاه زیست محیطی آنان، به شدت غفلت شده است.

عنوان نگاه تک جنسیتی به الگوها، حکایت از سایه انداختن مردسالاری در پردازش الگوها برای جامعه دارد. به این معنا که با نادیده گرفتن الگوهای ارزشمند زنان در دوران جنگ، تنها الگوهایی که در عرصه جنگ برای جامعه مطرح می شوند، فرماندهان نظامی جنگ هستند. حال آن که با بررسی دوران جنگ مشخص می شود که زنان همپای مردان در تحقق اهداف جنگ می کوشیدند و در صحنه های مختلف جنگ حضور داشتند.

ملاحظه حماسه سازی دختران و زنان ایرانی در آغاز جنگ و تلاش های وافر آنان در امداد و کمک رسانی پشت جبهه ها از سویی و ملاحظه حماسه سازی مادران رزمندگان در جنگ و زنانی که تکیه گاه اصلی شوهرانشان در تحمل فشارهای کمرشکن داخلی و خارجی جنگ بودند، گواه روشنی بر نقش برجسته زنان در جنگ است که در پردازش الگوهای جنگ، این مسأله برای زنان که نیمی از اقشار جامعه را تشکیل می دهند، نادیده گرفته شده است.

عنوان طرح الگوها بدون عطف توجه به نیازهای مخاطبان، به این نکته کلیدی اشاره دارد که در جریان طرح پیام، باید ویژگی‌های پیام گیرنده نیز مدنظر قرار گیرد و پیامی که برای اثرگذاری در پیام گیرنده تهیه می‌شود، باید به گونه‌ای طراحی و تدوین شود که حاوی بیشترین تأثیر ممکن بر روی مخاطب فرا روی خود باشد.

طرح الگوهایی که بعد مهم آن‌ها نظامی‌گری آنان است، نیاز اساسی یک جوان را تشکیل نمی‌دهد، نیاز اساسی یک جوان را مسایلی مانند مسایل عاطفی و بین فردی، روابط اجتماعی، اخلاق فردی و اجتماعی، مسایل زیست محیطی و نظایر آن‌ها، تشکیل می‌دهند.

پردازش اغراق‌آمیز الگوها، نقد جدی دیگری است که به نظام پردازش الگوهای جنگ ۸ ساله وارد است. برخی از جوانان تأکید می‌کنند که مسوولان و اولیای تربیتی جوانان، در جریان الگوسازی‌هایشان، تنها دست به معرفی کسانی می‌زند که به قتل رفیع مکتبی دست یافته‌اند و در جریان این کار نیز الگوهای موجود به شکل آسمانی پردازش شده، ویژگی‌های زمینی خود را از دست می‌دهند.

نگارنده، خود در مصاحبه تلویزیونی همسر شهید همت، شاهد آن بود که وی از سیگاری بودن حاج ابراهیم همت یاد کرده، در ضمن بیان می‌داشت، شهید همت به خاطر وی سیگار کشیدن را کنار گذاشته بود، اما وقتی نگارنده به مطالعه کتابی که انتشارات و تبلیغات سپاه پاسداران، از همین مصاحبه تهیه کرده بود، پرداخت، ملاحظه کرد که مسأله اخیر در این کتاب، سانسور شده است.

آنچه در پردازش الگوها باید بدان توجه داشت، عدم طرح ایده‌آل و دست نیافتنی الگوها است. به این معنا که وقتی الگوی ارایه شده به جوانان، الگویی تام و تمام و بری از هر نوع ضعف و کاستی باشد، در این حالت به سبب فاصله زیادی که جوان بین خود و الگوی مطرح شده احساس می‌کند، با استدلال در این که او نمی‌تواند نظیر آن الگوی آرمانی رفتار کند، به سادگی از وی می‌گذرد، حال آن که اگر الگوهای مورد نظر، بدون اغراق مطرح شوند، در این حالت به سبب نزدیک بودن الگوی مطرح شده با مخاطب، امکان کپی‌برداری مخاطب از الگوی مطرح شده، فراهم می‌آید.

طرح الگوهای فردی و غفلت از الگوهای سازمانی، اشکال دیگری است که در نظام پردازش الگوهای برگرفته از جنگ برای جامعه و اقشار جوان آن ملاحظه می‌گردد.

ضعف پردازش الگوهای مختلف در داخل از سویی و جذابیت و فراگیری فضای مجازی از سوی دیگر، سبب شده است که نوجوانان و جوانان ایرانی در جریان نیازی که در خود به الگوها احساس می‌کنند، متوجه الگوهای غالباً مبتذل خارجی یا داخلی شوند، خاصه آن که فضای مجازی امکان طرح الگوهای حاشیه‌ای را برای اقشار مختلف فراهم آورده است. جونسون^۱ (۲۰۰۳) در همین ارتباط می‌نویسد:

«به متن آمدن افراد دارای هویت‌های حاشیه‌ای، یکی از تبعات مهم شکل‌گیری فضای مجازی است که تغییر ارزش‌های اجتماعی را در پی دارد.

^۱ - Joinson, A. N.

^۲ - برخی از پژوهشگران غربی، برای توصیف هویت‌هایی که در غرب چندان مورد پذیرش نیستند (مانند افراد هم‌جنس باز، بچه باز، طرفداران نژاد پرستی، معتاد و نظایر آن‌ها)، اصطلاح هویت‌های حاشیه‌ای (Marginalied identities) را وضع کرده‌اند.

مک‌کنا^۱ و بارگ^۲ در سال ۱۹۹۸، به بررسی اثرات شرکت افراد با هویت‌های حاشیه‌ای، در گروه‌های خبری اینترنت پرداختند. آن‌ها در پژوهش خویش به این نتیجه رسیدند که افراد با هویت‌های حاشیه‌ای، در قیاس با افراد با هویت‌های معمولی که مورد پذیرش جامعه هستند، تعهد بیشتری به گروه خبری نشان داده، مطالب بیشتری برای آن فرستاده و در دادن پاسخ به سوال‌های طرح شده در این گروه‌ها، فعالانه‌تر از افراد عادی، شرکت می‌جویند. از این رو مک‌کنا و بارگ به این نتیجه رسیدند که شرکت افراد با هویت‌های حاشیه‌ای که چندان مورد پذیرش مردم قرار نگرفته، مردم عادی در روابط اجتماعی دست به طرد آنان می‌زنند، گروه‌های خبری اینترنت سبب می‌شود، آن‌ها از حاشیه خارج شده، به متن زندگی اجتماعی وارد شوند، چیزی که در زندگی واقعی، به ندرت امکان‌پذیر است.

محققان اخیر، در چند بررسی که در سطح گروه‌های خبری «هم‌جنس باز»، «دارای روابط جنسی انحرافی» و «طرفدار تبعیض نژادی»، انجام داده‌اند، صحت مدل پیشنهادی خود را نتیجه گرفته‌اند.

بنابراین فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، با ایجاد بستر لازم برای افراد منحرف، در عمل هویت حاشیه‌ای و غیر قابل پذیرش آنان را به سمت هویتی قابل پذیرش سوق داده، با ریختن بیش از پیش قبح کارهای زشت، زمینه مساعدتری را برای دست زدن دیگران، به اعمالی که از قبح آن‌ها کاسته شده است، پدید می‌آورند.

بررسی میدانی الگوهای مورد علاقه نوجوانان و جوانان، حکایت از الگوبرداری بسیاری از نوجوانان و جوانان از الگوهای بسیار نامناسب دارد.

تصاویر زیر متعلق به یکی از الگوهای مورد علاقه جوانان است که در زندان در اثر زد و خورد کشته شده است:

^۱ -Mc Kenna

^۲ -Bargh

➕ بیشتر بخوانید: اتفاق عجیب پس از قتل "وحید مرادی" در زندان

پس از انتشار فیلمی از رجز خوانی زندانیان با قمه‌های دست ساز پس از کشتن **وحید مرادی** حالا بسیاری از وضعیت زندانها انتقاد می‌کنند که چرا باید کسی بتواند آنجا قمه داشته باشد و چه کسی مسئول جان زندانیان است. از سوی دیگر چرا باید شخصی که زندگی‌اش سراسر جرم و خلاف بوده و پس از شانزده بار زندان در نهایت به جرم کشتن بهترین دوستش زندانی می‌شود و آنجا به قتل می‌رسد، در چشم بعضی‌ها یک قهرمان شود.



✖ وحید مرادی که بود؟

SAMSUNG

تصویری به بزرگی یک جام

در مسابقه شرکت کنید و جایزه ببرید

پیشتر بدانید

#کیودیدی

تهران بود و حضوری پر رنگ و پر سر و صدا در اینستاگرام داشت.



morteza_bakhtiyari9 • Follow



وحید مرادی امروز (دوشنبه ۱۱ تیر) در حین هواخوری در
حیاط زندان رجایی شهر با یک سری از زندانیان درگیر شد
و در اثر برخورد جسم برنده به قتل رسید.



10,969 views

لاتولوت #morteza_bakhtiyari9

more ... #وحید خزایی





الگوگیری از هنرپیشه‌ها و ورزشکاران روز غرب

کودکان، نوجوانان و جوانان در جریان بودن و شدنشان نیاز به الگو دارند و الگوگیری آنان از سنین بسیار پایین شروع شده و در تمامی عمرشان ادامه دارد. از این رو ضرورت دارد که نهادهای فرهنگی و تبلیغاتی نظام به جد به دنبال آرایه الگوهای بومی

^۱ - برخی از پژوهش‌های انجام شده، اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فرارویشان را مورد تأکید قرار داده‌اند. سایت سلامتی در مصاحبه‌ای که با لئوناردو^۱ دارد، به گزارش نتایج پژوهشی وی پرداخته است. این سایت در گزارش خود با اشاره به نشر مقاله لئوناردو که در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷ در نشریه ساینس منتشر شده است، ذیل عنوان الگوبرداری کودکان می‌نویسد: «تجربه آزمایشگاهی جدیدی نشان می‌دهد همه رفتارها در انسان‌ها ذاتی نیستند. در عوض، شخصیت انسان از سن بسیار پایین شروع به شکل‌گیری می‌کند.

به گفته جولیا لئوناردو، کودکان ۱۵ ماهه از تماشای رفتارهای والدین خود الگو می‌گیرند و بعد از دیدن تلاش فردی بزرگ‌سال برای موفقیت در کاری، سخت‌تر تلاش می‌کنند تا آن کار را یاد بگیرند. به تعبیر دیگر، هنگامی که بزرگ‌سالان کار مشخصی را انجام می‌دهند، بچه‌ها از کار آنان الگوبرداری می‌کنند.

مختلف برای اقشار مختلف جامعه باشند، اما به دلیل کوتاهی مسوولان ذیربط در این امر، در عمل جریان الگوپردازی کودکان، نوجوانان و جوانان به الگوهای خارجی احاله شده است، همان گونه که معاون تولید محتوای شورای عالی مجازی گزارش می دهد، ۹۵٪ بازی های مورد استفاده کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی که مملو از الگوهای ضد ارزش هستند، از آن سوی آب وارد کشور شده اند.^۱

لئوناردو، دانشجوی دکترای علوم شناختی و مغز گفت، در آزمایشگاه خود وقتی کودکان نوپا به جای این که بزرگ سالی را ببینند که به راحتی موفق به انجام کار می شود، شاهد تلاش و کوشش فرد بزرگ سالی برای انجام کاری متفاوت بودند، دو برابر بیشتر تلاش کردند تا اسباب بازی جدیدی را به کار بپندازند.

به گفته لئوناردو این مطالعه نشان می دهد، اشکالی ندارد که کودک شما رفتارهایتان را مشاهده کند. کودکان با دقت رفتار شما را می بینند و در واقع آنچه شما انجام می دهید را یاد می گیرند.

در این آزمایش، محققان کودکان ۱۵ ماهه را در یکی از دو وضعیت زیر قرار دادند. گروهی از کودکان نوپا قبل از انجام یک کار، فردی را در حال خارج کردن یک قورباغه پلاستیکی از یک ظرف یا بیرون آوردن کلیدها از قلاب به مدت ۳۰ ثانیه تماشا کردند. گروه دیگری فرد بالغی را تماشا کردند که به راحتی سه بار در همان نیم دقیقه همان کار را به راحتی انجام داد. پس از آن یک اسباب بازی به کودکان نوپا که به نظر می رسید موسیقی پخش می کند، داده شد. یک دکمه بزرگ در بالای صفحه بود که به نظر می رسید می توان از آن برای پخش موسیقی استفاده کرد، اما در واقع هیچ کاری انجام نمی داد. لئوناردو گفت، ما مشاهده کردیم که چطور کودکان قبل از این که بخواهند ناامید شوند، چند بار آن دکمه را فشار دادند. به تعبیر دیگر، کودکانی که شاهد رفتار فرد بزرگ سالی بودند که واقعاً تلاش کرده و سپس موفق شده بودند، دو برابر بیشتر از کودکانی که شاهد بزرگ سالی بودند که به راحتی به هدف خود رسید، دکمه را فشار دادند.

لوکاس باتلر، استادیار دانشکده آموزش دانشگاه مریلند در همین رابطه گفت: در دهه گذشته تغییری در طرز فکر محققان در مورد توانایی های یک کودک برای موفقیت در آینده به وجود آمده است.

به گفته باتلر استعدادها و توانایی ها ارزشمند هستند، اما مربیان و محققان هم اکنون به اهمیت باورها و طرز فکری که به ایجاد انگیزه در کودکان کمک می کنند نیز توجه می کنند. به عبارت دیگر، فقط این مسأله مهم نیست که شما چقدر با هوش یا ماهر هستید، چگونگی روبرو شدن با چالش ها و مشکلات و شکست ها نیز برای آدمی مهم است. این مطالعه جدید به ما می گوید، تلاش در جهت کار جدی ممکن است از سن خیلی کم شروع شود.

باتلر گفت، هنگامی که والدین مشغول کار هستند، ممکن است بهتر باشد به جای این که بچه ها را مقابل تلویزیون و یا تبلت قرار دهند، اجازه دهند بچه ها آن ها را حین نظافت منزل یا پختن غذا تماشا کنند. کودکان به طور ذاتی به ویژه در دوران ۱۵ ماهگی به آنچه والدینشان انجام می دهند، علاقه مند هستند. اجازه دهید آن ها ببینند که شما کارهایی مانند فعالیت های روزمره خانگی و مانند آن ها را انجام می دهید، زیرا آن ها ممکن است در این میان چیزی در مورد سخت کار کردن را یاد بگیرند».

۱- طبق گزارش آقای خوراکیان (معاون محتوای شورای عالی فضای مجازی) در همایش فضای مجازی دانشگاه فرهنگیان که در شهریور ۱۳۹۷ برگزار شد، ۵٪ از کاربری کاربران ایرانی، بازی های داخلی بوده، بقیه کاربری آنان از تولیدات کمپانی های غربی است.

عمق الگوبرداری نوجوانان و جوانان در حدی است که به فرض وقتی جنیفر لوپز در فیلمی به سبک خاصی راه رفته و یا لب‌هایش را حرکت می‌دهد، انعکاس همان نحوه راه رفتن یا حرکات چهره را در رفتار دانشجویان علاقه‌مند به وی می‌توان ملاحظه کرد.



رژیم غذایی جنیفر لوپز برای حفظ
تناسب اندام و کاهش وزن در سال

۲۰۱۸

۱ بحث

طالب پیشنهادی



نامه سرگشاده خسرو معتضد
به جنیفر لوپز!



پنت هاوس ۲۰ میلیون
پوندی جنیفر لوپز + تصاویر



۴ فاز اصلی رژیم لاغری و
تناسب اندام جنیفر لوپز



دکوراسیون مجلل منزل
جنیفر لوپز + عکس



زنی که همه او را با جنیفر
لوپز اشتباه می‌گیرند +
تصاویر



ستاره‌هایی که دوست ندارند
فرزندانشان را ببینند!



اسرار زیبایی و خوش اندامی
هالیوودی‌ها + تصاویر



تغییر چهره بازیگران زن
هالیوود در گذر زمان +
تصاویر

الگوگیری از شاخ‌های اینستاگرامی

نیاز نوجوانان و جوانان به الگوبرداری از الگوهای مورد علاقه از سویی و خلاءهای موجود در امر الگوبردازی‌های بومی از سوی دیگر سبب شده است که بسیاری از نوجوانان و جوانان برای الگوبرداری به فضای مجازی روی بیاورند. همان‌گونه که پیشتر هم از آن یاد شد، عدم حضور چهره‌های سنتی مطرح در فضای واقعی جامعه در فضای مجازی، در عمل میدان فضای مجازی را برای میدان‌داران جدیدی گشوده است که عمدتاً فاقد علم، ادب، آگاهی و درایت خاصی هستند

و بیشتر از چهره‌های ورزشی - هنری و اینفلوئنسرها تأثیر می‌پذیرد، به عبارت دیگر، الگوهای مورد توجه این جوانان یا به سبب قد و وزنشان مورد توجه آنان قرار گرفته‌اند و یا به دلیل کارها و رفتارهای غیرمتعارفی که از آنها در فضای مجازی سرزده است.

تصاویر زیر نمونه‌هایی از الگوهای مورد علاقه جوانان هستند که در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام به وفور قابل ملاحظه هستند.



شاخ‌های مجازی ایران قسمت دوم



شاخ‌های مجازی ایران قسمت دوم

544,489 views

1.2K 457 SHARE SAVE ...

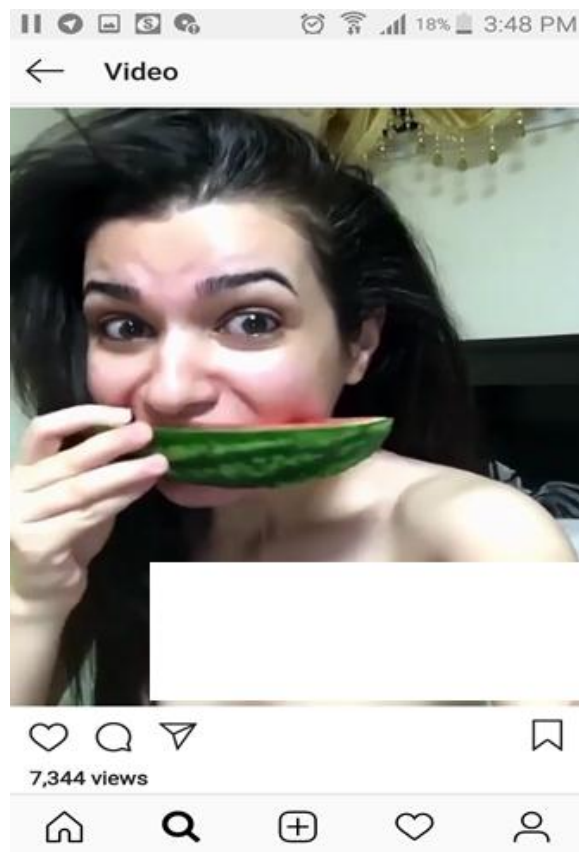


استقبال از لمپنیسم اجتماعی

فقر الگویی از سویی و به میدان آمدن اینفلوئنسرها در فضای مجازی از سوی دیگر سبب شده است، نوعی از لمپنیسم اجتماعی در فضای مجازی و به تبع آن در کاربران آن در جهان واقعی دامن زده شود.

تصویر زیر متعلق به ندا است. او که به ظاهر یک پناه جوی ایرانی در یکی از کمپ‌های استرالیا است، در ویدیوهای خویش با به نمایش نهادن ترکیبی از ولنگاری، بی ادبی و فحاشی، لمپنیسمی زنانه را از خود به معرض دید می‌گذارد.

نکته تأسف بار این مسأله، شناخته شدن ندا در جمعیت ایرانی و انبوه فالوورهای وی هستند که گاهی ویدیوهای هنجارشکنانه و ولنگارانه وی را بیش از ۵۰/۰۰۰ نفر دیده‌اند.



کنار نهادن رودربایستی‌ها

افراد در فضای مجازی به دلیل عدم ارتباط رودرو، راحت‌تر به بیان منویات درونی خویش می‌پردازند و فناوری‌های ارتباطی جدید به سهم خود این امکان را فراهم آورده‌اند که افراد بدون برخورد رودرو، به بیان بدون سانسور علایق، عواطف و ناراحتی‌های خویش دست بزنند.

کنار نهادن رودربایستی‌ها، یکی از امکان عمل‌هایی است که و فناوری‌های ارتباطی پیشرفته به دست می‌دهند، زیرا در مرحله نخست به دلیل بازداری‌زدایی که در فناوری‌های ارتباطی جدید پدید می‌آید و در مرحله بعد به سبب اختصار نویسی که در بیان مضامین موردنظرشان دارند، از حواشی بحث که بعضاً شامل رودربایستی‌های معمول در روابط مرسوم ایرانی‌ها است، فاصله بگیرند.

منطقی (۱۳۹۳ ج) گزارش می‌دهد:

«در یک پژوهش مقدماتی که توسط گروه پژوهش در سطح قریب ۳۴۰ دانشجوی دختر، پسر و دانش آموز دبیرستانی به عمل آمد، ۱۵ مقوله شناسایی شده در ارتباط با ترجیح ارسال پیامک به گفت و گوی تلفنی از جمعیت پاسخ دهنده مورد پرسش قرار گرفت. مشاهده نتایج به دست آمده به صراحت دلالت بر آن دارد که پاسخ دهندگان با استفاده از سرویس پیامک، در عمل رودربایستی‌ها را کنار نهاده، به سرعت سر اصل مطلب رفته، به بیان صریح‌تر عواطف و احساسات خویش یا پرسش از مسایل خصوصی می‌پردازند».

بررسی اظهارات کاربران تلفن همراه تأیید دیگری بر افزایش جرأت و جسارت کاربران تلفن همراه در کنار نهادن رودربایستی‌ها و برخورد صریح‌تر آنان است. چند تن از دانشجویان در همین زمینه بیان می‌داشتند:

«من قبل از این که تلفن همراه داشته باشم، هرگز با جنس مخالف خودم رابطه‌ای برقرار نکرده بودم، اما زمانی که تلفن همراه خریدم، در عرض یک‌سال و چند ماه، با چندین پسر رابطه برقرار کردم و می‌توانم بگویم که اگر تلفن همراه نداشتم، این روابط را با پسران برقرار نکرده بودم».

«من قبلاً با جنس مخالف خودم، هرگز به عنوان دوست ارتباط چهره به چهره نداشتم، اما از طریق تلفن همراه با چند پسر رابطه برقرار کردم، به این ترتیب که من برای آن‌ها پیام می‌فرستادم و حرف‌هایی را که در ارتباط‌های رودرو حاضر به گفتن آن‌ها نبودم، از طریق پیامک ارسال می‌کردم، در حالی که اگر تلفن همراه نبود، من هیچ وقت حاضر نبودم آن حرف‌ها را به صورت گفتاری بیان کنم».

«وقتی دوست پسرم پیامک‌های جنسی به من می‌دهد و نشان می‌دهد که علایق جنسی زیادی دارد، من هم که هنگام حرف زدن با او نمی‌توانم نیازهای خودم را به او منتقل کنم، از طریق اس.ام.اس این کار را می‌کنم و به این وسیله به او می‌گویم که من هم نیازهای مشابهی دارم و با او در این زمینه‌ها حرف می‌زنم».

کنار گذاشته شدن رودربایستی‌های عرفی جامعه و شرم و حیا در روابط دو جنس و افراد هم جنس در جریان کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، رفته رفته آنان را به این سمت و سو سوق می‌دهد که آنان در زندگی عادی و روزمره خودشان هم با کنار نهادن رودربایستی‌های معمول در جامعه، به گونه‌ای هنجارشکن ظاهر شده، در زمینه ایجاد هنجارهای جدیدی در جامعه مؤثر واقع آیند.

کم رنگ شدن شرم و حیا و عفاف

بررسی‌های نظری و تجربی حکایت از آن دارند که یکی از تبعات روان‌شناختی کاربری از فناوری‌های جدید ارتباطی، کاهش تدریجی شرم و حیا، در کاربران این فناوری ارتباطی است.

فناوری‌های ارتباطی پیشرفته ضمن ایجاد بازدارندگی‌هایی که در روابط بین فردی افراد پدید می‌آورند، کاهش تدریجی حساسیت کاربران را در پی دارند. مضاف بر بازدارندگی و حساسیت‌زدایی، فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، از ویژگی‌های خاصی مانند معرفی خود به شکل مطلوب، خودافشاگری (که در پی آن خودافشاگری متقابل پدید می‌آید)، به نمایش نهادن خود راستین و تسریع در ایجاد صمیمیت نیز برخوردارند که مجموعه موارد پیش گفته، فضای فرهنگی خاصی را در ارتباط‌های مبتنی بر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، حاکم می‌سازند که بی‌شبهت به فضای اباحه‌گری نیست.

منطقی (۱۳۹۳ ج)، گزارش می‌دهد:

«در یک بررسی مقدماتی که در سطح ۵۰ دانشجوی دختر و پسر به عمل آمد، نگاه آنان در ارتباط با پیامک‌ها، تصاویر و کلیپ‌های جنسی و تمسخرآمیز (در زمینه قومیت‌ها، جنس مخالف و مسایل دینی)، در مواجهه اولیه دانشجویان با موارد مزبور و مواجهه فعلی آنان با موارد مورد اشاره، مورد پرسش قرار گرفت. نتایج پژوهش اخیر در جداول زیر آمده است:

ارسال پیامک

برخورد مبتنی بر نفی		برخورد خنثی		برخورد مبتنی بر تأیید		
عکس العمل در حال حاضر	عکس العمل اولیه	عکس العمل در حال حاضر	عکس العمل اولیه	عکس العمل در حال حاضر	عکس العمل اولیه	
۱	۲۶	۳۷	۱۵	۱۲	۹	طرح مسایل جنسی
۱۰	۵	۱۷	۹	۲۳	۳۶	تمسخر قومیت‌ها
۱	۰	۲۰	۱۸	۲۹	۳۲	تمسخر جنس مخالف
۱۳	۲۱	۲۹	۲۳	۸	۶	تمسخر مسایل دینی

ارسال عکس‌ها و کلیپ‌ها

برخورد مبتنی بر نفی		برخورد خنثی		برخورد مبتنی بر تأیید		
عکس العمل در حال حاضر	عکس العمل اولیه	عکس العمل در حال حاضر	عکس العمل اولیه	عکس العمل در حال حاضر	عکس العمل اولیه	
۰	۱۲	۸	۱	۵	۰	طرح مسایل جنسی
۲	۳	۱۰	۱	۱	۹	تمسخر قومیت‌ها
۱	۴	۷	۳	۴	۵	تمسخر جنس مخالف
۴	۶	۳	۵	۱	۲	تمسخر مسایل دینی

همان گونه که از داده‌های جدول برمی آید، اگرچه پاسخ دهندگان در برخورد اولیه با پیامک‌های جنسی، عمدتاً جا خورده‌اند، اما در گذر زمان به سبب برخورد زیادشان با این مقوله، به تدریج برای آنان حالت عادی‌سازی مسأله پدید آمده است. محاسبه مربع کای بین عکس‌العمل اولیه و عکس‌العمل پاسخ‌دهندگان در حال حاضر، دلالت بر آن دارد که بین واکنش‌های اولیه و حال حاضر پاسخ دهندگان تفاوت معناداری در جهت از دست دادن حساسیت آنان نسبت به پیامک‌های جنسی پدید آمده است.»

یکی از دانشجویان نگارنده در گزارش پژوهش خود که به رصد موضوع‌های مورد بحث و گفت‌وگو در یک گروه کلاسی دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی پرداخته بود، می‌نویسد:

«... مسایل جنسی یکی از موضوع‌هایی است که دانشجویان در مراودات خود در گروه کلاسی از آن صحبت به میان می‌آورند. بیانات اخیر را می‌توان در مقوله‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

- توجه نشان دادن به مسایل جنسی

دانشجویان در بحث‌های گروهی خود به مسایل جنسی توجه نشان می‌دهند. به عنوان مثال، آنان با نهادن متن، جوک، عکس و استیکرهایی در رابطه با مسایل جنسی یا طرح مواردی در مسایل جنسی -نظیر خودارضایی، هم جنس بازی و نظایر آن‌ها- به بحث‌های جنسی در گروه دامن می‌زنند.

- بحث‌ها و آموزش‌های جنسی

گاهی وقتی دانشجویی فیلم‌های سکسی و خودارضایی را برای دیگران به نمایش می‌گذارد، بعد از این که دانشجویان دیگر آن را دیدند، معمولاً از برخی از جزییات فیلم هم سوال می‌کنند که یکی از دانشجویانی که در این مسایل خبره است، جواب سوال آن‌ها را می‌دهد.

- گفت‌وگو با اشارات صریح جنسی

(یکی از دانشجویان) باید برای درس ... برم یه چادر بخرم!

(چندتا از بچه‌های گروه) اون استاد رو نمی‌شه با چادر راضیش کرد!

(یکی از بچه‌های دیگر) پس با چی راضی می‌شه؟

(دانشجوی دیگر) اون استاد با یه چیز دیگه‌ای راضی می‌شه!

(دانشجوی نخست) اگه با اون راضی می‌شه که پس حله!

(بچه‌های دیگر) چه خوب!

(گذشتن استیکرهای متعدد خنده‌دار).

- طرح مسایل جنسی خویش

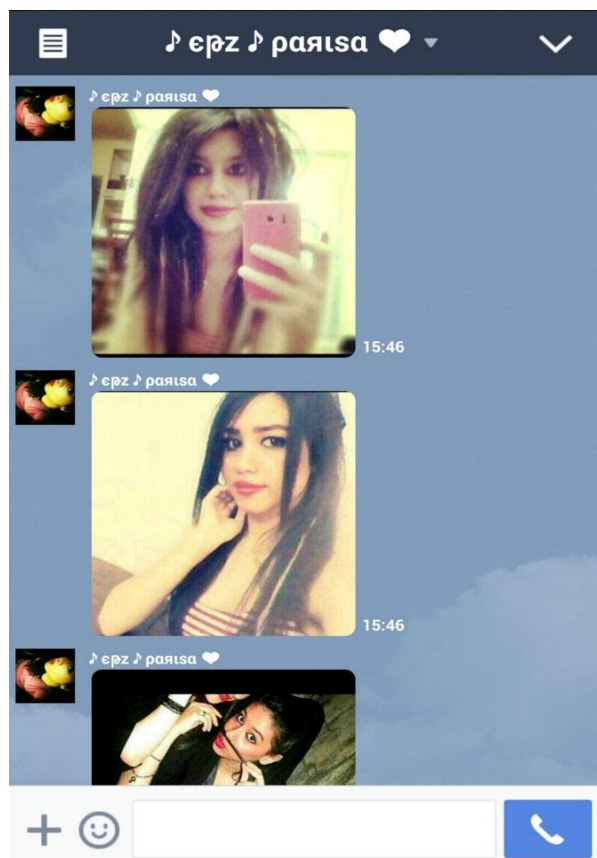
برخی از دانشجویان از خودارضایی خود یاد کرده و از عوارض این مسأله هم که شامل حالشان شده است، یاد می‌کنند، مثلاً بیان می‌دارند: دارم کور می‌شم یا چشمم ضعیف شده است».

سوق یافتن به سمت ابتدال شخصیتی

کاربران فضای مجازی در غیاب چهره‌های سنتی اثرگذار جامعه نظیر عالمان، ادبا، سیاست‌مداران و چهره‌های فرهنگی-اجتماعی ایرانی در فضای مجازی، در عمل متوجه الگوهای هنری-ورزشی و یا اینفلوئنسرهای فضای مجازی شده، تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر علاقه نوجوانان و جوانان به خودنمایی و طرح خود در برابر دیگران سبب می‌شود، در عمل مسابقه نانوشته‌ای بین کاربران فضای مجازی پدید بیاید و هر که در این مسابقه نانوشته لایک بیشتری دریافت کند، برتر از دیگران قلمداد شود. اما از آنجا که از یک جوان کم سن و سال نمی‌توان انتظار ارایه مباحث جدی علمی، هنری، فرهنگی، اجتماعی و مانند آن‌ها را داشت، جوانان تشنه لایک ممکن است با اثرپذیری و تأسی از اینفلوئنسرهایی که با انجام رفتارهای ولنگارانه، غیرمتعارف و سبک‌سرانه به طرح خود در فضای مجازی پرداخته و در این فضا برای خودشان شاخ، شده‌اند، تلاش کنند تا با انجام رفتارهای نامناسب، مبتذل و غیراخلاقی، دست به طرح خود بزنند تا شاید به دلیل غیرمتعارف‌تر بودن رفتارشان، مورد

توجه دیگر کاربران قرار گیرند و لایک بیشتری در این میان نصیب خود کنند. تصاویر زیر، مصادیقی از به حراج نهادن شخصیت خویش برای به چشم آمدن هر چه بیشتر برخی از جوان‌ها است.





ξ

9-25 01:14



 Total 5

Ok bax onaei ke mano nashnakhtan

Like • Comment

 871  36



ΞΥΛΗΤΗ ΗΘΛΣΑΒΞ 9-25 13:26

jooonZ



இ ௭ 1f K இ ல 9-28 02:21

ஃமீம் mage hame mes baba o dadash to kafi an ke ro in axa bezanan???



رکیک شدن نسبی محاوره نوجوانان و جوانان

در فضای مجازی به دلایل متعددی وقوع تخلف و رفتارهای خلاف فزونی می‌یابد. یکی از عمده‌ترین دلایل این امر فقدان مکانیزم‌های تهاجم‌شکن است.

انسان‌ها و حیوان‌ها از سازوکاری با عنوان مکانیزم‌های تهاجم‌شکن برخوردار می‌باشند. این سازوکارهای زیستی در عمل مانع از شدت گرفتن تهاجم و پرخاشگری انسان‌ها و حیوان‌ها نسبت به یک‌دیگر می‌شود. به عنوان مثال، وقتی دو گرگ، گوزن یا زاغ بر سر قلمرو یا جفت با یک‌دیگر به رقابت می‌پردازند، گرگ‌ها درصدد آسیب زدن به شاه رگ گرگ مقابل خود برمی‌آیند، گوزن‌ها می‌کوشند با شاخ‌هایشان، پهنای بدن گوزن مقابل را هدف قرار دهند و زاغ‌ها می‌کوشند به پس سر زاغ مقابل، ضربه مهلک خود را وارد کنند. اما وقتی یک گرگ یا گوزن یا زاغ شکست را در جریان نبرد پذیرفت (و در واقع قلمرو یا جفت مورد نظر را به حریف وا گذاشت)، در این حالت گرگ مغلوب شاه رگ خویش، گوزن شکست خورده، پهنای بدن خود و زاغ بازنده، پس سر خود را روبروی حریف قدر قرار می‌دهند که اتفاقاً در همین لحظه، تهاجم طرف مقابل، فروکش کرده، جنگ آن‌ها به صلح می‌گراید. در انسان‌ها نیز سازوکارهای تهاجم‌شکن وجود دارد. یکی از این سازوکارها، نگاه انسان‌ها به یک‌دیگر است. نگاه یک انسان به چشم انسان مقابل، مانع از شدت گرفتن پرخاشگری وی می‌شود، اما در غیاب

مکانیزم تهاجم شکن اخیر، انسان‌ها ممکن است به سادگی دست به هر نوع پرخاشگری ممکن در ارتباط با افراد فرارویشان بزنند.

فقدان ارتباط چشمی انسان‌ها با یکدیگر، حضور یافتن شخصیت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی، حضور برخی از افراد جهت سوءاستفاده از دیگران در فضای مجازی و سرانجام مبادله محتوایی که دارای مضامین نامناسب هستند، همه دست به دست هم داده، فضای مجازی را به صورتی پرخطرتر از فضای واقعی درمی‌آورند. تصویر زیر نمونه‌ای در همین جهت به شمار می‌رود.



یکی از دانشجویان در گزارشی که از موضوع‌های مورد بحث و گفت‌وگو در یک گروه کلاسی در شبکه‌های اجتماعی تهیه کرده است، در قسمتی از گزارش خود می‌نویسد:

«... اگر دانشجویی گروه را ترک کند، اعضای گروه وی را به شکل ناخوشاینی بدرقه می‌کنند، به عنوان مثال، اگر دانشجویی از این گروه مجازی خارج بشود، بعد از خارج شدنش با فحش‌ها، استیکرها و عکس‌های بسیار رکیک و غیراخلاقی بدرقه می‌شود، درحالی که در برخورد رودرو با وی، مثل همیشه برخورد می‌شود و این مسأله دلیلی محکمی است که یک سری از بچه‌های مذهبی که فعالیتی هم در آن گروه ندارند، جرأت خارج شدن از گروه را پیدا نمی‌کنند و به اجبار دایم با حرف‌ها و برخوردهای رکیک دیگر هم کلاسی‌های خود روبرو می‌گردند».

لازم به ذکر است که الفاظ و برخوردهای رکیک تنها به گروه‌های دانشجویان کارشناسی که کم‌سن‌تر هستند محدود نشده، بعضاً در سطح گروه‌های کارشناسی ارشد و دکتری نیز ملاحظه می‌گردند.

پرخاشگری الکترونیکی



با گسترش فضای مجازی، مسایل جدیدی از جمله پرخاشگری در فضای مجازی یا پرخاشگری الکترونیکی نیز پدید آمده، منشاء اثر گردیده است.

به سبب گسترده‌گی ارتباط‌ها در فضای مجازی، با انجام پرخاشگری الکترونیکی، این پرخاش و توهین بلافاصله در سطح گسترده و وسیعی منعکس شده، افراد بی‌شماری از آن مطلع می‌گردند. مضاف بر این، پرخاشگری الکترونیکی، الزاماً افراد را در برنگرفته می‌تواند، اقوام، کشورها، نظام‌های سیاسی و حتی عقیدتی را دربر بگیرد.

سلیمی و داوری (۱۳۸۶)، در مورد پرخاشگری الکترونیکی و تبعات گسترده آن می‌نویسند:

«از آن جایی که در توهین، خشونت در گفتار شرط نیست، پس لزوماً توهین، شفاهی نیست. از این رو، توهین کتبی نیز جرم است و لزومی ندارد توهین یا الفاظ اهانت‌آمیز حتماً روی تکه‌ای کاغذ ملموس نوشته شوند یا روی دیوار، زمین یا داخل محتویات روزنامه‌ها و نشریات آورده شوند؛ بلکه توهین به صورت مطالب مندرج در اینترنت نیز توهین کتبی است؛ به عبارت دیگر، توهین در فضای مجازی اگر به صورت نوشته عرضه شود، توهین لفظی - کتبی است. از سوی دیگر، حضوری بودن در توهین شرط نیست. توهین می‌تواند در غیاب شخص مورد توهین، ولی در حضور دیگران صورت پذیرد. پس توهین اینترنتی نیز می‌تواند در حضور شخص، در صورتی که فرد مقابل نمایشگر رایانه قرار داشته باشد و مطلب اهانت‌آمیز را در همان لحظه مشاهده کند یا در غیاب شخص و در حضور دیگران ارتکاب یابد؛ زیرا اینترنت بی‌حد و مرز است و در آن واحد جمعیت کثیری به آن دسترسی دارند.

از دیدگاه جرم‌شناختی، توهین در فضای مجازی قابل قیاس با توهین سنتی نمی‌باشد؛ زیرا در توهین سنتی ممکن است فرد در مقابل عده‌ای محدود مورد اهانت واقع شود؛ اما آسیب ناشی از توهین رایانه‌ای، به مراتب بیشتر از توهین سنتی است. شاید بتوان در توهین سنتی اعاده حیثیت کرد؛ اما در توهین مدرن که وسعتی به اندازه کل دنیا دارد، اعاده حیثیت بسیار مشکل و غالباً غیر ممکن است و به همین جهت، نیاز به شدت عمل بیشتری دارد. اگرچه جنبه‌های خشن توهین سایبری نسبت به مواردی چون: قتل، ضرب و جرح و تجاوز کمتر نمایان می‌باشد، اما درست به همان اندازه واقعی است و گاه نتایج وخیم‌تری در پی دارد و هزینه‌ای سنگین‌تر را بر جامعه تحمیل می‌کند. بنابراین، علاوه بر الفاظ، هر گونه عکس، کاریکاتور، فیلم، صوت یا تصویر که عرفاً توهین تلقی شود، موجب هتک حیثیت خواهد بود».

ویژگی دیگری که فضای مجازی از آن برخوردار است و به نوعی پرخاشگری الکترونیکی را تسهیل می‌سازد، فقدان سازوکارهای (مکانیسم‌های) تهاجم‌شکن در این فضا به شمار می‌روند که بیشتر از آن یاد شد.

بررسی‌های مقدماتی دلالت بر آن دارند که در فضای مجازی، جنس مؤنث (یا کسانی که با اسامی مؤنث در فضای مجازی حاضر شده‌اند)، بیشتر از جنس مذکر (یا کسانی که با اسامی مذکر در فضای مجازی حضور یافته‌اند)، مورد اهانت قرار می‌گیرند.

در بررسی که نیکول^۱ و فلمینگ^۲ (۲۰۱۰)، انجام دادند، مشخص شد که با وجود کم بودن فراوانی مورد پرخاشگری واقع شدن توسط تلفن همراه، در مجموع، دختران بیشتر از پسران، قربانی این پدیده نوظهور هستند. برخی از نوجوانان و جوانان در مصاحبه‌های میدانی خویش تأکید می‌کنند که در فضای مجازی، گذشته از مورد اهانت قرار گرفتن، تهدید به پخش عکس‌های فتوشاپی خودشان و حتی قتل شده‌اند.



استقبال از ادبیات هزینه‌نگار

ارایه محصول‌های هزینه‌نگار توسط فناوری‌های ارتباطی پیشرفته را می‌توان از دو منظر فرهنگی و اقتصادی تحلیل کرد. کاپلان^۳ (۲۰۰۸)، با اشاره به این که مدل‌های جدید آیفون^۴ در حداقل ۷۵ کشور جهان در دسترس کاربران قرار گرفته است و این امکان را به آنان می‌دهد که به سادگی از محصول‌های هزینه‌نگار در روی تلفن‌های پیشرفته خویش استفاده کنند، با استناد به قول کریستین^۵ (به عنوان یکی از مدیران فناوری‌های هوشمند چند رسانه‌ای)، از آیفون به مثابه اسب تروا^۶ (غرب) یاد می‌کند که ارزش‌های مورد نظر محصول‌های هزینه‌نگار را به دیگر نقاط جهان، منتقل می‌سازد. شاید از همین رو هم هست که با وجود بُعد اقتصادی قابل توجه محصول‌های هزینه‌نگار و هزینه قابل توجهی که در سطح جهان برای تهیه این محصول‌های صرف می‌شود، عرضه رایگان این محصول‌های توسط یوتوب^۷ و بسیاری از سایت‌های اینترنتی دیگر، صورت می‌پذیرد^۸.

^۱- Nicol, A.

^۲- Fleming, M. J.

^۳-Caplan, Jeremy

^۴-iPhone

^۵-Kristein

^۶-Trojan horse

^۷-Youtub

^۸-Wikipedia, The free encyclopedia (2011). Mobile porn.

فریزر^۱ (۲۰۰۹)، در مقاله «پورنو در امریکا»، می‌نویسد:

ادبیات هرزه‌نگار در سطح تلفن‌های همراه کاربران امریکایی، به صورت قابل توجهی ملاحظه می‌شود. تصاویر و کلیپ‌هایی که توسط منابع پورنوگرافیکی مانند ویوید^۲، پلی بوی^۳، آی پورن^۴، پن هاوس^۵، پورن هوب^۶ و نظایر آن‌ها تهیه شده است، با قیمت‌هایی بین ۴/۹۹ دلار تا ۲۹/۹۹ دلار در ماه، روی تلفن همراه کاربرانی که مایل به بهره‌گیری از تصاویر و کلیپ‌های سکسی هستند، ارسال می‌گردد.

کاپلان (۲۰۰۸) نیز در همین رابطه گزارش می‌دهد:

سه نفر از هر چهار نفر کاربر آیفون، مردهایی با درآمد بالاتر از حد متوسط هستند که برای سرگرمی‌های آیفون، ماهانه بیش از ۱۰۰ دلار هزینه می‌کنند.^۷

نیت^۸ (۲۰۱۱)، از قول دو نفر از پژوهش‌گرانی که روی چگونگی کاربری کاربران از گوگل^۹ پژوهش می‌کنند، خاطرنشان می‌سازد، بررسی آنان در سطح یک میلیون درخواست و جست‌وجوی انجام شده در گوگل که به صورت تصادفی انتخاب شدند، نشان می‌دهد که «کاربران مزبور واقعاً به محتویات هرزه‌نگار علاقه نشان می‌دهند».

این پژوهشگر برای توصیف حجم عظیم تولیدات هرزه‌نگار، در تشبیهی بیان می‌دارد، اگر فردی به یک کتاب‌فروشی برود، تنها قفسه‌های محدودی در کتاب‌فروشی را پیدا خواهد کرد که به ارایه محتویات خاص بزرگ‌سالان می‌پردازند، اما محصول‌های عاشقانه بزرگ‌سالان که برای کاربری روی تلفن همراه تهیه می‌شوند، در میان مجموع تولیدات تهیه شده برای تلفن همراه، از حجم بسیار بیشتر برخوردارند.

¹ -Frieser, M.

² -Vivid

³ -Play boy

⁴ -Iporn

⁵ -Penthouse

⁶ -Porn Hub

^۷ - اگرچه زمانی تهیه کارت اعتباری برای برخورداری از محصولات اخیر، در دستور کار کاربران این محصولات بود، اکنون کاربران می‌توانند از منابع فوق بخواهند که هزینه خرید محصولات مورد نظرش، روی قبض تلفن همراه وی، به او ارایه شود. دانشنامه ویکی‌پدیا -۲۰۱۱-، در همین زمینه می‌نویسد:

در برخی از کشورها، هزینه ادبیات عاشقانه‌ای که توسط سایت‌های بزرگ‌سالان بر روی تلفن همراه کاربران فرستاده می‌شود، روی قبض تلفن همراه کاربران افزوده می‌شود و به این ترتیب در پرداخت هزینه کاربری از محصولات هرزه‌نگار، تسهیل ایجاد می‌شود.

⁸ -Nate Anderson (2011). Mobile phone users love their pornography. www. Ars technical.

⁹ -Google

لورنته (۲۰۰۲)، به نقل از منگائیلی^۱ بیان می‌دارد: برخی از مطالعات بیانگر آن هستند که ۷۰٪ از پیامک‌ها، شامل مطالب هیجانی^۲ و مضامین عشقی و شهوانی^۳ هستند.

لورنته در جای دیگری از پژوهش خود گزارش می‌دهد ۷۰٪ از پیامک‌های ردوبدل شده در اسپانیا، حاوی مباحث عاطفی و محبت‌آمیز هستند.

پرتیرا (۲۰۰۵)، در گزارش خویش، خاطرنشان می‌سازد که ارسال جوک‌های جنسی در سطح جوانان فیلیپینی، به صورت امری شایع در آمده است و باک (به نقل از کوثری و خیرخواه -۱۳۸۷-)، یادآور می‌شود، معاشقه (لاس زدن) از طریق پیامک، به شکل امر رایجی در آمده است که فرصت مناسبی برای توسعه «زمینه تجارت شهوانی (اروتیک)» فراهم می‌سازد. علاوه بر سوق یافتن میزان قابل توجهی از پیامک‌های کاربران تلفن همراه به سمت ادبیات هرزه‌نگار، این فناوری به صورت ابزاری برای آشنایی دو جنس با یکدیگر، تعمیق روابط آنان با هم و تبدیل روابط مجازی عاشقانه‌شان به روابط حقیقی در آمده است.

تهیه تصاویر نیمه‌برهنه و برهنه و تهیه فیلم‌های کوتاه (کلیپ) که غالباً از طریق سایت‌های هرزه‌نگار اینترنتی تأمین می‌شوند، و ردوبدل کردن آن‌ها از طریق بلوتوث در میان کاربران تلفن همراه، فصل بارز و مشخص دیگری است که چهره‌ای تخریر کننده به این نوع کاربری از تلفن همراه، بخشیده است.

پلانت (۲۰۰۰) نیز در گزارش پژوهشی خویش از کاربری جوانان بیرم‌نگامی تا بانکوکی از کلیپ‌های هرزه‌نگار یاد می‌کند. برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که رشد تلفن همراه نسل سوم و تلفن‌های هوشمند^۴ تا حدودی متأثر از تمایل کاربرانی است که درصدد پیاده‌سازی (دانلود) سریع محصولات هرزه‌نگار مورد نظرشان است.

کاریو^۵ (۲۰۰۸)، گزارش می‌دهد: اگرچه طی سال‌های اخیر کمپانی تلو^۶س اقدام به ارایه سرویس محتوای خاص بزرگ‌سالان در روی تلفن همراهش کرد، اما به دلیل مواجه شدن با اعتراض هم‌زمان کلیسا، اولیا و برخی از مشتریان خویش، به حذف سرویس اخیر دست زد و اعتراض گروه‌های مذهبی و اقشار نیک‌اندیش جامعه نسبت به ارایه سرویس اخیر و خاصه امکان کاربری کودکان از محصولات هرزه‌نگار وجود دارد، اما به نظر می‌رسد طی سال‌های آینده، ارایه سرویس محصولات هرزه‌نگار روی گوشی همراه رایج شود. همین پژوهش‌گر ادامه می‌دهد:

گرگوری پیکسیونللی^۷، یک وکیل متخصص در صنعت سرگرمی بزرگ‌سالان^۸ پیش‌بینی می‌کند، به زودی کاربران امریکایی تلفن همراه ممکن است سرگرمی بزرگ‌سالان را روی گوشی همراه خویش، به رایگان دریافت دارند. به عنوان مثال، برنامه قرار و مدار بزرگ‌سالان^۹ امکان ایجاد رابطه سکسی بین کاربر و افراد غریبه را فراهم می‌آورد.

1 -Manganelli

2 -Emotional

3 -Erotic

4 -Smart phone

5 -Carew, Sinead

6 -Telus

7 -Piccionelli, G.

8 -Adult entertainment industry

9 -Adult date

ولیس (، ۹، ترجمه اوحدی و همکاران، ۱۳۸۲)، گزارش می‌دهد، افرادی که با کاربری مفرط از محصولات های هرزه‌نگار، در عمل معتاد به استفاده از این محصولات های می‌گردند، به دلیل تنوع طلب شدن در روابط جنسی خویش و احساس عدم ارضا در خانواده، رو به بیرون از خانواده آورده، به این ترتیب ضمن آشفته کردن روابط خانوادگی خود، میزان طلاق در آنان فزونی می‌یابد.

نتایج پژوهش اخیر، در درجه نخست اهمیت با شواهد اجتماعی موجود در جامعه، مانند افزایش نرخ سن ازدواج، تغییر الگوی ایدز از تزریقی به آمیزشی، رتبه قابل توجه جست‌وجوی اینترنتی کلمات مرتبط با سکس در کاربران ایرانی، تغییر الگوی روسپیگری (از فقیر به غنی، از بی‌سواد به تحصیل کرده و از مجرد به متأهل) (مدنی، ۱۳۸۷) همسویی نشان می‌دهد. منطقی و بلقان‌آبادی (۱۳۸۹)، در تحلیل محتوایی که در سطح ۱۴۰۰۰ صفحه از چت روم‌های ایرانی داشته‌اند، گزارش می‌کنند که عمده گرایش کاربران ایرانی اتاق‌های گپ اینترنتی معطوف به ارضای هیجان‌جویی و نیازهای جنسی آنان است و مواردی مانند نودوستی و آموزش، از استقبال بسیار اندک کاربران چت روم‌های ایرانی برخوردارند.

منطقی، حسونودی، معمار و خواجویی (۱۳۸۸)، در بررسی که در مورد نیازهای مشاوره‌ای کاربران اتاق‌های گپ ایرانی داشته‌اند، منطقی و رشیدی حر (۱۳۹۱)، در بررسی که در سطح کاربران گیم‌نت‌ها داشته‌اند و هنرپروران و رفاهی (۱۳۸۵)، در بررسی که در سطح کاربران دختر اتاق‌های گپ اینترنتی در شیراز داشته‌اند، به ارایه نتایج مشابهی پرداخته‌اند.

منطقی (در دست نشر)، در بررسی که در زمینه کاربری دانشجویان از پیامک، گالری عکس و کلیپ تلفن همراه داشته است، گزارش می‌دهد، وی پس از گردآوری ۲۰۰۰ پیامک، ۲۰۰۰ عکس گالری عکس تلفن همراه دانشجویان و ۲۰۰۰ کلیپ آنان، در تحلیل محتوایی که در این جهت داشته است، در عمل به رتبه بالای کاربری هیجان‌جویانه و جنسی موارد اخیر در سطح جامعه تحقیق خویش رسیده است و کاربری دانشجویان از پیامک‌ها، عکس‌ها و کلیپ‌های علمی و نودوستانه، بسیار اندک و در حد ناچیز می‌باشد.

تصویر زیر نیز نمایانگر برخی از سایت‌هایی است که دانشجویان در مرکز رایانه دانشگاه به آن‌ها مراجعه داشته‌اند.

```

GET http://www.big-heavy-tits.com/free-nude-sex-pictures-
big-tits-celebs.gif - NONE/ - Image/gif
http://hestia.sextrail.trakkerd.net/0/9005/1/4/1/32/480000/800/0/
? - DIRECT/66.181.171.73-
GET http://www.free-softcore-sex-pictures.com/ -
DIRECT/64.255.11.23 text/html
GET http://www.free-softcore-sex-
pictures.com/addtofavorites.gif - DIRECT/64.255.11.23
image/gif
GET http://www.free-softcore-sex-pictures.com/free-softcore-
sex-pictures.html - DIRECT/64.255.11.23 text/html
GET http://banners.babylon-x.com/bansml1.gif -
DIRECT/216.130.197.236 image/gif
http://hestia.sextrail.trakkerd.net/0/9005/1/4/1/32/480000/800/0/
? - DIRECT/66.181.171.73-
GET http://www.hardcore-group-sex-
photos.com/group_sex_pictures/ - DIRECT/209.217.135.177
text/html
http://www.hardcore-group-sex-photos.com/spacer.gif -
DIRECT/209.217.135.177 image/gif
GET group-sex-photos.com/group-sex_04.jpg -
DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-
sex_02.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-
sex_03.gif - DIRECT/209.217.135.177 image/gif
GET http://www.google.com/search? - DIRECT/216.239.37.101
text/html
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-
sex_07.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-
sex_05.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-
sex_08.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-
sex_09.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-
sex_11.jpg - DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg
GET http://www.hardcore-group-sex-photos.com/group-
sex_10.gif - DIRECT/209.217.135.177 image/gif
GET http://www.hardcore-group-sex-
photos.com/group_sex_pictures/BFD3A5A1.jpg -
DIRECT/209.217.135.177 image/jpeg

```

استقبال از سرگرمی‌های غیرمتعارف

سرگرمی، بازی و تفریح، از فرایندهایی است که از حیوانات گرفته تا انسان‌ها و از کودکان گرفته تا افراد بزرگسال، همه را درگیر خود کرده و می‌کند.

گذشته از نظریه‌پردازی‌های متعددی که در مورد سرگرمی و بازی وجود دارد، شاخصه‌های اساسی که روان‌شناسان در تعریف بازی معرفی کرده‌اند، به طور عمده ناظر بر بی‌هدف بودن بازی، ارتجالی یا خودجوش بودن، رفع خستگی، لذت بردن، برخورداری از جنبه تمرینی، رمزی و فکری بودن بازی و نظایر آن‌ها است.

نگاهی به جامعه می‌نمایاند که در سطح جامعه بسترسازی‌های لازم جهت گذران اوقات فراغت افراد تدارک دیده نشده است و بودجه‌های فرهنگی دولت و شهرداری‌ها به میزان قابل توجهی صرف برنامه‌هایی با جهت‌گیری‌های دینی (و بعضاً تربیت نیروهای ایچ‌ولژیک ذیل عنوان برنامه‌های فرهنگی) می‌گردد.

اختصاص بندهایی از بودجه فرهنگی کشور به مواردی نظیر نشر کتاب‌های آیت الله مدرسی یا ساخت شهرک مهدیه برای طلاب، بیانگر سمت‌گیری جهت‌دار بودجه‌های فرهنگی است که باید امکانات اولیه را برای گذران سالم اوقات فراغت عموم شهروندان ایجاد کند.

اگر توجه خود را در این قسمت معطوف به دانشگاه‌ها کنیم، در سطح دانشگاه‌ها نیز مشاهده می‌گردد که اگرچه دانشگاه‌ها به سهم خود دارای برخی از امکانات اولیه تفریحی و ورزشی هستند و بودجه مستقلی برای امور فرهنگی دارند، اما بودجه اخیر بیشتر از آن که عامه دانشجویان را مدنظر قرار دهد، عمدتاً متوجه اجرای طرح‌های دفتر نهاد نمایندگی و بسیج دانشجویی است و سهم دانشجویانی که زیر پوشش نهادهای اخیر نیستند، از بودجه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها بسیار اندک است. بنابراین دانشجویان برای گذران اوقات فراغت خویش به شکل بهینه یا باید متحمل هزینه‌های گزاف برای گذران اوقات فراغت بهینه خویش شوند و یا آن که از امکانات لازم برای برخورداری از امکانات تفریحی و ورزشی محروم باشند، بنابراین در شرایط اخیر، با فقدان امکانات گذران اوقات فراغت بهینه، دانشجویان برای صرف وقتشان، ممکن است به تفریحات و سرگرمی‌های خود ساخته روی بیاورند و به این ترتیب اسباب سرگرمی خویش را فراهم آورند. تصویر زیر نمونه‌ای از گذران وقت برخی از دانشجویان در خوابگاه‌های دانشجویی است:



برگزاری تصنعی مراسم خواستگاری و ازدواج، نمونه مشابهی است که در خوابگاه دختران ملاحظه می‌گردد. یکی از دانشجویان نگارنده در گزارش تحقیق خود در این ارتباط می‌نویسد:

«برخی از شب‌های سال، مانند شب یلدا، که مقارن با جشنی است، دانشجویان دختر و پسر مراسم خواستگاری، عقد و عروسی را میان دوستانشان برگزار می‌کنند. مراسم اخیر که در خوابگاه‌های دختران رایج‌تر هست به این ترتیب است که دخترهای یکی از اتاق‌ها، به عنوان خانواده داماد، به تک‌تک اتاق‌ها سرزده، از دخترهای آن اتاق برای پسرشان خواستگاری می‌کنند. این مراسم که همواره با هل‌هل، کف زدن و سوت کشیدن بچه‌ها توأم است، در صورت توافق طرفین به شیرینی خوری، بله بران، نامزدی، گفت‌وگوهای عروس و داماد، و در نهایت مراسم عقد و ازدواج می‌انجامد.

در مراسم عقد، عروس و به اصطلاح داماد را زیر یک پارچه می گذارند، دو نفر هم شروع به ساییدن قند بالای سر آنها می کنند و دختری که نقش عاقد را بازی کرده، در هیئت یک روحانی ظاهر می شود، خطبه عقد آنان را می خواند. در این هنگام بچه ها ممکن است از زوایای مختلف و در حالت های متنوع از صحنه عکس تهیه کنند.

در جریان مراسم ازدواج نیز عروس و به اصطلاح داماد به عنوان زن و شوهر آینده با یکدیگر رقصیده، صحنه های مختلفی را به نمایش می گذارند که اغلب موجبات خنده حاضران را فراهم می آورد.

البته حسب شنیده ها، گاهی پسر ها نیز جرأت به خرج داده، پسری را به عنوان عروس انتخاب می کنند و با انداختن ملحفه یا پارچه سفیدی روی سر وی، مراسم عقد و ازدواج را برای آنها برگزار می کنند و بدین طریق به هیجان های سرکوفته و پاسخ نیافته خویش، پاسخی نسبی و تصنعی می دهند».

هیجان جویی مرضی

هیجان خواهی^۱ خصوصی است که با نیاز فرد به احساس های متفاوت، تازه و پیچیده و نیز تجارب متفاوت، تازه و پیچیده و اشتیاق فرد برای پذیرش خطر جسمی و اجتماعی مربوط به این تجارب تعریف می گردد (فرانکن، ۱۹۹۸، ترجمه شمس اسفند آباد و همکاران، ۱۳۸۴). آرنِت^۲ (۱۹۹۶) نیز به شکل مشابهی، افراد هیجان خواه را کسانی تعریف می کند که تمایل به تازگی و تجارب زیاد دارند.

طبق نظر اخیر، هیجان خواهی صفتی است که بر اساس نیاز به هیجانات و تجارب گوناگون جدید پیچیده و تمایل به مخاطرات فیزیکی و اجتماعی به منظور دست یابی به چنین تجاربی تعریف شده است.

هیجان خواهی بر اساس توانایی برانگیختن قرار دارد. فردی که زیاد هیجان خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می دهد، از کارهای یک نواخت خسته می شود و همواره به دنبال آن است که از طریق تجربه های مهیج، انگیزتگی خود را بیشتر کند. فردی که هیجان خواه نیست، تحریک مغزی کمتری را ترجیح می دهد و کارهای یک نواخت را نسبتاً خوب تحمل می کند.

هیجان خواهی با توانایی برانگیختن فرد مرتبط است. فردی که زیاد هیجان خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می دهد، از کارهای یک نواخت خسته می شود و همواره به دنبال آن است که از طریق تجربه های مهیج، انگیزتگی خود را بیشتر کند. فردی که هیجان خواه نیست، تحریک مغزی کمتری را ترجیح می دهد و کارهای یک نواخت را نسبتاً خوب تحمل می کند (مارشال ریو، ۲۰۰۵، ترجمه ی سید محمدی ۱۳۸۷).

هیجان و هیجان خواهی واقعی غیر قابل انکار در وجود هر انسانی محسوب می شود و مربوط به دوره خاصی از زندگی نیست، اما در دوره نوجوانی و جوانی شکل جدی تری به خود می گیرد. استینبرگ و همکاران (۲۰۰۸)، خاطرنشان می سازند، هیجان خواهی بین ۱۵-۱۰ سالگی افراد افزایش می یابد و سپس با بالا رفتن سن آنان، بعد از ۲۴ سالگی کاستی می یابد.

^۱ - Sensation seeking

^۲ - Arnett, J.

زا کرمن دریافت، در حالی که برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه از فعالیت‌هایی چون کوه‌نوردی، پرواز با هواپیمای بی‌موتور، مسابقات اتومبیل‌رانی، اسکی و غواصی لذت می‌برند، افراد کم هیجان‌خواه عموماً از آن لذت نمی‌برند. برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه تجربه‌های متنوع را به تجربه‌های خطرناک ترجیح می‌دهند. همچنین معلوم شده است که افراد زیاد هیجان‌خواه بیشتر از افراد کم هیجان‌خواه از داروهای غیرمجاز استفاده می‌کنند (شولتز و شولتز، ۱۹۹۸، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۷۷). افراد هیجان‌خواه از تجارب جدید استقبال می‌کنند و آداب و رسوم مرسوم در جامعه، آنان را چندان محدود نمی‌کند. اگر این افراد پی ببرند که برنامه‌ی جالبی وجود دارد، چندان ابایی از شکستن قرار قبلی ندارند.

زا کرمن اظهار می‌دارد، در گروه دوستان بزه‌کار، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون مصرف موادمخدر و قانون‌شکنی بروز کند، در مقابل در گروه رسمی‌تر، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون ورزش‌های خطرناک یا حتی هنر ابراز شود. افراد هیجان‌خواه به دنبال موسیقی می‌گردند که جدید و متفاوت باشد و از شعر و شوخی و لطیفه لذت می‌برند (فرانکن، ۱۹۹۸، ترجمه شمس اسفندآباد و همکاران، ۱۳۸۴).

هس، بین ویژگی‌های هیجان‌خواهی و رفتارهای خطرآفرین از جمله سوءاستفاده از مواد، الکل و سکس بدون ایمنی، رابطه مثبتی یافت (هوث، ۲۰۰۲). ویس کریچ^۲ و مورفی^۳ (۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) نیز در پژوهش‌های خویش همبستگی بین هیجان‌خواهی با کاربری بالا از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای و موسیقی پاپ را نتیجه گرفته‌اند.

افراد هیجان‌خواه زیاد تمایل به خطر دارند (کووران^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). شوارز^۵ و همکاران (۱۹۷۸)، از وجود یک رابطه مثبت قوی بین هیجان‌جویی و استفاده از الکل یاد می‌کنند. همچنین بال^۶ و همکاران (۱۹۹۴)، خاطرنشان می‌سازند، بین هیجان‌جویی و سوءمصرف مواد و اختلال‌های روانپزشکی ارتباط وجود دارد و افراد با هیجان‌جویی بالا، علایم شدید سوءمصرف مواد و اختلال شدید روانی را نشان داده، در سنین زودتری به سمت مصرف مواد کشیده می‌شوند. اسپیتالنیک^۷ و همکاران (۲۰۰۷)، در بررسی هیجان‌خواهی جنسی و ارتباط آن با رفتار پرخطر جنسی در میان دختران نوجوان آمریکایی-آفریقایی تبار، از همبستگی سطوح بالای هیجان‌خواهی و رفتارهای ریسک‌پذیر جنسی آنان (مثل تعداد شرکای جنسی) یاد می‌کنند. این افراد همچنین تمایل به استفاده از انواع موادمخدر و تنوع‌طلبی در مسایل جنسی دارند و به دنبال موقعیت‌هایی می‌گردند که بتوانند در آن بی‌قیدوبند باشند (فرانک برگر^۸، ۲۰۰۴).

بروهی^۹ و همکاران (۱۹۸۵)، در پژوهشی همبستگی مثبتی بین هیجان‌خواهی و لذت بردن از رسانه‌های جمعی را نشان دادند.

1 - Huth, A. C.

2 - Weisskirch, R. S.

3 - Murphy, I. C.

4 - Curran, Matthew F.

5 - Schwarz, Raymond M.

6 - Ball, S. A.

7 - Spitalnick, J., Diclemente, R.

8 - Frankenberger, K. D.

9 - Broihier, M. C.

وجود افرادی که خواهان پاسخ به هیجان‌جویی معمولشان هستند، جوامع مختلف را بر آن می‌دارد که دست به برنامه‌ریزی-های لازم در جهت ارضای هیجان‌جویی شهروندان‌شان بزنند.

در کشورهای غربی عرصه‌هایی چون جشن آرد، جشن رنگ پاشی به دیگران، جشن (پرتاب) گوجه فرنگی (به یکدیگر)، مسابقات رالی در بیابان و حتی روی دریاچه‌های یخ زده، مسابقات گاو‌بازی، صخره‌نوردی، مسابقات موتور و دوچرخه سواری در کوه، مسابقات هنری در شرایط خاص (مثلاً نقاشی در شرایط دشوار) و مانند آن، فراهم است تا افراد هیجان‌جو، عرصه‌های مورد قبولی برای تحقق هیجان‌جویی خویش داشته باشند. اما در ایران غالباً به این مسأله پر اهمیت با دیده منفی نگریسته شده است و مسابقه‌ها و برنامه‌های هیجان‌جویانه موجود در سطح جامعه نیز از محدودیت برخوردارند. از این رو به نظر می‌رسد، در سطح کلان کشور، برای پاسخ‌گویی به نیاز طبیعی برخی از افراد و خاصه برای افراد هیجان‌خواه، عرصه‌های طبیعی هیجان-خواهی تنگ بوده، توجه لازم به آن معطوف نشده است. بنابراین در شرایط اخیر انتظار می‌رود، افراد هیجان‌طلب به مسیرهای انحرافی مانند: اعتیاد به مواد مخدر، الکل، اکستازی، اعتیاد به اینترنت (وب گردی، چت‌روم‌ها، سایت‌های نامناسب)، ماهواره و روابط عاشقانه (به مثابه ارزان‌ترین عرصه‌هایی که برای جوانان فراهم است)، روی آورند (منطقی، ۱۳۷۷).

بالطبع با توجه به آنچه از آن یاد شد، در صورت عدم پرداختن به مسأله هیجان‌خواهی افراد، بسیاری از آنان ممکن است، با توسل به اشکال انحرافی، درصدد ترضیه خاطر خویش برآیند.

یکی از مسایل مهمی که در مقوله ارضای هیجان‌جویی باید بدان توجه لازم را داشت، مسأله تفاوت مقوله هیجان‌جویی در دو جنس است، به این معنا که جنس مذکر هیجان‌جویی بیشتری تا جنس مؤنث از خود نشان می‌دهد.

جنس مذکر به دلیل بستر هورمونی متفاوتی که از آن برخوردار هست، نیاز به سوزاندن تستوسترون موجود در خونس دارد و تحرک، ورزش و رقابت‌جویی راهی برای سوزاندن تستوسترون موجود در خون جنس مذکر می‌باشد، مضاف این که جنس مذکر برخلاف جنس مؤنث که مبنای روان‌شناسی وی را پیوند‌گرایی، ارتباط و عواطف تشکیل می‌دهند، مبنای روان‌شناسی جنس مذکر، اقتدارطلبی، سلطه‌جویی و رقابت‌جویی است.

موارد اخیر و برخی از موارد مشابه، سبب می‌شوند جنس مذکر گرایش بیشتری به اموری که کارهای پرهیجان نامیده می‌شوند، از خود نشان دهد.

منطقی (۱۳۸۳) با طرح مفهوم «هیجان‌جویی مرضی»، از شکل‌گیری پدیده روانی-اجتماعی جدیدی در سطح نوجوانان و جوانان انقلاب اسلامی خبر می‌دهد. وی در توصیف هیجان‌جویی مرضی، خاطر نشان می‌سازد، با بسته بودن عرصه‌های شادی و نشاط اجتماعی فراروی جوانان، ارضای هیجان‌جویی نسل جدید در مسیرهای غیرمتعارفی محقق می‌شود که بعضاً با هزینه‌های گزافی توأم است، به این معنا که جوان جوای شادی و نشاط در صورت بسته دیدن عرصه‌های تحقق شادی به شکل صحیح آن، شادی را در شکل مرضی آن محقق کرده، از این رهگذر، به ترضیه خاطر خویش می‌پردازد. از حالت اخیر که تحقق شادی و نشاط افراد، هزینه‌ای معادل آسیب، ایذا و اذیت دوستان، اطرافیان و مردم دارد، می‌توان با عنوان هیجان‌جویی مرضی یاد کرد. نمونه زیر مصداقی از هیجان‌جویی مرضی است که در غیاب سرمایه‌گذاری لازم برای ارضای هیجان‌جویی نوجوانان و جوانان بروز و نمود پیدا کرده است.



قرار گرفتن در گرداب لایک



یکی از ویژگی‌های فناوری‌های ارتباطی جدید، تعاملی شدن رابطه افراد کاربر این فناوری‌ها با یکدیگر است. افراد کاربر با استفاده از امکان عمل اخیر می‌توانند در برخورد با پیام مکتوب، عکس و یا کلیپی که دیگران از خود در فضای شبکه‌های اجتماعی می‌گذارند، با این پیام‌ها برخورد کرده، نسبت به آن‌ها تأیید و یا عدم تأیید خویش را نشان بدهند.

مسئله اخیر می‌تواند فی‌نفسه امر مطلوبی باشد، اما در صورتی که بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری از فضای مجازی در سطح جامعه صورت نپذیرد، همین امکان عمل خوب و مناسب می‌تواند تبدیل به امکان عملی نامناسب گردد که متأسفانه در ایران همین گونه است. به این معنا که تا پیش از فراگیر شدن فضای مجازی، در جوامع مختلف بشری، مقامات سنتی جامعه از سویی و شخصیت‌های دیگری که به سبب هنر، ورزش یا علمشان در سطح جامعه وجه‌ای به دست آورده بودند، به عنوان افراد اثرگذار در جامعه مطرح بودند.

البته لازم به ذکر است که در جوامع غربی سرمایه‌های نمادینی که از آن‌ها یاد شد، مورد توجه مقامات سیاسی و فرهنگی جامعه بوده، سعی می‌کنند با آموزش آن‌ها، از آنان برای اثرگذاری در جامعه سود ببرند. به عنوان مثال، فوتبالست‌های زیادی

پس از ترک دنیای ورزشی، به صورت چهره‌های اجتماعی و اثرگذار بعد از دوران افتخارآفرینی ورزشی خود در جوامع غربی مطرح شده و اثرگذار واقع شده‌اند، اما به دلیل آن که در ارتباط با فضای مجازی در داخل وفاق لازم بین مسوولان سنتی جامعه پدید نیامده است، اولاً غالب مسوولان سنتی (نظیر وزرا، سیاسیون و دیگر مقام‌های ارشد نظام)، حاضر به ورود به فضای مجازی نشده‌اند و ثانیاً اندیشه سرمایه‌گذاری روی چهره‌های نمادین کشور نظیر هنرمندان، دانشمندان و ورزشکاران در جامعه صورت نپذیرفته است. بنابراین با توجه به خلاء پیش آمده در فضای مجازی ایران، افرادی که فاقد سرمایه سیاسی چهره‌های سنتی و یا سرمایه چهره‌های ورزشی و هنری هستند، در فضای مجازی به طرح خود پرداخته‌اند و این افراد (که از آن‌ها به عنوان اینفلوئنسرهای یاد می‌شود)، خود به خود در خلاء حضور سرمایه‌های سنتی و نمادین جامعه، ضمن طرح خود به خط دادن به کسانی که متوجه آنان شده‌اند، می‌گردند.

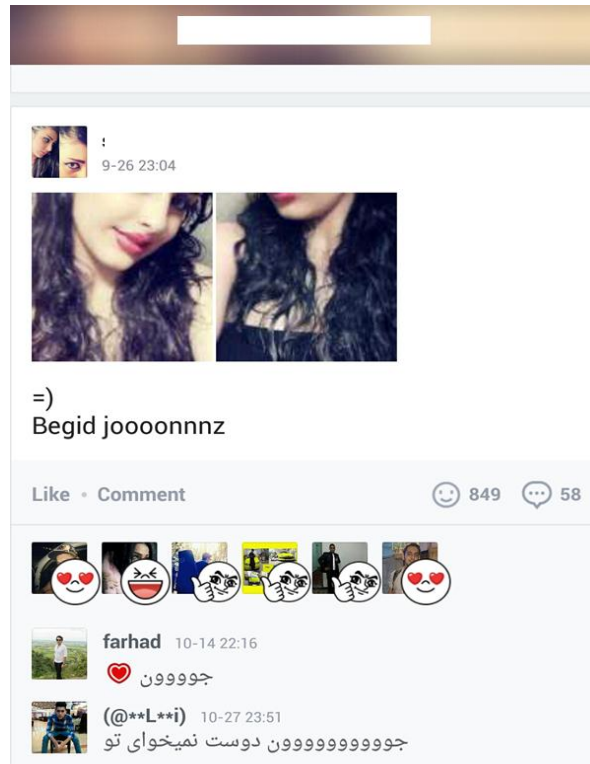
بالطبع افرادی که دارای بار سیاسی، عقیدتی، اجتماعی و فرهنگی خاصی نیستند، در فضای مجازی تنها شاید بتوانند با توسل و تمسک به کارهای سخیف و مبتذل به طرح خویش بپردازند، همان‌گونه که برخی از نوجوانان با ادعای شاخ بودن و شاخ مجازی شدن، با توسل به مبتذل‌ترین کارهای ممکن، سعی در طرح خود در نزد دیگران دارند.



آنچه از آن یاد شد، سبب می‌شود عرصه لایک کردن (و پسندیدن) و لایک شدن (موردپسند واقع شدن) در کاربران ایرانی فضای مجازی به شدت مطرح شده، بازار گرمی را پدید بیاورد که بالطبع به دلیل فقدان بار فرهنگی - اجتماعی که از آن یاد شد، لایک کردن‌ها و لایک شدن‌ها در کاربران ایرانی به سطح نازل و پیش و پا افتاده و حتی غیراخلاقی برسد. تصویر زیر مصداق بارزی از افتادن به کارهای غیر اخلاقی برای برخوردار شدن از لایک بیشتر و بیشتر است:

خواهند یافت، اما اگر بسترسازی‌های لازم پیش گفته برای اقشار جوان جامعه صورت پذیرفته باشد، در این حالت جوانان ممکن است به جای روی آوردن به موارد مثبت، با روی آوردن به موارد منفی، پاسخی هر چند نسبی به خودنمایی خویش بدهند. طرح مسابقات مدلینگ در فضای مجازی یکی از بسترهایی است که برخی از نوجوانان و جوانان را جذب خود کرده است. این مسابقات بعضاً معطوف به به‌نمایش نهادن اندام، چهره و یا قسمتی از بدن افراد (نظیر چشم‌ها، ناخن‌ها و مانند آن) کاربرانی است که در مسابقه مدلینگ شرکت می‌کنند. تصاویر زیر مصادیقی از افرادی است که در مسابقات مدلینگ شرکت کرده و یا با تأثیر پذیری از آن، صفحه خود را تبدیل به صفحه مدلینگ کرده‌اند.





خرید و فروش لایک



در برخورد کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی با ارزش‌های مادی که در فضای مجازی تبلیغ می‌گردد، آنان بعضاً نگاهی ظاهریین یافته، تصور می‌کنند، اخذ لایک از دیگران، معیاری برای جذابیت و فراتر از آن، هویت آنان است، از این رو مجدانه می‌کوشند تا در صفحه خود در شبکه‌های اجتماعی میزان لایک خود را بالا و بالاتر ببرند. در این میان گاهی برخی از نوجوانان و جوانان، در قانونی نانوشته، در ازای دریافت لایک از دیگران، به لایک آنان می‌پردازند، اما از آنجا که این روش به صعود سریع میزان لایک آنان نمی‌انجامد، به راهکار خرید لایک متوسل می‌گردند.

در جریان خرید لایک، کاربران ممکن است با پرداخت پول، از پروفایل‌های غیرحقیقی که توسط ربات‌ها ایجاد شده‌اند برخوردار گردند و یا با سپردن شناسه و آی‌دی خویش به ربات‌ها، دست به لایک دیگران بزنند تا آنان نیز دست به کار متقابل برای آنان بزنند.

در شرایط اخیر اگر چه میزان لایک افراد بالاتر می‌رود، اما مشکل دیگری که برای آنان پیش می‌آید، این است که آیا نباید کسی که پست وی چندین هزار لایک خورده است، از اظهار نظر و کامنت خاصی برخوردار باشد؟ بنابراین چرخه خرید لایک در پوشش خرید اظهار نظر و کامنت ادامه می‌یابد.

برخی از دانشجویان ممکن است از صبح تا شب بنشینند و اظهار نظرهایی برای پست خودشان بنویسند و سپس با سپردن این کامنت‌ها به وب سایت‌ها و دلالتان فروش لایک، با دادن وجه لازم به آنان، اظهار نظرهای خودشان را توسط ربات‌ها زیر پست‌های خودشان ارسال دارند، اما مشکل جدیدی که در اینجا پیش می‌آید، این است که کسی که پست‌هایش انبوهی لایک و کامنت دارد، آیا نباید در فیس‌بوک صفحه داشته باشد، بنابراین چرخه خرید لایک و کامنت این بار برای شبکه اجتماعی فیس بوک افراد به حرکت درمی‌آید تا اعتبار کاذب آنان را در چند عدد، رقم و اظهار نظر، در معرض دید دیگران بگذارد.

تصاویر زیر بیانگر بازار گرم خرید و فروش لایک و کامنت در سطح کابران ایرانی است:

خرید لایک اینستاگرام

Web

Images

Video

News

More

Anytime

... اینستاگرام من - افزایش لایک و فالوور در اینستاگرام - خرید پیچ

myinsta.ir

ساعت پاسخگویی ۹ صبح تا ۸ شب بجز روز های تعطیل تلفن واحد فروش: ۰۹۰۳۷۵۱۹۸۵۹ (برای پاسخگویی بهتر پیامکی در تماس باشید)

فروشگاه | اینستاوار | خرید فالوور اینستاگرام

inestayaar.ir

تمام لایک کننده ها دارای عکس پروفایل و پست هستند. سفارش 5000 لایک ایرانی

... لایک ارزان اینستاگرام | افزایش لایک اینستاگرام | لایک

add-telmember.ir

دیجی ممیز برترین سایت ارائه دهنده افزایش لایک اینستاگرام | لایک اینستا | لایک ارزان اینستاگرام با پایینترین قیمت در فضای مجازی

تبلیغات اینستاگرام - خرید فالوور اینستاگرام - ربات اینستاگرام

parsfollower.com

زمان تکمیل همه سفارشات از 30 دقیقه الی 24 ساعت میباشد و سفارشات نوتیفیکیشن تا 48 ساعت زمان میبرد

... خرید لایک اینستاگرام • بازدید ویو اینستاگرام • فالوور

parssocial.com

پارس سوشال • خرید لایک اینستاگرام • افزایش لایک اینستاگرام • بازدید ویو اینستاگرام • افزایش فالوور اینستاگرام • افزایش ویو اینستاگرام • محتوای واقعی و فوری

... خرید فالوور اینستاگرام - لایک اینستاگرام- بازدید ویدیو

myfollow98.com

... شروع آتی بعد از سفارش ... لایک ایرانی و . Impression+بازدید ویدیو ایرانی اینستاگرام-سرعت بالا

... خرید فالوور | خرید فالوور ارزان | خرید فالوور اینستاگرام

www.followbazar.com



... جذب فالوور هدفمند ، افزایش فالوور . Access gameshub.ir

www.accessify.com/g/gameshub.ir ✓

جذب فالوور هدفمند ، افزایش فالوور اینستاگرام ، خرید فالوور ، خرید لایک ، ربات اینستاگرام ، گت فالو مرجع بازی های gameshub.ir: کامپیوتری و کنسولی .

فروشگاه | اینستایار | خرید فالوور اینستاگرام

inestayaa.ir ✓ فروشگاه

تمام لایک کننده ها دارای عکس پروفایل و پست هستند. سفارش 5000 لایک ایرانی

Gulf Follow | Best Smm Panel

gulffollow.com ✓

کانال تلگرام. برای افزایش ممبر 2 روت وجود دارد . روت دستی که کاملاً مطمئن است و روت از نظر تلگرام (member) افزایش عضو خلاف مقررات و باعث بسته شدن کانال می شود.

گلچین های فیس بوک - Home | Facebook

www.facebook.com/golchinha ✓

...پیام خدایی که دغدغه از دست دادنش راندارم. 1,626 likes. گلچین های فیس بوک

تبلیغات اینستاگرام – خرید فالوور اینستاگرام – ربات اینستاگرام

parsfollower.com ✓

زمان تکمیل همه سفارشات از 30 دقیقه الی 24 ساعت میباشد و سفارشات نوبتیگیشن تا 48 ساعت زمان میبرد

... جذب فالوور هدفمند ، افزایش - Gameshub (Gameshub.ir)

updates.easycounter.com/gameshub.ir ✓

December 22, 2016. جذب فالوور هدفمند ، افزایش فالوور اینستاگرام ، خرید فالوور ، خرید لایک ، ربات اینستاگرام ، گت فالو Default Web Site Page. June 23, 2016. میزبان سایت. January 16, 2016

... خرید و سفارش فالوور ایرانی و کامنت و لایک و بازدید و ویو

buylike.ir ✓

اینستاگرام ویديو هاتون بازديد نداره؟ هماغطور كه می دانيد اينستاگرام در اقدامی جديد برای ویديو ها شمارنده تعداد (view) افزایش بازديد ... بازديد در نظر گرفته است. اگر تعداد فالوور هاتون كم است و ویديو هاتون بازديد ندارند می ...

۲.۵

۲.۵

نمونه ای از کامنت های رندوم سفارش کامنت اینستاگرام

perfect
Voooooyyy joon
تو 🍌🍌🍌
jazaaaaab
بسیار زیبا
عالی بود عزیزمزممم?
همیشه با دل شاد و خوش بگردید برادر
به به
واقعا بی نظیری
داریکت قیمت هاتوبده
پیجتون بی نظیره ☺️
ajab dandonayi dari khoda vakili jlike
چه خوبه&&&
لایک کنین
nic👍👍👍👍
اووهفففف
کوهت تو اووهفففف?
خدایی ایول داری
بابا ایوووووووول محب چیزی بود
?az facet khosham miyad

هک کردن اطلاعات دیگران

من و سوشا یکبار به خاطر حاشیه ها مجبور شدیم عکس هامون رو پاک کنیم و زندگی خصوصیمون رو از چشم بدخواهان و دشمنانمون پنهان کنیم تا برای هیچکدوممون مشکلی پیش نیاد ، حالا که مهمترین کار مردم این سرزمین تجاوز به حریم و زندگی شخصی ما شده تا جایی که یک مافیا راه انداختید تا تلگرام سوشا رو هک کردید و تمام عکس های خصوصی ما که در منزل شخصی من به همراه خانوادم و نامزدم و برادر نامزدم بود به سرقت بردید و عکس های خانوادگی ما رو تا حد ممکن و بی شرمی دست به دست کردید و در تمام فضای مجازی پخش کردید که یک بار دیگه عقب افتادگی و جهان سومی بودنتونو به معنای واقعی در چند روز به کل دنیا ثابت کردید که حتی این اخبار در شبکه های جهانی بازتاب پیدا کرد

کانال گیزمیز

به شرافت خانوادگیم قسم اگر کوچکترین مشکلی برای سوشا مکانی نامزدم (همسر آیندم) در هر زمینه چه شغلی ،چه روحی و... پیش بیاد از گناه هیچکدومتون نمیگذرم ،تک تکتون واکذار میکنم به خدا تا بدترین بلاهایی که لیاقتشو دارید سرتون بیاد

در یک بررسی مقدماتی انجام شده توسط گروه پژوهش، ۱۰٪ از کاربران تلفن همراه به هک شدن گوشی همراهشان اذعان کردند. یکی از دانشجویان در اظهار نظری در همین ارتباط می‌نویسد:

«یکی از دوستانم از من خواست تا عکسی را از طریق بلوتوث برای او بفرستم که من هم به این کار مبادرت ورزیدم. چند روز بعد، همان دوستم به من گفت، فلان کلپی را که محتوای طنز دارد، مجدداً برای من بفرست.

من گفتم، تو از کجا می‌دونی که من چنین کلپی دارم، و او در پاسخ به من خندید و گفت، همان روز که یک عکس را برای من فرستادی، تمام اطلاعات موجود روی گوشی تو به گوشی من منتقل شد و من دیدم که او حتی از اطلاعات محرمانه من هم باخبر شده است، در حالی که این اطلاعات من کاملاً شخصی بود و من از این کار به شدت عصبانی شدم و احساس کردم که چقدر برنامه‌های موجود امنیت اطلاعات افراد را به خطر انداخته‌اند».

در موارد دیگری سوزاندن سیم کارت، تخریب گوشی، نشر ویروس‌های مجازی، انتقال هزینه پیامک یا برقراری تماس به دیگری با استفاده از نرم افزارهای خاص و مانند آن‌ها گزارش شده است و برخی از وب نوشت‌ها به آموزش دادن موارد مزبور می‌پردازند.

تصاویر زیر بیانگر بازار گرم هک و آموزش هک اطلاعات دیگران در میان کاربران نوجوان و جوان ایرانی است:



دانلود نرم افزار هک تلگرام بدون کد

35dl.rozblog.com/post/22 ♥

آموزش هک کردن تلگرام Search Results(0.49 seconds) About 384,000 results تلگرام بدون کد ویژه آموزش هک تلگرام بدون نرم افزار و کد telegram-dl-amozesh.birblog.ir/ Translate this page تلگرام بدون کد تلپدیه تلپدیه با لینوکس کالی و ... با سلام خدمت

هک تلگرام دیگران telegramxapp دانلود نرم افزار

dlgram.rozblog.com/post/17 ♥

برنامه هک تلگرام - هک ... Jan 13, 2016 - Nov 2, 2015:دانلود هک تلگرام برای اندروید و آیفون - دانلود نرم افزار هک تلگرام ... دیگران به همراه آموزش کامل هک کردن تلگرام اندروید و

آموزش هک تلگرام دیگران - linxbox.rozblog.com

linxbox.rozblog.com/tag/آموزش-هک-تلگرام ♥

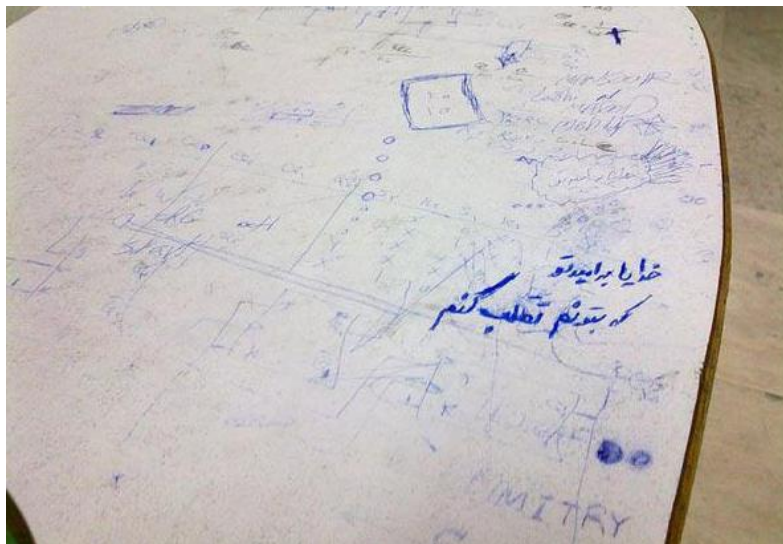
برجسب ها : آموزش تصویری هک تلگرام, آموزش حذف اکانت تلگرام, آموزش فارسی هک کردن تلگرام دیگران ویرزن اصلی برنامه, ... آموزش کامل کار با مسنجر تلگرام, آموزش کامل هک

هک تلگرام دیگران - finderblog.rozblog.com

finderblog.rozblog.com/post/486 ♥

برنامه هک تلگرام+آموزش کامل هک کردن تلگرام اندروید و .. هک (telegram هک کردن) + تلگرام دیگران را با این نرم افزار هک کنید

تقلب



تقلب راه میان بری است که برخی از دانش‌آموزان و دانشجویان برای کسب نمره به سراغ آن می‌روند. به گزارش مهر (۱۳۹۵/۱۰/۲۶) برخی از روش‌های متداول تقلب به قرار زیر است:

«فرمول را در ماشین حساب مهندسی نوشتیم»

دانشجویان مختلف هر کدامشان بسته به رشته‌هایی که در آن درس می‌خوانند، روش‌های متفاوتی برای تقلب کردن در امتحان در پیش می‌گیرند. علی و امین که هر دو نفرشان از دانشجویان رشته مهندسی هستند می‌گویند، در کنار روش‌های سنتی‌ای که بین دانشجویان تمام رشته‌ها متداول است، یکی از روش‌هایی که شاید بیشتر مختص بچه‌های ریاضی و فنی باشد، کاربرد و استفاده از ماشین حساب است. خیلی‌ها می‌دانند که در رشته‌های مهندسی و فنی بردن ماشین حساب سر جلسه امتحان ممنوع نیست و همه دانشجویان می‌توانند سر جلسه از آن استفاده کنند، اما یکی از ویژگی‌هایی که ماشین حساب مهندسی نسبت به بقیه دارد، حافظه آن است، یعنی شما می‌توانید به اندازه دو تا سه صفحه ورقه امتحانی در ماشین حسابتان فرمول بنویسید و بعد از آن استفاده کنید، مثلاً یک بار یکی از استاد‌های ما گفته بود که از ۲۳ سوال مشخص در جزوه، سه سوال برای امتحان می‌دهد. من ۲۱ سوال از آن ۲۳ سوال را توی حافظه ماشین حسابم جا دادم، ولی از شانس بدم، دو سوال از سه سوالی که استاد در امتحان داده بود، دقیقاً همان‌هایی بود که در حافظه جا نشده بود و من آن امتحان را افتادم. (با خنده) همین شد که ترم بعد ماشین حساب بهتری خریدم.

با موبایل سؤال را ارسال و جواب را دریافت می‌کنیم

با پیشرفت فناوری و همه گیر شدن استفاده از تلفن همراه رفته رفته روش سنتی در تقلب هم جای خودش را به روش‌ها نوین و به روزتر داده است، به شکلی که این روزها استفاده از موبایل در بین دانشجویان تبدیل به یکی از ابزارهای مهم و کلیدی در تقلب شده است. سعید دانشجوی مهندسی مواد یکی از دانشگاه‌های سراسری است، او درباره کاربرد موبایل در امتحانات این طور می‌گوید:

یکی از کارهایی که در حین امتحانات در دانشگاه ما انجام می‌دهند، این است که امکان دسترسی به اینترنت را قطع می‌کنند تا بچه‌ها نتوانند از تلگرام و واتس آپ استفاده کنند، ولی خب کاری که بچه‌ها می‌کنند این است که از بلوتوث استفاده می‌کنند، به شکلی که عده‌ای پشت درهای ورودی می‌ایستند تا بچه‌ها با بلوتوث عکس سؤالات را بفرستند و متقابلاً از بیرون عکس پاسخ سؤالات را هم دریافت کنند.

پریسا که دانشجوی حسابداری دانشگاه علمی کاربردی است، می‌گوید در دانشگاه آن‌ها حتی مشکل اینترنت هم وجود ندارد و بچه‌ها به راحتی می‌توانند از تلگرام استفاده و سؤال و جواب‌ها را با یکدیگر رد و بدل کنند.

تقلب نویسی با خودکارهای نامرئی

به همراه داشتن هر گونه نوشته یا برگه اضافی، جزوه، کتاب و هر وسیله‌ای غیر از برگه امتحانی در جلسه آزمون تقلب محسوب می‌شود. این جمله آشنایی است که حتماً همگی ما در طول دوران تحصیلمان با آن رو به رو شده‌ایم؛ ولی نکته جالب توجه درباره این إخطاریه این است که در بیشتر مواقع دانش‌آموزان و دانشجویان در حین امتحان از خود این برگه برای تقلب کردن

استفاده می‌کنند. با این حال نکته جالب توجه در استفاده از این برگه که بیش از پیش خیال افراد را راحت می‌کند، آمدن نوشت افزارهای جدید است تا جایی که نازنین دانش آموز سال اول دبیرستان درباره کارایی آن‌ها این طور می‌گوید:

خوبی این خودکارها این است که در ظاهر نامرئی می‌نویسند، یعنی شما از قبل می‌توانید به راحتی پیش از امتحان تمام جواب‌ها و نکات کلیدی را با خیال راحت پشت کارت ورود به جلسه بنویسید، بدون این که اصلاً چیزی مشخص باشد، ولی در حین امتحان با استفاده از نور لامپ کوچکی که روی خود خودکار است، به راحتی از پاسخ‌ها استفاده کنید.

با روش دنده‌ای تست می‌زنیم

احسان دانشجوی روابط عمومی دانشگاه پیام نور است، او می‌گوید در کنار راه‌های پر دردرس و پر خطر امتحانات تشریحی برای امتحانات تستی راه‌های راحت‌تری وجود دارد تا افراد به آسانی به پاسخ‌های موردنیازشان برسند. یکی از این روش‌ها روش دنده‌ای است. این روش به شکلی است که بچه‌ها با پاهایشان و با در نظر گرفتن الگوی دنده‌های اتومبیل تست‌ها را جواب می‌دهند؛ یعنی اگر جواب گزینه یک باشد باید پایتان را جلو بگذارید یا اگر جواب دو باشد پایتان را عقب بگذارید و به همین ترتیب جواب سؤالات بعدی.

با کف کفش کنار دستی‌هایمان به سؤالات پاسخ می‌دهیم

یکی از ویژگی‌هایی که بیش از پیش به کارآمد بودن تقلب در جلسات امتحانی کمک می‌کند، همکاری و تعاملی است که در حین برگزاری امتحان بین دانش آموزان و دانشجویان شکل می‌گیرد تا جایی که حامد؛ یکی از دانش آموزان سال دوم دبیرستان می‌گوید یکی از کارهایی که برای تقلب انجام می‌دهند، این است که برگه‌های تقلب را در قطعات کوچک و با مازیک پررنگ به صورت ریز می‌نویسند و آن را در قطعات متوسط کف کفش آدم‌های کنار دستی‌شان می‌چسبانند به شکلی که حین امتحان با پا روی پا انداختن طرف مقابل شما می‌توانید از جواب‌های سؤالات امتحان استفاده کامل را ببرید. ساخت قرقره در لوله‌های خودکار

یکی از حرفه‌ای‌ترین روش‌های تقلب در طی چند سال گذشته شاید به همین روش تعلق بگیرد روشی که شاید ساخت آن کمی زمان بر باشد، اما بعد از آن می‌تواند بیشترین بازدهی در نمره آوردن را برای دانشجو یا دانش آموز موردنظر داشته باشد، به شکلی که شما در این روش می‌توانید با فنر و قرقره در دو طرف خودکارتان جواب‌های مورد نظر را بنویسید و آن را در لوله خودکارتان جاساز کنید^۱.

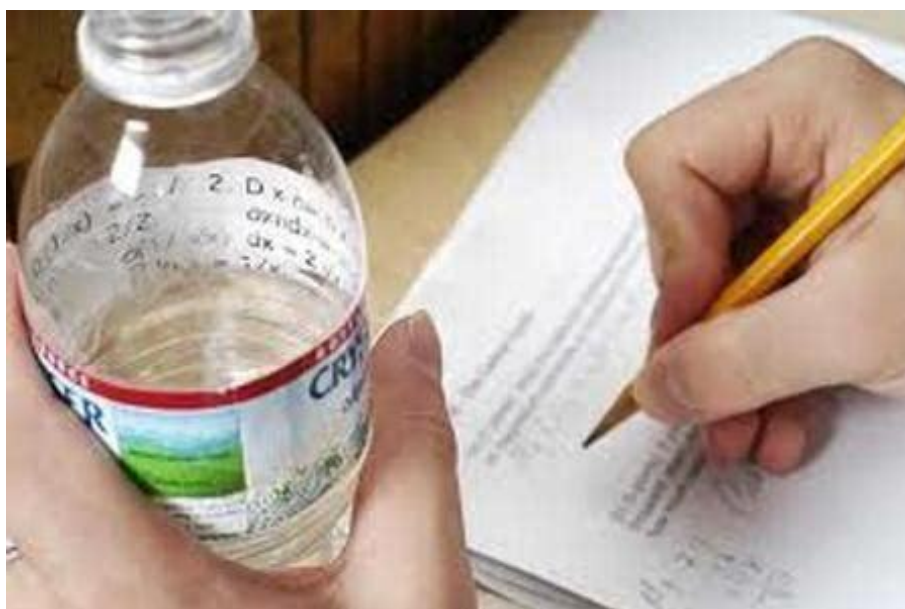
^۱ -مقاله در ادامه، از رفتار مراقبان امتحانات نیز به شرح زیر یاد کرده است:

«مراقب‌ها بابت حق‌السکوت ۵۰ هزار تومان می‌گیرند.

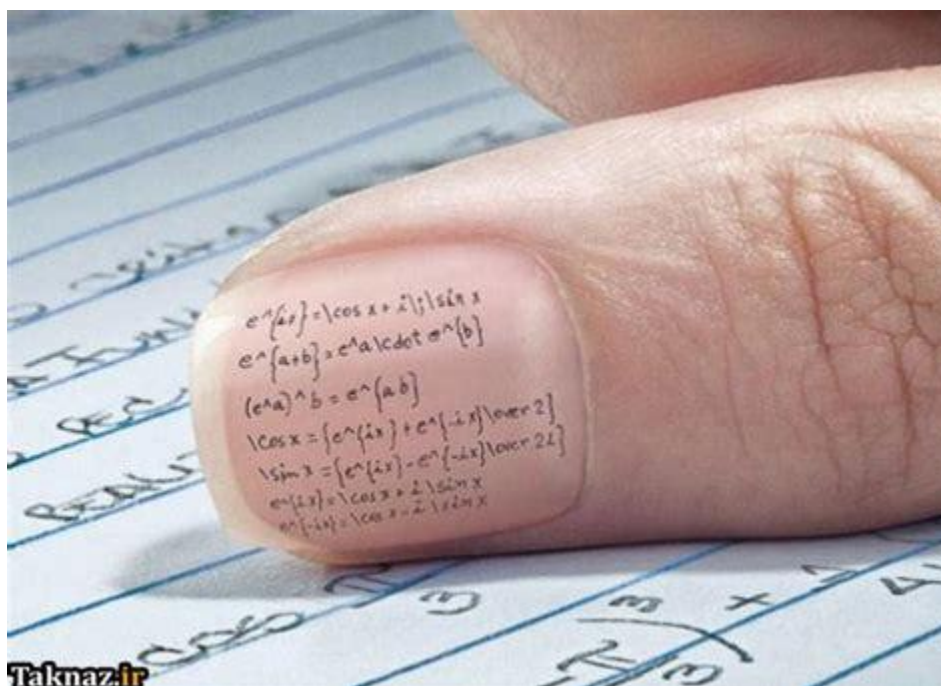
تا پیش از این بسیاری از ما تصور می‌کردیم که برای انجام یک تخلف و تقلب در امتحان، مهارت خود شخص و در عین حال تعامل بین فردی دانشجویان می‌تواند از دو فاکتور موفقیت‌آمیز این امر باشد اما امین می‌گوید که در کنار این دو مورد، توجه به مراقبان امتحان مورد سومی است که باید دانشجویان در حین تقلب حتماً آن را در نظر بگیرند ولی نکته جالب توجه رویکرد نوینی است که افراد و مراقبان در برخورد با یکدیگر و به تازگی در پیش گرفته‌اند و طی یک معامله به توافق رسیده‌اند. در طول این چند سالی که من دانشجوی رشته مهندسی هستم، شاید از بین مراقبان زیاد امتحانی چهار پنج نفری باشند که کاملاً با فوت‌های کوزه‌گری تقلب آشنایی دارند و می‌توانند



نمونه‌های دیگری از روش‌های تقلب دانش‌آموزان و دانشجویان در تصاویر زیر آمده است:



مچ دانشجویی بگیرند که بچه‌ها با آن چند نفر هم وارد مذاکره شده‌اند، طوری که به ازای هر تقلبی که از بچه‌ها می‌گیرند، بچه‌ها ۵۰ هزار تومان حق‌السکوت به آن‌ها می‌دهند».



خرید و فروش تحقیق، پایان نامه و مقاله

با سوق یافتن جامعه به سمت ارزش های صوری و مادی، تلاش برای کسب تیتراژ، مورد توجه بسیاری از افراد قرار گرفته است و آنان برای کسب یک تیتراژ اجتماعی یا کسب مدرکی که بر اساس آن احتمال شغل شدن خود را افزایش دهند، وارد چرخه



پرشین مقاله
بازگشت مقالات و پروژه های آموزشی

سفرش تحقیق | سفرش پروپوزال | سفرش پایان نامه | تماس با ما | قوانین سایت | درباره ما | همکاری با ما

انلاین

سفرش پایان نامه

تماس با پشتیبانی

همه روزه از ساعت ۸ تا ۲۲

کلاس کید

سفرش پروپوزال

برای کلیه رشته ها

الان سفرش دهید

انلاین

سفرش تمقیق

انجام تحقیق

کمتر از ۴۸ ساعت

سایت پرشین مقاله بزرگترین مرجع مقالات فارسی و انگلیسی با تیم مدیریت قوی و با تجربه آماده همکاری با نهادهای تحقیقاتی و دانشگاه ها می باشد.

قسمت های مختلف سایت پرشین مقاله عبارتند از :

مقاله های رایگان ، پایان نامه دانشجویی ، پروژه دانشجویی ، مقالات انگلیسی همراه با ترجمه ، سفارش ترجمه ، سفارش پروژه ، سفارش پایان نامه و ...

قسمت های مختلف سایت پرشین مقاله عبارتند از :

مقاله های رایگان ، پایان نامه دانشجویی ، پروژه دانشجویی ، مقالات انگلیسی همراه با ترجمه ، سفارش ترجمه ، سفارش پروژه ، سفارش پایان نامه و ...

رضایت مشتری

ضمانت بازگشت پول

۴۸ ساعت پس از فرید

**در صورت عدم رضایت
از مقاله فریداری شده**

جستجو کردن



hotpaper.net

دانلود مقاله ISI با ترجمه فارسی

دانلود آتی پس از پرداخت

انتخاب

⇐

پرداخت

⇒

دانلود

خانه	راهنمای خرید و دانلود	خدمات ما	آرشیو	چرا بخیریم؟؟	همکاری در فروش	خرید مقاله شما	عضویت	قوانین و مقررات	ارتباط با ما

رایج ترین مقالات ISI بالاترین کیفیت ترجمه را دارند. نمونه آنها کامل و دقیق می باشد (محتوای جدول و شکل های نیز ترجمه شده اند) و بر بهترین مجلات ISI انتخاب گردیده اند. همچنین تمامی ترجمه ها دارای صفات کیفیت بوده و در صورت عدم رضایت کاربر مبلغ عودت داده خواهد شد.

جستجو

همه مقالات

بخشی از عنوان فارسی ،عنوان انگلیسی، سال انتشار، نویسنده، ژورنال، چکیده یا قیمت را وارد کنید

پشتیبانی



پشتیبانی تلگرام

@hotpaperdotnet

خرید مقاله شما

کاربران گرامی اگر مقاله ترجمه شده برای فروش با شرایط زیر دارید، با ما مکاتبه کنید، گروه ترجمه و پژوهشی هات پیپر مقالات شما را با قیمت مناسب میخرد:

- 1- ترجمه روان، دقیق و کامل باشد.
- 2- تمامی جداول و شکل ها ترجمه شده باشند.
- 3- قالب word مقاله ترجمه شده مانند نمونه مقاله ترجمه شده ما باشد.
- 4- مقاله در سایت ما یا سایر وب سایت ها وجود نداشته باشد.
- 5- سا انتشار مقاله حداقل 2015 باشد.

برای فروش مقاله خود به گروه ما، از طریق ایمیل s.ghobadian2014@gmail.com و با بخش ارتباط با ما ، با ما در ارتباط باشید.

ما مقاله شما را با قیمت مناسب خواهیم خرید.

موضوعات

- + مدیریت(6652)
- + کامپیوتر(8298)
- + حسابداری(328)
- + حقوق(507)
- + مکانیک(180)
- + اقتصاد(137)
- + مهندسی مواد(52)
- + روانشناسی(269)

اپلیکشن اندروید



برای دانلود اپلیکشن
اندروید وب سایت کلیک

سفرش تحقیق

سایت پرشین مقاله با کادری مجرب و آموزش دیده با ۱۱ سال سابقه در تمامی رشته ها و مقاطع تحصیلی **سفرش تحقیق** می پذیرد. این سایت سفارشات را در کوتاه ترین زمان با بهترین سطح علمی با منابع و ارجاعات معتبر خدمت دانشجویان عزیز ارائه می دهد.

ما این افتخار را داریم که برای آن دسته از دانشجویانی که به هر دلیل، نداشتن فرصت و ... تمایل دارند کار تحقیق دانشجویی خود را به ما واگذار کنند، ارائه خدمات نماییم.

خدمات سایت پرشین مقاله در زمینه تحقیق دانشجویی شامل :

رضایت مشتری

ضمانت بازگشت پول

در صورت عدم رضایت

۴۸ ساعت پس از خرید

از مقاله خریداری شده

• پذیرش **سفرش تحقیق** در کلیه رشته ها

• انجام **سفرش تحقیق** دانشجویی در کلیه مقاطع کاردانی ، کارشناسی و کارشناسی ارشد

سفرش پروپوزال

سایت پرشین مقاله با تیمی مجرب و آموزش دیده ، آماده ارائه مشاوره و انجام کلیه سفارشات شما دانشجویان عزیز در زمینه **پروپوزال** ، پایان نامه ، مقاله ، تحقیق دانشجویی و ... می باشد.

قبول سفرش پروپوزال در تمامی رشته های مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا پذیرفته می شود.

تفاوت سایت پرشین مقاله در چیست؟

۱- ارائه مشاوره رایگان برای انتخاب موضوع ، پیشنهاد موضوعات به روز و پرجاش

۲- **سفرش پروپوزال** ، پایان نامه دانشجویی و ... در کلیه رشته ها

۳- انجام **پروپوزال** ، تحقیق ، پایان نامه دانشجویی و ... در مقاطع کاردانی ، کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری

۴- ارائه سفارشات با بهترین سطح علمی ، منابع و ارجاعات معتبر

۵- داشتن ۱۱ سال سابقه

۶- تحویل کار در کوتاه ترین زمان ممکن

با توجه به اهمیت و جایگاه علمی **پایان نامه** در تحصیلات تکمیلی لازم است تمامی مراحل انجام کار **پایان نامه** بر اساس معیارهای علمی و به صورت کاملاً تخصصی انجام گیرد.

در این راستا، سایت پرشین مقاله با سابقه ۱۱ ساله آماده است با کادری مجرب و آموزش دیده **معارش پایان نامه** شما را در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در رشته های مختلف به عهده بگیرد.

به جرات می توان گفت سایت پرشین مقاله ارائه دهنده خدمات **انجام پایان نامه** در کوتاه ترین زمان ممکن با بهترین سطح علمی با منابع و ارجاعات معتبر است.

برای آگاهی از نحوه سفارش پایان نامه ، قیمت پایان نامه ، مدت زمان انجام پایان نامه و اطلاعات بیشتر با شماره تماس ۰۹۳۹۲۷۳۷۰۱۰ بگیرید.

روش انجام کار بعد از سفارش پایان نامه :

انتخاب موضوع: ما مشاوره رایگان برای انتخاب موضوع داریم و در این مرحله بر اساس مقالات معتبر isi و پیشینه های موضوعی ثبت شده در سایت مرجع پایان نامه ها (ایران داک) و با نظر و توافق شما تعدادی موضوع با کمترین بیشترین در اختیار شما قرار می دهیم.

هزینه سفارش پروپوزال و پایان نامه	
رشته تحصیلی	حدود مبلغ
علوم انسانی در مقطع ارشد	۲ تا ۳ میلیون تومان
علوم انسانی در مقطع دکتری	۷ تا ۸ میلیون تومان
فنی مهندسی	۸ تا ۱۲ میلیون تومان
پزشکی	۶ میلیون تومان
تهیه پروپوزال (طرح تحقیق) بدون مقاله	۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان
تهیه پروپوزال (طرح تحقیق) با مقاله	۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان

دور زدن موانع اجتماعی

جوامع مختلف هنجارها و ارزش‌های خاصی برای خود دارند و تبعیت از هنجارهای اجتماعی که در جامعه جنبه قانونی به خود گرفته‌اند، ضرورت دارد، اما برخی از نوجوانان و جوانان به دلیل عدم پذیرش نظام حاکم یا تضادورزی با آن و یا تلاش برای کسب منافع غیرقانونی، ممکن است دست به دور زدن موانع اجتماعی فراویشان بزنند.

از سوی دیگر با سایه گستر شدن فضای مجازی در سطح جامعه، برخی از جوانان با استفاده از امکان عمل اخیر، سعی در دور زدن موانع اجتماعی فرارویشان می‌کنند. به عنوان مثال، در بررسی روش‌های تهیه، تولید، فروش و توزیع مواد مخدر، برخی از جوانان با استفاده از فضای مجازی دست به دور زدن موانع قانونی فرارویشان می‌زنند.

در بررسی مقدماتی گروه پژوهش در این زمینه، عناوین کلی زیر به دست آمده است:

- تسهیل ارتباط،
 - تبلیغ مواد مخدر و به اشتراک نهادن تجربیات شخصی در زمینه مصرف مواد،
 - دور زدن نظارت و مراقبت والدین بر فعالیت فرزندان،
 - آموزش ساخت و مصرف مواد مخدر در فضای مجازی،
 - آشنا شدن با مواد جدید،
 - کسب اشتغال در حیطه مواد و حفظ آن،
 - ایجاد گروه و کانال جهت فروش مواد مخدر،
 - تسهیل خرید مواد مخدر،
 - تسهیل توزیع مواد مخدر،
 - تأمین امنیت خرید و فروش مواد مخدر،
 - اشاعه فرهنگ مصرف مواد در بین قشر نوجوان.
- مصاحبه‌های زیر مصادیقی از «ایجاد گروه و کانال جهت فروش مواد مخدر» و «تسهیل توزیع مواد مخدر» توسط فضای مجازی را به دست می‌دهند:
- «یکی از دوستانم کانال و گروه تلگرامی داشت که اولش مطالب گوشی و آموزشی و اینا می‌داشت داخلش، بعد رفته رفته سعی می‌کرد جنس و موادم ارایه بده تا خودشو جا بندازه و مشتری پیدا کنه.
- خب بعد یه مدت اون گروه و کانال یا اینستاش تبدیل می‌شد به محل مبادله و خرید و فروش جنس و این جور چیزا. که چه بسا ممکنه بعداً اتفاقاتی هم مثل سوءاستفاده و کارهای دیگه هم پیش بیاد.»
- «- می‌شه بگی به چه صورت توزیع مواد مخدر هم انجام می‌گرفت؟
- خب یه سری سایتهای خاصی هست که تو نگاه اول متوجه نمی‌شی که سایت فروش و توزیع مواد هستن، یعنی اصلاً اسمی از مواد و اینا نیس.
- مثلاً چه جوری؟
- بعضی از فروشنده‌ها و توزیع کننده‌ها سایت و چت روم‌هایی درست می‌کردن که کارشون انجام بدن. یعنی اونا رو داخل کانال و گروه‌ها می‌داشتن و هرچند وقتم آدرس رو تغییر می‌دادن تا فیلتر یا دستگیر نشن.
- ارسال مواد توسط اون سایته‌ها به چه صورت بود؟
- دوستم می‌گفت همراه با اون محصول سفارشی، جنس رو هم قرار می‌دادن تا کمتر شک برانگیز باشه و مشکلی پیش نیاد.
- خوب چه جوری؟
- مثلاً اسمش فروش کتاب و سی‌دی آموزشی هست، ولی یه چیز دیگه‌اس، سفارشت رو می‌دی و پولشم می‌تونی تحویل مأمور پست بدی. بعد به راحتی میاد به آدرسی که دادی.»

تصویر زیر، حاوی مصداق دیگری از دور زدن موانع اجتماعی توسط جوانان است.



۴- آسیب‌های اجتماعی با صبغه عقیدتی

در ابعاد عقیدتی، آسیب‌های اجتماعی زیادی در سطح نوجوانان و جوانان جامعه ملاحظه می‌گردد. عناوین برخی از این موارد به قرار زیر است: تحولات قرائت دینی دانشجویان، برخورد خرافی با دین، کاهش ابعاد پیامدی و مناسکی دین، تأکید بر ریاکاری موجود در جامعه و دین، تأکید بر تبعیض‌های جنسیتی اسلام، تلاش در جهت خرافی نشان دادن دین، به سخره گرفتن مذهب، زیر سوال بردن چهره رحمانی دین، گرایش به جابه‌جایی مرجعیت عقلی به جای مرجعیت دینی، جابه‌جایی اخلاق دینی با اخلاق اجتماعی، تفسیرهای جدید دینی، پذیرش تنها خدا، شیطان‌پرستی، پذیرش خداگونه شدن آدمی، پذیرش نظریه دین به مثابه افیون توده‌ها، جایگزینی عرفان‌های نوظهور به جای دین، معیار قرار دادن ارزش‌های اومانیستی (مانند دفاع از هم‌جنس‌گرایی)، تحولات پوشش دانشجویان، تغییر دین برای مهاجر، گرایش به پوچ‌گرایی.

توضیح اجمالی هر یک از آسیب‌های عقیدتی قابل مشاهده در سطح دانشجویان به قرار زیر است.

تحولات قرائت دینے، دانشجویان

بررسی‌های نگارنده حکایت از آن دارد که نوجوانان و جوانان ایرانی در برخورد با نگرش مرسوم از اسلام در جامعه، در یک تقسیم‌بندی بسیار کلان، در سه دسته قرار می‌گیرند.

دسته نخست شامل جوانانی است که از اعتقاداتی همسان با بزرگ‌سالان نسل اول و دوم انقلاب برخوردارند. دسته بعد، جوانانی هستند که به نوعی اعتراض و دلزدگی خویش نسبت به دین و دیانت را نشان می‌دهند و سرانجام در دسته آخر، افرادی قرار می‌گیرند که به صراحت دست به نفی دین زده، به نوعی دین‌ستیزی را پیشه خویش کرده‌اند. جوانان گروه نخست با بیان اعتقاداتی همانند نسل بزرگ‌تر، از «انتظار ظهور حضرت مهدی (عج)» سخن گفته، «پیروی از ولایت فقیه» را رمز تداوم و بقای انقلاب اسلامی می‌دانند. آنان با اعلان «گوش به فرمان بودن رهبری»، خود را حاضر به اجرای هر نوع فرمانی جهت تثبیت و تداوم هرچه بیشتر انقلاب می‌دانند.

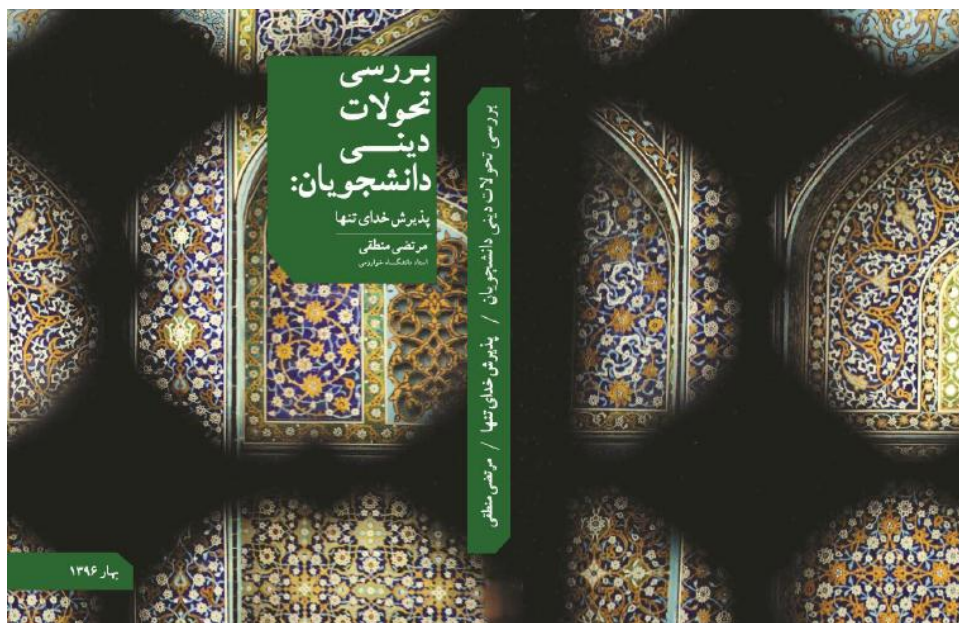
جوانانی که در گروه دوم قرار گرفته و به نظر می‌رسد از اکثریت برخوردارند، در جریان نظرسنجی‌هایشان احساس زدگی خود از دین را به معرض دید می‌گذارند. البته برخی از همین افراد به صراحت تأکید می‌کنند: «من از انقلاب و حکومت بیزارم، نه از اسلام» یا «من بی‌دین نشده‌ام، من از خدای خود فاصله نگرفته‌ام، من از دین تحریف شده که در خدمت منافع برخی قرار گرفته است، گریزان هستم».

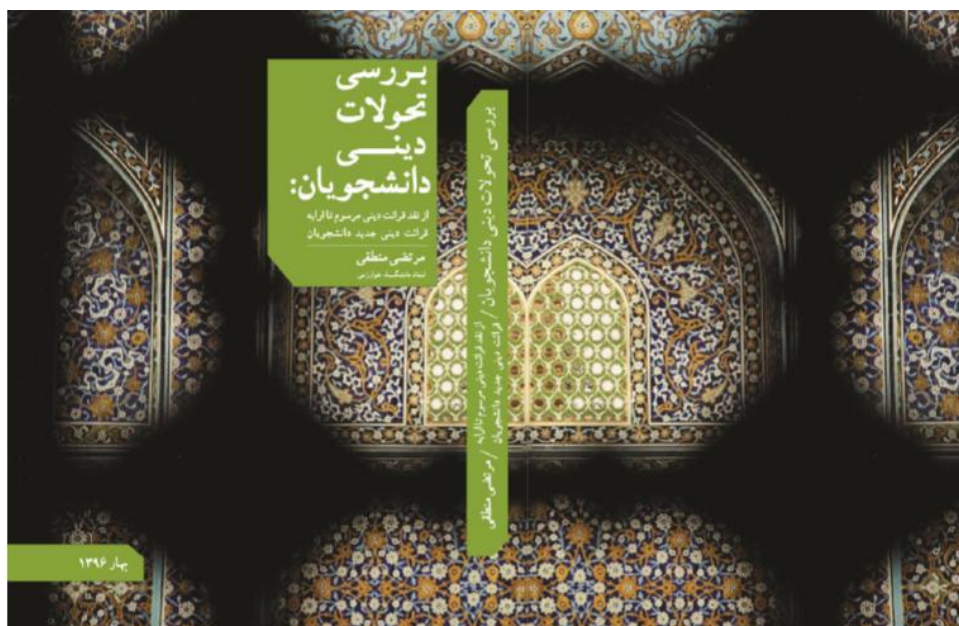
نوجوانان و جوانان اخیر که به نگرش مرسوم از اسلام معترض هستند، از سویی با «دید نقد» و از سوی دیگر با «دیده برخوردی و واکنشی و لجابت‌آمیز» برخورد کرده، نگرش و قرائت دینی جدیدی را از خود به معرض دید می‌گذارند. جمع دیگری از همین جوانان، در جریان مواجه شدن با برخی از تنگناها، اندیشه تغییر دین را به مُخیله خویش راه داده، به آن می‌اندیشند. نمونه زیر، مصداقی از همین افراد به شمار می‌رود:

«به سبب حرف‌های زوری که در اسلام هست و مثلاً ما باید در بند حجاب باشیم، من چند بار خواسته‌ام که بروم و مسیحی شوم، اما از ترس این که پس از مسیحی شدن به من مرتد بگویند و مرا اعدام کنند، این کار را نکرده‌ام، ولی به هر حال این کار را خواهم کرد».

جوانان گروه سوم، افرادی هستند که به صراحت اعلان می‌دارند: «دین مانند بخاری نفتی است و وقتی که بخاری گازی می‌آید، باید آن را در انباری گذاشت»، «دین در نسل جدید مُرده است» و یا «دین‌داری واسه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هاست».

کتاب‌های زیر نمونه‌هایی از بررسی‌های انجام شده در تحولات دینی دانشجویان هستند که در سطح امکان نشر نیافته‌اند.





برخورد خرافی با دین

برخی از افراد نیک اندیش و دین مدار، در مواجهه با فضای مجازی درصدد استفاده بهینه از این فضا برآمده، برای پیشبرد اهداف عقیدتی خویش از این فضا سود می‌برند، به همین ترتیب بعضی از افراد متحجر و جزم اندیش مذهبی (مانند وهابی‌ها و نظایر آنان) یا برخی از افراد غیر مسلمان (مانند یهودیان) و یا افرادی که به دلایل مختلف به سمت دین ستیزی سوق یافته‌اند، از فضای مجازی در جهت اهداف خود سود برده، القائنات تحجرات‌آمیز یا ضد دینی و احیاناً دین ستیزانه خویش را در این فضا عرضه می‌دارند. البته به گروه‌های اخیر باید افراد سودجو و مریض‌الاحوال را نیز افزود. به هر صورت ماحصل آن چه از آن یاد شد،

دانشجویانی هستند که اسیر تبلیغات پیش گفته شده، با اقدام در جهت خواست آن‌ها، در عمل برخوردی خرافه‌گرایانه از دین را از خود به منصفه ظهور می‌گذارند.

نمونه‌هایی از پیامک‌های خرافی ردوبدل شده بین این دست از دانشجویان به قرار زیر است:

«تا قبل از ظهر این پیامک را برای ده نفر ارسال کن، خبر خوبی می‌شنوی!».

«هشت بار بگو یا امام حسین و برای هشت نفر همین را بفرست، امشب خبر خوبی می‌شنوی!».

«هشت بار بگو یا فاطمه زهرا و برای هشت نفر بفرست، همین امشب خبر خوبی می‌شنوی، به فاطمه زهرا!».

«اگر این دعا را نخوانی اتفاق بدی برایت می‌افتد و اگر برای ۱۰ نفر نفرستی، مصیبت بزرگی خواهی دید و اگر این پیام را برای چند نفر بفرستی به آرزویت می‌رسی».

«اگر ۵ صلوات ختم کنی و این اس.ام.اس را برای ۵ نفر بفرستی، حضرت یونس را در خواب می‌بینی».

«اگر امام زمان را دوست داری و می‌خواهی از دستت راضی باشد، بگو یا مهدی و برای ۱۲ نفر بفرست. اگر این پیام را ارسال نکنی، عمرت کوتاه می‌شود...».

«اگر ذکر حضرت یونس را امشب بخوانی و آن را برای چند نفر دیگر ارسال کنی، تا فردا شب خبر خوشی به تو خواهد رسید».

«صلوات بفرست و آن را برای ۱۰ نفر ارسال کن، تا فردا صبح خبر خوشی به تو می‌رسد و به آرزویت می‌رسی».

«اگر دعای حضرت یونس را به ۱۰ نفر ارسال کنی، به زودی سود کلانی خواهی یافت. اگر این کار را نکنی، اتفاق بدی برای تو یا یکی از اعضای خانواده تو خواهد افتاد. خدا و کیلی پشت گوش نینداز!».

«اگر این متن را برای ۲۰ نفر از دوستان بفرستی، قطعاً به آرزوی خود دست می‌یابی. این توصیه را جدی بگیر تا یک شخص مذهبی به خوابتان بیاید. من انجام دادم و جواب گرفتم».

«۵ بار بگو یا زهرا و این اس.ام.اس را برای ۵ نفر بفرست، امشب خبر خوشی می‌گیری».

البته به شکل مشابهی پخش متن‌ها، تصاویر و کلیپ‌های هرزه‌نگار، در سوق دادن کاربران تلفن همراه به سمت بی‌دینی مؤثر واقع می‌آیند.

کاهش ابعاد پیامدی و مناسکی دین

منطقی (۱۳۹۰) در زمینه کاهش ابعاد پیامدی و مناسکی در سطح جوانان می‌نویسد:

«طبق نظریه گلاک و ستارک، در همه ادیان، به رغم تفاوت‌هایی که در جزئیات آن‌ها ملاحظه می‌شود، عرصه‌های مشترکی نیز وجود دارد که دین‌داری در آنجا متجلی می‌شود. این عرصه‌ها که می‌توان آن‌ها را ابعاد مرکزی دین‌داری به حساب آورد، عبارتند از ابعاد: اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی.

بُعد اعتقادی یا باورهای دینی عبارت است از باورهایی (مانند باور به وجود خدا) که انتظار می‌رود، پیروان آن دین بدان‌ها اعتقاد داشته باشند.

بعد تجربی یا عواطف دینی، ناظر به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی، همچون خدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است.

بعد فکری، یا دانش دینی، مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان آن دین باید آن‌ها را بدانند.

بعد مناسکی یا اعمال دینی، شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و مانند آن است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به جا آورند.

بعد پیامدی، یا آثار دینی، ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است. چند مطالعه انجام گرفته در سطح جوانان نسل حاضر، بیانگر آن است که جوانان نسل جدید، در بُعد نظری دینشان تغییر و تحول چندانی را در قیاس با نسل‌های پیشترشان نشان نمی‌دهند، اما در بُعد عملی دینشان، تغییر و تحول معناداری را نسبت به آنان نشان داده، به شکل آشکاری کمتر از بزرگسالان تقید عملی خودشان را به دین، آشکار می‌سازند.

مصاحبه زیر با سمانه، ۲۲ ساله که دانشجوی کارشناسی است، صورت پذیرفته است. سمانه در این مصاحبه از کاهش ابعاد مناسکی و پیامدی دین در نزد خود به شرح زیر یاد کرده است:

«- دیگه برام بگو که اعتقادات تو توی چه مسایلی با نسل‌های قبل تر از خودت فرق داره؟»

دیگه توی خیلی چیزها با هم اختلاف نظر داریم، مثلاً توی حجاب داشتن، رابطه دختر و پسر، زیارت کردن.

- درباره حجاب بگو، خانواده‌ات درباره حجاب چه نظری دارند؟

بابام معتقد که حجاب اصلی چادره، مامانم هم می‌گه که زن باید حجاب داشته باشه، ولی در حدی که فقط موی سرش پیدا نباشه، مانتوش بلند باشه و در همین حد، یعنی نمی‌گه حتماً چادر داشته باشه، ولی معتقد به حجاب داشتنه.

- نظر خودت درباره حجاب چیه؟

من زیاد اعتقادی به روسری سر کردن ندارم، به نظر من بیشتر از حجاب، حیا مهمه. من فکر نمی‌کنم زیاد دیدن موی یه زن، برای مرد جالب باشه، در حدی حجاب رو قبول دارم که به عنوان مثال، جلوی مردها لباس‌های خیلی باز نپوشم، ولی پوشوندن مو و این جور چیزا زیاد برام اهمیتی نداره.

- پدرت شده به خاطر اعتقاد خودش اجبارت کنه که چادر سرت کنی؟

نه، بابام اصلاً این جوری نیست که آدم رو مجبور کنه حتماً چادر سرت کنی، ولی خب اجازه هم نمی‌ده اون جوری که خودمون دوست داریم، لباس بپوشیم.

- پس تو یه جورایی تقریباً طبق نظر پدرت لباس می‌پوشی؟

هم آره، هم نه، من توی جمع‌های فامیلی، مجبورم اون جوری که بابام می‌گه، لباس‌هام رو انتخاب کنم و حتی جلوی شوهر خاله و شوهر عمه‌ام هم روسری سرم کنم، ولی خب یه جاهایی هم شده که دور از چشم بابام اون جوری که خودم دوست دارم بگردم و بپوشم.

- بیشتر توضیح بده، چه جور جاهایی؟

مثلاً توی تلگرام و اینستاگرام و این جور جاها عکسای از خودم رو می‌ذارم که خودم می‌پسندم.

- می‌شه بگی چه جور عکس‌هایی؟

توی صفحه اینستاگرامم تقریباً همه عکسام بی‌حجاب، البته گفتم که من بی‌حجابی رو دوست دارم، ولی در یه حد معقول. عکسامم در همین حد معقوله.

- این حد معقولت تا چه اندازه هست؟

یعنی ممکنه عکسی بذارم که لباس آستین کوتاه تنمه و شال و روسری سرم نیست. تا این اندازه رو معقول می‌دونم. اما کار یه سری از دخترهای بی‌حجابی رو که با لباس‌های خیلی کوتاه و باز از خودشون عکس می‌گیرند و می‌ذارن رو قبول ندارم. - نگران نیستی که یه روزی پدر و مادرت این عکس‌های تو رو ببینن؟

ببین، من دوست ندارم ببینن، چون فکر می‌کنم این هم خودش یه نوعی بی‌احترامی به حرف پدرم باشه، ولی از طرفی هم دوست دارم، خب خودم جوری که دوست دارم، پوشش خودم رو انتخاب کنم.

- درباره روابط دختر و پسر گفتی، نظرات تو با نسل گذشته فرق کرده، می‌تونی برام بیشتر توضیح بدی؟

آره، قدیمی‌ترها خیلی روی رابطه دختر و پسرها حساس بودن. این که دختر و پسرها با هم دوست نباشن، با هم دیگه دست ندن، با هم بیرون نرن یا کلاً می‌گفتن دختر و پسر با هم هیچ نوع رابطه‌ای نداشته باشن. در صورتی که الآن نظر و رفتار جوان‌ها خیلی فرق کرده. این نسل نیاز به رفت و آمد با جنس مخالف رو توی خودشون احساس می‌کنن، برای این که بتونن شناخت پیدا کنن.

- مثلاً جوان‌ها الآن چه رفتاری دارن که می‌گی با قدیمی‌ها فرق کردن؟

همین که الآن هر دختری رو می‌بینی با یه پسری دوسته، حتی خود دوستای من که چادری هستن با یه پسر دوست هستن یا دیگه این که پسر و دختر به هم نامحرم هستن، دیگه به نظر جوان‌ها اصلاً این مسأله مهم نیست. خود من الآن اصلاً نامحرم بودن برام مفهومی نداره. بعدشم این که دختر و پسر قبل از ازدواج نباید با همدیگه دوست باشن و این‌ها، دیگه معنی خودش رو الآن از دست داده.

- به نظرت چرا دیگه این روابط معنیشون رو الآن از دست داده‌اند؟

اصلاً الآن فکر کن یه دختر و پسری حتی وقتی می‌خوان با هم ازدواج کنن، باید همدیگه رو بشناسن، پس باید با همدیگه برن و بیان و در نتیجه دیگه این که بخوایم بینشون صیغه محرمیت بخونی، به نظر من هیچ معنی خاصی نمی‌ده، چون اونا باید همدیگه رو یه جوری بشناسن. حالا اومدیم و یه دختری مثلاً چهار تا خواستگار داشت، باید برای این که این چهار نفر رو بشناسه، باید چهار دفعه صیغه محرمیت خونده بشه؟ به نظر من که اصلاً این کار، کار درستی نیست».

تأکید بر ریاکاری موجود در جامعه و دین

در آموزه‌های دینی وارد شده است که برخی از افراد، دین را طعمه دنیای خود قرار می‌دهند. مضمون اخیر، از مضامینی است که بسیاری از دختران و پسران دانشجو، بدان اشاره داشته و خاطرنشان ساخته‌اند، شواهد زیادی که دال بر تفاوت حرف و عمل

بعضی از مدعیان دین و دین‌داری است، آنان را به این نتیجه رسانده است که اگر نه تمامی دینداران، اما اقشار قابل تأملی از آنان، در برخورد با دین، بیشتر از آن که بخواهند خود را در خدمت دین ببینند، دین را در خدمت خود دیده‌اند و در جهت تحقق اهداف سوء خویش، از دین استفاده نابه‌جا کرده‌اند. به این معنا که افراد صرف گذاشتن ریش، بستن دکمه‌های یقه، تسبیح به دست گرفتن، به سر کردن چادر و مانند آن، خود را چهره‌ای دینی قلمداد کرده، بر همین مبنا به خود اجازه هر نوع سوءاستفاده‌ای از امکانات بیت المال را می‌دهند:

«ما جوانان از دین خسته و زده نشده‌ایم، بلکه از بی‌دینی و ریاکاری بزرگ‌ترها خسته و دلزده شده‌ایم و برای رفع مشکل، باید دین را دوباره احیا کرد».

«دین را همین آخوندها خرابش کرده‌اند، در دوره شاه خدا پیامرز که وضع این جوری نبود، الآن به اسم اسلام، دزدی می‌کنند، دروغ می‌گن، بعد هم می‌گن ما مسلمونیم».

«به نظر من دین حرمت خودش را از دست داده است، مسوولان با ظاهر فریبی از دین مثل وسیله‌ای که می‌تواند اهداف مادی و دنیایی آنان را فراهم کند، استفاده می‌کنند».

دلزدگی از دین، فاصله گرفتن از آن و رو آوردن به سوی چهره‌های غیر دینی، از شایع‌ترین تبعات برخورد ریاکارانه با دین است که از سوی بعضی از جوانان، گزارش شده است:

«من فکر می‌کنم، بعضی از مسوولان و روحانیون دستورات دینی را به نفع خودشان تغییر می‌دهند، برای همین از دین دلزده شده‌ام و از آن فاصله گرفته‌ام».

«دلیل کاهش پایبندی من و امثال من به دین، این است که کسانی که منادی دین هستند، در عمل خودشان دین اسلام را قبول ندارند و در اصل آدم‌های ریاکار مبلغ دین شده‌اند. به همین دلیل من به جای سرلوحه قرار دادن آخوندهای ریاکار و منافق برای خودم، افراد لات و لوت را سرلوحه خودم قرار داده‌ام، زیرا آن‌ها آن قدر مرد هستند که ماهیت خودشان را بدون هیچ پرده پوشی و ریاکاری، نشان بدهند».

تصاویر زیر نمونه‌هایی از تصاویر مورد استناد دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی است که از این طریق سعی در اثبات ریاکاری نسل بزرگسال دارند:



تأکید بر تبعیض‌های جنسیتی اسلام

بررسی وضعیت زن به لحاظ تاریخی، حکایت از آن دارد تا زمانی که زن در زندگی قبیله‌ای خویش، به لحاظ اقتصادی، منشأ اثر بود، در جامعه ذی سهم شمرده شده، حتی محور جامعه مدرسالار شمرده می‌شد، اما در گذر زمان، و با پیشرفت فناوری و افزایش تولید، زن به تدریج نقش تولیدی خود را از دست داده، به جنسی دست دوم، تبدیل شد.

پس از تحولات اجتماعی که در غرب در فاصله دو جنگ جهانی و بعد از جنگ جهانی دوم رخ داد، گرایش‌های فمینیستی ایجاد شده، پدیده دنبال احقاق حقوق زنان، برابری دو جنس را در همه ابعاد فرهنگی- اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، خواستار شدند که انعکاس فعالیت‌های آنان، زنان دیگر کشورهای جهان را نیز تحت تأثیر خود قرار داد.

مضاف بر اندیشه‌های برابری طلبی زنان و مردان، عقب بودن فقه شیعه از تحولات روز (مانند بی‌پاسخ ماندن تفاوت دیات زن و مرد در عصر حاضر که هر دو جنس، منشأ آثار اقتصادی هستند)، عدم شناخت روان‌شناسی اختلافی زن و مرد (که برخی از تفاوت‌های زن و مرد، در پرتو یافته‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی دو جنس، قابل تبیین بوده، به رفع شبهات تفاوت‌های حقوقی آنان می‌انجامند)؛ تحولات گسترده بین نسلی در سطح نسل‌های پس از انقلاب که بعضاً نسل جوان و بزرگ‌سال را در قرائت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی‌شان، در برابر هم قرار داده است؛ کار را به جایی رسانده‌اند که اقشار قابل تأملی از دختران و زنان نسل جدید، با به چالش گرفتن دیدگاه‌های جنسیتی اسلام از سویی و نقد جدی جنس دوم دیده شدن زن در عرصه‌های اجتماعی از سوی دیگر، فضای اجتماعی نسبتاً ملتهبی را پدید آورده‌اند.

بعضی از دانشجویان مصاحبه شده، با استناد به قرآن، تورات و انجیل، حقارت زن در ادیان الهی را نتیجه می‌گرفتند:

«آیه ۳۴ از سوره نساء، از اختیار مرد در زدن همسرش یاد کرده است، به همین دلیل من همه قرآن را قبول ندارم».

«قرآن می‌گوید، خدا آدم را خلق کرد و او در بهشت آزاد می‌گردید، سپس او به خدا گفت، تنهاست و خدا از جنس او برایش همسری آفرید یا در جای دیگری قرآن می‌گوید، زنان شما، کشتزار شما هستند، تورات هم می‌گوید، زنان در هر حال وسایل شما هستند و انجیل متی می‌گوید، زنان وقتی به کلیسا می‌آیند، حق سوال کردن ندارند و نباید صدایشان را بلند کنند.

اینها همه دلالت بر این دارند که در نگاه دین، زن موجود حقیری بیشتر نیست».

«زن نباید عطر بزند، چون گناه داره، ولی مرد بوی خوب بده، کلی ثواب هم براش می‌نویسند! آخه تبعیض تا چه حد؟

خدا برای دختر، پرده بکارت گذاشته که دست از پا خطا نکنه، ولی پسرها هر غلطی که بخوان می‌تونند بکنند.

زن با صدای بلند نباید بخنده، خوب آخه یکی نیست بگه، وقتی داری از خنده روده بُر می‌شی، باید چه کار کنی؟!

آخوندها می‌گند، مرد و زن نباید توی چشم هم دیگه نیگا کنن، زن‌ها باید حجاب داشته باشند و زن باید حرف شوهرش رو گوش کنه، این دیگه خیلی اعصاب من رو خورد می‌کنه!

دختر باید از ۹ سالگی نماز بخونه و مکلف بشه، اما پسرها از ۱۵ سالگی مکلف می‌شند، در حالی که پسرها جنه قوی‌تری دارند و بیشتر می‌خورند، اما دخترهای امروزی، تو سن ۹ سالگی هنوز فینگلی هستند. الان دماغ یک دختر ۹ ساله رو بگیری، نفسش بند میاد، دختر ۹ ساله از تکلیف چی می‌فهمه!

موی دختر نباید بیرون باشد، در غیر این صورت، فردای قیامت از تار موهاش آویزون می‌شه، یعنی چه! وقتی حجاب آدم رو زشت می‌کنه، چرا نباید موها رو بیرون ریخت؟

زن نمی‌تونه چند تا شوهر داشته باشه، ولی مرد در آن واحد می‌تونه ۴ تا زن بگیره!

خدا گفته خودارضایی گناه داره، رابطه با جنس مخالف هم خیلی گناه داره، پس آدم باید چه کار کنه؟ حتماً باید ازدواج کنه! آخه چطوری کسی که خونه نداره، ماشین نداره، درسش تموم نشده، می‌تونه ازدواج کنه؟

رابطه دختر و پسر هم که خوب نیست، اگه بده، پس واسه چی دختر و پسر متفاوت خلق شدند، خوب وقتی یه دختر و یه پسر از هم خوششون میاد، باید چه خاکی تو سرشون بریزند؟ من می‌گم این کارها هم باید جایی توی زندگی داشته باشند.

شاید کسی نخواهد تا ۳۰ سالگی ازدواج کند، یعنی باید سرش رو بندازه پایین و به بقیه هم نگاه نکنه؟ من از این همه سخت گیری بدم میاد».

برخی از جوانان با طرح احکام حجاب، آرایش، چند همسری، عقد موقت، زدن زن، حضانت، قضاوت، ارث، دیات و نظایر آنها، تحقیر زنان را در اسلام نتیجه گرفته اند.

هم زمان با نقد آموزه های دینی از سوی بعضی از جوانان مصاحبه شده، این افراد، با طرح برتری هایی که مردان در نگاه دین دارند، کوشیده اند تأکید مضاعفی بر داعیه خویش مبنی بر تفاوت دو جنس از منظر دین، بگذارند:

«و خدا زن را برای آرامش مرد فرستاده است، یعنی ماهیت وجودی زن زیر سایه مرد است که مفهوم می شود، شاید به همین خاطر هم هست که پدرم به من می گوید، شوهر صاحب تو است».

«از نظر اسلام تفاوت انسان ها فقط در تقواست، ولی من در عمل می بینم، زنی که استعدادش اگر بیشتر از مرد نباشد، کمتر نیست، شهادت، ارث و دیه اش، نصف و یا کمتر از مردها است. حق انتخاب و طلاق با مرد است و من به عنوان یک زن، فقط باید به شوهرم برسم و به او خدمت کنم. من این را نمی پذیرم، من می خواهم برای خودم آدم مستقلی باشم، در جامعه حضور داشته باشم و برای خودم کار کنم و روی پای خودم بایستم».

«اگر یک مرد به همسرش خیانت کند، به او توهین کند، او را بزند و مانند این موارد، سرزنش بلا بیاورد، زن نمی تواند او را طلاق دهد، اما همین که مرد از زن خوشش نیابد، می تواند او را طلاق بدهد. با این اوصاف، چگونه می توان گفت که نگاه دین در مورد زن و مرد، نگاهی یکسان است؟»

برخی از دختران دانشجوی مصاحبه شده، نه تنها بر این باور بودند که دین در این دنیا، مردان را نسبت به زنان برتری بخشیده است، بلکه استدلالی می کردند که در جهان آخرت نیز حکایت برتری مردان، تداوم خواهد یافت:

«در بهشت به مرد چند حوری می دهند، به زن چه می دهند؟!»

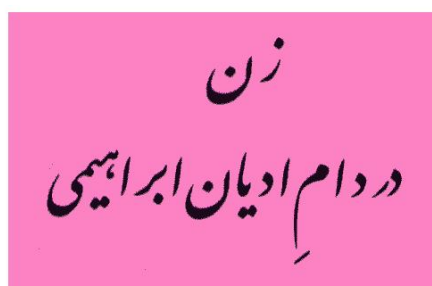
نتیجه انتقادهای جنسیتی پیش گفته، جوانان را به جایی می رساند که یا بیزاری خویش از دین را اعلان می دارند و یا عصیان، توقف، احساس سرخوردگی، پوچی و نفرت از جنسیت خویش را به معرض دید می گذارند.

کتاب های زیر، نمونه هایی از کتاب های مورد استناد دختران دانشجو در استدلال های ضد جنسیتی آنان است.

زن و سکس در تاریخ

از الهه آسمان تا برده خانگی

جلد اول



دکتر مسعود انصاری



تلاش در جهت خرافاتی نشان دادن دین



آمیختگی دین با خرافه و خرافه گرایی، یکی از جدی ترین نقدهای دانشجویان، به نگرش دینی نسل پیشین است. برخی از جوانان در این زمینه، از چالش خود با اولیایشان و چالش شدیدتر خویش با مدعیان دینداری، به شرح زیر یاد کرده اند:

«بعضی وقت ها ما مانم حرف هایی می زند که اصلاً ریشه های عقلانی ندارد و وقتی من به او اعتراض می کنم که این خرافه ها چی هست که می گی، او می گوید این مسأله را خانم جلسه ای ما برایمان گفته است».

«پدر و مادر من بعضی از چیزهای خرافی را قبول دارند و این مسایل با عقل سرسازگاری ندارد».

جوانان مصاحبه شده، با بیان نمونه هایی از خرافه پردازی های موجود به نام دین در جامعه، یادآور شده اند، اگرچه مردم عامی، از ترس جهنم و بهشت خودشان، ضمن پذیرش این خرافه ها، به تداوم و حتی گسترش آن ها در جامعه می پردازند، اما خود آنان با خرافه زدایی از اعتقادات دینیشان، دست به کنار نهادن خرافات از اعتقاداتشان زده اند:

«خیلی از مسلمانان، به جای آگاهی و بصیرت دینی، انبانی از خرافه و خرافه پرستی را با خود حمل می کنند».

«آدم های ناباب و غیر اهل، خرافاتی را به دین چسبانده اند که ساحت دین از این خرافات بری و به دور است، ولی چه می شود کرد، آدم های نا آگاهی که از جهنم و بهشت خودشان می ترسند، به اسم دین، این خرافات را می پذیرند و به این ترتیب در گسترش خرافات به سطح جامعه، نقش بازی می کنند».

«طی قرن های قرن، مردم عادی، اعتقادات خودشان را به اسم دین، در آن قالب کرده اند و با گذشت زمان، دین لطیف اسلام، شکلی عجیب و غریب پیدا کرده است».

دختران و پسران دانشجوی مصاحبه شده، با تأکید به «تلاش برای اصلاح عقایدشان» و «دور ریختن بخش خرافی آن»، از نگاه خرافه گریز و منطقی تر خود نسبت به مسایل دینی یاد کرده اند. اما نباید فراموش کرد که برخی از این دانشجویان چنان از ابعاد غیراستدلالی دین فاصله می گیرند که گاهی تمامی ابعاد تبعیدی آن را نیز نفی می سازند. نمونه های زیر مواردی از همین دست به شمار می آیند:

«اگر مسأله ای با عقل من جور نباشد، من آن را نمی پذیرم، حتی اگر در قرآن و حدیث آمده باشد».

«اگر حضرت محمد هم بیاید و چیزی را به من بگوید که با عقل سر سازگاری نداشته باشد، من آن را نمی پذیرم، مثل این که می گویند، غسل کنید یا با پای چپ وارد دستشویی شوید».

«من هرچه را که عقلم می گوید، می پذیرم و در این کارم چنان مُصر هستم که در صورت لزوم، حتی حاضر به تغییر دادن دینم هستم».

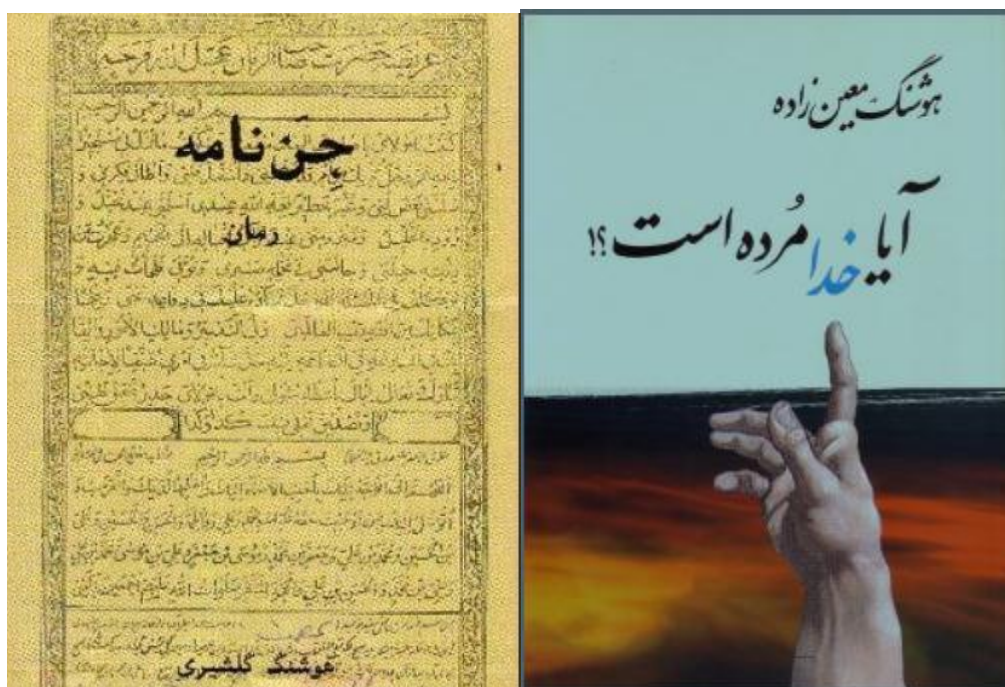


کتاب‌های زیر نمونه‌هایی از کتاب‌های مورد استناد دانشجویان در استدلال‌های آنان مبنی بر خرافاتی بودن دین است.

این دفتر پیش از همه برای دانشجویان نوشته
شده . اینست آثرا بدست دانشجویان پاکستان
ارمغان میگرددتم . گیسروی

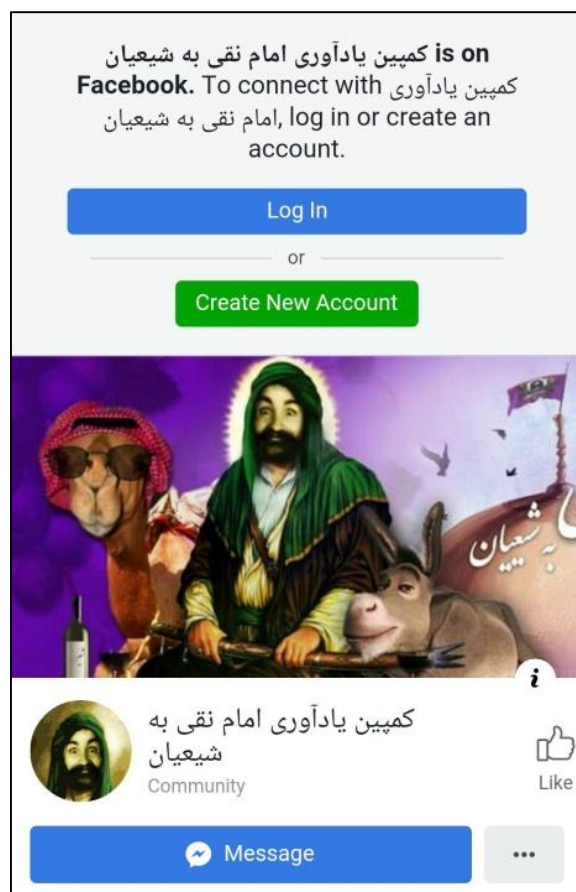
فرهنگ است یا نیرنگ ؟

ایتر اچباب میرسلیم و از آقای دکتر غنی و از
وزارت فرهنگ پاسخ خواهیم یوسید .
گیسروی



به سخره گرفتن مذهب

در گذشته برخی از افراد دین را به سخره می گرفتند، همان گونه که در حال حاضر هم چنین هست، اما تفاوت بارز و قابل توجهی که در این میان به نظر می رسد، سوق یافتن نقد به ظاهر استدلالی افراد نافعی دین به سمت نقد مبتنی بر استهزای دین است. به این معنا که اگر به فرض در گذشته افرادی با اتکا به نظریه داروین دین را نفی می کردند، در حال حاضر افرادی وجود دارند که بدون هیچ استدلال نظری، تنها با به سخره گرفتن دین، سعی در نفی آن می کنند.



البته لازم به یادآوری است که برخی از افراد مدعی دین و دیانت نیز با بیانات غیر مستدل خود در عمل زمینه مساعدی برای افرادی که درصدد به سخره گرفتن دین هستند، فراهم می آورند:

ریشه چالش های اقتصادی کشور در ساپورت پوشی است



امام جمعه مشهد با بیان اینکه رژیم جعلی صهیونیستی در غزه بار دیگر شکست مفتضحانه‌ی راتجربه کرد، گفت: مقاومت، رژیم صهیونیستی را با خاک یکسان کرد. به گزارش نامه نیوز، آیت الله سیداحمد علم الهدی افزود: در مساله تربیت فرزند چهار روش ارائه شده اما نکته مهم ترکیب بندی نحوه برخورد با فرزندان است. آیت الله علم الهدی تصریح کرد: امروز شاهدیم که فردی که دلداده غرب بوده و ژست آکادمیک به خود می گیرد می گوید به

ساپورت پوشی دختران توجه نکرده و به اقتصاد توجه کنید، آخر باید گفت ریشه اقتصاد و چالش های آن ریشه در همین ساپورت پوشی و مسائلی از این قبیل است، ما دچار چالش شده ایم و نسخه اقتصاد مقاومتی در کشور اگر اجرا شود چالش اقتصادی نخواهیم داشت اما اقتصاد مقاومتی نیز زمانی اجرایی می شود که ساپورت پوشی دختران لایالی جمع شود و این مساله نشان می دهد که اقتصاد ریشه در فرهنگ داشته و فرهنگ مادر تمام مسائل و حوزه ها تاثیر گذار است. این مسوول در پایان متذکر شد: در تمام تاریخ نظام یک وزیر علوم غیر تمند آمد و گفت: برای تکریم مقام زن باید کلاس های دانشگاه با تفکیک جنسیتی برگزار شود و همانجاعده بی انتقاد کردند و امروز شاهدیم که شهردار متدین تهران اعلام کرده که در محیط کار باید مقام زن مورد تکریم قرار گیرد و نباید زن با ناامنی و در محیطی که مورد راهزنی نگاه نامحرم قرار می گیرد کار کند که باز هم برخی متاسفانه مخالفت می کنند اما نکته اینجاست که در تمام مسائل باید به این مورد توجه کنیم که فرهنگ مقدم بر تمام مسائل بوده و امروز ریشه بسیاری از مشکلات در مشکلات فرهنگی است.

کتاب های زیر نمونه هایی از کتاب های مورد استفاده برخی از دانشجویانی است که دین را به سادگی به سخره می گیرند.

حسن عباسی «سیاوش اوستا»

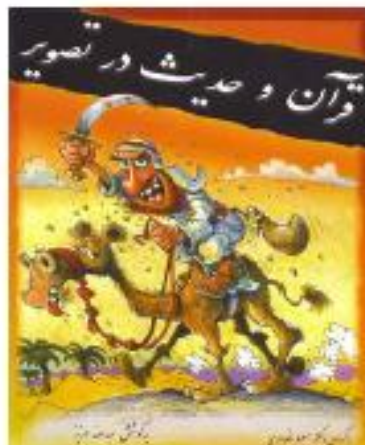
خدا را در خواب دیدم! زار زار گریه میکرد!

در پی من دوان مشو
خمیز مگیر کعبین مکن!
خسته و بی پام مکن
زخمی و خونین مکن

... منم تکاری دارم
چشم براهی دارم...

قرآن و حدیث در تصویر

برگردان: دکتر مسعود انصاری
به کوشش: عبدالله عزیزی



زیر سوال بردن چهره رحمانی دین

برخی از دانشجویان با استناد به اعمال و بیانات افرادی که مدعی دین بوده، اما از عرفان بطن دین بی بهره‌اند، چهره رحمانی دین را نفی کرده، دین را به صورتی سخت، دشوار و خشونت‌بار ترسیم می‌کنند.

به سایت اطلاعات بیت
خوش آمدید

برای نوای بوم بر دوست داریم

به شرقی نه غربی، نه تاری شدت را

استغناء مورد قمه زنی
بر ما چه گذشت:



فتوای سیاقی

حضرت آیت الله محمد صادق روحانی (حفظ الله تعالی):
 "قمه زدن بسیار کار خوبی است و آشکارا زدن بر خوبی آن می افزاید و چنانچه صدقاتی مترتب بر آن شود بر ثواب آن افزوده می گردد. از اموری که من حسرت می خورم آنکه به این عمل با این عظمت موفق نشده ام و با ضعف مزاج و پیری ناتوان موفق نیستم بهر حال از عموم آقایان موفق به این شعار مذهبی ملتزم دعایم پس از قمه زدن."

و دیگر سیاقیان

حضرت آیت الله العظمی محمد صادق روحانی (حفظ الله تعالی)

لله زادنا و... (مترجم: این کار نیک است و آشکارا زدن بر خوبی آن می افزاید و چنانچه صدقاتی مترتب بر آن شود بر ثواب آن افزوده می گردد. از اموری که من حسرت می خورم آنکه به این عمل با این عظمت موفق نشده ام و با ضعف مزاج و پیری ناتوان موفق نیستم بهر حال از عموم آقایان موفق به این شعار مذهبی ملتزم دعایم پس از قمه زدن.)

برگزیده ای از فرمایشات خمینی

پیش از انقلاب	پس از انقلاب
اینها برای تحمیل قدرت خودشان تثبیت میکنند به يك عده جماع بدست، زیر سایه جماعها میخواهند زندگی کنند. ما حکومتی را میخواهیم که برای اینکه یکدسته میگویند مرگ بر فلان کس آنها رانکشند . پاریس ۱۲ آبان ۱۳۵۷	این جنایتکارها که در بازداشت هستند متهم نیستند بلکه جرمشان محر است باید فقط هویت آنها را ثابت کرد وبعد آنها را کشت ، اصلا احتیاج به محاکمه آنها نیست . هیچگونه ترجمی در مورد آنها مورد ندارد. ما معتقدیم که مجرم اصولا محاکمه ندارد و باید او را کشت تیر ۱۳۵۹هـ
حکومت اسلامی ما اساس کار خود را بر بحث آزاد و مبارزه با هر نوع سانسور میگذاردن مصاحبه با روبر ۴ آبان ۱۳۵۷	به آنها که از دموکراسی حرف میزنند گوش ندهید، آنها با اسلام مخالفند. میخواهند ملت را از مسیر خودش منحرف کند . ما قلمهای مسموم آنها را که صحبت ملی و دموکراتیک و اینها را میکند میشکنیم قم ۲۲ اسفند ۱۳۵۷
در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی کامل در هرگونه عقیده ای خواهند بود مصاحبه با سازمان عفو بین المللی ۱۹ آبان ۱۳۵۷	در انقلابی که در ایران حاصل شد در سر تا سر این مملکت فریاد مردم این بود که ما اسلام میخواهیم. این مردم قیام نکردند که مملکتشان دموکراسی باشد قم ۱۹ آذر ۱۳۵۸
اعمال زور و شکنجه و اعمال خلاف انسانی هزاران نفر در ایران از بین رفته اند و میروند المستقبل آبان ۱۳۵۷	مردم باید درس بگیرند از آن مادری که پسر خود را آورد و بدست محاکمه سپرد و آن پسر اعدام شد. این یکی از نمونه های اسلام است و دیگران هم باید همینطور باشند. اولادها و برادرها و فرزندان خودشان را اگر نصحت نپذیرفتند معرفی کند تا به مجازات خود برسند ۲۱ شهر یور ۱۳۶۰
مقامات روحانی شیعه قصد ندارند خودشان در ایران حکومت کنند. در ایران اسلامی علما خودشان حکومت نخواهند کرد فقط ناظر و هادی امور خواهند بود. حکومت مملکت در همه مراتب خود تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود ۴۱ آبان ۱۳۵۷	همه متصدیان روحانی که هستند الان در مقامات بالا ، از بابت اینست که میبینند و نخواهند توانست کسان دیگر اداره این کشور را انطور بکنند که اسلام نیخواهد بدون اینها نمیشود اداره کرد مملکت را ما جواب خود را چه بدهیم؟ جماران ۹ شهریور ۱۳۶۱
مقامات روحانی شیعه قصد ندارند خودشان در ایران حکومت کنند. در ایران اسلامی علما خودشان حکومت نخواهند کرد فقط ناظر و هادی امور خواهند بود. حکومت مملکت در همه مراتب خود تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود ۴۱ آبان ۱۳۵۷	همه متصدیان روحانی که هستند الان در مقامات بالا ، از بابت اینست که میبینند و نخواهند توانست کسان دیگر اداره این کشور را انطور بکنند که اسلام نیخواهد بدون اینها نمیشود اداره کرد مملکت را ما جواب خود را چه بدهیم؟ جماران ۹ شهریور ۱۳۶۱
در حکومت اسلامی از درآمد نفت روزی ۷۵ تو مان مطایق ۱۰ دلار در سال ۱۳۵۷ به هر ایرانی تعلق میگردد. آب و برق هم برای همه مجانی است پاریس ۲۰ مهر ۱۳۵۷	اقتصاد مال خر است. مردم ما برای اسلام انقلاب کرده اند نه خریزه ۲۱ شهریور ۱۳۶۰
دانش آموزان عزیز باید با کمال دقت اعمال و کردار دبیران و معلمین را زیر نظر بگیرند که اگر خدایی ناکرده در یکی از آنان انحرافی ببینند بلافاصله به مقامات ومسولان گزارش نمایند و خود دبیران معلمین با هوشیاری مواظب همکاران خود باشند تا اگر بعضی از آنان خواستند افکار انحرافی خود را در داخل تدریس به فرزندان اسلامیان القا کنند از آنان جلوگیری نمایند و در صورتی که فایده نبخشید با قاطعیت مطلب را با مسولان در میان بگذارند فرزندان عزیزم خود نیز از بکدیکر به بهترین وجه مراقبت نمایند و در صورتیکه مشاهده کردند که بعضی از دشمنان در لباس دوست و همشاگردی میخواهند آنانرا جذب گروه خودکنند به مقامات مسؤل معرفی نمایند و سعی کنند اینکار را بصورت مخفی انجام دهند مادران و پدران متعهد از رفت و آمدهای فرزندان شان سخت مراقبت نمایند و آنانرا زیر نظر بگیرند اول مهر ۱۳۶۱	

گرایش به جابه جایی مرجعیت عقلی به جای مرجعیت دینی

برخی از جوانان در جریان اظهار نظرهایشان، به صراحت در پاسخ به سوال «آیا شما از مرجع دینی تقلید می کنید یا خیر؟» پاسخ منفی داده، بیان می دارند: «من تقلید محض را قبول ندارم» یا «اگر انسان از روی عقل خودش کار کند، برایش کافی است و دیگر احتیاجی به مرجع خاصی ندارد».

جوانان دیگری با بیان مواردی مانند: «نسل جدید، چیزی را که می فهمد و مطابق با منطق می داند، می پذیرد»، «ما می توانیم با کوشش ^۱لگرم، راه صحیح از غلط را پیدا کنیم، بنابراین نیازی به مرجع تقلید نداریم» و «جوانان از علما حرف شنوی نداشته،

دنبال دین تحقیقی هستند»، رویکرد عقلانی خود به دین را به منصفه ظهور نهاده، عدم نیاز خویش به مرجعیت دینی را اعلان می‌دارند. موارد زیر، مصادیقی از رویکرد پیش گفته را به نمایش می‌گذارند:

«روحیه دانشگاهی، تجربه‌گرایی را در آدمی افزایش می‌دهد و همین امر به کاهش روحیه تبعیدی افراد می‌انجامد، مسأله اخیر هم به نوبه خود، سبب احساس بی‌نیازی جوان نسل جدید به مراجع تقلید می‌شود».

«من روزی یکی از دوستانم را دیدم، در حالی که ناخن‌هایش را لاک زده است، دارد وضو می‌گیرد، به او گفتم: فکر نمی‌کنی وضویت باطل باشد، برگشت و به من گفت: این که گفته‌اند نباید لاک بزنی، برای من جا نیافتاده است و من دلیل واضحی می‌خواهم که این کار را انجام ندهم، اگر قانع شدم، این کار را نمی‌کنم. در حال حاضر، من دوست دارم، هم لاک خوشرنگ بزنم و هم نماز بخوانم، چون به نظر خودم لاک زدن، هیچ منافاتی با نماز خواندن من ندارد».

«با این که دین من اسلام است و بیرون گذاشتن مو و امثال آن در اسلام، یک حکم غیرشرعی است، اما من با فهم خودم، برداشتم این طور نیست که اگر کسی موهای من را ببیند یا نبیند، این مسأله یک کار غیرشرعی به حساب می‌آید. در رابطه با دوست پسر گرفتن و خیلی از کارهای دیگر هم همین طور است و از نظر من این کارها اشکالی ندارند».

بررسی دلایل مطرح شده از سوی جوانانی که دست به نفی مرجعیت دینی زده‌اند، حکایت از آن دارد که جوانان مورد نظر، به دلایل مختلف و متعددی، مراجع دینی را قبول ندارند. برخی از این دلایل، به شرح زیر است:

- مراجع تقلید «اصولاً در گذشته زندگی می‌کنند»، «سوادشان متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش است»، «حرف‌هایشان بوی عهد حَجَر را می‌دهد» و نگاهی به رساله آن‌ها نشان می‌دهد «آنان حتی قادر نبوده‌اند که مسایلی نظیر فرسخ، حصار شهر و مانند آن را به روز کنند».

- «مراجع تقلید انسان‌های ۱۲۰ ساله‌ای هستند که دیگر نه چشم‌هایشان می‌بیند و نه گوش‌هایشان می‌شنود، چگونه این افراد می‌توانند جوان امروزی را هدایت کنند».

- مراجع تقلید افرادی «بی‌سواد» هستند، «از دانش کافی برخوردار نیستند» و «اصولاً با علم روز آشنایی ندارند» و «نمی‌توانند راهنمایی یک جامعه با سواد را برعهده داشته باشند».

- «مراجع تقلید، خودشان با خودشان اختلاف دارند و در اعلان ساده روز عید فطر، هر کدام حرفی برای خودش می‌زند، این مسأله دلالت بر آن دارد که حداقل قسمتی از آن‌ها، از حقانیت برخوردار نیستند».

- مراجع تقلید «فاقد عصمت هستند» و به سبب «جایز الخطا بودن آنان» نمی‌توان روی حرفشان خیلی اعتماد کرد.

- مراجع دینی «افرادی هستند که به جای متن، در حاشیه مانده‌اند» و «کارشان محدود به زدن حرفهای بی‌اهمیتی مانند ترتیبات غسل و طهارت شده است» و فقط بلد هستند آدم‌ها را در حیرت بگذارند، مثلاً «یکی دست زدن را حلال و دیگری آن را حرام اعلان می‌کند» و یا «یکی می‌گوید آب را از این طرف بریزید و دیگری می‌گوید از آن ور آب را بریزید، یا یکی می‌گوید یک بار بشوید، دیگری می‌گوید سه بار این کار را انجام دهید».

- مراجع تقلید «چنان دچار خود بزرگ‌بینی» شده‌اند که «خودشان را گم کرده‌اند» و برایشان این توهم پیش آمده است که «پیامبر خدا هستند».

- مراجع تقلید «دستورهای دشواری در رساله‌های خودشان آورده‌اند»، به شکلی که با دستورهای رنگ و وارنگشان، «آدم‌ها را خیلی محدود کرده‌اند»، آن‌ها «همه چیز را حرام اعلان کرده‌اند»، «دین را پر از تبصره کرده‌اند» و «با دستورهای دشواری که ارایه کرده‌اند، سلامت روانی آدم‌ها را به خطر انداخته‌اند» و در حالی که دین راهی برای رسیدن به خداست، «مراجع در رساله‌هایشان، دین را هدف قرار داده‌اند».

- مراجع «با اصول من در آوردی که از خودشان درست کرده‌اند»، «دین را پر از بدعت کرده‌اند».

- مراجع دینی «عالمانی بی‌عمل هستند» و «معلوم نیست خودشان حرف‌هایی را که می‌زنند باور دارند یا نه و به آن‌ها عمل می‌کنند یا خیر».

- مراجع با بیان مسایلی مانند این که «نباید با نامحرم حرف بزنید» یا «با آن‌ها چشم در چشم بشوید»، در عمل دست به پرت و پلاگویی زده‌اند و «نفهمیده‌اند که به این ترتیب باید در جامعه معاصر، رو به قبله خوابید و مُرد».

- مراجع «غبار سیاست بر عبایشان نشسته است» و «دستشان با سیاستمداران در یک کاسه قرار گرفته است»، و به صورت «عروسک خیمه شب بازی» و «مزدوران» سیاسیون درآمده‌اند، آنان «دین را با سیاست آمیخته کرده‌اند» و «دست به صدور فتوای سیاسی می‌زنند» و به همین دلیل اسباب دلزدگی افراد را از دین فراهم آورده‌اند.

- مراجع «دنبال قدرت و قدرت طلبی هستند»، «به جز منافع خودشان چیزی را نمی‌بینند» و «طبق منافع خودشان عمل می‌کنند» و «از دین استفاده ابزاری می‌کنند» و «دین به صورت بازیچه آنان درآمده است».

- مراجع تقلید، افراد زیر سوالی هستند که «خودشان را پشت چهره دین پنهان کرده‌اند» تا «فساد کارهایشان مشخص نشود» و «زبان انتقاد مردم را ببندند».

- اگرچه در گذشته شاید «مرجعیت برای افراد بی‌سواد لازم بوده است»، ولی در حال حاضر با پیشرفت دانش، «مرجعیت رشته‌ای من در آوردی به حساب می‌آید» و باید «آن را به صورت یک امر زاید دید».

- «مراجع تقلید و مجتهدان، پوسته دین را گرفته‌اند و باطن آن را رها کرده‌اند».

- «ما سُنی‌ها، مرجع تقلید را قبول نداریم».

نمونه‌هایی از اظهارنظرهای اخیر جوانان، به شرح زیر است:

«آنچه از تواریخ برمی‌آید، حضرت علی و فاطمه، در زمان قبل از ازدواجشان که به هم نامحرم بودند، در یک مکان زندگی می‌کردند، ولی الآن مجتهدان دینی ما این مسأله را گناه می‌دانند و به صحبت قبل از ازدواج جوان‌ها، با دیده بدی نگاه می‌کنند، یا آن که مراجع می‌گویند، باید هر زن مسلمان، حجاب داشته باشد، در حالی که در قرآن آمده است که هر زن مؤمن باید حجاب داشته باشد. به تعبیر دیگر، فردی که مؤمن نباشد، ممکن است حجاب نداشته باشد».

«مراجع بلایی به سر دین آورده‌اند که دین عامل عقب ماندگی جامعه شده است. مثلاً خدا هیچ وقت نگفته است که یک رابطه معقول بین دو نفر نامحرم، برقرار نباشد، ولی بعضی از مراجع، حتی نگاه کردن دو جنس را نیز محدود کرده‌اند. خوب آیا در این جامعه، می‌توان پیشرفتی هم داشت».

با توجه به آنچه گذشت، در یک جمع‌بندی اجمالی، می‌توان نتیجه گرفت، اگرچه عقل یکی از ادله اربعه است، اما عقل در برخی از موارد قدرت نشان دادن تمامی دقایق مسیر را ندارد و در این میان به قرآن، سنت و حدیث نیز نیاز هست و همان‌گونه که علم، افراد را وادی دارد در مشکلات مختلف خویش، نزد عالمان همان زمینه مراجعه کنند، بالطبع باید در برخورد با مسائل و مشکلات دینی نیز به عالمان و متخصصان دینی مراجعه کرد، اما علت گریز بی‌قاعده جوانان از مراجع را شاید بتوان در عواملی مانند: «به روز نبودن برخی از مراجع»، «آشنا نبودن بعضی از مراجع با ویژگی‌های جامعه جوان»، «عدم استفاده کافی و وافی مراجع از متخصصان علوم انسانی برای تبیین مسایل جدید»، «تعمیم نفرت حاصل از کژ کارکردی نظام دینی روی هر آنچه نشانی از دین دارد، از جمله مراجع»، «الگوبرداری جوانان از غرب (که در آن بین نظام دینی و علمی ارتباطی وجود ندارد)»، و «عقل‌گرایی افراطی برخی از جوانان»، یافت.

جابه‌جایی اخلاق دینی با اخلاق اجتماعی

برخی از جوانان به تبع نقد دین مرسوم، اخلاق دینی را نیز نفی کرده، پیشنهاد جایگزینی اخلاق اجتماعی را به جای آن می‌دهند. در اخلاق جدید، تکالیف پیشنهادی فردمدار دینی در نزد افراد کم رنگ شده، به جای آن اخلاق اجتماعی که از تک تک افراد جامعه انتظار می‌رود، پر رنگ می‌گردد. به عنوان مثال، یکی از جوانان بیان می‌داشت، او مشروب هم می‌خورد، اما می‌کوشد تا حق دیگران را در جامعه تضییع نکند، زیرا آن چه وی خود را بدان موظف می‌داند، رعایت حقوق اجتماعی دیگران است و مشروب خوردن یا نخوردن او که امری کاملاً فردی است و به سلامت شخصی او ربط دارد، دیگر دخلی به دیگران ندارد که آنان ناراحت آن باشد. اظهار نظرهای شما ۱۵ ساله، ملینای ۲۰ ساله و زکیه ۲۱ ساله در همین ارتباط به شرح زیر است:

«من کلاً به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فقط به عنوان یه سرگرمی نگاه نمی‌کنم ازشون استفاده‌های دیگه‌ای هم می‌کنم. مثلاً عضو کمپین‌های حمایتی می‌شم.

- حمایت از چی؟

از افراد جامعه... مثلاً چند وقت پیش کمپین پاک کردن شیشه اتوموبیل‌ها در سر چهارراه‌ها برای حمایت از کودکان فقیر جامعه بود. الآن هم که زمستونه یه کمپینی راه افتاده که کسانی که لباس گرم دارن و ازش استفاده نمی‌کنن با یه شماره‌ای تماس می‌گیرن و اونا میان این لباس‌ها رو به افراد نیازمند می‌دن. به نظرم خیلی کار خوبیه.

- خودت هم تا حالا این کار رو کردی؟

آره، من یه بار به مامانم گفتم لباسایی که ازشون استفاده نمی‌کنیم رو کنار بذاره و بعد باهاشون تماس گرفتم که بیان ببرن». «حرم امام رضا هم خیلی بهم آرامش می‌ده، البته اینم بگم، همیشه خیلی حرص می‌خورم تا برم داخل! اونجا هم فقط دارالاحجه می‌رم، جای دیگه نمی‌رم.

- چرا حرص می‌خوری؟

رفتار بعضیا واقعاً زنده هست! مثلاً می‌خواد بره زیارت، سر جای پارک که زودتر به نماز جماعت حرم برسه، فحش می‌ده! یا مثلاً می‌رن آویزون در و دیوارش می‌شن و سر و صورتشون رو می‌مالن به در و دیوار حرم و دخیل می‌بندن! من خیلی از این آدم‌ها حرص می‌خورم! خب بشین درست دعا کنن دیگه، این کارا چیه! امام رضا جواب نمی‌ده، اگه دخیل نبندن؟».

«مردم ما مردمی هستند که سعی می‌کنند خیلی عامل به احکام باشند، سعی می‌کنند این کار و آن کار را انجام بدهند، ولی اخلاقاً خیلی ضعیف هستند و خوی کاملاً عصبی دارند. شما برید توی خیابون، کافیه به یکی بگید، آقا این پول رو عوض بکنید، این خیلی کهنه و پاره هست، از من نمی‌گیرن این پول رو. چیزی که می‌بینید بلند می‌شه، قفل فرمون در میاره، همون جا یه چیزی بارت می‌کنه. کاملاً عصبی هستند مردم ما.

- به نظر شما در جامعه‌ی دین اسلام درست تبلیغ می‌شود؟

نه، برای این که همه‌ی مؤلفه‌های دین در جامعه‌ی ما یکسان جلو نمی‌رن. مؤلفه‌های دین یه جا و به یک اندازه جلو نمی‌رن، مثلاً مؤلفه‌های فقه‌گرایی ما چقدر جلو هست، مؤلفه‌ی اخلاق چقدر جلو هست و مؤلفه اعتقادات مردم چقدر جلو هست؟

- دین مهم‌تره یا اخلاق اجتماعی؟

جفتش. اگر دین درست اجرا بشه و درست شناخته بشه، اخلاق اجتماعی رو در پی داره، ولی اگر نداشته باشه، قرار باشه که بین این دو تا یکی رو انتخاب کنم، می‌گم اخلاق اجتماعی».

تفسیرهای جدید دینی

برخی از دانشجویان در قرائت جدید دینی خویش، تفسیرهای جدیدی از دین را طرح ساخته و بر همان نهج عمل می‌کنند. بهار، دانشجوی ۲۱ ساله فلسفه، در همین رابطه در قسمتی از مصاحبه خویش از محرم بودن و نبودن به شکل جدید زیر یاد کرده است:

«- ... خوب به نظر می‌رسه تو بیشتر از دین، مسأله انسانیت و رفتار انسانی برات مهم، همین طوره؟

آره. به نظر من بدون دین هم می‌شه آدم خوب و خدا پسندی بود.

- نظرت درباره‌ی عشق و ازدواج چیه؟

درمورد ازدواج، به نظرم یکی از بهترین اتفاقی که تو زندگی هر فرد می‌تونه بیفته، ازدواجه. ازدواج نه این که یه خطبه‌ی عقدی خونده بشه بین دو تا طرف، اون تعهد هست که به نظرم به ازدواج معنی می‌ده. از نظر من کسی که تعهدش رو به همسرش از دست بده، وقتی با اون آدم بخوابه، داره گناه می‌کنه، چون به نظرم خوابیدن با آدمی که دوشش نداره یا بهش تعهد نداره و خیانت می‌کنی، عین اینه که تو دین اسلام می‌گن زنا کرده یا کار نامشروعی انجام داده. به نظر من هیچ فرقی نداره. از نظر من وقتی دو نفر همدیگه رو دوست ندارند و با هم ازدواج می‌کنن و بچه‌ای رو به وجود میارن، اون بچه حروم زاده هست، چون بالاخره خطبه‌ی عقد چیزیه که تو توش داری می‌گی من به این آدم وفادارم، من تعهد می‌کنم که با این آدم بمونم، وقتی که بهش تعهدی نداره، یعنی عقدت هم باطل شده. اون خطبه‌ی عقدی که به زبان عربی خونده می‌شه، به نظر من چیزی نیست که دو تا آدم رو به هم پیوند بده، این قلباشونه که داره اونا رو به هم نزدیک می‌کنه، شاید یه دختر و پسر اون

قدر همو دوست داشته باشن که بتونی بگی اینا پیشون عقد بسته شده، یعنی نتونی جداشون کنی. اونا واقعاً به نظر من به هم محرم‌ن. اون خطبه به نظر من هیچ کاری نمی‌کنه».

پذیرش تنها خدا

بعضی از جوانان در کشاکش دینداری و بی‌دین شدن، به انتخاب راه جدیدی با عنوان تنها خدا روی آورده‌اند. در این مسیر، دانشجو با کنار نهادن تمامی تکالیف دینی، ائمه و انبیای الهی، اعلان می‌دارد که تنها خدا را قبول دارد. البته برخی از این جوانان تأکید می‌ورزند که خدای مورد پذیرش آن‌ها نیز تنها سراپا لطف بوده، فاقد هر نوع خشم، قهر و غضب است. کوثر، ۲۵ ساله در مصاحبه خود نمونه‌ای از این دست از افراد را به معرض دید نهاده است:

«... این خدایی که مدنظر شماست، چه ویژگی‌هایی داره؟

خدای من خدای مهربونی هستش که نه اهل اذیت کردنه و نه عذاب دادن، نه خشم و غضب داره و نه تهدید و اجبار، خدای من یه دریای بی‌کران مهر و محبت، خدای من از رنگ سیاه بیزاره، خدای من عاشق اینه که لبخند منو ببینه، نه این که ۱۲ ماه سال رو بزنم تو سر خودم و گریه کنم که بیشتر بهش نزدیک بشم، خدای من با دیدن موی دخترم که تو باد می‌دوه، لبخند می‌زنه، نه این که سریع نت برداری کنه و دستور بده از مو آویزونش کنن، خدای من عاشق وقتی که من و دخترم می‌رقصیم و می‌خندیم، نه این که همه نوع موسیقی‌ای براش حرام باشه و هرکی هم گوش بده، حسابی به خدمتش برسه! خدای من اگه کار بدی، اگه دروغی، اگه حرف ناشایستی از من بشنوه، سریع گارد نمی‌گیره که منو به سزای اعمالم برسونه، بلکه به قدری ناراحت می‌شه که من از شرمندگی بابت ناراحت کردنش، دوست دارم آب بشم و برای همین از روی دوست داشتن بیش از حدی که بهش دارم، سعی می‌کنم آدم خوبی باشم که ناراحتش نکنم، نه به خاطر ترس از این که داغم کنه! خدای من این همه مدعی دروغین روی زمینی نداره که به اسمش خدایی کنن و چشم بنده‌هاش رو اشکی کنن، بلکه این قدر ساده و مهربونه که من مثلاً بی‌حجاب هیچ فرقی با اون خانمی که فقط چشمش معلومه و وقتی از کنارش رد می‌شم، زیر لب حتی فحشی‌ام نثارم می‌کنه، نمی‌ذاره، چه بسا حتی من عزیزترش باشم و گاهی به خاطر طرز فکر اون خانم اون قدر ناراحت بشه که حتی اشکی بشه چشمش، خدای من همون خدای چوپانیه که تو رؤیاهاش می‌خواست ماساژش بده و براش رخت و لباس نو بخره، خدای من کاری با سیاست نداره، اصلاً براش مهم نیست قیمت نفت و طلا چقدره یا کدوم کشور با کدوم کشور قطع رابطه کرده و نمی‌خواد که همه اینا رو وصل کنن به هم. اون همین که روی لب بنده‌هاش لبخند باشه، براش یه دنیا ارزش داره، همین که بنده‌هاش همو دوست داشته باشن و عاشقانه برای هم دل بسوزونن، خوشبخته، خدای من بین زن و مرد فرقی نمی‌ذاره و نمی‌گه کی می‌تونه چه کار کنه، کی نمی‌تونه، فقط حرفش اینه که با هم مهربون باشید و به هم صدمه نزنید، خدای من براش مهم نیست دوست من سنی، شیعه هست یا یهودیه یا مسیحیه. به من نمی‌گه بهش دست نزن نجسه، فقط ازم می‌خواد با همه مهربون باشم و فرقی بین کسی ندارم، خدای من یه نژاد عرب جاهل رو بالای بالا نمی‌بره و بقیه نژادها رو پایین نیاره و مجبور نمی‌کنه که مابقی برای اون نژاد تا کمر خم شن، بلکه همه رویک شکل و یک اندازه دوست داره، خدای من کسی رو روی زمین نمی‌ذاره که چیزی رو به من تحمیل کنن، بلکه این قدر به من فهم و شعور داده که خودم انتخاب کنم خوب و بد رو،

خدای من، من و دخترم رو و همه‌ی آدم‌های دنیا رو دوست داره و فقط می‌خواد که ما شاد و مهربون باشیم، همین و هیچ چیز پیچیده‌ی دیگه‌ای در کار نیست».

شیطان پرستی



مقوله شیطان پرستی و شیطان پرست شدن، مقوله‌ای است که معدودی از دانشجویان به سمت آن گرایش یافته و خود را شیطان-پرست معرفی می‌کنند. مصاحبه زیر که با امیر، دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی صورت پذیرفته است، نمونه گویایی در همین راستا به شمار می‌رود.

«- امیر آقا تو چه دینی رو قبول داری؟

شیطان پرستی! البته تازه دارم یه چیزایی ازش می‌شنوم.

- چه چیزهایی ازش شنیدی که باعث شده به این طرز تفکر علاقه‌مند بشی؟

این که هر کس خدای خودش و هر چی خودش بگه، درسته.

- خودت این حرف رو قبول داری که خودت خدا هستی؟

یه جورایی قبول دارم، چون خودم می‌تونم هر کاری رو که می‌خوام انجام بدم، هر کاری که فکرش رو می‌کنم، انجام می‌دم، بدون این که کسی دخالت کنه.

- تا حالا فکر کردی که کسی تو رو به وجود آورده؟

فکر کردم، اما اگه اون می‌خواست قدرت خودش رو به ما نشون بده، نمی‌گذاشت که ما هر کاری کنیم، پس کسی ما رو به وجود نیاورده و ما خدای خودمون هستیم.

- منظورت از این که هر کاری می‌کنی، چیه؟

اگر واقعاً کسی بود که من رو به وجود آورده بود، نمی‌گذاشت من به این راه‌ها برم و هیچ وقت نمی‌گذاشت من به وجودش شک کنم. کمکم می‌کرد و هوام رو داشت.

- شیطان پرستی هم رهبر داره؟

نه به اون صورت، اما یه شخص هست که شیطان پرستی رو ایجاد کرده است که اسمش آنتوان لاوی هستش و دو تا دخترش هم با اون کار می‌کنن.

- چیزی در باره این فرد می‌دونی؟

آره، اهل آمریکاست و اول خواننده‌ی کاباره‌ها بوده و بعد یک نهضت جادوگری به وجود آورد، اما باز هم دقیق نمی‌دوم که حرفاش راسته یا دروغه، آخه دخترش توی خیلی از سایت‌ها، حرف‌های پدرش رو نقد کرده و گفته که حرف‌های پدرش دروغه.

- به نظرت می‌شه به این آدم دروغ‌گو اعتماد کرد؟

نه، اما باز نمی‌شه گفت که حرفاش دروغ هست، شاید دخترش دروغ‌گو باشه.

- وقتی خانواده‌ای به این دروغ‌گویی داره، چطوری می‌تونی طرز فکرش رو قبول کنی؟

نمی‌دونم، شاید به خاطر جذابیت‌هاش هست.

- جذابیت؟ چه جذابیتی داره؟

این که تمام تنش رو خال‌کوبی کرده است. شیطان‌پرست‌ها، گوش‌هاشون رو مثل شیطان عمل می‌کنند و زبونشون رو از وسط نصف می‌کنن و زبونشون مثل نیش مار می‌شه. خیلی جالبه با همه‌ی مردم فرق دارند.

- تو هم خال‌کوبی کردی؟

آره، یکی از نمادهای شیطان‌پرستی رو روی بازوم خال‌کوبی کردم.

- این گردن‌بندهایی که انداختی، دقیقاً نماد چی هستند؟

این صلیب برعکسه، به این معنی که دین مسیحیت وجود نداره و اصل و اساسی در اون نیست و این یکی به معنی اینه که مسیحیت از بین می‌روه و نابود می‌شه. اینا نقد دین مسیحیت هستند.

- معنی آرم نازی‌ها که روی لباس آورده، چیه؟

یعنی خودمون خدا هستیم.

- اعتقادی به جهنم و بهشت نداری؟

نه، به نظر من دنیا دیگه‌ای وجود نداره و فقط این هست که اگر ما بمیریم نابود می‌شیم و دیگه زندگی‌ای نداریم و بهشت و جهنمی در کار نیست.

- کسی از خانواده‌ات می‌دونه که تو شیطان‌پرستی؟

آره، یکی از خواهرهام می‌دونه، حتی اونم دوست داره شیطان‌پرست بشه. بهم می‌گه اگه یک زمان توی جشن‌هایی رفتی که واسه شیطان‌پرست‌هاست، منم ببر.

- چه کسی تو رو با این طرز فکر آشنا کرد؟

یکی از دوستانم که خیلی هم در قید و بند این جور چیزهاست، اما اونم در حد من می‌دونه.

- تا حالا شده به این فکر کنی که شاید دوستت این حرفا رو از خودش درآورده و دروغ می‌گه؟

نه اصلاً، بگم اگر هم دروغ بگه، مگه چی می‌شه، سرگرم می‌شیم دیگه.

- چطوری توی جامعه مثل شیطان‌پرست‌ها حضور پیدا می‌کنی؟

در حد این که روی تن و بدنمون رو خال کوبی کنیم و این گردبندها و زنجیرها رو بندازیم و وقتی هم عکس می گیریم، با دستمون علامت U را در میاریم.

- نظرت دوست های تو درباره این که شیطان پرست شدی، چیه؟
خیلی هاشون وقتی فهمیدن من شیطان پرست شدم، اونا هم مثل من شیطان پرست شدن.
- برای چی این کار رو کردند؟
چون حسودن، فکر می کنن هر کاری من بکنم، اونا هم باید انجام بدن...».

پذیرش خداگونه شدن آدمی

بعضی از جوانان و دانشجویان دین گریزی را پیشه خویش کرده، در جریان مستدل نشان دادن اقدامشان، استدلال می کنند که هدف هستی خداگونه شدن آدمی است و آنان نیز در همین مسیر طی طریق می کنند. سعید، دانشجوی ۲۵ ساله کارشناسی ارشد، در قسمتی از مصاحبه خودش در همین ارتباط بیان می داشت:

«- نظر شما درباره عذاب الهی چیست؟»

هیچ عذاب الهی وجود نداره، این مسأله وسیله و ابزار ترس و ترسوندن مردم بوده، فقط پیامبر و گذشتگان از این روش استفاده کردن برای ترس، اونا برای استفاده از مردم بالاخره یه چیزی آوردن که باهاش مردم رو بترسون و چه چیزی بهتر از این که اون چیز رو و اون عذاب رو کسی ندیده باشه و چون کسی ندیده، می شه اون رو بزرگش کرد، هی پیاز داغش رو زیاد کرد و هی دردناک ترش کرد.

- پس به نظر شما هیچ آفریننده ای وجود نداره؟

نه، به نظر من هیچ خدایی وجود نداره. خدا من ام، خدا شمایی! خدا تو فکر و ذهنته، اگه اون فکر و ذهن رو اسمش رو بذاری خدا، بله خدا وجود داره، ولی اگه چیزی که بگن اون هست و تو رو آفریده و فردا بمیری، می ری پیش اون رو ازت سوال و جواب می کنه، می برنت پیش خدا و این حرفا، اصلاً یه همچین چیزی نیست و مخصوصاً اون خدایی که اسلام گفته. مثلاً یه زمانی جریان معراج پیش اومده، پیامبر به خدا گفته من می خوام بینمت و خدا یه شب اون رو می بره تو پیشگاه خودش و خدا یه پرده ای رو نمایان می کنه، اون طوری که پیامبر گفته، خدا این ور پرده بوده و پیامبر اون ور پرده. خدا می گه من اون قدر بزرگم که تو نمی تونی منو ببینی، همین قدر که اومدی و پشت این پرده ایستادی و به من نزدیک شدی، تو نزدیک ترین فرد به منی، حالا دیگه برو پایین! خدایی که بره پشت پرده و این جور یه بشه رفت به پیشگاهش، من این خدا رو قبول ندارم.

- خدایی که ساخته ذهن شماست، چگونه خدایی هست؟

گفتم که به نظر من هیچ خدایی وجود نداره، همه چیز طبیعت هست. همون طوری که همه چیز از قانون بیگ بنگ آغاز شد، اتم و بعد عنصر تا رسید به ما که آدمیم.».

پذیرش نظریه دین به مثابه افیون توده ها

برخی از جوانان و دانشجویان که دین‌گریزی را پیشه خویش کرده‌اند، در جریان مستدل نشان دادن اقدامشان، به بیان مارکس مبنی بر این که دین افیون توده‌ها است، استناد می‌جویند. هر چند که گاهی عملکرد بعضی از مسوولان، مؤید نظر مارکس در جامعه شده، در عمل مستند بومی برای همین دست از جوانان می‌گردد. مصاحبه سهیل، دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی، نمونه بارزی از همین موارد به شمار می‌آید.

«- آقا سهیل در حال حاضر تحلیل کلی شما راجع به دین چیست؟»

به نظر من حکومت‌ها، همواره سعی در گول زدن مردم و ظلم کردن به آن‌ها را دارند. برای این کار فریبده‌ترین ابزار، دین است. به نظر من همه چیزهایی که با نام دین به ما رسیده، ابداعی و من در آوردی است. محمد برای آن که بتواند با اعراب مقابله کند، دین را آورده است. و برای این کار چیزهایی را آورده و مثال‌هایی را زده است که برای اعراب جذاب است. مثلاً بشارت دادن رودهای جاری در زیر درختان سرسبز، برای اعراب بسیار خوشایند است؛ چرا که آن‌ها به دلیل آب و هوای گرم و خشک سرزمینشان، از نعمت سرسبزی و هوای خنک و میوه‌های فراوان محروم بودند، بنابراین محمد با دادن این وعده‌ها، آن‌ها را به خود جلب کرده است. اما اگر این بشارت به مردم ساکن شمال ایران داده می‌شد، هرگز از آن استقبال نمی‌کردند، چرا که داشتن چنین مناظری و چنین امکاناتی برای آن‌ها عادی است، مثلاً عذاب آتش و گرما برای مردم سبیری که از سرما متنفرند، چه ناراحتی دارد؟

قرآن باید فراگیر باشد و صفاتی مطلوب طبع همه سلیقه‌ها داشته باشد. مثلاً برای مردم هاوایی وعده حوری بهشتی چه جذابیتی دارد؟ همه این‌ها ناشی از نیازها و کمبودهای اعراب در آن دوران است. در حالی که امروز برای ما این وعده‌ها، اصلاً جذاب نیستند. بنابراین به نظر من، دین فقط یک ابزار برای حکومت کردن بر مردم است.»



8 posts 2135 followers 250 following

+ FOLLOW

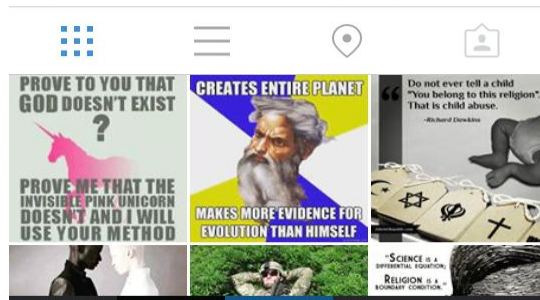
کانون آتنیست های جوان

این پیج از این به بعد فقط با مقدساتی مبارزه میکند که به هیچ وجه قابل پرستش نیست...

iraneuro@gmx.de 004915213202562

whatsapp - viber

www.google.com



جایگزینی عرفان‌های نوظهور به جای دین

عملکرد نامناسب برخی از مدعیان دینداری از سویی و مواضع نادرست آنان در مسایل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه کار را به آنجا کشانده است که گاهی جوانان از دین گریزان می‌گردند. اما از آنجا که نیاز به دین، به عنوان عامل نظم و نسق دهنده جهان هستی برای دانشجویان از بین نمی‌رود، آنان با پناه جستن به عرفان‌های نوظهور می‌کوشند تا خلأ پدید آمده در اثر فاصله گرفتن از دین و دیانت را به نوعی در ذهن خویش پوشش دهند.

ترانه، دانشجوی ۲۸ ساله کارشناسی مهندسی عمران در مصاحبه خود نمونه بارزی از پناه جستن به عرفان‌های کاذب را به معرض دید نهاده است:

«- ترانه جان، این نگاه جدید که به دین پیدا کردی چطور برای شما پدید آمد؟

من از وقتی به عرفان و کلاس‌های عرفانی رو آوردم، خیلی نگاهم به دین و مسایل دینی عوض شده.

- این کلاس‌های عرفانی که می‌گید چه جور کلاس‌هایی هست؟

کلاس‌هایی که عقاید جدیدی رو درباره دین بیان می‌کنند. عقایدی که خیلی تفاوت با عقاید دینی گذشته داره و باعث می‌شه، نگاه خیلی بازتر و بهتری نسبت به دین و مذهب پیدا کنی.

- شما چند وقته که به این کلاس‌های عرفان حلقه می‌رید؟

من تقریباً یک سال و نیم هست که وارد این کلاس‌ها شدم. توی این یک سال و نیم، خیلی از باورها و عقایدی که در گذشته داشتم، تغییر پیدا کردن.

- چه طوری با این کلاس‌ها آشنا شدید؟

از طریق یکی از دوستانم. همیشه حالش خوب بود، هم از نظر جسمی هم از نظر روحی، یک مدتی که با هم رفت و آمد داشتیم، از این کلاس‌ها و تأثیرات خوبش برام می‌گفت، منم خیلی کنجکاو شدم، به خاطر همین ازش خواستم که من رو هم وارد این کلاس‌ها بکنه.

- کنجکاوی شما برای همین داشتن حال خوب بود؟

یکی از دلایلش همین بود که بدونم چه کاری باید انجام بشه که همیشه این حال خوب داشته باشی. دلیل دیگه‌اش هم اینه که از نظر من آدم باید دینش رو به روز کنه. توی این کلاس‌ها نگاه به دین جدید و با نوع زندگی و فرهنگ الآن بیشتر به کار آدم میاد تا دینی که از طریق اجدادمون به ما رسیده.

- خوب حالا دلیل این حال خوب رو بعد از وارد شدن به کلاس‌ها متوجه شدی؟

آره. این دید عرفانی باعث می‌شه که بتونی همه نوع بیماری‌های جسمی و روحی رو از بدنت بیرون کنی. ممکن هست ناراحتی‌هایی برات پیش بیاد که با هیچ نوع راه حلی درمان نشه، اما می‌تونی خوب شدن این ناراحتی‌ها رو با این کلاس‌ها

تجربه کنی

- مگه چه کاری انجام می‌شه که این ناراحتی‌ها رو از آدم دور می‌کنه؟

از طریق انتقال انرژی. یعنی برای یک نفری که یک مشکلی داره، اشعاری به حالت دعا خونده می‌شه، حالا یا گروهی یا تک نفره، که این اشعار باعث انتقال انرژی اون فرد به بدن طرفی که مشکل داره می‌شه.

- حالا چرا باید این انتقال انرژی از طریق شعر به وجود بیاد؟

خب مثلاً توی اشعار حافظ و مولانا هست که حالت عرفانی به آدم دست می‌ده، و وقتی آدم این حال عرفانی رو داره، می‌تونه دست به انتقال انرژی بزنه و گرنه در حالت عادی این اتفاق نمی‌افته.

- توی این کلاس‌ها، شما از آیات قرآن هم مثل اشعار استفاده می‌کنید؟

نه، ما اصلاً هیچ وقت آیه‌های قرآن رو نمی‌خونیم، چون یه قسمتی از یک آیه رو خوندن کار درستی نیست، حتماً باید ادامه و قبل اون آیه هم باشه.

ما کلاً از شعر استفاده می‌کنیم، ولی استفاده از آیات یه جور استفاده ابزاری از قرآن به حساب میاد که از نظر ما صحیح نیست.

- بعد از وارد شدن به این کلاس‌ها، خودتون تونستید این حال خوبی رو که گفتید، تجربه کنید؟

آره، من از وقتی به این کلاس‌ها رفتم، احساس بهتری دارم، چون توی این کلاس بهت یاد می‌دن، از اشتباهاتی که توی گذشته انجام دادی، بگذری و بهشون فکر نکنی و عذاب وجدان نگیری. یعنی ما یاد گرفتیم، فکرمون رو متمرکز به زمان حال کنیم.

- در این مورد که به زمان حال متمرکز شدید، بیشتر توضیح می‌دی؟

ما یاد گرفتیم که نه به گذشته فکر کنیم، نه به آینده. یعنی هی به خودمون نگیم که توی آینده چه اتفاقی ممکن هست بیفته، در حالی که دین قدیمی می‌گه به آینده توجه کنید. به علاوه ما یاد می‌گیریم که اصلاً به کارها و اتفاقات گذشته دوباره برنگردیم. همین توی زمان الآن بودن، باعث می‌شه احساس خوبی داشته باشی.

- توی این کلاس همه افراد می‌تونن شرکت کنن؟

آره، هرکسی که دوست داشته باشه، می‌تونه شرکت کنه. اما ما معتقدیم که ادیان گذشته تا همین امروز دنبال این بودند که به فقرا کمک کنند، اما حالا باید فقرا رو کنار بگذاریم و به حال ثروتمندها توجه کنیم. به خاطر همین این کلاس‌ها بیشتر به درد گروهی می‌خوره که از نظر مالی وضع خوبی داشته باشند.

- ترانه جان توی این کلاس‌های عرفان، درباره خدا هم صحبت می‌شه؟

آره، ما هم توی این کلاس‌ها به خدا اعتقاد داریم، درباره خدا هم حرف می‌زنیم، اما یه جورایی متفاوت از مردم دیگه به خدا باور داریم.

- این باورتون به خدا چه شکلی هست که می‌گید متفاوته؟

ما معتقدیم که خدا رو باید توی وجود خودمون حس کنیم، یعنی خدای ما، مثل خدایی که همه باور دارن، وجود فیزیکی نداره، ما به جای نام بردن از خدا می‌گیم هیچ قطبی، یعنی ما خدا رو بدون نام بردن باید یاد کنیم.

- چرا نباید اسم خدا رو یاد کرد؟

چون ما نباید با خود خدا کار داشته باشیم، یعنی ما خود خداوند رو قبول داریم، اما نباید با خدا رابطه‌ای برقرار کنیم، مثل این که ازش چیزی بخوایم. یعنی ما هیچ وقت نمی‌تونیم عاشق خدا بشیم، چون که اصلاً راهی برای فهمیدن خدا در دسترس آدم‌ها نیست. به خاطر همین نفهمیدن هست که ما خدا رو کنار می‌گذاریم و با آفریده‌های خدا ارتباط برقرار می‌کنیم.

- اعتقاد شما توی این کلاس‌های عرفان درباره نماز چی هست؟

این کلاس‌ها ترم بندی شده هست. هر ترم آدم به یه درجه بالاتر می‌رسه. به خاطر همین توی ترم‌های اول بهتر هست که نماز خونده نشه، اما توی ترم‌های آخر که درجات بالایی از عرفان داری، می‌تونی نماز بخونی.

- دلیل این که توی ترم‌های پایین بهتره نماز خونده نشه، چی هست؟

خب چون هنوز به اون درجه از شناخت نرسیدی که بتونی نماز بخونی. وقتی این شناخت معرفتی و عارفانه رو نداشته باشی، نمازت هم کیفیت لازم رو نداره، پس بهتر هست که نماز خونده نشه».

معیار قرار دادن ارزش‌های اومانیستی (مانند دفاع از هم جنس گرایی)

برخی از جوانان که در ابتدا دین دار بودند، در روند تحول خویش، اولاً نسبت به برخی از احکام دینی نقد پیدا کرده‌اند و ثانیاً در جریان عمل نیز در برخورد با برخی از مسایل فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه که تحت تأثیر نظام ولایت فقیه، در چارچوبی دینی در جامعه مطرح شده‌اند، ولی موفقیتی در بر نداشته‌اند و یا گاه متضمن برخی از خسرها برای جامعه بوده‌اند، نسبت به حکومت دینی تردید یافته‌اند.

بعضی از دانشجویان با استفاده از ارتباط‌های رسانه‌ای (مانند ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی)، با مقایسه شرایط اجتماعی خویش و جوانان و مردم غرب و با معیار قراردادن آنچه در جوامع غربی محقق شده است، دست به نقد جدی‌تر نظام دینی زده‌اند و با کنار نهادن دین، بیان داشته‌اند که رفتار اخلاقی افراد و یا دین انسانیت در جهان امروز می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای بشر به معنادهی به زندگی باشد و دیگر نیاز به دینی که متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش است و امکان انطباق با شرایط جوامع امروزی را ندارد، نیست.

جوانان و دانشجویان علاوه بر نقدهایی که ممکن است به شکل نظری به دین وارد آورند، گاهی با مشاهده رخداد‌های فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی جامعه، از این موارد به عنوان معیاری برای نقد عملی دین سود برده‌اند، زیرا در نظام مبتنی بر ولایت فقیه، به دلیل آمیختگی مسایل اجتماعی با دین، هر شکست و خسران اجتماعی به سادگی می‌تواند به پای دین نهاده شود.

جوانان با حضور در فضای مجازی، در عمل به شکل عقلانی تربیت می‌شوند و یاد می‌گیرند که در برابر ناهماهنگی‌های شناختی ذهن بازی داشته باشند. از سویی اینترنت دست به نفی جامعه دینی زده، مشوق عدم دخالت دین در مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. اما مسوولان ارشد جامعه که دینی می‌اندیشند، با اصرار بر مواضع خویش، سبب می‌شوند، جوانان نیز در برابر آنان دست به مقاومت متقابل زده، در عمل دست به نفی و انکار آنان بزنند، به این معنا که به فرض جوانانی که خط‌مشی

مسوولان جامعه را قبول ندارند، با بدحجابی خویش در عمل می‌کوشند تا به این ترتیب مسوولان جامعه را به چالش گرفته، خلاف نظر آنان عمل کنند.

ماحصل نقدهای نظری، نقدهای عملی و آگاهی‌های به دست آمده جوانان و دانشجویان از فضای مجازی، بدانجا می‌انجامد که برخی از جوانان، با معیار قرارداد آنچه در غرب مطرح است، دست به نفی دین زده، با پیشنهاد خصوصی شدن دین و یا پذیرش دین انسانیت، جایگزین مورد نظر خویش برای دین نفی شده را ارایه می‌کنند. لایلا، دانشجوی ۲۵ ساله حقوق، در مصاحبه خود بیان می‌دارد که تحت تأثیر فضای جهانی شده، هم‌جنس‌گرایی را قبول داشته و از آن دفاع می‌کند:

«... گفتمی تو هم جنس‌گرایی رو قبول داری؟»

آره، به نظر من دوست داشتن دو تا آدم هیچ ربطی نداره که اینا هم جنس هم باشن یا غیر هم جنس.

- خوب اینا می‌خوان به عمر کنار هم زندگی کنن؟

- خوب بکنن، چی می‌شه؟

- خوب به جوریه با طبیعت آدم جور در نیامد.

چرا این حرف رو می‌زنی، اگه با طبیعت آدم جور در نمی‌اومد، این همه روان‌شناس و جامعه‌شناس تو آمریکا تأییدش نمی‌کردن.

- تو الان چه جوری می‌گی این خوبه؟

من نمی‌گم خوبه، من می‌گم این تمایل طبیعی هر آدمیه که می‌تونه هم به هم جنسش داشته باشه، هم به غیر هم جنسش و ما تو جایگاهی نیستیم که در مورد احساس دیگران، یعنی شخصی‌ترین مسایل زندگی دیگران تصمیم بگیریم. اصلاً ایران تنها کشوریه که در مورد پوشش، نحوه لباس پوشیدن، ازدواج، تمایلات و شخصی‌ترین مسایل زندگی زن‌ها تصمیم می‌گیره. من نمی‌گم خوبه یا بده، خوبه برای خودشون خوبه، بده برای خودشون بده، ولی ما تو جایگاهی نیستیم که در موردش تصمیم بگیریم که بگیریم این کار رو بکنید، این کار رو نکنید. شاید ما اون آدم هم‌جنس‌گرا رو اگه مجبورش کنیم که با غیرهم‌جنسش ازدواج کنه، ممکنه به ازدواج غیرموفق داشته باشه.

- به تعبیر دیگه چیزی که برای تو مهمه، این هست که جهان معاصر توی غرب به این نتیجه رسیده، آره؟

بله».

تحولات پوشش دانشجویان

پوشش زنان از آغاز انقلاب تحول قابل توجهی داشته است. رفیع‌پور (۱۳۷۶) در کتاب «توسعه و تضاد» در تبیین تحول پوشش زنان در جامعه می‌نویسد:

«فشار هنجاری و کنترل درونی که در زمینه رعایت حجاب در سال‌های ۱۳۶۵ وجود داشت، در سال ۱۳۷۱ بسیار کاهش یافت و بالطبع احترام به زنان باحجاب نیز پایین آمد، زیرا وقتی ارزش‌های یک جامعه تغییر کند و ارزش مذهبی به طرف

ارزش غیر مذهبی برود، یعنی ارزش‌های مذهبی از نظر اجتماعی کم ارزش شوند، طبعاً دارندگان نمادهای آن (از جمله حجاب) نیز از نظر افراد کم ارزش می‌شوند».

ابراز نگرانی ۱۱۸ استاد درباره وضعیت فرهنگی و حجاب در دانشگاه تهران

۱۱۸ استاد دانشگاه تهران در نامه‌ای به نبلی احمدآبادی رئیس این دانشگاه درباره وضعیت فرهنگی و حجاب و عفاف این دانشگاه ابراز نگرانی کرده و خواستار اجرایی شدن ضوابط پوشش در دانشگاه تهران شدند.

۲۱ مهر ۱۳۹۷ - ۱۰:۴۸ | سیاسی | مجلس و دولت ایران | نظرات



به گزارش خبرنگار گروه دانشگاه خبرگزاری تسنیم، جمعی از اساتید دانشگاه تهران در نامه‌ای به رئیس این دانشگاه نسبت به وضعیت اخلاقی، رفتاری و پوشش دانشجویان دانشگاه تهران ابراز نگرانی کرده و خواستار رعایت قانون پوشش دانشجویان در این دانشگاه شدند.

در حال حاضر برخی از دانشجویان با وجود حضور نهاد حراست در دانشگاه، باز هم بر منوال مورد علاقه خود عمل کرده، در حالی که در حیات دانشگاه روسری خود را انداخته‌اند یا صمیمانه با دانشجویان جنس مخالف دست می‌دهند، رفتار خود را در محیط دانشگاه به معرض دید می‌گذارند.

تغییر دین برای مهاجر

مصاحبه‌های انجام شده با برخی از دانشجویان دلالت بر آن دارد که آنان برای گریز از ایران و اخذ تابعیت از یکی از کشورهای غربی، یکدیگر را تشویق می‌کنند تا با تغییر دادن دین خود، امکان تابعیت خود از کشورهای غربی را افزایش دهند.

...محمّدنویسی، پناهجویی است که پیش از آمدن به سوئد و در کشوری دیگر تغییر دین ... برای اخراج به ایران بازداشت و به

https://sverigesradio.se/sida/artikel.aspx?artikel=4600243 [1940]

... تغییر دین برای دریافت پناهندگی! ... مسیحی شدن مسلمان موضوع کسب پناهندگی و قوانین سخت گیرانه اداره های مهاجرت کشورهای ... اروپایی است. ... منم بودم میگفتم تغییر دین منم

ساخت کیس پناهندگی از طریق **تغییر دین** «برای ثبت درخواست ساخت کیس مذهبی اینجا کلیک کنید و پاسخی بگذارید». لطفاً بعد از ... ثبت نظر شماره همراه متصل به ایمو و واتس آپ خود را بنویسید، شماره تماس بعد از تأیید انجمن به نمایش

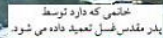
تغییر دین برای دریافت پناهندگی! ... مهاجرت و ترک کشور یک کار بسیار دشوار می باشد که به پول هنگفتی برای رسیدن به مقصد نیاز دارد و تعداد بسیار اندکی از این مهاجران به

ساخت کیس پناهندگی از طریق **تغییر مین** «برای ثبت درخواست ساخت کیس مذهبی اینجا کلیک کنید و پاسخی بگذارید» لطفاً بعد از ... ثبت نظر شماره همراه متصل به ایمو و واتس آپ خود را بنویسید، شماره تماس بعد از تأیید ادمن

Posts about **دین تغییر** written by partov. ... **مهاجرت و جند** ...
... نظر کشیش دیگر نیز مصاحبه کرده اند! ... **تغییر** برای برای

ماه بعد از اقدام برای مهاجرت به آمریکا از طریق ... و افراد مجبور هستند به کشور های همسایه رفته تا در آنجا اعلام به تغییر دین 5 کنند اما برای گرفتن پناهندگی فرد مجبور ...

ن. و افق به ام، اداره و معاهدات اصلاحیه نیست که همه فعل، شما چیست و یا قیلا به چه دیند. اعتقاد داشته اند آنها بدینها / این، هستند که آیا



رصد گفت‌وگوهای رد و بدل شده یا اظهار نظرهای نهاده شده جوانان در شبکه‌های اجتماعی حکایت از آن دارد که برخی از جوانان در فضای اجتماعی جامعه‌شان به پوچ‌گرایی رسیده‌اند تا حدی که مرگ را مرهم نهایی دردهای خویش می‌پندارند و با دیده تأیید به خودکشی می‌نگرند. اظهار نظر تنی چند از این جوانان در زیر آمده است:



@S090L · 17m

Today is international zahremar day.



4



24



@rish_ghermezz · 7h

سلام صبح روزِ جدید، من متنفرم ازت



2



2



88



پانادول اکسترا (روبان خاکستری) · 20m

میخواهم بخوابم و کاش یکی بود موقعی که
همه چیز تموم میشد صدام میکرد پاشو
پاشو تموم شد



19





لورکا @o0_lorca · 1d

دوس دارم برم تو سطل اشغال بخوابم صبح
پاشم ببینم انداختنم ی جای پرت، دیگه م
برنگردم

🗨️ ↻️ 9 📧

1 N Retweeted



مه آفرید @mahafarid10 · 2d

بهترین کار اینه سه هفته بخوابم بعدش
بیدار شم و خودکشی

🗨️ 1 ↻️ 6 39 📧



شیدا @northselkie · 1h

واقعاً به کندی هرچه تمام تر کار می کنم.
درس می خونم، حرکت می کنم و در کل
زندگی می کنم. نمی دونم چندوقته چه مرگم
شده.

🗨️ ↻️ 1 26 📧

۵- آسیب های اجتماعی با صبغه اقتصادی

در ابعاد اقتصادی، آسیب های اجتماعی زیادی در سطح نوجوانان و جوانان جامعه ملاحظه می گردد. عناوین برخی از این موارد به قرار زیر است: کاربری اقتصادی از فضای مجازی، تلاش برای کسب پول به هر طریق ممکن، فحشای مجازی (شارژ کشیدن)، احساس سیری ناپذیری در کسب پول، تلاش برای مدل شدن، استقبال از شوگر ددی و شوگر مامی، استقبال از شرط بندی (قمار).

توضیح اجمالی هر یک از آسیب های اقتصادی قابل مشاهده در سطح دانشجویان به قرار زیر است.

کاربری اقتصادی از فضای مجازی



در فضای مجازی ظرفیت‌های گسترده‌ای وجود دارد. این ظرفیت‌ها از مسایل فرهنگی - اجتماعی گرفته تا آموزشی و از مسایل سیاسی گرفته تا مسایل اقتصادی و مانند آن‌ها گسترده‌اند و البته بسته به میزان بسترسازی فرهنگی انجام شده برای کاربری از فضای مجازی، استفاده از آن می‌تواند از ابعاد مثبت تا منفی گسترده باشد.



در ایران به دلیل برخوردهای مبتنی، بر نفی و انکار با فضای مجازی، بسترسازی برای کاربری مناسب از این فضا در حد اندکی صورت پذیرفته است و بنابراین کاربری‌های زیادی از فضای مجازی، به صورت نامناسب و نامطلوب صورت می‌پذیرد. پیشتر ذیل عنوان دور زدن موانع اجتماعی، خاطرنشان شد که برخی از جوانان از آموزش مصرف موادمخدر گرفته تا چگونگی کاشت و برداشت آن و از فروش موادمخدر موردنظر گرفته تا توزیع آن، با رو آوردن به فضای مجازی، از این امکان جهت تسهیل کار خود بهره می‌جویند.

فروش کالا در فضای مجازی و عدم ارسال کالای فروخته شده یا ارسال کالای قلابی به جای کالای اصلی، شرط‌بندی و قمار، هک اطلاعات افراد و باج‌خواهی بعدی از آنان، فحشا و نظایر آن‌ها، مصادیق دیگری از کاربری‌های نامناسبی هستند که برخی از جوانان کاربر فضای مجازی، به آن مبادرت ورزیده‌اند.



تلاش برای کسب پول به هر طریق ممکن

اگرچه در آغاز انقلاب، ساده زیستی به عنوان یک ارزش در سطح جامعه مطرح شده بود و افراد متمول جرأت نمی کردند که امکانات مالی و رفاهی خویش را در معرض دید دیگران قرار دهند، ولی به تدریج با شکل گیری طبقه جدیدی که در فضای جمهوری اسلامی پدید آمد، اقشار تازه به دوران رسیده، همراه بسیاری از اقشار متمول قبل از انقلاب، کوشیدند تا ارزش های مادی خود را به جامعه تحمیل کنند که در این مسیر هم موفق عمل کردند.

بنابراین در پی رنگ باختن ارزش های اولیه انقلاب، برخورداری از ثروت، جای معیار ساده زیستی انسان ها را به میزان زیادی پر کرد، اما هم زمان با ارزش شدن رفاه، به سبب آن که راه های رسیدن به رفاه تبلیغ شده برای همه مهیا و مسیر نبود، برخی تصمیم گرفتند که برای به دست آوردن پولی که متضمن خوشبختی افراد شمرده می شد، به راه های نامشروع نیز متوسل شوند. سازمان ملی جوانان در کتاب «برنامه ملی جوانان» که در سال ۱۳۸۲ منتشر ساخته است، ذیل عنوان هویت شغلی جوانان گزارش می دهد، در پژوهش ملی این سازمان در سال ۱۳۸۰، ۴۷٪ جوانان دست زدن به کارهای خلاف را به دلیل مشکلات اقتصادی جامعه عیب نمی دانند.

مشاهده دانشجویانی که به دلیل فضای نامساعد اقتصادی و اخلاقی جامعه، کسب مال از هر طریق ممکن را حق خود می دانند، از رخدادهای تألم باری است که در جامعه معاصر به سادگی قابل ملاحظه است.



فحشای مجازی (شارژ کشیدن)



برخی از جوانان از سر تفریح، برخی به جهت سرکار گذاشتن دیگران و سرانجام جمعی از جوانان برای کسب پول، دست به شارژ کشیدن می زنند.

مقوله شارژ کشیدن به این شکل هست که پس از آشنایی یک دختر با فردی از جنس مذکر، در ادامه مراوده با وی، با بیان این که شارژ لازم را ندارد، از طرف مقابل می‌خواهد تا برای وی شارژ بفرستد، بالطبع فرد مخاطب هم که غالباً برای روابط سالم بین دو انسان در این میان پا پیش نهاده است، در ازای ارسال شارژ برای دختر موردنظر، از وی انتظار دارد تا با او همراهی لازم را داشته باشد و بعضاً در این مسیر، دست به چت‌های سکسی یا ارسال تصاویر اندام خویش یا به نمایش نهادن عملی برخی از رفتارها در برابر وب کم با هم بزنند. دخترانی که در عمل دست به چنین کاری می‌زنند، به نوعی دست به یک فحشای مجازی می‌زنند.

البته لازم به یادآوری است که در بعضی از مواقع، پسران هم برای تأمین شارژ خویش، با معرفی خود به عنوان یک دختر، دست به شارژ کشیدن از افراد هم جنس خودشان می‌زنند.

سایت فرهنگ نیوز (۱۳۹۴/۹/۱۹) در ارتباط با کاربری‌های نامناسب اقتصادی فحشای مجازی، فروش صفحات اینترنتی و اخاذی اینترنتی می‌نویسد:

«تا قبل از این و در زمان روی بورس بودن یاهو مسنجر، نوعی تن فروشی در فضای مجازی وجود داشت که بعضی از کاربران با گرفتن مختصری شارژ تلفن همراه، اقدام به وب دادن یا همان نمایش تصویر زننده از بدن عریان خود می‌کردند و به اصطلاح به تن فروشی مجازی روی آورده بودند که البته گاه به پیچاندن متقاضی‌ها و ندادن تصویر و گاهی هم به اخاذی متقاضیان از کسانی می‌شد که تن خود را وجه المصلحه چند تومان شارژ ناقابل کرده بودند.

اما چند وقتی است که دست‌های دیگری هم در بازار پیدا شده است و انواع مختلف کاسبی اینترنتی به راه افتاده است که یکی از رایج‌ترین آن‌ها کاسبی از طریق حراج صفحات پر بیننده در تلگرام، اینستاگرام و سایر شبکه‌های مجازی است. در این پدیده جدید دنیای مجازی، افراد صفحاتی را در شبکه مجازی باز می‌کنند و با استفاده از انواع جاذبه‌ها از جمله جاذبه‌های جنسی، به جذب مخاطب می‌پردازند.

آن‌ها که کمی زرننگ‌تر هستند، با رعایت نکات ایمنی دست به خیانت زده و از عکس‌های دیگران برای تور کردن دیگران استفاده می‌کنند و آن‌ها که به این فضا آشنا نیستند و یا آب از سرشان گذشته است، تصویر تن عریان خود را در قبال دریافت لایک و یا فالوور صفحه به مخاطب هدیه می‌دهند و بعد از مدتی با بالارفتن تعداد مخاطبین اقدام به فروش این صفحه‌های مجازی می‌کنند. البته این پایان تجارت در شبکه‌های مجازی نبود و کار از این هم بالاتر رفته و با باز شدن پای هکرها به شبکه‌های اجتماعی کار از دلالتی به اخاذی رسیده است.

حالا هکرها با هک کردن گوشی کاربران اطلاعات آن‌ها را به سرقت می‌برند و بعد اقدام به اخاذی از کاربران در مقابل منتشر نکردن اطلاعاتشان می‌کنند و دست آخر با بی‌رحمی تمام اطلاعات افراد را در بازار سیاه شبکه‌های مجازی به حراج می‌گذارند».

احساس سیری‌ناپذیری در کسب پول

هدف انقلاب اسلامی، تحقق عدالت و قسط بود، اما به دلیل انحراف از اهداف انقلاب، با گذشت زمان، نه تنها از شدت اختلاف‌های طبقاتی بر جای مانده از رژیم پهلوی کاسته نشد، بلکه بر میزان آن بیش از پیش افزوده شد.

طرح رفاه، تجمل گرایی و لذت طلبی به عنوان هدف در جامعه و عدم وجود راه هایی که شهروندان با اتکا به آن ها به صورت مشروع به اهداف طرح شده دسترسی پیدا کنند، سبب شده است افراد مختلف، از جمله جوانان، با مسدود دیدن راه های حصول به اهداف مادی، با توسل و تمسک به راه های نامشروع متوسل شده، بکوشند تا از این طریق به اهداف یاد شده دست یابند. سازمان ملی جوانان در کتاب «برنامه ملی جوانان» که در سال ۱۳۸۲ منتشر ساخته است، ذیل عنوان «نگرش ضداجتماعی جوانان» خاطرنشان می سازد:

۷۱٪ جوانان پول پرستی و مقام پرستی را نوعی زرنگی می دانند که می تواند مقبول تلقی گردد.

مضاف برآنچه از آن یاد شد، وجود اختلاف های پی در پی در جامعه سبب شده است، حتی افرادی که خودشان هم از طریق نامشروع به تحصیل مال می پردازند، باز هم با مقایسه خودشان با اختلاس گران و رانت خواران بزرگ جامعه، احساس عقب ماندگی کرده، از وضعیت خودشان ناراحت باشند، چرا که نتوانسته اند به اندازه اختلاس گران عمده جیب مردم و ملت را خالی کنند.

به هر روی، مجموعه هدف های غیرقابل حصول برای اقشار عادی جامعه و الگوهای اختلاس کننده و الگوهای رانت خواری و آقا زاده هایی که به صرف اعتبار پدرشان، دست به انواع و اقسام تخلف های مالی در جامعه می زنند، فضای روانی خاصی را در جامعه پدید آورده اند که بسیاری از افراد در این فضا، به شدت دنبال کسب پول و درآمدهای کلان بوده، نوعی از سیری ناپذیری را در این جهت در خود نشان می دهند.

تلاش برای مدل شدن

مدلینگ شدن از جمله مشاغلی است که در گذشته وجود داشت و افرادی که به عنوان فروشنده عمل می کردند با به کارگیری افراد خوش چهره و خوش اندام دست به تبلیغ محصولات خودشان می زدند. اما در جهان جدید، توسعه ی این شغل به حدی بوده است که امروزه از آن با عنوان صنعت مدلینگ یاد می شود که در فروش محصولات مختلف تأثیر به سزایی دارد و به علت جذابیت و راحتی صوری آن مورد استقبال جوانان همه جوامع قرار گرفته است.

مدلینگ از پر طرفدارترین شغل‌های صنعت مد است که البته پشت واقعیت به ظاهر زیبای آن حقایق تلخی وجود دارد به این معنا که جوانان برای ورود به این صنعت با پیشنهادهای سخت کارفرما، مانند رژیم‌های سخت و طاقت‌فرسا، مانند خیس کردن پنبه در آب پر تقال برای گرسنه نشدن، مصرف آب با قدری نیکوتین برای کاهش اشتها یا مصرف قرص‌ها و هورمون‌هایی که سوخت‌وساز پایه بدن را بالا می‌برند، روبه‌رو می‌گردند. مضاف بر این توصیه به ورزش‌های سنگین و حرفه‌ای، قسمت دیگری از وظایف مدل را دربرمی‌گیرد.



البته برای مدلینگ شدن نیازی به زیبایی رؤیایی نیست و تنها کافی است که فرد با فشار آوردن به جسم خویش، خودش را آماده نقش مورد نظر کارفرما بکند. مضاف بر این، به غیر از برخی مدلینگ‌های خاص که نیاز به لاغری خیلی زیادی دارند، برخی برندها نیاز به افراد عادی دارند که ورود به آن‌ها به مراتب راحت‌تر است.

اگر چه ورود به عرصه‌ی مدلینگ در برندها متضمن درآمد بالا است، اما از آنجا که برخی از افراد برای رسیدن به درآمد بالای مدلینگ (که در آغاز می‌تواند تا روزی ۳ میلیون تومان نیز برسد) حاضر به پرداخت پول نیز می‌شوند و در نتیجه راه برای افراد سوءاستفاده‌گر در این عرصه باز می‌شود.

در ایران برخی از هنرپیشه‌ها هم به صنعت مدلینگ پا نهاده‌اند، از این رو جوانان مشتاق با دیدن آنان به این نتیجه می‌رسند که با ورود به عرصه مدلینگ هم‌زمان با دستیابی به پول، به شهرت نیز می‌رسند.



بعضی از فرهنگ‌ها و عقاید استفاده از ظاهر را به عنوان منبع درآمد نمی‌پسندند و این مسأله مانعی برای ورود بعضی از افراد به این صنعت شده‌اند، اما به خاطر جهانی شدن و اطلاع یافتن از همه‌ی فرهنگ‌ها از مقوله مدلینگ، از تأثیر عقاید و ارزش‌ها در این زمینه کاسته شده است. ورود مدلینگ‌های محجبه به عرصه مدلینگ، در عمل محدودیت پیشین حجاب نداشتن در عرصه مدلینگ را برای زنان مسلمان برداشته است.



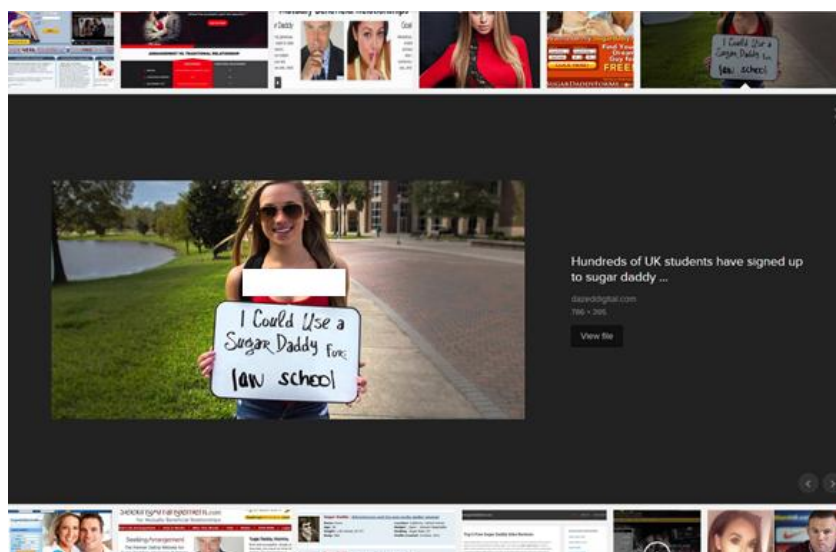
با اوصافی که از آن یاد شد، می‌توان نتیجه گرفت، مجوز ورود برای همه مردم در صنعت مدلینگ صادر شده است. زیرا برندهای مختلف به افراد مختلف (چاق، لاغر، سفید، برنزه و سیاه و مانند آن) نیاز دارند. پس از ورود زنان به صنعت مدلینگ، ورود مردان هم به این صنعت صورت پذیرفته است.

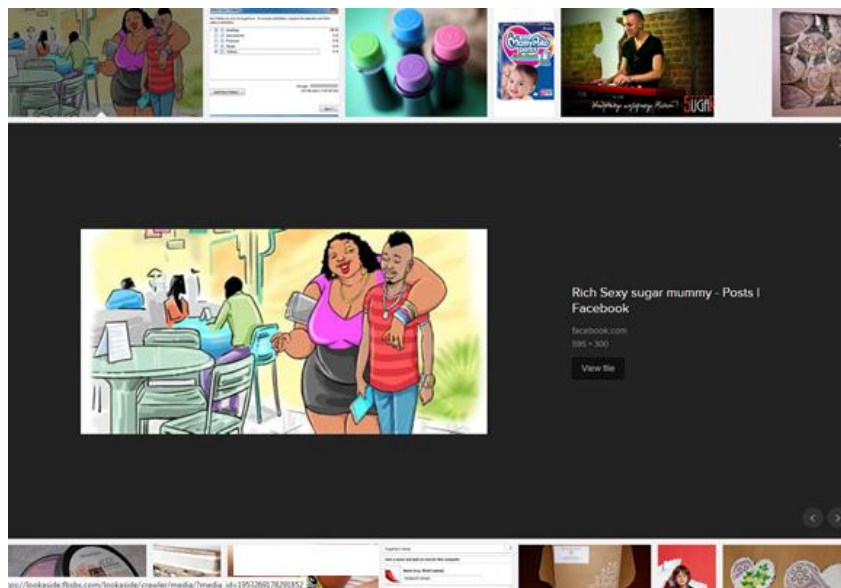


یکی از پسران در مصاحبه خود بیان می‌خواهد مدل شود و به همین دلیل فعالیت گسترده‌ای را در اینستاگرام آغاز کرده است. وی استدلال می‌کند، برای هیچ مهندس و دکتری دختران گل نمی‌ریزند، اما برای یک مدل، این کارها به راحتی انجام می‌پذیرد، بنابراین دیگر چه نیازی به درس خواندن هست!

استقبال از شوگر ددی و شوگر مامی

هزینه سنگین تحصیلات در غرب، برخی از دانشجویان دختر و پسر را وامی‌دارد تا برای برآوردن از پس هزینه‌های بالای تحصیلاتشان، به افراد متمولی از جنس مخالف خود روی خوش نشان بدهند و در قراردادی نانوشته، با اخذ کمک مالی از وی، خدمات متقابلی به وی ارائه کنند. این خدمات بسته به زرنگی هر دو طرف از موارد ساده نظیر وقت گذرانی با فرد مورد نظر گرفته تا ارائه خدمات جنسی گسترده باشد.





گزارش‌های پراکنده در محیط ایران، حکایت از آن دارند که برخی از جوانان ایرانی هم برای رفع مشکلات مالی و یا ارضای زیاده‌خواهی خویش مانند جوانان غربی، استقبال از مقوله شوگرددی و شوگرمامی را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

شوگرددی‌ها

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی «پارس»، داریوش سجادی در صفحه اجتماعی خود نوشت:

شوگرددی (Sugar Daddy) در فرهنگ غرب به لندهورهای سالخورده و متمولی اطلاق می‌شود که به برکت پول‌های باد آورده‌شان، دخترکان زیباروی و متقاضی را برای مجالست و مباحضت خود اتیاع می‌فرمایند!

مبادله‌ای متوازن بر محور «پول از تو» «عیش از من»!

به برکت پول‌های باد آورده و استعداد بلند مشتی نو کیسه «رانتنیر» و کلاش اکنون شاهد ظهور «شوگرددی» هائ وطنی در قشر نازکی از ایرانیان شده ایم با این تفاوت که این جماعت نو کیسه اگر «شوگراند» برای گل پسران و ناز دختران خود شوگرند که زندگی را در کام ایشان با حلاوت و پر حلاوت کرده‌اند!

گزارش نشریه «المانیاتور» از این جماعت نوظهور و نو کیسه (اینجا) در کنار گزارش تصویری سایت پارسپنه از ایشان (اینجا) نقدترین مستند تصویری از این کلنی معوج و نامتعارف با مختصات جامعه ایرانی است.

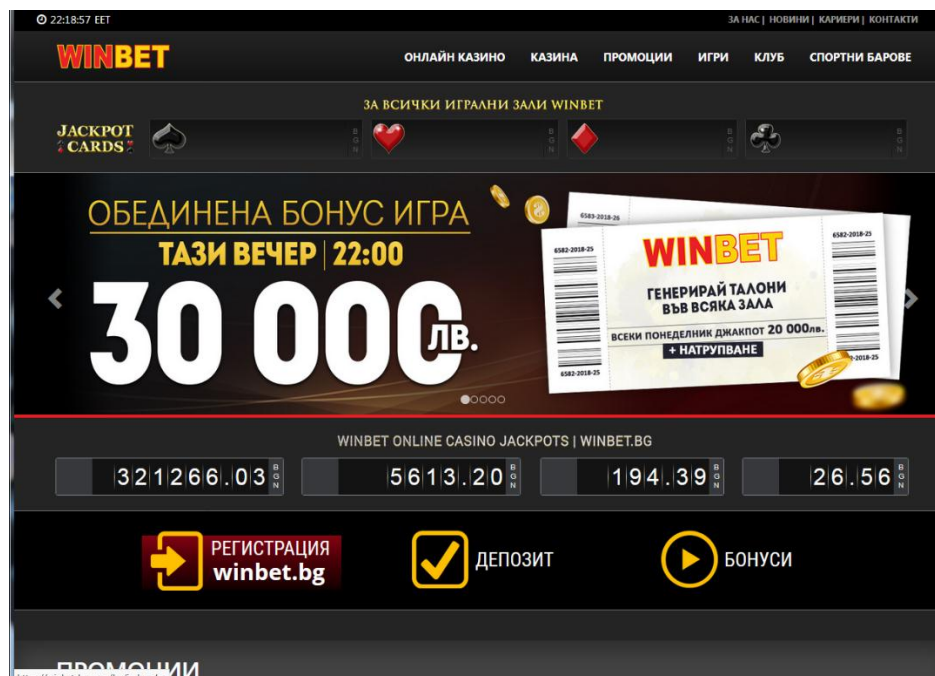
استقبال از شرط‌بندی (قمار).

در سطح جهان سایت‌های شرط‌بندی متعددی وجود دارند. این سایت‌ها موارد مختلفی را برای شرط‌بندی مطرح می‌کنند که سایت‌های شرط‌بندی ورزشی، در مجموعه سایت‌های اخیر، از استقبال بیشتری برخوردارند.

سایت‌های شرط‌بندی ورزشی موارد مختلفی را به معرض شرط‌بندی می‌گذارند. ساده‌ترین شرط‌بندی‌ها، پیش‌بینی نتایج مسابقه مورد نظر (مثلاً مسابقه فوتبال بین دو تیم) هست. اما شرط‌بندی‌های اخیر می‌توانند پیچیده‌تر شده، حتی به تعداد گل‌های رد و بدل شده، تعداد خطاهای هر نیمه، تعداد کرنرها و نظایر آن گسترش یابند. تصاویر زیر متعلق به برخی از سایت‌های شرط‌بندی مشهور هست.

The screenshot shows the BETPLUS24 website interface. At the top, there's a navigation bar with categories: SPORT, LIVE BETTING, POKER, CASINO, LIVE CASINO, and VIRTUAL. Below this, a sidebar on the left lists various sports like Calcio, Tennis, Basket, etc. The main content area displays betting odds for 'Italia Serie B' matches. For example, Palermo vs. Salernitana has odds of 1.56 for a win, 3.70 for a draw, and 6.60 for a loss. Other matches like Hoffenheim - Bayern Monaco and Lille - Amiens are also listed with their respective odds. The right sidebar shows a 'COUPON' section with a 'MULTIPLA' button and a list of 'ULTIME VINCENTE' (recent winners) with their stakes and winnings.

The screenshot shows the WINBET website interface. At the top, there's a navigation bar with categories: ОНЛАЙН КАЗИНО, КАЗИНА, ПРОМОЦИИ, ИГРИ, КЛУБ, and СПОРТНИ БАРОВЕ. Below this, a large banner features a woman in a hat and a large red number '129,269' with the text 'ЕГИПТ QUEST ИЗПЛАТЕНИ' (EGYPT QUEST PAID). Below the banner, there's a section for 'WINBET ONLINE CASINO JACKPOTS | WINBET.BG' showing four different jackpot amounts: 321,266.03, 561,320, 194,39, and 26,56. At the bottom, there are buttons for 'РЕГИСТРАЦИЯ winbet.bg', 'ДЕПОЗИТ', and 'БОНУСИ'.



در ایران نیز برخی از سایت‌های شرط‌بندی فعال هستند، اما با برنده شدن فرد، ممکن است این سایت‌ها قفل شوند و پرداخت لازم به فرد برنده صورت نپذیرد.

مصاحبه زیر که با کاوه، دانشجوی ۲۲ ساله کارشناسی انجام گرفته است دورنمای روشنی از سایت‌های شرط‌بندی را به دست می‌دهند:

«... در مورد سایت‌های شرط‌بندی در فضای مجازی چیزی می‌دونی؟

آره، گاهی اوقات خودم می‌رم سر می‌زنم و شرط‌بندی انجام می‌دم توی اون سایت‌ها، چون خیلی جالبه!

– چه چیز این سایت‌های شرط‌بندی برات جالبه؟

خب یه هیجان و شور و ذوق‌دهندگی خاصی در آدم به وجود میاره، وقتی روی مسأله‌ای که هنوز اتفاق نیفتاده، پیش‌بینی و شرط‌بندی می‌کنی.

– پس برات هیجان آورده؟

آره، چه جووری بگم، آدم احساسات خوش و ناخوشش با هم تداخل پیدا می‌کنه، یعنی اون دلهره و شادی خیالی که آدم متصور می‌شه که ممکنه هم بازنده بشه و هم ببره، خیلی جذاب و ترسناکه.

– از چه موقعی وارد این سایت‌های شرط‌بندی شدی؟

شاید دو سالی بشه!

– می‌شه اسم چندتا از اون سایت‌های شرط‌بندی رو بهم بگی؟

سه تا سایت خیلی معروف و جهانی داریم، مثل سایت کانن بت و وان کیک‌بت و بت فوروارد که خیلی طرفدار دارن.

– تو خودت توی کدام یکی از این سایت‌ها بیشتر شرط‌بندی می‌کنی؟

من بیشتر وان کیک، البته سایتای دیگه‌ام گاهی می‌رم و شرط می‌بندم، اونا هم عالین!

- می‌شه بیشتر در مورد این سایت‌ها برام توضیح بدی؟

چیز پیچیده‌ای نیست، مثلاً همین سایت وان کیک‌بت، همه ورزش‌ها رو پوشش می‌ده، تو می‌تونی روی فرضاً شنا بسکتبال فوتبال و غیره شرط ببندی. این سایت در اصل سایت پشتیبانی فوتباله که مثلاً تو می‌تونی با حداقل مبلغ هزار تومن شرط ببندی و اگر توی شرط‌بندیا برنده شدی و پولت شد پنجاه هزار، می‌تونی بری پولتو بکشی.

- خوب می‌شه بگی کی این سایت‌ها رو بهت معرفی کرد؟

دوستامو می‌دیدم شرط‌بندی می‌کردن، مثلاً دو هزار تومن شرط می‌بستن، وقتی برنده می‌شدن، چند بازی پشت سر هم، پولشون فرضاً می‌شد صد هزار تومن و این خودش آدمو خودبه‌خود جذب می‌کنه، منم این جور شد که شروع کردم از این جور سایتا استفاده کنم!

- انگیزه اصلیت از ورود به این شرط‌بندی‌ها چی بود؟

اگه خلاصه بخوام بگم، هم خودم و هم تمام افرادی که وارد این جور سایتا می‌شن و شرط‌بندی می‌کنن، دو هدف دارن، یکی به دست آوردن پول و دومی هم هیجانی که باهاشه.

- پس یعنی اعتیاد آوره؟

خیلی با این که می‌گی که حدوداً دو ساله وارد این سایت‌ها شدی، در این مدتی که توی این سایت‌ها شرط می‌بستی، ضرری که کردی بیشتر بوده یا سود؟

واقعیش فکر کنم ضررش که خیلی بیشتر بوده!

- خوب وقتی خودت می‌دونی ضررش بیشتر بوده، چرا هنوز می‌ری توی این سایت‌ها شرط می‌بندی؟

خب نمی‌دونم چطوری برات توضیح بدم، تا خودت شرط‌بندی نکنی و لذت‌شو نچشی، نمی‌تونی منو و امثال منو بفهمی که چرا با این که ضرر می‌کنیم، اما باز ادامه می‌دیم.

- خوب وقتی شرط‌بندی رو انجام می‌دادی، بعدش برای این که ببینی نتیجه شرط‌بندی چی می‌شه، تا روشن شدن نتیجه دغدغه ذهنی هم داشتی؟

آره، آدم کلاً استرس و دلهره بهش دس می‌ده و با خودش هی می‌گه، خدایا پولم می‌ره یا بیشتر می‌شه، اصلاً دل و روده آدم قاطی می‌شه.

- وقتی شرط می‌بستی و می‌باختی چه واکنشی نشون می‌دادی؟

به شدت عصبانی می‌شم و تا چند روز هی خودمو سرزنش می‌کنم، اما بعدش یادم می‌ره و واسه جبران باز می‌رم شرط می‌بندم.

- تا حالا بیشترین مبلغی رو که بردی چقدر بوده؟

یه بار یه صد و پنجاه هزار تومنی بردم، یه بار دیگه که اونم فکر کنم هشتاد تومنی بود.

- چه پیشنهادی واسه اون افرادی داری که هنوز وارد این نوع از شرط‌بندی‌ها در اینترنت نشدن و مایلند وارد اون بشن؟
بهتره عطاش رو به لقاش ببخشن و اصلاً دورش نیان.

- بین نزدیکانت یا دوستان کسی هم می‌شناسی که در این سایت‌های شرط‌بندی باشه؟
آره، چندتا از دوستانم این کارن ماشالله.

- خودت دوست داری این روند رو ادامه بدی و دایم شرط‌بندی کنی؟
نه به خدا، اگر گیر پول نبودم که مرض نداشتم وارد این کارای احمقانه بشم.
- تو اون اهدافی رو که می‌خواستی از این سایت‌های شرط‌بندی به دست بیاری، واقعاً به دست آوردی؟
نه بابا هدف کجا بود، سود کجا بود، همش سرگرمی و خودفریبیه!.

۶- کثرت‌فشاری سیاسی

در ابعاد سیاسی، کثرت‌فشاری‌های زیادی در سطح نوجوانان و جوانان جامعه ملاحظه می‌گردد. عناوین برخی از این موارد به قرار زیر است: کاهش شدید سرمایه اجتماعی، مقابله نسبی با اقتدارگرایی مسوولان در جامعه (مقاومت فرهنگی)، مقابله جدی با اقتدارگرایی مسوولان در جامعه (چهارشنبه سفید)، مقابله با اقتدارگرایی مسوولان در فضای مجازی (نقد جنگ ۸ ساله، به سخره گرفتن مسوولان، توهین به مسوولان).
توضیح اجمالی هر یک از آسیب‌های سیاسی قابل مشاهده در سطح دانشجویان به قرار زیر است.

کاهش شدید سرمایه اجتماعی

با گسترش اقتدارگرایی سیاسی و دینی از سویی و فراگیر شدن اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی از سوی دیگر که مردم را هدف قرار گرفته است، احساسی از تلخ‌کامی شهروندان را فرا می‌گیرد. گریز از شرایط پیش آمده (به صورت مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی)، یکی از اولین گزینه‌هایی است که در این میان به اذهان شهروندان معترض خطور می‌کند. اما در آن دسته از افرادی که سناریوی مهاجرت امکان‌پذیر و شدنی نیست، مواردی مانند بی‌اعتمادی نسبت به مسوولان، سقوط شاخص‌های روان‌شناختی افراد و دست زدن به مقاومت فرهنگی (که به نوعی مقابله ورزیدن با نظام به شمار می‌آید)، ملاحظه می‌گردد. مجموع شرایط پیش گفته، به کاهش سرمایه اجتماعی جامعه خواهد انجامید.
همان‌گونه که از آن یاد شد، افرادی که برایشان مهاجرت امکان‌پذیر باشد، در تعارض پیش آمده ممکن است دست به مهاجرت بزنند.

نگارنده نیک به یاد دارد وقتی یکی از دانشجویان وی روی دانشجویان المپیادی دانشگاه شریف تحقیق می‌کرد، دلایل ابراز شده از سوی آنان برای تمایل به مهاجرت، تنها در ابعاد مادی و فقدان امکانات پژوهشی و علمی خلاصه نمی‌شد، بلکه برخی از این افراد نخستین دلیل تمایل خود به مهاجرت را فضای سیاسی و اجتماعی جامعه قلمداد می‌کردند که برای آنان قابل تحمل نبود.

خروج قسمت اعظم المپیادی‌های ایران از کشور و یا خروج سالانه ۱۸۰-۱۵۰ هزار نفر (شرق، ۹۱/۱۰/۲۵) که معادل ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه است (شرق، ۹۳/۵/۳۰)، آمار مهاجران قانونی ایران است. اما برخی از شواهد میدانی حکایت از آن دارند که حتی افراد بدون تخصص و مهارت نیز که در زمره کارگران بدون مهارت یا کم مهارت قرار می‌گیرند، اندیشه خروج از

کشور را دارند (و به عنوان نمونه، در هجوم آوارگان سوری به مرزهای اروپا در سال ۱۳۹۵، تعدادی از این افراد، ایرانیانی بودند که با استفاده از شرایط پیش آمده، دست به مهاجرت غیرقانونی از کشور زدند).

بی‌اعتمادی افشار مختلف اجتماعی به مسوولان، پیامد ناگوار دیگری است که دلالت بر کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی دارد.

برخی از پژوهش‌های انجام شده حاوی بعضی از هشدارهای جدی برای مسوولان نظام بودند که متأسفانه مورد توجه مسوولان قرار نگرفتند. به عنوان مثال، سازمان ملی جوانان در پژوهش ملی که انجام داد و قسمتی از نتایج آن را با عنوان برنامه ملی جوانان در سال ۱۳۸۲ منتشر ساخت، در گزارش خود به ارایه نمونه‌هایی از موارد زیر اقدام کرده است:

«در یک تحقیق ملی که با حجم ۳۴/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۰ صورت پذیرفت، ۷۴٪ جوانان به لحاظ مشارکت اجتماعی اعلان داشتند که آنان مایل به صرف وقت در فعالیت‌های اجتماعی هستند، اما در برابر ۷۳٪ تأکید ورزیده بودند که به مشارکت اجتماعی جوانان در جامعه بهایی داده نمی‌شود و ۸۴٪ پاسخ‌دهندگان خاطرنشان ساخته بودند که به جوانان اعتماد نمی‌شود.

جوانان پاسخ دهنده، در ارتباط با اوقات فراغت خود به ارایه پاسخ‌های زیر اقدام ورزیده بودند:

۷۱٪ معتقدند اوقات فراغتشان به بطالت می‌گذرد.

۸۰٪ بر این باورند که برنامه‌های دولتی در گذران فراغت جوانان مطلوب نیست،

و ۸۹٪ جوانان اعتقاد دارند که در توزیع امکانات برای گذران اوقات فراغت جوانان عدالت وجود ندارد.

پاسخ دهندگان در ارتباط با قانون اساسی، در ۷۶٪ موارد خاطرنشان ساخته بودند که نگرش آنان نسبت به چگونگی اجرای قانون اساسی در ایران مثبت نیست. به همین ترتیب ۵۳٪ پاسخ دهندگان در توصیف نگرش خود به حاکمیت ابرار داشته بودند که وضع فعلی کشور قابل اصلاح نیست و همه چیز از اساس باید تغییر کند.

الگوهای مورد علاقه جوانان پاسخ دهنده نیز به ترتیب اولویت به قرار زیر بودند:

هنرمندان ۲۷/۹٪

قهرمانان ورزشی ۲۷/۲٪

دانشمندان و فرهیختگان ۲۱/۸٪

روحانیون ۶/۸٪

مدیران برجسته ۳/۹٪

و سیاست‌مداران ۳/۴٪

جوانان پاسخ دهنده پس از توصیف نگرش کلی خویش به روند امور جامعه، در جمع‌بندی خویش به نگرشی نسبتاً ضد اجتماعی رسیده بودند، به این معنا که ۷۱٪ پاسخ دهندگان با این گزینه موافقت داشتند که پول‌پرستی و مقام‌پرستی نوعی زرنگی است که می‌تواند مقبول تلقی شود.

پاسخ‌دهندگان در سوالی که به بررسی گرایش شغلی آنان می‌پرداخت، در ۴۷٪ موارد، دست زدن به کارهای خلاف را به دلیل مشکلات اقتصادی جامعه عیب نمی‌دانستند.

البته لازم به ذکر است، موارد اخیر در شرایطی بود که جوانان در بهره‌مندی از رسانه‌ها به ترتیب کاربری خود از تلویزیون، مطبوعات، رادیو، مطالعه کتاب، اینترنت، سینما و ماهواره را اعلان داشته بودند. اما با سیطره یافتن فضای مجازی اولویت کاربری از رسانه‌های خارجی با داخل عوض شده و اخبار سانسور شده دولتی که در جهت‌گیری ذهنی جوانان می‌توانستند مؤثر واقع آیند، دیگر در ذهنیت‌سازی برای جوانان و دیگر اقشار اجتماعی از نقش پررنگی برخوردار نیستند.

منطقی (۱۳۸۲) در قسمتی از گزارش پژوهش بحران هویت دختران می‌نویسد:

«در رویکردهای مطرح در پژوهش‌های ناظر بر هویت، دو رویکرد اریکسون و ماریسا، بنیون و آدامز وجود دارد. رویکرد نخست با توجه به عوامل اجتماعی، به بررسی بحران هویت جوانان می‌پردازد و رویکرد بعد، با پیش‌فرض هماهنگی دیدن جامعه با افراد در روند هویت‌یابی، به شکل کم‌رنگ‌تری روی عوامل اجتماعی مؤثر در بحران هویت، تأکید دارد.

پژوهشگر در جریان مصاحبه نیمه‌سازمان یافته پیشنهادی ماریسا با جوانان، به مسائلی مانند احساس ناهماهنگی شدید محیط اجتماعی توسط پاسخ‌دهندگان یا مقاومت سرسختانه آنان در برابر هویت ایدئولوژیکی که در مدارس و دانشگاه‌ها بدان‌ها القا می‌شود، دست یافت که در ادبیات خارج، نمونه مشابهی ملاحظه نمی‌شوند. مسأله اخیر سبب شد پژوهشگر به این نتیجه برسد که به جای انجام یک آزمون هویتی با مدل‌های پیشنهادی دیگران در ایران، بهتر است که از سطحی پایین‌تر، مسأله هویتی جوان ایرانی مورد بررسی قرار گیرد. از این رو پژوهشگر با انتخاب رویکرد اریکسون در مسأله بحران هویت، ضروری دید که از سطحی پایین‌تر از مطالعات مرسوم بحران هویت در جهان، مسأله بحران هویت دختران را مورد توجه قرار دهد. بنابراین «بررسی میزان انطباق نظری و عملی جوانان انقلاب اسلامی با هویتی که از سوی مسوولان جامعه به جوانان القا می‌گردد»، به عنوان سوال اساسی این پژوهش پیمایشی در نظر گرفته شد و به دنبال آن ضرورت تهیه ابزاری محقق ساخته در این جهت، مطرح شد.

برای تهیه ابزار مورد نظر، با اتکا به بیانات رهبران انقلاب که خطاب به جوان‌ها ایراد شده بود، مجموعه موضوع‌های مطرح شده، در نظر گرفته شد و پس از تهیه پرسشنامه اولیه و انجام بررسی‌های آماری لازم، پرسشنامه نهایی تهیه شد. پس از اجرای پرسشنامه‌ها در سطح دانش‌آموزان دختر کلاس پنجم دبستان، سوم راهنمایی، سوم دبیرستان و دانشجویان دختر سال‌های اول تا چهارم دانشگاه و حذف پرسشنامه‌های مخدوش، داده‌های حاصله مورد تحلیل آماری قرار گرفتند. داده‌های حاصله از تحلیل داده‌ها به شکل مقدماتی، بیانگر فاصله‌گیری عمیق جوانان از رهنمودهای رهبران انقلاب خطاب به آن‌ها است.

۵ اولویت برتر اعتقادی و رفتاری جوان‌ها، تماماً به مسأله شادابی، ابتکار، خلاقیت، خودسازی و مبارزه با عوامل یأس و ساختن ایرانی آباد اختصاص دارند، در حالی که پایین‌ترین اولویت‌های انتخابی پاسخ‌دهندگان در تمامی مقاطع دبستان، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه، به طور عمده حول محورهایی مانند: نیازمندی به هدایت و همکاری روحانیت، شرکت در راهپیمایی‌ها و مراسم دینی-سیاسی، داشتن روحیه بسیجی، موضع‌گیری در برابر امریکا و حفظ خاطرات جنگ هستند که دربرگیرنده شعارهای اساسی جمهوری اسلامی هستند.

میانگین کل مقوله‌های اخیر در سیستم صفر تا بیست، بین ۸/۷۲ تا ۱۰/۹۲ در ابعاد نظری (یعنی پذیرش اندیشه مطرح شده) و بین ۶/۸۸ تا ۸/۴۷۷ در ابعاد رفتاری (یعنی تقید به انجام اندیشه مطرح شده) بود، اما اگر داده‌های دانش‌آموزان ابتدایی که به سبب داشتن تفکر عینی، فاقد روحیه نقاد هستند، از داده‌های مزبور حذف شود، میانگین‌های مزبور به ۷/۶ تا ۹/۷۷ در ابعاد نظری و ۵/۶۶ تا ۷/۴ در ابعاد رفتاری کاهش می‌یابد.

نکته مهم و حایز اهمیتی که در این قسمت باید بدان اشاره داشت، روحیات آرام‌تر، غیرنقاد و کمتر سیاسی دختران، در قیاس با پسران است و به نظر می‌رسد در صورت اجرای پرسشنامه در سطح پسران، میانگین آن‌ها خیلی پایین‌تر از دختران و میانگین کل دختران و پسران پایین‌تر از میانگین حاصله در دختران باشد که این نتایج متضمن پیش‌آگهی ناگواری برای مسوولان جمهوری اسلامی است.

نتایج حاصله از تحلیل عوامل داده‌های پاسخ‌دهندگان دبستانی، راهنمایی، دبیرستانی و دانشگاهی در ابعاد نظری و رفتاری به میزان قابل توجهی با یکدیگر هم‌پوشی نشان می‌دهد و این بدان معنا است که عامل سن تأثیر چندانی در نگرش آنان نداشته است و مسأله اخیر وخامت یافته‌های حاصله را بیشتر می‌کند، زیرا اگر عامل سن تأثیر مشخصی در یافته‌های حاصله داشت، ممکن بود ضدیت جوانان با ارزش‌های القایی از سوی نظام را به طریق دیگری (مانند عواطف پرنوسان جوان‌ها در دوران بلوغ یا احساس ناکامی جوانان دانشگاهی در برخورد با آتیه مبهمی که فراروی خویش می‌بینند)، تبیین کرد، اما وجود داده‌های یک‌سان در سطح تمامی گروه‌های پیش‌گفته، هر نوع تردیدی را در مخالفت جمعی و گروهی آحاد دختران نوجوان و جوان با خط‌مشی‌های القایی نظام را از بین می‌برد.

بررسی نتایج حاصله از آنالیز واریانس پاسخ‌دهندگان دبستانی، راهنمایی، دبیرستانی و دانشگاهی تأکید دیگری بر وخامت یافته‌های حاصله هستند، به این معنا که آنالیز واریانس‌های انجام گرفته، دلالت بر آن دارند که گروه‌های مختلف دبستانی، راهنمایی، دبیرستانی و دانشگاهی در مؤلفه‌های روحیه شاداب جوان‌ها و سرزندگی جوانان تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند، اما برعکس، در مؤلفه حفظ ارزش‌های جمهوری اسلامی (که شعارهای اساسی جمهوری اسلامی، عمده سوال‌های این مؤلفه را تشکیل می‌دهند)، تفاوت‌های معناداری بین جمعیت مورد بررسی مشاهده می‌شود و تقریباً با افزایش سن پاسخ‌دهندگان، دید آنان نسبت به مؤلفه اخیر منفی‌تر شده است.

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان داشت که دختران مقاطع دبستان، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه (استان تهران)، فاقد انطباق نظری و عملی با رهنمودهای رهبران جامعه هستند. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که افراد دختر شرکت‌کننده در پژوهش، به میزان زیادی برخلاف رهنمودهای اولیای امر نظام، سمت و سویی دیگر را در شکل‌گیری هویتی خویش برگزیده و به تأکیدهای مسوولان درجه اول نظام و به تبع آن، رهنمودهای مستقیم و غیرمستقیم رسانه‌های جمعی، نهادهای تبلیغاتی، آموزش و پرورش و آموزش عالی که به میزان زیادی بر مبنای رهنمودهای اخیر شکل گرفته‌اند، تا حدود زیادی بی‌توجه هستند....».

منطقی (۱۳۸۳) در پژوهش روان‌شناسی نسل سوم انقلاب با بررسی قریب به ۲۰۰۰ نمونه که از ۱۳۰ شهر و روستای کشور انتخاب شده بودند، شکاف نسلی پدید آمده بین نسل اول (نسل انقلاب) و نسل دوم (نسل جنگ) انقلاب را با نسل سوم انقلاب (که فاقد تجربه انقلاب و جنگ بودند) نتیجه گرفته است. وی در قسمتی از گزارش پژوهش خویش می‌نویسد:

«پاسخ‌گویان پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دبیرستانی بوده‌اند. از آنجا که برای تهیه ابزار تحقیق دو کار پیمایشی مقدماتی انجام گرفت، این دو نمونه‌گیری به همراه نمونه‌گیری نهایی، در مجموع سه نمونه‌گیری را برای تحقیق رقم زد.

در نمونه‌گیری نخست که هدف شناخت اولیه ویژگی‌های شاخص نسل سوم و تفاوت‌های عمده این نسل با نسل‌های اول و دوم انقلاب را دنبال می‌کرد، نمونه‌ای به شکل تصادفی از دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر استان تهران انتخاب شده، در ارتباط با مناسبات بین نسلی موجود بین نسل‌های اول و دوم انقلاب و نسل سوم انقلاب، مورد مصاحبه نیمه هدایت شده قرار گرفتند. پس از بررسی نتایج مقدماتی حاصله، مجدداً نمونه‌گیری گسترده‌تری در سطح حداقل نیمی از استان‌های ایران انجام گرفت. در این نمونه‌گیری داده‌های حاصله از نمونه‌گیری اول، مورد بررسی دقیق‌تری قرار گرفتند تا ضمن آن که به این ترتیب خلاء ادبیات تحقیق پر گردد، برمبنای اطلاعات حاصله، پرسشنامه نهایی تحقیق تدوین شود.

پرسشنامه نهایی برمبنای اطلاعات حاصل از بررسی دوم تهیه و در سطح ۲۷۶۹ دانش‌آموز از ۱۳۰ شهر بزرگ، متوسط، کوچک و روستا اجرا شد. نمونه‌گیری مورد نظر در این مرحله با توجه به متغیرهای جنس پاسخ‌دهندگان، مدارس دولتی و غیرانتفاعی و دانش‌آموزان مناطق شهری و روستایی، در نظر گرفته شده و محاسبه شدند.

پرسشنامه نهایی تحقیق، پرسشنامه‌ای کمی بوده، نگرش پاسخ‌دهندگان درباره برخی از مسایل مهم فرهنگی-اجتماعی، سیاسی و عقیدتی را در دو جمعیت نسل اول و دوم و جمعیت نسل سوم، مورد بررسی قرار می‌داد.

نتایج حاصله از تحلیل کای اسکوتر در تمامی ۵۴ سوالی که در ابعاد فرهنگی-اجتماعی، سیاسی و عقیدتی به شکل مقایسه‌ای به بررسی تفاوت‌های احتمالی نسل جوان، با نسل بزرگ‌تر می‌پرداختند، معنادار بودند. نتایج اخیر با نظریاتی که معتقدند پس از وقوع هر حادثه عظیمی (نظیر انقلاب، جنگ و رکود) در جامعه، شکافی ارزشی بین نسل‌های جدید و پیشین رخ می‌دهد، هماهنگ است.

در کنار یافته مهم اخیر، با بررسی دقیق‌تر یافته‌های حاصله، نکات جدیدی هویدا می‌شود.

در بررسی مقایسه‌ای یافته‌های حاصله با یکدیگر، مشخص می‌شود که اولویت‌های انتخاب شده پاسخ‌دهندگان در ارتباط با نسل جوان، از نزدیکی و همپوشی بسیار زیادی با یکدیگر برخوردار هست.

اگر در اولویت‌های انتخابی دختران و پسران، از مواردی که کمتر از ۴ رتبه اختلاف دارند، صرف‌نظر شود، ملاحظه می‌گردد که تنها ۱۵ مورد از ۵۴ مقوله مطرح شده درباره جوانان، دارای اختلافی برابر با ۴ یا بیشتر از آن هستند که قریب به یک چهارم موارد مطرح شده هستند. بررسی دقیق‌تر موارد اخیر، بیانگر آن است که اختلاف‌های پیش گفته نیز عمدتاً نشأت گرفته از تفاوت‌های جنسیتی پاسخ‌دهندگان بوده، قابل چشم‌پوشی هستند.

در مقوله «میزان علاقه جوانان به مسایل عرفانی و معنوی» دختران ۴ رتبه بالاتر از پسران و در مقوله «میزان اعتقاد جوانان به پاسخ‌گویی گدیده‌گاه‌های علمی به مسایل فرهنگی-اجتماعی موجود در جامعه»، دختران ۵ رتبه پایین‌تر از پسران قرار دارند که

این مسأله با توجه به روحیه شهودی تر دخترها در قیاس با پسرها، قابل تبیین است. در مقوله «توجه به هنرها» نیز اولویت انتخابی دختران ۵ رتبه بالاتر از پسران است که این مسأله هم به دلیل گرایش‌های هنری بیشتر زنان، مورد انتظار است. در مقوله «میزان پذیرش جوانان نسبت به حمایت سیاسی از کشورهای اسلامی (مانند فلسطین)» دختران ۷ رتبه بالاتر از پسران قرار دارند که این مورد هم به دلیل حاکمیت دید عاطفی-تر دختران، قابل انتظار است.

در مقوله‌های «میزان تمایل به فعالیت سیاسی در سطح جوانان» و «میزان پذیرش جوانان نسبت به ادامه جنگ»، دختران به ترتیب ۵ و ۶ رتبه پایین‌تر از پسران قرار گرفته‌اند که به دلیل دید سیاسی کمتر زنان در قیاس با مردان در سطح جهان، این تفاوت‌ها نیز با تبیین جنسیتی قابل فهم هستند. به شکل مشابهی دختران در مقوله «دید انتقادی و چالشگر»، جایگاهی ۵ رتبه پایین‌تر از پسران به دست آورده‌اند که این تفاوت هم با توجه به دید انتقادی کمتر زن‌ها در مقایسه با مردان در سطح ادبیات جهان، مورد پذیرش است.

در دو مقوله «توجه به خلاقیت و نوآوری» و «اخذ ارزش‌های زندگی از هنرمندان و ورزشکاران» دختران به ترتیب ۴ و ۷ رتبه پایین‌تر از پسران قرار گرفته‌اند.

نکات مهمی که از جدول مقایسه-ای اخیر قابل استفاده است، گرایش‌های فمینیستی و هنجارشکن تر ظاهر شدن دختران، در مقایسه با پسران است که به نظر می‌رسد، با توجه به افزایش تجرد قطعی زن‌ها طی چند دهه اخیر، بهم خوردن هرم جمعیتی کشور و افزایش قابل توجه شمار دخترانی که در دهه هشتاد قادر به ازدواج نخواهند بود و موارد مشابه، پیش‌آگهی نسبتاً تهدید آمیزتری از روان‌شناسی اجتماعی زنان نسل سوم را به منصفه ظهور می‌گذارند.

اولویت‌های انتخابی دختران در هر دو مقوله «پذیرش تساوی حقوق زن و مرد» و «گرایش‌های ضد مرد»، ۶ رتبه بالاتر از پسران قرار دارد. به شکل مشابهی، دختران در مقوله‌های «استقلال رأی» و «رک‌گویی و صراحت لهجه»، به ترتیب ۷ و ۴ رتبه بالاتر از پسران قرار دارند.

علاوه بر آنچه از آن یاد شد، نزدیکی رتبه‌های انتخابی دختران در مواردی مانند «انجام تکالیف دینی»، «اعتقاد دینی» و «عواطف دینی» با پسران از سویی و نزدیکی رتبه دختران در انتخاب گزینه‌هایی مانند «استفاده جوانان از الکل و مواد مخدر» و «استفاده جوانان از سی‌دی‌ها، فیلم‌ها و تصاویر برهنه»، تأییدی بر هنجارشکن نمایان‌تر شدن دختران در سال‌های آتی به شمار می‌رود، زیرا طبق ادبیات جهان، زن‌ها عموماً دیندارتر از مردان و در انحرافات اخلاقی در سطحی پایین‌تر از مردان قرار می‌گیرند، در حالی که نتایج مزبور، اطلاعاتی متفاوت از یافته‌های موجود در سطح جهان را به معرض دید می‌گذارند.

گذشته از اختلاف‌های جزئی پیش‌گفته که با تبیین جنسیتی و خیزش زن نسل سومی در محیط اجتماعی ایران، قابل انتظار است، شباهت و همانندی مواضع دختران و پسران در قیاس با یکدیگر، دلالت بر آن دارد که دید هر دو جنس نسبت به تحولات موجود در نسل سوم، از وحدت و همداستانی عمیقی برخوردار است.

با بررسی اولویت‌های پاسخ‌دهندگان درباره دید بزرگ‌سالان، در برخی از مقوله‌های کلیدی فرهنگی-اجتماعی، سیاسی و عقیدتی، مشخص می‌شود که در این زمینه نیز پاسخ‌دهندگان دختر و پسر دیدگاه مشابه و نزدیکی را از خود به منصفه ظهور نهاده‌اند.

اگر در این قسمت هم از اولویت‌های انتخابی پاسخ‌دهندگان که کمتر از ۴ رتبه با هم فاصله دارند، نادیده گرفته شوند، ملاحظه می‌شود که تنها ۱۲ مورد از ۵۴ مقوله مطرح شده درباره بزرگسالان، دارای اختلافی برابر با ۴ یا بیشتر از آن هستند که در مجموع کمتر از یک چهارم موارد مطرح شده را تشکیل می‌دهند.

صرف نظر از تفاوت‌های جزئی اخیر (که باز هم با اتکاء به تفاوت‌های جنسیتی پاسخ‌دهندگان، بلوغ اجتماعی سریع‌تر دخترها و خیزش اجتماعی زنان قابل تبیین است)، پاسخ‌دهندگان دختر در جریان اظهارنظرهایشان نسبت به بزرگ‌ترها که خواه ناخواه به نوعی رنگ فرافکنی نیز به خود می‌گیرد، با انتخاب مقوله‌های «تبعیت از مسوولان جمهوری اسلامی»، «علاقه به میراث‌های فرهنگ ایرانی» و «علاقه به میراث‌های فرهنگ اسلامی-ایرانی» به ترتیب با ۴، ۹ و ۷ رتبه پایین‌تر از پاسخ‌دهندگان پسر، توجه کمتر خود را به نظام اسلامی نشان داده، با انتخاب مقوله «شادی و نشاط» در ۸ رتبه بالاتر از پسران، به نوعی از بسته بودن فضای اجتماعی برای زنان یاد کرده‌اند که مؤید نتایج پیشین است. اما بهر صورت، مشابهت و وحدت موجود بین مواضع پاسخ‌دهندگان دختر و پسر در برخورد با نسل بزرگ‌تر به هیچ روی قابل کتمان نیست.

بنابراین از مجموع اطلاعات اخیر می‌توان نتیجه گرفت که جمعیت مورد بررسی تحقیق نه تنها از دید واحد و یک‌دستی در برخورد با نسل خود، برخوردارند، بلکه از دید مشابهی در برخورد با نسل پیشین نیز برخوردارند و در عمل به شکل معناداری بر تفاوت ارزش‌ها و اعتقادات خود با ارزش‌ها و اعتقادات نسل بزرگ‌سال در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی و سیاسی صحه می‌گذارند.

اگر وحدت نظر پاسخ‌دهندگان دختر و پسر در ارتباط با نسل خود و نسل بزرگ‌ترشان، در کنار نتایج حاصل از محاسبه مربع کای بین سوال‌های مطرح شده که به بررسی تفاوت‌های احتمالی هر دو نسل در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی، سیاسی و عقیدتی می‌پرداختند، در نظر گرفته شوند، با احتیاط می‌توان نتیجه گرفت، با گذشت ۲۵ سال از آغاز انقلاب اسلامی، نسل جوان تفاوت معناداری در برخی از مهم‌ترین هنجارها و ارزش‌های خویش با نسل پیشین در زمینه‌های پیش‌گفته از خود نشان داده، از این مسأله می‌توان با عنوان شکافی معنادار، بین نسل‌های اول (نسل انقلاب) و دوم (نسل جنگ) و نسل سوم انقلاب (جوانانی که تجربه هیچ کدام از مقوله‌های انقلاب و جنگ را نداشته‌اند) یاد کرد.

منطقی (۱۳۸۳ ج) در کتاب «رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب» تأکید کرده است که در صورت تداوم وضعیت فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی-سیاسی جوانان به روال مرسوم، در عمل باید انتظار رودرو شدن آنان با نظام را داشت. وی در همین رابطه می‌نویسد:

«رفتارشناسی جوانانی که خود را «نسل اینترنت و ماهواره»، «نسل پرسشگر»، «نسل ارزش‌های فراموش شده»، «نسل گریزان از خشونت»، «نسل معترض»، «نسل فراموش شده»، «نسل بحران زده»، «نسلی که همچنان می‌سوزد»، «نسل سوخته»، «نسل بی-فردا»، «نسل یأس و انزوا»، «کفن‌پوشان نظام»، «نسلی که می‌سوزد و می‌سوزاند» می‌نامند، چگونه خواهد بود؟!»

اگر نگاهی به نظریه‌پردازی‌های موجود داشته باشیم، می‌توان از برخی از نظریه‌های ارایه شده در این زمینه، جهت تبیین رفتارشناسی آتی جوان بهره برد. نظریه ناکامی- پرخاشگری^۱ از جمله نظریاتی است که می‌توان در این رابطه بدان تمسک جست و از آن سود برد.

نظریه ناکامی- پرخاشگری بیانگر این مسأله است که به دنبال ناکامی، شاهد پرخاشگری خواهیم بود. البته باید به خاطر داشت که پرخاشگری می‌تواند حالت پرخاشگری پنهان^۲ یا آشکار^۳ را داشته باشد، یعنی ممکن است، هدف پرخاشگری خود فرد یا دیگری باشد. افزایش افسردگی، یأس و دلمردگی جوان‌ها، انحراف‌های اجتماعی، فرار از خانه، اعتیاد، الکلیسم، خودکشی و مانند آن‌ها جلوه‌هایی از پرخاشگری پنهان هستند که در جامعه ایران روز به روز فزونی می‌یابند. پرخاشگری آشکار، شامل هدایت پرخاشگری جوان به سوی اولیای امر جوانان و هر چه که رنگی از نظام و تعلق به نظام دارد هست.

از این رو با توجه به آن چه از آن یاد شد، باید قدر فرصت‌های کنونی را دانست و با هدایت جوان، از هنجارآفرینی‌های جدید وی برای دست‌یابی به جامعه‌ای پویا سود جست، در غیر این صورت فرصت گرانبهای اخیر از دست خواهد رفت و جوان از مرحله پرخاشگری درونی و پنهان به مرحله تحقق پرخاشگری‌های بیرونی و آشکار خود خواهد رسید.

بنابراین اگر مسوولان نظام می‌خواهند شاهد پرخاشگری بیرونی جوان انقلاب اسلامی نباشند، باید ورای شعار دادن‌های خویش در این زمینه، به شکلی جدی و با توانی مضاعف به حل مسایل و مشکلات وی بپردازند.

دکتر غفاری در پژوهشی که برای وزارت کشور در سال ۱۳۹۴ در سطح استان‌های مختلف کشور انجام داد، کوشید تا میزان سرمایه اجتماعی را در سه بعد کلان‌نگر، حدواسط و خردنگر مورد سنجش قرار دهد، این پژوهشگر گزارش می‌دهد، نمرات مردم در هر سه زمینه به کلان نظام (یعنی دولت رسمی)، به نهادهای نظام و در سطح خرد (یعنی به دوستان، آشنایان و دیگر مردم اطراف و اکنافشان)، زیر ۱۰ (در سیستم صفر تا بیست) قرار دارد. به بیان روشن‌تر، سرمایه اجتماعی گسترده و بالایی که نظام اسلامی در آغاز انقلاب از آن برخوردار بود و بسیاری از مردم با طیب خاطر به سمت پذیرش ارزش‌های نظام (نظیر حجاب اسلامی)، گام برداشتند، بعد از گذشته نزدیک به ۳۶ سال از انقلاب (از آغاز انقلاب تا زمان انجام پژوهش)، به طرز شگفت‌آوری سقوط کرده است. به تعبیر دیگر تحقیقی که پس از گذشت بیش از یک دهه از پژوهش‌های سازمان ملی جوانان (۱۳۸۲) و منطقی (۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۳) صورت پذیرفت، هم‌سویی زیادی با این پژوهش‌ها نشان می‌دهد.

ثبت نام مجدد برای یارانه‌ها، نمونه عینی دیگری را در این رابطه به معرض دید می‌گذارد. به این معنا که در جریان ثبت نام مجدد برای یارانه‌ها، با وجود آن که مسوولان رسمی و حتی برخی از مراجع تقلید به میدان آمده، از مردم خواستند، اگر نیازی به یارانه ندارند، از دریافت یارانه انصراف بدهند تا یارانه آنان صرف مصارفی مانند ارتقای بهداشت جامعه بشود، اما با این وجود مردم بی‌اعتماد به مسوولان، با این استدلال که اگر ما یارانه نگیریم، پولش در جیب امثال خاوری و بابک زنجانی خواهد رفت، حاضر به انصراف دادن نشدند و به جز چند درصد ناچیز، بقیه مردم برای دریافت یارانه اقدام به عمل آوردند و حتی در این میان برای تثبیت اخذ یارانه خویش، به دروغ گفتن در برابر مسوولان متوسل شدند. به عنوان نمونه، در ایران ۲۱ میلیون

^۱- Frustration- aggression

^۲- Passive-aggression

^۳- Active-aggression

خانوار و ۲۰ میلیون خانه وجود دارد، بنابراین میزان افرادی که مستاجر هستند، چیزی حدود ۵٪ در جامعه می‌باشد، اما ۶۰٪ از ثبت نام کنندگان دریافت یارانه، اظهار داشته بودند که آنان فاقد مسکن بوده، از مسکن استیجاری استفاده می‌کنند (شرق، ۹۳/۳/۱۰).

سقوط شاخص‌های روان‌شناختی که حکایت از شادابی مردم و جامعه دارد، پیامد ناگوار دیگری است که جامعه شاهد آن بود. رتبه ۱۰۱ ایران در میان ۱۴۲ کشور بررسی شده در زمینه شادی، بیانگر آن است که نمره شادی ایرانیان اندک و زیر حد متوسط است (شرق، ۹۲/۱۰/۱۶). به همین ترتیب رتبه ۱۱۲ ایران در سطح ۱۵۴ کشور بررسی شده توسط سازمان ملل در زمینه رضایت از زندگی (شرق، ۹۳/۵/۴)، بیانگر رتبه نازل ایرانیان در زمینه رضایت از زندگی می‌باشد. بررسی جهانی میزان عصبانیت مردم در کشورهای مختلف جهان نیز نشان داد که مردم ایران و عراق، عصبانی‌ترین مردم جهان هستند (شرق، ۹۴/۶/۹).

نکته مهمی که در این ارتباط لازم به تذکر است، تحولات اخیر جامعه است که در رصدهای قبلی لحاظ نشده است، به این معنی که پس از تحولات شدید ارز در سال ۱۳۹۷ که به کاهش قدرت خرید مردم و تقلیل سرمایه ریالی آنان به یک سوم انجامید، به نظر می‌رسد اگر تحقیق دکتر غفاری مجدداً انجام پذیرد، ارقام زیر ۱۰ گزارش شده وی به نصف و یا کمتر تقلیل یابند که این نتیجه، به هیچ عنوان برای یک نظام مدعی مردمی و انقلابی بودن شایسته و پذیرفته نیست.



مقابله نسبی با اقتدارگرایی مسوولان در فضای اجتماعی جامعه (مقاومت فرهنگی)

مسأله مقاومت فرهنگی که پیش‌تر مطرح شد، بیانگر نوعی از مواجهه غیر مستقیم و غیر رویاروی مردم با مسوولان به شمار می‌رود. بررسی جلوه‌های مقاومت فرهنگی مردم در سطح جامعه حکایت از گسترش و تعمیق این مقوله در سطح مردم دارد. عرف شدن بدحجابی در جامعه، تلاش برای برداشتن روسری‌ها در فضاهای بیرون شهر یا در داخل اتوموبیل شخصی، به سخره گرفتن مسوولان و انبوه طنزها و مطایبه‌هایی که روحانیون را هدف تمسخر خود قرار داده‌اند، نمودهایی از مقاومت فرهنگی مردم در برابر مسوولان را به نمایش می‌گذارند.

وجود ۴۰ میلیون گوشی هوشمند در دست کاربران، این امکان را برای آنان پدید آورده است که اگرچه در فضای رسمی جامعه نمی‌توانند به راحتی اعلان نظر کنند، اما در فضای امن‌تری که توسط فناوری‌های ارتباطی پیشرفته پدید آمده است، بسیاری از مردم دست به اظهارنظر و انجام رفتارهایی می‌زنند که شاید به هیچ وجه مورد نظر مسوولان امر نباشد. استفاده ۶۹٪ جوانان از فیلترشکن (۹۳/۶/۱۸)، کاربری ۷۱٪ مردم جامعه از ماهواره (۹۲/۹/۲۷)، جا به جا شدن میلیونی کاربران یک شبکه

اجتماعی فیلتر شده به شبکه اجتماعی دیگر (شرق، ۹۴/۱۱/۲۷)، عدم اتکا به اخبار داخلی و اتکا به اخبار رسانه‌هایی مانند بی.بی.سی (شرق، ۹۳/۱۰/۸) مصادیقی از مقاومت فرهنگی پیش گفته است که در کاربری افراد از فضای مجازی، به شکل عیان‌تری خود را می‌نمایاند.

دکتر آزاد ارمکی در مثالی در همین رابطه می‌نویسد:

«در سال ۱۳۷۴ طی تحقیقی در تهران دریافتیم که یک‌درصد از مردم تهرانی ماهواره دارند و از آن استفاده می‌کنند در حالی که در سال ۱۳۹۲ این میزان به ۷۱ درصد رسیده است. یعنی طی ۱۷ سال، شمار استفاده‌کنندگان ماهواره از یک‌درصد به ۷۱ درصد رسیده است. این جهش آماری، به معنای «انفجار مصرف» ماهواره است. چه اتفاقی افتاده است؟ آیا مردم ایران بی‌فرهنگ شده‌اند؟ آیا مردم ایران از فرهنگ و اخلاق ایرانی گذر کرده‌اند یا این که وضعیت به گونه‌ای دیگر است و مردم بی‌دین و بی‌فرهنگ و ضد سنت نشده‌اند، بلکه مصرف انفجاری ماهواره به اموری دیگر برمی‌گردد...» (شرق، ۹۲/۹/۲۸).

منطقی (۱۳۹۳ ج) گزارش می‌دهد، وی در پژوهش خویش پس از آن که از دانشجویان کاربر فضای مجازی این پرسش را به عمل آورده بود که در صورت اصرار مسوولان به فیلتر کردن شبکه‌ها و سایت‌های مختلف، آنان چه واکنشی را پیش خواهند گرفت، به جز درصد خیلی از دانشجویان که از تبعیت خویش از دستورالعمل مسوولان یاد کرده بودند، اکثریت آنان اظهار داشته بودند که برخورد ملایم و حتی شدید با مسوولان و مقابله با آنان را در دستور کار خویش قرار خواهند داد. تصاویر زیر مصادیقی از مقابله مردم کوچه و بازار به اقتدارگرایی مسوولان را به نمایش گذارده‌اند:





مراسم شام غریبان در میدان محسنی تهران



آب بازی در پارک آب و آتش



گردهمایی جوانان با عنوان خزترین پوشش



گردهمایی جوانان مو وزوزی



حضور با ظواهر عجیب و غریب در پارتی‌ها



تششیع جنازه مرتضی پاشایی



گذاشتن ویدیوهای هنجارشکن خویش در فضای مجازی

مقابله با اقتدارگرایی مسوولان در فضای مجازی

بررسی اوضاع و احوال جوانان در کلان نظام حکایت از آن دارد که نسبت جوانان با نظام را می‌توان در مقوله‌های موافق، خنثی و مخالف طبقه‌بندی کرد، اما با توجه به مطالعه فروغی (۱۳۹۴) در باب سرمایه اجتماعی مردم ایران و با عنایت به برخی از شواهد اجتماعی دیگر، به نظر می‌رسد افرادی که تمایل به مخالفت با نظام را دارند، از حجم قابل تأملی برخوردارند و این گروه در اشکال مختلف نظری، کلامی و عملی مخالفت خویش را با نظام نشان می‌دهند.

منطقی (۱۳۸۳ ج) در کتاب «رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب» در تلاش برای به دست دادن ترسیمی از آینده‌شناسی رفتار جوانان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب می‌نویسد:

«پیش از تبیین رفتار جوانان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب، ضرورت دارد که از چند ویژگی مهم جوانان که در شکل دادن به رفتار آنان مؤثرند، یاد کرد.

روان‌شناسان، سن سه سالگی را سن نفی و انکار کودک نامیده‌اند، زیرا کودک برای اولین بار به خودش وقوف یافته، برای اثبات خود دست به نفی پدر و مادرش می‌زند. مشابه سن نفی و انکار دوران کودکی را می‌توان در سن ۱۴ سالگی جوان شاهد بود، به این معنا که جوان برای اثبات خودش، دست به نفی اولیا و اطرافیانش می‌زند. والن، در این مورد بیان می‌دارد: نفی جوان، نفی و انکاری است که هدفش اساساً پیروزی است، چرا که جوان با نفی و انکاری که پیشه خود می‌کند، به زبان بی‌زبانی می‌گوید، دیگر باید من را به صورت فرد مستقلی ببینید و برخلاف گذشته که مرا در معادلات خودتان به حساب نمی‌آوردید، نظر من را هم در تصمیم‌گیری‌های مختلف خودتان لحاظ کنید، در غیر این صورت من برنامه شما را بهم می‌زنم تا بفهمید که بار دیگر پیش از تصمیم گرفتن، باید من را هم در معادلات خودتان در نظر بگیرید.

پیاژه با طرح تحول اخلاق دیگر پیروی نوجوان به اخلاق خودپیرو از سنین ۱۱-۱۲ سال به بعد، به نوعی به تکرار حرف‌های والن می‌پردازد.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، سن نفی و انکار در دوره جوانی، مرحله‌ای طبیعی است که باید با تکریم جوان، آن را به سلامت پشت سر گذاشت، اما اگر با این مرحله نفی و انکار که در عمل جوان را برای زندگی مستقل آینده‌اش آماده می‌کند، درست برخورد نشود، این مقطع گذرا، ادامه و تمدید خواهد یافت، زیرا جوان برای اثبات خودش، به نفی و انکار دیگران تداوم خواهد بخشید.

علاوه بر ویژگی نفی و انکار دوره جوانی، یکی از ویژگی‌های دیگر این دوره گروه‌گرایی جوان‌ها است. جوانان در اوان بلوغ به تدریج از لحاظ ارزشی از خانواده بریده، ارزش‌هایشان را از گروه همسالان یا هم‌آلان خود اخذ می‌کنند، به گونه‌ای که در این مقطع با شناخت گروه یک جوان، می‌توان رفتار وی را با احتمال بسیار زیادی پیش‌بینی کرد.

تجربه دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۰ در غرب تجربه عینی و ملموسی است که نتایج نفی و انکار پی در پی جوان‌ها را در برابر آدمی می‌گشاید. جوان‌های غربی که در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی از سوی جامعه مورد پذیرش قرار نگرفته بودند، به شکل جمعی و گروهی، دست به نفی و انکار نظام حاکم بر جامعه خودشان زدند.

جامعه ایران طی سال‌های اخیر، شاهد جلوه‌هایی از مخالفت دسته جمعی و گروهی جوان‌هایی که در جامعه مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند، بوده است. به عنوان نمونه، رپ‌ها^۱ در دهه هشتاد گروهی عمل می‌کنند و در اعلامیه‌هایی که چند سال پیش پخش کرده بودند، ضدیت خود را به لحاظ سیاسی با حاکمیت نظام جمهوری اسلامی نشان داده بودند.

بنابراین همه کشورهای جهان باید به فکر مشکلات جوانان و تبعات پیش آمده که در اثر فاصله افتادن بین بلوغ زیستی و اقتصادی جوان پیش آمده است، باشند و این مسأله، منحصر به نظام سیاسی ایران نبوده، متوجه تمامی نظام‌های سیاسی جهان است، زیرا در غیر این صورت نظام سیاسی آن‌ها تهدید خواهد شد. حال اگر با توجه به آنچه از آن یاد شد، بخواهیم رفتارشناسی سیاسی - اجتماعی جوان را در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب پیش‌بینی کنیم، رفتارهای جوان در دو دهه آتی انقلاب، متمایل به کدامین سمت و سو خواهند بود؟

اگر نگاهی به نظریه‌پردازی‌های موجود داشته باشیم، می‌توان از برخی از نظریه‌های ارایه شده در این زمینه، جهت تبیین رفتارشناسی آتی جوان بهره برد. نظریه ناکامی - پرخاشگری، از جمله نظریاتی است که می‌توان در این رابطه بدان تمسک جست و از آن سود برد.

نظریه ناکامی - پرخاشگری بیانگر این مسأله است که به دنبال ناکامی، شاهد پرخاشگری خواهیم بود. البته باید به خاطر داشت که پرخاشگری می‌تواند حالت پرخاشگری پنهان یا آشکار را داشته باشد، یعنی ممکن است، هدف پرخاشگری خود فرد یا دیگری باشد. افزایش افسردگی، یأس و دلمردگی جوان‌ها، انحراف‌های اجتماعی، فرار از خانه، اعتیاد، الکلیسم، خودکشی و مانند آن‌ها جلوه‌هایی از پرخاشگری پنهان هستند که در جامعه ایران روز به روز فزونی می‌یابند. پرخاشگری آشکار، شامل هدایت پرخاشگری جوان به سوی اولیای امر جوانان و هر چه که رنگی از نظام و تعلق به نظام دارد هست، مانند تخریب اموال عمومی که بعد از ناآرامی‌های بازی‌های فوتبال مقدماتی جام جهانی در سال ۱۳۸۰، در جامعه شاهد آن بود. البته نکته مهمی که باید متذکر آن شد، هنجارآفرینی‌های جدید جوان است، به این معنا که پیش از آن که جوان پرخاشگری تام و

^۱- Rap

تمام خود را در اثر ناکامی‌هایی که در جامعه متوجه او شده است، به منصبه ظهور بگذارد، جامعه شاهد هنجارآفرینی‌های جدید وی هست. به این معنا که می‌توان بیان داشت جوان ایرانی در آغاز دهه ۸۰، هنجارهای جدیدی را پیشه خود کرده است. به عنوان مثال، جوانان زیادی ملاحظه می‌شوند که بیان می‌دارند: اسلام تنها دین غم و اندوه نیست، بلکه اسلام دین شادی و نشاط هم هست، بنابراین در کنار دینداریشان، از شادی، نشاط و خنده استقبال کرده، لباس‌های رنگ روشن را می‌پوشند، با مد میانه دارند، لباس آستین کوتاه می‌پوشند، موهایشان را بلند می‌کنند، به موهایشان ژل و کتیرا می‌زنند، اما نمازشان را هم می‌خوانند و بیان می‌دارند، اسلام معارضه‌ای با جوانی آن‌ها ندارد.

برخی از شواهد موجود بیانگر آن هستند که پرخاشگری پنهان جوان نسل حاضر به تدریج رو به پرخاشگری آشکار نهاده است، و جوان نسل جدید پس از روی آوردن به رویکرد فرهنگی و هنجارآفرینی‌های جدید در این مسیر، در صورت عدم موفقیت و شکست در مسیر راهی که پیش گرفته است، به شرایط پرخاشگری آشکار و جدی روی خواهد آورد.

منطقی (منتشر نشده) در کتاب «افسردگی اجتماعی» در توصیف مرحله گذر پیش گفته می‌نویسد:

«... پرخاشگری، واکنش مشخص دیگری است که در اثر ناکامی شکل گرفته، محقق می‌شود. پرخاشگری از دید روان-شناختی به دقت تعریف شده است، اما اگر پرخاشگری جوان را نه از زاویه دید روان‌شناختی و فردی، بلکه از دید جامعه‌شناختی و جمعی آن مورد بررسی قرار دهیم، در این حالت در عمل با عصیانگری جوان روبرو خواهیم بود که در مورد این مقوله، بحث چندانی در ادبیات موجود در پرخاشگری ملاحظه نمی‌شود.

گرایش جوانان به مواردی مانند دین‌گریزی، تمایل به گروه‌های ضد فرهنگ، گرایش به ادبیات عصیانگر و نظایر آن‌ها، از مصادیق پرخاش و عصیان اجتماعی جوانان به شمار می‌آیند. برخی از جوانان با اعلان صریح دین‌گریز شدن خویش از مواردی مانند «تعارض قول و عمل برخی از مسوولان روحانی کشور»، «دنیا پرستی بسیاری از الگوهای دینی معاصر»، ترسیم اسلام به صورت دینی که انسان‌هایی «عبوس»، «گرفته» و «غضبناک» تربیت می‌کند، «آمیختگی دین با خرافات» و موارد مشابه یاد کرده و یادآور شده‌اند، آن‌ها در برخورد با این موارد و موارد مشابه، از دین که پیشتر آن را با دیده منت پذیرفته بودند، زده شده و کناره گرفته‌اند.

جوانان دیگری در تقابل با وضعیت اخیر، با روی آوردن به رویکردهای فرهنگی، با هنجارها و ارزش‌های نظام به تخالف نسبی پرداخته‌اند. برخی از جوانان هم با گرایش یافتن به سمت گروه‌های ضد فرهنگ و گزینش معیارهای فکری و رفتاری آن‌ها، به وادی عصیانگری گام نهاده‌اند. این گروه‌ها با ترویج شعارهایی که به نفی خرده فرهنگ بزرگ سالان، فناوری موجود و مانند آن‌ها می‌پردازد، یا با ترغیب هنجارشکنی جوانان، آنان را به نفی هنجارها و ارزش‌های جامعه وامی‌دارد و یا با پذیرش «دیوانگی»، جوانان را به پیش گرفتن اعمال و رفتارهای دیوانه‌وار تشویق می‌کنند و بدان‌ها می‌آموزند که دنیا ارزش فکر کردن و غم خوردن را ندارد و باید آن را با دیوانگی و مستی سپری ساخت، در عمل جوان را به عرصه عصیانگری فرا می‌خوانند.

نگاهی به ادبیات مورد علاقه نسل جوان نیز حکایت از سوق یافتن جوان به سمت عصیانگری دارد. به این معنا که ادبیات هر عصر، انعکاس دهنده روح جاری در آن عصر هست. به عنوان مثال، ادبیات ایران در قبل از حمله مغول، ادبیاتی خوشبین، شاد و سرمست از فتح، پیروزی و غرور است، اما این ادبیات پس از حمله مغول، ادبیاتی ناکام، شکست خورده و عزلت‌گزین

و انزواگرا است، چرا که حکایت از ملتی سرکوفته، شکست خورده و ناکام دارد. اگر چه در ابتدای انقلاب، به سبب روح حماسی که انقلاب پدید آورد، ادبیات حماسی و شعرهای انقلابی در جامعه اوج گرفت، اما اکنون پس از گذشت قریب دو دهه از انقلاب، جامعه شاهد اوج گیری ادبیات عرفانی و ادبیاتی است که با شطحیات خویش، انفجار کلمات را به منصفه ظهور می گذارد. ادبیات عرفانی بیانگر دوران تراژیک و ادبیات مبتنی بر شطحیات بیانگر تلخ کامی است که رو به عصیان دارد. ملاحظه بازار گرم ادبیات مبتنی بر شطحیات و یا ملاحظه نویسندگان برتر دانش آموز کشور که سبک غالب ادبی آنها شطحیات گویی است، مصادیق بارزی در جهت تبیین شکل گیری عصیانگری اجتماعی جوان انقلاب اسلامی را به دست می دهند.

منطقی (۱۳۸۳ ج) پس از طرح نظریه ناکامی - پرخاشگری در ارتباط با جوان انقلاب اسلامی نتیجه می گیرد:

«با توجه به آن چه از آن یاد شد، باید قدر فرصت های کنونی را دانست و با هدایت جوان، از هنجار آفرینی های جدید وی برای دستیابی به جامعه ای پویا سود جست، در غیر این صورت فرصت گرانبهای اخیر از دست خواهد رفت و جوان از مرحله پرخاشگری درونی و پنهان به مرحله تحقق پرخاشگری های بیرونی و آشکار خود خواهد رسید. بنابراین برخورد حساس با مسأله جوان و گرد آوردن جمعی از افراد صاحب نظر در زمینه های علوم تربیتی، روان شناسی، جامعه شناسی، هنر و مسایل فقهی برای بررسی مطالبات جوان و ارایه راه کارها و پاسخ های مناسب به آن، امری بسیار ضروری است.

مصوبات شورای اخیر که به مسایلی همچون تحصیلات، کار، هیجان جویی، مد، موسیقی، روابط دختر و پسر و موارد مشابه باید پردازد و تأیید مصوبات آن در جایی مانند شورای مصلحت نظام برای نظم و نسق بخشیدن به مسایل و مطالبات جوان ها، امر حساسی است که مدت های مدیدی است راه اندازی آن به تأخیر و تعلل انجامیده است، در غیر این صورت ناکامی جوان به شکل پرخاشگری آشکار خود را نشان خواهد داد.

بنابراین اگر مسوولان نظام می خواهند شاهد پرخاشگری بیرونی جوان انقلاب اسلامی نباشند، باید ورای شعار دادن های خویش در این زمینه، به شکلی جدی و با توانی مضاعف به حل مسایل و مشکلات وی پردازند.

اکنون پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و بی توجهی مسوولان امر به هنجار آفرینی های جدید جوانان، می توان گفت، اقشاری از جوانان در روند بیرونی کردن پرخاشگری درونی خویش، مخالفت با نظام را پیشه خود کرده، در فضای واقعی و مجازی (و بیشتر فضای مجازی که فضای کم خطرتری به نظر می رسد)، به نمایش آن می پردازند.

مخالفت های اخیر از مخالفت های منطقی و عقلانی گرفته تا مخالفت در پوشش تمسخر و استهزا و بد و بیراه گفتن های سیاسی گسترده است و این در حالی است که با وجود ناشناس بودن افراد در فضای مجازی، احتمال کشف مبداء خبر در این فضا وجود داشته، کسانی که دست به نشر اطلاعات مختلف در این فضا می زنند، ممکن است توسط نیروهای انتظامی و امنیتی دستگیر شده، توسط حاکم فضایی به عقوبت برسند. اما با وجود تهدید اخیر، برخی از جوانان مخالفت با کلان نظام را پیشه خود کرده، با اطلاع رسانی ها و تلاش های خویش در این جهت، سعی در تضعیف کلان نظام را دارند.

البته لازم به ذکر است، اگر چه بسیاری از جوانان فضای مجازی را به دلیل ناشناخته ماندن نسبی، مورد توجه خود قرار داده و مخالفت خود با نظام را در آن به نمایش می گذارند، اما مسوولان انتظامی و امنیتی نظام نیز در این میان بی کار ننشسته و

می‌کوشند تا با ردگیری و مجازات افراد مخالف خوان، مانع از تبدیل فضای مجازی به فضایی برای حمله و هجمه به نظام شوند.

نیروهای انتظامی و نظامی در برخی از موارد ممکن است با تهدید افراد، سعی در مهار آنان کند.

مقام قضایی ایران به 'منتشرکنندگان شایعات' سیل اخیر در فضای مجازی هشدار داد



یک مقام قضایی جمهوری اسلامی با اشاره به انتشار مطالبی در فضای مجازی در مورد سیل اخیر گفته است منتشرکنندگان شایعات در فضای مجازی هریک جرم محسوب شده و با آنان برخورد خواهد شد. بیشتر یک مقام پلیس فتا هم در مورد انتشار شایعات در فضای مجازی درباره سیل اخیر هشدار داده بود.

🕒 1 ساعت پیش

سیل در ایران ۳۹ کشته به جا گذاشته است



جاویدنیا انتشار "شایعات" در مورد سیل اخیر در فضای مجازی را شراکت در جرم و مستوجب برخورد قانونی دانسته است

یک مقام قضایی جمهوری اسلامی به "منتشرکنندگان شایعات" در مورد سیل اخیر هشدار داده است.

روز پنجشنبه، ۸ فروردین (۲۸ مارس)، خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا - متن اظهارات جواد جاویدنیا، معاون دادستان کل کشور در امور فضای مجازی را گزارش کرد که با اشاره به شایعات منتشر شده در فضای مجازی پس از وقوع سیل اخیر، گفته است که "معاونت فضای مجازی دادستان کل کشور از پلیس فتا خواسته تا ضمن رصد کردن شایعات منتشر شده، با تولیدکنندگان و منتشرکنندگان اخبار دروغ برخورد کند."

این مقام قضایی گفته است که "با کلیه مواردی که نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و شایعه‌پراکنی در شرایط کنونی باشد، برخورد می‌شود و نسبت به تولیدکنندگان این شایعات و همچنین کسانی که بدون توجه به صحت و سقم اخبار نسبت به انتشار آن اقدام می‌کنند نیز برخورد خواهد شد." وی اظهار داشته که "منتشرکنندگان شایعات نیز شریک جرم هستند."

ایرنا همچنین اظهارات محمد جعفر منتظری، دادستان کل جمهوری اسلامی را منتشر کرده که گفته است انتشار شایعات در فضای مجازی "اخلال در امنیت کشور" است و افزوده: "با شناسایی منابع انتشاردهنده اخبار دروغ، برخورد لازم با آنها صورت خواهد گرفت و هماهنگی‌هایی میان دادستانی کل کشور با وزارت کشور و نیروی انتظامی صورت گرفته است."

تصاویر زیر که به محجبه شدن ناگهانی و هم‌زمان چند شاخ مجازی اختصاص دارد، مصداق دیگری در همین جهت به شمار می‌آیند.



حجاب بر سر شاخ‌های اینستاگرام در ایران

همرسانی

31 ژانویه 2019 - 11 بهمن 1397

ساقی، مهدیس و تینا سه نفر از شاخ‌های اینستاگرام هستند که کم حجاب یا کاملاً بی حجاب بودن و تبلیغ و کسب درآمد می‌کردند. اما ناگهان از چند روز پیش با روسری در این شبکه اجتماعی پست گذاشتند.

شادی الهی گزارش می‌دهد.



حجاب بر سر شاخ‌های اینستاگرام در ایران

همرسانی

32 دقیقه پیش

ساقی، مهدیس و تینا سه نفر از شاخ‌های اینستاگرام هستند که کم حجاب یا کاملاً بی حجاب بودن و تبلیغ و کسب درآمد می‌کردند. اما ناگهان از چند روز پیش با روسری در این شبکه اجتماعی پست گذاشتند.

شادی الهی گزارش می‌دهد.



حجاب بر سر شاخ‌های اینستاگرام در ایران

همرسانی



31 ژانویه 2019 - 11 بهمن 1397

ساقی، مهدیس و تیما سه نفر از شاخ‌های اینستاگرام هستند که کم حجاب یا کاملاً بی حجاب بودن و تبلیغ و کسب درآمد می‌کردند. اما ناگهان از چند روز پیش با روسری در این شبکه اجتماعی پست گذاشتند.

شادی الهی گزارش می‌دهد.

برخورد و زندانی کردن افرادی که مرعوب تهدیدهای مسوولان انتظامی نشده‌اند، سطح دیگری از برخورد با جوانان معترض

را به نمایش می‌گذارد:

دستگیری چهار نفر در ایران به خاطر 'توهین به مسئولان' در فیس‌بوک



به روز شده: 17:00 گرینویچ - جمعه 26 اکتبر 2012 - 05 آبان 1391



به گفته دادستان عمومی و انقلاب سیرجان انتشار تصاویری که فاقد حجاب باشند در فضای مجازی جرم محسوب می‌شود و با آن برخورد خواهد شد

مهدی بخشی، دادستان عمومی و انقلاب سیرجان از دستگیری چهار نفر توسط ماموران اطلاعاتی به دلیل "فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مسئولان در فضای مجازی فیس‌بوک" خبر داد.

به نوشته خبرگزاری ایسنا، آقای بخشی جمعه ۵ آبان (۲۶ اکتبر) اظهار داشت که نه تنها "فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مسئولان"، که "انتشار تصاویری که فاقد حجاب باشند" در فضای مجازی نیز جرم محسوب می‌شود و با آن برخورد خواهد شد.

مطالب مرتبط

['جنگ سایبری' حکومت ایران چگونه هدایت می‌شود؟](#)

فیس بوک در ایران جزو سایت های اینترنتی فیلتر شده است اما مسئولین ایرانی، تاکنون در مواجهه با فیس‌بوک رویکرد یکنواختی

سرانجام تهدید جان افراد، آخرین سطح از برخورد مسوولان امنیتی با جوانان معترض را به معرض دید می‌نهد:

وبلاگ‌نویس درگذشته در زندان، در رباط کریم دفن شد



به روز شده: 13:24 گرینویچ - پنج‌شنبه 08 نوامبر 2012 - 18 آبان 1391



وبلاگ‌نویس ایرانی در جریان بازجویی درگذشت

ستار بهشتی وبلاگ‌نویس ایرانی که در جریان بازجویی درگذشته، در قبرستان رباط کریم، محل زندگی‌اش به خاک سپرده شد.

سامانه اطلاعات بهشت زهرا در پاسخ به پیگیری‌های بی‌بی‌سی اعلام کرد: "متوفی ستار بهشتی فرزند سردار امروز در بهشت زهرا، غسل و در قبرستان رباط کریم به خاک سپرده شده است."

مطالب مرتبط

ابهام در سرنوشت ستار بهشتی

محاکمه کارشناس ارشد وزارت کشور
ایران به اتهام 'القای تقلب در انتخابات'

خانواده این وبلاگ‌نویس پیشتر گفتند: ستار بهشتی کارگر و وبلاگ‌نویس ۳۵ ساله، در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۱ در منزلش از سوی پلیس فتا (پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات) به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در شبکه اجتماعی و فیس‌بوک" بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد.

اما با وجود تهدیدهایی که از آن یاد شد، با مروری گذرا در شبکه‌های اجتماعی حجم عمده اعتراضات مردمی به مسوولان قابل مشاهده است.

اعتراض‌های اخیر گاهی با پشتوانه منطق و استدلال بیان شده و گاهی بدون پشتوانه اخیر، به صورت ناسزاهای سیاسی و یا برخورد تمسخرآمیز با مسوولان یا جریان‌های حامی نظام ملاحظه می‌گردند. تصاویر زیر که در ارتباط با سیل شیراز در فروردین ۱۳۹۸ نشر یافته‌اند، نمونه‌ای از اعتراض‌های مستدل را به نمایش می‌گذارند.

امضای تفاهتنامه با حوزه علمیه برای کاهش بلایای طبیعی

[illegible]

برگزاری ۵۰۰ ساله یادگار و
نجات در هفته گاهش برای
علمی

و احد مستكملي خود را بر عاقل و ثوابه
نموده و باین سبب و برادر و گویا از
۱۰۰۰ میلیون تومان بدهی گشته این
موضوع به صورت بازتاب در فضای
مستقیم و غیرمستقیم در شبکه های
صورت سراسری در کشور اجرا می شود
در مرحله اول اعضای سازمانگاران خواست
به صورت رایگان بدهی می شوند باقری
از اعضای سازماندها به حوزه های برای
کشتن بازاریابی علیه خبر داد و تاکید
کرد که «بسیار» ضمیمه برای به کارگیری
فعلی در صورتی که از اعضای سازمان
خواهیم کرد و در صورتی که
حوزه های ضمیمه بود، مشخصات و

[illegible]

از حوزه علمیه برای
به کار گیری آتش مصونیت
دو کتابی به نام ای علمیه
استفاده خواهیم کرد و در
هر حلقه اول با حوزه های
علمیه فوریت، استخوان و
شیراز نامیده همگاری است

[illegible][illegible]

انصاف و غیر متعارف و در گزین
مکانات پس از حوالات و تواله
وی تا کسب شود اسرار یکی

1000

100

[illegible]

رئیس سازمان صدا و سیما در نشست خبری



در شماره زمستان ۱۳۹۶ مجله «دریافتون»، نشریه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) مقاله‌ای به قلم یوسف حسن زاده و ابوالفضل ارزنلو منتشر شده بود که در آن عنوان شده سیلابهای ۱۰۰ ساله رودخانه گرگان رود به اق قلا صنمات بسیار سنگین وارد می‌کند.

سخنان محمود شهریاری درباره مقاله‌ای که دو کارشناس در سال ۱۳۹۶ نوشته‌اند و نسبت به زیر آب رفتن شهر آق‌قلا در آینده نزدیک هشدار داده‌اند اما مسئولان به جای توجه به این هشدار علمی این کارشناسان، با حوزه علمیه ققاهنامه امضا کردند!



(تصویر تخلیه سیل توسط آبراهه‌های تخت جمشید که متعلق به بیش از ۲۵۰۰ سال قبل است).





نمونه زیر، مصداقی از اعتراض‌های مبتنی بر تمسخر و استهزا به شمار می‌روند:

نمونه‌هایی از پیامک‌های ضددینی رد و بدل شده بین کاربران:

«وزارت ارشاد، شعر اتل متل را به دلایل زیر تغییر دارد:

– استفاده از کلمات زشت مانند پستون،

– صدور شیر به هند،

– ترویج بدحجابی.

شعر اصلاح شده، به شرح زیر است:

اتل متل صلوات، گاو علی زده قاط، هم دست داره، هم آستین، شیرشو بردن فلسطین، بگیر زن مسلمان از حزب ا... لبنان،

اسمشو بگذار حلیمه، چون چادرش ضخیمه، اجماعاً صلوات!

برنامه کودک قم: شنبه‌ها: آخوند صورتی، یکشنبه‌ها: آخوندی در مزرعه، دوشنبه‌ها: آخوند شجاع، سه‌شنبه‌ها: عمامه قرمزی،

چهارشنبه‌ها: مدرسه آخوندها، پنج‌شنبه‌ها: آخوند و سباستین، جمعه‌ها: فیتله حوزه تعطیله!».

مقابله جدی با اقتدارگرایی مسوولان در فضای اجتماعی جامعه



بررسی مقدماتی نوع اعتراض‌های جوانان معترض در فضای واقعی جامعه دلالت بر آن دارد که این اعتراض‌ها را می‌توان در چند مقوله مختلف طبقه‌بندی کرد.

مقوله نخست مقاومت فرهنگی است (که پیشتر از آن یاد شد). در مقاومت فرهنگی جوانان بدون دست زدن به اقدام‌های سیاسی، با به چالش گرفتن سبک زندگی پیشنهادی مسوولان نظام، در عمل مخالفت خود را با آنان به معرض دید می‌گذارند. برداشتن روسری در ماشین شخصی افراد، بدوش انداختن روسری در ملاء عام، سگ گردانی و مانند آن‌ها، مصادیقی از مقاومت فرهنگی پیش گفته به شمار می‌روند.



در گردهمایی قریب ۲۰۰۰ جوان در برابر پاساژ کورش که در ماه رمضان در تیرماه سال ۱۳۹۵ صورت پذیرفت، جوانان بدون آن که شعار سیاسی بدهند، با خوردن آب یا نوشابه در ملاء عام و یا انداختن روسری‌ها روی شانه و دست نهادن در دست دوست جنس مخالف در خیابان، اسباب حیرت نیروهای انتظامی را پدید آوردند، زیرا آنان با تصور سیاسی بودن گردهمایی شکل گرفته، مترصد ورود به مسأله با شنیدن شعارهای سیاسی بودند که این امر محقق نشد.



مقوله بعد در مقابله با اقتدارگرایی مسوولان را می توان در ارایه تحلیل های نظری مخالف سیاست های حاکم نظام در نظر گرفت. به عنوان مثال، در مسأله جنگ ایران و عراق، گذشته از بسیاری از جوانان که ادامه جنگ ایران با عراق پس از فتح خرمشهر را نفی می کنند، برخی از جوان ها با استناد به بیانات افرادی مانند شمعانی و سعید قاسمی دال بر این که جنگ بهانه ای برای سرکوب مخالفان داخلی نظام شد، اساساً در وقوع جنگ ایران را مسوول بروز آن معرفی می کنند.



مقابله منفی با کلان نظام، مقوله دیگری در همین راستا به شمار می رود. به این معنا که برخی از دانشجویان با عدم شرکت در انتخابات یا شرکت در انتخابات و برخلاف اعتقاداتشان، رأی دادن به کاندید جناح راست، استدلال می کردند که با روی کار آمدن افرادی که دنبال کاسبی از تحریم هستند، نظام زودتر به بن بست و سقوط خواهد رسید. تجربه پوش چهارشنبه سفید، تجربه جدیدی برای مخالفت ورزی، با کلان نظام بود که می توان گفت در عمل با شکست مواجه شد. به این معنا که برخلاف فضای مجازی که فرد در آن ممکن است ناشناس باقی بماند و به همین سبب مجازاتی متوجه مخالفت سیاسی وی نشود، در فضای واقعی، ردگیری مخالفان سیاسی که دست به مخالفت های علنی می زنند، به سادگی قابل پیگیری و بازداشت شدن توسط نیروهای انتظامی و امنیتی است.



مضاف این که مجازات‌های سنگین این افراد (نظیر صدور حکم زندان بیست و چند ساله یکی از دختران بدون حجاب در جامعه)، غالباً ترس شدیدی را در مخالفان نهادینه می‌سازد که از هزینه‌های سنگین اقدام سیاسی خویش می‌ترسند. علت اخیر شاید عمده‌ترین دلیل بر محدود شدن پویش چهارشنبه سفید بود که در آن دختران با برداشتن روسری خود، سعی در نشان دادن تخالف خویش با کلان نظام را داشتند.

سرانجام در جدی‌ترین حالات مخالفت سیاسی جوان‌ها، جوانان با حضور در ۱۸ تیر ۱۳۷۸، اعتراض‌های خرداد ۱۳۸۸، اعتراض‌های مردمی مشهد و تظاهرات دی ۱۳۹۶، در عمل نشان داده‌اند که مترصد فرصتی برای شکل دادن به اعتراض‌های عمومی و یا شرکت در اعتراض‌های عمومی ایجاد شده در سطح جامعه هستند که به دلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه از سویی و مشکلات عدیده در کار، مسکن و تفریحات جوانان، این زمینه به شکل بالقوه در جامعه وجود دارد.



۳- در جست و جوی راهکاری برای ارتقای اخلاقی دانشجویان

در عنوان از اعتلاء تا فرومایگی اخلاقی (اقتضای از) دانشجویان، به شکل توصیفی از جلوه‌هایی از تنزل و انحطاط اخلاقی (برخی از) دانشجویان، در ابعاد زیستی، روانی، فرهنگی- اجتماعی، عقیدتی، اقتصادی و سیاسی یاد گردید و در ادامه، با اتکا به نظریه «الناس علی دین ملوکهم» (سیره مردم طبق سیره رهبرانشان است)، تلاش شده است تا به تبیین جلوه‌های اخلاقی فرومایه دانشجویان پرداخته شود.

در این قسمت، در جست‌وجوی راهکاری برای شکستن و تقلیل جلوه‌های اخلاقی نامناسبی که برخی از دانشجویان از آن تبعیت می‌کنند، با فرض تداوم شرایط فرهنگی- اجتماعی- سیاسی- اقتصادی جامعه، می‌توان به طرح موارد مختلفی اقدام ورزید که یکی از این موارد، طرح برخی از دستاوردهای عرفان سرخ شکل گرفته در جبهه‌های جنگ ۸ ساله، در برابر دانشجویان است. به این معنا که می‌توان در برابر دانشجویان، عرفان سرخی را که بدنه جنگ در طول جنگ ۸ ساله پدید آورد، قرار داد و با طرح «مراقبه»، «مراقبه متعالی»، «مراقبه جمعی»، «مراقبه پس از مرگ» و «مراقبه جمعی پس از مرگ» برخی از رزمندگان، این امکان را برای دانشجویان پدید آورد که اخلاقیات تنها آنچه آنان در سطح جامعه خودشان و مسوولان آن می‌بینند، نیستند و افق‌های والاتری هم برای الگوبرداری‌های اخلاقی آنان وجود دارد.

در ادامه به طرح عناوین مورد نظر در عرفان سرخی که رزمندگان فراروی دیگر اقشار اجتماعی، از جمله دانشجویان قرار دادند، پرداخته خواهد شد.

بررسی کتاب‌ها و متون اخلاقی موجود در طول تاریخ فرهنگی ایران، حکایت از آن دارد که کتاب‌های اخیر بعضاً در تلاش برای تغییر عملی رفتار افراد، به طرح روش‌های مداخله‌گرایانه و درمانی مختلفی دست زده‌اند. یکی از این روش‌های درمانی و اصلاحی، روش مراقبه و محاسبه نفس است. روش مراقبه و محاسبه نفس از چهار مرحله مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه تشکیل شده است. در این روش به رهرو و سالک گفته می‌شود، با عنایت به این که نفس آدمی فریبکار و فریننده است، در مرحله نخست متوجه آن باشد که فریب نفس خویش را نخورد، در مرحله مراقبه، به سالک گفته می‌شود که وی مراقب درج صفات مطلوب و محمود در خود و فاصله گرفتن از صفات مذموم از مجموعه رفتاری خویش باشد. در مرحله محاسبه، از فرد رهرو تقاضا می‌شود، در انتهای روز و یا آخر هفته، به حساب و کتاب مجموعه رفتارهایی که از او سرزده است. بنشیند و سرانجام در گام آخر به سالک گفته شده است، اگر در کنار نهادن تدریجی صفات مذموم، از مجموعه رفتارهای خویش و یا انجام رفتارهای مناسب و مطلوب در مجموعه رفتارهای خود موفق بوده است، شکر خدای متعال را به جای آورده، از این که در عمل در حال پیشرفت و تغییر رفتارها (و شخصیت و بن‌مایه) خویش است، شادمان گردد. اما اگر در مسیر مراقبه و محاسبه نفس خود موفق عمل نکرده است، با تنبیه عملی خویش، مانع از تکرار رفتارهای مذموم شده و یا خود را بیش از پیش به انجام رفتارهای محمود مورد نظر ملزم سازد.

بررسی آثار برجای مانده از واقعه‌نویسی‌ها و گزارش‌های اخلاقی و رفتاری برخی از رزمندگان، حکایت از به کارگیری مقوله مراقبه و محاسبه نفس در آنان دارد، اما از آنجا که در عرصه‌های بحرانی، سرعت تحولات بسیار شدید است، با غور و تفحص در ادبیات جنگ می‌توان به عرفان سرخی رسید که به نوعی با آنچه در طول تاریخ فرهنگی ایران در متون اخلاقی از

آن یاد کرده‌اند، قابل مقایسه نیست. به این معنا که اگرچه مراقبه و محاسبه نفس به شکل معمول آن در سطح بسیاری از رزمندگان جاری و ساری بود، اما آنان در جریان محاسبه و مراقبه نفس خویش، با استقبال از دشوارترین راهکارهای ممکن، آن هم در اوج بحران جنگ، اوجی از مراقبه را در زندگی خود و در عرصه زمین خاکی رقم زده‌اند.

به این معنا که برخی از رزمندگان با تحمیل سنگین‌ترین جریمه‌های ممکن برای مهار نفس سرکش خود، در عمل فصل جدیدی در مقوله محاسبه و مراقبه نفس گشوده‌اند که آن تحمیل رفتارهایی (نظیر شستن دستشویی عمومی محل استقرار رزمندگان) بوده است که آدمی فطرتاً نسبت به انجام آن در خود احساس کراهت می‌کند، اگر از این «مراقبه متعالی» (که نگارنده حجمی معادل یک کتاب از رفتارهای اخیر در خاطرات رزمندگان مختلف، فیش تهیه کرده است)، بگذریم، شکل-گیری «مراقبه‌های جمعی»^۱، فراز دیگری است که در عرفان سرخ شکل گرفته در جبهه‌های جنگ ملاحظه می‌گردد. در این فراز، رزمندگان نه تنها به فکر مراقبه شخصی خویش بوده‌اند، بلکه درصدد به تعالی کشاندن رفتارهای دوستانشان هم بوده‌اند. تحقق «مراقبه پس از مرگ» مقوله دیگری است که برخی از رزمندگان آن را در وجود خویش به نمایش نهادند. به این معنا که در اقدامی بسیار فراتر از آنچه در ادبیات حکمی و عرفانی (و عرفان حوزه‌های علمیه) این مرز و بوم مطرح بوده است، رزمندگانی بر دامن خاک پا نهادند که نه تنها در طول حیات خویش به مراقبت از رفتارهای خود همت گماردند، بلکه در اندیشه مراقبه پس از مرگ خویش نیز بودند تا مبادا نام یا خبر آنان، در شکلی فراتر از معمول، بعد از مرگشان، طرح شده و شکل بگیرد.

سرانجام در آخرین فراز از مراقبه متعالی رزمندگانی که از آنان یاد شد، در عمل ما با رزمندگانی مواجه هستیم که به «مراقبه جمعی پس از مرگ» نیز دست یازیده بودند. به این معنا که برخی از رزمندگان با شهادت خویش کار خود را تمام شده ندانسته، با وصیت به اطرافیان، هم سنگران و مسوولان جامعه، آنان را در جهت استقبال از مراقبه‌ای که به رفتارهای متعالی و خداپسند می‌انجامد، فراخوانده بودند.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، اگرچه جنگ حاوی زشتی‌های بسیاری است، اما در عرصه جنگ ۸ ساله، عرفان سرخی در جبهه‌های جنگ شکل گرفت که ضمن آن که به مراقبه و محاسبه معمول مندرج در کتاب‌های اخلاقی تاریخ فرهنگی این مرز و بوم پوشش می‌داد، در سطحی فراتر، با طرح فرازهای همچون «مراقبه متعالی»، «مراقبه جمعی متعالی»، «مراقبه پس از مرگ» و «مراقبه جمعی پس از مرگ»، در عمل افق‌های فراتری را بر روی بشر خاکی گشود که این افق‌های متعالی می‌توانند به سهم خود الهام بخش بشریت گم گشته و سرگشته و خاصه جوانان این مرز و بوم قرار گیرد و اگر چه جوانانی تحت تأثیر محیط فرهنگی- اجتماعی نه چندان مطلوب خویش، به انجام رفتارهایی دون شأن انسانی خویش گرفتار آمده‌اند، به آنان یادآوری کند که همه واقعیات در آنچه آن‌ها در آن قرار گرفته‌اند، خلاصه نمی‌شود و افق‌های دیگری نیز در این میان وجود دارد که می‌توانند در دستور کار آنان قرار گیرند و البته وظیفه دانشگاهیان است که در غوغای ارزش‌ها، با

^۱ - با نگاهی به کتاب المحجۃ البیضا که مرجع اخلاق در جهان شیعه به شمار می‌رود، ملاحظه می‌گردد که از اینجا به بعد، مباحث اخلاقی مطرح شده در کتاب المحجۃ بیضا درج نشده است.

استخراج ذخایر درخشان موجود در جنگ و تاریخ فرهنگی این مرز و بوم، به سهم خود چراغی فراروی فرزندان معنوی خویش بیفزوزند.

در ادامه، پس از طرح مقوله مراقبه و محاسبه در طول تاریخ فرهنگی ایران، به طرح ابعاد جدیدی که در همین زمینه در عرفان سرخ جبهه‌ها رخ نمودند، پرداخته خواهد شد.

۳-۱- بررسی مفهوم مراقبه در متون اخلاقی

فیض کاشانی (بی‌تا) در کتاب حقایق، دو مبحث محاسبه و مراقبه را مطرح می‌سازد. وی در قسمت محاسبه، محاسبه چشم‌اندازی‌ها، اندیشه‌ها، نشست و برخاست‌ها، خوردن و آشامیدن‌ها، خواب و سکوت و سکون و مانند آن را در آدمی مطرح می‌سازد، این گونه فرد بسیاری از رفتارهای ناخودآگاه و نیمه خودآگاه خویش را عملاً به سطح خودآگاه خویش می‌آورد و در کنار سایر رفتارهای خودش به بررسی خویش می‌نشیند، و پس از آن نیز به تناسب رفتارهایش به تنبیه یا تشویق خود می‌پردازد.

فیض کاشانی در قسمت مراقبه، مراقب بودن فرد به خود را مطرح می‌سازد و می‌نویسد: فرد باید خدا را در حرکاتش در نظر گرفته و بداند که در محضر اوست و بنابراین به هیچ خطا و انحرافی دست نیازد.

ملااحمد نراقی (۱۳۵۱) در کتاب معراج السعاده در بحث محاسبه و مراقبه چهار مرحله را مطرح می‌کند. نراقی مرحله نخست را مشارطه می‌نامد، در این مرحله فرد باید از خویشتن عهد و پیمان بگیرد که گرد معاصی نگردد و در طاعات واجبه کوتاهی نکند.

مرحله بعد را نراقی مراقبه می‌نامد، در این مرحله فرد باید کاملاً مراقب خویش باشد تا عهد و پیمان خویش را فراموش نکند و از سر غفلت خلاف آن‌ها رفتار نکند.

مرحله سوم محاسبه‌ای است که فرد پس از رفتار خویش به انجام می‌نشیند، به این معنا که فرد در آخر روز و در وقتی معین، به محاسبه اعمال خویش می‌نشیند، و با مصور کردن آن‌ها در ذهن خویش، به محاسبه خطاها و نیکی‌های خود می‌پردازد و سپس به تناسب نیکی‌ها و بدی‌هایی که از وی سرزده، خویشتن را تشویق کرده و شکرگزاری می‌کند و به خاطر معاصی که از وی صادر شده است، به تناسب آن‌ها، مواخذه، تنبیه و شکنجه‌ای را برای خود در نظر می‌گیرد که انجام آن نفس وی را آزار دهد.

در مرحله چهارم که نام آن معاتبه و استیفاء است، فرد باید در صورتی که در محاسبه نفس خویش وی را خیانتکار یافت مسامحه روا ندارد و به تناسب خطای آن، به عتاب او پردازد.

ملااحمد نراقی (۱۳۵۱) در باب مراقبه و محاسبه نفس می‌نویسد:

«فراموشی از اعمال خود و غفلت از محاسبه آن‌ها، سبب کلی هلاکت اکثر مردمان و خسران ایشان است، چه تاجر اگر هر چندی یک‌پایه به حساب خود نرسد و دخل و خرج خود را موازنه ننماید و سود و زیان خود را مقابله نکند و محاسبه کارکنان و شرکاء خود را نجوید، در اندک وقتی همه سرمایه آن بر باد می‌رود و تهی دست و بیچاره می‌ماند، پس همچنین آدمی اگر

هر چندی یک بار به محاسبه اعمال اعضاء و جوارح خود نپردازد و طاعات و حسنات خود را موازنه نکند و سود و زیان عمر خود را که سرمایه اوست، ملاحظه ننماید، عاقبت امر او به هلاکت منجر می شود....

بدان که عقل در بدن آدمی به منزله تاجر راه آخرت است و سرمایه او عمر، و در این میان نفس معین و یادآور او در این تجارت است. پس نفس به جای شریک یا غلام راه آخرت است که با سرمایه او تجارت می کند و نفع این تجارت، تحصیل اخلاق حسنه و صفات فاضله و اعمال صالحه است که وسیله رسیدن به نعیم ابدی و سعادت سرمدی است و نقصان آن از کسب اوصاف رذیله و ارتکاب معاصی است که باعث وصول به درکات جحیم و عذاب الیم است و موسم این تجارت ایام زندگانی است و بازار آن دنیا است، همچنان که هر تاجری ابتدا با شریک خود شرط پیمان می کند که چه معامله بکند و چه بفروشد و بعد از آن خود مراقب احوال آدمی گردد و از هر طرف مترصد و متوجه آدمی باشد که از شرط تجاوز نکند و پیمان را نشکند و مایه را تلف نکند و اگر جای خطایی از او دید او را آگاه می سازد و بعد از این ها، محاسبه او فرامی رسد، اگر سرمایه را تلف کرده است او را مواخذه می کند و غرامت از او می ستاند، همچنین عقل انسانی باید در شراکت نفس و تجارت با آن، این اعمال را به جا آورد و مجموع این اعمال را رابطه گویند که مرکب است از چهار امر.

اول مشارطه است و آن عبارت از این است که در هر شبانه روزی یک دفعه با نفس شرط کند و از آن عهد و پیمان گیرد که پیرامون معاصی نگردد و چیزی که موجب سخط الهی باشد از آن صادر نشود و در طاعات واجبه کوتاهی نکند و هر عمل خیری که از برای او میسر شود، ترک نکند و بهتر آن است که این عمل را در ابتدای روز بعد از فراغ از نماز صبح و تعقیبات آن کند، به این نوع که نفس خود را در مقابل خود فرض کند و با آن خطاب کند و بگوید، ای نفس من سرمایه و بضاعتی غیر از این چند روزه عمر ندارم، اگر این از دست من در رود، سرمایه من برباد رفته و امروز روز تازه ای است که خدا مرا در آن مهلت داده و اگر امروز مرده بودم، آرزو می کردم کاش یک روز دیگر خدا مرا به دنیا برگرداند که در آن توشه تحصیل کنم. پس ای نفس چنان تصور کن که مرده بودی و آرزوی مراجعت می کردی و تو را به دنیا بازگردانیدند. پس زنهار! زنهار! که این روز را ضایع نکنی که هر نفسی از آن، جوهری است گرانبه که عوض ندارد و می توان با آن گنجی خرید که بادالابد راحت آن بماند.

... پس سفارش بسیار به نفس کند و در خصوص این که هر امری که در آن شبانه روز می خواهد بکند، عاقبت آن را نیک ملاحظه کند.

دوم از اجزاء آن مراقبه است و آن عبارت از این است که در تمام شبانه روز متوجه نفس خود باشد و در هر کاری که می خواهد بکند، مراقب احوال آن باشد، چه اگر آن را به خود واگذاری همه آن سفارش های گذشته را فراموش می کند و عهد و پیمان را می شکند، پس باید در هیچ حالی از آن غافل نشده و در لحظه آن را به خود وانگذاشت و حالات آن از سه قسم بیرون نیست یا مشغول طاعتی است یا معصیتی یا به امر مباحی چون اکل و شرب و امثال آن پرداخته است.

پس در حال طاعت باید مراقب آن بود که نیت آن فاسد نشود و میل به ریا و اغراض دیگر نکند و حضور قلب را دست برندارد و اچپ پروردگار را نگاه دارد و آن طاعت را ناقص نسازد و در حال معصیت باید متوجه آن بود که مرتکب نگردد و آن را ترک نکند و اگر از آن سر زده باشد، دفعه آن را به توبه و انابه بدارد و او را امر کند که کفاره آن را به جا آورد و در

حال اشتغال به امر مباحی، متوجه باشد که آداب شرعیه آن را به جا آورد، مثل این که اگر چیزی بخورد دست‌ها را بشوید و بسم الله بگوید و همچنین سایر آدابی که از برای اکل رسیده و اگر بنشیند، مراقب آن باشد که رو به قبله باشد و اگر بخوابد، امر کند آن را که وضو بسازد و بر دست راست رو به قبله بخوابد و همچنین در سخن گفتن و راه رفتن و سایر حرکات و سکنات خود متوجه باشد که از استقامت بیرون نرود و اگر بلاء و مصیبتی حادث شود، متوجه باشد که دل را در میدان هوا و هوس نتازد و آن را به فکرهای بیهوده و آرزوهای بی حاصل مشغول نسازد و وساوس شیطانیه و افکار باطله را در آن راه ندهد، بلکه فکر آن در چیزی باشد که به کار دنیا یا آخرت آن آید و در امری باشد که ثمره در آن مترتب شود و اگر تواند، نوعی متوجه و مراقب آن باشد که به جز یاد خدا و فکر در عجایب صنایع آن در آنجا داخل نشود و به غیر از ذکر او در آن خانه راه نیابد.

سوم از اجزاء مرابطه و اعمال آن محاسبه است بعد از عمل و همچنان که بنده باید در اول هر روز وقتی را معین کند از برای محاسبه تا در آن وقت از نفس، حساب وصیت‌هایی که در اول روز کرده بود و عهدهایی که گرفته بود بکشد و حساب جمیع حرکات و سکنات را از آن بجوید، همچنان که در آخر هر سالی با شرکای خود حساب می‌کند و این امری است که بر هر که معتقد روز حساب و سالک راه آخرت باشد، لازم است و در اخبار وارد شده است که از برای عاقل باید در شبانه روزی چهار وقت باشد. یک وقت که با پروردگار خود خلوت کند و راز گوید و یک وقت که در آن حساب نفس خود کند و یک وقت که مشغول تربیت بدن و اکل و شرب باشد و از این جهت بزرگان دین و سلف صالحین در محاسبه نفس خود نهایت سعی و اهتمام داشته به نحوی که این را از جمله امور واجبه خود می‌شمردند و در محاسبه با نفس خود از پادشاه خشمناک شدیدتر و از شریک لئیم، بخیل‌تر و دقیق‌تر بوده‌اند و چنین می‌دانستند کسی که محاسبه نفس خود را دقیق‌تر از محاسبه شریک و عامل خود نکند، از اهل تقوی و ورع نیست، بلکه یا اعتقاد به روز حساب ندارد یا احمق است، زیرا عاقلی که اعتقاد به شدايد حساب آن روز و رسوایی و فضیحت و حیا و خجلت آن داشته باشد و بداند که محاسبه نفس در دنیا آن را ساقط می‌کند یا سبک‌تر می‌سازد، چگونه آن را ترک می‌کند.

مخفی نماند که کیفیت محاسبه نفس آن است که در وقتی که در آخر روز معین کرده، بنشیند و نفس خود را مصور سازد و ابتدا محاسبه واجبات را از آن بجوید، پس اگر همه آن‌ها را درست به جا آورده باشد، آن را دعا کند و شکر خدا را از آن بجوید. پس اگر همه آن‌ها را درست به جا آورده باشد، آن را دعا کند و شکر خدا را به جا آورد و آن را ترغیب بر مثل آن نماید و اگر چیزی از آن‌ها ترک کرده باشد، از آن قضای آن را مطالبه کند و به وعده آن فریب نخورد که بسیار بد حساب است و باید دفعاتاً آن را بر قضا بدارد و اگر نقصانی در آداب و شرایط آن‌ها باشد، تدارک آن را به نافله و امثال آن بکند و بعد از آن حساب معاصی آن را برسد و اگر معصیتی مرتکب نشده باشد، شکر خدا را کند و اگر مرتکب شده باشد، در مقام نکوهش و عتاب نفس برآید و آن را به عذاب افکند و زجر کند و همچنان که در حساب دنیا دقت می‌کند و از حبه و قیراط و نقیر و تقطیر تنفیش می‌نماید و باریک می‌شود که مغبون نگردد. همچنین باید در کار آخرت دقت و تفتیش کند از افعال نفس و بر آن تنگ بگیرد و از حيله و ریا و مکر و فریب احتیاط کند، زیرا که آن مکاره‌ای است که انواع خدعه‌ها می‌کند و مشبه می‌کند. پس باید هر آدم عاقل جواب صحیح از جمیع کردار و گفتار نفس خود مطالبه کند و خود به حساب خود برسد،

پیش از آن که در صحرای قیامت دیگری به حساب او برسد و باید هیچ چیز را مهمل نگذارد و حساب جمیع آنچه گفته و کرده و دیده و شنیده از نگاه کردن و نشستن و برخاستن و خوردن و خوابیدن و آشامیدن حتی از سکوت آن سوال کند که چرا ساکت شد و از افکار و خواطر قلبیه و صفات و اخلاق، پس اگر از عهده جواب جمیع برآید، به نحوی که از حق تجاوز نکرده باشد و چیزی از واجبات را ترک نکرده باشد و مرتکب معصیتی نشده باشد، از حساب آن روز فارغ است و هیچ چیز باقی ندارد و اگر در چیزی کوتاهی کرده و از جواب صحیح آن عاجز ماند، آن را در دل خود ثبت کند، همچنان که تاجر باقی شریک را در دفتر حساب خود ثبت می کند و بعد از ثبت آن در مقام معاتبه و مطالبه غرامت آن برمی آید.

چهارم و آن آخر اعمال مربوطه است و آن معاتبه و استیفاء است و عبارت از آن است که بعد از آن که در آخر روز حساب نفس خود را رسید و آن را خیانت کار و مقصر یافت، سزاوار نیست که مسامحه کند و آن را مهمل گذارد، چه این باعث جرأت نفس می شود و معتاد به خیانت و تقصیر می گردد و بعد از آن بازداشتن آن در نهایت صعوبت می شود، پس باید ابتدا در مقام عتاب نفس برآید و بگوید: اف بر تو ای نفس خبیث.

به غفلت با یکی عمری چنین تنگ به منزل کی رسی پایی چنین لنگ

آخر ای دشمن خود و من، مرا هلاک ساختی و به ورطه شقاوت انداختی، عنقریب است که در درکات جحیم با شیطان رجیم، معذب به عذاب الیم خواهی بود. ای نفس اماره خبیثه، بی شرمی تا کی و بی حیایی تا چند، جهل و غفلت تا کجا، حمق و سفاهت تا چه حد، پیش روی تو بهشت و دوزخ آماده است و ناچار در یکی از این دو افتاده است نمی بینی که ناگاه مرگ بی خبر می رسد و تا می نگری فرصت از دست رفته است. وای بر تو ای نفس خبیث، پس وای بر تو می دانی که خداوند علیم بر امور تو مطلع و آگاه است و با وجود این در حضور او جرأت بر عصیان او می کنی و اگر چنین می دانی که او تو را نمی بیند، پس تو از زمره کفاری و دین اسلام را از تو تنگ و عار است، ای نفس منافق، تو دعوی ایمان می کنی و دم از اسلام می زنی و خدا را حاضر و ناظر می دانی، گرفتم که از عذاب او اندیشه نداری و به رحم او امیدواری، آخر حیا و شرم تو چه شد که کسی را که امیدگاه تو است، هر روز در حضور او عصیان می کنی و به خلاف فرموده او رفتار می نمایی ای نفس خبیث و ای بی شرم منافق اگر طعام لذیذی حاضر باشد که تو بسیار راغب به آن باشی، یهودی تو را خبر دهد که زهر در آن طعام است، ترک آن می کنی یا طبیب فاسقی گوید که فلان غذا کشنده است، دست از آن می کشی و نمی گویی که گاه است این شخص دروغ بگوید یا خطا کرده باشد یا قوت مزاج من دفع آن کند یا خدا با قدرت کامله خود منع اذیت آن کند، همچنین اگر طفلی گوید عقربی به جامه تو داخل شد، سپند آسا از جا می جهی و جامه را می کنی و حال این که گاه است آن طفل دروغ گفته باشد یا عقرب او را نگزد، پس چگونه شد که قول خدا و پیغمبران مرسل او و گفته اولیا و حکما و علما در نزد تو از قول یهودی یا فاسقی یا طفلی کمتر است و به احتمال عفو و کرم، در معاصی نظر می کنی، چرا به احتمالاتی که مذکور شد، در گفته ایشان التفات نمی نمایی. مکرر امثال این معاتبات را با نفس خود کند، بعد از آن در مقام زجر و تنبیه آن برآید و آن را به عبادات شاقه و تصدق اموال مرغوبه خود و تلافی تقصیرات خود بدارد، چنان که اگر لقمه مشتبّه با حرام خورده باشد، آن را گرسنگی دهد و اگر زبان به غیبت مسلمانان گشوده باشد، مدح او کند یا زبان را به سکوت تنبیه کند یا به ذکر بسیار، غرامت از آن بکشد و اگر در نماز سهل انگاری کرده باشد، نماز بسیار به جا آورد و اگر به فقیری استخفاف کرده باشد، مال بسیاری به او بدهد و

همچنین در سایر معاصی و تقصیرات و مخفی نماند که نفس سرکش را به زیر بار این عقوبت‌ها و زحمت‌ها کشیدن، به دو چیز آسان می‌شود، اول ملاحظه اخباری که وارد شده است در فضیلت ریاضت نفس و مجاهده با آن و ثواب و طاعات و خیرات، همچنان که از حضرت امام جعفر صادق، علیه‌السلام، مروی است که فرمودند خوشا به حال بنده که با نفس و هوا و هوس خود جهاد کند و هر که لشکر هوای خود را بشکند، به رضای پروردگار ظفر می‌یابد و هر که عقل او بر نفس اماره‌اش غالب شود، به جهد و طاعت، پس به تحقیق که به فوز عظیم فایز گشته است.

دوم همنشینی اهل عبادت و هم صحبتی کسانی که ساعتی از زحمت طاعت خود را فارغ نمی‌گذارند و نفس خود را به انواع زحمات مشقت می‌دهند، چه ملاحظه احوال و اعمال ایشان باعث شوق و رغبت می‌گردد و سبب اقتدا و پیروی ایشان می‌شود و یکی از نیکان می‌گوید که هر وقت در عبادت سستی از برای من حاصل می‌شد، می‌رفتم به دیدن بعضی از عبادت کنندگان و چون او را می‌دیدم، تا یک هفته به شوق تمام به عبادت و طاعت اقدام می‌کردم و لکن در امثال این زمان، این امر دست نمی‌دهد، چه در این عصر یافت نمی‌شود کسی که چون پیشینیان دامن همت بر کمر زده، وقت خود را وقف عبادت الهی کرده باشد.

پس باید در این زمان اکتفا به مطالعه احوال گذشتگان و خواندن حکایات ایشان را کند و بر کیفیت اعمال ایشان مطلع گردد.

از اصحاب سید اولیاء و سرور اوصیاء می‌گوید که روزی نماز صبح را در عقب آن بزرگوار خواندم، چون آن حضرت سلام نماز داشت، به دست راست گشت و اثر حزن و ملال در رخسار مبارک آن برگزیده ملک متعال هویدا بود و چنین نشستند تا طلوع آفتاب. پس دست مبارک حرکت دادند و فرمودند که والله هر آینه دیدم اصحاب محمد را که امروز یکی مثل ایشان نمی‌بینم، داخل صبح می‌شدند، پریشان مو و غبار آلود با چهره‌های زرد، شب را به بیداری به سر برده، گاهی در سجده و زمانی ایستاده، چون نام خدا می‌بردند، بر خود می‌لرزیدند، چنان که درخت در روز باد تند می‌لرزد و اشک‌های ایشان چنان جاری می‌شد که جامه ایشان را تر می‌کرد و او یس قرنی که یکی از اصحاب جناب امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، بود، شب‌ها نخفتی، یک شب گفתי این شب رکوع است و همه شب به رکوع بودی تا طلوع صبح و یک شب گفתי این شب سجود است و به سجده رفتی تا طلوع صبح، و در آثار رسیده است که مردی با زنی تکلم کرد و دست بر ران او گذاشت و دفعه‌ای هشیار شد، ندامت به او روی داد، دست خود را بر آتش نهاد تا همه گوشت آن برفت و دیگری به زنی نگاه کرد، هماندم آگاه شد، چنان مثنی بر چشم خود بزد که کور شد. شخص دیگری به نامحرمی نگاه کرد، پس با خود قرارداد که دیگر تا زنده است آب سرد نیاشامد، پس آب را گرم کردی و نوشیدی. و کسی پرسید که فلان شخص چرا خوابیده است و به این سبب یک سال خواب را بر خود حرام کرد.

دیگری تازیانه در برابر خود آویخته بود، چون در عبادت سستی در خود می‌یافت، آن را برمی‌داشت و به پای خود می‌زد و دیگری در زمستان در بام خفتی و تابستان در اندرون خانه تا او را خواب راحت نبرد و به جهت عبادت بیدار شود....

بلی رهروان راه آخرت چنین بوده و جاده عبادت را به این طریق پیموده‌اند، نه مانند غفلت‌زدگان بی‌خبر. پس ای برادر، گاهی احوال ایشان را مطالعه کن و حکایت ایشان را ملاحظه نما و زنه‌ار و زنه‌ار که از هم صحبتی اهل این عصر پا بکش و به رفتار ایشان نظر مکن که در میان ایشان کسی نیست که دیدار او تو را سودی بخشد...».

کندی مراقبه‌ای شدیدتر از فیض کاشانی و نراقی را پیشنهاد می‌کند، وی می‌نویسد، فرد باید چنان مراقب خویش باشد که اگر خطای دیگران را نیز ملاحظه کرد، چنان مذمت نفس را کند که انگار آن خطا از خود وی صادر شده است. خواجه نصیر، قول کندی را چنین نقل می‌کند:

«و اما یعقوب کندی که از حکمای اسلام بوده است، می‌گوید: باید که طالب فضیلت از صورت‌های آشنایان خویش آینه‌ای سازد تا از هر صورتی وضعی که مستتبع سیئه‌ای افتد، استفادت کند و بر سیئات خود اطلاع یابد، یعنی تفقه بر سیئات مردمان کند و بر هر یکی از آن، خود را به مذمت و عتاب ملامت کند. چنان که گویی مگر آن فعل از او صادر شده است، و در آخر هر شبانه روزی، تفحص هر فعلی که در آن شبانه روز کرده باشد، به استقصاء بی‌اهمال فعلی، به تقدیم رساند، چه زشت باشد که در حفظ آنچه اتفاق آن اتفاق افتاده بود، از سنگ پاره‌های رکیک و گیاه ریزه‌های خشک که به عدم آن چیزی از ما نقص نشود، اجتهاد کنیم و در حفظ آنچه از ذوات ما اتفاق می‌افتد که بقای ما بر توفیر آن مقدر است و فنای ما بی‌تقصیر آن مقصور، اهمال نماییم، و چون بر سیئه‌ای وقوف یابیم، در ملامت نفس مبالغت واجب دانیم و حدی بر او اقامت کنیم که در تضييع آن رخصت را راه ندهیم، چه اگر چنین کنیم نفس از مساوی ارتداع نماید و با حسنات الفت گیرد و همیشه باید که قبایح در پیش خاطر ما بود تا آن را فراموش نکنیم و همین شرط در حسنات رعایت کنیم تا از ما فوت نشود».

۳-۲- محاسبه و مراقبه معمول رزمندگان

بررسی واقعه نویسی‌ها و خاطرات رزمندگان حکایت از آن دارد که محاسبه و مراقبه نفس به شکل معمولی که در کتاب‌های اخلاقی از آن یاد شده است، در سطح اقشار قابل تأملی از رزمندگان وجود داشت. به این معنا که برخی رزمندگان نه تنها دست به ارزیابی مستمر اعمال و رفتارهای خویش می‌زدند، بلکه به مراقبت در احوالات خویش و مراقبت‌های اجتماعی نیز امعان نظر داشتند. پنهان نگه داشتن تأمل‌های درونی، خودسازی و عبادات خویش، مخفی نگه داشتن کمک‌های خیرخواهانه خود، پنهان نگاه داشتن مدارج مادی و معنوی خویش، تلاش برای ناشناخته ماندن و پرهیز از مطرح شدن در برابر دیگران، از دیگر موارد مورد توجه رزمندگان در مراقبه و محاسبه نفس آنان بود.

علاوه بر آنچه از آن یاد شد، رزمندگان سالک می‌کوشیدند تا از راحت‌طلبی و لذائذ دنیوی حتی المقدور استتکاف ورزند، به نفس خویش سختی و ریاضت بدهند و با تحقیر و تخفیف نفس سرکش، آن را مهار کنند. حلالیت‌طلبی جهت خطاهای پیشین و تنبیه خویش جهت خطاهای صورت پذیرفته، وجوه دیگری بودند که در مراقبه و محاسبه نفس رزمندگان ملاحظه می‌شدند. در ادامه، به شرح عناوین مطرح شده پرداخته خواهد شد.

۳-۲-۱- ارزیابی مستمر اعمال و رفتارهای خویش

برخی از رزمندگان در تلاش برای اعتلای رفتاری خویش، می‌کوشیدند با استعانت از مراقبه و محاسبه نفس به این مهم نایل آیند، از این رو یا دفترچه خاصی را به مراقبه و محاسبه نفس خویش اختصاص می‌دادند (احدی، به کوشش کمری، ۱۳۶۷) و یا در برگه مخصوصی به حساب و کتاب اعمال و رفتارهای خویش می‌پرداختند (مخدومی، ۱۳۷۷، جمالی ۱۳۸۷) و یا آن که به اعمال و رفتارهایی که از خودشان سر می‌زد، نمره می‌دادند و بر مبنای این نمرات به تشویق یا تنبیه خویش می‌پرداختند (جدید الاسلامی، ۱۳۷۷). موارد زیر نمونه‌هایی از ارزیابی مستمر اعمال و رفتارهای خویش به شمار می‌آیند:

«این دفترچه را از کنار اسکلت برجای مانده یک رزمنده یافتیم. در قسمتی از آن نوشته شده است:

۶۳/۵/۴ گناهان امروز:

سجده نماز طولانی نبود،

زیاد خندیدم.

هنگام فوتبال شوت خوبی زدم که خودم خوشم آمد.

این‌ها گناهان یک روز شهید شانزده ساله‌ای از زهتان (یکی از شهرهای اطراف اصفهان) است» (داوودآبادی، ۱۳۷۹).

«شهید لطف علی عباسی دفتری داشت که هر شب فعالیت‌هایی که در آن روز انجام داده بود را در آن ثبت می‌کرد و سپس به مقایسه با روزهای قبل می‌پرداخت و به اصطلاح حاسبوا قبل ان تحاسبوا را به دقت انجام می‌داد. در پایان اگر قصوری مشاهده می‌کرد، چند رکعت نماز می‌خواند و از خداوند طلب مغفرت می‌کرد. شهید عباسی این عمل را حتی در شب سخت جزابه میان باران گلوله هم ترک نکرد» (یوسفی کوپایی، ۱۳۷۵).

۳-۲-۲- مراقبت در احوالات خویش

مراقبه و در پی آن محاسبه، از امور مهمی هستند که در بحث مراقبه و محاسبه نفس مطرح هستند، از این رو رزمندگان زیادی می‌کوشیدند با استفاده از فضای جبهه و جنگ، با بریدن از علقه‌های دنیایی، بر مراقبت ارزشی و انسانی خویش بیفزایند. شهید احمدرضا نعمتی، قبل از رفتن به جبهه تمامی عکس‌ها و نامه‌های خویش را سوزاند تا شائبه حتی کوچک‌ترین نفس‌خواهی‌ها را به دست باد سپرده باشد:

«شهید احمدرضا نعمتی می‌خواست همه کارهایش خالص برای خدا و به دور از ریا باشد. او مدتی قبل از وداع، تمام آثار خود از جمله عکس‌ها و نامه‌هایش را سوزاند. حتی وصیتنامه‌ای از او باقی نمانده است. اگر جایی از او تعریف و تمجید می‌کردند، سریع، موضوع را عوض می‌کرد، همان‌گونه که دوست می‌داشت ساک او هم به دست ما نرسد تا اثری از او باشد. او هرگز اشاره‌ای به دوران زندانی بودن خودش نمی‌کرد، حتی از شکنجه‌هایش برایمان نگفته بود. مدت‌ها به گونه‌ای می‌نشست که کف پاهای سوخته‌اش نمایان نباشد و برای همین اکثر اوقات جوراب می‌پوشید. او می‌خواست گمنام بماند.

روزی به او گفتم، در زندان با تو چه کردند؟!

گفت: اگر من بخواهم برای شما بگویم، نه من پیش خدا اجری دارم و نه شما اجری می‌برید. پس نه شما بدان و نه من

می‌گویم! (لطیفی، نوری و داوری، ۱۳۷۵).

تن سپردن به کارهای به ظاهر پیش و پا افتاده، مقوله دیگری برای تأدیب و تهذیب نفس سرکش به شمار می‌آمد:

«بیشتر از همه، شهید یوسف الهی به دلم نشست که هم آشپزی می کرد، هم واکس می زد و هم آرایشگاه صلواتی و کلاس اخلاق داشت. فرمانده و مسوول اطلاعات شناسایی هم بود» (نسایی، ۱۳۹۰).

رزمندگان دیگری می کوشیدند تا در کنار انجام واجبات، ضمن پرهیز از حرام و حتی مکروهات، از انجام مستحبات نیز غفلت نورزند:

«اسرای صبور و مقاوم اسلام، دقت خاصی در انجام وظایف و تکالیف دینی خودشان داشتند. آنان مستحبات را حتی المقدور انجام می دادند و سعی می کردند همیشه با وضو باشند و برخی تا آنجا که ممکن بود، رو به قبله می نشستند.

خیلی ها نماز شبشان ترک نمی شد و از روزه های مستحبی نیز غافل نمی شدند» (کمیلی، ۱۳۸۱).

حفظ ظواهر ساده، تراشیدن موهای سر، پوشیدن البسه ساده و مندرس (اکبر، ۱۳۷۴، مشتاقی نیا، ۱۳۸۳)، پنهان کردن اندام ورزیده خویش در لباس های گشاد (ایروانی، ۱۳۷۳)، حیا ورزیدن در امور روزمره (مانند پنهان کردن لباس های شسته شده زیر، در زیر لباس های دیگر) (عباسی، ۱۳۸۸)، پرهیز از تعارف های زبانی (حسینی، ۱۳۸۴)، انداختن سنگی در دهان برای جلوگیری از حرف زدن های بیهوده و احیاناً غیبت (بیدار مغز، ۱۳۷۶) و رعایت ادب در عبادت (عباسی ۱۳۸۸)، مصادیق دیگری از مراقبه رزمندگان را به دست می دهند.

همسر شهید بابایی در وصف وی بیان می دارد، با بالاتر رفتن مدارج نظامی شهید بابایی، مراقبه او بیشتر و بیشتر می شد و با پس دادن امکانات رفاهی که در اختیار داشت، امکانات کمتری را برای خود و خانواده اش فراهم می آورد (اسفندیاری، ۱۳۸۰).

۳-۲-۳- مراقبه اجتماعی

رزمندگانی که به استقبال مراقبه و محاسبه نفس خود می رفتند، در فرازی از مراقبه هایشان، با توجه به جامعه، می کوشیدند تا مبدا با رفتار خود آسیبی به بیت المال و یا دیگران وارد کرده یا مانعی در برابر تعالی آنان پدید بیاورند. عارفی (۱۳۸۸)، جمشیدیان (۱۳۷۵) و عباسی (۱۳۸۸)، به توصیف نمونه هایی از مراقبه اجتماعی رزمندگان پرداخته اند:

«شهید پایدار هیچ وقت برای کارهای شخصی از امکانات گردان استفاده نمی کرد. حتی یک بار وقتی با موتور برای مأوریت می رفت، یکی از دوستانش او را صدا می کند و شهید پایدار موتور را متوقف می کند و پیاده می شود و به طرف دوستش می رود. دوستش می پرسد: برای چی از موتور پیاده شدی و این مسافت طولانی را پیاده آمدی؟

شهید پایدار خیلی کم حرف و تودار بود و خیلی هم مواظب بود که عمل یا سخنی نگوید که ریا شود. به همین علت جواب دوستش را نمی دهد. وقتی ایشان برخوردی را که با شهید داشت، برای ما تعریف کرد. ما متوجه علت رفتار او شدیم. شهید پایدار با دیدن دوستش از موتور پیاده شده بود تا حتی ۲۰۰ متر هم از موتور برای کارهای شخصی اش استفاده نکند» (عارفی، ۱۳۸۸).

«ماه مبارک رمضان بود. زمان مرخصی نیروهای گردان رسیده بود. بچه ها همه مرخصی رفتند. اما علی جانی بیشترین مرخصی را تقاضا کرد.

وقتی که از او پرسیدم: آقا تقی این همه مرخصی را برای چه می خواهی؟

گفت: رأستش می خواهم بنایی کنم، آخر هنوز کار ساختن خانه ام به پایان نرسیده است.

زمان بازگشتن نیروها شد و گردان عازم خط پدافندی جاده خندق بود. با تعجب دیدم که او با وجود تمام نشدن مرخصی خودش، بازگشته است.

از او پرسیدم: مگر قرار نبود بنایی کنی؟ پس چرا زود برگشتی؟

در جواب گفت: برای بنا و کارگران، روزه‌داری و کارکردن در تابستان، مشکل ایجاد می‌کرد و کار کردن مانع از انجام فریضه روزه آنان می‌شد. چون نمی‌خواستم کسانی خانه‌ام را بسازند که واجبشان ترک شده، بنابراین بازگشتم تا در فرصتی دیگر به تکمیل خانه پردازم... اما شهادت به او فرصت تکمیل خانه‌اش را نداد» (جمشیدیان، ۱۳۷۵).

«روزی ربیعی از شناسایی برگشته بود و از تشنگی، لبانش خشک شده بود. در کلمن آب یخ نداشتیم. از یخدان چوبی، یک کمپوت زردآلوی خنک به او دادم. از خنکی آن تعجب کرد و پرسید، حاج آقا، از این‌ها به کل نیروها داده‌ای؟ گفتم نه پسر، بچه‌ها هفتصد و پنجاه نفرند و کمپوت‌ها بیست تا بیشتر نیست. کمپوت را زمین گذاشت و گفت دیواری کوتاه‌تر از دیوار ربیعی پیدا نکردی؟ بلند شد و از کلمن آب گرم خورد» (عباسی، ۱۳۸۸).

در موارد دیگری برخی از رزمندگان برای آن که مبدا دل کودک شهیدی را بشکنند، یا دیر به خانه می‌رفتند تا کودکی آن‌ها را در بیرون نبیند (محمدی، ۱۳۸۴) و یا وقتی فرزند خود را جایی می‌بردند، با فاصله از او راه می‌رفتند تا اگر احیاناً فرزند شهیدی هم آن‌ها را دید، دل شکسته و آزرده خاطر نشود (اسماعیلی، ۱۳۷۵).

۳-۲-۴- پنهان نگه داشتن تأمل‌های درونی، خودسازی و عبادت خویش

بعضی از رزمندگان سالک برای مهار نفس خویش، می‌کوشیدند تا اگر تأمل درونی و یا عبادت و خودسازی دارند، حتی- الامکان آن‌ها را دور از چشم دیگران انجام دهند تا شائبه غرور و خودخواهی آن‌ها را نگیرد و نفس آن‌ها را به تلاطم نیندازد. شفیع (۱۳۷۳) در نمونه‌ای در این جهت گزارش می‌دهد:

«محسن کریمی را برای اولین بار در منطقه دیدم که به تنهایی مشغول خواندن دعا و مفاتیح بود. هیچ گاه، چنین اعمالی در مقابل بچه‌ها انجام نمی‌داد. او را دیدم که در هوای تاریک در مقابل یکی از جنازه‌های عراقی نشسته بود و با آن‌ها صحبت می‌کرد. شنیدم که می‌گفت: ای بیچاره‌ها، در دنیا چه کرده بودید که به این روز افتادید؟ مگر با خدا چه کردید که او با شما این چنین کرد؟! این چنین کرد؟!»

واقعاً عجیب بود. نگاه به آن جنازه‌ها در روز هم چندش‌آور بود، چه برسد به هنگام غروب و پس از آن مدت که از مرگشان گذشته بود و بوی آن‌ها نیز مشام را آزار می‌داد» (شفیعی، ۱۳۷۳).

فهیمی (۱۳۷۳) و بنی‌لوحی (۱۳۷۸) نیز به گزارش موارد مشابهی اقدام کرده‌اند.

۳-۲-۵- مخفی نگه داشتن کمک‌های خیرخواهانه خویش

کمک‌های نועدوستانه به افراد مستمند و نیازمند، امر بدیهی است که سالکان طریق دوست بدان دست می‌یازند، اما این سالکان برای جلوگیری از فریفته شدن نفسشان، انجام این امور خیرخواهانه را از چشم دیگران و حتی همسرشان پنهان نگاه می‌داشتند، جعفریان (۱۳۸۸) و بهشتی (۱۳۹۲) از زبان همسران شهید حاج مهدی طیاری و حمید ایران‌منش گزارش می‌دهند:

«چیزی از زمان دفن پیکر پاک حاج مهدی نگذشته بود. روزی سر مزارش رفته بودم. دقیقاً یادم نیست. سوم شهید بود یا هفتم. کنار مزار، توی حال خودم بودم. در آن حال همسر یکی از شهدای جیرفت آرام کنارم نشست. او بعد از قرائت فاتحه شروع به گریه کرد. طوری گریه می کرد که گویی حاجی برادرش است. آن زن بعد از کمی گریه، اشک هایش را با گوشه چادرش پاک کرد و گفت: فدای تو بشوم. تو برای شهید طیاری گریه نکن، بگذار من گریه کنم.

با تعجب گفتم: چرا، مگر شما شهید طیاری را می شناسی؟

او آهی کشید و در جوابم گفت: خواهر، با آن که شما همسر شهید طیاری هستی، فکر می کنم، به طور کامل پی به شخصیت والای او نبرده ای، شهید طیاری سرپرست بچه های من بود. او هر وقت از جبهه می آمد، مبلغی پول را برای ما می آورد. او مرتب به بچه هایم سر می زد و حال و احوالشان را می پرسید» (جعفریان، ۱۳۸۸).

«درست است که حمید به حمید چریک معروف بود و این لقب آدمی را به ذهن می آورد که جنگجو و خشن است، اما من دلسوزتر و مهربان تر از او سراغ نداشتم. به فقرا تا می توانست کمک می کرد و از من هم مخفی می کرد. می گفت این کارها را فقط باید یک نفر بفهمد» (بهشتی، ۱۳۹۲).

۳-۲-۶- پنهان نگه داشتن مدارج مادی و معنوی خویش

پرهیز از طرح کارها و اقدامات متهورانه و کم نظیری که برخی از سالکان طریق دوست داشتند، برای آنان امری جا افتاده و مرسوم است. از همین رو در جریان بررسی خاطرات بسیاری از رزمندگان به عیان ملاحظه می گردد که آنان نهایت تلاش خود را برای پنهان داشتن مقامات دنیوی و معنوی خویش به کار برده و یا آن را منتسب به حضرت حق کرده اند:

«هر جا که شبهه ای از شهرت بود، اصغر لاوی از طرح اسم خودش دوری می کرد. زمانی که هنگامه حماسه و دلیرمردی فرا می رسید، مردانه مبارزه می کرد و افتخار آن را به دیگران نسبت می داد.

در یک درگیری به اتفاق دو نفر دیگر از برادران، با استفاده از اصل غافلگیری و بستن عقبه دشمن، یک گردان پیاده عراق را به اسارت گرفت و با توافقی مثال زدنی آن را کار خدا خواند» (لقمانی، ۱۳۷۸).

محمدی (۱۳۸۳) از ناشناخته بودن شهید تجلایی در محله شان خبر می دهد. بهشتی (۱۳۹۲) و فکوری (۱۳۸۸) از مخفی نگاه داشتن مقام رزمندگان از همسرانشان گزارش داده و قربانی (۱۳۷۶) خاطرنشان می سازد، شهید محمد نصراللهی حتی جراحات و مجروح شدن خویش را از اهل خانواده اش مخفی نگاه می داشت، همان گونه که حاج احمد متوسلیان جراحات های بدن خود را از دید هم رزمانش پنهان نگه می داشت (نرم افزار چند رسانه ای شاهد، ویژه حاج احمد متوسلیان).

فکوری (۱۳۸۸) در گزارش زندگی شهید علی آقا ماهینی از پنهان کاری های وی در مدارج مادی و معنوی چنین گزارش می دهد:

«روزی دیدیم با آمبولانس آوردنش. از او پرسیدیم: چطور زخمی شده ای؟ زخم چقدره؟

خندید و گفت: یک خراش کوچک زیر پایم افتاده است و اذیتم می کند.

از ما اصرار که بیشتر توضیح بده، از او انکار. بعد هم به خاطر این که ما نفهمیم وضعیتش چطور است، گفت به زهر خواهرش بگویند، زخم باز و بسته کردن پانسمان من را بکشد. زهر را قسم داده بود که از دیده هایش با کسی حرف نزنند. ما هم تا

لحظه شهادت نفهمیدیم که پایش در عملیات روی مین رفته و پاشنه‌اش را از دست داده! حتی رزمندگانی که در جبهه با او بودند، نمی‌دانستند که یک پاشنه او چوبی است و این پاشنه را هم خودش ساخته است».

«روزی طبق معمول با برادر موحدی برای کنترل سنگرها و مسیر رفتیم که دیدم علی آقا هشت، نه نفر از بچه‌ها را دور خودش جمع کرده است و برایشان قرآن می‌خواند.

نرسیده به بچه‌ها دیدم پوست هندوانه بزرگی به زمین افتاده. تعجب کردم، چون آن زمان تدارکات به این سادگی‌ها نبود که بتوانند هندوانه به جزیره بیاورند. سلامی کردم و گفتم: بچه‌ها خیر است! هندوانه از کجا رسیده؟ گفتند: از دعای علی آقا.

بعد تعریف کردند که کلاس قرآن علی آقا که تمام شد، هر کس هوس چیزی کرد، اما علی آقا گفت: در این گرما اگر خدا برساند، فقط یک هندوانه خنک می‌چسبد.

چند دقیقه‌ای نگذشته بود که چشم یکی از بچه‌ها به هندوانه بزرگی در آب نهر افتاد. اول فکر کردیم پوست هندوانه است، اما وقتی با تکه چوبی آن را از نهر بیرون آوردیم، دیدیم هندوانه‌ای با هفت، هشت کیلو وزن است. به محض این که علی آقا هندوانه را دید، با دست به سرش کوبید و فرار کرد. آن لحظه هم شرمنده و سر به پایین نشسته بود، انگار خجالت می‌کشید در چشم کسی نگاه کند».

۳-۲-۷- تلاش برای ناشناخته ماندن

رزمندگانی که طریق مراقبه و محاسبه نفس را در پیش گرفته بودند، می‌کوشیدند تا حد ممکن ناشناس باقی بمانند تا مبادا دیگران به دلیل مقام و منصب آن‌ها یا اعتبار اجتماعی آنان، توجهی بیش از دیگران به سمت آن‌ها معطوف دارند. قلی‌زاده و غیور (۱۳۸۸) در نمونه‌ای در این جهت گزارش می‌دهند:

«این‌ها دوست داشتند نام‌شان گم باشد. حرف‌های این جواری را رد کرده بودند و حالا در عوالم دیگری بودند. اگر در گردانی شناخته می‌شدند، می‌گذاشتند می‌رفتند گردان دیگر... آن آقایی که در شهر خودش استاد دانشگاه بود و موقع پر کردن فرم سازماندهی در لشکر، جلوسال مربوط به سطح تحصیلات نوشته بود: خواندن و نوشتن! یادش بخیر» (قلی‌زاده و غیور، ۱۳۸۸).

امیریان (۱۳۶۹) از ناشناس ماندن یک خلبان و یک دانشجوی دندان پزشکی که در پوشش یک بسیجی عادی به جبهه آمده بودند، یاد می‌کند.

خندان بارانی (۱۳۷۷) نیز گزارش می‌دهد، شهید سید مرتضی پیشدادی، سید بودن خویش را پنهان کرده بود تا مبادا اطرافیان به این سبب، احترام بیشتری به وی بگذارند.

شهیدی و کاظمی (۱۳۷۵) و مخدومی (۱۳۹۳) به آرایه گزارش‌های مشابهی پرداخته‌اند.

اما در سطحی فراتر، برخی از رزمندگان (خاصه آنان که دارای مسوولیت مهمی در جبهه‌های جنگ بودند)، می‌کوشیدند پس از مجروح شدن، درست خودشان را معرفی نکنند تا مبادا به دلیل مسوولیت آن‌ها، توجه درمانی بیشتری نسبت به آن‌ها صورت پذیرد.

عابدینی (۱۳۹۱) نیز گزارش می‌دهد، برخی از رزمندگان با دور انداختن پلاک خویش، می‌کوشیدند تا حتی پس از شهادت نیز ناشناس باقی بمانند.

۳-۲-۸- پرهیز از مطرح شدن در برابر دیگران

وقتی فردی در برابر دیگران مطرح شود، خواه‌ناخواه تا حدودی دیگران در ذهن او مؤثر واقع می‌آیند، از این رو افرادی که در پی مراقبه و تعالی بخشیدن به خویش بودند، می‌کوشیدند از مطرح شدن در برابر دیگران پرهیز کنند تا این مسأله خلوص نیت آن‌ها را مخدوش نکند و آنان فارغ از اندیشه دیگران، تنها و تنها دلدادگی خویش را برای حضرت حق به نمایش بگذارند.

دکتر چمران (۱۳۸۸) در فرازی از عارفانه‌های خویش، از این معنا به شرح زیر یاد کرده است:

«ولی ای خدای من، خوش دارم که هنگام وداع با دنیا تنها باشم، جز تو کسی مرگ مرا نبیند، جز تو کسی قبر مرا نداند، خوش دارم که به کلی محو شوم، کسی مرا به یاد نیاورد، کسی بر من اشک نریزد، کسی عکس مرا به دیوارها نصب نکند، کسی به دیدار قبر من نیاید، فقط آسمان بلند و ستارگان زیبایش انیس سکوت ابدی من باشد» (چمران، ۱۳۸۸).

سیف‌الدینی (۱۳۸۸) نیز در گزارش نمونه دیگری می‌نویسد:

«یک دوره سخت آموزشی برای انتقال به کردستان داشتیم، سینه‌خیز، حرکت با طناب و سیم بکسل، بالا رفتن از بلندی و پریدن و...»

یک سیم کشیده بودند روی رودخانه برای تمرین. شب که شد، من را صدا زد و گفت: می‌خوام از روی رودخانه رد بشم، صدات کردم که اگه افتادم، تو بدونی.

گفتم: خوب، چرا صبح نرفتی؟

گفت: دیدم هیچ کس نتوانست از روش رد بشه، اگر من می‌رفتم، ریا می‌شد. این قدرت رو خدا به من داده که ازش استفاده کنم، نه این که به رخ دیگران بکشم.

با آن جثه‌ی ضعیف و لاغر رفت و برگشت، با همان قدرت الهی که می‌گفت».

آشیان (۱۳۸۲) از مراقبه رزمنده‌ای در رفتن به جبهه یاد می‌کند که لباس رزم خود را در بیرون محله‌شان می‌پوشید. مخدومی (۱۳۸۸) و سپهری (۱۳۹۰) از فرماندهانی یاد می‌کنند که با پرهیز از مصاحبه کردن و ایستادن جلوی دوربین خبرنگاران، آنان را به رزمندگان عادی و ساده ارجاع می‌دهند و قلی‌زاده و غیور (۱۳۸۸) و سپهری (۱۳۹۰) از فرماندهانی یاد می‌کنند که برای گمنام ماندن، گردان خویش را ترک کرده، به گردان دیگری می‌رفتند که در آن ناشناس باقی بمانند.

۳-۲-۹- پرهیز از راحت‌طلبی و لذت‌دنیوی

هر چه آدمی بهای بیشتری برای جسم خود قایل شود، از معنا و معنویت خویش را دور و دورتر می‌کند و هر چه آدمی بر عمق معنویت خود بیفزاید، از ابعاد مادی و جسمانی خویش بیشتر و بیشتر فاصله خواهد گرفت، از این رو طبیعی است که استکفاف از راحت‌طلبی و لذت‌گرایی، گام نخست مراقبه برای تعالی یافتن روح آدمی است.

مردی (۱۳۸۹، الف و ب) در توصیف شهید جهان‌آرا و شهید حسن باقری به شرح زیر گزارش می‌دهد:

«زیر باد کولر نمی‌خوایید. می‌رفت توی هال می‌خوایید. می‌خندید، می‌گفت زیر باد کولر بد عادت می‌شم، مگه همه‌ی خرمشهری‌ها کولر دارند؟»

سه وعده غذایی را یک وعده می‌کرد. کم می‌خورد، کم می‌خوایید، آسایش را به خودش حرام کرده بود» (مردی، ۱۳۸۹، الف).

«اوج گرمای اهواز بود. بلند شد، دریچه‌ی کولر اتاقش را بست. گفت به یاد بسیجی‌هایی که زیر آفتاب گرم می‌جنگند» (مردی، ۱۳۸۹، ب).

عباسی (۱۳۸۸) از رزمندگانی یاد می‌کند که به جدّ از مصرف بیش از سهم و حق خود پرهیز می‌کنند و جوانی و کریمیان (۱۳۷۵) و ابول‌ولاد (۱۳۸۰) نیز به گزارش کار رزمندگانی می‌پردازند که خوردن غذاهای لذّیذ را برای خود ممنوع ساخته‌اند.

۳-۲-۱۰- تحمیل سختی و ریاضت به نفس

رزمندگان سالک در طی طریق خویش می‌کوشیدند تا تخالف ورزیدن با نفسشان و تحمیل سختی و ریاضت به آن، در عمل راه تعالی‌یابی خویش را هموارتر سازند، از همین رو مراقبت در خورد و خوراک، نشست و برخاست، گفت و شنید و خلاصه هر آنچه در زندگی روزمره آدمی وجود دارد، مورد توجه آنان قرار داشت و در دستور کار آنان قرار گرفته بود و می‌کوشیدند تا در این میان با تحمیل شداید به نفسشان، اسباب مهار و تعالی نفسانی خود را فراهم آورند. میرزایی (۱۳۹۱) از رزمندگانی یاد می‌کند که مستحبات را در حد واجب و مکروهات را در حد حرام برای خود می‌دیدند و بر همین مبنا هم عمل می‌کردند.

فاطمی (۱۳۷۸) از رزمنده‌ای یاد می‌کند که در حرارت کشنده هور، روی چند سطحه کوچک در آب‌های هور، ضمن مراقبت و نگهبانی، روزه ماه رمضان خود را می‌گرفت. بنی‌عامری (۱۳۷۶) نیز از رزمنده‌ای یاد می‌کند که برای سختی دادن به جسم خویش، خواب بر سنگلاخ‌های را پیشه خود کرده است.

علیانی (۱۳۸۹) در توصیف حدودمرزهای این سخت‌گیری‌ها، به گزارش زیر پرداخته است:

«با بچه‌های گروهان کار می‌کرد. هیکل بی‌نقص و درستی داشت. صبح عملیات آفتاب زده بود، ولی هنوز نمی‌شد نماز خواند. با کفش و با تیمم ایستاد به نماز. با آن هیکل، مثل یک بچه‌ی کوچک سرش را انداخته بود زیر و حمد و سوره می‌خواند. رفت و رفت و رفت تا تشهد. یک تیر آمد و خورد توی سینه‌اش. درد می‌کشید و به روی خودش نمی‌آورد. نمازش را نشکست تا افتاد. رسیدم بالای سرش، السلام علیکم و رحمه الله و برکاته».

حسینی‌پور (۱۳۹۱) در نمونه مشابهی خاطرنشان می‌سازد، دوست وی سیدمحمدعلی حتی از مراقبه خویش در آخرین لحظات زندگی پربار خود دست نکشیده و بالب تشنه شهید می‌گردد:

«در سال‌های جنگ کمتر شهیدی را دیدم که آخرین لحظاته‌ش را بدون نام ائمه گذرانده باشد. نمی‌دانستم برای سیدمحمدعلی چه کار کنم. از تشنگی رمق نداشت. دراز نمی‌کشید. گفتم:

– سید! پدراز بکش، خیلی خونریزی داری!

طوریم نیست، این جواری راحت‌ترم.

- خونریزی بیشتر می شه.

نشسته بهتره.

- دراز بکش تا به چیزی پیدا کنم و زخم هاتو باهاش ببندم.

چیزی نمی خوام، اون کوله پشتی رو بذار زیر سرم.

او در حالی که از سینه و سرش خون می ریخت حاضر نبود دراز بکشد. صدای عراقی ها شنیده می شد. نمی توانستم از او جدا شوم. برای این که زخم هایش را ببندم، اجازه نداد پیراهنش را پاره کنم. نگاهم به چهره اش بود که با آرامش خاصی گفت: السلام عليك يا ابا عبدالله الحسين و على الارواح التي حلت بفنائك، عليك مني سلام الله ابدًا ما بقيت و بقي الليل و النهار و لاجعله الله آخر العهد مني لزيارتكم، السلام على الحسين و على علي بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين. اشك و خونابه از چشمانش سرازیر شد. دو دستش را پشت سرش روی زمین قرار داده بود تا تکیه گاهش باشد. نمی دانم چرا می خواست نشسته باشد. شاید این طلبه ی اهل دل می خواست وقتی به آقا امام حسین (ع) عرض ارادت می کند، ادب و حرمت را نگه داشته و نشسته به آقا سلام کند.

از رنگ و رویش پیدا بود زنده نمی ماند. آخرین دعای او هیچ وقت فراموش نمی شود: اللهم الرزقني شفاعه الحسين يوم الورود.

در لحظات آخر، با کلاه آهنی از آبراه کناری ام برایش آب آوردم، آب نخورد. حتی حاضر نشد لب هایش خیس شود. نمی دانم، فکر می کنم می خواست تشنه شهید شود. سرانجام سید تشنه شهید شد!

علیانی (۱۳۸۹) با درج نمونه مشابهی، از استقبال برخی از رزمندگان از تشنه لب شهید شدن یاد کرده اند.

۳-۲-۱۱- تحقیر و تخفیف نفس خویش

برخی از رزمندگان سالک در مسیر مراقبه و محاسبه نفس خویش دست به تخفیف و تحقیر نفس خود می زدند تا سرکشی آن را مهار کرده، به تأدیب آن پردازند.

مطلق (۱۳۸۹) در توصیف فرمانده یکی از تیپ ها می نویسد:

«می گفتند که حاجی پور پیش تر چاه کن بود و بعد از شروع جنگ که فرماندهی یک تیپ را برعهده گرفته بوده، در اردوگاه تیپ، یک چرخ چاه را در کنار چادر فرماندهی قرار داده بود، تا فراموش نکند که روزی چاه کن بوده است. او اعلام کرده بود که اگر جنگ به اتمام برسد و او هنوز زنده باشد. باز به سراغ حرفه خود یعنی چاه کنی خواهد رفت.»

خندان بارانی (۱۳۷۷) از گریه و زاری رزمنده ای یاد کرده است که رزمندگان به زور وی را برای امامت نماز به صف جلو فرستاده اند و وی با تضرع و زاری از آنان می خواهد که به او اقتدا نکنند.

صبوری (۱۳۸۹) نیز در توصیف سه تن از رزمندگانی که کاندید فرماندهی یک گردان بودند، می نویسد:

«حسین بهشتی- مسوول مخابرات- گفت: سید، الآن دارید وارد زمین جنگ می شید. الآن مشخص کن کدام یک از شما سه نفر فرمانده گردانه تا در کد عملیاتی حک کنیم...»

گفتم: حاج حسین، این قافله ی عشق است و ما سه نفر، سگ های این کاروان ایم. هر کس زودتر پارس کرد، مسوول گردانه.

خنده بازار شد و قهقهه‌ی مستانه مان تا عرش رفت.»

۳-۲-۱۲- حلالیت‌طلبی جهت خطاهای خویش

گاهی برخی از رزمندگان سالک برای جبران خطاهای خویش دست به حلالیت‌طلبی می‌زدند. گستره این حلالیت‌طلبی تنها در دوران بلوغ آنان خلاصه نمی‌شد، بلکه حتی دوران خردسالی آنان را نیز (که تکلیفی بر عهده نداشتند) می‌گرفت. به همین ترتیب عرصه‌های حلالیت‌طلبی اخیر ممکن بود به کودک چند ماهه رزمنده برسد که وی او را گاز کوچک یا نیشگونی گرفته بود.

حسام (۱۳۸۷) در توصیف حلالیت‌خواهی شهید چیت‌سازیان می‌نویسد:
«از گشت برمی‌گشتیم. شناسایی کامل و بی‌نقص بود، اما علی آقا بی‌قرار.
توی تاریکی سکوت رو شکست و گفت: به اون خانم بگو که مرا حلال کنند.
اگر کسی نمی‌دانست، فکر می‌کرد او چه ظلمی در حق آن خانم روا داشته، اما قصه فقط سر یکی دو قاشق شیره انگور ملایر بود...»

قضیه این جوری بود که یک روز از همدان می‌آمدم به سمت منطقه که یک خانم یک دبه شیره ملایر داد به من و تأکید کرد:

– اینو برسون به اونایی که به خدا نزدیک‌ترند.
حتماً نظرش همه بچه‌های جبهه بود، اما من که حال و هوای معنوی بچه‌های اطلاعات عملیات رو دیدم، دبه رو به راست تحویل تدارکات واحد دادم و اولین قاشق رو دادم به علی آقا.
بعد از این که او و بقیه خوردند، جمله اون خانم رو نقل کردم که یهو علی آقا اشک توی چشمش نشست! دستاشو رو به آسمان برد و گفت: خدایا! ما چگونه جواب این مردم رو بدیم؟
تازه به این هم راضی نشد تا آن گشت و آن شب و اصرار برای این که برو از آن خانم حلالی بخواه!.
خضری (۱۳۸۹) و حسام (۱۳۸۷) در توصیف حلالیت‌خواهی شهید همت و شهید چیت‌سازیان از شیظنت‌های دوران کودکی‌شان چنین گزارش می‌کنند:

«به ده سالگی که رسید گفت: من می‌خواهم تابستان‌ها سر کار بروم.
می‌رفت گز می‌پیچید. روزی ۷ قران بهش می‌دادند. شیطانی هم می‌کرد البته. بچه بود دیگر. گزها را که می‌پیچید، یکی دو تا را هم می‌گذاشت دهانش.»

یادم نرفته که بعدش رفت پیش صاحب کارش که باباجان زن پسر دیگرم بود. بهش گفته بود: این پول را بگیر و حلالم کن.
او هم گفته بود: این چه حرفی است که می‌زنی تو. نوش جان!

«از مدرسه راهنمایی که زدیم بیرون، کیف و کتاب رو انداختیم به طرف و افتادیم توی باغچه مشدی، سبزی فروش محل.
علی آقا که سال‌ها شاگردی مشدی رو کرده باشد، دور از چشم مشدی رفت سروقت بچه‌ها و به دسته تربچه از خاک کشید بیرون و با گوشه شلوارش پاک کرد و نصفش رو داد به من و هر دو نشستیم و شروع کردیم به خوردن.»

توی دیدگاه باغکوه نشسته بودیم. عراقیا گرای ما رو گرفته بودند و یه ریز آتیش می ریختند.

یه باره گفت: سعید!

اولش فکر کردم ترکشی، چیزی بهش خورده این جوری گفت سعید.

گفتم: چی شد!؟

گفت: یادته قبل از انقلاب، شش سال پیش، از مدرسه رفتیم باغچه سبزی مشدی.

گفتم: آره، آره، چطور مگه؟

گفت: همین الآن برو همدان، اون پیرمرد رو پیدا کن و حلالی بخواه یا پول تربچه‌ها رو بده.

به هزار و یک بدبختی، مشدی رو پیدا کردم. پشتش کمانی و نصف شده بود.

قصه دزدی باغچه رو که گفتم، خندید و گفت: خوش حاللتان!.

دهقان (۱۳۸۷) در توصیف عذرخواهی شهید صالحی از فرزند چند ماهه‌اش از وصیت نامه وی چنین نقل می‌کند:

«در این ورق، وصیتی خطاب به فرزندم مرضیه می‌نویسم تا اگر روزی نبودم تا از او رضایت بخوام، بخواند و پدر حقیر

خود را حلال کند:

مرضیه! نمی‌دانم به چه علت از سه ماهگی تو به بعد، هرگاه که تو را در آغوش می‌گرفتم، از روی علاقه، تو را فشار می‌دادم

و گاز می‌گرفتم و تو شیون می‌کردی.

در رساله احکام امام امت (ره) آمده که اگر فردی فرد دیگری را بدون دلیل و بی‌جهت، کاری کند که بدنش سیاه و آزرده

شود، در عوض آن باید دیه (طلا و...) بپردازد. متأسفانه همان طور که گفتم، از روی علاقه و بی‌اختیار، گه‌گاه به جای بوسه تو

را گاز می‌گرفتم. حال نمی‌دانم اگر از دست من راضی نشوی و حلالم نکنی، در روز قیامت باید چه عقوبتی داشته باشم.

فرزندم! علت دقیق این گونه اعمال را خود نیز نمی‌دانم، ولی آنچه به گفته پزشک به نظرم می‌آید، احتمالاً این گونه اعمال

ناشی از قطع عصبی است که بر اثر ترکش، در جنگ با عراق، به پایم اصابت کرده و از این بابت، پس از سه سالی که می‌گذرد،

هنوز درد پا زجرم می‌دهد. احساس می‌کنم که این قطع عصب بر اعصابم فشار آورده و لذا کنترل خود را از دست می‌دهم. به

هر صورت، از تو می‌خواهم این همه اذیت و آزاری که که ناخواسته و بدون این که کنترل خود را داشته باشم، در کودکی به

تو کردم، به طوری که در بعضی مواقع ضجه تو بالا می‌رفت، من را ببخشی و حلالم کنی».

۳-۲-۱۳- تنبیه خود جهت خطاهای انجام شده

تنبیه خویش در هنگام انجام یک فعل حرام و یا حتی مکروه یا تنبیه و ایزای خویش به سبب غفلتی که از رزمنده مورد نظر

سرزده بود، امر مهم دیگری بود که رزمندگان سالک در مسیر مراقبه خویش بدان تمسک می‌جستند. خسروی (۱۳۷۶) در

توصیف صحنه‌ای از این تنبیه‌ها می‌نویسد:

«روزی دیدم که شهید مهدی مظاهری به عنوان جریمه مبلغی پول را در صندوق صدقات انداخت. این خود جریمه کردن،

برایم جالب بود. وقتی علت را فهمیدم، شگفت زده شدم. مهدی به خاطر مساوک نزدن شب قبل، خودش را جریمه کرده بود.

یعنی در شرایطی که در آن آتش و خون مشخص نبود، اصلاً چیزی از پیکر آدم باقی می ماند یا نه، او خود را برای نرسیدن به سلامت جسم و دندانش جریمه کرده بود».

جمشیدیان (۱۳۷۵) از رزمنده‌ای یاد کرده است که به خاطر خنده بلندش، خودش را با گرفتن روزه تنبیه می کرد. محمدی (۱۳۹۰) نیز از رزمنده دیگری یاد می کند که جهت تلافی نرسیدن به نماز جماعت، خود را با گرفتن روزه مستحب تادیب می کرد.

یوسفی کوپایی (۱۳۷۵) از اعمال تنبیه رزمنده‌ای زیر گلوله باران جزابه یاد کرده و محمدی (۱۳۷۷) و ابول اولا (۱۳۸۱) هم از تنبیه‌های مشابهی سخن گفته‌اند.

مسئله تنبیه خویش، حد و مرزی نمی شناخت و حتی اسرایی که در زندان‌های بعث عراق گرفتار شدیدترین شکنجه‌ها بودند، در جریان غفلت‌ها و خطاهای خویش دست به تنبیه خود می زدند (عبدالملکی، ۱۳۹۰) و یا از دوستشان می خواستند که در صورت مشاهده خطایی که از وی سر می زده است، با سیلی آن‌ها را به راه بیاورند (طحان، ۱۳۸۶).

۳-۳- مراقبه جمعی

بررسی اجمالی روابط اجتماعی شکل گرفته در جبهه‌های جنگ حکایت از ایجاد روابطی متفاوت از آنچه در شهرهای پشت جبهه وجود داشت، دارد. به این معنا که رزمندگانی که غالباً بدون هیچ گونه الزام و اجباری، با هدف دفاع از مرز و بوم خود به جبهه‌های جنگ می آمدند، باید در رفتاری جمعی وظیفه دفاع از کشور خویش را محقق می ساختند.

از سوی دیگر رزمندگانی که با اهدافی تقریباً یکسان در جبهه‌ها حضور بهم رسانیده بودند، با شرایط جدیدی مواجه می شدند. یکی از این شرایط برخورد با ماهیت واقعی دنیا بود. تحقق ساده شهادت هم‌زمان و یا مشاهده مرگ سربازان و نظامیان دشمن، آنان را به این بصیرت می رساند که دنیا و لذات آن ناپایدارتر از آن چیزی است که مردم معمول پشت جبهه‌ها بدان می اندیشند. مضاف بر این، رزمندگان در فراز و فرودهای جنگ در عمل با ترس‌ها، ضعف‌ها و کاستی‌های خود مواجه می شدند و از آنجا که به ماهیت دنیا نیز وقوف راستین یافته بودند، در صدد برمی آمدند از شرایط تحول آفرین جبهه استفاده کرده، با رفع ضعف‌ها و فتورها و سستی‌های خویش، تحول انسانی و اخلاقی خود را در فضای جبهه‌ها رقم بزنند. البته از آنجا که غالب رزمندگان از انگیزه‌های دینی پررنگی برخوردار بودند و دین هم روی جمع و اجتماعی تأکید ویژه ای دارد، رزمندگان لازم می دیدند که طبق آموزه‌های دینی که به صراحت افراد دیندار را به رفتارهای جمعی دعوت می کنند، در روند مراقبه فردی خویش، به نوعی مراقبه جمعی دوستانش را نیز مدنظر قرار دهد و در کنار خودسازی فردی خود، در جهت خودسازی جمع دوستان و دیگر رزمندگان نیز اقدام کند.

مسئله اخیر سبب شد رفتار رزمندگان در جبهه‌های جنگ، متفاوت از رفتارهای فردی دیگران در پشت جبهه‌ها شود و عنایت به هم‌زمان در چشم و دل رزمندگان شدت گرفته و پررنگ تر گردد. بر همین مبنا، روابط برادرانه، صمیمی و بسیار نزدیکی بین رزمندگان جبهه‌های جنگ پدید آمده بود که این مسئله از دید هیچ ناظر بیرونی پنهان نمی ماند.

در فضای اخیر رزمندگان می‌کوشیدند در کنار مراقبه و تعالی‌یابی‌های فردی خویش، مراقبه و تعالی‌یابی جمع دوستانشان را نیز مدنظر قرار دهند و در عمل همسان با تلاش جهت ارتقای انسانی و اخلاقی خویش، در جهت ارتقای انسانی و اخلاقی دوستانشان نیز بکوشند.

تلاش‌های اخیر سبب می‌شد، رزمندگانی که تعالی اخلاقی و ارزشی یکدیگر را در دستور کار خود قرار داده بودند، با صمیمیتی بیشتر از آنچه در پشت جبهه‌های جنگ معمول بود، با همدیگر برخورد داشته باشند و به رعایت دقایقی پردازند که این دقایق در شهروندان عادی پشت جبهه‌ها کمتر دیده می‌شد. برخی از این دقایق سرعت در شکل‌گیری روابط عاطفی و دوستانه بین رزمندگان، شادابی در روابط اجتماعی و رعایت عفاف در روابط بین فردی و اجتماعی رزمندگان بودند. انعکاس بارز روابط اجتماعی پدید آمده اخیر را می‌توان در عقد اخوت بین رزمندگان دید که به نوعی برادری را در میان آنان رقم می‌زد.

شکل‌گیری دفترچه‌های تقوا که در آن رزمندگان از دوستان و اطرافیان خود می‌خواستند تا آنان با درج توصیه و نصایح خود، یادگاری معنوی برای آنان بر جای بگذارد، نمود دیگری از مراقبه جمعی پدید آمده در بین رزمندگان را به معرض دید می‌نهاد.

رزمندگان در مراقبه جمعی که در عمل در جبهه‌های جنگ رقم زده بودند، از سویی دست به نفی رفتارهای نامناسب زده و از سوی دیگر با ستایش رفتارهای مستحسن و نیکو، یکدیگر را به دوری از رفتارهای دون و استقبال از رفتارهای آخرتی دعوت می‌کردند.

در ادامه شواهدی از چگونگی شکل‌گیری روابط بسیار صمیمانه در نزد رزمندگان و انجام این روابط در نهی یکدیگر از انجام رفتارهای دنیامدار و تشویق هم به استقبال از رفتارهای ارزشی و آخرت مدار، ارایه خواهد شد. روابط اجتماعی شکل گرفته بین رزمندگان در جبهه‌های جنگ، روابطی نزدیک و صمیمی بود. به این معنا که رزمندگان در عمل در کنار افرادی قرار گرفته بودند که هدف مشترکی را با یکدیگر تعقیب می‌کردند که آن دفاع از کشور و آیین خویش بود.

قلی‌زاده و غیور (۱۳۸۸)، کاظمی (۱۳۸۸) و مساح (۱۳۹۴) در توصیف قسمتی از روابط اجتماعی شکل گرفته در بین رزمندگان گزارش می‌دهند:

«دسته‌ها همدیگر را مهمان دعوت می‌کنند. پول‌هایشان را می‌گذارند روی هم و بساط مهمانی آماده می‌شود. یکی خیار می‌خرد، یکی گوجه...، سالاد- در معیت پیاز لشکر- آماده است! بعضی‌ها هم دنبال آب‌لیمو هستند تا شربت درست کنند».

«روزی در چادر نشسته بودیم که من پیراهن کهنه و رنگ و رو رفته‌ام را که چند وصله هم داشت، به مهدی نشان دادم و گفتم: پیراهن‌هایمان را عوض کنیم؟

- اشکالی ندارد برادر گلستانی.

پیراهن او سالم تر و نوتر از پیراهن من بود. پوشیدم، کمی تنگ بود. پیراهن من هم برای او کمی گشاد بود. وقتی هر دو با خنده راضی شدیم، محتویات جیب مهدی را به او دادم. میان آنها، یک چراغ قوه جیبی و نخ و سوزن بود. گفتم: «با آن پیراهن، این نخ و سوزن خیلی به دردت می خورد.»

مهدی گفت: «من هم خیاط خوبی هستم، جوری وصله و پینه می کنم که از روز اول بهتر شود.»

یادگاری دادن من و مهدی این طور شد.

«هیچ کس هیچ چیز، از جمله، پست و مقام را مال خودش نمی دانست. همه آینه هم بودیم و عیوب همدیگر را خالصانه می گفتیم و در جهت رفع آن بودیم. وقتی یکی شهید می شد، همه خصوصیات مثبت او به بقیه انتقال می یافت. همه سربازان واقعی امام (ره) بودند. هر چه که امام (ره) می فرمود، بدون کم و زیاد پیاده می کردند. اطاعت از حسین خرازی را اطاعت از امام (ره) می دانستند، و گر نه از نظر سنی و سواد، از حسین بالاتر داشتیم. پیشرفت جنگ هم به خاطر همین اخلاص و پاکی بچه ها بود.»

قلی زاده و غیور (۱۳۸۸) در توصیف صحنه ای دیگر از روابط اجتماعی پدید آمده بین رزمندگان، در عمل ایثار بی حد و حصر آنان در برابر یکدیگر به نمایش نهاده است:

«... بچه ها دارند می جنگند، جانانه، و من یک گوشه افتاده ام و حسرت می خورم. خونریزی بدنم زیادتر شده، دارم می روم، اما نمی گذارند، سر و صداها نمی گذارند. نگاه هایم شده اند مثل چراغی که نفتش ته کشیده باشد... می روم و می آیم... «آی بالا نه خبر؟» دوباره از حال می روم. اینجا در میان این خستگی، هپروت، عالمی دارد.

نزدیک های صبح است. حالا حسن آقا (حسین زاده) آمده و رسیده اینجا. گفته ام که زخمی است، از پایش. خودش را کشان کشان آورده و رسانده اینجا. حسن آقا خودش را فراموش کرده، سرم را گذاشته روی پای سالمش تا راحت بخوابم...». روابط نزدیک و صمیمی که از آن یاد شد، در پشت جبهه ها هم تداوم می یافت. شریفی (۱۳۹۴) در گزارش نمونه ای از این روابط می نویسد:

«اگر عزیزی مشکل داشت، ساختمان سازی یا کار یدی داشت، بلافاصله بدون اطلاع آن شخص برای کمک می رفتند تا طرف موقع رفتن به منطقه دیگر دغدغه ای نداشته باشد. از این کارها زیاد بود. اگر هم کاری نبود، شب می آمدند سپاه و با هم صحبت می کردند. این طور نبود که بیايند مرخصی و بروند خانه هایشان و دنبال کار خودشان باشند.

آقای عراقی در حال ساختن خانه بود. دیدیم آنها که کار می کنند، کار خوب پیش نمی رود. چند تا از بچه ها که بنایی بلد بودند، مثل آقای یوسف شازندی که پایش قطع بود، حاج مصطفی نجفی و چند نفر دیگر، بسیج شدند و ساختمان آقای عراقی سریع سرهم شد یا مثلاً شهید اللهیاری می خواست انگور بچیند یا کار دیگری در روستا داشتند، ما برای کمک می رفتیم. یک بار خانه مان در اقبالیه را تمیز می کردیم که دیدم آقای اللهیاری صبح علی الطلوع دم در، ماله و شمشه را آورد... چیه؟... آمدیم کمک... آقا ما که نگفته بودیم. آمدند زحمت کشیدند و در عرض دو روز تمام کارها را انجام دادند.»

ویژگی های دیگری همچون شادابی در روابط اجتماعی و روابط اجتماعی توأم با عفاف از خصوصیات بارز روابط اجتماعی رزمندگان به شمار می آمد.

فیض آبادی (۱۳۹۵) در توصیف نمونه‌ای از شادابی موجود در روابط رزمندگان با یکدیگر، چنین گزارش می‌دهد:

«یکی دیگر از آموزش‌ها، نحوه تله کردن مواد منفجره و مین‌ها بود. این کار با ماسوره‌های استاندارد انجام می‌شد. بعد از یکی، دو جلسه کلاس تئوری، به هر کدام از بچه‌ها چهار، پنج ماسوره از انواع مختلف تحویل دادند تا با تله کردن یکدیگر و وسایل اطراف، به طور عملی تمرین کنیم. چند روزی که ماسوره‌ها با چاشنی احتراقی در اختیارمان بود، کسی در گروهان حاشیه امن نداشت. پتوها، کمدها، کفش‌ها، در آسایشگاه، وسایل شخصی، تخت‌ها و هر وسیله‌ای که در اختیار داشتیم، تله-گذاری شده بود و با دست زدن یا برداشتن هر کدام شان، انفجاری رخ می‌داد. هر کسی که نمی‌توانست تله را خنثی کند، اسباب خنده بچه‌ها بود.

حسابی حواس‌مان را جمع می‌کردیم و اکثر تله‌ها و ماسوره‌ها را کشف و خنثی می‌کردیم. من نیز چند تله را خنثی کرده و مایه خنده کسی نشده بودم. جعبه چوبی بزرگی در قسمت راهروی ورودی آسایشگاه وجود داشت که پر از یخ بود. از آن یخ‌ها برای درست کردن آب سرد و شربت استفاده می‌کردیم و همیشه سنگ سه، چهار کیلویی بزرگی برای شکستن یخ‌ها داخل جعبه بود.

یکی از دوستان به من گفت: برو از یخچال یه تیکه یخ بیا! من هم از همه جا بی‌خبر از در آسایشگاه بیرون رفتم و تا کمر، درون جعبه پر از یخ خم شدم. همین که سنگ را برای شکستن یخ برداشتم، ناگهان انفجاری رخ داد. چون فضا بسته و سرم داخل جعبه بود، از شدت صدا و موج انفجار گیج شدم. تا سرم را از داخل جعبه بیرون آوردم، دیدم بیشتر بچه‌ها که از قضیه تله‌گذاری خبر داشتند، بیرون آمدند و به من می‌خندیدند. لحظاتی گذشت تا حالم جا آمد. جز طبیعی کردن قضیه، چاره‌ای نبود. شروع کردم به خندیدن! دقایقی بعد به داخل آسایشگاه رفتیم که همه از این شیرین کاری تعریف می‌کردند و می‌خندیدند. یکی از بچه‌ها به آسایشگاه آمد گفت: بچه‌ها! فرمانده گروهان با موتورش اومد. دست به یکی کردیم که او را با آن همه جدیت و قاطعیت تله کنیم. فرمانده گروهان جلوی در آسایشگاه از موتور پیاده شد. داخل آمد و گیرهای سه پیچش شروع شد: نظم تخت‌ها، نظافت آسایشگاه و کمدها، آنکادر پتوها و ملحفه‌ها. در این میان دو، سه نفر از بچه‌ها از آسایشگاه خارج شدند. سوال پیچ کردن فرمانده شروع شد. او همین طور که به سوالات پاسخ می‌داد کل آسایشگاه را هم برانداز می‌کرد و دستورهایی می‌داد.

دقایقی بعد یکی از بچه‌هایی که برای تله کردن موتور بیرون رفته بود، داخل آمد و با اشاره فهماند که کار تمام است. سوالات به یک باره تمام شد. فرمانده آخرین نگاهش را به افراد انداخت و از آسایشگاه خارج شد. همه گروهان به دنبالش از آسایشگاه خارج شدند و با چشم حرکات او را زیر نظر گرفتند.

سمت موتورش رفت. نگاهی به بچه‌ها انداخت. بیشتر بچه‌ها نمی‌توانستند جلوی خنده‌شان را بگیرند. او که دلیل خنده بچه‌ها را نمی‌دانست، خنده‌اش گرفت. این دومین باری بود که خنده او را می‌دیدم. البته لبخندش آتش زیر خاکستر و آرامش قبل از طوفان بود. بچه‌ها از دیدن لبخند او بیشتر به خنده افتادند. گفتم: با این ضایع بازی‌ای که در میاریم، حتماً متوجه شده، اما از ماجرا بویی نمی‌برد.

همین که دسته موتور را چرخاند، اولین ماسوره منفجر شد. به شدت جا خورد و لبخند روی لب‌هایش خشکید. به بچه‌هایی که خنده‌شان شدیدتر شده بود، نگاه غضب آلودی کرد و با عصبانیت بیشتر موتور را از جک خارج کرد. بلافاصله تله انفجاری دوم عمل کرد و با صدای بلند منفجر شد. فرمانده گروهان خیلی عصبانی شده بود و با خشم به بچه‌ها نگاه می‌کرد و زیر لب چیزهایی گفت. روی موتور نشست و خواست روشن کند که تله سوم منفجر شد. این بار صدای خنده بچه‌ها به آسمان رفت. سبطره حیا و عفاف در روابط اجتماعی رزمندگان ویژگی شاخص دیگری بود که در جمع رزمندگان قابل مشاهده بود. فهیمی (۱۳۸۱) در جریان توصیف برخی از اصطلاحات و تعبیرات جبهه، به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازد که بیانگر اوج احترام و عفاف در روابط رزمندگان به شمار می‌روند:

«برادر عبدالله»

رزمنده مورد خطایی که نامش را نمی‌دانستند، بر خلاف پشت جبهه که بعضی از اشخاص برای صدا کردن فردی یا اشاره به بنده خدایی، از عبارات و تکیه کلام‌های هی! بین! چیز! طرف! و الو استفاده می‌کنند، در جبهه، به تبع بقیه عادت‌های نیکو و آداب و اخلاق رایج، چنانچه اسم فردی را نمی‌دانستند یا می‌دانستند و در خاطرشان نمانده بود، با تعبیر برادر عبدالله صدایش می‌زدند، یعنی بنده خدا.

موقعیت برادر مامان

مرخصی و منزل، کنایه‌ای است از مکرر کردن تعبیر «برادر» در غیر جای خود، به نحوی که گویی برای بانو هم به جای خواهر یا خانم باید گفته شود برادر!.

در مورد اخیر لازم به ذکر است که از این دست موارد می‌توان به مثابه سازوکارهای (مکانیزم‌های) تهاجم‌شکن یاد کرد. بیان مادر در کنار برادر، بیانی شبیه به قرآن است که در آن هر زنی در کنار همسر یا پدرش مطرح شده است و نفس حضور همسر یا پدر، در عمل به مثابه یک سازوکار تهاجم‌شکن عمل می‌کنند و افراد حاضر در صحنه، با ملاحظه مردی که در کنار زن مطرح شده قرار گرفته است، اندیشه تعدی و تصرف احتمالی وی را از سر به در می‌کنند.

^۱- انسان‌ها و حیوان‌ها از سازوکاری با عنوان مکانیزم‌های تهاجم‌شکن برخوردار می‌باشند. این سازوکارهای زیستی در عمل مانع از شدت گرفتن تهاجم و پرخاشگری انسان‌ها و حیوان‌ها نسبت به یک‌دیگر می‌شود. به عنوان مثال، وقتی دو گرگ، گوزن یا زاغ بر سر قلمرو یا جفت با یک‌دیگر به رقابت می‌پردازند، گرگ‌ها درصدد آسیب زدن به شاه‌رگ گرگ مقابل خود برمی‌آیند، گوزن‌ها می‌کوشند با شاخ‌هایشان، پهنای بدن گوزن مقابل را هدف قرار دهند و زاغ‌ها می‌کوشند به پس‌سر زاغ مقابل، ضربه مهلک خود را وارد کنند. اما وقتی یک گرگ یا گوزن یا زاغ شکست را در جریان نبرد پذیرفت (و در واقع قلمرو یا جفت مورد نظر را به حریف وا گذاشت)، در این حالت گرگ مغلوب شاه‌رگ خویش، گوزن شکست خورده، پهنای بدن خود و زاغ بازنده، پس‌سر خود را روبروی حریف قدر قرار می‌دهند که اتفاقاً در همین لحظه، تهاجم طرف مقابل، فروکش کرده، جنگ آن‌ها به صلح می‌گراید. در انسان‌ها نیز سازوکارهای تهاجم‌شکن موجود دارد. یکی از این سازوکارها، نگاه انسان‌ها به یک‌دیگر است. نگاه یک انسان به چشم انسان مقابل، مانع از شدت گرفتن پرخاشگری وی می‌شود، اما در غیاب مکانیزم تهاجم‌شکن اخیر، انسان‌ها ممکن است به سادگی دست به هر نوع پرخاشگری ممکن در ارتباط با افراد فرارویشان بزنند.

ادب اخیر حتی شامل نیروهای عراقی نیز می‌شد و رزمندگان بعضاً در مکالمات خود از آنان با عنوان «برادران مزدور» یاد می‌کردند.

زمانی که رزمنده جدیدی به جمع رزمندگان افزوده می‌شد، در جمع رزمندگان با سابقه، پیشاپیش تمهیداتی اندیشیده شده بود که رزمندگان جدید به سرعت جذب محیط شده، حتی برای چند روزی هم احساس غریبگی به آنان دست ندهد. فهیمی (۱۳۸۱) در شرح تعبیرهای مصطلح «امانتی را رد کردن» و «با پتو تحویل گرفتن» در جمع رزمندگان، می‌نویسد:

«امانتی را رد کردن

عملی را تکرار کردن، با دست به پشت یا روی پای بغل دستی خود زدن، وقتی نیروی جدیدی به جمع رزمندگان می‌پیوست و طبعاً احساس غریبی می‌کرد، بچه‌ها برایش نقشه‌ای می‌کشیدند به این ترتیب که صبر می‌کردند به بهانه‌ای، مثل غذا خوردن یا جلسه قرآن و امثال آن، دور هم جمع بشوند، آن وقت یکی با دست روی پا یا کمر کسی که کنارش نشسته بود می‌زد و می‌گفت: امانتی را رد کن برو و او روی پای نفر بعد از خودش می‌زد و همین‌طور ادامه پیدا می‌کرد تا به نفر مورد نظر برسد، آن جا بود که با لبخندی او هم به مجموعه دوستان می‌پیوست.

با پتو تحویل گرفتن

جشن پتو برپا کردن، پذیرایی و مهمان‌نوازی به سبک و سیاق جبهه، ضرب و شتم و مشت و مال دادن نیروهای تازه وارد برای خودمانی شدن و انس گرفتن او با جمع!

از همین رو ایستگاه‌های صلواتی^۱ که بعضاً محل تلاقی و دیدار رزمندگان خطوط مختلف عملیاتی بود، در جمع آنان با عنوان «ایستگاه آشنایی» نیز یاد می‌شد، زیرا رزمندگان در همان یک یا دو برخورد اولیه‌شان چنان با هم اخت و صمیمی می‌شدند که این برخوردها بنیان یک دوستی پایدار را بین آن‌ها می‌نهاد.

روابط اجتماعی صمیمانه و برادرانه‌ای که در جمع رزمندگان پدید آمده بود، خود را به صورت سنت‌هایی نظیر برگزاری عقد اخوت و برادری و توصیه‌های مکتوب اخلاقی به همدیگر (به صورت تهیه دفترچه‌های تقوا که رزمندگان در آن رهنمودهای اخلاقی خود را برای یکدیگر درج می‌کردند) در جبهه‌های جنگ نشان می‌دادند.

فیض‌آبادی و فهیمی (۱۳۸۱) در ارتباط با عقد اخوت می‌نویسند:

«جمعه بیست و سوم مرداد ماه مصادف با عید سعید غدیر خم، با تعدادی از بهترین و نزدیک‌ترین دوستان عقد اخوت بستیم. جمعی پانزده نفره در مکانی خارج از موقعیت واحد تخریب، زیر یک درخت و در فضایی سرشار از صفا، معنویت و برادری خطبه عقد اخوت را جاری کردیم و از یکدیگر قول گرفتیم هر کس شهید شد، دیگران را شفاعت کند... چند روز بعد هم من بعد از نماز با مجتبی قدمیاری که تازه به موقعیت آمده بود صیغه عقد اخوت خواندم و قول شفاعت به هم دادیم.

^۱- ایستگاه‌های صلواتی مراکزی بودند که در مسیر رفت یا برگشت رزمندگان از جبهه‌های جنگ تعبیه شده بودند و در آن‌ها برخی از خدمات مورد نیاز رزمندگان مانند تغذیه، آرایش، کفشی، دوزندگی و نظایر آن به صورت رایگان به آنان ارائه می‌شد.

در پایگاه امام رضا (ع) هم دوست و هم رزم بسیار عزیزم ابوالقاسم امیران را دیدم و با هم پیمان برادری بستیم... بستن پیمان برادری با دوستان عزیزم سیدحسن امامی فر و حسین معرفتی هم از خاطرات آن روزهاست.

فهیمی (۱۳۸۱) در توصیف دفتر تقوای رزمندگان گزارش می‌دهد:

«دفتر تقوا، دفتر کوچکی بود که برای یادگاری نویسی از آن استفاده می‌شد و حکم پندنامه‌ای را داشت که اثر انگشت و امضای آغشته به خون بسیاری از شهدا و مفقودان و جانبازان و منتظران شهادت در آن مشهود بود، مثل انگشت عقیق و چغیه و مهر نماز، کمتر رزمنده‌ای بود که دفتر تقوا نداشته باشد، دفتری که بعد از کلام خدا و سخن معصوم، همه دست مایه بچه‌ها بود برای محاسبه و مراجعه به خود، مجموعه کلمات قصاری که بعضاً آخرین تیر ترکش شهیدان بود که نهایت سادگی و بی‌پیرایگی و در کمال اعتقاد و اخلاص به چله دل نشانده بودند و با قلم در باغچه ارادت برادران نشاء کرده بودند».

فهیمی (۱۳۸۱)، در کتاب فرهنگ‌نامه جبهه انقلاب اسلامی، تابلونوشته‌ها، یادگار نوشته‌ها و نامه‌ها، نمونه‌هایی از یادداشت رزمندگان در دفتر تقوای یکدیگر را به شرح زیر آورده است:

«ای شفیق... اگر می‌خواهی به سعادت برسی، همیشه آن کن که خلاف دل است، چرا که دل و هوای آن، منشأش نفس است، آن هم اماره و همان که انسان را به بدی می‌کشد، مگر آن که خداوند ما را در آغوش خود گیرد و به ما رحم نماید».

«دنیا آدم را گول نمی‌زند، آدم گول دنیا را می‌خورد».

«یاد شهدا مانع از انجام گناه می‌شود».

مراقبه جمعی رزمندگان را می‌توان به اجمال در دو مقوله توصیه به انجام رفتارهای ارزش‌مدار و تحسین اقدام‌های آخرت-گرای رزمندگان و نهی کردن و پرهیز دادن رزمندگان از انجام رفتارهای غیرارزشی و دنیامدار تقسیم کرد.

با نگاهی به اصطلاحات و تعییرات روزمره، رزمندگان، تعییرات متعددی دال بر تحسین رفتارهای آخرت‌مدار رزمندگان به چشم می‌خورد. به عنوان مثال در جمع رزمندگان اصطلاح «حوری شستن» به معنای ظرف شستن و «خدمه کادیلاک» به معنای قاطرچی^۱ به کار می‌رفت و همان‌گونه که از این تعییرات پیداست، رزمندگانی که به خدمت به دیگران پرداخته یا از کارهایی استقبال می‌کردند که عامه رزمندگان از آن‌ها استقبال نمی‌کردند، با به کارگیری تعییرات اخیر، به نوعی به شکل غیرمستقیم مورد ستایش جمع قرار می‌گرفتند. فهیمی (۱۳۸۱) نمونه‌های دیگری از این اصطلاحات را به شرح زیر گزارش داده است:

«تالار گل

معراج شهدا، محل جمع کردن جنازه نیروهای خودی و آماده‌سازی آن‌ها برای انتقال به پشت جبهه و شهرهای مبداء و محل‌های اعزام به جبهه.

پاسپورت بهشت

جراحت و زخم جنگ بر بدن رزمنده، سند شجاعت و خدمت و خلوص او در پیشگاه حق، اذن حضور و دخول به وادی ایمن.

^۱ -در برخی از نقاط کوهستانی جبهه که امکان تردد ماشین‌های نظامی در آن‌ها وجود نداشت، حمل و نقل اغذیه، مهمات و مجروحان یا قاطر انجام می‌پذیرفت بنابراین با تشکیل گردان قاطریره، بالطبع باید رزمندگانی تصدی آن را برعهده می‌گرفتند.

بچه خدا

فرد متشرع و زاهد، کسی که دیدن و هم‌نشینی با او اسباب تقرب و تذکر بود.

پشت بام رفتن

بالا کشیدن جسم خاکی به عرش الهی و پا نهادن بر فرق افلاک.

پهلوان

بسیجی مسن، پیرمرد رزمنده و خوش سابقه در جنگ.

تانک بی‌دود

بسیجی! نیروی پست و بلندی شناس و عبور کننده از تپه و گودال‌های عمیق، رزمنده مخلص و گمنامی که در خدمت و مجاهد از خود رد پا به جا نمی‌گذاشت.

تابلو نوشته‌های موجود در مناطق جنگی هم غالباً حاوی مراقبه‌های جمعی بودند. فهیمی (۱۳۸۱) نمونه‌هایی از این تابلو نوشته‌ها را به شرح زیر نقل می‌کند:

«در عشق دو رکعت نماز است که وضوی آن صحیح نیست الا به خون».

«کاروانیم ای رفیقان خانه‌سازی بهر چیست (عبارت درج شده روی برخی از سنگ‌های ساخته شده رزمندگان)».

«کاکو ماسکت کو؟! (توصیه ایمنی خطاب به برادران، در منطقه آلوده به مواد شیمیایی)».

«سرعت زیاد، خدمت به صدام است».

«سرعت ۸۰ کیلومتر = مقصد، سرعت ۱۲۰ کیلومتر = بیمارستان، سرعت ۱۲۰ به بالا = قبرستان».

رزمندگان در مراقبه اجتماعی و جمعی خودشان، در کنار تحسین رفتارهای ارزش مدار و توصیه به انجام این رفتارها، به نفی، انکار و پرهیز دادن همدیگر به رفتارهای غیرارزشی و دنیامدار نیز می‌پرداختند. مواردی نظیر نفی و زیر سوال بردن افرادی که پس از رفتن به مرخصی، در بازگشت به جبهه تعلل می‌ورزیدند، پرهیز دادن افرادی که کمترین رفتارهای دال بر دنیا دوستی را در مجموعه رفتارهایشان به نمایش می‌گذاشتند، هشدار دادن نسبت به پرهیز از غیبت کردن، انجام رفتارهای مکروه و موارد مشابه، در عمل به نفی رفتارهای نامناسبی که ممکن بود از رزمندگان جهادگر سر بزنند، می‌پرداختند. فهیمی (۱۳۸۱) در کتاب فرهنگ‌نامه جبهه انقلاب اسلامی، اصطلاحات و تعبیرات، از برخی از اصطلاحات و تعبیرات اخیر که در فضای مراقبه جمعی جبهه‌ها پدید آمده بودند، به شرح زیر یاد کرده است:

«بچه نر نشدن»

در خانه نماندن، مرخصی طولانی نرفتن و بعد از تسویه و پایانی دوباره به جبهه برگشتن، وقتی کسی به مرخصی یا تسویه از جبهه می‌رفت به او می‌گفتند: بیا بچه نر نشوی.

عشقستان

جعبه‌ها و صندوق‌های وسایل شخصی رزمندگان که مثل صندوق خانه‌های قدیمی از آن برای نگهداری اجناس ضروری و اشیای عزیز و حفظ کردنی استفاده می‌کردند، در این جعبه‌ها، هم نان و کمپوت و کنسرو می‌گذاشتند، هم قرآن و کتاب و

نوار کاست، اگر کسی پیدا می‌شد که چیزهای بی‌ارزش در «عشقستان» خود نگه می‌داشت، از آن به «جعبه مارگیری» تعبیر می‌کردند.

با چوب کبریت خلال کردن

دست شستن از غیبت و بدگویی کردن از این و آن، وقتی کسی در جمع شروع به غیبت می‌کرد، می‌گفتند: این چوب کبریت را بگیر لای دندان‌هایت را خلال کن، کنایه از این که دهان و دندان‌هایت آلوده به گوشت بدن برادر مرده‌ات شده است.

عَلَمَ عَلم

غیبت، کنایه از تذکری توافقی که افراد یک گروه یکدیگر را با ذکر آن از غیبت کردن برحذر می‌داشتند.

دست لای در رفتن

به گناه و معصیت افتادن، وقتی کسی در معرض انجام دادن کار مکروهی بود و بیم گناه در آن می‌رفت یکی از بچه‌ها از میان جمع با صدای بلند و متبسم می‌گفت: برادر! دست نره لای در.

ظَلَمْتُ نفسی

پتوهای نو و نرمی که اغلب نقش پلنگ بر زمینه خود داشتند و بسیار سبک و کم حجم بودند. وقتی کسی به شوخی یا جدی موقع خواب و برای روانداز یا زیرانداز از میان همه پتوهایی که روی هم چیده شده بود، پتویی با این مشخصات را برمی‌داشت، می‌گفتند: از آن ظلمت نفسی‌ها برداشت.

بقچه حمام

کسی که بنا به هر علت، و از آن جمله فقدان آب سرد و گرم و حضور طولانی در خط پدافندی، مدت مدیدی استحمام نکرده و بدن و لباسش حسابی چرک و کثیف شده بود، درست مثل یک بقچه لباس نشسته و آلوده از حمام برگردانده شده، اشاره و کنایه‌ای بود برای ترغیب و تشویق همدیگر به نظافت و تمیز بودن در هر شرایط.

دودکش سیار

سیگاری، این نسبت را نیروها به دوستان سیگاری خود می‌دادند و با این تعبیر از آن‌ها اعلام برائت می‌کردند.

فهمی (۱۳۸۱)، در کتاب فرهنگ‌نامه جبهه انقلاب اسلامی، تابلونوشته‌ها، یادگار نوشته‌ها و نامه‌ها، از نمونه‌های رفتاری متعددی در همین زمینه یاد می‌کند:

«قبل از شروع عملیات والفجر مقدماتی در منطقه‌ای به نام چنانه، پیش چند تن از دوستانم رفته بودم و درست موقعی بود که آن‌ها غذایشان را خورده بودند و نشسته بودند تا چای بخورند و یک نفرشان هم داشت برای دیگران حادثه‌ای را که برایش پیش آمده بود تعریف می‌کرد و من متوجه شدم بچه‌های دیگر که گاه در بین صحبت آن شخص دسته جمعی صلوات می‌فرستادند (لازم است بگویم از آن جمع الآن هفت، هشت نفرشان شهید یا مفقودالآثر شده‌اند) و من علتش را نمی‌دانستم، اما کمی که دقت کردم دیدم که آن شخص وقتی چیزی را می‌خواهد بگوید که دیگران از آن بوی غیبت یا تهمت و تمسخر دیگران را پستشام می‌کردند با فرستادن صلوات او را متوجه می‌کردند که نباید آن نکته را بگوید. و این روش در حقیقت

روشی بود برای خودسازی، چرا که کسی که نتواند خود را از آلودگی‌ها برهاند، نمی‌تواند شب عملیات عاشقانه سینه خود را سپر هر بلایی نماید».

البته لازم به ذکر است که گاهی رزمندگان در مراقبه جمعی خویش به نوعی متوسل به تهدید نیز می‌شدند. فهیمی (۱۳۸۱) در جلد دوم فرهنگ نامه جبهه انقلاب اسلامی در جنگ که به اصطلاحات، تعبیرات و نامه‌های رزمندگان اختصاص دارد، با درج برخی از نامه‌های رزمندگان به دوستانشان، از این معنا یاد کرده است:

«خدمت برادر پرستار سیداصغر رحمانی

سید گردن شکسته، بی‌غیرت،

دیگه می‌خواهی چه خبر بشه تا بیایی جبهه،

امام که دیگه واسه همه باغیرت‌ها،

حجت رو تموم کرد، دیگه وقت موندن نیست،

ای کوفی نامرد،

بیا».

«خدمت برادر سیدناصر محمودی سلام علیکم

می‌دانید که از عملیات کربلای ۵ مدت‌ها می‌گذرد و باید فهمیده باشید که از مدت تسویه کردن شما هم مدت‌ها می‌گذرد و با توجه به این که جنگ در رأس همه مسایل است به قول امام و نیز این که من با شما برحسب این که دوستی صمیمی هستم و بارها به شما این نکته را تذکر داده‌ام (که به جبهه بیایید) هر چند که شما هر دفعه گفته‌اید کار من الآن کار سپاه است و بهانه‌های جور واجور برایم آورده‌اید، ولی برای آخرین بار می‌گویم که اگر این دفعه دیگر به حرفم گوش نکنید و به فکر جبهه و خدمت در این محیط به ظاهر مشکل نباشید، دیگر فکر می‌کنم از ته دل نمی‌خواهم با شما دوست باشم و بهتر است که این دوستی ما به هم بخورد و دیگر ما را با شما کاری نباشد. بله، دیگر بهتر است آقا قبل از اسمتان نیاورم چون که زن‌ها در خانه می‌مانند، سعی کنید حتی برای سه ماه هم که شده به جبهه بیایید تا هم نظر ما در مورد شما خوب شود، هم کمی محیط جبهه را ببینید و در آن جا بیشتر به فکر بچه‌های زحمت کش رزمنده که از جان خود این جا مایه گذاشته‌اند باشید. چون جداً به عنوان یک نصیحت این را به شما می‌گویم، کسانی که مدتی از جبهه دور بمانند، کم‌کم عادات شهرنشین‌ها که همان راحت‌طلبی و غفلت است، در آن‌ها رشد می‌کند. در آخر امیدوارم که با یک جواب صریح و مسرت‌بخش که همان آمدن به جبهه می‌باشد، حیات دیگری به دوستی‌مان بدهید».

به این ترتیب رزمندگان در کنار تشویق رفتارهای آخرت‌مدار و ارزشی در بین دوستان و همکارانشان، با نفی رفتارهای دنیامدار در سطح دوستان و همراهانشان، در عمل مراقبه جمعی‌ای را در بین سنگر نشینان جبهه‌ها پدید آورده بودند که مشابه آن را در کتاب‌های اخلاقی پیشینیان نیز نمی‌توان سراغ گرفت.

با مرور مبحث مراقبه و محاسبه نفس که اخلاقیون به نگارش آن‌ها اهتمام ورزیده‌اند، مشخص می‌شود که تنبیه‌های پیشنهادی آنان در زمان سرکشی نفس، عمدتاً تنبیه‌هایی معطوف به خود فرد بوده است، نظیر تحمیل نخوردن غذا، روزه گرفتن، زدن خویش و یا همان‌گونه که در بحث‌های ملا احمد نراقی از آن یاد شد، این تنبیه‌ها در اوج خودش به سوزاندن دست، کوفتن مشت بر چشم (و نابینا شدن) می‌انجامید.

بررسی مراقبه رزمندگان سالک در جبهه‌های جنگ حکایت از آن دارد که رزمندگان در عین تحمیل تنبیه‌هایی که به ریاضت نفس و تحقیر و تخفیف آن منجر می‌شد، به جای آسیب زدن به جسم خویش (که البته کاری خلاف شرع به شمار می‌آید)، نفس خود را به انجام کارهایی وادار می‌کردند که آدمی نسبت به انجام آن‌ها رغبت چندانی نشان نمی‌دهد و یا فراتر از آن، برخی از رزمندگان سالک نفس خود را به انجام اموری ملزم می‌کردند که نفس انسان‌ها فطرتاً از آن‌ها کراهت دارد. مواردی مانند شستن لباس‌های چرک دیگران، واکش زدن پوتین رزمندگان دیگر، جارو زدن محیط، جمع‌آوری آشغال‌ها و نظافت محیط، باز کردن راه آب فاضلاب، رفع گیر دستشویی، تعمیر دستشویی و ساختن دستشویی جدید، از جمله کارهایی به شمار می‌روند که نفس آدمی تمایل چندانی به انجام آن‌ها نشان نمی‌دهد، اما کارهایی مانند شستن دستشویی عمومی مناطق نظامی و برق انداختن آن‌ها، از جمله کارهایی هستند که نفس افراد فطرتاً از انجام آن‌ها سرباز زده و با کراهت با آن‌ها برخورد می‌کند.

در این قسمت در ترسیم گام فراتری که رزمندگان سالک در جریان مراقبه و محاسبه نفس خود در جبهه‌های جنگ برمی‌داشتند، نخست از انجام کارهایی نظیر جارو زدن محوطه، گردآوری آشغال‌ها و باز کردن راه آب فاضلاب و مانند آن توسط رزمندگان سالک یاد خواهد شد و در ادامه با ترسیم تلاش رزمندگان برای شستن دستشویی‌ها (که از آن به مثابه شستن روح خود یاد می‌کردند)، از مراقبه‌ای یاد خواهد شد که شایسته نام «مراقبه متعالی» است، زیرا برخلاف پیشنهادهای غیر شرعی اخلاقیون، نظیر آسیب زدن به بدن، این رزمندگان با واداشتن خود به انجام اموری که نفس آدمی فطرتاً از آن‌ها کراهت دارد، در واقع اوج تخالف، تحقیر و شکست و ورشکستگی را به نفس خویش تحمیل می‌کردند.

همان‌گونه که از آن یاد شد، گاهی رزمندگان برای مخالفت ورزیدن با نفس خویش، خود را وادار به انجام کارهایی می‌کردند که غالب افراد معمولی از آن پرهیز دارند، مانند تخلیه بار کامیون، شستن لباس‌های چرک رزمندگان، واکس زدن کفش آنان، جمع‌آوری آشغال‌های محوطه، جارو زدن محوطه، تعمیر دستشویی‌های فرسوده، احداث دستشویی‌های جدید، آب کردن آفتابه برای رزمندگان و نظایر آن‌ها.

هاشمی (۱۳۹۶) در توصیف حاج عبدالعلی عمرانی، اولین فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، گزارش می‌دهد، وی هنگام آمدن کامیون‌های حامل هدایای مردم، در امر تخلیه کامیون‌ها پیش قدم بود.

سالاری (۱۳۸۵) در توصیف سردار اسماعیل دقایقی، خاطرنشان می‌سازد، یکی از کارهای وی، نظافت مسجد و جا کفشی‌های آن بود.

علوی‌زاده (۱۳۸۵) و اکبر و همکاران (۱۳۷۴) در گزارش برخی از رفتارهای سردار حاج کاظم رستگار و شهید تیمسار بابایی گزارش می‌کنند که آنان البسه چرک رزمندگان را که کنار حمام افتاده بود، گردآوری کرده و پس از شستن آنها، لباس‌ها را روی بندی پهن می‌کردند که یافتن آنها برای صاحبانشان راحت باشد.

بهزاد (۱۳۷۶) در توصیف حاج احمد متوسلین، گزارش می‌دهد که وی با تمام مسوولیت‌های مدیریتی خودش، از پذیرش مسوولیت نظافت چادر و محیط محل اسکان خود طفره نمی‌رفت و شخصاً به این امور نیز می‌پرداخت.

ناظمی (۱۳۸۳)، مردی (۱۳۸۹) و سالاری (۱۳۸۵)، از گردآوری آشغال‌های محوطه توسط سرداران شهید مهدی باکری، حسن باقری و اسماعیل دقایقی یاد کرده‌اند. نظمی تبار (۱۳۹۶) نیز از اقدامی مشابه از سوی فرمانده دیگری یاد می‌کند. خسروی‌راد (۱۳۷۶) و فکوری (۱۳۸۴) از جارو به دست بودن و جاروی محوطه اسکان رزمندگان توسط فرماندهان دیگری یاد کرده‌اند.

عباس ولدی (۱۳۸۴)، در گزارش خود از رزمنده‌ای یاد می‌کند که جارو زدن را به مثابه جارو زدن بدی‌های درونی خودش می‌بیند:

«... به زحمت جارو را از دستش گرفتم. داشت محوطه را آب و جارو می‌کرد. کار هر روز صبحش بود. ناراحت شد و گفت: بگذار خودم جارو کنم. این جوری بدی‌های درونم هم جارو می‌شوند».

فکوری (۱۳۸۸) در توصیف فرمانده شهید احمد شول خاطرنشان می‌سازد، وی در محل استقرار جدید نیروها، برای بر پا کردن حمام و دستشویی رزمندگان زیر دست خودش پیش قدم بود. محمدزاده (۱۳۸۰) از فرماندهان گردانی یاد کرده است که در محل استقرار جدید نیروهای خویش، شخصاً دست به تعمیر دستشویی کهنه و فرسوده آنجا زده‌اند. سالاری (۱۳۸۵) به گزارش باز کردن راه آب و فاضلاب گرفته شده توسط سردار دقایقی می‌دهد. استکی (۱۳۹۴) نیز در کتاب خود یادآور شده است، مسعود آخوندی که سمت فرماندهی داشت، در تخلیه چاه دستشویی محل استقرار نیروهایش پیش قدم شده است.

عاکف (۱۳۹۲) و خسروی (۱۳۷۷) از رفع گیر دستشویی‌ها و باز کردن چاه آنها در نیمه شب توسط فرماندهان و شهدای دیگری خبر می‌دهند.

جعفریان (۱۳۸۸) و ایزدی (۱۳۹۱) از آب کردن آفتابه‌ها برای استفاده رزمندگان به شرح زیر یاد کرده‌اند: «حاج مهدی طیرانی بیشتر شب‌ها، ظرف‌های آب را برمی‌داشت و راه طولانی را طی می‌کرد و آب می‌آورد. در فصل گرما، دستمال خیس می‌کرد و روی صورت بچه‌ها می‌گذاشت، تا کمی خنک بشوند. آخر در کجای دنیا، فرمانده گردان آفتابه برای نیروهایش آب می‌کند. حاج مهدی آن کار را می‌کرد و اعتقاد داشت نیروهای بسیج، سربازان امام زمان هستند».

«نادری توی عملیات زودتر از همه بیدار می‌شد و می‌رفت توالت‌ها را می‌شست و آفتابه‌ها رو از آب منبع پر می‌کرد و می‌گذاشت کنار توالت تا بچه‌ها راحت باشن».

فهیمی (۱۳۸۰) از عملکرد دو رزمنده در جبهه‌های جنگ به شرح زیر یاد کرده است:

«علیرضا شجاعی و حمزه آقایی، در گردان انبیای لشکر نجف اشرف، دو رزمنده بودند. آن‌ها افزون بر سایر وظایف شخصی و رزمی خود با محبت و ارادتی وصف‌ناپذیر دست‌اندرکار شست و شو و جمع و جور کردن وسایل بچه‌ها می‌شدند، کف سنگر یا چادر را جارو می‌زدند، پتوهای مرطوب را در آفتاب پهن می‌کردند، از گوشه و کنار لباس‌های نشسته را جمع کرده می‌شستند، پوتین‌ها را واکس می‌زدند و برق می‌انداختند، محوطه اطراف مقر را از خرده کاغذ و شیشه و فلز و فضولات پاک نگه می‌داشتند، در جست و جوی موش‌ها، حفره‌های داخل و خارج سنگر را در فرصت مناسب پاکسازی و بازبینی می‌کردند و دوستان را در مقابل عمل انجام شده قرار می‌دادند. دوستان نیز از آنان با عنوان نظافت‌چی یاد می‌کردند.»

اما فراتر از آنچه از آن یاد شد، گاهی برخی از رزمندگان سالک، با استقبال از اموری که آدمی فطرتاً از آن‌ها فاصله می‌گیرد، سعی در مهار و سیطره یافتن بر نفس خود می‌کردند. شستن دستشویی عمومی رزمندگان، یکی از شاخص‌ترین همین امور به شمار می‌آمد.

گزارش شستن توالت‌های عمومی توسط مؤلفان زیادی که به واقعه نویسی‌های جنگ پرداخته‌اند، درج گردیده است، تا حدی که به زعم نگارنده با گردآوری این موارد، می‌توان از آن‌ها کتاب مستقلی تهیه کرد.^۱ برخی از این گزارش‌ها، در آثار زیر آمده‌اند:

آذر یعقوب و خسروی‌راد (۱۳۷۲)، بهزاد (۱۳۷۶)، فراهانی (۱۳۷۶)، بیدارمغز (۱۳۷۶)، معاونت فرهنگی بنیاد شهید فارس (۱۳۸۰)، فخرایی (۱۳۸۰)، ابول‌اولا (۱۳۸۰ و ۱۳۸۱)، کارآمد (۱۳۸۰)، فهیمی (۱۳۸۱)، عباس‌ولدی (۱۳۸۴)، صیفی‌کاری (۱۳۸۴)، ناصر دوست و بابازاده (۱۳۸۴)، رضابور (۱۳۸۵)، سرهنگی (۱۳۸۷)، میرزایی (۱۳۸۷)، دهقان (۱۳۸۷)، قلی‌زاده و غیور (۱۳۸۸)، مردی (۱۳۸۹)، بهزاد (۱۳۸۹) خسروی (۱۳۹۰)، مطلق (۱۳۹۰)، میرزایی (۱۳۹۱)، نظرلو و فرامرزی (۱۳۹۲)، عاکف (۱۳۹۲)، رزم‌آرای (۱۳۹۳)، نظمی تبار (۱۳۹۶) و هاشمی (۱۳۹۶).

ناصر دوست و بابازاده (۱۳۸۴) در کتاب گمشدگان معجون، در قسمتی از توصیف سرداران شهید حمید باکری و مرتضی یاغچیان، از قول یکی از رزمندگان می‌نویسد:

«کمی پایین‌تر از محل توالت‌ها و دستشویی، محل نگهبانی من است. هوا کمی سرد است. گاه چرت می‌گیرم، اما سعی می‌کنم بیدار بمانم. فکر می‌کنم. درباره همه چیز. اینجا کجاست و من چه می‌کنم؟ بچه‌ها در چه حالند. حتماً عده‌ای از کیسه خواب بیرون آمده‌اند و در حال عبادت هستند و من نگهبانم.

اصول نگهبانی در شب را در ذهنم تکرار می‌کنم. به کوچک‌ترین صدایی دقت می‌کنم. ناگهان صداهای گنگی از توالت‌ها نظرم را جلب می‌کند. صدای آب می‌آید. تق و توق آفتابه و سطل می‌آید. معمولاً بچه‌ها این وقت شب کمتر به توالت می‌روند و اگر رفتند کمتر سرو صدا راه می‌اندازند.

بی‌دقت می‌شوم. اما نه، حتماً باید حواسم را جمع کنم. صداها گاه فرو می‌رود و گاه بلندتر می‌شود. نزدیک‌تر می‌روم.

^۱- نگارنده با انجام همین امر، کتابی با عنوان «شستشوی روح» در دست تألیف دارد.

یک نفر داخل دستشویی تند و تند این ور و آن ور می‌رود. بیشتر حساس می‌شوم. اسلحه را آماده می‌کنم. با حالت آماده به طرف در توالی ها نزدیک می‌شوم. مقداری آب از در توالی بیرون می‌زند. چیزی که بعداً می‌بینم، تعجبم را آن قدر برمی‌انگیزد که اگر هزار عراقی را آنجا می‌دیدم، تعجب نمی‌کردم.

آقا مرتضی، با چند سطل و آفتابه تمیز در دست می‌خواهد از توالی بیرون بیاید. مرا که می‌بیند یکه می‌خورد. متوجه می‌شوم که اسلحه را به روی او نشانه رفته‌ام. با خجالت اسلحه را پایین می‌اندازم.

—خسته نباشی. نگهبان شما هستید؟

بله، چیزه، شما بودید؟ چه می‌کردید؟

از محل دور می‌شود. همان جور خشکم زده است. نگاهی به توالی‌ها می‌اندازم، تمیز شده‌اند. متوجه همه چیز می‌شوم و بدو به سوی آقا مرتضی می‌روم.

آقا مرتضی، شما چرا؟ آخر این چه کاری است؟

— مگر چی شده است؟ یعنی ما لیاقت این کار را هم نداریم؟

این چه حرفی است؟ منظورم چیز دیگری است.

— می‌دانم برادر! ولی اگر من این کار را انجام ندهم، خیال می‌کنم آدم که دارای مسوولیتی شد، یعنی خیلی آدم بزرگی شده است. باید نفس را کشت. مگر نشنیده‌ای که امام گفته که آدم یک‌دفعه که طاغوت نمی‌شود، کم‌کم شیطان در او راه پیدا می‌کند. باید از اول مبارزه کرد».

نظرو و فرامرزی (۱۳۹۲) در شرح خاطرات سردار حسن رنجبر کهن از قول وی خاطرنشان می‌سازند که برخی از رزمندگان سالک، شستن توالی‌های عمومی رزمندگان را به مثابه شستشوی روح خویش می‌دیدند:

«بعضی شب‌ها شلنگ و جارو را برمی‌داشتم و توالی بزرگ مسجد دهلران را می‌شستم. بعدها شهید علیرضا شهبازی و ملاجعفر که فهمیدند من آنجا می‌روم، می‌آمدند و کمک می‌کردند و با هم توالی‌ها را می‌شستیم. می‌گفتند: با این کار مثل این که ما خودمان را می‌شوئیم.

ملاجعفر می‌گفت: هر وقت من خودم را گم می‌کنم، می‌آیم اینجا و خودم رو بازسازی می‌کنم».

قلی‌زاده و غیور (۱۳۸۸) هم گزارش می‌دهند، اگر فرماندهی در ارتباط با رزمنده‌ای به خطا عصبانی می‌شد، با رفتن به دستشویی‌ها و شستن آن‌ها سعی می‌کرد حساب کار نفسش از دست او خارج نشود:

«دستشویی‌های اردوگاه هنوز شکل شهری و بهداشتی ندارد. داخل محفظه‌های فلزی است، بلندی‌اش تا سینه‌هایمان و نه آب لوله‌کشی و نه آدم بخصوصی برای تمیز کردن‌شان. این جور کارها را یا بچه‌ها خودشان انجام می‌دهند یا ابزاری است برای عرفا در مسیر سلوکشان!

من خودم محمد سبزی را در حال نظافت دستشویی‌ها دیده بودم و بودند کسانی که حتی آقامهدی باکری را دیده بودند. بعضی از فرمانده‌ها هم اگر هنگام روز مثلاً در برخورد با یکی تند می‌کردند یا دل کسی را رنجانده بودند، نیمه‌های شب می‌رفتند دستشویی‌ها را تمیز می‌کردند تا حساب کار از دستشان در نرود».

فخرایی (۱۳۸۰) در کتاب آسمان زیر آب، خاطرات غواصان لشکر ۱۹ فجر، از نذر کردن شستن توال‌ها به شرح زیر یاد کرده است:

«شهید فرهادیان فرد نذر کرده بود و یک هفته نظافت دستشویی را به عهده گرفته بود».

بهزاد (۱۳۸۹) در مصاحبه‌ای که با شهید همدانی دارد، از قول او از مسابقه رزمندگان با یکدیگر در شستن دستشویی‌ها خبر می‌دهد:

«- شهید شهبازی از لحاظ مشارکت در کارهای جمعی چطور بود؟

خیلی فعال شرکت می‌کرد. در آن روزها در سپاه همدان یک رسمی جا افتاده بود، مبنی بر رقابت در نظافت توال‌ها و سرویس بهداشتی سپاه. همه‌ی بچه‌ها بر سر انجام این کار با هم رقابت داشتند.

- یعنی علاوه بر یک کار بهداشتی، نوعی خودشکنی بود؟

آره. از فرمانده و مسوول هر واحد تا پاسداران ذخیره، خودشان را موظف می‌دانستند توال‌ها را بشویند. هر کسی صبح زودتر از بقیه از خواب بیدار می‌شد، بلافاصله، خیلی سریع و البته دقیق، سرویس‌های بهداشتی سپاه را نظافت می‌کرد. دست آخر طوری شده بود که سایرین وقتی می‌دیدند، شخص نظافت کننده، فی‌المثل ساعت ۳:۳۰ دقیقه صبح بیدار شده و سرویس را شسته، به نگهبان پاس آخر می‌سپردند، ما را ساعت ۳ از خواب بیدار کنید.

محمود شهبازی هم خودش را آورده بود توی این جرگه و خیلی مقید و منظم در این طور کارهای عمومی شرکت می‌کرد».

دهقان (۱۳۸۷) نیز در بیان احوالات شهید احمد امینی، گزارش می‌دهد، او غیرممکن بود به فردی از زیر دستانش اجازه دهد که توال‌های عمومی رزمندگان را بشویند:

«حاج احمد توی جبهه حتی مستراح‌ها را هم خودش می‌شست. یک نفر قسم می‌خورد که غیرممکن بود بگذارد کس دیگری این کار را انجام دهد. شوخی نیست، فرمانده سیصد چهارصد نفر باشی و این قدر افتادگی کنی...».

رزمنده دیگری از نیروهای حاجی هم گزارش می‌داد که من بارها و بارها در بندرعباس (محل تمرین نیروهای غواص حاج احمد)، حاجی را دیدم که در نیمه‌های شب برمی‌خاست و می‌رفت دستشویی‌ها را می‌شست».

فراهانی (۱۳۷۶) و ابول‌اولا (۱۳۸۰)، از فرماندهان دیگری یاد کرده‌اند که در شستن دستشویی‌ها، به زیر دستانشان اجازه مشارکت در نظافت دستشویی عمومی رزمندگان را نمی‌دادند.

ناصر دوست و بابازاده (۱۳۸۴) هم در گزارش خاطرات سردار حمید باکری خاطرنشان می‌سازند، وی چنان دستشویی‌ها را می‌شست که دستشویی‌ها «برق می‌زدند».

میرزایی (۱۳۸۷) و بیدار مغز (۱۳۷۶) با یاد کردن از سرداران شهید امینی و جعفرزاده یادآور شده‌اند، وقتی فردی متوجه شده است که آن‌ها در نیمه‌های شب، دست به نظافت دستشویی‌ها می‌زنند، از آنان خواسته‌اند که این راز را نزد خودشان نگه داشته و به کسی نگویند:

«وقتی در بندرعباس آموزش غواصی می‌دیدیم، در یکی از ساختمان‌های نیروی هوایی ارتش مستقر شدیم.

تقریباً ۱۷۰ نفر بودیم. ساختمان تعدادی سرویس بهداشتی داشت. چون ۱۷۰ نفر از سرویس ها استفاده می کردند. خیلی زود کثیف می شد.

صبح که برای نماز بیدار می شدیم، سرویس ها تمیز بود. از تمیزی برق می زد. هیچ کس نمی دانست سرویس ها را چه کسی نظافت می کند.

اواسط دوره، قباد شمس الدینی پیرمرد ۶۷ ساله ای که در آن سن و سال همراه ما شنا یاد گرفته بود، نزد من آمد و با چشمانی گریان گفت: حاج احمد دارد من را می کشد.

با تعجب پرسیدم: چرا؟!

همان طور که اشک می ریخت، گفت: همیشه می خواستم بدانم چه کسی دستشویی ها را می شوید. یک شب بیدار ماندم. کشیک کشیدم. وقتی صدای آب از دستشویی شنیدم. آهسته به آن طرف رفتم. چشمم به حاج احمد افتاد که با جارو و شلنگ آب دستشویی ها را می شست.

سعی کردم جارو و شلنگ را از دستش بگیرم، ولی با من درشتی کرد که چرا بیدار مانده ام، و بعد قول گرفت که موضوع را به کسی نگویم.

گفتم: اگر قول داده ای به کسی نگویی، چرا به من گفتی؟

حق کنان گفت: این راز داشت من را می کشت».

«هر روز صبح زود که برای وضو گرفتن می رفتیم، می دیدم که دستشویی ها تمیز است، انگار کسی تازه همه جا را شسته باشد. حتی شیرهای آب را برق انداخته بودند. از هر کس می پرسیدیم، چیزی نمی دانست. پیگیر شدم که بفهمم چه کسی شب ها محیط را نظافت می کند. من با برادر جعفرزاده هم اتاق بودم. شبی خوابم نمی برد. دیدم که او بلند شد و رفت بیرون. چند لحظه بعد، من هم پا شدم و دنبالش رفتم. فهمیدم که هر شب قبل از این که نماز شبش را بخواند، اول دستشویی ها را نظافت می کند، بعد وضو می گیرد. هیچ وقت ندیدم که نماز شب، زیارت عاشورا و قرآنش را ترک کند. آن شب، وقتی به اتاق برگشت، رویش را بوسیدم. او که دید من همه چیز را فهمیده ام، از من خواست که در این مورد چیزی به کسی نگویم».

مطلق (۱۳۹۰) نیز گزارش می کند، پس از آن که رزمنده ای متوجه سردار چراغی می شود که مشغول شستن و نظافت دستشویی ها است، وی به عنوان فرمانده آن رزمنده به وی دستور می دهد که او شستن دستشویی ها را ترک کرده و این کار را به وی که فرمانده اش است، واگذار کند:

«من می رفتم نصف شب، بی رودربایستی توالت بچه ها را می شستم. این فقط به خاطر ثواب نبود. اگر توالت ها تمیز می شدند، مریضی هم کمتر می شد. میکروب از دستشویی ها همه جا می رود. یک شب که رفتم توالت بشویم، دیدم یک نفر شلنگ گرفته و از آن بالای دستشویی ها تا پایین را برق انداخته، دارد می شوید. برق ها را هم خاموش کرده بود که معلوم نباشد. چراغ قوه انداختم و دیدم، چراغی مسوول تیپ است. گفتم: شما جواز دارید این کار را می کنید. خندید. آمدم جارو و شلنگ را از او بگیرم. گفت: بگذار من هم در ثوابش شریک باشم. پیرمرد، چرا می خواهی همه ی ثواب ها را تو ببری. من بکش، او بکش، جروبحث مان شد، گفت: من فرماندهی تو هستم، دستور می دهم کاری به کار من نداشته باشی! بعد هم گفت: این قصه را برای

کسی تعریف نکن، چرا که بچه‌ها من را به چشم یک فرمانده، نگاه می‌کنند. خودش نیست، خدایش هست، اگر شهید نشده بود، الآن برای تان تعریف نمی‌کردم».

میرزایی (۱۳۹۱) با بیان خاطرات رزمنده‌ای که در پی کشف این مسأله که چه کسی دستشویی‌ها را نیمه شب‌ها می‌شوید، فهمیده بود که شهید جعفرزاده به این امر مبادرت می‌ورزد، یادآور می‌گردد که سردار جعفرزاده با گِلِه از پلیس بازی آن رزمنده، به او بیان می‌دارد که با این کار او فیض شستن دستشویی‌ها را از وی گرفته است:

«صبح‌ها که برای نماز بیدار می‌شدم، دستشویی‌ها تمیز شده بود. هر وقت سوال می‌کردم کی این دستشویی‌ها رو تمیز می‌کنه؟ پاسخی نمی‌شنیدم.

یکی از نیمه شب‌ها به طرف دستشویی می‌رفتم. شخصی مشغول نظافت بود. همین که صدای پایم را شنید، خودش را پنهان کرد.

وارد دستشویی شدم. چند لحظه بعد، در را محکم بستم و وانمود کردم آن جا را ترک کرده‌ام. طولی نکشید فردی که نظافت می‌کرد، از مخفی گاه بیرون آمد و مشغول شستن دستشویی‌ها شد. حمیدرضا جعفرزاده بود. وقتی من را دید، به شدت ناراحت شد و گفت: امشب با این پلیس بازی، یک فیض رو از من گرفتی، دیگه دستشویی‌ها رو نظافت نمی‌کنم».

۳-۵- مراقبه پس از مرگ

در عرفان سرخ شکل گرفته در جبهه‌های جنگ، فرازهای شگفت‌آور جدیدی ملاحظه می‌شوند که «مراقبه پس از مرگ» و «مراقبه اجتماعی پس از مرگ»، دو فراز از فرازهای شگفت‌انگیز آن هستند. به این معنا که با غور و تفحصی اجمالی در متون اخلاقی متعددی که در طول تاریخ فرهنگی این مرز و بوم نگاشته شده‌اند، شاید در هیچ کتابی بحثی با عنوان مراقبه پس از مرگ مطرح نشده باشد، اما برخی از رزمندگان سالک، در جریان سیر و سلوکی که با آتش و خون همراه بود، به افق‌های جدیدی دست پیدا کردند که یکی از آن‌ها مراقبه پس از مرگ رزمندگان سالک بود. به این معنا که اگر چه رزمندگان در سیر و سلوک معمول خویش در جبهه‌های آتش و خون، مراقبه و محاسبه خود را همان‌گونه که کتاب‌های اخلاقی پیشینیان از آن یاد می‌کردند، محقق می‌ساختند، اما آنان در گامی فراتر، به سبب لطافت طبعی که یافته بودند، حتی به مراقبه پس از شهادت خویش نیز می‌اندیشیدند و درصدد بودند با تحقق شهادتشان، در درجه نخست، پیکر مطهر آنان گم شده، همچون حضرت زهرا، سلام الله علیه، گمنام بمانند، اما در درجه بعد، آنان از اطرافیانشان می‌خواستند که در صورت مفقودالجسد نشدن آنان، اطرافیانشان نامی نیز از آنان بر در و دیوار کوچه و شهر و حتی سنگ مزار آنان نگذارند و یا در بزرگداشت آنان، اقدامی به عمل نیاورند که مثلاً آنان را برتر از نیروی شهید زیر دستشان مطرح سازد.

در ادامه، نمونه‌هایی از مراقبه‌های پس از مرگ برخی از رزمندگان سالک خواهد آمد.

صبوری (۱۳۸۹) در توصیف یکی از رزمندگان عارف و سالک می‌نویسد:

«... خاکریز، مال ما شده بود. خط آرام بود. بچه‌ها لم داده بودند و استراحت می‌کردند. یک عده با حواس جمع عراقی‌ها را می‌پاییدند. من و اصغر، قدم زنان آمدیم لب کانال. زیر سقف آسمان راه رفتیم. آسمان، پر ستاره و سیاه بود. یک جا ایستادیم. داشتم آسمان را نگاه می‌کردم که اصغر یک دفعه دست برد تو یقه‌اش، پلاکش را کند، تو دستش گرفت.

تعجب کردم. گفتم: ... چه کار می‌کنی، اصغر؟

با حالت عجیبی که هرگز تا آن موقع ندیده بودم، گفت: شهادت هم یک جور شهوت‌ه. می‌خوام گمنام بمیرم تا اسیر این شهوت نباشم.

اول فکر کردم جدی نمی‌گوید. این حرف‌های عرفانه از اصغر بعید نبود. اصغر طی طریق کرده بود، اما فکر نمی‌کردم این قدر دل کنده باشد از دنیا!

همین طور که نگاهش می‌کردم، پلاکش را انداخت تو کانال ماهی.

با ناراحتی گفتم: بابا، اصغر، چه کار کردی؟ اگر طوریت بشه، با همین پلاک پیدات می‌کنن. چرا انداختیش؟

گفت: حتی به آن هم نمی‌خوام وابسته باشم.

بعد گفت: سید، تو رو خدا، یک کاری بکن. اگر صبح عراق پاتک کند. این بچه‌ها جون ندارن جلوی عراقی‌ها وایسن. خسته هستن. برو با حاج محمد صحبت کن.

می‌خواست حواس مرا پرت چیز دیگری کند. صورت اصغر، نورانی شده بود. به دلم افتاد که طوریش می‌شود. هیچ وقت او را آن قدر روحانی و نورانی ندیده بودم...»

مطلق (۱۳۹۰) از رفتار مشابهی در یکی از رزمندگان سالک یاد کرده، در جای دیگری از کتابش گزارش می‌دهد، گروهی از رزمندگان که برای تصرف دژ عراق هم قسم شده بودند، به طور دسته جمعی پلاک‌هایشان را از گردنشان بیرون آورده، به کنار می‌نهند.

یوسفی کوپایی (۱۳۷۵) و حسینی (۱۳۸۹) هم از فرماندهانی یاد می‌کنند که حاضر به انداختن پلاک بر گردنشان نبودند و آرزوی مفقودالجسد شدن را داشتند تا اگر شهید شدند، همچون فاطمه زهرا، سلام الله علیه، مزاری بی‌نام و نشان داشته باشند. هاشمی (۱۳۹۰) در مصاحبه با همسر یکی از رزمندگان، از قول وی خاطرنشان می‌سازد، همسر شهیدش نذر کرده بود که به تبعیت از حضرت فاطمه زهرا، سلام الله علیه، مفقودالاثر شود.

بهشتی (۱۳۷۶) گزارش شگفت و در عین حال عبرت‌آموز مشابهی در همین جهت ارایه کرده است:

«تا دکتر بیاید، رفتم بالای سر مجروح. نبضش نمی‌زد و صورتش کاملاً سوخته بود. ترکش پشتش را سوراخ سوراخ کرده بود.

– بله. شهید شده. باید منتقل بشه سردخونه. یکی رو صدا کن ببرینش!

باید اول شناسایی بشه.

– خوب؟

هیچ مشخصاتی نداره... پلاک.

- حتماً یادشون رفته. پلاکشو در بیار، اطلاعات پلاکشو بچسبون به سینه‌اش!

تا پلاک شهید را بیرون بیاورد، رفتم یک کاغذ و خودکار آوردم. پرستار مات و مبهوت بالای سر مجروح ایستاده بود.

- چیه؟ چرا معطلی؟

پلاک نداره.

- یعنی چه؟ مگه می‌شه؟

واقعاً پلاک نداشت. وضع ناجوری بود. هر طور شده، باید شناسایی‌اش می‌کردیم.

- چندتا مجروح آوردن؟

نمی‌دونم. لیست دست بهیاره.

- خب زود باش!

رفت تو بخش، دنبال بهیار. مجروحی که کنار شهید بود، ناله می‌کرد. نگاه کردم. پلاک داشت.

- ببینم، برادر. چند نفر بودین اعزام شدید کرمان؟

جوابی نداد. ناله می‌کرد. زخمش را بستم. در همین هنگام بهیار به اتفاق پرستار رسیدند.

- تعداد مجروحان با این لیست نمی‌خونه. یکی زیاده.

خوب حتماً همین بنده خدا هست... حالا چه کار کنیم؟

درمانده به هم نگاه کردیم. پرستار خودش را باخته بود. مدام لیست را زیر و رو می‌کرد. نمی‌شه که ولش کرد به امان خدا.

- جیب‌هاش رو بگرد، شاید کارتی، چیزی دیدیم. بالاخره باید ببریمش سردخونه؟

پرستار مشغول شد. یکی یکی جیب‌هایش را گشت: یه ورق کاغذ.

- چیه؟

نمی‌دونم.

- خوب بازش کن ببین چیه! بده به من!

کاغذ را از دستش گرفتم و خواندم. احساس کردم چیزی گلویم را می‌فشارد. چشم‌هایم می‌سوخت. آب دهانم را به سختی فرو بردم. بهیار جلو آمد: چیه؟ چی نوشته؟

صدایم می‌لرزید. به هر زحمتی بود نوشته را خواندم: اگر شهادت برای خداست، چه خوب است که گمنام شهید شویم.

بهشتی‌پور و خامه‌یار (۱۳۷۳)، در توصیف احوالات شهید مجید زین‌الدین، گزارش می‌کنند که وی قبل از شهادت، تصاویر خودش را از بین برده بود:

«آقا مجید زین‌الدین در همان فرصت اندک مأموریتش به قم که داشت، هرچه عکس توی منزل خودشان و بستگان داشت، همه را برداشته و پاره کرده بود. وقتی از او سوال می‌کنند که چرا این‌ها را پاره می‌کنی؟! جواب می‌دهد: تا پس از شهادت، عکسی از من نداشته باشید و بزرگ کنید. می‌خواهم گمنام باشم!».

کاوندی (۱۳۷۷) هم از شهیدی یاد می‌کند که در وصیتی که به دوستش دارد، از او می‌خواهد تا قسمتی از خاطرات مکتوب وی را هیچ کس نخواند:

«عراقی‌ها به ۳۰ متری ما رسیده بودند. حسن دایم از پشت خاکریز خودش را به عراقی‌ها نشان می‌داد تا روحیه آن‌ها را ضعیف کند. لحظاتی گذشت. حسن بلند شد و گفت: من می‌رم عراقی‌ها رو زمین گیر کنم! گفتم: مواظب خودت باش!

گفت: فالله خير حافظا و هو الرحيم الراحمين.

نگاه نافذش تو چهره‌ام ثابت شد و انگار تمام وجودم را تسخیر کرده باشد، مانند سحر شده‌ها، فقط نگاهش کردم. گفت: علی! وصیتنامه‌ام لای کتاب مثنویه، تو ساکم که به تعاون تحویلش دادم. اگه شهید شدم، این قرآن و دفترچه رو هم حتماً به خانواده‌ام برسان.

قرآن را با یک دفترچه به دستم داد. قرآن جلد چرمی بود، یادگاری از مادر بزرگش. گفتم: چرا این‌ها رو می‌دی به من؟ قسمتی از دفترچه را نشان داد و گفت: این دفتر پیش تو باشد. دفتر خاطراتم را بده به آقای میثاق. این قسمت از دفترچه را حتی پس از شهادتم هم هیچ کس نخواند. حرفایی هست که برا خدا نوشته‌ام. چشم‌هام پر اشک شد. قرآن و دفترچه را در جیب پیراهنم گذاشتم و او رفت. سبکبال بود. حس کردم دیگر نمی‌بینمش و دیگر هم ندیدمش. یعنی دیدمش، اما تو پزشکی قانونی، جنازه‌اش را».

خندان بارانی (۱۳۷۷) در گزارش مشابهی درباره شهید مرتضی پیشداد خاطر نشان می‌سازد، وی وصیت کرده بود که دفترچه‌های اسرار معنوی و شفاعت نامه‌هایی را که از دوستانش گردآوری کرده بود، با جسد او در قبرش بگذارند. اسماعیلی و امانی (۱۳۹۵) در گزارش مصاحبه با یکی از رزمندگان می‌نویسند، وی به دلیل آن که دوست شهیدش از وی قول گرفته بود، خواب او را برای کسی نقل نکند، وی حاضر به بیان خواب روحانی دوستش -محمدعلی حجتی- نیست. طاهری (۱۳۹۵) در بیان خاطره‌ای از شهید آصفی از وصیت او یاد می‌کند که وی در وصیت نامه خودش از خانواده و اطرافیانش خواسته بود که اسم و عکس او را در آگهی ترحیم درج نکنند و حتی روی قبر وی نیز اسم او را حک نکنند تا گمنام گمنام باشد. فهیمی (۱۳۸۱) در گزارش مشابهی می‌نویسد:

«قله تقوا، قله‌ای به نام اسون در مریوان بود، این قله با ارتفاع زیاد و سرمای استخوان سوزش سال تا سال برف داشت. در اوایل جنگ، ۱۰ تا ۱۲ نفر از بچه‌ها مسوول نگه‌داری این ارتفاع بودند تا روزی که نیروهای بعثی قصد تصرف آن را کردند، که اگر موفق می‌شدند، غیر از پاسگاه‌ها، تعداد زیادی از روستاهای ایران در تیررسشان قرار می‌گرفت. بچه‌ها ابتدا طوری وانمود کردند که گویی ارتفاع خالی از نیرو است و وقتی عراقی‌ها تفریح‌کنان نزدیک شدند، آن‌ها را غافل گیر کردند. چنین که شد، بعثی‌های باقی‌مانده برگشتند و با استعداد بیشتری حمله کردند. در این فاصله، نیروی کمکی ایران حرکت کرد، دشمن از بچه‌ها خواست تسلیم بشوند و در جواب، یک روحانی که در میان نیروها بود، بانگ برآورد که: «نیروی خمینی و تسلیم؟» خلاصه پس از دو ساعت مقاومت و شهادت برادر روحانی، نیروهای تازه نفس از راه رسیدند و بعد از دفاع و استقرار در قله،

درصد برآمدند که قله را به نام آن طلبه شهید نام گذاری کنند، اما در وصیت نامه او نوشته شده بود: «نام مرا حتی روی یک کوچه بن بست هم نگذارید» و چون توصیه به تقوا در قلم و رفتار او مشهود بود، قله اسون را از آن پس «قله تقوا» نامیدند.

رستمی (۱۳۸۰) در گزارش خاطرات سردار شهید علی تجلایی، از مراقبه پس از مرگ وی، به شرح زیر یاد کرده است: «شهید تجلایی به من گفت: اگر لیاقت داشته باشم و زمانی شهید شوم، دعا کنید جنازه ام به دستتان نرسد! و ادامه داد: اگر هم جنازه ام برسد، خواهشم این است که برای من مقبره درست نکنید. من نمی خواهم قبرم طوری باشد که اگر کسی وارد قبرستان شد، بداند که علی فلان جاست! و افراد و دوستان سر قبر من بیایند. چون بسیجی هایی بودند که خیلی گمنام رفته اند و واقعاً هم خلوص نیت داشتند، نمی خواهم قبر آن ها بی کس باشد».

حسام (۱۳۹۳) در گزارش مشابهی می نویسد:

«از امیدی پرسیدم: حاج محسن منتهای آرزویت چیست؟ گفت: شهادتی مثل شهادت حضرت علی اکبر (ع) با بدنی قطعه قطعه شده و در بیابان مانده.

گفتم: اگر امثال شما فرماندهان شهید شوند، با آمدن پیکرشان به شهر، شور و حالی بر فضای پشت جبهه حاکم می شود که مردم برای اعزام و پیوستن به جبهه تهییج می شوند.

امیدی پاسخ داد: آقای شهبازی، می دانی که من در این شهر کمی شناخته شده هستم، خوف آن را دارم که اگر جنازه من پس از شهادت به شهر برگردد، مردم زیادی در مراسم تشییع شرکت کنند. بعد می دانی چه اتفاقی می افتد؟ پرسیدم: چه اتفاقی؟

گفت: دل یک پدر شهید می گیرد و آه می کشد و می گوید: خدایا چرا پشت سر پیکر شهید من این همه جمعیت نبود». لقمانی (۱۳۷۸) در گزارش زندگی حاج رضا امانی که از فرماندهان جنگ به حساب می آمد، از قول مادر وی بیان می دارد که حاج رضا از مادرش خواسته بود، وقتی او شهید شد، مادرش به دیگران نگوید که فرزند وی فرمانده بوده است. جمالی (۱۳۷۸) از شهیدی یاد می کند که از خانواده اش خواسته بود به دلیل وضع نامناسب مردم، در مراسم وی تنها نان و پنیر و خرما بدهند تا اسراف در این میان رخ ندهد. نورمحمدی (۱۳۹۵) هم با درج خاطرات شهید ابراهیم رستمی، فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ استان کرمانشاه، از وصیت او یاد می کند که از اولیایش خواسته بود، پس از شهادت وی دنبال امتیازخواهی از مراکزی مانند بنیاد شهید نباشند.

محمدزاده (۱۳۸۰) در بیان خاطرات شهید غلامحسین رضوی، از زبان همسر وی می نویسد:

«من هر وقت او را در خواب می دیدم می گفتم: من اسیرم.

روزی مشغول جمع کردن خرت و پرت های خانه بودم. چشمم به چند رو بالشی افتاد که از پادگان اسلام آباد آورده بودیم. رو بالشی ها را برداشتم.

به خانه هم رزم شوهرم آقای حسین زاده رفتم و به همسرش گفتم: به آقای حسین زاده بگویید، این بقچه را به پادگان برگردانند!

بعد از برگرداندن بقچه، او را در خواب دیدم. با شادی گفتم: تا حالا اسیر بودم. ولی حالا دیگر آزاد شدم».

خاطره اخیر فراز متفاوتی در مراقبه پس از شهادت شهدا را به تصویر می کشد. سرانجام میرزایی (۱۳۹۱) در شرح خاطرات شهید غلامحسین خزایی، از اندیشه تخفیف نفس وی، حتی پس از مرگش یاد می کند. وی در همین ارتباط می نویسد:

«وصیت نامه ها را با هم نوشتیم. قبل از عملیات والفجر هشت، داخل چادر نشستیم و وصیت نامه نوشتیم. با وجود این، از متن وصیت نامه ی او اطلاعی نداشتیم.

بعد از شهادت حسین وقتی وارد خانه شدم، وصیت نامه را به دستم دادند و گفتند: جمله ی آخر وصیت نامه رو بخون. نوشته بود: زنجیرهایی را که خریده ام، به دست و پایم ببندید و من را در قبر قرار دهید».

۳-۶- مراقبه جمعی پس از مرگ

مراقبه جمعی پس از مرگ، یکی از اوج های درخشانی است که در عرفان سرخ شکل گرفته در جبهه های جنگ ملاحظه می شود. برخی از رزمندگان سالک و ره روی طریق الله، با علم به جوهره اجتماعی دین و وقوف به آن که راه عرفان، در سلوک فردی خلاصه نشده، تنها سلوک با جمع وافی به مقصد و مقصود است، تنها به مراقبه فردی خویش و حتی مراقبه خویش پس از شهادت نیز اکتفا نکرده، با خطاب قرار دادن اطرافیان، در زمان حیات و مماتشان، از آنان خواسته اند تا به خود آمده، با کنار نهادن جذایب های صوری دنیا، راه تعالی و آخرت را پیشه خود کنند تا به این ترتیب در مجموع جامعه آنان راه تعالی و سلوک را پیش گرفته، به جامعه و امت نمونه ای که قرآن وعده آن را می دهد، نزدیک شوند.

رزمندگان سالک در توصیه های خویش برای مراقبه اطرافیان، از ضرورت عمق بخشیدن به رابطه آنان با حضرت حق گرفته تا تأمل در فلسفه هستی و از سفارش به پیروی از امام خمینی گرفته ضرورت تخریب بانیان مساجد ضرار در عصر حاضر یاد کرده اند.

در فراز دیگری توصیه رزمندگان سالک به اطرافیان، شامل عطف توجه به جبهه های جنگ به مثابه مکانی برای انسان سازی، توجه به ادعیه، قوی کردن روح خویش با استقبال از ریاضت دادن به نفس خویش، پرهیز از مکروهات و واجب دیدن مستحبات و پرهیز از غرق شدن در مظاهر مادی و دنیایی و عبرت اندوزی از مرگ هست.

رزمندگان سالک با تأکید ضرورت عطوفت ورزیدن دوستان و یارانشان به عامه مردم و سرانجام تأکید فراموش نکردن مسوولیت اجتماعی آنان، به توصیه های خویش به خانواده و اطرافیان خاتمه داده اند.

توصیه های زیر رزمندگان، سفارش در ضرورت نزدیکی هر چه بیشتر به حضرت حق و تأمل اطرافیان در فلسفه هستی است:

«عزیزان! من خدا را بشناسید، فقط خواندن نماز کافی نیست، خدا را باید دید، خدا را باید لمس کرد و خدا را باید با یقین ستایش کرد، حتی یک بار هم که شده پا پیش بگذارید، ای دوستان نزدیک و دور من، روی سخن من با شماست که همیشه و بارها مرا در فکر فرو برده اید، شاید وصیت من مؤثر واقع شود، تا از میان تمام تاریکی ها نور را دریابید و از آن نور به منشاء نزدیک شوید و معراج کنید. آن کس که معراج می کند، خدا را شناخته است، خدا را دیده است و ایمان قلب را ستایش و پرستش می کند».

«دوستان عزیز! وقتی تنها هستید و کسی نزد شما نیست فکر کنید و ببینید در این مدت چه کردید و برای چه کردید و با خود بیندیشید که چه می‌خواهید بکنید. تا کی زنده هستید و برای چه زنده هستید و بالاخره به کجا و چگونه خواهید رفت؟ همیشه به یاد خدا باشید و خدا را فراموش نکنید و تنها در سختی‌ها به یاد خدا نباشید، بلکه همیشه خدا را یاد کنید».

برخی از رزمندگان تحت تأثیر کاریزمای امام خمینی، پیروی تام و تمام از وی را به خانواده و دوستانشان داشته‌اند: «لحظه‌ای از این سید اولاد زهرا (ص) جدا نشوید و قدر این نعمت بی‌بدیل را بدانید و با تمام وجود در یاری‌اش بکوشید، نه برای این که حضرت امام امت به این تحفه ملخ به درگاه سلیمان احتیاج داشته باشند، نه، ما و شما هستیم که از نوک سر تا ته وجودمان، نیازمند همراهی این مرد الهی و ولی خدا هستیم. بهشت به صورت امام امت متجلی شده که در خانه‌تان را زده است، مبادا بی‌اعتنایی کنید».

بعضی از رزمندگان سالک، با توجه به تاریخ اسلام، نسبت به انحراف یافتن اسلام در جامعه به اطرافیان‌شان هشدار داده و برخورد آنان با این جلوه‌های انحرافی را خواستار شده‌اند:

«با قدرت بر فرق هر ظالم و ستمگر و هوی پرست از درون و برون بکوبید و هر مسجد ضراری را به سر بانیانش خراب کنید که این است سیره نبوی و شیوه علوی و در همه عرصه‌ها ظاهر و حاضر باشید تا شاید آن طور که از من و شما خواسته‌اند، بتوانیم زینت آل عصمت باشیم».

توجه به جبهه به عنوان عرصه‌ای برای سازندگی، مقوله مهمی است که بسیاری از رزمندگان به تأکید آن برای دوستانشان پرداخته بودند:

«این راه بسیار مشکل است، چرا که اسارت، شهادت و مجروح شدن مزد این راه است، اما چون هدف رضایت خالق یکتاست، بسیار آسان می‌گردد. برادر و خواهر عزیز! انسان تا موقعی که در میان فساد است، قدر خود را نمی‌داند، در حال حاضر، محل شناختن و آزمایش انسان همین جبهه‌هاست، واقعاً انسان در این گونه مکان‌های مقدس خود را می‌شناسد و به اصلاح خود می‌پردازد».

فهمی (۱۳۸۱) در جلد دوم فرهنگ‌نامه جبهه انقلاب اسلامی در جنگ که به اصطلاحات، تعبیرات و نامه‌های رزمندگان اختصاص دارد، به درج برخی از نامه‌های رزمندگان به دوستانشان پرداخته است که طی آن رزمندگان دوستانی را که ترک جبهه کرده‌اند را نخست با ملایمت و در ادامه با تهدید به قطع دوستی تشویق به جبهه آمدن کرده‌اند.

توجه به ادعیه، قوی کردن روح با ریاضت کشی و توصیه به واجب دیدن مستحبات و حرام دیدن مکروهات، از دیگر مواردی است که رزمندگان سالک به توصیه و تأکید آن‌ها پرداخته‌اند:

«دعای کمیل و دعای ندبه، نماز جمعه، دعای توسل در ساخته شدن من بسیار مؤثر بود. شما نیز به این‌ها عمل کنید، پشیمان نمی‌شوید. دعای جامع کبیر، خمس عشر، سوره واقعه، الرحمن، النبأ، هجرات و المزمّل و... کلاً قرآن، مفاتیح، صحیفه سجاده و نهج البلاغه، نعمت‌هایی هستند که اگر کسی لحظه‌ای از آن‌ها غفلت کند پشیمان می‌شود».

«کم بخورید، کم بیاشامید و کم بخوابید، مال پاک و حلال بخورید تا اراده شما قوی و روحتان پاک شود. حق بدن خود را که نظافت و تغذیه و استراحت است و حق فکر خود را که تفکر در راه عبد خدا شدن و رفع مشکلات در این راه است و حق روح خود را که ذکر نام خدا و اظهار عجز و ناتوانی در مقابل الله تبارک و تعالی است، رعایت کنید تا به کمال برسید.»

«جوانان عزیز! نکند از آمدن به جبهه خودداری کنید که جبهه یعنی دانشگاه انسان سازی، جبهه جایی است که انسان در آن خدا و امام زمان (عج) را می بیند و به آنها یقین می یابد. در این برهه از زمان بار سنگین مسوولیت خون شهدا بر گردن شما نهاده شده است، اگر سستی کنید در پیشگاه با عظمت خدا مسوولید. شما باید راه شهدای عزیز را دنبال کنید و به مقصد برسائید. برادران عزیزم! همیشه مستحبات را واجب و مکروهات را بر خود حرام کنید، البته تا حدی که مقدور است.»

وجدانی (۱۳۸۴) به نقل از شهید علی اصغر ابراهیمی، توجه به ریاضت نفس و اکتفا به حداقل دنیا و ضربی به روایت از شهید حسین ترک چله نشینی را به یاران و اطرافیان توصیه کرده اند:

«... و استفاده از وسایل دنیوی (خور و خواب و پوشاک و...) که نعمتی است خدادادی، در حدی که کفایت کند نه بیشتر برای ادامه زندگی و اطاعت خدا (مثلاً به قدری غذا بخورد که نمیرد، نه این که سیر شود) و این امر جز با تمرین و ممارست و ریاضت نفس میسر نمی شود و باید عبادت خدای را زیاد کرد، به حدی که این امر برای انسان ملکه شود، که زبان جز به ثناء و ذکر خدا نگشاید و تمامی اعمالش در جهت خواست او باشد.»

«به چله نشینی معتقد بودی. خیلی وقت ها روزه بودی، اما سعی می کردی کسی متوجه نشود. دیگران را هم به چله نشینی سفارش می کردی. در وصیت نامه ات خواندم: مگر نه این است که اگر چهل روز، کاری را از روی اخلاص انجام دهیم، چشمه های حکمت بر دل ما جاری می شود. پس چرا چنین نکنیم؟»

پرهیز از زرق و برق دنیا، تجملات و عبرت اندوزی از مرگ، فراز مهم دیگری است که در توصیه و وصایای رزمندگان سالک به چشم می خورد:

«مال دنیا چشم را خیره می کند و عقل را می دزدد. توشه و کوله بار آخرت را از مال دنیا خالی و از نماز جماعت و مستحبات و روزه و خیرات و صدقه پر سازید.»

«برادران و خواهران! سعی کنید زندگیتان زیاد تجملی نشود، چون زرق و برق دنیا جاذبه ای قوی دارد و امکان دارد ما را از خداوند غافل کنید و این غافل شدن را ما نمی فهمیم تا روزی که یک دفعه متوجه می شویم از اسلامی که هنگام فقر داشتیم، فقط یک نماز و روزه جسمی باقی مانده و چیزی از معنویات باقی نمانده است.»

«ای کسانی که حرف های مرا می شنوید! بدانید که راه حق و حقیقت را انتخاب کرده ام و از تمام دل بستگی های دنیا دست شسته ام و به حکم قرآن عازم میدان شده ام و برای تحقق احکام خدا حرکت کردم. از شما جماعت می خواهم که برای من گریه نکنید، بلکه به حال خودتان گریه کنید که قرآن در میان شما تنهاست.»

مردم! به فکر فردای قیامت باشید. این قدر دروغ نگوئید و غیبت نکنید. حرام خواری نکنید و بی حجابی و تهمت و اعمال غیر خدایی را انجام ندهید. با خدای خود تا به این حد بیگانه نباشید. همه ما روزی این جهان فانی را وداع خواهیم گفت و چه خوب است که در فکر فراهم کردن توشه آخرت باشید. همدیگر را دوست داشته باشید و توبه کنید و به راه حق بیایید. دل

تمام ائمه از دست شما خون است، آخر چقدر در این دنیا غرق شده‌اید. به گفته امیرمؤمنان عل (ع) کمی هم به گورستان نظر کنید و چه بهتر به میان گلزار شهدا بروید و بدانید که روزی جایتان زیر خاک هاست و فردا خواهید مرد. پس غفلت را کنار بگذارید و رو به خدا بیاورید».

عطوفت ورزیدن به عامه مردم و رعایت حقوق آنان فراز دیگری از وصایای رزمندگان سالک به اطرافیانشان است: «قرآن بسیار بخوانید، کاری که من نکردم و ضرر کردم. مفاتیح بخوانید. نوافل را به جا آورید. من که آدم بی‌خودی بودم، خدا به من لطف کرد، گاهی در حال ذکر نام مبارکش، قلبم درد لذت‌بخشی می‌گرفت و این لحظات بهترین لحظات زندگی ام بود. بندگان خدا را دوست داشته باشید و با آنها، به خصوص در مساجد، بسیار معاشرت کنید. حقوق مردم را رعایت کنید تا مورد لطف خداوند قرار بگیرید. به مردم از روی عشق و احترام نیکی کنید و شب‌ها را با یاد خدا بخوابید و با یاد او بیدار شوید و او را ستایش کنید».

سرانجام توجه دادن به مسوولیت‌های اجتماعی افراد، مسأله مهمی است که بسیاری از رزمندگان سالک به آن عنایت داشته و اطرافیانشان را به رعایت آن‌ها سفارش کرده‌اند. نصری (۱۳۹۵) و فهیمی (۱۳۸۱) در همین رابطه می‌نویسند: «شهید رضا نادری وصیت کرد روی سنگ قبرش بنویسند:

هان ای برادر کجا می‌روی؟ اندکی درنگ کن! آیا با کمی گریه و یک فاتحه بر مزار من و امثال من مسوولیتی را که با رفتن خود بر دوش تو گذاشته‌ایم از یاد خواهی برد یا نه؟ ما نظاره‌گر خواهیم بود که با این مسوولیت سنگین چه خواهی کرد».

«از هم کلاسی‌هایم معذرت خواهی کنید و به آن‌ها بگویید با درس خواندن به آینده مملکت خود خدمت کنید و کشور را از وابستگی به بیگانگان نجات دهید. به آن‌ها بگویید مدرسه نیز واقعاً سنگر است، شهید رجایی می‌فریاد: «شما در مدارس حکم سرباز در جبهه را دارید». از طرف من، از همه معلم‌هایم معذرت خواهی کنید، چون آن‌ها را بسیار اذیت کردم. به آن‌ها بگویید بار سنگینی بر دوششان است، چون امام می‌فریاد: «معلم امانت‌داری است که انسان امانت اوست». از طرف من، به بچه‌های مدرسه بگویید در نماز جماعت‌های مدرسه شرکت کنند و برای پیروزی جنگ و طول عمر امام دعا کنند، چون دعا با دل‌های پاک زودتر اجابت می‌شود».

مروری بر آن‌چه گذشت

بررسی آثار برجای مانده از واقعه‌نویسی‌ها و گزارش‌های اخلاقی و رفتاری برخی از رزمندگان، حکایت از به کارگیری مقوله مراقبه و محاسبه نفس در آنان دارد، اما از آنجا که در عرصه‌های بحرانی، سرعت تحولات بسیار شدید است، با غور و تفحص در ادبیات جنگ می‌توان به عرفان سرخی رسید که به نوعی با آنچه در طول تاریخ فرهنگی ایران در متون اخلاقی از آن یاد کرده‌اند، قابل مقایسه نیست. به این معنا که اگرچه مراقبه و محاسبه نفس به شکل معمول آن در سطح بسیاری از رزمندگان جاری و ساری بود، اما آنان در جریان محاسبه و مراقبه نفس خویش، با استقبال از دشوارترین راهکارهای ممکن، آن هم در اوج بحران جنگ، اوجی از مراقبه را در زندگی خود و در عرصه زمین خاکی رقم زده‌اند.

به این معنا که برخی از رزمندگان با تحمیل سنگین‌ترین جریمه‌های ممکن برای مهار نفس سرکش خود، در عمل فصل جدیدی در مقوله محاسبه و مراقبه نفس گشوده‌اند که آن تحمیل رفتارهایی (نظیر شستن دستشویی عمومی محل استقرار

رزمندگان) بوده است که آدمی فطرتاً نسبت به انجام آن در خود احساس کراهت می‌کند، اگر از این «مراقبه متعالی» (که نگارنده حجمی معادل یک کتاب از رفتارهای اخیر در خاطرات رزمندگان مختلف، فیش تهیه کرده است)، بگذریم، شکل-گیری «مراقبه‌های جمعی»^۱؛ فراز دیگری است که در عرفان سرخ شکل گرفته در جبهه‌های جنگ ملاحظه می‌گردد. در این فراز، رزمندگان نه تنها به فکر مراقبه شخصی خویش بوده‌اند، بلکه در صدد به تعالی کشاندن رفتارهای دوستانشان هم بوده‌اند. تحقق «مراقبه پس از مرگ» مقوله دیگری است که برخی از رزمندگان آن را در وجود خویش به نمایش نهادند. به این معنا که در اقدامی بسیار فراتر از آنچه در ادبیات حکمی و عرفانی (و عرفان حوزه‌های علمیه) این مرز و بوم مطرح بوده است، رزمندگانی بر دامن خاک پا نهادند که نه تنها در طول حیات خویش به مراقبت از رفتارهای خود همت گماردند، بلکه در اندیشه مراقبه پس از مرگ خویش نیز بودند تا مبادا نام یا خبر آنان، در شکلی فراتر از معمول، بعد از مرگشان، طرح شده و شکل بگیرد.

سرانجام در آخرین فراز از مراقبه متعالی رزمندگانی که از آنان یاد شد، در عمل ما با رزمندگانی مواجه هستیم که به «مراقبه جمعی پس از مرگ» نیز دست یازیده بودند. به این معنا که برخی از رزمندگان با شهادت خویش کار خود را تمام شده ندانسته، با وصیت به اطرافیان، هم سنگران و مسوولان جامعه، آنان را در جهت استقبال از مراقبه‌ای که به رفتارهای متعالی و خداپسند می‌انجامد، فراخوانده بودند.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، اگرچه جنگ حاوی زشتی‌های بسیاری است، اما در عرصه جنگ ۸ ساله، عرفان سرخی در جبهه‌های جنگ شکل گرفت که ضمن آن که به مراقبه و محاسبه معمول مندرج در کتاب‌های اخلاقی تاریخ فرهنگی این مرز و بوم پوشش می‌داد، در سطحی فراتر، با طرح فرازهای همچون «مراقبه متعالی»، «مراقبه جمعی متعالی»، «مراقبه پس از مرگ» و «مراقبه جمعی پس از مرگ»، در عمل افق‌های فراتری را بر روی بشر خاکی گشود که این افق‌های متعالی می‌توانند به سهم خود الهام بخش بشریت گم گشته و سرگشته و خاصه جوانان این مرز و بوم قرار گیرد.

۴- تأملی دوباره

اثر حاضر دارای دو فراز هست. در فراز نخست پس از بررسی تحول مفهوم جوانی، تلاش شد تا با زیر بنا قرار دادن آموزه دینی «الناس علی دین ملوکهم» (مردم طبق سیره رهبران‌شان عمل می‌کنند)، هم‌زمان با بررسی تحول‌های اجتماعی، تحول‌های اخلاقی دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد.

در فراز دوم کتاب، کوشیده شد تا با استعانت از ادبیات جنگ و آثار بازمانده از رزمندگان ایران در جنگ ۸ ساله، افق جدیدی فراوی دانشجویان ترسیم گردد تا دانشجویان در عین مواجهه با جلوه‌های متعددی از فرومایگی اخلاقی که در فضای واقعی و مجازی وجود دارند، به این مسأله وقوف پیدا کنند که به جز جلوه‌های اخیر، افق‌های اخلاقی دیگری نیز وجود دارد که آنان می‌توانند با استناد و اتکا به آن‌ها، ورای فضای اجتماعی موجود، راه دیگری را برای زیست اخلاقی خویش انتخاب کنند.

^۱ - با نگاهی به کتاب المحجۃ البیضا که مرجع اخلاق در جهان شیعه به شمار می‌رود، ملاحظه می‌گردد که از اینجا به بعد، مباحث اخلاقی مطرح شده در کتاب المحجۃ بیضا درج نشده است.

در فراز نخست کتاب، با بررسی تاریخی مفهوم جوانی، خاطرنشان گردید که در درجه نخست، جوانی در طول تاریخ بشر، دوره‌ای بحرانی و پرتنش دیده شده است و در درجه بعد، به دلیل تحولات عصر حاضر، با گسترش یافتن و تمدید دوره جوانی، بر عمق مسایل و مشکلات آن افزوده شده است.

در ادامه، با تأکید بر این که دوره جوانی، دوره‌ای حساس و پرتلاطم است، خاطرنشان شد که در صورت بسترسازی برای شکوفایی خیرخواهی درونی جوان، وی در جهت رشد و اعتلای جامعه خویش به حرکت درآمده، ضمن ساختن جامعه‌اش، به ساختن و اعتلای خویش خواهد پرداخت، اما در صورتی که بستر مساعد برای شکوفایی جوان فراهم نباشد و وی در برخورد با واقعیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و اقتصادی جامعه، دچار تلخ‌کامی، یأس و سرخوردگی گردد، انرژی گسترده وی هرز رفته، جوان ممکن است به سادگی به هنجارشکنی و مقابله با آنچه آن را برحق نمی‌داند، برسد.

این اثر برای بررسی تحول‌های اخلاقی دانشجویان با زیربنای قراردادن آموزه دینی «مردم طبق سیره رهبران عمل می‌کنند»، کوشید تا تحول‌های اخلاقی دانشجویان را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. از این رو تحول‌های اخلاقی دانشجویان به مثابه روبنای تحول‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی و سیاسی جامعه در نظر گرفته شد و هم‌زمان با بررسی تحول‌های اجتماعی جامعه، تلاش شد تحول اخلاقی دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد.

با بررسی فضای اجتماعی جوانان در آغاز انقلاب اسلامی، مشخص می‌شود که سردمداران انقلاب، عرصه گسترده‌ای را جهت به فعلیت رساندن خیرخواهی درونی جوانان در دستور کار خود قرار داده بودند. به این معنا که جوانان در عمل می‌دیدند، انقلاب اسلامی موفق به واژگون کردن نظام دیکتاتور شاه شده است. از سوی دیگر، نظام جدید، بلافاصله مظلومانه از سویی مورد حمله گروه‌های محارب و از سوی دیگر مورد تعرض رژیم بعثی عراق قرار گرفت. هم‌زمان جوانان نه تنها با ایجاد نهاد جهادسازندگی، از این امکان برخوردار شدند که پیام عمران و آبادی انقلاب را به اقصاء نقاط کشور ببرند، بلکه با جایگزین شدن به جای مدیران رژیم قبل و برعهده گرفتن مسوولیت‌های بزرگ در جنگ، در عمل به تحقق خیرخواهی درونی و انقلابی‌گری خویش پرداختند.

شعار جمهوری اسلامی مبنی بر نه شرقی نه غربی، واقعه مهم دیگری بود که جوانان انقلابی را دلگرم کرده، به آنان وعده ایجاد جامعه‌ای مستقل و مبتنی بر عدل و قسط و داد را می‌داد. به همین ترتیب اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان مسلمان، از سوی رهبر انقلاب با دیده تأیید نگریسته شد و کار آنان انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب نخست نامیده شد.

بررسی سال‌های اولیه انقلاب حکایت از آن دارد که از همان سال‌های نخست انقلاب برخی از مسوولان با توجه به گروه‌های محارب، ضد انقلاب و واپس مانده‌های رژیم شاهنشاهی، در جریان برخورد با آن‌ها، رفته رفته از میزان آزادی عمل شهروندان در جامعه انقلابی کاستند و جامعه را به تدریج به سمت امنیتی شدن بیش از پیش سوق دادند. به همین ترتیب رهبران انقلاب به جای تقویت بنیان‌های اقتصادی-اجتماعی جامعه و گسترش فرهنگ مدنی و دموکراسی در سطح جامعه، بیشتر توجه خود را معطوف به بیرون از مرزهای کشور کردند و کوشیدند تا با کمک به نهضت‌های انقلابی جهان، حکومت‌های مرتجع را سرنگون کرده، نفوذ معنوی خویش را در این کشورها گسترش دهند. بنابراین مردم باز با این مسأله مواجه شدند که خواست آنان در تعیین استراتژی‌های کلان جامعه مورد توجه رهبران جامعه نیست.

مضاف بر آن چه از آن یاد شد، جوانان از همان سال‌های نخست انقلاب خود را با به چالش گرفته شدن رهبری انقلاب از سوی برخی از روحانیون و شخصیت‌های اجتماعی، مواجه دیدند که بعد کاریزماتیک وی را درهم می‌شکست. با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و خاموش شدن شعله‌های جنگ، جوانان بیش از پیش خود را با فروکش کردن آرمان‌های انقلابی مواجه دیدند، به این معنا که نهاد پویای جهادسازندگی با ادغام در وزارت کشاورزی به توقف و رکود کشیده شد. بروز درگیری‌های متعدد در سطح مسوولان، حذف رقبا، گسترش رانت‌خواری‌ها از سویی و ضعف مفرط کارهای فرهنگی در سطح جامعه، محدود شدن آزادی اندیشه و بیان و به بازی گرفته نشدن جوانان در سطح جامعه از سوی دیگر، حاوی پیام‌های ناامید کننده‌ای برای جوانانی بود که که روحیات آنان با انقلابی‌گری ملازمه داشت.

جوانان در ادامه روندهای پیش گفته، خود را با واقعیات تلخ‌تری مواجه دیدند. به این معنا که همان جوانانی که در دوران جنگ حداقل امکانات ممکن خط مقدم جبهه‌ها را پر کرده و حفظ می‌کردند یا پیام عمران و آبادی انقلاب را به اقصاء نقاط کشور می‌بردند، رفته رفته با این مسأله مواجه شدند که رسانه‌ها از آنان به عنوان یک مشکل یاد می‌کنند و مسوولان بعضاً شعار حل مشکلات جوانان را می‌دهند.

در ادامه روندی که از آن یاد شد، هم‌زمان با تقسیم پست‌ها و بسته‌تر شدن فضای اجتماعی جامعه، جوانان احساس کردند که آنان در روابط اجتماعی، همچون اوایل انقلاب به بازی گرفته نمی‌شوند. بنابراین جوانانی که هر یک از آنان می‌توانستند در صورت به کارگیری در سطح جامعه، همچون آغاز انقلاب، تحول‌آفرین ظاهر شوند، با بسته دیدن فضا، از تحقق اقدام‌های انقلابی در سطح جامعه فاصله گرفتند و در هاله انزوای اجتماعی خویش کوشیدند تا با سرگرم ساختن خویش، پاسخی به انرژی بی‌پایان خود بدهند، اما مشکل جدید آن بود که ایران که در سال‌های نخست انقلاب به عنوان دومین کشور جوان جهان مطرح بود، امکانات لازم برای صرف وقت بهینه جوانان در امور فراغتی، تفریحی، هنری، ادبی و مانند آن‌ها را فراهم نیاورده بود. بنابراین جوانان در گرداب بی‌برنامگی مسوولان، در عمل به خودشان احواله داده شدند و سازمان ملی جوانان (که بعدها در وزارت ورزش ادغام شد)، به معاونت جوانان خود بودجه‌ای معادل ساخت یک جاده روستایی ۱۵-۱۶ کیلومتری را تخصیص داده بود که این امر به معنای پاک کردن صورت مسأله جوانان در جامعه و تنها نهادن آنان در مشکلات فرارویشان بود.

اگرچه با وجود شرایط اخیر، برخی از جوانان با اتکا به سرمایه‌های مادی و معنوی خود و خانواده‌شان، راه تعالی خویش را در جامعه ادامه دادند، اما اقشار قابل توجه دیگری از جوانان در فراز و فرودهای بی‌مهری اولیای امور به جوانان، خود را به دست سلبریتی‌های داخلی و خارجی، نشریات زرد، فضای مجازی و مانند آن سپردند.

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان اظهار داشت، همان‌گونه که در حدیث شریف وارد شده است که مردم به سیره رهبران‌شان عمل می‌کنند، جوانان با ملاحظه خط‌مشی‌های مغشوش و سردرگم رهبران‌شان، سردرگمی را پیشه خویش کرده و رفته رفته با فاصله گرفتن از اخلاق پویا و انقلابی سال‌های نخست انقلاب، اخلاقی روزمره، باری به هر جهت و قشری را پیشه خود کردند و با دیدن نامایماتی که آنان را هدف قرار داده بود یا به انحطاط نسبی اخلاقی رسیدند و یا ضمن یافتن دیدی انتقادی به مسوولان جامعه، دست به مقابله نسبی و بعدها مقابله جدی‌تر با مسوولان زدند.

به تعبیر دیگر، اگر چه در آغاز انقلاب رهبران انقلاب با بهاء دادن به جوانان و باز کردن عرصه برای بروز استعدادها، خلاقیت‌ها و خیرخواهی‌های درونی جوانان، در عمل اسباب رشد، شکوفایی و اعتلای ارزشی جوانان را پدید آوردند، اما در گذر زمان، عرصه‌های اجتماعی به تدریج به روی جوانان بسته شده، جوانان با رصد تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و اقتصادی جامعه، تلخ کام شده، روندهای جاری را منطبق بر عواطف پر شر و شور و اندیشه انقلابی خویش نیافتند. از این رو جوانان با بسته دیدن نسبی عرصه‌های تعالی و درخشش، بعضاً مسیر هنجارشکنی را پیشه خویش کرده، کوشیده‌اند تا ناکامی نسبی خویش را با تخالف‌ورزی‌های مختلف تشفی ببخشند.

عناوینی که در ترسیم تحول فرهنگی- اجتماعی- سیاسی جامعه مورد بحث قرار گرفته‌اند، به قرار زیر است:

شکل‌گیری تدریجی اقتدارگرایی سیاسی و دینی از آغاز انقلاب در جامعه، پدیدآیی مقاومت فرهنگی در جامعه، گسترش و تعمیق اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی در جامعه (تداوم اقتدارگرایی سیاسی، تداوم اقتدارگرایی دینی و گسترش اقتدارگرایی فرهنگی اجتماعی- عدم پذیرش آزادی، نگاه تکلیفی به مردم، طرح ضرورت کنترل مردم، برخورد مداخله‌گرایانه در زندگی خصوصی مردم، نگاه تحقیرآمیز به مردم، تحمیل مردم، نگاه تهدیدآمیز به مردم، اعمال برخوردهای تنبیهی با مردم-)، کاهش سرمایه اجتماعی در دوران پساختمی (افزایش مشکلات اقتصادی، افزایش آسیب‌های اجتماعی، افزایش مشکلات فرهنگی، افزایش مشکلات عقیدتی، افزایش مشکلات قضایی، افزایش آسیب‌های زیست محیطی و افزایش مشکلات روانی)، تحقق فرومایگی اخلاقی افشاری از دانشجویان هم‌زمان با کاهش شدید سرمایه اجتماعی در چهل سالگی انقلاب.

در ادامه، ضمن اذعان به یک‌دست نبودن جامعه دانشجویی و تأکید بر وجود دانشجویانی خلاق، پویا و مهذب، کوشش شده است تا با نگاهی آسیب‌شناختی، جلوه‌هایی از فرومایگی اخلاقی افشاری از دانشجویان، با بررسی آسیب‌های اجتماعی زیر مورد بحث قرار گیرد:

در ابعاد زیستی (افزایش کاربری زنان از وسایل آرایشی، گسترش کاربری مردان از وسایل آرایشی، افزایش میزان جراحی- های زیبایی در زنان، افزایش کاربری از پیرسینک، عمده شدن بدن در جنس مؤنث و مذکر، استقبال مردان از جراحی زیبایی، پرهیز از بارداری برای جلوگیری از بهم خوردن فیزیک بدنی، تلاطم جنسی - کاربری از ادبیات هرزه‌نگار، سرخوردگی جنسی، افزایش روابط فرازنشویی، ازدواج سفید، روابط ضربداری- ازدواج صورتی-، عشق دایره‌ای، سکس وحشی، هم- جنس گرایی، عشق بیمارگون، کاربری از فیلم‌های هرزه‌نگار با هدف آموزشی، زندگی تخیلی، همسفریاب -پایه یاب-، پدیده بی، دزدی دوست پسر یکدیگر-)

در ابعاد روانی (احساس بدشکلی بدنی، افسردگی فیس‌بوکی -اینستاگرامی-، عشق با کاربری از کرآش فایندر، گسترش مصرف ماری‌جوانا، کاهش سن مصرف مواد مخدر، اعتیاد به فناوری‌ها، مخدر دیجیتال، کاهش سن مصرف الکل، افزایش پرخاشگری درونی، تهدید بهداشت روانی کاربران فضای مجازی)؛

در ابعاد اجتماعی- فرهنگی (کم رنگ شدن فرهنگ ملی، به تمسخر گرفتن فرهنگ ملی، به تمسخر گرفتن جنس مخالف و موافق، اعتقاد به گسست نسلی، پناه بردن به فضای مجازی، افسردگی اجتماعی، بریدگی از هویت تاریخی، هویت زودبسته- شده، هویت سردرگم، شکل‌گیری هویت شبکه‌ای، تحقق هویت اشتراکی، ایجاد هویت کاذب، شکل‌گیری هویت پنهان،

شکل‌گیری هویت دوباره شده، هویت فرهنگی معارض، تحقق هویت سرمست یا ژن خوب، استقبال از فرهنگ جهانی، جابه‌جایی مراجع ارزشی جوانان، دفاع از فرهنگ لذت‌مدار، تحول روابط دختر و پسر، تخریب فرهنگی، تحول‌های ارزشی جامعه زنان -مسأله مالکیت بدن، استقبال از ورزش‌های رزمی، خشن شدن بزهکاری زنان، اخذ ارزش‌ها از جهان مدرن-، بحران الگوگیری نوجوانان و جوانان، الگوگیری از هنرپیشه‌های روز غرب، الگوگیری از شاخ‌های اینستاگرامی، استقبال از لمپنیسم اجتماعی، کنار نهادن رودربایستی‌ها، کم‌رنگ شدن شرم و حیا و عفاف، سوق یافتن به سمت ابتذال شخصیتی، رکیک شدن نسبی محاوره دانشجویان، پرخاشگری الکترونیکی، استقبال از ادبیات هرزه‌نگار، استقبال از سرگرمی‌های غیرمتعارف، هیجان جویی مرضی، قرار گرفتن در گرداب لایک، به نمایش نهادن خود در مسابقات مدلینگ، خرید و فروش لایک، هک کردن اطلاعات دیگران، تقلب، خرید و فروش تحقیق، پایان نامه و مقاله؛ دور زدن موانع اجتماعی؛

در ابعاد عقیدتی (تحولات قرائت دینی دانشجویان، برخورد خرافی با دین، کاهش ابعاد پیامدی و مناسکی دین، تأکید بر ریاکاری موجود در جامعه و دین، تأکید بر تبعیض‌های جنسیتی اسلام، تلاش در جهت خرافی نشان دادن دین، به سخره گرفتن مذهب، زیر سوال بردن چهره رحمانی دین، گرایش به جابه‌جایی مرجعیت عقلی به جای مرجعیت دینی، جابه‌جایی اخلاق دینی با اخلاق اجتماعی، تفسیرهای جدید دینی، پذیرش تنها خدا، شیطان‌پرستی، پذیرش خداگونه شدن آدمی، پذیرش نظریه دین به مثابه افیون توده‌ها، جایگزینی عرفان‌های نوظهور به جای دین، معیار قرار دادن ارزش‌های اومانستی -مانند دفاع از هم‌جنس‌گرایی-، تحولات پوشش دانشجویان، تغییر دین برای مهاجر، گرایش به پوچ‌گرایی)؛

در ابعاد اقتصادی (تلاش برای کسب پول به هر طریق ممکن، فحشای مجازی -شارژ کشیدن-، احساس سیری‌ناپذیری در کسب پول، کاربری اقتصادی از فضای مجازی، تلاش برای مدل شدن، استقبال از شوگر ددی و شوگر مامی، استقبال از شرط‌بندی -قمار-)؛

و در ابعاد سیاسی (کاهش شدید سرمایه اجتماعی، مقابله نسبی با اقتدارگرایی مسوولان در فضای اجتماعی جامعه -مقاومت فرهنگی-، مقابله با اقتدارگرایی مسوولان در فضای مجازی، مقابله جدی با اقتدارگرایی مسوولان در فضای اجتماعی جامعه). پس از ارایه توصیفی از جلوه‌های تنزل و انحطاط اخلاقی اقشاری از دانشجویان در ابعاد زیستی، روانی، فرهنگی -اجتماعی، عقیدتی، اقتصادی، سیاسی، در فراز دوم کتاب کوشیده شد تا با تمسک به ذخایر باقی مانده از جنگ ۸ ساله، با اتکا به عرفان سرخی که بدنه جنگ در طول جنگ ۸ ساله پدید آوردند، با طرح مفاهیم «مراقبه»، «مراقبه متعالی»، «مراقبه جمعی»، «مراقبه پس از مرگ» و «مراقبه جمعی پس از مرگ» برخی از رزمندگان، این امکان برای دانشجویان پدید آید که اخلاقیات تنها آنچه آنان در سطح جامعه خودشان و مسوولان می‌بینند، نیستند و افق‌های والاتری هم برای الگوبرداری و زیست اخلاقی آنان وجود دارد.

بررسی کتاب‌ها و متون اخلاقی موجود در طول تاریخ فرهنگی ایران، حکایت از آن دارد که کتاب‌های اخیر بعضاً در تلاش برای تغییر عملی رفتار افراد، به طرح روش‌های مداخله‌گرایانه و درمانی مختلفی دست زده‌اند. یکی از این روش‌های درمانی و اصلاحی، پوش مراقبه و محاسبه نفس است. روش مراقبه و محاسبه نفس از چهار مرحله مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه تشکیل شده است. در این روش به رهرو و سالک گفته می‌شود، با عنایت به این که نفس آدمی فریبکار و فریبنده است، در

مرحله نخست متوجه آن باشد که فریب نفس خویش را نخورد، در مرحله مراقبه، به سالک گفته می‌شود که وی مراقب درج صفات مطلوب و محمود در خود و فاصله گرفتن از صفات مذموم از مجموعه رفتاری خویش باشد. در مرحله محاسبه، از فرد رهرو تقاضا می‌شود، در انتهای روز و یا آخر هفته، به حساب و کتاب مجموعه رفتارهایی که از او سرزده است. بنشیند و سرانجام در گام آخر به سالک گفته شده است، اگر در کنار نهادن تدریجی صفات مذموم از مجموعه رفتارهای خویش و یا انجام رفتارهای مناسب و مطلوب در مجموعه رفتارهای خود موفق بوده است، شکر خدای متعال را به جای آورده، از این که در عمل در حال پیشرفت و تغییر رفتارها (و شخصیت و بن‌مایه) خویش است، شادمان گردد. اما اگر در مسیر مراقبه و محاسبه نفس خود موفق عمل نکرده است، با تنبیه عملی خویش، مانع از تکرار رفتارهای مذموم شده و یا خود را بیش از پیش به انجام رفتارهای محمود مورد نظر ملزم سازد.

بررسی آثار برجای مانده از واقعه نویسی‌ها و گزارش‌های اخلاقی و رفتاری برخی از رزمندگان، حکایت از به کارگیری مقوله مراقبه و محاسبه نفس در آنان دارد، اما از آنجا که در عرصه‌های بحرانی، سرعت تحولات بسیار شدید است، با غور و تفحص در ادبیات جنگ می‌توان به عرفان سرخی رسید که به نوعی با آنچه در طول تاریخ فرهنگی ایران در متون اخلاقی از آن یاد کرده‌اند، قابل مقایسه نیست. به این معنا که اگرچه مراقبه و محاسبه نفس به شکل معمول آن در سطح بسیاری از رزمندگان جاری و ساری بود، اما آنان در جریان محاسبه و مراقبه نفس خویش، با استقبال از دشوارترین راهکارهای ممکن، اوجی از مراقبه را در زندگی خود و در عرصه زمین خاکی رقم زده‌اند.

به این معنا که برخی از رزمندگان با تحمیل سنگین‌ترین جریمه‌های ممکن برای مهار نفس سرکش آدمی، در عمل فصل جدیدی در مقوله محاسبه و مراقبه نفس گشوده‌اند که آن تحمیل رفتارهایی (نظیر شستن دستشویی عمومی محل استقرار رزمندگان) بوده است که آدمی فطرتاً نسبت به انجام آن در خود احساس کراهت می‌کند، اگر از این «مراقبه متعالی»، بگذریم، شکل‌گیری «مراقبه‌های جمعی»، فراز دیگری است که در عرفان سرخ شکل گرفته در جبهه‌های جنگ ملاحظه می‌گردد. در این فراز، رزمندگان نه تنها به فکر مراقبه شخصی خویش بوده‌اند، بلکه درصدد به تعالی کشاندن رفتارهای دوستانشان هم بوده‌اند.

تحقق «مراقبه پس از مرگ» مقوله دیگری است که برخی از رزمندگان آن را در وجود خویش به نمایش نهاند. به این معنا که در اقدامی بسیار فراتر از آنچه در ادبیات حکمی و عرفانی (و عرفان حوزه‌های علمیه) این مرز و بوم مطرح بوده است، رزمندگانی بر دامن خاک پا نهادند که نه تنها در طول حیات خویش به مراقبت از رفتارهای خود همت گماردند، بلکه در اندیشه مراقبه پس از مرگ خویش نیز بودند تا مبادا نام یا خبر آنان، در شکلی فراتر از معمول طرح شده و شکل بگیرد. سرانجام در آخرین فراز از مراقبه متعالی رزمندگانی که از آنان یاد شد، در عمل ما با رزمندگانی مواجه هستیم که به «مراقبه جمعی پس از مرگ» نیز دست یازیده بودند. به این معنا که برخی از رزمندگان با شهادت خویش کار خود را تمام شده ندانسته، با وصیت به اطرافیان، هم سنگران و مسوولان جامعه، آنان را در جهت استقبال از مراقبه‌ای که به رفتارهای متعالی و خداپسند می‌انجامد، فراخوانده بودند.

اما در برخورد با وضعیت اخلاقی نه چندان مطلوب اقشاری از دانشجویان کشور چه می‌توان کرد؟

در بررسی‌ای که با اتکا به آموزه دینی «الناس علی دین ملوکهم» (سیره مردم همچون سیره رهبران‌شان است)، با رویکرد آسیب‌شناسی در زمینه‌ی تنزل اخلاقی برخی از دانشجویان صورت پذیرفت، ضمن ارایه اجمالی تحولات فرهنگی-اجتماعی و سیاسی-اقتصادی چهار دهه پس از انقلاب، از تحولات اخلاقی دانشجویان نیز یاد شد و تلاش گردید تحول‌های اخیر برمبنای تحول‌های زیربنایی جامعه در سیاست اقتصاد و فرهنگ تبیین گردد.

با توجه به آن‌چه بیان شد، می‌توان بیان داشت، در صورت تداوم وضعیت فرهنگی-اجتماعی و سیاسی-اقتصادی جامعه به شکل فعلی، راهکارهای مداخله‌گرایانه مختلفی در این زمینه قابل طرح هستند.

برخورد دادن عینی دانشجویان با مسایل نועدوستانه، می‌تواند با تحریک نועدوستی دانشجویان، در رفتارهای فردی و اجتماعی آنان مؤثر واقع آید.

طرح مقوله عشق و اعتلا بخشیدن به عشق برای رساندن آن به عشق به جمع و عشق به مردم، وجه مثبت دیگری است که در این میان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. به همین ترتیب اجرای برنامه‌های هویت‌بخش و برخورد دادن دانشجویان با هویت تاریخی‌شان، می‌تواند گام مثبتی در جهت اعتلای اخلاقی و رفتاری دانشجویان باشد، اما آنچه در این اثر مدنظر قرار گرفت، طرح الگوهای اسطوره‌ای دوران جنگ بود که می‌توان با استخراج آن‌ها، بدان‌ها تمسک جست. به این معنا که در دوران جنگ ۸ ساله، انسان‌هایی پا به عرصه نهادند که در اوج بحران جنگ و در تلاطم آتش و خون جنگ، به رقم زدن عرفان سرخی پرداختند که در سطحی بسیار فراتر از مشرب‌های عرفانی و اخلاقی مرسوم در تاریخ فرهنگی این مرز و بوم ظاهر شد و افق‌های جدیدی را در این زمینه به نمایش نهاد.

اگر چه ملاصدرا در اسفار چهارگانه خود، سفر از خود به خدا را در نهایت به سفر فرد در جمع و با جمع به سوی خدا می‌رساند، اما نگاهی به مهم‌ترین متون اخلاقی و عرفانی تاریخ فرهنگی ایران دلالت بر آن دارند که دستاوردهای حکما و عرفای تاریخ این مرز و بوم، حکایت از عرفان و اخلاقی عمدتاً فردمدار و غیراجتماعی دارند و اخلاق و عرفان پیشنهادی آنان ارتباط چندانی به جمع و جامعه ندارد. به عنوان مثال، مراقبه اخلاقی که فیض کاشانی در کتاب المحجبه الیضا مطرح می‌سازد، مراقبه‌ای فردی است. به همین ترتیب دستورهای اخلاقی میرزا جواد ملکی در کتاب المراقبات، دستورهایی معطوف به رشد و تعالی خود فرد هستند و امعان نظر چندانی به تعالی جمعی افراد ندارند. اما در عرفان سرخی که برخی از رزمندگان در جبهه‌های آتش و خون به رقم زدن آن پرداختند، در کنار مراقبه و محاسبه نفسی که در کتاب‌های اخلاقی و عرفانی مطرح است، به طرح موارد جدیدی نظیر «مراقبه جمعی»، «مراقبه پس از مرگ» و «مراقبه جمعی پس از مرگ» نیز پرداختند که مشابه آن‌ها در آثار بزرگان اخلاقی و عرفانی این مرز و بوم یافت نمی‌شود.

از این رو در درجه نخست، با توجه به نیاز نوجوانان و جوانان به الگوهای واقعی و در درجه بعد، با توجه به عواطف پاک نوجوانان و جوانان، به نظر می‌رسد با طرح الگوهای عملی که در عرفان سرخ جبهه‌ها درخشیدن گرفتند، در برابر جوانانی که در فضای واقعی و مجازی جامعه شاهد انبوهی از تخلف‌ها، تخطی‌ها، عهدشکنی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها و سوءاستفاده‌ها هستند، می‌توان حجت را بر جوانانی که خود را در محاصره بی‌اخلاقی‌ها می‌بینند، تمام کرد و بدان‌ها افق‌های جدیدی را نشان داد که زیست اخلاقی متفاوتی را رقم می‌زنند و به آنان تأکید می‌ورزد با دل سپردن به مبداء هستی، می‌توانند همچون رزمندگان پاک

نهادی که در عرفان سرخ جبهه‌ها، اوج انسانیت را تجربه کرده و به نمایش نهادند، فارغ از مسوولان گم کرده راه، از میان جمع و با جمع راه تعالی انسانی خود را محقق سازند.

برخی از مآخذ:

- آذر، یعقوب؛ خسروی راد، محمد (۱۳۷۲). روی پدهای مجنون. تهران: معاونت تبلیغات و انتشارات نیروی زمینی.
- آشیان، زهرا (۱۳۸۲). روزگاران: کتاب مادران شهدا. تهران: روایت فتح.
- ابول اولاء، خدیجه (۱۳۸۰). جرعه عطش. تهران: شادرننگ.
- ابول اولاء، خدیجه (۱۳۸۱). افلاکیان، خاطرات سرداران شهید شهرستان بیرجند. مشهد: کنگره بزرگداشت سرداران شهید و بیست و سه هزار شهید استان خراسان.
- احدی، احمد رضا به کوشش علیرضا کمری (۱۳۶۷). حرمان هور، دست نوشته های شهید احمد رضا احدی. تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- استکی، نسیم (۱۳۹۴). مسعود، خاطرات شهید مسعود آخوندی. اصفهان: ستارگان درخشان.
- اسفندیاری، خلیل (۱۳۸۰). اسطوره ها. تهران: شاهد.
- اسماعیلی، عباس، امانی، عبدالحمید (۱۳۹۵). چند قدم تا نجف، کارنامه عملیاتی رزمندگان بنیان گذار لشکر ۸ نجف اشرف. اصفهان: ستارگان درخشان.
- آسنت وی (۱۳۹۷). ابزار مدیریت، تحلیل و تبلیغ در شبکه های اجتماعی. به نشانی: <https://rank.ascentway.com>
- اکبر، علی و همکاران (۱۳۷۴). پرواز تا بی نهایت، حکایت های کوتاه از راد مردی بزرگ. تهران: انتشارات عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش.
- امیریان، داوود (۱۳۶۹). خداحافظ کرخه. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ایزدی، احمد (۱۳۹۱). فرمانده ی جوان، خاطرات شهید حسین نادری. چ ۲. کرمان: گرا.
- ایروانی، حجت (۱۳۷۳). دیده بان: خاطرات هشت دیده بان. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ایسپا (۱۳۸۰). بررسی گرایش به نماز در بین دانشجویان دانشگاه های تهران. (گزارش تحقیق). مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران.
- بلالی، اسماعیل و افشارکهن، جواد (۱۳۸۹). زیبایی و پول: آرایش و جراحی. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). بهار ۱۳۸۹. ۱۲ (۴۷ گروه اجتماعی). ۹۹-۱۴۰.
- بنی عامری، حسن (۱۳۷۶). جای پای هفتم، خاطرات زندگی سردار شهید سید حمید میرافضلی. کرمان: لشکر ۴۱ ثارالله.
- بنی لوحی، سید علی (۱۳۷۸). یاد ایام. اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، علیه السلام.
- بنی لوحی، سید علی (۱۳۹۰). زیر درخت گنار. چ ۶. اصفهان: ستارگان درخشان.
- بهزاد، حسین (۱۳۸۹). مهتاب خین، روایت شفاهی فرماندهی بسیجی سردار حسین همدانی از انقلاب، کردستان و دفاع مقدس. چ ۷. تهران: فاتحان.
- بهزاد، حسین (۱۳۷۶). در انتهای افق. کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه و ۳۶ هزار شهید استان تهران.
- بهزاد، حسین (۱۳۸۴). تکلیف است برادر، انقلاب، کردستان و جبهه غرب به روایت سردار حسین همدانی. تهران: غنچه و فرهنگ سرای پایداری.
- بهشتی، الهه (۱۳۹۲). چریک، کتاب خاطرات سردار شهید حمید ایرانمنش. چ ۴. کرمان: لشکر ۴۱ ثارالله، ستاد کنگره سرداران و شهدای استان کرمان.
- بهشتی، رضا (۱۳۷۶). درگیری در پد چهار. تهران: معاونت تبلیغات و انتشارات.

بهشتی‌پور، علی و خامه‌یار، محمد (۱۳۷۳). افلاکی خاکی، مجموعه خاطراتی از سرلشکر پاسدار شهید مهدی زین الدین. چ ۲. قم: نشر روح و کنگره بزرگداشت سرلشکر پاسدار شهید مهدی زین الدین.

بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر جذب مخاطبان به سریال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای؛ مطالعه موردی سه سریال تلویزیونی. فصلنامه علمی-ترویجی رسانه. سال بیست و هفتم. شماره ۲، ص ۵۱-۷۰.

بیچرانلو، عبدالله و یاسینی، سیده راضیه (۱۳۹۱)، نگاهی به تبلیغات تجاری متمرکز بر زنان در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی زبان، فصلنامه رسانه و خانواده. سال دوم. شماره ۵، ص ۷۵-۹۹.

بیدارمغز، حسین (۱۳۷۶). گلوله‌های بی خطر، خاطرات زندگی سردار شهید حمیدرضا جعفرزاده. کرمان: لشکر ۴۱ ثارالله و کنگره سرداران و شهدای استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان.

پاول، هنری ماسن و همکاران (۹). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. ۱۳۶۸. تهران: مرکز.

توسلی، غلام‌عباس؛ مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵). بررسی سطح دین‌داری و گرایش دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیر کبیر). مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران. دوره هفتم. شماره ۲. زمستان ۱۳۸۵.

توسلی، غلام‌عباس و مدیری، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی گرایش زنان به جراحی زیبایی در شهر تهران. مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان). بهار ۱۳۹۱. ۱۱۰ (پیاپی ۳۰). ۶۱-۸۰.

جدیدالاسلامی، حبیب (۱۳۷۷). دیده بان لاله‌ها، زندگی نامه سردار شهید غلامحسین (میرحسین) میرحسینی. زاهدان: کنگره بزرگداشت سرداران و شهدای استان سیستان و بلوچستان.

جعفریان، حبیب (۱۳۸۸). نیمه پنهان ماه، حمید باکری به روایت همسر شهید. چ ۱۲. تهران: روایت فتح.

جمالی، عیسی (۱۳۸۷). پرواز در قلاویزان. تهران: شاهد.

جمشیدیان، مرتضی (۱۳۷۵). خودشکنان، مجموعه خاطرات گردان امام موسی بن جعفر، علیه السلام. اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، علیه السلام.

جوانی، اکبر، کریمیان، احمد رضا (۱۳۷۵). حدیث حماسه. اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، علیه السلام.

جهانگیر فیض‌آبادی، حمید (۱۳۹۵). جنون مجنون. تهران: صریر.

چمران، مصطفی (۱۳۸۸). عارفانه. تهران: بنیاد شهید چمران.

حسام، حمید (۱۳۹۳). آب هرگز نمی‌میرد، خاطرات سردار جانباز میرزا محمد سلگی. تهران: صریر و بیست و هفت.

حسام، حمید (۱۳۷۸). غواص‌ها بوی نعنای می‌دهند. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.

حسینی، فاطمه (۱۳۹۵). سهم ایران از بازار مصرف فرآورده‌های آرایشی و بهداشتی. پایگاه خبری خبرگزاری صدا و سیما به نشانی: <http://www.iribnews.ir/fa/news/1113000>

حسینی، رؤیا (۱۳۸۴). کاش با تو بودم. مشهد: دبیرخانه کنگره شهدای استان خراسان.

حسینی، سمیه (۱۳۸۹). روزگاران، کتاب خاطرات. چ ۳. تهران: روایت فتح.

حسینی‌پور، سیدناصر (۱۳۹۱). پایبی که جا ماند. چ ۱۷. تهران: سوره مهر.

حق‌پناه، حسین (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سلبریتی‌ها بر گروه‌های مرجع دانشجویان. پایان نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد. رشته مطالعات جوانان. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

خدایاری فرد، محمد و همکاران (۱۳۸۸). آماده‌سازی مقیاس دین‌داری و ارزیابی سطوح دین‌داری اقشار مختلف جامعه ایران. (گزارش پژوهش). سازمان ملی جوانان، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فناوری، تحقیقات و علوم.

خراطیان خامنه، حسن (۱۳۸۲). بررسی میزان گرایش دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته پژوهش اجتماعی. دانشگاه تبریز.

خسروی، شمس (۱۳۹۰). استعفای کارمند شماره ۶۵۸۱۹، بر اساس زندگی سردار شهید ابراهیم محبوب (ابوادریس). مشهد: ستاره‌ها.

خسروی راد، (۱۳۷۶). چشم بیدار حماسه. کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه و ۳۶ هزار شهید استان تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خسروی، فریدون (۱۳۷۶). آتش و عشق. اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین (ع).

خسروی، فریدون (۱۳۷۷). حریر و حدید. اصفهان: کنگره بزرگداشت ۲۳ هزار شهید استان اصفهان، لشکر مقدس ۱۴ امام حسین (علیه السلام).

خضری، فرهاد (۱۳۸۹). جای پای فرهاد. تهران: روایت فتح.

خندان بارانی، مسعود (۱۳۷۷). تبسم آسمانی، زندگی نامه شهید مرتضی پیشداد. زاهدان: کنگره بزرگداشت سرداران و شهدای استان سیستان.

داوودآبادی، حمید (۱۳۷۹). تفحص. تهران: جنات فکه.

دهقان، احمد (۱۳۸۷). پل چوبی، خاطرات سردار شهید حاج احمد امینی. کرمان: ستاد کنگره سرداران و شهدای کرمان و سیستان و بلوچستان.

رابرتسون، رونالد (۴). جهانی شدن (تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی). ترجمه کمال پولادی. ۱۳۸۰. تهران: ثالث.

رحیمی‌نژاد، عباس و منصور، محمود (۱۳۸۰). بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. تابستان و پاییز ۱۳۸۰.

رزم آرای، علی (۱۳۹۳). ستارگان در زنجیر. ارومیه: کتاب خویان.

رستمی، ابراهیم (۱۳۸۰). نسیم عشق، زندگی نامه سردار شهید علی تجلایی. میانه: سلسبیل.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶). توسعه و تضاد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

رضاپور، راضیه (۱۳۸۵). آخرین معادله. مشهد: ستاره‌ها.

سازمان ملی جوانان (۱۳۷۳). منشور تربیتی نسل جوان. تهران: دبیرخانه شورای عالی جوانان.

سازمان ملی جوانان (۱۳۷۶). طرح بشارت. تهران: دبیرخانه شورای عالی جوانان.

سازمان ملی جوانان (۱۳۸۲). برنامه ملی جوانان. تهران: دبیرخانه شورای عالی جوانان.

سالاری، عزیزالله (۱۳۸۵). بدرقه ماه. قیام.

سالاری، عزیزالله (۱۳۹۰). چاووش بی قرار، زندگی و خاطرات سردار شهید عبدالعلی بهروزی. تهران: نیلوفران.

سپهری، معصومه (۱۳۹۰). لشگر خویان (خاطرات مهدی قلی رضایی). ج ۳. تهران: سوره مهر.

سرهنگی، مرتضی (۱۳۷۸). نماز ولایت والدین. ج ۲. کرمان: لشکر ۴۱ ثارالله.

سریع‌القول، محمّد (۱۳۸۰). جهانی شدن، ابعاد و پیامدها. فصلنامه مطالعات ملی، ویژه جهانی شدن (۱). سال سوم. زمستان.

سفیری، خدیجه و غفوری، معصومه (۱۳۸۸). بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده. دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه. شماره ۲. بهار و تابستان ۱۳۸۸.

سهراب‌زاده، مهران؛ یوسفی‌فر، طاهره و عباسی، رضا (۱۳۹۵)، تغییرات نقش زنان در تبلیغات تلویزیون ایران با تکیه بر نشانه‌شناسی آگهی‌های بازرگانی آقای فرش و نحوه‌ی شرکت در قرعه‌کشی هوم‌کر. فصلنامه زن در فرهنگ و هنر. دوره هشتم، شماره ۱، ص ۲۳-۴۴.

سیف‌الدینی، اشرف (۱۳۸۸). نذر قبول. کرمان: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان کرمان.

شرفی، محمد رضا (۱۳۷۲). دنیای نوجوانان. چ ۲. تهران: تربیت.

شریعتی، علی (۱۳۶۱). علی، علیه‌السلام، (مجموعه آثار). تهران: نیلوفر.

شریعتی، علی (بی‌تا). علی، علیه‌السلام، حقیقتی بر گونه اساطیر. تهران: بی‌نا.

شکری، کبری و هاشمی، ضیاء (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان جوان. فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۳، شماره ۲۴، ص ۱-۲۹.

شریفی، روح‌الله (۱۳۹۴). حاج حمزه، خاطرات حاج حمزه قربانی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.

شفیعی، مرتضی (۱۳۷۳). روزهای به یاد ماندنی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

شهابی، محمود (۱۳۸۲). جهانی شدن جوانی، خرده فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی شدن. فصلنامه مطالعات جوانان. شماره پنجم. زمستان ۱۳۸۲. ص ۲-۲۲.

شهیدی، سیدجعفر و کاظمی، مصطفی (۱۳۷۵). جان عاریت، خاطرات سردار شهید حاج علی قوچانی. اصفهان: کنگره بزرگداشت ۲۳ هزار شهید استان اصفهان، لشکر مقدس ۱۴ امام حسین (علیه‌السلام).

شولتز، دوان و شولتز، سینی، آلن (۹). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. (۱۳۷۹). چ ۳. تهران: ویرایش.

صبوری، راحله (۱۳۸۹). کوچه نقاش‌ها، خاطرات سید ابوالفضل کاظمی. چ ۱۰. تهران: سوره مهر.

صیفی‌کار، محسن (۱۳۸۴). تبسم نسیم. تهران: حیات و صریر.

طالبی، ابوتراب (۱۳۷۴). عملکرد دینی دانشجویان و نمادهای دین‌داری در میان دانشجویان. نامه پژوهش. شماره ۲۱-۲۰. ۱۳۸۰.

طاهری، مهرداد (۱۳۹۵). بدرود پنج ضلعی خونین. خاطرات ابوالقاسم محتشمی. ارومیه: کتاب خوبان.

طبرسی، ابوعلی‌الفضل بن حسین بن الفضل (۱۳۶۵). تفسیر مجمع‌البیان. ج ۲۵. تهران: فراهانی.

طحان، حسین (۱۳۹۰). راز ماندن. تهران: پیام آزادگان.

عابدینی، مجتبی (۱۳۹۱). شب خاطره. چ ۳. تهران: سوره مهر.

عارفی، محمدرضا (۱۳۸۸). گردان نیلوفر، خاطرات سردار شهید محمود پایدار. چ ۳. کرمان: کنگره بزرگداشت سرداران و هشت هزار شهید استانهای کرمان و سیستان و بلوچستان.

عاکف، سعید (۱۳۹۲). خاطرات شگفت (۱). چ ۲. مشهد: ملک اعظم.

عاملی، سعیدرضا؛ صبار، شاهر و رنجبر رضائی، مهدی (۱۳۸۷). مطالعات تلفن همراه. تهران: سمت.

عاملی، سعیدرضا؛ حسینی، حسین (۱۳۹۱). دوفضایی شدن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضای مجازی: مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی. تحقیقات فرهنگی ایران. بهار ۱۳۹۱. ۵ (۱) (پیاپی ۱۷). ۱-۳۰.

عاملی، سعیدرضا و رمضانی، اسماعیل (۱۳۹۵). بلوتوث و شبکه‌سازی اجتماعی: شبکه ارتباطی بلوتوثی در مترو تهران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

عباس‌ولدی، محمدحسین (۱۳۸۴). افلاکیان زمین. تهران: شاهد.

عباسی، قاسم (۱۳۸۸). پوتین‌های ساق بلند. تهران: شاهد.

عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۰). پدیده جهانی شدن (وضعیت بشر و تمدن اطلاعاتی). فصلنامه مطالعات ملی، ویژه جهانی شدن (۱). سال سوم. زمستان.

عبدالملکی، صفر (۱۳۹۰). نسیمی از بهشت. قم: پیام آزادگان.

علایی، سیداسماعیل (۱۳۷۳). ستاره زهیر. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

علوی‌زاده، سهیلا (۱۳۸۵). انتظار، خاطرات همسر شهید حاج کاظم رستگار (فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهدا). تهران: صریر.

علیانی، کورش (۱۳۸۹). روزگاران، کتاب خاطرات. چ ۵. تهران: روایت فتح.

غیاثوند، احمد (۱۳۸۴). بررسی نگرش دانشجویان نسبت به رفتارهای دینی. (گزارش تحقیق). سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی.

فاطمی، احمد (۱۳۷۸). نسل خورشید. تهران: عظیمی.

فخرایی، علیرضا (۱۳۸۰). آسمان زیر آب، خاطرات غواصان لشکر ۱۹ فجر. شیراز: کنگره سرداران و چهارده هزار شهید استان فارس.

فراهانی، مهدی (۱۳۷۶). در میان آتش، خاطراتی از سردار سرتیپ پاسدار شهید یدالله کلهر. تهران: معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کمیته انتشارات کنگره بزرگداشت سرداران شهید استان تهران.

فرانکن، رابرت، ای. (۱۹۹۸). انگیزش و هیجان. ترجمه حسن شمس اسفندآباد، غلامرضا محمودی، سوزان امامی پور. ۱۳۸۴. تهران: نشر نی.

فکوری، اصغر (۱۳۸۴). کوچه پروانه‌ها. لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام).

فکوری، اصغر (۱۳۸۸). روز تیغ، کتاب خاطرات زندگی سردار شهید علی‌آقا ماهانی. چ ۳. کرمان: لشکر ۴۱ ثارالله.

فکوهی، ناصر (۱۳۹۵). کثیف مثل سریال‌های ترکیه‌ای. سایت انسان شناسی و فرهنگ به نشانی:

<http://int.anthropology.ir/article/31764.html>

فهیمی، سید مهدی (۱۳۷۳). فرهنگ جبهه: مشاهدات، ج ۱۰. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فهیمی، سید مهدی (۱۳۷۳). فرهنگ جبهه: مشاهدات، ج ۵. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فهیمی، سیدمهدی (۱۳۸۱). فرهنگ نامه جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ. ج ۱. اصطلاحات، تعبیرات و اعلام. تهران: پایداری.

فهیمی، سیدمهدی (۱۳۸۱). فرهنگ نامه جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ. ج ۲. تابلونوشته‌ها، یادگار نوشته‌ها، نامه‌ها. تهران: پایداری.

فیض کاشانی، ملامحسن (بی‌تا). حقایق. ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی. تهران: علمیه اسلامیه.

قربانی، محمدعلی (۱۳۷۶). پیشانی و عشق، خاطراتی از سردار سرتیپ شهید ناصر کاظمی. تهران: معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قلی‌زاده، غلامرضا و غیور، موسی (۱۳۸۳). اخراجی‌ها، خاطرات سردار شهید حاج احد محرمی علافی. تبریز: شرکت تعاونی مسکن

جماران تبریز

کاظمی، اصغر (۱۳۸۸). دسته یک، بازروایی خاطرات شب عملیات. چ ۶. تهران: سوره مهر.

کارآمد، ابوالفضل (۱۳۸۰). خاطرات آفتابی. کرمان: مرکز کرمان شناسی.

کاوندی، عین الله (۱۳۷۷). شلمچه تنها نیست. تهران: کوثر.

کردی، حسین و حسینی نوذری، سیدعلی اصغر (۱۳۹۴). تجربه انواع آزار جنسی زنان. فصلنامه رفاه اجتماعی. دوره ۱۵، شماره ۵۷، ص ۳۰-۷.

کمیلی، غلامحسین (۱۳۸۱). در بوته آزمایش، خاطرات پر فراز و نشیب دوران اسارت. مشهد: جلیل.

کوثری، مسعود و خیرخواه، طاهره (۱۳۸۷). تحلیل محتوای پیام‌های کوتاه دانشجویان دانشگاه‌های تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۱، شماره ۲، ص ۵۷-۸۷.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت. فصلنامه مطالعات ملی. سال سوم. شماره ۱۰. زمستان.

گیدنز، آنتونی (۹). جهان رها شده: گفتارهایی درباره یک پارچگی جهان. ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب. ۱۳۷۹. تهران: ادب.

لاتوش، سرژ (۹). غربی سازی جهان. ترجمه امیر رضایی. ۱۳۷۹. تهران: قصیده.

لاور، رابرت (۹). دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی. ترجمه سید کاووس امامی. ۱۳۷۳. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

لطفی، علیرضا؛ نوری صفا، رسول و داوری، حمید (۱۳۷۵). غربت سبز، یادواره شهدای کردستان. اصفهان: دانشکده افسری دانشگاه امام حسین، علیه السلام.

لقمانی، احمد (۱۳۷۸). تندر تانک‌ها. اصفهان: مرکز بازسازی زرهی سرلشکر شهید مهدی زین الدین.

مارشال ریو، جان (۲۰۰۱). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی. ۱۳۸۱. چ ۴. تهران: ویرایش.

محمدزاده، فهیمه (۱۳۸۰). حریف شب. مشهد: شادرننگ و دبیرخانه کنگره بزرگداشت سرداران شهید و ۲۳۰۰۰ شهید استان خراسان.

محمدی (م. ریحان)، محمدعلی (۱۳۹۰). کمین واژه‌ها. تهران: سوره مهر.

محمدی، جلال (۱۳۸۴). ستاره بدر. زندگی علی تجلایی. تبریز: ستاد کنگره شهدا و سرداران شهید آذربایجان شرقی.

محمدی، حسینعلی (۱۳۷۷). ندای ارجعی. اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، علیه السلام.

محمدی؛ مظاهر (۱۳۷۷). سردار بیداری، زندگی نامه و خاطرات سردار شهید علی لبسنگی. زاهدان: کنگره بزرگداشت سرداران و شهدای استان سیستان و بلوچستان.

مخدومی، رحیم (۱۳۷۷). شهردار خوب، زندگی نامه جهادگر شهید محمدابراهیم احمدپور. ورامین: علمی فرهنگی صاحب الزمان.

مخدومی، رحیم (۱۳۹۳). فرماندهان ورود ممنوع، خاطرات ۳۰ تن از پیش کسوتان تخریب چپ کشور. چ ۲. تهران: یاران شاهد.

مخدومی، رحیم و همکاران (۱۳۸۸). فرمانده من. چ ۳۶. تهران: سوره مهر.

مردی، فرزانه (۱۳۸۹). یادگاران، کتاب باقری. چ ۵. تهران: روایت فتح.

مردی، فرزانه (۱۳۸۹). یادگاران، کتاب جهان آرا. چ ۱. تهران: روایت فتح.

مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی (۱۳۸۳). تأثیر اندیشه سکولار در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. (گزارش تحقیق). مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی.

مساح، مرتضی (۱۳۹۴). آقای دکتر، روایت حاج یوسف کشفی اولین فرمانده بهداری لشکر ۱۴. چ ۲. اصفهان: ستارگان درخشان.

مشتاقی‌نیا، سیدحمید (۱۳۸۳). یک گام تا خدا. قم: آفتاب خوبان.

مطلق، محسن (۱۳۸۹). جاده‌های خلوت جنگ. چ ۳. تهران: سوره مهر.

مطلق، محسن (۱۳۹۰). حاجی بخشی، خاطرات شفاهی حاج ذبیح الله بخشی. تهران: عماد فردا.

معاونت فرهنگی بنیاد شهید استان فارس (۱۳۸۰). روایت عشق. شیراز: ملک سلیمان.

معیدفر، سعید و گنجی، احمد (۱۳۸۸). تحلیلی بر کاربردهای تلفن همراه در بین دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر تهران. مجله جهانی رسانه. دوره ۴، شماره ۲، ص ۷۹-۱۰۴.

ملک احمدی، عدلی پور، حکیمه؛ عدلی پور، صمد و پیرنیا، زهرا (۱۳۹۳). آسیب شناسی آثار هرزه نگاری اینترنتی بر روابط جنسی زوج ها. فصلنامه رسانه و خانواده. سال چهارم. شماره ۱۰ و ۱۱، ص ۲۹-۵۰.

منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۰). جهانی شدن، ابعاد و پیامدها. فصلنامه مطالعات ملی، ویژه جهانی شدن (۱). سال سوم. زمستان.

منطقی مرتضی (۱۳۷۲). روان شناسی تربیتی. ج ۲. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.

منطقی، مرتضی (۱۳۷۷). راز گل سرخ. ج ۴. تهران: مرکز پژوهش های بنیادی وزارت ارشاد اسلامی.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۱ الف). بررسی روش های درونی سازی کردن ارزش های دینی در نوجوانان و جوانان. (گزارش تحقیق). پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۱ ب). رفتارشناسی جوان در دهه های سوم و چهارم انقلاب. اولین سمینار سراسری روان شناسی. دانشگاه تربیت معلم. آبان، ۱۳۸۱.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۱ ج). جامعه پذیری ضد جامعه پذیری. مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی. تهران: محراب قلم.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۲). بحران هویت دختران. (گزارش تحقیق، چاپ نشده). پژوهشکده علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۳). بررسی روش های هیجان جویی دانشجویان ساکن در خوابگاه های دانشگاه تهران. دومین سمینار بهداشت روان دانشجویان. دانشگاه تربیت مدرس. اسفند، ۱۳۸۳.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۳ الف). از هویت ایدئولوژیک تا هویت متعارض. (گزارش پژوهش). مرکز مشارکت امور زنان.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۳ ب). روان شناسی نسل سوم انقلاب. (گزارش پژوهش). شورای عالی انقلاب فرهنگی.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۳ ج). رفتارشناسی جوان در دهه های سوم و چهارم انقلاب. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۶). راهنمای والدین در استفاده ی فرزندان از فناوری های ارتباطی جدید: تلفن همراه. تهران: عابد.

منطقی، مرتضی، خواجهی، زینب، معمار، فاطمه (۱۳۸۸). مرور ادبیات تحقیق چت روم ها با تأکید بر ضرورت فرهنگ سازی در فناوری های ارتباطی جدید. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال پنجم. شماره ۱۷. زمستان ۱۳۸۸.

منطقی، مرتضی (۱۳۸۹). تحلیل محتوای کلیپ گوشی تلفن همراه دانشجویان دختر دانشگاه تربیت معلم. ارایه شده به پنجمین همایش بهداشت روانی دانشجویان. دانشگاه شاهد. اردیبهشت ۱۳۸۹.

منطقی، مرتضی، بلقان آبادی، مصطفی (۱۳۸۹). تحلیل محتوای اتاق های گپ اینترنتی (چت روم های) ایرانی. نشریه علمی - پژوهشی سلامت روانی. دوره سوم. شماره دوم. تابستان ۱۳۸۹.

منطقی، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی تحولات نگرش دینی جوان ایرانی. (نشر محدود).

منطقی، مرتضی، دین پرور، احسان (۱۳۹۱). شکل گیری هویت پنهان در کاربران فناوری های ارتباطی پیشرفته. فصلنامه علمی - پژوهشی فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی. زمستان ۱۳۹۱.

منطقی، مرتضی و رشیدی حر، جهانگیر (۱۳۹۱). بررسی فضای اجتماعی گیم نت ها. نشریه علمی - پژوهشی سلامت روانی. دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱.

منطقی، مرتضی (۱۳۹۲). بررسی دلایل افزایش یا کاهش دین‌داری دانشجویان: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه خوارزمی. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناسی. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مؤسسه روان‌شناسی و علوم تربیتی. تابستان ۱۳۹۲.

منطقی، مرتضی (۱۳۹۳ الف). بررسی نگرش دانشجویان به کاربری از فناوری‌های ارتباطی فیس‌بوک، شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه و ماهواره. ارایه شده در هفتمین همایش بهداشت روان دانشجویان. اردیبهشت ۱۳۹۳. دانشگاه صنعتی اصفهان.

منطقی، مرتضی (۱۳۹۳ ب). مطالعه نحوه بهره‌گیری دانشجویان از پیامک، گالری عکس و کلیپ‌های تلفن همراه (مطالعه دانشجویان دانشگاه خوارزمی)، فصلنامه مسایل اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۱، ص ۱۶۷-۱۸۳.

منطقی، مرتضی (۱۳۹۳ ج). بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای تلفن همراه در سطح نوجوانان و جوانان ایرانی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. گزارش پژوهش. (منتشر نشده).

منطقی، مرتضی (۱۳۹۵). تحول‌های هویتی جوان ایرانی پس از انقلاب. مقاله ارایه شده در همایش بزرگداشت دکتر علی شریعتمداری. دانشگاه خوارزمی. ۱۳۹۵.

منطقی، مرتضی (۱۳۹۶). نقش الگوهای جهادی در تعمیق هویتی جوانان، نشریه علمی-پژوهشی راهبرد فرهنگ، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۶.

میرزایی، عباس (۱۳۸۷). گردان غواص، خاطراتی از گردان ۴۱۰. کرمان: مرکز کرمان شناسی.

میرزایی، عباس (۱۳۹۱). احمد آقا، خاطرات شهید احمد عبداللهی. چ ۲. کرمان: گرا.

میرزایی، عباس (۱۳۹۱). زنجیرها، خاطرات شهید غلامحسین خزایی. چ ۲. کرمان: گرا.

ناصر دوست، محمد و بابازاده، محسن (۱۳۸۴). گمشدگان مجنون، حدیث حماسه و پایداری علمداران لشکر ۳۱ عاشورا سرداران شهید حمید باکری و مرتضی یاغچیان. چ ۲. تبریز: ستاد کنگره شهدا و سرداران شهید آذربایجان شرقی (لشکر ۳۱ مکانیزه عاشورا).

ناظمی، سیدقاسم (۱۳۸۳). خداحافظ سردار. چ ۳. تبریز: ستاد کنگره شهدا و سرداران شهید آذربایجان شرقی.

نراقی، ملااحمد (۱۳۵۱). معراج السعاده. تهران: علمی.

نراقی، ملا مهدی (۹). جامع السعاده. ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبوی. ۱۴۰۵ ه. ق. تهران: حکمت.

نسایی، غلامعلی (۱۳۹۰). زودی پرستو شو، بیا. تهران: عماد فردا.

نصری، محسن (۱۳۹۵). سفر به دارخوین، گزارش سفر گروهی از فرماندهان لشکر امام حسین به جبهه دارخوین. اصفهان: ستارگان درخشان.

نظزلو، مرضیه و فرامرز، کاظم (۱۳۹۲). ایستگاه دهلران، خاطرات حسن رنجبرکهن. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس و پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.

نظمی تبار، منوچهر (۱۳۹۶). آتش روی اروند، خاطرات رزمندگان غواص لشکر ۳۱ عاشورا ارسلان بهاری. تهران: صریر.

نهادندی، علی؛ رشکیانی، مهدی (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل اثرگذاری سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان بر خانواده. فصلنامه رسانه و خانواده. شماره ۱، ص ۷۴-۹۳.

نورمحمدی، ساسان (سعید) (۱۳۹۵). مهری از نان ساجی، خاطرات شهید ابراهیم رستمی فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان کرمانشاه. تهران: سوره مهر.

وجدانی، زهرا (۱۳۸۴). تبسم آسمانی، زندگی‌نامه شهید علی اصغر ابراهیمی. تهران: هزاره ققنوس.

ودادی، مریم؛ پورحسین، رضا و کمالی، محمد (۱۳۹۳). الگوهای اخلاقی کانال‌های ماهواره‌ای، مطالعه موردی: سریال عشق ممنوع. فصلنامه علمی-پژوهشی رادیو و تلویزیون. سال دهم، شماره ۲۲، ص ۸۹-۱۱۴.

ولیس، پاتریشیا (۹). روان‌شناسی اینترنت. ترجمه بهنام اوحدی، فضل‌الله قنادی و حمیرا صفوی همایی. ۱۳۸۲. اصفهان: نقش خورشید.

هاشمی، سید ولی (۱۳۹۰). بوی تربت، خاطرات حلیمه عرب زاده طوسی. تهران: شاهد.

هاشمی، سید ولی (۱۳۹۶). حاج عمران، خاطرات اولین فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، سردار حاج عبدالعلی عمرانی. تهران: سوره مهر.

هنرپروان، نازنین، رفاهی، ژاله (۱۳۸۵). زنان و پیامدهای روان‌شناختی چت و دوستیابی‌های اینترنتی. آرایه شده در همایش زنان و اینترنت. یوسفی کوپایی، محمدرضا (۱۳۷۵). ناظران وجه الله. اصفهان: لشکر زرهی ۸ نجف.

Adams, G. R., Berzonsky, M. D., & Keating, L. (2006). Psychosocial resources in first-year university students: The role of identity processes and social relationships. *Journal of Youth and Adolescence*, 35(4), 671-672

Arnett, J. (1996). The soundtrack of recklessness; Musical preferences among adolescents. *Journal of Adolescent Research*. 7, 3, 313 -31

Ball, S. A. et al. (1994). Adolescent Egocentrism, Risk Perceptions, and sensation seeking among Smoking and Nonsmoking Youth. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. V 62

Berzonsky, M. D. (1985). Diffusion within marcia's identity-status paradigm: Does it foreshadow academic problems?. *Journal of Youth and Adolescence*, 14(6), 527-38

Berzonsky, M. D., Rice, K. G., & Neimeyer, G. J. (1990). Identity status and self-construct systems: Process X structure interactions. *Journal of Adolescence*, 13(3), 251-63

Broihier, M. C.; Manning-Miller, C. (1985). The Sensation Seeking Motive and Media Use. Eric.

Bushong, Sara (2002). Parenting the Internet: Resources for Parents and Children. *Teacher Librarian*, v29 n5 p12-16 Jun 2002

Caplan, Jeremy (2008-06-18). "The iPhone's Next Frontier: Porn". Time magazine. <http://www.time.com/time/business/article/0,8599,1815933,00.html>

Carew, Sinead (2008-01-30). "Porn to spice up cell phones". Reuters. <http://www.reuters.com/article/technologyNews/idUSN3030000720080130?sp=true>. Retrieved 2008-08-26.

Curran, M. F.; Fuertes, J. N.; Alfonso, V. C.; Hennessy, J. J. (2010). *Journal of Addictions & Offender Counselin*. V 30 n 2 p 84-98

Diamantes, Thomas (2010). Recent Court Rulings regarding Student Use of Cell Phones in Today's Schools. *Education*, v131 n2 p404-406 Win 2010

DiVirgilio, A. (Dec 01, 2013). Money In Pornography: One Of The Most Misunderstood Industries.

Frankenberger, K. D. (2004). Adolescence ego centrism, risk perceptions, and sensation seeking among smoking and Do not smoking youth. *Journal of adolescent research*. 19, 5, 576, 560

Frieser, M. (2009). Sector profile: Porn in the USA. WWW. Mobile entertainment news.

Huth, A. C. (2002). Personality, sensation seeking, and risk-taking behavior in a collage population. *Journal of National Honor society in psychology*. 1,3

ISPAPS (2016). <https://www.isapa.org/wpcontent/uploads/2017/10/GlobalStatistics>. pressRelease 2016-1. pdf

Joinson, A. N. (2003). Understanding the psychology of internet behavior, virtual worlds, real lives. London: Palgrave Macmillan.

Lehrer, J. (August 24, 2009). Porn and Mirror Neurons. Posted by Jonah Lehrer on August 24, 2009

Lorente, S. (2002). Youth and Mobile Telephones: More than a Fashion. In Villar, E. A. (EDS.) *Revista de studios de juventud* (pp. 9-24). Youth and Mobile. Madrid: A. G. LUIS PEREZ.

Nate Anderson (2011). Mobile phone users love their pornography. www.ars-technica.com

Nicol, Annemarie; Fleming, Michele J. (2010). "i h8 u": The Influence of Normative Beliefs and Hostile Response Selection in Predicting Adolescents' Mobile Phone Aggression--A Pilot Study. *Journal of School Violence*, v9 n2 p212-231 2010.

- Owens, E. W.; Behun, R. J.; Manning, J. C. & Reid, R. C. (2012). The Impact of Internet Pornography on Adolescents: A Review of the Research. Pages 99-122 | Published online: 09 Apr 2012
- Pertierra, R. (2005). Mobile phones, identity and discursive intimacy. *An Interdisciplinary Journal on Humans in ICT Environments*. Volume 1 (1), April 2005, 23-44
- Pittman, J. F., Kerpelman, J. L., Lamke, L. K., & Sollie, D. L. (2009). Development and validation of a Q-Sort measure of identity processing style: The identity processing style Q-Sort. *Journal of Adolescence*, 32(5), 1239-1265
- Plant, S. (2000). on the mobile, the effects of mobile telephones on social and individual life. Online Publications Sociology of the Mobile Phone. Soziologisches Institut der Universität Zürich.
- Rafferty, Tom (2006-04-25). "Boy cited for taking porn to school". Bismarck Tribune. Lee Enterprises. <http://www.bismarcktribune.com/articles/2006/04/25/news/local/113696.txt>.
- Santrock, J. W. (2008 a). *Adolescence* (12th ed). New York: MC Graw Hill.
- Santrock, J. W. (2008 b). *Essentials of life-span development*. New York: MC Graw Hill.
- Schwarz, R. M.; et al. (1978). *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v46 n5 p1144-45 Oct
- Shaffer, D. R. (1996). *Developmental psychology, Childhood and adolescence*. Fourth Ed. New York: Brooks/Cole publishing company.
- Spitalnick, J., Diclemente, R., Wingood, G., Crosby, R., Milhausen, R., Sales, J., Mccarty, F., Rose, E., Younge, S. (2007). Brief report: sexual sensation seeking and its relationship to risky sexual behaviour among african-american adolescent females. *Journal of Adolescence*. v30 n1 p165-173
- Struthers, W. M. (2011). The Effects of Porn on the Male Brain. *Christian Research Journal*, volume 34, number 05
- Weisskirch, R. S. & Murphy, I. C. (2003). Sensation seeking and internet activities, music preference, and personal relationship among college students. *Eric.ed. gov*.
- Weisskirch, R. S. & Murphy, I. C. (2004). Friends, Porn, and punk; sensation seeking in personal relationships, internet activities, and music preference among college students adolescence. *Eric.ed. gov*.